بسم الله الرحمن الرحيم

بانکی قوانین

قوانین بانکی

مجموعه قوانین افغانستان ــ۷

نام:	قوانین بانکی
ناشر:	وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
تهیه و ترتیب:	ریاست نشرات
تاریخ نشر:	۱۳۸۸
تیراژ:	۵۰۰۰
چاپ:	اول
قیمت:	۲۵۰ افغانی
صفحه‌آرا:	امان الله صداقت
مطبعه:	احمد
تلفن ریاست نشرات:	۰۷۰۰۰۸۸۱۲۸
ویب سایت:	www.moj.gov.af

کلیه حقوق چاپ برای وزارت عدلیه محفوظ است.

مجموعه قوانین بانکی

۱. قانون د افغانستان بانک.....جریدۀ رسمی ۸۱۹، مؤرخ ۱۳۸۲/۱۱/۳۰

۲. قانون بانکداری.....جریدۀ رسمی ۸۱۹، مؤرخ ۱۳۸۲/۱۱/۳۰

۳. قانون اسناد قابل معامله.....جریدۀ رسمی ۹۷۱، مؤرخ ۱۳۸۷/۱۱/۵

۴. قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی .....جریدۀ رسمی ۹۹۰، مؤرخ ۱۳۸۸/۵/۵

۵. قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی.جریدۀ رسمی ۹۹۰ مؤرخ ۱۳۸۸/۵/۵

فهرست

مقدمهٔ ناشر ۲۷

قانون د افغانستان بانک

فصل اول: تأسیس، اهداف و وظایف د افغانستان بانک ۳۲
تأسیس ۳۲
اهداف و وظایف اساسی ۳۳
خود مختاری ۳۵
همکاری بین المللی ۳۷
اصلاحات ۳۸
فصل دوم: تشکیل و اداره ۴۸
تشکیل ۴۸
ترکیب شورای عالی ۴۸
وظایف شورای عالی ۴۹
صلاحیت های شورای عالی ۵۱
شرائط عضویت شورای عالی ۵۴
حقوق اعضای شورای عالی ۵۶
سلب صلاحیت و سبکدوشی اعضای شورای عالی ۵۶
استعفای اعضای شورای عالی ۵۸
کرسی خالی در شورای عالی ۵۹
جلسات شورای عالی ۵۹
جریان، صورت جلسات و تصامیم شورای عالی ۶۱
اعلام منافع ۶۲
هیئت عامل ۶۳
صلاحیت های رئیس کل ۶۴
عضویت در هیئت عامل ۶۵

ناظر کل ۶۹
کارکنان ۷۰
کارکنان و نمایندگان ۷۱
امتناع ۷۲
تضاد منافع ۷۲
حفظ اسرار ۷۳
فصل سوم: امور مالی ۷۴
سرمایه ۷۴
محاسبهٔ منفعت یا ضرر خالص ۷۵
تخصیص منافع خالص ۷۶
تخصیص اضرار خالص ۷۹
جبران کاهش در سرمایه ۸۰
قیود در تخصیص منفعت خالص ۸۳
فصل چهارم: ۸۳
قسمت اول- پول ۸۳
پول رایج و واحد پولی ۸۳
نشر بانکنوت وسکه ۸۳
پول رایج و قانونی ۸۵
مشخصات پول رایج ۸۶
تولید و محافظت از پول رایج ۸۶
تبادلهٔ پول رایج ۸۷
پول رایج نامناسب ۸۷
موجودی پول رایج و پلان نشر ۸۹
طرز العمل حسابداری پول نشر شده ۸۹
جمع آوری پول رایج ۹۰
قسمت دوم- پول مورد محاسبه و پرداخت ۹۱
حسابات دولتی و پرداختهای الزامی ۹۱
مبالغ ذکر شده در اسناد تقنینی، ارزشگذاری و تعویض ۹۲

قراردادها ۹۴
آزادی در رابطه با پول رایج ۹۴
تنفیذ مکلفیت تأدیاتی اسعاری ۹۵
قسمت سوم- جرائم ۹۷
پول جعلی ۹۷
جعل پول ۹۸
داشتن پول جعلی ۹۹
ذوب سکه ها ۱۰۰
به جریان گذاشتن ۱۰۱
توته های فلزی و توکن ها ۱۰۲
از شکل انداختن یا معیوب کردن ۱۰۲
شبیه سازی بانکنوت ها ۱۰۴
وسائل یا مواد ۱۰۵
انتقال وسائل سکه زدن از ضرابخانه ۱۰۶
اعلان، تجارت ۱۰۷
احکام اختصاصی در مورد اثبات ۱۰۸
نشر غیر مجاز بانکنوت، سکه، اسناد و نشانه ها (توکن ها) ۱۰۹
مصادره ۱۱۰
فصل پنجم: وظایف و فعالیتهای پولی ۱۱۱
سیاست پولی ۱۱۱
عملیات بازار آزاد ۱۱۱
ذخایر الزامی بانکها ۱۱۲
تخلف از تأمین ذخایر الزامی ۱۱۳
عملیات تنزیل ۱۱۴
اعطای قروض ۱۱۵
نرخ های تنزیل و قرضه ۱۱۷
فصل ششم: سیاست نرخ و کنترول اسعار ۱۱۷
سیاست های کلی ۱۱۷

مکلفیت ها ۱۱۸
قرار دادهای تصفیه و پرداختهای بین المللی..... ۱۱۹
ذخایر اسعاری..... ۱۱۹
دریافت، نگهداری و انتقال ذخایر اسعاری بین المللی..... ۱۲۱
محدودیت بر بدیهی های اسعاری..... ۱۲۲
صرافان اسعار..... ۱۲۲
فصل هفتم: روابط د افغانستان بانک با دولت ۱۲۴
بانکدار، مشاور و نمایندۀ مالی..... ۱۲۴
مشوره و گزارش در مورد استقراض دولتی..... ۱۲۶
امین و خزانه دار دولت..... ۱۲۶
فعالیت نمایندگی مالی ۱۲۷
معلومات مطلوبه..... ۱۲۸
قروض د افغانستان بانک به دولت..... ۱۲۸
خرید اسناد بهادار قرضۀ دولت..... ۱۲۸
فصل هشتم: روابط د افغانستان بانک با سایر بانکها ۱۲۹
صدور جواز، نظارت و تنظیم بانکها..... ۱۲۹
همکاری با مقامات نظارتی بانکهای خارجی ۱۲۹
حسابات بانکی در دفاتر..... ۱۳۰
آخرین قرضه دهنده..... ۱۳۱
فصل نهم: پرداخت، تصفیه و تسویه..... ۱۳۲
سیستم های پرداخت و مجریان آن ۱۳۲
سیاست سیستم پرداخت ۱۳۵
خطرات داخلی سیستم و اطمینان در تسویه ۱۳۶
خدمات پولی..... ۱۳۸
متفرقه..... ۱۴۰
فصل دهم: خدمات اسناد بهادار و سیستم انتقال آن..... ۱۴۲
ثبت خدمات اسناد بهادار ۱۴۲
معافیت از مقررات ثبت..... ۱۴۴

تنظیم، نظارت و معیارهای احتیاطی ۱۴۵
محدودیت در عرضهٔ عام و فروش اسناد بهادار ۱۴۶
سیستم های انتقال اسناد بهادار ۱۴۸
منع برنامه های هرمی ۱۵۲
متفرقه ۱۵۲
وظایف ۱۵۵
فصل یازدهم: حسابها، صورت حساب مالی، بررسیها و گزارشها ۱۵۶
سال مالی ۱۵۶
روش حسابداری ۱۵۶
صورت حساب مالی ۱۵۷
بررسی حسابات ۱۵۷
طبع و انتشار صورت حسابها و راپورها ۱۵۷
گزارش سیاست پولی ۱۵۸
فصل دوازدهم: کمیسیون حل منازعات مالی ۱۶۰
کمیسیون ۱۶۰
صلاحیت های کمیسیون ۱۶۰
ترکیب کمیسیون ۱۶۲
ثبت دارائی و عدم اشتراک در حل و فصل منازعه ۱۶۴
مکلفیت های اعضای مسلکی کمیسیون ۱۶۵
طرز العمل و لایحه کمیسیون ۱۶۶
احضار اشخاص به کمیسیون ۱۶۶
فیصلهٔ کمیسیون ۱۶۶
اعتراض بر تصامیم و احکام ۱۶۷
فصل سیزدهم: احکام متفرقه ۱۷۰
حق تقدم ۱۷۰
فعالیتهای ممنوعه ۱۷۱
جمع آوری اطلاعات احصائیوی ۱۷۳
مصئونیتها ۱۷۷

معیارهای ادارهٔ شایسته ۱۷۹
حسابات امانی ۱۷۹
اشخاص فاقد جواز و ثبت ۱۸۰
تخلفات ۱۸۲
وضع مقررات ۱۸۲
فصل چهاردم: احکام انتقالی ۱۸۲
مرعی الجراء بودن قراردادها و معاملات ۱۸۲
خدمات بانکداری تجارتی ۱۸۳
کمیتهٔ مستقل بررسی ۱۸۴
حسابهای اسعاری برای تصدیها ۱۸۵
تجدید جواز ۱۸۷
معرفی یک عضو شورای عالی توسط وزیر مالیه ۱۸۷
تعلیق اصل تابعیت ۱۸۷
تأخیر نفاذ مواد متعلق به فعالیتهای سیاسی ۱۸۸
تطبیق تدریجی مقررات احتیاطی ۱۸۸
حکم در مورد تقرر اعضای شورای عالی ۱۸۹
انفاذ ۱۸۹

قانون بانکداری

فصل اول: احکام عمومی ۱۹۴
اصطلاحات ۱۹۴
فعالیت های ممنوعه ۱۹۹
وضع مقررات بانکداری ۲۰۴
طرزالعمل در مورد منافع خارجی در فعالیت های بانکداری ۲۰۵
مصونیت از تعقیب عدلی ۲۰۷
فصل دوم: جواز و اجازه نامه ۲۰۷
جواز و اجازه نامه بانکداری ۲۰۷
درخواست برای جواز بانکداری اجازه نامه و فیس ۲۰۹

طرز صدور جواز بانکداری برای شرکت های جدید التأسیس ۲۱۰
طرز العمل اعطای جواز برای شرکت های موجود..... ۲۱۵
طرزالعمل اعطای جواز نامه برای فروع و دفاتر نمایندگی بانک ها..... ۲۱۶
همکاری با تنظیم کنندۀ بانکهای خارجی..... ۲۱۸
شرایط عمومی در مورد صدور جواز یا اجازه نامۀ بانکی..... ۲۱۹
دفتر ثبت بانکها..... ۲۲۴
لغو جواز بانکی..... ۲۲۵
لغو جواز یا اجازه نامۀ بانکی در صورت درخواست ۲۳۱
نشر تصمیم در مورد لغو جواز یا اجازه نامۀ بانکی ۲۳۳
فصل سوم: تشکیل، مالکیت و ادارۀ بانک ۲۳۴
تأسیس بانک ۲۳۴
ساختار قانونی بانک..... ۲۳۴
اساسنامۀ بانک..... ۲۳۵
ساختار سرمایوی بانک..... ۲۳۵
قیودات در مورد سهام استحقاقی ذیصلاحیت در بانک..... ۲۳۶
ساختار اداری بانک..... ۲۴۳
مجمع عمومی سهامداران ۲۴۴
هیئت نظار ۲۴۸
هیئت عامل ۲۵۱
کمیتۀ بررسی..... ۲۵۲
واجد شرایط بودن مدیران..... ۲۵۴
افشاء منافع تجارتی..... ۲۵۵
حفظ اسرار ۲۵۶
سازمان دهی مجدد بانک ۲۵۷
محدودیت ها در مورد سهام استحقاقی بانک ۲۵۷
فصل چهارم: ایجابات وظیفوی (التزامات عملیاتی) ۲۶۳
اصول عمومی بانکداری..... ۲۶۳
فعالیت های بانکداری ۲۶۵
فعالیت های ممنوعه..... ۲۶۸

ایجابات احتیاطی ۲۶۹
روابط بانک و مشتریان ۲۷۴
پرداخت بدهی قبل از سر رسید ۲۷۷
قروض تضمین شده ۲۷۹
اسناد معاملات و تعهدات ۲۸۱
اعتبار بانکی به اشخاص وابسته ۲۸۲
منع خدمات بانکی در رابطهٔ ارتکاب جنایات ۲۸۴
فصل پنجم: حسابداری، راپور دهی و تفتیش ۲۸۶
صورت حسابات مالی و راپور های احصائیوی ۲۸۶
بررس مستقل بیرونی ۲۸۹
انتشار صورت حسابهای مالی و راپور بررس ها ۲۹۱
گزارشات تفتیش ۲۹۲
فصل ششم: تدابیر اجرائی ۲۹۵
اقدام بازدارنده ۲۹۵
پلان انجام اقدامات اصلاحی ۲۵۷
طرزالعمل اجرای اقدامات اصلاحی عاجل ۲۹۹
استماع رسیدگی ۳۰۳
دستور مؤقت ۳۰۵
صدور، انفاذ و اختتام دساتیر ۳۰۷
صلاحیت های د افغانستان بانک در رابطه به دساتیر دایمی یا مؤقت ۳۱۰
فصل هفتم: متولیت ۳۱۰
دلایل انتصاب متولی ۳۱۰
انتصاب متولی ۳۱۲
اثرات انتصاب متولی ۳۱۴
زمامداری امور بانک ۳۱۵
آگاهی تجدید نظر ۳۱۶
گزارش متولی و برنامه عمل ۳۱۷
استمهال ۳۱۹

انقضای متولیت ۳۱۹
فصل هشتم: احیای مجدد بانک ۳۲۰
پروسه احیای مجدد ۳۲۰
فصل نهم: انحلال بانک ۳۲۱
انحلال داوطلبانه (اختیاری) ۳۲۱
انحلال اجباری ۳۲۲
فصل دهم: تصفیه بانک ۳۲۵
عدم تطبیق قانون عمومی افلاس در مورد بانک ۳۲۵
آغاز اقدامات ورشکستگی ۳۲۶
درخواست آغاز اقدامات ورشکستگی ۳۲۶
انتصاب متولی ۳۲۷
دلایل رد درخواست ۳۲۸
دلایل رد درخواست ۳۲۹
عدم پذیرش درخواست های بیهوده ۳۳۲
انحلال اجباری در صورت عدم پذیرش در خواست اقدامات ورشکستگی ۳۳۳
فیصله ورشکستگی ۳۳۳
ابلاغ و انتشار فیصلهٔ ورشکستگی ۳۳۴
مدیر تصفیه ۳۳۴
صلاحیت های مدیر تصفیه ۳۳۷
انفاذ فیصله ورشکستگی ۳۳۸
قطعیت تسویه در سیستم تسویه پرداخت و اسناد بهادار ۳۴۱
انتقال سهام و بدهی های بانک ۳۴۴
گزارش املاک و دارایی ها ۳۴۵
ثبت مطالبات ۳۴۷
قبول مطالبات ۳۴۹
تعادل و تلخیص ۳۵۳
فسخ قراردادهای جاری ۳۵۷
تفاهم در تصفیه مطالبات ۳۵۷

مطالبات تضمین شده ۳۵۸
تقدم پرداخت ها ۳۶۰
پلان انحلال ۳۶۱
احیایی مجدد بانک ورشکسته ۳۶۳
عدم سازش با اعتبار دهندگان ۳۶۳
جلسه عمومی و کمیتهٔ اعتبار دهندگان ۳۶۴
پیش پرداخت فوری به سپرده گذاران ۳۶۵
توزیع ۳۶۵
اقدامات ورشکستگی علیه فرع یا دفتر نمایندگی داخلی ۳۶۷
افلاس بانک خارج از مرز ۳۷۰
مشاورت بین کمیسیون و د افغانستان بانک ۳۷۱
پایان اقدامات ورشکستگی ۳۷۲
فصل یازدهم: احکام نهائی ۳۷۳
استقلال صلاحیت های د افغانستان بانک ۳۷۳
معیارهای ادارهٔ شایسته ۳۷۴
احکام انتقالی ۳۷۵
انفاذ ۳۷۶
الغای قوانین ۳۷۶

قانون اسناد قابل معامله

فصل اول : احکام عمومی ۳۸۱
منظور وضع ۳۸۱
اهداف ۳۸۱
اصطلاحات ۳۸۲
ساحهٔ تطبیق قانون ۳۹۰
فصل دوم: اسناد قابل معامله ۳۹۰
شرایط ۳۹۰
حجت و برات قابل تأدیهٔ عند المطالبه ۳۹۲

سند قابل تأدیه به دستور ۳۹۳
اسناد مبهم ۳۹۵
تفاوت میان حروف و ارقام ۳۹۵
فصل سوم: طرفین اسناد قابل معامله ۳۹۶
مسئولیت صادرکننده ۳۹۶
مسئولیت مخاطب چک ۳۹۷
مسئولیت صادر کننده ۀ حجت و قبول کنندۀ برات ۳۹۷
مسئولیت مخاطبین برات ۳۹۸
مسئولیت ظهرنویس ۳۹۹
مکلفیت طرفین اسبق ۴۰۰
مسئولیت صادر کننده و قبول کننده منحیث مدیون اصلی یا ضامن ۴۰۰
مسئولیت طرف مساعدت کننده ۴۰۱
مسئولیت انتقال دهنده ۴۰۲
ضمانت ۴۰۲
برائت الذمۀ ظهر نویس ۴۰۳
مکلفیت قبول کننده با وجود تحریف یا اشتباه در ظهرنویسی ۴۰۴
قبولی برات به اسم تخیلی ۴۰۴
صدور سند در برابر اجرای خدمت یا تأمین منفعت ۴۰۵
داشتن رابطه و درجه ۴۰۶
استحقاق دارندۀ سند به تناسب اجرای خدمت یا تأمین منفعت ۴۰۷
مثنای سند مفقود شده ۴۰۷
مسئولیت امضأ کننده و نمایندۀ قانونی متوفی ۴۰۸
امضای تزویری یا غیر مجاز ۴۰۹
امضای غیر مربوط و نامشخص ۴۰۹
وکالت در اسناد قابل معامله ۴۱۰
مسئولیت نماینده ۴۱۰
محدودیت بر معامله توسط ممثل قانونی ۴۱۱
فصل چهارم:انجام معامله ۴۱۱
تسلیمی به عنوان شرط تکمیل ۴۱۱

شخص صاحب صلاحیت معامله ۴۱۲
ظهرنویسی محدود و اثر ظهرنویسی ۴۱۳
مشروط ساختن مکلفیت ظهر نویس ۴۱۴
ادعای دارندۀ سند از طریق دارندۀ با حسن نیت ۴۱۵
حقوق دارندۀ سند ۴۱۶
حقوق دارندۀ با حسن نیت ۴۱۷
سند دارای ظهرنویسی سفید ۴۱۷
تبدیل ظهرنویسی سفید به ظهرنویسی مکمل ۴۱۷
شرایط ظهرنویسی ۴۱۸
معامله سند با طرف مسئول قبلی ۴۱۹
نقص در مالکیت ۴۲۰
سند قابل معاملۀ حاصل شدۀ بعد از نکول یا گذشت سر رسید ۴۲۰
قابل معامله بودن سند تا زمان تأدیه ۴۲۱
فصل پنجم:ارایۀ اسناد قابل معامله ۴۲۲
ارایۀ برات برای قبولی ۴۲۲
ارایۀ حجت عندالرویت ۴۲۳
ارایه برای تأدیه ۴۲۳
موارد عدم ارایه برای تأدیه ۴۲۴
ساعات ارایه جهت تأدیه ۴۲۵
ارایۀ سند قابل تأدیه بعد از گذشت میعاد مشخص ۴۲۵
ارایۀ حجت جهت تأدیه به شکل اقساط ۴۲۵
ارایۀ سند جهت تأدیه در محل مشخص یا غیر آن ۴۲۶
ارایۀ نقل سند ۴۲۷
ارایۀ چک جهت ملزم ساختن صادر کننده ۴۲۸
ارایۀ سند قابل تأدیه عندالمطالبه ۴۲۸
ارایۀ سند به نماینده، ممثل قانونی یا شخص ذیصلاح ۴۲۹
توجیه تأخیر ارایۀ سند قابل معامله برای قبولی یا تأدیه ۴۲۹
حالات عدم ارایۀ سند قابل معامله جهت قبولی یا تأدیه ۴۳۰
اهمال بانکداری در تأدیۀ سند ارایه شده ۴۳۲

فصل ششم:تأدیه و تکتانه ۴۳۳
تأدیه به دارندۀ سند قابل معامله..... ۴۳۳
محاسبه تکتانه یا سایر اشکال بهره..... ۴۳۳
الزام ظهر نویس برای تادیۀ تکتانه ۴۳۷
تسلیمی سند قابل معامله حین تأدیه یا برائت در صورت مفقودی..... ۴۳۷
فصل هفتم:برائت از مسئولیت در برابر اسناد قابل معامله ۴۳۸
حالات برائت از مسئولیت..... ۴۳۸
مهلت دادن به مخاطب ۴۳۹
عدم ارایه چک در موعد معینه و ضرر ناشی از آن..... ۴۴۰
چک قابل تأدیه به دستور ۴۴۱
قبولی مشروط یا محدود..... ۴۴۲
آثار تحریف اساسی ۴۴۳
الزامیت قبول کننده یا ظهر نویس در صورت تحریف قبلی ۴۴۴
تأدیۀ سند دارای تحریف غیر آشکار ۴۴۴
برائت صادر کننده، قبول کننده و ظهر نویس بعد از دارنده شدن سند قابل معامله توسط
مدیون اصلی ۴۴۵
فصل هشتم:اطلاعیۀ نکول..... ۴۴۶
نکول به سبب عدم قبولی..... ۴۴۶
نکول به سبب عدم تأدیه ۴۴۷
اطلاعیۀ ابطال ۴۴۷
ارایۀ اطلاعیه ۴۴۸
انتقال اطلاعیۀ نکول..... ۴۵۰
ارایۀ سند قابل معامله برای نماینده..... ۴۵۰
وفات طرف گیرندۀ اطلاعیۀ نکول ۴۵۱
حالات عدم ضرورت اطلاعیۀ نکول ۴۵۱
فصل نهم:یادداشت و اعتراض..... ۴۵۲
یادداشت ۴۵۲
اعتراض ۴۵۳

محتوای اعتراض ۴۵۴
اعتراض به سبب عدم تأدیه بعد از نکول به علت عدم قبولی ۴۵۵
اعتراض بر سند خارجی ۴۵۶
فصل دهم:موعد مناسب ۴۵۶
تأدیهٔ حجت یا برات در خلال موعد معینه در آینده ۴۵۶
ترتیب سند قابل معامله به تاریخ های ما قبل یا مابعد ۴۵۷
محاسبهٔ سررسید برات یا حجت قابل تأدیه چند ماه بعد از رویت یا تاریخ معینهٔ آن ۴۵۷
محاسبهٔ سر رسید برات یا حجت قابل تأدیه چند روز بعد از رویت یا تاریخ معینهٔ آن ۴۵۹
سررسید حجت یا برات در ایام رخصتی ۴۵۹
موعد معینه ۴۶۰
موعد معینه جهت ارایهٔ اطلاعیه نکول ۴۶۰
فصل یازدهم:قبولی و تأدیهٔ برات برای حفظ اعتبار ۴۶۱
قبولی برات حفظ اعتبار ۴۶۱
چگونگی قبولی برای حفظ اعتبار ۴۶۲
مسئولیت قبول کننده برای حفظ اعتبار ۴۶۳
تأدیه برای حفظ اعتبار ۴۶۴
حق تأدیه کننده برای حفظ اعتبار ۴۶۴
مخاطب در صورت ضرورت ۴۶۵
فصل دوازدهم:جبران اسناد قابل معامله ۴۶۶
جبران ۴۶۶
صدور برات برای طرف ملزم به جبران ۴۶۷
فصل سیزدهم: احکام خاص قابل تطبیق در مورد مدارک اثباتیه ۴۶۸
حالات صحیح در سند قابل معامله ۴۶۸
اعتبار اعتراض نکول ۴۷۰
منع انکار اعتبار سند اولیه ۴۷۰
منع انکار صلاحیت ظهر نویس دریافت کنندهٔ تأدیه ۴۷۱
ممنوعیت انکار امضاء یا صلاحیت طرفین ما قبل سند قابل معامله ۴۷۱
فصل چهاردهم: موارد خاص قابل تطبیق بر چک ۴۷۲

حالات خاص لغو صلاحیت و مکلفیت بانکدار ۴۷۲
خطوط بحیث بخش مهم چک ۴۷۲
چک مخطط عام ۴۷۳
چک قابل تأدیه به حساب دریافت کننده ۴۷۳
چک مخطط خاص ۴۷۴
مخطط شدن بعد از صدور ۴۷۵
تأدیۀ چک مخطط خاص شده بیش از یک بار ۴۷۶
تأدیۀ چک مخطط با حسن نیت ۴۷۶
تأدیۀ چک مخطط با سوءنیت ۴۷۷
چک حاوی عبارت (غیر قابل انتقال) ۴۷۸
عدم مکلفیت بانکدار دریافت کنندۀ مبلغ مندرج چک ۴۷۸
کریدت چک مخطط حاوی عبارت«قابل تأدیه به حساب دریافت کنندۀ مبلغ» ۴۷۹
فصل پانزدهم: موارد خاص قابل تطبیق بالای برات ۴۸۰
مخاطبین متعدد ۴۸۰
صدور برات در وجه صادر کننده یا مخاطب ۴۸۰
ضرورت ارایۀ برات برای قبولی ۴۸۱
حالات انصراف از ارایه ۴۸۱
رجوع دارنده به صادرکننده و ظهر نویسان ۴۸۲
امتناع دارنده از قبولی مشروط ۴۸۲
نسخ متعدد برات ۴۸۲
فصل شانزدهم: احکام متفرقه ۴۸۴
قانون قابل تطبیق بر مسئولیت های طرفین مندرج سند قابل معاملۀ خارجی... ۴۸۴
طرز العمل خاص در مورد سند قابل معاملۀ خارج از افغانستان ۴۸۵
فیس ها و جریمه های مالی ۴۸۶
اسناد موجود ۴۸۶
ارجحیت احکام ۴۸۶
تاریخ انفاذ ۴۸۷

قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی

فصل اول: احکام عمومی ۴۹۵

ضرورت وضع ۴۹۵

هدف ۴۹۵

اصطلاحات ۴۹۶

ساحۀ تطبیق قانون برمعاملات ۵۰۴

ساحۀتطبیق قانون براشخاص ۵۰۵

موارد رهن ۵۰۷

فصل دوم: انشای حق رهن واثرات آن ۵۰۷

انشای حق رهن ۵۰۷

توافقنامۀ رهنی ۵۰۹

ترتیب زمانی حق رهن ۵۰۹

حقوق ووجایب رهن گیرندۀ حایز مرهونه ۵۱۰

حق درخواست معلومات ۵۱۱

فصل سوم: اثرات رهن براشخاص ثالث ۵۱۲

تکمیل رهن ۵۱۲

تکمیل مؤقت واسترداد مرهونه به رهن دهنده ۵۱۳

اثرات ادامه وماحصل مرهونه ۵۱۵

تعیین تقدم میان حقوق رهنی ۵۱۶

تقدم برحقوق رهن تکمیل ناشده ۵۱۹

تقدم حق رهن بر قروض آینده ۵۲۰

حقوق مشتری ومستأجر مرهونه ۵۲۱

حق تقدم طلبات تدارک کننده ۵۲۳

حق تقدم میان حقوق رهنی در اموال غیرمنقول ۵۲۴

حق تقدم رهنی میان اموال الحاق شده با اموال منقول ۵۲۵

حق تقدم رهنی در اجناس مختلط ۵۲۶

حق تقدم رهنی در اسناد بهادار وسایر اقلام ۵۲۷
توافقنامهٔ تبعیت ۵۲۹
فصل چهارم: انتقالات ۵۳۰
انتقال مسئولیت رهن دهنده ومدیون ۵۳۰
انتقال حق رهن گیرنده ۵۳۱
حقوق منتقل الیه ۵۳۱
وجایب مدیون حساب نسیه ۵۳۲
فصل پنجم: آثار عدم تأدیه یا عدم اجراء ۵۳۴
اجراآت عدم تأدیهٔ دین یا عدم اجرای التزامات ۵۳۴
تحصیل حسابات نسیه واسناد بهادار ۵۳۵
تنفیذ درصورت عدم تأدیهٔ دین یا عدم اجرای التزامات ۵۳۶
واگذاری مرهونه ۵۳۷
طرز واگذاری واثرات آن ۵۳۸
تحت تأمین قراردادن و واگذاری مرهونه در محل آن ۵۴۰
اطلاعیه واگذاری ۵۴۱
عدم لزوم اطلاعیه ۵۴۳
گزارش بعد از واگذاری ۵۴۴
اطلاعیه تصرف مرهونه ۵۴۴
حصول مجدد مرهونه توسط رهن دهنده ۵۴۵
حمایت مشتری مرهونه ۵۴۶
موارد عدم تطبیق احکام این فصل ۵۴۷
فصل ششم: نقش محکمه وحق حمایت ۵۴۷
تصرف یا واگذاری به محکمه ۵۴۷
فصل هفتم: احکام متفرقه ۵۴۹
محدودیت تطبیق قانون ۵۴۹
ثبت حقوق رهنی ۵۵۰
حل وفصل منازعات ۵۵۱
تطبیق قانون ۵۵۱

رهن اموال وارداتی ۵۵۲
وضع طرزالعمل ها ۵۵۳
ارجحیت احکام ۵۵۳
انفاذ ۵۵۳

قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی

فصل اول: احکام عمومی ۵۵۹
ضرورت وضع ۵۵۹
هدف ۵۵۹
اصطلاحات ۵۶۰
فصل دوم: انشای رهن و اثرات آن ۵۶۶
انشای حق رهن ۵۶۶
شرایط انشای سند رهن ۵۶۷
شرایط مقاولهٔ دین ۵۶۹
توحید سند رهن و مقاولهٔ دین ۵۷۰
اثر رهن بر طرفین ۵۷۰
وجایب ومکلفیت های رهن دهنده ۵۷۱
وجایب ومکلفیت های رهن گیرنده ۵۷۳
فصل سوم: اثرات رهن بر اشخاص ثالث ۵۷۵
انتقال اثرات رهن ۵۷۵
تقدم حق رهن ۵۷۵
تقدم رهن، سایر طلبات و قروض آینده ۵۷۷
طلبات تدارک کنندگان مواد و خدمات ۵۷۸
توافقنامهٔ تبعیت ۵۷۹
تملک مرهونه ازطرف شخص ثالث ۵۷۹
فصل چهارم: انتقال وجایب و التزامات ۵۸۰
انتقا ل وجایب رهن دهنده ومدیون ۵۸۰
التزامات رهن گیرنده ۵۸۰
انتقـال حقوق رهن گیرنده به غیر ۵۸۰

عدم انتقال حق رهن ۵۸۱
حقوق منتقل الیه ۵۸۱
کاهش دین ۵۸۲
جبران خساره برای رهن دهنده ۵۸۴
فصل پنجم: اثرات عدم تأدیه وعدم اجراء ۵۸۵
تعیین حقوق وجبران خساره درصورت عدم تأدیهٔ دین وعدم اجرای التزامات ۵۸۵
اطلاعیهٔ عدم تأدیه، عدم اجراء و اقدامات تنفیذی ۵۸۶
حق آزاد ساختن مرهونه از رهن ۵۸۸
صلاحیت فروش ۵۸۹
اطلاعیهٔ مبنی بر اعما ل صلاحیت فروش ۵۹۰
حمایت ازحقوق قانونی طرفین ۵۹۲
فروش ازطریق مزایده ۵۹۴
نرخ گذاری مرهونه تابع صلاحیت فروش ۵۹۴
توزیع وجوه حاصلهٔ ناشی ازاعمال صلاحیت فروش ۵۹۵
آثار اعمال صلاحیت فروش بر مرهونه ۵۹۶
ادامهٔ حیازت مرهونه توسط رهن گیرنده ۵۹۷
رهن گیرنده به حیث نمایندهٔ ذیصلاح ۵۹۹
حمایت از مشتریان مرهونه بعد از فروش ۶۰۰
فصل ششم: احکام متفرقه ۶۰۱
محدودیت تطبیق قانون ۶۰۱
ادارهٔ ثبت ۶۰۲
حل و فصل منازعات ۶۰۲
اثرات قانون به ماقبل ۶۰۲
وضع لوایح وطرزالعمل ها ۶۰۳
ارجحیت احکام ۶۰۳
انفاذ ۶۰۳

براساس اصل تفکیک قوا، قانون محور اصلی پیدایش قوای سه گانه و تقسیم وظایف و صلاحیتها و تنظیم روابط فیمابین آنها می باشد زیرا قوۀ مقننه به وضع و تصویب قانون می پردازد و قضائیه آن را تفسیر و مجریه آن را اجرا می نماید. از سوی دیگر قانون مبنای تعیین و تبیین حقوق، وجایب و آزادی های عمومی مردم و عامل مهم تأمین نظم، امنیت، عدالت و انصاف و جلوگیری از تجاوز، اجحاف و فساد است. قانون گام اول برای ایجاد هر نوع تغییر و تحول مثبت و بنیادین و اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه می باشد.

اما بدون شک نشر قانون و آگاهی نهادهای دولتی و غیر دولتی و عامۀ مردم از احکام آن، نقش اساسی و مؤثر در درک و فهم عمیق تر و تطبیق بهتر و کامل تر آن دارد. کشور ما با این که در عرصۀ قانونگذاری، سابقۀ ممتد و طولانی داشته و در سال های اخیر موفقیت های بیشتر و پیشرفت های چشمگیرتری نیز کسب نموده است اما متأسفانه دربارۀ تنظیم و دسته بندی، چاپ و نشر، شرح و تفسیر، آموزش های تخصصی و آگاهی های عمومی در مورد قوانین، هنوز هم با چالشها و خلأهای زیادی مواجه هستیم.

وزارت عدلیه در کنار سایر فعالیت های خود در مورد قوانین، رسالت خود می داند که در عرصۀ تنظیم قوانین نافذه و چاپ و نشر آنها از هیچ کوششی دریغ نورزیده و هر نوع اقدام لازم و مقتضی را به عمل آورد و به امید رسیدن به این مأمول، اکنون سلسلۀ جدیدی را بنام "مجموعه قوانین افغانستان" با شیوۀ تنظیم موضوعی در ساحات مدنی، جزائی، اجراآت عدلی و قضائی، تجارتی، مالی و گمرکی، بانکی، علمی و فرهنگی، صحت و محیط زیست، کار و خدمات ملکی، معادن و منابع طبیعی و... در اختیار نهادهای دولتی، مراکز آکادمیک، قضات، حقوقدانان، اساتید، پژوهشگران، نویسندگان و عامۀ مردم قرار می دهد.

من وظیفۀ خود می دانم که از همکاران عزیز و پرتلاش خود در ریاستهای تقنین، نشرات و امور مالی و اداری و همۀ کسانی که در انجام و فرجام این پروژه سهم داشته اند، صمیمانه ابراز سپاس و امتنان نمایم.

قانونپوه سرور دانش

وزیر عدلیه

سال ۱۳۸۸

قانون د افغانستان بانک

د دافغانستان بانك د قانون د انفاذ په باب د افغانستان د اسلامي انتقالي دولت د رئيس فرمان

ګڼه: (۶۲)
نېټه: ۱۳۸۲/۶/۲۷

د اوسني عصر له غوښتنو سره د بانکي قوانينو د هم غاړې (هم‌آهنګ) کولو په خاطر او په بانکي سيستم کې د بشپړې ډاډمنې او مصؤني فضا د رامنځ ته کولو، او دکورنيو اوبهرنيو خصوصي پانګې اچونې او د نورو نړيوالو مراجعو د باور د راجلبولو او هڅولو او په اقتصادي ژوندانه کې د هغوی د فعالې ونډې اخيستنې اوخصوصي برخې ته د دولت د پام اړولو په منظور، د دافغانستان بانك قانون د توانا خدای (ج) په نامه توشېح کوم.
دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده کې دې خپور شي.

حامد کرزی
د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت رئيس

فرمان
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مورد انفاذ قانون دافغانستان بانك

شماره: (۶۲)
تاریخ: ۱۳۸۲/۶/۲۷

بخاطر هماهنگ ساختن قوانین بانکی با مقتضیات عصر حاضر و بمنظور ایجاد فضای کاملاً مطمئن و مصؤن و جلب اعتماد و تشویق هرچه بیشتر سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی و سایر مراجع بین المللی در سیستم بانکی و سهم گیری فعال شان در حیات اقتصادی و عطف توجه دولت به بخش خصوصی، قانون د افغانستان بانك را بنام خدای توانا (ج) توشیح می‌نمایم.
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

د دافغانستان بانك قانون

لومړی فصل
د دافغانستان بانك
تأسيس، هدفونه او دندې

تأسيس

لومړی ماده:

(۱) د دافغانستان بانک، د افغانستان مرکزي بانک دی.

(۲) د دافغانستان بانک، د حکمي شخصیت په توګه د بشپړو قانوني واکونو لرونکی دی، کولای شي اړوند قراردادونه عقد، منقول او غیرمنقول مالونه ترلاسه (حصول) یا پربږدي، اړوند بهاء لرونکي سندونه صادر او پورونه په مختلفو شکلونو ترلاسه او د حقوقي دعواوو ارخ (طرف) واقع شي.

(۳) د دافغانستان بانک مرکزي دفتر د کابل په ښار کې دی او کولای شي، د افغانستان په دننه او بهر کې له هغو واکونو او دندو سره چې لازم یې بولي، د خپلو فرعي ارتباطي نمایندګیو دفترونه تأسیس او استازي او کارچلوونکي بانکونه وټاکي.

قانون د افغانستان بانك

فصل اول
تأسيس، اهداف و وظايف
دافغانستان بانك

تأسيس

مادۀ اول:

(۱) د افغانستان بانك، بانك مرکزی افغانستان است.

(۲) د افغانستان بانك بحیث شخصیت حکمی دارای صلاحیت های کامل قانونی بوده، می‌تواند قرارداد های مربوط را منعقد، اموال منقول و غیر منقول را حصول یا واگذار، اسناد بهادار مربوط را صادر و به اشکال مختلف قرضه ها را دریافت و طرف دعاوی حقوقی قرار گیرد.

(۳) دفتر مرکزی د افغانستان بانك در شهر کابل بوده و می‌تواند در داخل و خارج افغانستان با اختیارات و وظایفی که لازم می‌داند، دفاتر نمایندگی و ارتباطی فرعی خود را تأسیس و نمایندگان و بانکهای کارگذار را تعیین نماید.

اساسي هدفونه او دندې

دوه یمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک عمده هدف د کورنیو (داخلي) قیمتونو د ثبات تأمینول او ساتل دي.

(۲) د دافغانستان بانک نور هدفونه چې د هغه د لومړني هدف تابع دي، له سیالیت (نقدینه ګي)، د پورونو د ورکړې له قابلیت، د بازار پر اقتصاد د ولاړ ثابت مالي سیستم له اغیزناک فعالیت څخه ملاتړ او د مصئون، سالم او اغیزمن ملي سیستم له پیاوړتیا څخه عبارت دي.

د دافغانستان بانک د خپل لومړني هدف په پام کې نیولوسره، د دولت د کلي اقتصادي سیاستونو ملاتړ کوي او دوامداره اقتصادي وده پیاوړې کوي.

د یوه مسئول بانک په توګه د دافغانستان بانک اساسي دندې په لاندې توګه دي:

۱- د افغانستان د پولي سیاست طرح کول، ترلاس لاندې نیول او اجراء.

۲- دافغانستان د بهرنیو اسعارو د ارزي سیاست اوترتیباتو طرح کول،

اهداف و وظایف اساسی

مادۀ دوم:

(۱) هدف عمدۀ د افغانستان بانك عبارت از تأمین و حفظ ثبات قیمت های داخلی است.

(۲) سایر اهداف د افغانستان بانك که تابع هدف اولیۀ آن می‌باشد، عبارت اند از حمایۀ سیالیت (نقدینه گی)، قابلیت پرداخت دیون، فعالیت مؤثر سیستم مالی ثابت متکی بر اقتصاد بازار و تقویۀ سیستم پرداخت مصئون، سالم و مؤثر ملی.

د افغانستان بانك با در نظرداشت هدف اولیه اش سیاست های کلی اقتصادی دولت را حمایه و رشد اقتصادی دوامدار را تقویه می‌نماید.

وظایف اساسی د افغانستان بانك منحیث بانك مسئول قرار آتی است:

۱- طرح، اتخاذ و اجرای سیاست پولی افغانستان.

۲- طرح، اتخاذ و اجرای سیاست ارز و ترتیبات اسعار

ترلاس لاندې نیول او اجراءکول.
۳- د افغانستان د بهرنیو اسعارو د رسمي زېرمو ساتنه او اداره کول.
۴- د افغانستان د کاغذي پیسو او فلزي مسکوکاتو چاپول، ضربول او خپرول.
۵- د دولت بانک لرونکي (بانکدار)، سلاکاراو د مالي استازي په توګه د دندوسرته رسول.
۶- د جواز صادرول یا ثبتول، تنظیم او پر بانکونو، د اسعارو پر صرافانو، د پولي خدمتونو پر وړاندې کوونکو، د ورکړې د سیستم پر مجریانو، د بهالرونکو سندونو د خدمتونو پر وړاندې کوونکو، د بها لرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم پر مجریانو او نورو هغو اشخاصو باندې څارنه چې د دافغانستان بانک کولای شي د قانون د حکمونو مطابق د هغوی څارنه وکړي.
۷- د هغو قیمت لرونکو سندونو د ورکړې او انتقال لپاره د اغېزمن او سالم سیستم جوړول، ساتنه او وده چې د دولت یا د دافغانستان بانک لخوا صادر شوي وي او د ورکړ ایزو (پرداختي) معاملو او افغانستان.
۳- نگهداری و ادارهٔ ذخایر رسمی اسعار افغانستان.
۴- چاپ، ضرب و نشر پول کاغذی و مسکوکات فلزی افغانستان.
۵- انجام وظایف منحیث بانکدار، مشاور و نمایندهٔ مالی دولت.
۶- صدور یا ثبت جواز، تنظیم و نظارت بر بانکها، صرافان اسعار، عرضه کنندگان خدمات پولی، مجریان سیستم پرداخت، عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار، مجریان سیستم انتقال اسناد بهادار و سایر اشخاصی که د افغانستان بانك می‌تواند مطابق احکام قانون آنها را نظارت نماید.
۷- ایجاد، نگهداری و توسعهٔ سیستم مؤثر و سالم جهت پرداخت و انتقال اسناد بهادار که از طرف دولت یا د افغانستان بانك صادرشده باشد و تصفیه و تسویهٔ حساب

هغو معاملو د حساب تصفیه او تسویه چې په دغه ډول قیمت لرونکو سندونو کې صورت مومي.

خپلواکي (خود مختاري)

درېیمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د خپلو دندو د اجراء په منظور د دافغانستان بانک او اړوندو بانکونو او مشتریانو تر منځ په الکترونیکي معاملوکې د آسانتیاوو د برابرولو لپاره د مقرراتو د تصویب په شمول د بشپړو قانوني واکونو لرونکی دی. د دافغانستان بانک دغه مقررات، دستورالعملونه یا لارښودونه په یوه عمومي دفتر کې ثبتوي.

(۲) د دافغانستان بانک، د بانکونو، د اسعارو د صرافانو، د ورکړې د سیستم د مجریانو، د پولي خدمتونو د وړاندې کوونکو، د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم د مجریانو او نورو هغو اشخاصو چې د فعالیت جوازیې د دې قانون د حکمونو مطابق لاسته راوړی وي د دافغانستان بانک لخوا یا په د افغانستان بانک کې ثبت شوي وي، د ادارو د کتنې، د معاملات پرداختی و معاملاتیکه در چنین اسناد بهادار صورت می‌گیرد.

خود مختاری

مادۀ سوم:

(۱) د افغانستان بانك به منظور اجرای وظایف خود دارای صلاحیت های کامل قانونی به شمول تصویب مقررات جهت فراهم نمودن تسهیلات در معاملات الکترونیکی میان د افغانستان بانك و بانکها و مشتریان مربوطه آنها می باشد. د افغانستان بانك این مقررات، دستورالعملها یا رهنمود ها را در یك دفتر عمومی ثبت می نماید.

(۲) د افغانستان بانك صلاحیت بازدید ادارات و بررسی حسابها، دفاتر، اسناد و سایر مدارك بانکها، صرافان اسعار، مجریان سیستم پرداخت، عرضه کنندگان خدمات پولی، عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار، مجریان سیستم انتقال اسناد بهادار و سایر اشخاص که جواز فعالیت را مطابق احکام این قانون بدست آورده و از جانب د

حسابونو، د دفترونو د سندونو او نورو مدارکو د څېړنې واک لري اوکولای شي هغه اطلاعات چې د خپلو څارنیزو مکلفیتونو په اجراء کې یې لازم وبولي، له نومورو اشخاصو څخه لاسته راوړي.

(۳) د دافغانستان بانک د خپلو هدفونو د تحقق په منظور، د دې قانون د حکمونو مطابق د بشپړې خپلواکۍ لرونکی دی او هېڅوک نشي کولای د دافغانستان بانک د تصمیم نیونې د هیئت غړي په خپلو دندو کې چې په غاړۀ یې دي، تر ناوړې اغېزې لاندې راولي او یا په بل ډول د دافغانستان بانک په فعالیتونو کې مداخله وکړي.

(۴) د دافغانستان بانک د عالي شوري غړي، عامل هیئت او نور کارکوونکي مکلف دي د مرکزي او بشپړې خپلواکۍ لرونکي بانک په توګه چې په بې پلوۍ سره د ټولو خلکو په خدمت کې دی، د دافغانستان بانک وقار او شهرت ته وده او پیاوړتیا ورکړي او د هغه له مغایر عمل څخه ډډه وکړي.

(۵) د دافغانستان بانک د عالي شوري غړي نشي کولای د خپلو

افغانستان بانك و یا در د افغانستان بانك ثبت شده باشند، دارا بوده و اطلاعاتی را كه در اجرای مكلفیتهای نظارتی خود لازم بداند می تواند از اشخاص مذكور بدست آورد.

(۳) د افغانستان بانك به منظور تحقق اهداف خود مطابق احكام این قانون دارای استقلال كامل بوده و هیچ كس نمی‌تواند اعضای هیئت تصمیم گیرنده د افغانستان بانك را در انجام وظایفی كه بعهده دارند، تحت تأثیر ناجایز قرار داده و یا طور دیگری در فعالیتهای د افغانستان بانك مداخله نماید.

(۴) اعضای شورای عالی، هیئت عامل و سایر كارمندان د افغانستان بانك مكلف اند وقار و شهرت د افغانستان بانك را بحیث بانك مركزی و دارندۀ استقلال كامل كه بیطرفانه در خدمت تمام مردم قرار دارد، رشد و تقویه نموده و از عمل مغایر آن اجتناب ورزند.

(۵) اعضای شورای عالی د افغانستان بانك نمی‌توانند حین

دنـدو د اجـراء پـه مـوده کـې پـه سیاسي فعالیتونو لاس پورې کړي.

نړیواله همکاري

څلورمه ماده:

(۱) د دافغـانـسـتـان بـانـک، پـه بـیـن الحکـومتي غونـډو، ټولېـدنو، شـوري ګـانو او پـه پـولي سیاست، د جواز په صادرولو او پر بـانکونو او اشخاصـو بانـدې د څـارنې پـه اړوندو سـازمانونو کـې چې د دې قـانون پـه موجب پرهغـو باندې د څارنې واک لري او په نورو هغو چاروکې چې د واک په حدودو کـې یـې دي، د افغـانـستان پـه استازیتوب ګډون کوي.

(۲) د دافغانستان بانک کولای شي بهرنیـو هېوادونـو، بهرنیـو مرکـزي بـانکونو او نـورو پـولي مقامـاتو او نړیوالـو سـازمانونو تـه چـې د دافغانستان بانک یـا افغانستان په هغـو کـې ګـډون لـري، بـانکي خدمتونه سرته ورسوي.

(۳) د دافغانـستان بانـک کـولای شـي، د پـولي نړیوالـو همکـاریو لـه لارې، د نړیوالـو سـازمانونو غړیتـوب چـې هـدف یـې پـولي او اقتصادي ثبات دی، لاسته راوړي.

اجرای وظایف شـان، بـه فعالیـت های سیاسی مبادرت ورزند.

همکاری بین المللی

مادۀ چهارم:

(۱) د افغـانـستان بانـک در جلسات بین الحکومتی، گردهم آیـی هـا، شـوراها و سـازمانهای مربوط به سیـاست پولی، صدور جوازها و نظـارت بـر بانکها و اشخاصـی کـه بـه مـوجب ایـن قـانون، بر آنها صلاحیت نظارت دارد و سـایر امـوری‌کـه در حیطـۀ صـلاحیت آن مـی باشـد، بـه نـمـایـنـدگی از افغـانـستان شرکت می‌کند.

(۲) د افغانستان بانک مـی توانـد بـرای دول خـارجی، بانکهـای مرکـزی خـارجی و سـایر مقامـات پولی و سازمانهای بین المللی که د افغانستان بانک یـا افغانستان در آنهـا شـرکت دارد، خـدمات بانکی را انجام دهد.

(۳) د افغانستان بانک مـی توانـد از طریق همکاری های بین المللی پـولی، عـضویت سـازمانهای بـین المللی را که هدف آن ثبات پولی و اقتصادی می باشد، بدست آرد.

(۴) د دافغانستان بانک کولی شي د افغانستان د ګډون په اړه په نړیوالو سازمانونو کې د استازي په توګه ځینې مسئولیتونه په غاړه واخلي او راکړې ورکړې ترسره کړي.

اصطلاحګاني

پنځمه ماده:

لاندې اصطلاحګاني پدې قانون کې لاندې ښي مفاهیم افاده کوي:

۱- بانک:

هغه حکمي شخصیت دی چې د اعتباراتو یا پانګې اچونې د رامنځته کولو په منظور، له عمومو څخه خپل حساب ته، په راکړه ورکړه او د پولي سپارنو یا د بېرته ورکړې وړ وجوهو په ترلاسه کولو باندې بوخت وي.

۲- د چک نقدول:

هغه شخص ته چې د ورکړې سندونه یا زېرمه شوی ارزښت تحویلوي، د پیسو د ورکړې د سندونو یا زېرمه شوي ارزښت (دله سفري چکونو پرته) په بدل کې د پیسو، د ورکړې د سندونو یا زېرمه شوي ارزښت د ورکړې لپاره د مزد یا اجورې تر لاسه کول دي.

(۴) د افغانستان بانک می‌تواند منحیث نماینده در رابطه به شرکت افغانستان در سازمانهای بین المللی مسئولیت هایی را بعهده گرفته و داد و ستدهائی را انجام دهد.

اصلاحات

مادۀ پنجم:

اصطلاحات ذیل در این قانون مفاهیم آتی را افاده می‌نمایند:

۱- بانک:

شخصیت حکمی است که به منظور ایجاد اعتبارات یا سرمایه گذاری، مشغول داد و ستد و دریافت سپرده های پولی یا سایر وجوه قابل بازپرداخت از عموم برای حساب خود می‌باشد.

۲- نقد سازی چک:

دریافت مزد یا اجوره جهت پرداخت پول، اسناد پرداخت یا ارزش ذخیره شده در بدل حصول اسناد پرداخت یا ارزش ذخیره شده (به استثنای چک های سفری) به شخصی است که اسناد پرداخت یا ارزش ذخیره شده را تحویل می‌دهد.

۳- کالي:
پیسې، فلز، کرنیز تولیدات، جنسونه او نورې هغه شتمنۍ دي چې د اړوندو تقنینې سندونو مطابق، د کالیو په توګه پېژندل شوي وي.

۴- د اسعارو تبادله:
د یوه هېواد په پیسو باندې د بل هېواد په پیسې د بدلولو له لارې د عوایدو لاسته راوړل دي.

۵- د پور بها لرونکی سند:
د معاملې وړ پور سند، د هغه معادل سند او د معاملې وړ هغه سند دی چې د ګډون یا تبادلې د ژمنې په واسطه د پور د معاملې وړ بل بها لرونکي سند د حاصلولو حق ورکړي. د پور په بها لرونکو سندونو کې، په دفتر کې ثبت شوی سند هم شامل دی.

۶- مشتق:
د دمخه پېرودنې قرارداد، مستقبلي، اختیار او د معاملې وړ نور قراردادونه دي چې د هغو لرونکی د لاندې امتیازونو مستحق ګرځي:
- د بها لرونکي سند یا دبها لرونکو سندونو یا کالیو د

۳- کالا:
پول، فلز، تولیدات زراعتی، اجناس و سایر دارایی های است که طبق اسناد تقنینی مربوط بحیث کالا شناخته شده باشد.

۴- تبادلۀ اسعار:
دریافت عواید از بابت تبادلۀ پول یك کشور در برابر پول کشور دیگر می‌باشد.

۵- سند بهادار قرضه:
سند قرضه قابل معامله، سند معادل آن و سند قابل معامله است که حق حصول سند بهادار قرضه دیگر توسط تعهد اشتراك یا تبادله را بدهد. اسناد بهادار قرضه شامل سند ثبت شده در دفتر نیز می‌باشد.

۶- مشتق:
قرارداد قابل معامله پیش خرید، مستقبلی، اختیار و سایر قرارداد هایی است که دارندۀ آن مستحق امتیازات آتی می‌گردد:
- حصول سند بهادار یا یك مجموعه از اسناد بهادار و یا

مجموعې حاصلول.

- د نقدو پیسو ترلاسه کول دي چې د بهـا لرونکي سند یـا کـالیو یـا د بهـا لرونکـو سـندونو یـا کـالیو د مجموعې د یوه راتلونکي قیمت یا راتلـونکي ارزښـت پـه اړه ټاکـل کېږي.

- د نقدو پیسو د یوه مبلغ ترلاسه کول دي چې د ټکټانې د نرخ یـا د اسعارو د مبادلې د قابل معامله د قیمتونـو د شـاخص یـا نـرخ یـا د ټکټانې د نرخ د ارزښت، د اسعارو د مبادلې، د بها لرونکو سندونو او کالیو د نرخ په اړه ټاکل کېږي.

۷- مـالي بازار:

هغه پولي بازار دی چې پکې د بهـا لرونکـو سندونو راکړه ورکړه او په دغـسې بـازار پـورې نـور اړونـد فعالیتونه ترسره کېږي.

۸- سعر یا ارز:

عبارت دی له:

- د افغانستان په پیسو پرته د نورو هېوادونو پیسې.

- پـولي حسـابي واحـد چـې د یـوه بـین الحکـومتي سـازمان یـا د دوو یـا څـو هېوادونـو د مـوافقې لـه مخې منځ ته راځي.

کـالاها.

- دریـافت پـول نقـد کـه در رابطه با یك قـیمت آینـده یـا ارزش آینـده سـند بهـادار یـا کـالا یـا مجموعـه از اسـناد بهـادار یـا کـالاهـا تعیـین می‌گردد.

- دریـافت مبـلغ پـول نقـد که در رابطـه به نـرخ تکتانه یا نرخ مبـادله اسـعار یا شـاخص قـیم یـا نـرخ یـا ارزش نـرخ تکتـانه، نـرخ مبـادله اسـعار، اسنـاد بهـادار و کـالاهـا تعـیین می‌گردد.

۷- بازار مالی:

بـازار پـولی است کـه در آن داد و ستد اسناد بهادار و سایر فعالیت هـای مـربوط بـه چنـین بـازار صورت می‌گیرد.

۸- سعر یا ارز:

عبارت است از:

- پول سایر کشور ها بـه استثنای پول افغانستان.

- واحد پـولی حسابی کـه بوسیله یـك سـازمـان بیـن الحکـومتی یـا طبـق موافقـه دو یا چند کشور بمیان میاید.

- مسکوک او غیر مسکوک سره زر، پدې شرط چې د کتنې وړ تغییرات پکې نه وي راغلي.

۹- رایج

د هېواد یا بل ځای له رایجو قانوني پیسو څخه عبارت دي.

۱۰- بانکنوټ

له هغې وسیلې څخه عبارت ده چې د پیسو یا له پیسو سره برابر د استعمال په مقصد سری ګټه اخیستل کېږی او د واکمنې قانوني مرجع په توګه په هېواد یا بل ځای کې خپرېږي.

۱۱- د اسعارو صراف:

هغه شخص دی چې د اسعارو په پېرودنې او پلورنې، د اسعارو د دمخه پېرودنې د قراردادونو، په اسعارو د ورکړې یا اختیاري قرارداد، معاوضې یا بل هر مشتقي قرارداد چې د اسعارو معاملې په برکې لري، په چاروباندې بوخت وي.

۱۲- د دمخه پېرودنې قرارداد:

په ټاکلي بیه په راتلونکې کې د پور د بها لرونکو سندونو یا کالیو د ترلاسه کولو قرارداد دی.

۱۳- مستقبلي قرارداد:

- طلای مسکوك و غیر مسکوك مشروط بر اینکه تغییرات قابل ملاحظه در آن وارد نگردیده باشد.

۹- رایج:

عبارت از پول رایج قانونی کشور یا محل دیگر می‌باشد.

۱۰- بانك نوت:

بانك نوت عبارت است از وسیله ایکه بمقصد استعمال بحیث پول یا برابر با پول، مورد استفاده قرار می‌گیرد و به استیذان مرجع ذیصلاح قانونی، در کشور یا محل دیگر نشر می‌شود.

۱۱- صراف اسعار:

شخصی است که مشغول خرید و فروش اسعار، قرارداد های پیش خرید اسعار، امور پرداخت به اسعار و یا قرارداد اختیار، معاوضه و یا هر قرار داد مشتقی دیگری که معامله اسعار را در بردارد، می‌باشد.

۱۲- قرار داد پیش خرید:

قرار دادی است جهت دریافت اسناد بها دار قرضه یا کالاها در آینده با قیمت معین.

۱۳- قرار داد مستقبلی:

د دمخه پېرودنې قرارداد دی چې له معیاري شرایطو او ضوابطو سره یې په مالي بازار کې معامله کېږي.

۱۴- د پانګې اچونې صندوق:
هغه شرکت دی چې له ټولو خلکو څخه په بها لرونکو سندونو کې د وجوهو د ترلاسه کولو له لارې، پانګه اچونه کوي.

۱۵- د نړیوالې حسابداری معیارونه:
د نړیوالې حسابداری وروستنۍ او نوي معیارونه دي چې د نړیوالې حسابداری د معیارونو د کمیټې لخوا صادرېږي.

۱۶- پولي ارزښت:
د مبادلې وسیله ده چې په نقدو پیسو باندې د بیا پېرودنې وړ وي یا نه وي.

۱۷- پیسې:
د مبادلې وسیله ده چې د افغانستان یا بل هېواد لخوا مجاز پېژندل شوې او د منلو وړ ګرځېدلې وي، په دغې اصطلاح کې هغه حسابي پولي واحد هم شامل دی چې د یوه بین‌الحکومتي

قرارداد پیش خرید است که با شرایط و ضوابط معیاری آن در بازار مالی معامله می‌شود.

۱۴- صندوق سرمایه گذاری:
شرکتی است که از طریق دریافت وجوه از عموم مردم در اسناد بهادار، سرمایه گذاری می‌نماید.

۱۵- معیارهای حسابداری بین المللی:
آخرین و تازه ترین معیارهای حسابداری بین المللی است که از جانب کمیتهٔ معیارهای حسابداری بین المللی صادر می‌گردد.

۱۶- ارزش پولی:
وسیلهٔ مبادله است که قابل بازخرید به پول نقد باشد یا نه.

۱۷- پول:
وسیله مبادله است که بوسیله افغانستان یا کشور دیگر مجاز شناخته شده و مورد قبول قرار گرفته باشد. این اصطلاح شامل واحد پولی حسابی نیز می‌باشد که توسط یک سازمان بین

سازمان په وسیله یا دیوه یا زیاتو هېوادونو تر منځ د موافقې له مخې برقرار شوی وي.

۱۸- پولي خدمت:
هغه خدمت دي چې د پیسو په اړه (د پیسو د خوندي کولو او ساتنې، د پیسو د لېږدونې، د چک د نقدولو او د اسعارو د تبادلې په شمول) تر سره کېږي.

۱۹- د پولي خدمت وړاندې کوونکی:
هغه شخص دی چې د پولي خدمتونو په برابرولو بوخت وي.

۲۰- د پیسو انتقال:
د ورکړې د سندونو، زېرمه شوي ارزښت له خرڅلاو یا صادرولو یا د لېږدونې لپاره د پیسو یا پولي ارزښت له ترلاسه کولو څخه عبارت دی. (په دغې اصطلاح کې په یوازې سر د فزیکي پیسو رسول او د آن لاین او تېلي مواصلاتي خدمتونه او د « نیت ورک» شبکې ته د لاس رسېدل شامل ندي).

۲۱- د معاملې وړ:
د مالي سندونو په اړه، د هغو د خاوندانو د ثبت په دفتر کې د سند د رسولو، ظهر نویسی یا ثبتولو په الحکومتی یا طبق موافقهٔ بین دو یا بیشتر از دو کشور بر قرار گردیده باشد.

۱۸- خدمت پولی:
خدمتی است که در رابطه با پول (بشمول حفظ و نگهداشت پول، انتقال پول، نقد سازی چک و تبادله اسعار) صورت می‌گیرد.

۱۹- عرضه کنندهٔ خدمت پولی:
شخصی است که در تهیهٔ خدمات پولی مشغول می‌باشد.

۲۰- انتقال پول:
عبارت است از فروش یا صدور اسناد پرداخت، ارزش ذخیره شده یا دریافت پول و یا ارزش پولی برای انتقال. (این اصطلاح تنها شامل رسانیدن فزیکی پول و خدمات آن لاین و تیلی مواصلاتی و دسترسی به شبکه «نیت ورك» نمی‌شود).

۲۱- قابل معامله:
عبارت از قابلیت انتقال قانونی مالکیت سند بوسیلهٔ رسانیدن یا ظهرنویسی یا ثبت سند در دفتر

وسیله د مالکیت د قانوني انتقال له وړتیا څخه عبارت دی.

۲۲- د اختیار قرارداد:

هغه قرارداد دی چې د امتیاز لرونکی یې د هغه د اعتبار په موده کې تر ټاکلې نېټې پورې په موافقه شوې بیه په ټاکلې اندازه، د قیمت لرونکو سندونو یا کالیو د اختیاري پېرودنې یا پلورنې حق لري.

۲۳- د ورکړې سند:

د پیسو او پولي ارزښت چې د معاملې وړ وي یا نه وي د لېږدونې او ورکړې لپاره له چک، برأت، حوالې (منې آرډر) سفرې چک او نورو سندونو څخه عبارت دی.

د اعتباري کارتونو فورم، لېتراف کرېډیتونه او نور هغه سندونه چې د صادروونکي په وسیله یې په کالیو او خدمتونو باندې د تبادلې وړ وي، لدې حالت څخه مستثنی دي.

۲۴- د ورکړې سیستم:

د مواصلاتي شبکې په ګډون له هر ډول هغې کړنلارې څخه عبارت دی چې په هر ډول اسعارو کې د پولي خدمتونو د دریو یا له دریو څخه د

ثبت مالکین آن در رابطه به اسناد مالی می باشد.

۲۲- قرار داد اختیار:

قراردادیست که دارندۀ امتیاز آن حق خرید یا فروش اختیاری سند بهادار و یا کالارا به قیمت مورد موافقه الی تاریخ معین در خلال میعاد اعتبار آن به مقدار معین دارد.

۲۳- سند پرداخت:

عبارت است از چك، برات، حواله (منی آردر)، چك سفری و سایر اسناد جهت انتقال و پرداخت پول و ارزش پولی که قابل معامله یا غیر قابل معامله می‌باشد.

فورم کارت های اعتباری، لیتراف کریدت ها و سایر اسنادی‌که بوسیله صادر کنندۀ آن قابل تبدیل به کالاو خدمات باشد، از این حالت مستثنی است.

۲۴- سیستم پرداخت:

به شمول شبکه مواصلاتی عبارت از هر نوع طرز العمل است که جهت طی مراحل پرداخت، تصفیه و تسویۀ معاملات

زیـاتو وړانـدې کوونکـو تـرمنځ، د نورو ورکړو په مقابل کې د ورکړې د تبـادلې، د مـالي مکلفیتونـو یـا بهـا لرونکـو سـندونو د ورکـړې، تـصفیې او یـا تـسویې د معـاملو د پراوونو د تېرولو لپـاره پـرې موافقه شوې وي.

۲۵- د ورکړې د سیستم عامل یا مجري:

هغـه شـخص دی چـې د ورکـړې سیستم په کار اچوي.

۲۶- شخص:

لـه حقیقي یـا حکمي شـخص څخه عبارت دی.

۲۷- ریکارد:

هغـه معلومـات دي چې د لمـس وړ وسـیله کـې خونـدي یـا پـه یـوه الکترونیکي وسیله یا غیر له هغې کـې زېرمـه شـي او بیـا بېرتـه پـه پوهېـدو (فهـم) وړ توګـه لاس تـه راوړل شي.

۲۸- بهـا لرونکی سند:

معـاملې وړ (د سند په شکل یا په دفتـر کـې د ثبت پـه شـکل) مـالي سـند دی چـې لاندې ډولونـه پکـې شامل دي:

- ونـډه، دونـډې سند یـا د ونـډې

پرداختـــی و تبادلـــۀ پرداخـــت در مقـــابل ســـایر پرداخـــت هـــا، مکلفیـــت هـــای مـــالی یـــا اســـناد بهـادار در هر گونـه اسـعار مـیان سـه یـا بیـشتر از ســـه عـــرضه کننـــدۀ خـدمـــات پـولی توافـق می‌گردد.

۲۵- عـــامل یـا مجـری سیـستم پرداخت:

شخصی است کـه سیـستم پرداخت را بکار می‌اندازد.

۲۶- شخص:

عـــبارت از شـخص حقیقـی یـا حکمی است.

۲۷- ریکارد:

معـلـــــوماتیکه در وســـــیلۀ قابـل لمـس نگهـداری یـا در یـك وسـیلۀ الکترونیکـی و یـا غیـر آن ذخیـــره شـــده و دو بـــاره بشکل قـــابل فـــهم بدست آمده بتواند.

۲۸- سند بهادار:

سنـــد مـــالی قـــابل معـــامله (بشکل سند یـا بـه شـکل ثبت در دفتـر) است کـه شـامل انـواع ذیـل می‌باشد:

- ســـهم، ســـند سـهم یـا رسـید

رسید.
- د پور قیمت لرونکي سندونه (چې وندې باندې د بدلېدو وړ وي یا نه وي).
- مشتقات.
- د پانګې اچونې په صندوق کې وندې یا د اشتراک واحدونه.
- د مالي معاملې وړ نور سندونه چې د دافغانستان بانک په مقرراتو کې د بها لرونکي سند په توګه پېژندل شوی وي.
۲۹- د بهالرونکوسندونوخدمت:
د دې قانون په (۹۴) ماده کې له درج شوو خدمتونو څخه عبارت دي.
۳۰- د بهالرونکو سندونو خدمت وړاندې کوونکی:
هغه شخص دی چې د بهالرونکو سندونو خدمت برابروی.
۳۱- د بهالرونکو سندونو د لېږدونې سیستم:
د مواصلاتي شبکو په ګډون له هر ډول طرزالعمل څخه عبارت دي چې د بهالرونکو سندونو د لېږدونې او د بهالرونکو سندونو د خدمتو د وړاندې کوونکو د دریې یا له دریو څخه د زیاتو تر منځ د

سهم.
- اسناد بهادار قرضه (چه قابل تبدیل به سهم باشد یا نه).
- مشتقات.
- سهام یا واحد های اشتراك در صندوق سرمایه گذاری.
- سایر اسناد قابل معامله مالی که در مقررات د افغانستان بانك منحیث سند بهادار شناخته شده باشد.
۲۹- خدمت اسناد بهادار:
عبارت از خدمات مندرج مادۀ (۹۴) این قانون می باشد.
۳۰- عرضه کنندۀ خدمت اسناد بهادار:
شخصی است که خدمت اسناد بهادار را تهیه می‌کند.
۳۱- سیستم انتقال اسناد بهادار:
به شمول شبکات مواصلاتی عبارت از هر نوع طرزالعمل است که جهت انتقال اسناد بهادار و تصفیه یا تسویۀ معاملات مربوط به اسناد بهادار در برابر پرداخت سایر

بهـا لرونکـو سـندونو یـا نـورو بهـا لرونکـو سـندونو یـا نقـدو پیـسو د تـصفیې یـا تـسویې د مربوطـو معاملو لپاره پرې توافق کېږي.

اسـناد بهـادار یـا پـول نقـد میـان سـه یا بیـشتر از سه عـرضه کنندۀ خـدمات اسـناد بهادار توافق می‌گردد.

۳۲- د بهـالرونکو سـندونو د لېږدونې د سیستم مجري:

۳۲- مجری سیستم انتـقال اسناد بهادار:

هغـه شـخص وی چې د بهـالرونکو سندونو د لېږدونې سیستم په کـار اچوي.

شـخـصی اسـت کـه سیـستم انتـقال اسناد بهـادار را بکـار مـی اندازد.

۳۳- د مـالـي شـخړو د حـل کمېسیون

۳۳- کمیـسیون حـل منازعـات مـالی:

د دې قـانون پـه (۱۰۸) مـاده کـې درج د شـخړو د حـل لـه کمېـسیون څخه عبارت دی.

عبارت از کمیسیون حل منازعـات مـالی مندرجۀ مـادۀ (۱۰۸) ایـن قانون می‌باشد.

۳۴- وندې:

۳۴- سهم:

د پانګې له وندې یا نـور پانګه ایز بهـا لرونکي سندونو څخه عبـارت ده چې د شرکت لخوا صادرېږي.

عبـارت از سـهم سـرمایه یـا اسـناد بهـادار دیگـر سـرمایوی اسـت کـه توسط شرکت صادر می‌گردد.

۳۵- دولتي اداره او مؤسسه:

۳۵- اداره و مؤسسۀ دولتی:

لـه هغـې سیاسـي څـانګې یـا نمایندګۍ یا اداري یا هغې تصدۍ څخه عبـارت ده چې مـالکیت یـا کنتـرول یې د افغانـستان دولـت یـا یوه دولتي اداره او مؤسسه په غـاړه ولري.

عبـارت از شـعبه یـا نماینـدگی سیاسـی یـا اداری یـا هـر تـصدی ایکـه مـالکیت یـا کنتـرول آنـرا دولـت افغانـستان یـا یـك اداره و مـؤسسـۀ دولتـی بعهده داشـته باشد.

۳۶- زېرمه شوی ارزښت:

۳۶- ارزش ذخیره شده:

د الکترونیکي ریکارد په واسطه، عـبارت از ارزش پولی ثابت شده

لـه ثـــابت شـــوي پـولي ارزښـت څخه عبارت دی.

تـــوسط ریـــکارد الکـــترونیکی می باشد.

دوه یم فصل
تشکیل او اداره

فصل دوم
تشکیل و اداره

تشکیل
شپږمه ماده:
د دافغانستان بانک د عـالی شـوري (د تـــصمیم نیـــونې او سیاســـت ګـذاری د لـوړې مرجـع پـه توګـه) د ټولـو رئـیس د (دافغانستان بانک د اداري د مـسئول پـه توګـه) د ټولـو ناظر (د دافغانستان بانک د کورنیو عملیـــاتو د څېړنـــې او بررســـی د مسئول په توګه) او د نورو اړوندو کارکوونکو دی.

تشکیل
مادۀ ششم:
د افغـــانـــستان بانـــک دارای شورای عـالی (منحیـث عـالیترین مرجـع تـصمیم گیـری و سیاسـت گـذاری)، رئـیس کـل (منحیـث مـسئول اداره د افغانـستان بانـک) ناظر کل (منحیث مسئول بازرسی و بررســـی داخلـــی عملیـــات د افغانستان بانک) و سایر کار کنـان مربوط می‌باشد.

د عالي شوري ترکیب
اوومه ماده:
(۱) د دافغانـــستان بانـــک عـــالي شوري په لاندې شرحې سره لـه اوو غړو څخه جوړه ده:
۱- د دافغانـــستان بانـــک د ټولـــو رئـیس، د عـالي شوري د رئـیس په توګه.
۲- د دافغانـــستان بانـــک لـــومړی مرستـــیال، د عـــالي شـــوري د

ترکیب شورای عالی
مادۀ هفتم:
شـــورای عالی د افغانستان بانک مـــرکب از هـــفت عـضـــو بـشرح آتی می باشد:
۱- رئـیـــس کـــل د افغانـستان بـــانـــک بـــحیث رئـیس شـورای عالی.
۲- معـــاون اول د افغـــانـــستان بـــانـــک بـــحیث معاون شورای

مرستیال په توګه.
۳- پنځه نور غړي.
(۲) د عالي شوري غړي د ملي شوري په موافقه، د جمهور رئیس لخوا مقررېږي.
(۳) دعالي شوري د هرغړي د خدمت دوره پنځه کاله ده. (پرته له دې چې په لومړۍ دوره کې د مقررو شوو غړو کاري دوره د دې قانون مطابق د امکان ترحده پورې په همغو پنځو کلونو کې په پرله پسې والي سره پای مومي). د عالي شوري د غړو بیا مقررېدل مجاز دي خو دا چې د دې قانون د دوولسمې مادې په موجب، د هغوی د لیرې کولو لپاره دلیل موجود وي.

د عالي شوري دندې:
اتمه ماده:
(۱) عالي شوري د دافغانستان بانک د کلي سیاستونو د طرحې او د هغه پر اداري او فعالیتونو باندې د څارنې مسئوله ده.
(۲) عالي شوري د خپلو دندو په اجراء کې وخت په وخت اقتصادي او پولي وضع ارزوي او پدې منظور عامل هیئت مکلف دی لږ تر لږه په

عالی.
۳- پنج عضو دیگر.
(۲) اعضای شورای عالی به موافقهٔ شورای ملی از طرف رئیس جمهور مقرر می شوند.
(۳) دورهٔ خدمت هر عضو شورای عالی پنج سال می باشد. (به استثنای اینکه در دورهٔ اول دورهٔ کاری اعضای مقرر شده مطابق این قانون تا حد امکان در طی همان پنج سال با تسلسل اختتام می‌یابد.) تقرر مجدد اعضای شورای عالی مجاز است، مگر اینکه بموجب مادهٔ دوازدهم این قانون دلیلی برای برکناری آنها موجود باشد.

وظایف شورای عالی
مادهٔ هشتم:
(۱) شورای عالی مسئول طرح سیاستهای کلی د افغانستان بانک و نظارت بر اداره و فعالیت های آن می‌باشد.
(۲) شورای عالی در اجرای وظایف خود وقتاً فوقتاً وضع اقتصادی و پولی را ارزیابی می‌نماید و بدین منظور هیئت

هره تقويمي څلوريزه کې يو ځل د لاندې مواردو په هکله، عالي شوري ته رپوټ وړاندې کړي:

۱- د دافغانستان بانک اداره او عمليات.

۲- د کورنيو قيمتونو د ثبات د سياست په شمول د پولي او تنظيماتي سياستونو تطبيقول.

۳- په افغانستان کې د مالي سيستم سالموالی، په خاصه توګه د بانکي او ورکړې سيستم.

۴- د پيسو، پانګې او بهرنيو اسعارو د بازارونو وضع.

۵- هغه پېښې او شرايط چې د دافغانستان بانک په اداره يا عملياتو، د سياستونو په تطبيق، مالي سيستم يا پورتنيو ذکر شوو بازارونو کې يې مهمه اغېزه لرلې وي.

د ټولو ناظر مکلف دی د عالي شوري د غونډستنې وړ رپوټونه او کتنې (مطالعات)، د دافغانستان بانک پر اداره او فعاليتونو باندې د څارنې لپاره وړاندې کړي.

د ټولو رئيس مکلف دی عالي شوري ته د دافغانستان بانک پر

عامل مکلف است حداقل در هر ربع تقویمی یکبار در بارۀ موارد ذیل به شورای عالی گزارش ارایه نماید:

۱- اداره و عملیات د افغانستان بانك.

۲- تطبیق سیاستهای پولی و تنظیماتی به شمول سیاست ثبات قیمت های داخلی.

۳- سالم بودن سیستم مالی، بخصوص سیستم بانکی و پرداخت در افغانستان.

۴- وضع بازارهای پول، سرمایه و اسعار.

۵- وقایع و شرایطی که در اداره یا عملیات، تطبیق سیاستها، سیستم مالی د افغانستان بانك یا بازار های فوق الذکر اثر مهم داشته باشند.

ناظر کل مکلف است گزارشها و مطالعات مورد مطالبۀ شورای عالی را جهت نظارت بر اداره و فعالیت های د افغانستان بانك تقدیم نماید.

رئیس کل مکلف است از ارایه به موقع معلومات مطالبه شده در

اداره او فعالیتونو باندې د څارنې په هکله د غوښتل شوو معلوماتو له پر وخت وړاندې کولو څخه، ډډه ترلاسه کړي.

د عالي شوري واکونه

نهمه ماده:

عالي شوري د لاندې واکونو لرونکې ده:

۱- د دافغانستان بانک په واسطه د آزاد بازار د عملیاتو دحدودو، تنزیل او پور لپاره د ټکټانې د نرخ، د زېرمو د ډول او میزان چې بانکونه د هغو په ساتنه ملکف دی په شمول د افغانستان د پولي سیاست طرح کول او جوړول.

۲- د افغانستان د بهرنیو اسعارو د سیاست طرح او جوړول.

۳- د هغو مقرراتو، لارښودونو او د تطبیق وړ دستورالعملونو تصویبول چې د دې قانون او د هېواد د نورو نافذو قوانینو په موجب د دافغانستان بانک له لوري وړاندې کېږي.

۴- د هغو رپوټونو او مشورتونو تصویبول چې د دافغانستان بانک یې دولت یا ملي شوري ته وړاندې کوي.

صلاحیت های شورای عالی

مادۀ نهم:

شورای عالی دارای صلاحیت های آتی می باشد:

۱- طرح و اتخاذ سیاست پولی افغانستان بشمول حدود عملیات بازار آزاد توسط د افغانستان بانک، نرخ تکتانه برای تنزیل و قرضه توسط د افغانستان بانک، نوع و میزان ذخایریکه بانکها مکلف به نگهداری آن می‌باشد.

۲- طرح و اتخاذ سیاست اسعار خارجی افغانستان.

۳- تصویب مقررات، رهنمودها و دستورالعمل های قابل تطبیق که به موجب این قانون و سایر قوانین نافذه کشور از طرف د افغانستان بانک ارایه می‌شود.

۴- تصویب گزارشها و مشاورتهای که د افغانستان بانک به دولت یا شورای ملی ارائه می‌نماید.

۵- په نړیوالو سازمانونو کې د افغانستان بانک د ګډون په هکله د تصمیم نیول.

۶- د بانکنوټونو او فلزي مسکوکاتو د طرحې او ډیزاین او رسمي ارزښت او د هېواد د رایجو پیسو په راټولولو پورې د اړوندو شرایطو په هکله د تصمیم نیول.

۷- د افغانستان بانک د پور د بهالرونکو سندونو او د هغو د شرایطو په هکله د تصمیم نیول.

۸- په ډول ډول شتمنیو کې چې مناسبې وي، د افغانستان بانک د بهرنیو اسعارو او نورو سرچینو د پانګې اچونې په هکله د تصمیم نیول.

۹- د هغو سندونو د تنزیل تصویبول چې د سر رسېد وخت یې، د د افغانستان بانک په وسیله د ترلاسه کولو له نېټې څخه له دریو میاشتو څخه زیات وي.

۱۰- د عالي شوري د درې پر پنځمې غړو په موافقه، د دې قانون د شپږ اتیایمې مادې د حکم مطابق، نورو بانګونو ته د افغانستان بانک د پورونو، ضمانتونو او نورو مشروطو ژمنو

۵- اتخاذ تصمیم در مورد شرکت افغانستان بانک در سازمانهای بین المللی.

۶- اتخاذ تصمیم در مورد طرح، دیزاین و ارزش اسمی بانکنوتها و مسکوکات فلزی و شرایط مربوط به جمع آوری پول رایج کشور.

۷- اتخاذ تصمیم در مورد اسناد بهادار قرضهٔ د افغانستان بانک و شرایط آن.

۸- اتخاذ تصمیم در مورد سرمایه گذاری ذخائر اسعار و سایر منابع د افغانستان بانک در انواع دارائی های که مناسب باشد.

۹- تصویب تنزیل اسنادیکه موعد سر رسید آن بیشتر از سه ماه از تاریخ دریافت آن بوسیله د افغانستان بانک باشد.

۱۰- تصویب قرضه ها، ضمانت ها یا سایر تعهدات مشروط افغانستان بانک به سایر بانکها طبق حکم مادهٔ هشتاد و ششم این قانون به موافقت سه

تصویبول.
۱۱- د دافغانستان بانک د کړنلارې او د هغه په اداري او فعالیتونو پورې د نورو اړوندو مقرراتو تصویبول.
۱۲- د دافغانستان بانک د تشکیل په هکله د تصمیم نیول.
۱۳- له لومړي مرستیال پرته د مرستیالانو او د ټولو د ناظر د مقرري منظورول او په د دافغانستان بانک کې د دوی د دندو تر بشپړېدو وروسته، په بله مالي مؤسسه کې د ټولو د رئیس او لومړي مرستیال د خدمت له کولو سره موافقه.
۱۴- د تابع، فروع شرکتونو او د دافغانستان بانک د نمایندګیو د دفترونو تأسیسول یا بندول.
۱۵- د دافغانستان بانک په وسیله د ودانیو او نورو املاکو د پیرودنې، ودانولو، ګټې اخیستنې او پلورنې په هکله د تصمیم نیول.
۱۶- د دافغانستان بانک د بودجې، داستخدام، کار د شرایطو، د دافغانستان بانک د کارکوونکو او استازو د تقاعد د حقوقو په هکله د تصمیم نیول.

پنجم اعضای شورای عالی.
۱۱- تصویب طرز العمل د افغانستان بانک و سایر مقررات مربوط به اداره و فعالیت های آن.
۱۲- اتخاذ تصمیم در بارهٔ تشکیل دافغانستان بانک.
۱۳- به استثنای معاون اول، منظوری تقرر معاونان و ناظر کل و موافقت به ایفای خدمت رئیس کل و معاون اول در موسسهٔ مالی دیگر بعد از اکمال وظایف شان در د افغانستان بانک.
۱۴- تأسیس یا مسدود نمودن شرکت های تابع، فروع و دفاتر نماینده گی دافغانستان بانک.
۱۵- اتخاذ تصمیم در مورد خریداری، اعمار، بهره برداری و فروش ساختمانها و سایر املاک بوسیله دافغانستان بانک.
۱۶- اتخاذ تصمیم در مورد بودجهٔ د افغانستان بانک، شرایط استخدام، کار، حقوق تقاعد کار کنان و نمایندگان د افغانستان بانک.

د عـالي شـوري غـړي لـه دې حکـم څخه مستثنی دي.

۱۷- د دافغانستان بانک د مجاز پانګې د زیاتولو وړاندیز.

۱۸- د حسابداری، د کـړنلارو او احتمـالي مـالي خطرونـو د دافغانستان بانـک د اداري د لارو چارو په هکله د تصمیم نیول.

۱۹- د دافغانستان بانک د کلنـي رپوټ او د مـالي صورت حسابونو منظورول.

۲۰- د دافغانستان بانک د شتمنیو د استهلاک او د شتمنیو د استهلاک د میزان، د دافغانستان بانـک په دفترونـو کـې د خاصـو زیرمـو د جوړولـو، د دافغانستان بانـک د خالـصې ګټې د ټاکلو او زېرمـو تـه د لېږدونـې وړ خالـصې ګټې د ټاکلو پـه هکلـه د تـصمیم نیول.

۲۱- د نورو هغو واکونو اعمـالول چې د دې قـانون پـه موجـب عـالي شوري ته سپارل کېږي.

اعضای شورای عالی از این حکم مستثنی اند.

۱۷- پیـشنهاد افـزایش سـرمایهٔ مجاز د افغانستان بانك.

۱۸- اتخـاذ تـصمیم در مـورد طرزالعمـل هـای حـسابداری و روشهای ادارهٔ خطرات احتمـالی مالی د افغانستان بانك.

۱۹- منظـوری راپـور سـالانه و صـورت حـسابهای مـالی د افغانستان بانك.

۲۰- اتخـاذ تـصمیم در مـورد اسـتهلاك دارائـی هـا و میـزان اسـتهلاك دارائـی هـای د افغانستان بانك، ایجاد ذخیره های خاص در دفاتر د افغانستان بانـك، تعـین درآمـد خـالص د افغانستان بانك و تعیـین مبلـغ درآمـد خـالص قابـل انتـقال بـه ذخایر.

۲۱- اعمـال سایر صلاحیت های کـه بموجب ایـن قـانون بـه شورای عالی تفویض می گردد.

د عالي شوري دغړیتوب شرایط

لسمه ماده:

هغـه شـخص د عـالي شـوري دغـړي پـه توګـه ټاکـل (غـوره) کېدای شـي

شرائط عضویت شورای عالی

مادهٔ دهم:

شخصی بحیث عضو شورای عالی انتخـاب شـده مـی‌توانـد کـه واجـد

چې د لاندې شرایطو لرونکی وي:
۱- د افغانستان تابعیت ولري.
۲- د نېک شهرت (امانت داری) لرونکی وي.
۳- د لوړو تحصیلاتو لرونکی وي یا د اقتصاد، بانکوالۍ یا حقوقو په رشته (څانګه) کې ترجیحاً پراخې تجربې ولري.
۴- د دې قانون په دوولسمه ماده کې د درج شوو حکمونو مطابق، په عالي شوري کې یې غړیتوب له لاسه نه وي ورکړی.
۵- د دافغانستان بانک برحال مامور نه وي. د ټولو رئیس او لومړی مرستیال له دې امر څخه مستثنیٰ دي.
۶- په هېڅ ډول سره د څارنې (نظار) د شوري او نورو مالي مؤسسو غړیتوب و نه لري.
۷- د قانون د حکمونو مطابق، د دافغانستان بانک تر څارنې لاندې نه وي.
۸- د وزیرانو د شوري، د ملي شوري غړیتوب یا نورې لوړې دولتي عهدې و نه لري.

شرایط ذیل باشد:
۱- تابعیت افغانستان را داشته باشد.
۲- دارای شهرت نیك (امانت داری) باشد.
۳- دارای تحصیلات عالی بوده یا تجارب وسیع ترجیحاً در رشته اقتصاد، بانکداری یا حقوق داشته باشند.
۴- طبق احکام مندرج مادۀ دوازدهم این قانون عضویت در شورای عالی را از دست نداده باشد.
۵- مامور بر حال د افغانستان بانك نباشد. رئیس کل و معاون اول از این امر مستثنی است.
۶- عضویت شورای نظار و مؤسسات مالی دیگر را به هیچ شکل نداشته باشد.
۷- طبق احکام قانون تحت نظارت دافغانستان بانك قرار نداشته باشد.
۸- عضویت شورای وزیران، شورای ملی یا سایر عهده های عالی دولتی را نداشته باشد.

دعالي شوري د غړو حقوق
يوولسمه ماده:
د ټولو رئيس، لومړی مرستيال او د عالي شوري نور غړي د دولت د رئيس د فرمان په اساس مقررېږي. د يوې دورې لپاره د عالي شوري د غړو له مقرری يا بيا مقرری وروسته، د هغوی معاشونه او امتيازونه د تقرر د هماغې دورې په اوږدو کې نه راټيټېږي.

د عالي شوري د غړو د واک سلبول او ګوښه کول (برطرفي)
دوولسمه ماده:
(۱) د دافغانستان بانک د ټولو رئيس، لومړی مرستيال او د عالي شوري نور غړي له لاندې عواملو څخه د يوه له مخې، د دولت د رئيس لخوا معزول يا يې عهدې د تعليق په حالت کې قرار نيسي:
۱- په هغه صورت کې چې د دې قانون په لسمه ماده کې د درج شوو شرايطو څخه يو ئې، له لاسه ورکړي وي.
۲- په هغه صورت کې چې په داسې جرم محکوم شوی وي چې مجازات يې حبس وي، خو داچې دغه ډول محکوميت د هغه د

حقوق اعضای شورای عالی
مادۀ یازدهم:
رئیس کل، معاون اول و سایر اعضای شورای عالی بر اساس فرمان رئیس دولت مقرر می‌گردند. پس از تقرر یا تقرر مجدد اعضای شوری عالی برای یکدوره، معاشات و امتیازات آنها طی همان دوره تقرر کاهش نمی‌یابد.

سلب صلاحیت و سبکدوشی اعضای شورای عالی
مادۀ دوازدهم:
(۱) رئیس کل، معاون اول و سایر اعضاء شورای عالی د افغانستان بانک بنا بر یکی از عوامل آتی از طرف رئیس دولت معزول یا عهده های شان به حالت تعلیق قرار می‌گیرند:
۱- در صورتی‌که یکی از شرایط مندرج مادۀ دهم این قانون را از دست داده باشد.
۲- در صورتی‌که محکوم بجرمی گردیده باشد که مجازات آن حبس باشد، مگر آنکه چنین محکومیت در نتیجۀ

مذهبي او سياسي فعاليتونو يا نظريو په نتيجه کې صورت موندلی وي.

۳- په هغه صورت کې چې د محکمې د حکم په اثر، د نه توانيدو له امله د پورونو له ورکړې څخه عاجز يا ورشکسته اعلان شوی وي.

۴- په هغه صورت کې چې په عالي شوري کې له غړيتوب څخه د مخه په وروستيو پنځو کلونو کې د داسې کوم شرکت واکمن مدير يا کارمند وي چې ورته متولي يا د تصفيې مدير تاکل شوی وي.

۵- په هغه صورت کې چې د شخصي بدرفتارۍ او ناوړه سلوک له امله د واکمن مقام لخوا له دندې څخه ګوښه يا يې د تعليق په حالت کې قرار نيولی وي.

۶- په هغه صورت کې چې په شپږو مياشتو څخه زيات د جسمي يا ذهني ناتوانۍ له امله د سپارل شوو دندو په اجراء قادر نه وي.

۷- په وروستيو دوولسو مياشتو کې د دافغانستان بانک د عالي شوري په دوو يا زياتو پر له پسې جلسو کې له مؤجه عذر پرته د فعاليتها يا نظريات مذهبی و سياسی او صورت گرفته باشد.

۳- در صورتی‌که به اثر حکم محکمه نسبت عدم توانائی از پرداخت قروض عاجز يا ورشکسته اعلان شده باشد.

۴- در صورتی‌که در آخرين پنجسال قبل از عضويت در شورای عالی، مدير يا کارمند ذيصلاح شرکتی بوده که برای آن متولی يا مدير تصفيه تعيين شده باشد.

۵- در صورتی‌که بعلت بدرفتاری شخصی و سوء خلق از طرف مقام ذيصلاح از وظيفه معزول يا به حالت تعليق قرار گرفته باشد.

۶- در صورتيکه بعلت ناتوانی جسمی يا ذهنی بيش از شش ماه قادر به انجام وظايف محولهٔ خود نباشد.

۷- در صورت غيابت بدون عذر مؤجه در دو يا بيشتز از دو جلسهٔ متوالی شورای عالی د افغانستان بانک، در دوازده ماه

غیابت په صورت کې.

۸- د عالي شوري د غړیتوب په موده کې سیاسي فعالیت وکړي یا په اداره کې له قانوني مکلفیتونو څخه د څرګندو او مهمو سرغړونو یا بدرفتاری مرتکب شي چې د دافغانستان بانک ګټو ته د شدید زیان (لطمې) باعث ګرځیدلی وي.

(۲) د عالي شوري غړي د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو حالاتو په استثنی په بل هېڅ دلیل د عالي شوري له غړیتوب څخه معزول یا له خپلو عهدو څخه د تعلیق په حالت کې قرار نه نیسي.

(۳) ګوښه کیدل (سبکدوشي) یا د عالي شوري له دندو څخه تعلیق، په خپله یا د قانوني وکیل په واسطه د دلایلو له وړاندې کولو او د دولت د رئیس له خوا د هغو له څېړلو د مخه جواز نه لري.

اخیر.

۸- در زمان عضویت شورای عالی، فعالیت سیاسی نموده یا مرتکب تخلفات صریح و مهم از مکلفیت های قانونی یا بدرفتاری در اداره گردد که باعث لطمهٔ شدید به منافع د افغانستان بانك گردیده باشد.

(۲) اعضای شورای عالی به استثنای حالات مندرج فقرهٔ (۱) این ماده به هیچ دلیل دیگری از عضویت شورای عالی معزول یا از عهده های شان به حالت تعلیق قرار نمی‌گیرند.

(۳) سبکدوشی یا تعلیق از وظایف شورای عالی قبل از ارائهٔ دلایل توسط خود یا وکیل قانونی و رسیده گی آن توسط رئیس دولت جواز ندارد.

د عالي شوري د غړو استعفی

دیارلسمه ماده:

د دافغانستان بانک د ټولو رئیس او د عالي شوري مرستیال کولای شي د دمخه په کتبي خبر ورکولو سره چې له دریو میاشتو څخه لږ نه وي یا په هغې لالږ موده کې چې د

استعفای اعضای شورای عالی

مادهٔ سیزدهم:

رئیس کل و معاون شورای عالی د افغانستان بانك می توانند با دادن اطلاع کتبی قبلی که کمتر از سه ماه نباشد یا مدت کمتریکه

دولت رئیس ورسره موافقه وکړي، خپله استعفی د دولت رئیس ته وړاندې کړي. د عالي شوري نور غړي کولای شي د مخه په کتبي خبرورکولو سره چې له یوې میاشتې څخه لږ نه وي یا په هغې لا لږ موده کې چې د دولت رئیس ورسره موافقه وکړي، خپله استعفی ددولت رئیس ته وړاندې کړي.

رئیس دولت به آن موافقت کند، استعفای خود را به رئیس دولت تقدیم نمایند. سایر اعضای شورای عالی می توانند با دادن اطلاع کتبی قبلی که کمتر از یك ماه نباشد یا مدت کمتریکه رئیس دولت به آن موافقت کند، استعفای خود را به رئیس دولت تقدیم نمایند.

په عالي شوري کې تشه کرسۍ څوارلسمه ماده:

په عالي شوري کې تشه کرسۍ د دې قانون د نهمې مادې د حکم مطابق، د پخواني غړي د پاتې مودې د بشپړتیا لپاره د نوي غړي په مقررېدو سره بشپړېږي.

کرسی خالی در شورای عالی مادۀ چهاردهم:

کرسی خالی در شورای عالی مطابق حکم مادۀ (۹) این قانون با تقرر عضو جدید برای اکمال میعاد باقیماندۀ عضو سابق تکمیل می‌گردد.

د عالي شوري غونډې: پنځلسمه ماده:

(۱) د ټولو رئیس، د عالي شوري غونډې رهبري کوي. د هغه په غیاب یا یې د رأیې ورکونې د نه امکان په صورت کې، لومړی مرستیال غونډې رهبري کوي.

(۲) د عالي شوري غونډې له هرو دریو میاشتو وروسته دایرېږي او د ارټیا په صورت کې کېدی شي له

جلسات شورای عالی مادۀ پانزدهم:

(۱) رئیس کل، جلسات شورای عالی را رهبری مینماید. در غیاب یا عدم امکان رأی دهی وی، معاون اول جلسات را رهبری می کند.

(۲) جلسات شورای عالی بعد از هر سه ماه دایر می‌گردد و در صورت ضرورت می‌تواند قبل از

ټاکلي وخت د مخه هم دایرې شي.

(۳) د عالي شوري غونډې د ټولو د رئیس د تصمیم پر اساس یا د عالي شوري د دریو غړو د لیکلې غوښتنې له مخې جوړېدی شي.

(۴) د عالي شوري غونډې د عالي شوري غړو ته د خبرتیا له استولو وروسته چې په هغې کې د غونډې وخت، ځای او اجنداء مشخصېږي، جوړېږي. خبرتیا د غونډې له جوړېدو لږ تر لږه لس کاري ورځې د مخه ابلاغېږي.

(۵) د عالي شوري هر غړی د یوې رأیې لرونکی دی. د عالي شوري د غونډې د جوړیدو نصاب، د شوري د غړو د دوو ثلثو یا زیاتو په حضور له دې جملې څخه د رئیس یا یې د مرستیال په حضور سره بشپړېږي.

(۶) د عالي شوري تصمیمونه په غونډه کې د حاضرو غړو د ساده رایو په اکثریت نیول کېږي، خو دا چې دغه قانون بل ډول حکم کړی وي، د عالي شوري له غړو څخه یوازې هغه شمېر چې شخصاً په غونډه کې حاضر وي، د رأیې حق لري.

میعاد معینه نیز دایر گردد.

(۳) جلسات شورای عالی به اساس تصمیم رئیس کل یا بنا بر درخواست کتبی سه عضو شورای عالی تشکیل شده می‌تواند.

(۴) جلسات شورای عالی بعد از ارسال اطلاعیه، به اعضای شورای عالی که در آن زمان، مکان و اجنداء جلسه مشخص می شود، تشکیل می گردد. اطلاعیه حد اقل ده روز کاری قبل از تشکیل جلسه ابلاغ می‌گردد.

(۵) هر عضو شورای عالی دارای یک رأی می‌باشد. نصاب تشکیل جلسه شورای عالی به حضور دو ثلث یا بیشتر اعضای شوري از جمله حضور رئیس یا معاون آن تکمیل می گردد.

(۶) تصامیم شورای عالی به اکثریت ساده آراء اعضای حاضر در جلسه اتخاذ می گردد، مگر اینکه این قانون طور دیگر حکم نموده باشد. صرف آنعده از اعضای شورای عالی که شخصاً در جلسه حاضر باشند، حق رأی دارند.

د د افغانستان بانک کولای شي د اړوندې کړنلارې مطابق، د عالي شوري د غونډو د جوړېدو اجازه، د تیلې کنفرانسونو له لارې د رأیې ورکولو په ډول یا په استثنایي مواردو کې د شفري تلکس یا نورو الکترونیکي شفري وسایلو په واسطه ورکړي. د رأیو د تساوي په صورت کې د غونډې د رئیس رأیه ټاکونکې ده.

(۷) د دې مادې په (۵) فقره کې د درج شوي نصاب د بشپړېدو په صورت کې، د عالي شوري تصمیمونه یوازې په عالي شوري کې د یوې یا څو تشو څوکیو د موجودیت په علت نشي کیدی چې بې اعتباره اعلان شي.

(۸) د رئیس یا د عالي شوري د بل غړي تصمیمونه چې په ښه نیت تر سره شوي وي، معتبر دي، حتي که وروسته د هغه په انتصاب، واک او وړتیا کې نیوکه (ایراد)څرګند شي.

د عالي شوري د جلسو د ډول او تصمیمونو بهیر

شپاړسمه ماده:

(۱) د عالي شوري د غونډو بهیر

د افغانستان بانك می‌تواند طبق طرزالعمل مربوط اجازهٔ تشکیل جلسات شورای عالی را بصورت رأی دادن از طریق تیلی کنفرانس ها یا در موارد استثنائی بوسیله تلکس شفری و یا سایر وسایل شفری الکترونیکی اجازه دهد. در صورت تساوی آراء، رأی رئیس جلسه تعیین کننده می‌باشد.

(۷) در صورت تکمیل نصاب مندرج فقرهٔ (۵) این ماده، تصامیم شورای عالی را صرف به علت وجود یك یا چند کرسی خالی در شورای عالی نمیتوان بی اعتبار اعلان نمود.

(۸) تصامیم رئیس یا عضو دیگر شورای عالی که با حسن نیت انجام شده باشد، معتبر است، حتی اگر بعداً ایرادی در انتصاب و صلاحیت و شایستگی او کشف گردد.

جریان، صورت جلسات و تصامیم شورای عالی

مادهٔ شانزدهم:

(۱) جریان جلسات شورای عالی

پټ (سري) دی. عالي شوري کولای شي د خپلو ټولو یا یوې برخې مذاکرو د پایلو څرګند والی اعلان کړي.

(۲) د عالي شوري د غونډې صورت له ترتیب وروسته، د غونډې د رئیس او د عالي شوري د منشي په لاسلیک رسېږي.

(۳) د ټولو رئیس، د عالي شوري منشي د دافغانستان بانک د لوړ پوړو غړو له منځه غوره کوي دغه شخص د عالي شوري غړی نشي کېدی.

(۴) د عالي شوري د غونډې تصمیمونه ثبتېږي او د هماغې غونډې د رئیس په واسطه لاسلیک اوړوندو مراجعو ته صادرېږي.

سری می‌باشد. شورای عالی می‌تواند علنی بودن نتایج تمام یا قسمتی از مذاکرات خود را اعلان نماید.

(۲) صورت جلسهٔ شورای عالی بعد از ترتیب، به امضاء رئیس جلسه و منشی شورای عالی میرسد.

(۳) رئیس کل، منشی شورای عالی را ازمیان اعضای بلندرتبهٔ د افغانستان بانک انتخاب می کند. این شخص عضو شورای عالی بوده نمی تواند.

(۴) تصامیم جلسه شورای عالی ثبت شده و توسط رئیس همان جلسه امضاء و به مراجع مربوط صادر می‌گردد.

د ګټو (منافعو) اعلامول

اووه لسمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د عالي شوري غړي، مرستیالان، عامل هیئت او نور کارکوونکي په عالي شوري کې په غړیتوب باندې د انتصاب په وخت کې او وروسته له هغه هر کال له خپلو یا د خپلې کورنۍ د غړو له مستقیمو یا غیر مستقیمو سوداګریزو ګټو څخه، د

اعلام منافع

مادهٔ هفدهم:

(۱) اعضای شورای عالی، معاونین، هیئت عامل و سایر کارمندان د افغانستان بانك حین انتصاب شان به عضویت شورای عالی و بعد از آن هر سال از منافع تجارتی مستقیم یا غیر مستقیم خود یا اعضای خانواده اش مطابق مقررات تصویب شده

تصویب شوو مقرراتو مطابق، عالي شوري ته معلومات ورکوي.
(۲) د عالي شوري یا د افغانستان بانک د اجراآتو اعتبار، د دې مادې له (۱) فقرې یا د دې قانون له څلېریشتمې مادې سره د هغو د نه مطابقت په دلیل، تر پوښتنې لاندې نشي راتلای.

عامل هیئت

اتلسمه ماده:

(۱) عامل هیئت د دافغانستان بانک په اداره او عملیاتو پورې د ټولو اړوندو چارو چې د دې قانون په موجب، عالي شوري یا د ټولو ناظر ته ندي پرېښودل شوي، د پرمخ بیولو مسئول دی.
د عامل هیئت غړي مکلف دي خپلې اداري دندې په لاړم ځیر(دقت) او اغېزمنتیا سره تر سره کړي.
(۲) د عامل هیئت غړي د دندې د اشغالولو په وخت کې د اداري د اسرارواو د دافغانستان بانک د فعالیتونواو په ځیرتیا اواغېزمنتیا سره د سپارل شوو دندو د سرته رسولو په اړه د وفاداري لوړه کوي.
(۳) د ټولو رئیس د غیابت یا عدم به شورای عالی معلومات ارائه می‌نماید.
(۲) اعتبار اجراآت شورای عالی یا د افغانستان بانك به دلیل عدم مطابقت آن با فقرهٔ (۱) این ماده یا مادهٔ (۲۴) این قانون مورد سوال قرار گرفته نمی تواند.

هیئت عامل

مادهٔ هجدهم:

(۱) هیئت عامل مسئول پیشبرد کلیه امور مربوط به اداره و عملیات دافغانستان بانك که بموجب این قانون به شورای عالی یا ناظر کل واگذار شده است، می باشد.
اعضای هیئت عامل مکلف اند وظایف اداری خویش را با دقت و مؤثریت لازم انجام دهند.
(۲) اعضای هیئت عامل حین اشغال وظیفه حلف وفاداری را مبنی بر حفظ اسرار اداره و فعالیت های د افغانستان بانك و انجام وظایف محوله با دقت و مؤثریت یاد می‌کنند.
(۳) در صورت غیابت یا عدم

ناتوانۍ په صورت کې، لومړی مرستیال د هغه دندې سرته رسوي او د ټولو رئیس له اختیاراتو او واکونو څخه برخمن دی.

(۴) د ټولو رئیس د عالي شوري د تصمیمونو په اجراء، د د افغانستان بانک د اداري او عملیاتي چارو په لارښوونه او کنترول کې د عالي شوري په وړاندې مسئولیت لري.

د ټولو د رئیس واکونه

نولسمه ماده:

(۱) رئیس د هغو واکونو لرونکی دی چې د دې قانون په موجب عالي شوري یا د ټولو ناظر ته مختص شوي نه وي. د ټولو رئیس د خپلو اختیاراتو په حدودو کې کولای شي، د دافغانستان بانک د فعالیتونو د ښې لارښوونې او اداري په منظور په لاړمو اقداماتو لاس پورې کړي.

(۲) د ټولو رئیس د عالي شوري په تصویب کولای شي، خپل ټول یا یوه برخه واکونه د عامل هیئت یوه یا څو تنو غړو یا د دافغانستان بانک د شرایطو لرونکو نورو توانائی رئیس کل، معاون اول وظایف وی را انجام می‌دهد و از اختیارات و صلاحیت های رئیس کل بر خوردار می باشد.

(۴) رئیس کل در اجرای تصامیم شورای عالی، رهبری و کنترول امور اداری و عملیاتی دافغانستان بانک در برابر شورای عالی مسئولیت دارد.

صلاحیت های رئیس کل

مادۀ نزدهم:

(۱) رئیس دارای صلاحیت های است که به موجب این قانون به شورای عالی یا ناظر کل مختص نشده باشد. رئیس کل در حدود اختیارات خود می‌تواند به منظور رهبری و ادارۀ بهتر فعالیت های د افغانستان بانک به اقدامات لازم متوسل گردد.

(۲) رئیس کل به تصویب شورای عالی می تواند تمام یا قسمتی از صلاحیت های خود را به یک یا چند نفر از اعضای هیئت عامل یا سایر مامورین و نمایندگان

مامورینو یا استازو ته وسپاري. د دافغانستان بانک د واک لرونکو اشخاصو بشپړ وروستنی لست، د هغو د اختیاراتو د حدودو په توضیح کولو سره برابر او د غوښتنې په صورت کې یې د ټولو (عمومو) په واک کې ورکوي.

په عامل هیئت کې غړیتوب

شلمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک عامل هیئت له رئیس، لومړي مرستیال، د ټولو ناظر او د ټولو د رئیس له هغه شمېر مرستیالانو څخه جوړ (مرکب) دی چې عالي شوري یې د ټولو د رئیس د وړاندیز شوو نوماندو (نامزدانو) له منځه منظوروي، د لومړي مرستیال په استثنی، نور مرستیالان د عالي شوري د تصویب پر اساس مقررېږي.

(۲) هغه شخص کولای شي د دافغانستان بانک د ټولو د رئیس یا د هغه د مرستیال یا د ټولو د ناظر په صفت دنده ترسره کړي چې د لاندې شرایطو لرونکی وي:

۱- د افغانستان تابعیت ولري.

واجد شرایط دافغانستان بانک تفویض نماید. د افغانستان بانک آخرین لست مکمل اشخاص واجد صلاحیت را همراه با توضیح حدود اختیارات آنها تهیه و در صورت تقاضاء در اختیار عموم قرار می‌دهد.

عضویت در هیئت عامل

مادۀ بیستم:

(۱) هیئت عامل د افغانستان بانک مرکب از رئیس کل، معاون اول و ناظر کل و آنعده از معاونان رئیس کل می‌باشد که شورای عالی از میان نامزد های پیشنهاد شدۀ رئیس کل منظور مینماید. به استثنای معاون اول، سایر معاونین به اساس تصویب شورای عالی مقرر می گردند.

(۲) شخصی می‌تواند به صفت رئیس کل یا معاون وی و یا ناظر کل د افغانستان بانک اجرای وظیفه نماید که واجد شرایط ذیل باشد:

۱- تابعیت افغانستان رادارا باشد.

۲- د نېک شهرت (امانت داری) خاوند وي.
۳- لوړ تحصیلات یا ترجیحاً د اقتصاد، بانکوالۍ او یا حقوقو په علم کې پراخه تجربه ولري.
۴- د دې مادې په (۳) فقره کې تر درج شوو شرایطو لاندې نه وي راغلی.
۵- د بل بانک یا مالي مؤسسې چې قانون هغه د دافغانستان بانک تر څارنې لاندې راوستلې وي، ټول وخت یا نیم وخت له حقوقو سره یا بې له حقوقو، برحال منصوب یا کارکوونکی، نه وي.
۶- د وزیرانو د شوري یا ملي شوري یا د نورو دولتي عالي مقامونو (عهدو) غړیتوب و نه لري.
(۳) عالي شوري، مرستیالان (له لومړي مرستیال پرته) او د دافغانستان بانک د ټولو ناظر، په یوه له لاندې حالاتو کې له خپلو دندو څخه ګوښه (برطرفه) کوي یا ئې د تعلیق په حالت کې راولي:
۱- په هغه صورت کې چې د دې مادې په (۲) فقره کې د درج شوو

۲- دارای شهرت نیک (امانتداری) باشد.
۳- دارای تحصیلات عالی یا تجربه وسیع ترجیحاً درعلم اقتصاد، بانکداری ویا حقوق باشد.
۴- تحت شرایط مندرج فقرۀ (۳) این ماده قرار نگرفته باشد.
۵- منصوب یا کارمند برحال تمام وقت یا نیمه وقت با یا بدون حقوق بانك یا مؤسسۀ مالی دیگر که قانون آن را تحت نظارت د افغانستان بانك قرار داده است، نباشد.
۶- عضویت شورای وزیران یا شورای ملی یا سایر عهده های عالی دولتی را نداشته باشد.
(۳) شورای عالی، معاونان (به استثنای معاون اول) و ناظر کل د افغانستان بانك را در یکی از حالات آتی از وظایف شان معزول (سبکدوش) یا به حالت تعلیق قرار میدهند:
۱- در صورتی‌که مطابق احکام مندرج فقرۀ (۲) این ماده

حکمونو مطابق، د خدمت د دوام لپاره د نه واک لرونکی وي.

۲- په هغه صورت کې چې په داسې جرم محکوم شي چې مجازات يې حبس وي، خو دا چې دغسې محکومیت د هغه د مذهبي يا سیاسي فعالیتونو يا عقیدو په نتیجه کې صورت موندلی وي.

۳- د محکمې د حکم په اثر، د ناتوانۍ له امله د پورونو له ورکولو (اداء کولو) څخه عاجز يا ورشکسته اعلان شوی وي.

۴- په عامل هیئت کې يې تر غړیتوب د مخه په وروستیو پنځو کلونو کې، د داسې يوه شرکت واکمن مدیر يا کارمند وي چې د هغه لپاره متولي يا د تصفیې مدیر ټاکل شوی وي.

۵- د شخصي ناوړه سلوک او بد خلقۍ له امله، د يوه واکمن مقام له لوري د دندو له اجراء څخه بې واکه (سلب صلاحیت) شوی يا د تعلیق په حالت کې راوستل شوی وي.

۶- د جسمي يا ذهني بې وسۍ (ناتوانۍ) په علت چې تر شپږو میاشتو زیات يې دوام موندلی وي او د اداري چارو په سرته رسولو فاقد صلاحیت برای ادامهٔ خدمت باشد.

۲- در صورتی‌که محکوم به جرمی گردد که مجازات آن حبس باشد، مگر آنکه چنین محکومیت در نتیجهٔ فعالیتها یا عقاید مذهبی یا سیاسی او صورت گرفته باشد.

۳- به علت عدم توانائی، به اثر حکم محکمه عاجز از پرداخت قروض یا ورشکسته اعلان شده باشد.

۴- در آخرین پنجسال قبل از عضویت وی در هیئت عامل، مدیر یا کارمند ذیصلاح شرکتی بوده که برای ان متولی یا مدیر تصفیه تعیین شده باشد.

۵- به علت بدرفتاری شخصی و سوء خلق، از جانب یك مقام ذیصلاح از ایفای وظایف سلب صلاحیت شده یا به حالت تعلیق قرار گرفته باشد.

۶- به علت ناتوانی جسمی یا ذهنی که بیش از شش ماه ادامه داشته و قادر به انجام وظایف

قادر نه وي.
۷- له قانوني مکلفيتونو څخه د سرغړونو، اهمال يا په اداره کې د ناوړه سلوک (بد رفتاری) چې د دافغانستان بانک ګټو ته يې سخت زيان رسولی وي، مرتکب شوی وي.
(۴) د دې مادې په (۳) فقره کې له درج شوو حالاتو په پرته، مرستيالان يا د ټولو ناظر په بل هېڅ دليل له خپلو دندو څخه نه معزولېږي يا د تعليق په حالت کې نه راوستل کېږي.
(۵) پخپله يا يې د قانوني وکيل په واسطه د دلايلو له وړاندې کولو او د جمهور رئيس لخوا د هغو تر څېړنې د مخه، له دندو څخه د مرستيال يا د ټولو د ناظر ليرې کول يا تعليق جواز نه لري.
(۶) د دافغانستان بانک مرستيال يا د ټولو ناظر کولای شي د ټولو رئيس ته له دريو مياشتو څخه په لږه يا په لالږه موده کې چې د ټولو رئيس له هغې سره موافقه وکړي، له خپلې دندې څخه استعفی ورکړي.

اداری نباشد.
۷- مرتکب تخلفات، اهمال از مکلفیت های قانونی و یا بدرفتاری در اداره که به مصالح دافغانستان بانک لطمه شدید وارد کرده باشد.
(۴) به استثنای حالات مندرج فقرۀ (۳) این ماده معاونان یا ناظر کل به هیچ دلیل دیگری از وظایف شان معزول (سبکدوش) یا به حالت تعلیق قرار گرفته نمی‌توانند.
(۵) سبکدوشی یا تعلیق از وظایف معاون و یا ناظر کل قبل از ارائۀ دلایل توسط خود یا وکیل قانونی و رسیدگی آن توسط رئیس جمهور جواز ندارد.
(۶) معاون یا ناظر کل د افغانستان بانک می‌تواند با دادن اطلاع کتبی قبلی به رئیس کل در مدت کمتر از سه ماه یا مدت کمتری که رئیس کل به آن موافقت کند از وظیفه خویش استعفی دهد.

د ټولو ناظر

یوویشتمه ماده:

(۱) عالي شوري، د ټولو ناظر چې د شرایطو لرونکی مسلکي حسابدار وي، د دې قانون د شلمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوو حکمونو پر بنسټ، د هغو نوماندو (کاندیدانو) له منځه څخه چې د خدمت د شرایطو نه لرونکي پیژندل شوي نه وي، غوره کوي.

د ټولو ناظر بیا انتصاب په دې سمت باندې مجاز دي.

(۲) د ټولو ناظر د دافغانستان بانک د څېړنې د څانګې مسئول دی.

(۳) د څېړنې د څانګې کارکوونکي، د ټولو د ناظر په وړاندیز او د دافغانستان بانک د ټولو د رئیس په منظوری مقرر یا ګوښه کېږي.

(۴) د ټولو ناظر او د څېړنې څانګه د لاندې دندو لرونکي دي:

۱- د دافغانستان بانک د احتمالي مالي خطرونو د مخنیوي لپاره د کړنلارو وضع کول او ساتل او د مناسبو سندونو ساتل او د هغو پر تطبیق باندې څارنه.

ناظر کل

مادهٔ بیست و یکم:

(۱) شورای عالی، ناظر کل را که حسابدار مسلکی واجد شرایط باشد، برای یک دورهٔ پنجساله از میان کاندیدانیکه بر مبنای احکام مندرج فقرهٔ (۲) مادهٔ بیستم این قانون فاقد شرایط خدمت شناخته نشده باشد، انتخاب می‌نماید.

انتصاب مجدد ناظر کل به این سمت مجاز است.

(۲) ناظر کل مسئول شعبهٔ بررسی دافغانستان بانک می باشد.

(۳) کارکنان شعبهٔ بررسی به اساس پیشنهاد ناظر کل و منظوری رئیس کل د افغانستان بانك مقرر یا سبکدوش می‌گردند.

(۴) ناظر کل و شعبه بررسی دارای وظایف ذیل می‌باشند:

۱- وضع و حفظ طرزالعملها و نگهداری اسناد مناسب جهت جلوگیری از خطرات احتمالی مالی دافغانستان بانك و نظارت بر تطبیق آنها.

۲- د دافغانستان بانک د نافذو قوانینو او مقرراتو پر رعایت باندې د څارنې لپاره، د دافغانستان بانک د اداري او فعالیتونو دوامداره څېړنه.
۳- د څېړنې سرته رسول او د دافغانستان بانک د حسابونو، رېکاردونو او همدارنګه دکړنلارو، دحسابداری، دکنترولونو او بودجې په باره کې عالي شوري ته د وړاندیزونو او مشورو وړاندې کول.
۴- د دافغانستان بانک د مالي صورت حسابونو او نورو اړوندو سندونو منظمه څېړنه او رسیدګي او د هغو د سموالي (صورت صحت) د تصدیق پاڼې صادرول.
۵- د دافغانستان بانک دعالي شوري او د ټولو د رئیس د تصمیمونو لـه رغنده اجراء او تطبیق څخه څارنه.
۶- د نورو هغو دندو او مکلفیتونو سرته رسول چې د عالي شوري او د ټولو د رئیس لخوا سپارل کېږي.

کارکوونکي

دوه ویشتمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک مسئولین او کارکوونکي تر هغه وخته پورې

۲- بررسی متداوم اداره و فعالیت های د افغانستان بانك جهت نظارت بر رعایت قوانین و مقررات نافذۀ د افغانستان بانك.
۳- انجام بررسی و تقدیم گزارش ها و مشاورتها به شورای عالی در بارۀ حسابها و ریکاردها و همچنین طرزالعمل ها و کنترول های حسابداری و بودجه دافغانستان بانك.
۴- بررسی منظم و رسیدگی به صورت حساب های مالی و سایر اسناد مربوطۀ د افغانستان بانك و صدور تصدیق نامه در صورت صحت بودن آن.
۵- نظارت از اجراء و تطبیق سالم تصامیم شورای عالی و رئیس کل د افغانستان بانك.
۶- انجام سایر وظایف و مکلفیت های که از جانب شورای عالی و رئیس کل سپرده می‌شود.

کارکنان

مادۀ بیست و دوم:

(۱) مسئولین و کارکنان د افغانستان بانك تا زمانیکه در د

چې په د افغانستان بانک کې دنده سرته رسوي، نشي کولای د بل هغه بانک یا مالي مؤسسې چې څارنه یې د دافغانستان بانک په غاړه ده، استخدام یا کړېدت ترلاسه کړي. خو دا چې د افغانستان بانک بل تصمیم ونیسي.

(۲) د کارکوونکو د کار او استخدام د ښوشرایطو د تنظیم په منظور، د دافغانستان بانک عالي شوري مقررات وضع کوي.

کارکوونکي اواستازي(نمایندگان) درویشتمه ماده:

(۱) عامل هیئت د اړوندو تقنیني سندونو مطابق، د دافغانستان بانک کارکوونکي او استازي مقرر او معزولوي.

(۲) معاش، اجوره (دستمزد) حق الزحمه او نور حقوق او امتیازونه چې د دافغانستان بانک په واسطه د هغه کارکوونکو او استازو ته ورکول کېږي، د دافغانستان بانک د خالصې ګټې یا نورو ګټو په حساب د محاسبې وړ نه دي.

افغانستان بانک ایفای وظیفه مینمایند، نمی توانند توسط بانک یا مؤسسهٔ مالی دیگریکه نظارت آن بدوش د افغانستان بانك است، استخدام یا کریدت دریافت نمایند، مگر اینکه د افغانستان بانك تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

(۲) به منظور تنظیم بهتر شرایط کار و استخدام کارکنان، شورای عالی دافغانستان بانك مقررات وضع می‌نماید.

کارکنان و نمایندگان

مادهٔ بیست و سوم:

(۱) هیئت عامل مطابق اسناد تقنینی مربوط، کارکنان و نمایندگان دافغانستان بانك را مقرر و معزول مینمایند.

(۲) معاش، دستمزد، حق الزحمه و سایر حقوق و امتیازاتیکه توسط دافغانستان بانك به کار کنان و نمایندگان آن پرداخت می شود، به حساب منفعت خالص یا درآمد های دیگر د افغانستان بانك، قابل محاسبه نمی‌باشد.

امتناع

څلېرېشتمه ماده:

که چېرې د دې قانون په اووه لسمه ماده کې درج شوې موضوع په عالي شوري یا عامل هیئت کې تر بحث لاندې ونیول شي، غړی مکلف دی خپلې ګټې د مخه ښکاره کړي، پدې صورت کې هغه په بحث او تصمیم نیونه کې ګډون نه کوي او د نصاب د بشپړتیا لپاره د هغه حضور لازم نه دی.

امتناع

مادۀ بیست و چهارم:

هرگاه موضوع مندرج مادۀ هفدهم این قانون در شورای عالی یا هیئت عامل تحت بحث قرار گیرد، عضو مکلف است منافع خود را در ابتداء آشکار نماید، در این صورت وی در بحث و تصمیم گیری اشتراک نه نموده و حضور وی جهت تکمیل نصاب لازم نمی باشد.

د ګټو(منافعو) تضاد

پنځه ویشتمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک رئیس، مرستیالان او د ټولو ناظرخپل ټول مسلکي توان په دافغانستان بانک کې په خدمتونو لګوي او له بانک څخه بهر، بل هېڅ بې معاشه یا بامعاشه منصب یا پست نشي منلی. خو دا چې د دافغانستان بانک د نوماند (نامزد) یا استازي په توګه په هغه کې دنده سرته ورسوي.

(۲) پخوانی رئیس، مرستیال یا د ټولو ناظر، په دافغانستان بانک کې له خدمت څخه له ګوښه کېدو وروسته، د عالي شوري له

تضاد منافع

مادۀ بیست و پنجم:

(۱) رئیس، معاونان و ناظر کل دافغانستان بانک تمام توان مسلکی خود را مصرف خدمات در د افغانستان بانك می نمایند و هیچ منصب یا پست دیگری اعم از استخدام با معاش یا بی معاش خارج از بانك را پذیرفته نمی توانند، مگر اینکه بعنوان نامزد یا نمایندۀ د افغانستان بانك در آن ایفای وظیفه نمایند.

(۲) رئیس، معاون یا ناظر کل اسبق الی مدت یك سال بعد از کناره گیری از خدمت در دافغانستان بانك بدون موافقت

مخکنۍ لیکلې موافقې پرته، تر یوه کاله پورې په بله مالي مؤسسه کې په دنده کې نشي شاملېدای.

(۳) د دافغانستان بانک کارکوونکی نشي کولای، د د افغانستان بانک له مخکنۍ لیکلې موافقې پرته، په بله اداره کې بې معاشه یا بامعاشه استخدام شي.

(۴) د ټولو رئیس، مرستیال، د لوړې رتبې مامور یا نور کارکوونکي نشي کولای هغه تحفه یا پور چې د هغو د دندې په بې پلوه (بېطرفانه) سرته رسولو کې ناسمه اغېزه پرېږدي، خپل ځان ته یا د بل شخص په استازیتوب چې ده ته منسوب وي یا له هغه سره سوداګریز، مالي یا کورني (فامیلي) اړیکي ولري، ومني.

د اسرارو ساتل

شپږویشتمه ماده:

هغه شخص چې د دافغانستان بانک د عالي شوري، عامل هیئت د غړي، د ټولو د رئیس، لوړ پوړي مامور، کارکوونکي یا استازي په توګه دنده سرته رسولې یا یې رسوي د لاندې مراتبو په رعایتولو مکلف دی:

کتبی قبلی شورای عالی در مؤسسهٔ مالی دیگر شامل وظیفه شده نمی تواند.

(۳) کارکن د افغانستان بانک نمی‌تواند بدون موافقهٔ کتبی قبلی د افغانستان بانک در ادارهٔ دیگر با معاش و یا بی معاش استخدام گردد.

(۴) رئیس کل، معاون، مامور عالی رتبه یا سایر کارکنان د افغانستان بانک نمی‌توانند تحفه یا قرضه ئی را در صورتی‌که در انجام بی طرفانهٔ وظایف شان اثر نا مساعد بگذارد، برای خود یا به نماینده گی از شخص دیگر که منسوب به او بوده و یا با او رابطهٔ تجارتی، مالی یا فامیلی دارد، بپذیرند.

حفظ اسرار

مادهٔ بیست و ششم:

شخصی‌که به حیث عضو شورای عالی، هیئت عامل، رئیس کل، مامور عالی رتبه، کارکن یا نمایندهٔ دافغانستان بانک ایفای وظیفه نموده یا می‌نماید مکلف به رعایت مراتب آتی می‌باشد:

۱- محرمو اطلاعاتو ته چې د خپلې رسمي دندې د سرته رسولو په وخت کې يې لاس ته راوړي دي، د لاس رسېدنې يا افشاء يا خپرولو د اجازې نه ورکول، خو دا چې د محکمې يا قانون د حکم په اثر يا د محکمې د غوښتنې يا له بهرني څارونکي (ناظم) سره د همکارۍ د مقاولې په نتيجه کې.

۲- د دې مادې په (۱) فقره کې له درج شوو معلوماتو څخه شخصي ګټه نه اخيستل يا بل شخص ته له هغو څخه د ګټې اخيستنې د اجازې نه ورکول.

۱- عدم اجازۀ دسترسی یا افشاء و یا انتشار اطلاعات محرم که در جریان انجام وظایف رسمی خود بدست آورده است، مگر به اثر حکم محکمه یا قانون یا تقاضای محکمه و یا در نتیجۀ مقاولۀ همکاری با ناظم خارجی.

۲- عدم استفادۀ معلومات مندرج جزء (۱) این ماده به نفع شخصی یا اعطای اجازۀ استفاده آن به شخص دیگر.

دريېم فصل
مالي چارې

پانګه
اووه ويشتمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک مجازه پانګه اته ملیارده افغانۍ یا هغه مبلغ چې د دې قانون د یو سلو دېرشمې مادې په موجب د دافغانستان بانک له شتمنیو یا ورکړو (بدیهیو) څخه د مستقلې بررسۍ په واسطه او یا د هغو زیاتو پیسو چې د دې قانون د نهه

فصل سوم
امور مالی

سرمایه
مادۀ بیست و هفتم:

(۱) سرمایۀ مجاز د افغانستان بانک هشت میلیارد افغانی، یا مبلغیکه بموجب مادۀ یکصد و سی ام این قانون توسط بررسی مستقل از دارایی ها و بدیهی های د افغانستان بانک و یا مبلغ بیشتریکه در نتیجۀ انتقال منافع

ویشتمې مادې مطابق، د خالصو ګټو د لېږدونې په نتیجه کې په رامنځته کېږي، ټاکل کېږي.
(۲) د دافغانستان بانک پانګه په دولت پورې اړه لري او د لېږدونې وړ یا د حبس یا د رهن د حق تابع نده.

د خالصې ګټې یا زیان محاسبه اته ویشتمه ماده:

د هر مالي کال لپاره د دافغانستان بانک خالصې ګټې یا زیانونه د نړیوالې حسابداری د معیارونو مطابق، د عملیاتو د عوایدو یا خالص زیان د جمع په توګه، د موندو خالصو عوایدو او نښتو زیانونو او د نه لاسته راغلې ارزښت موندنې (ارزش یابی) د په ګډون لاندې زېرمه ایز یا احتیاطي حساب ته له ورکړې ګټې یا زیان وروسته محاسبه کېږي:
۱- د نه حصول وړ او یا مشکوکو پورونو، د پانګې د استهلاک او د کارکوونکو د تقاعد صندوق ته د وندې د ورکړې لپاره.
۲- د مالیې د وزیر له تائید وروسته د هغو نورو مقصدونو لپاره چې د دافغانستان بانک یې

خالص طبق مادۀ بیست و نهم این قانون بعمل میاید، تعیین می گردد.
(۲) سرمایۀ د افغانستان بانک مربوط به دولت بوده و قابل انتقال یا تابع حق حبس یا رهن نمی باشد.

محاسبۀ منفعت یا ضرر خالص مادۀ بیست و هشتم:

برای هر سال مالی منافع یا اضرار خالص د افغانستان بانك طبق معیار های حسابداری بین المللی بعنوان جمع عواید یا ضرر خالص عملیات به شمول عواید و ضررهای خالص تحقق یافته و منفعت یا ضرر ارزش یابی تحقق نیافته بعد از پرداخت به حساب های ذخیره یی یا احتیاطی ذیل محاسبه می گردد:
۱- برای قروض غیر قابل حصول یا مشکوك، استهلاك سرمایه و پرداخت سهمیه به صندوق تقاعد کارکنان.
۲- بعد از تائید وزیر مالیه برای سایر مقاصدیکه د افغانستان بانك لازم

لازم وبولي.

د خالصو ګټو تخصيص

نهه ويشتمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک په هر کال کې د خالصې ګټې (منفعت) د موجوديت په صورت کې د لومړيتوب (تقدم) په ترتيب سره، په لاندې مواردو کې هغه اختصاصوي:

۱- د دافغانستان بانک د پانګې په حساب ترهغه حده چې د دافغانستان بانک مجازه پانګه د پولي په سلو کې د پورونو (بديهيو) د ټول مبلغ په سلو کې د (پنځو) معادل چې د دافغانستان بانک په بېلانس شيټ يا تراز پاڼه کې د هغه مالي کال په پای کې منعکسه شوېده، زياتوب ومومي.

۲- د بهرنيو سندونو د بيا پېرودنې لپاره چې د دولت لخوا د دې قانون ديرشمې مادې مطابق، د دافغانستان بانک ته صادر شوي او د هغه په واک کې ورکول کېږي.

۳- د دافغانستان بانک د عمومي زېرمې لپاره تر هغه حده چې د عمومي زېرمې ميزان، د بداند.

تخصيص منافع خالص

مادۀ بيست و نهم:

(۱) د افغانستان بانک در هر سال مالی در صورت موجودیت منفعت خالص به ترتیب تقدم در موارد آتی آنرا اختصاص میدهد:

۱- به حساب سرمایۀ د افغانستان بانک تا حدیکه سرمایۀ مجاز دافغانستان بانک معادل (پنج) فیصد مجموع مبلغ بدیهی های پولی که در بیلانس شیت یا ترازنامۀ د افغانستان بانک در پایان آن سال مالی منعکس شده است، افزایش یابد.

۲- برای باز خرید اسناد بهادار که از طرف دولت طبق مادۀ سی و یکم این قانون به د افغانستان بانک صادر شده و به تصرف آن قرار داده می‌شود.

۳- برای ذخیرۀ عمومی د افغانستان بانک تا حدیکه میزان ذخیرۀ عمومی معادل سرمایۀ

دافغانستان بانک د مجازې پانګې معادل شي.

عمومي زېرمه يوازې د دافغانستان بانک د زيانونو د جبران لپاره لګول کېږي.

۴- د مالیې د وزېر له تائید وروسته، د نورو زېرمو لپاره د خاصو مقصدونو د تأمین په غرض چې د دافغانستان بانک يې لازم وبولي.

۵- له خالصې ګټې څخه پاتې مبالغ، د دې مادې د(۱) فقرې له (۱-۴) جزء پورې د درج شوو تخصیصاتو له وضع کولو وروسته تر دغو شرایطو لاندې لېږدول کېږي:

- د دې مادې د(۱) فقرې له (۱-۴) جزء کې درج، اختصاص ورکړل شوي مبالغ داسې محاسبه کېږي لکه دا چې د بانکي عملیاتو د خالصو عوایدو له مجراء څخه يې صورت مونډلی وي. په هغه صورت کې چې په خالصه ګټه کې د عملیاتونو د عوایدو له د مخکنیو تخصیصاتو وروسته چې په خالصه ګټه کې شامل دي، کلاً مصرف شوي وي. داسې مجاز د افغانستان بانک ګردد.

ذخیرهٔ عمومی صرف برای جبران ضررهای د افغانستان بانک مصرف می‌شود.

۴- بعد از تائید وزیر مالیه برای سایر ذخایر جهت تأمین مقاصد خاصی که د افغانستان بانك لازم بداند.

۵- مبالغ باقیمانده از منفعت خالص پس از وضع تخصیصات مندرج اجزای (۱-۴) فقرهٔ (۱) این ماده تحت شرایط آتی انتقال داده میشود:

- مبالغ اختصاص داده شده مندرج اجزای (۱-۴) فقرهٔ (۱) این ماده طوری محاسبه می‌شوند مانند اینکه از مجرای عواید خالص عملیات بانکی صورت گرفته باشد. در صورتی‌که هیچ مبلغ از عواید عملیات ها در منفعت خالص بدست نیامده و یا بعد از تخصیصات قبلی عواید عملیات ها که شامل منفعت خالص بوده، کلاً مصرف شده

تخصیصونه پدې ډول محاسبه کېږي لکه چې د تحقق نه موندلې ارزش یا بې د خالصې ګټې له مدرک څخه صورت مومي.

- د عملیاتي خالصو عوایدو پاتې، د مالي کال له پای ته رسېدو وروسته په څلورو میاشتو کې دولت ته لېږدول کېږي او د (موجودیت په صورت کې) د تحقق نه موندلې ارزش یابې د خالصو ګټو پاتې د ارزش یابې د زېرمې په حساب چې د دافغانستان بانک په بېلانس شیټ کې منعکسه شوېده، تخصیص ورکول کېږي.

(۲) د دې قانون د حکمونو د په پام کې نیولو سره، د دافغانستان بانک د پولي بدیهیو مجموع له لاندې مبالغو څخه عبارت دي:

۱- د دوران (چلند) په حال کې ټول بانکنوټونه، فلزي مسکوکات او د دافغانستان بانک لخوا صادرې شوې د پور بها لرونکې پانې چې راټولې شوې نه دي.

۲- په ټولو حسابونو کې موجود مبالغ چې د دافغانستان بانک په دفترونو کې د حساب لرونکو په وسیله تحویل شوېدي.

باشد، چنین تخصیصات طوری محاسبه می‌شوند مانند اینکه از مدرك منفعت خالص ارزش یابی تحقق نیافته صورت میگیرد.

- باقیماندۀ عواید خالص عملیاتی در ظرف چهار ماه بعد از اتمام سال مالی بدولت انتقال می گردد و باقیمانده منفعت های خالص ارزش یابی تحقق نیافته (در صورت موجودیت) بحساب ذخیرۀ ارزش یابی که در بیلانس شیت د افغانستان بانك منعکس شده است، تخصیص داده می‌شود.

(۲) با در نظر داشت احکام این قانون، مجموع بدیهی های پولی دافغانستان بانك عبارت از مبالغ آتی می باشد:

۱- تمام بانکنوتها، مسکوکات فلزی در حال دوران (چلند) و اوراق بهادار قرضه صادر شده از طرف د افغانستان بانك که جمع آوری نشده اند.

۲- مبالغ موجود در تمام حسابها که در دفاتر د افغانستان بانك بوسیلۀ حسابداران تحویل داده شده است.

د خالصو زیانونو تخصیص

دېرشمه ماده:

په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک په هر مالي کال کې د خالص زیان متحمل شي، دغه زیان په لاندې ترتیب اختصاصېږي:

۱- په هغه صورت کې چې د عملیاتو د خالص زیان له مجموع څخه مرکب خالص زیان یا د بانک فعالیتونه اود ارزش یابی خالص زیان تحقق نه وي موندلی، د عملیاتي خالص زیان مبلغ، بالترتیب د عمومي زېرمې یا پانګې په حساب اېښودل کېږي او د تحقق نه موندلې ارزش یابی خالص زیان، د ارزش یابی د زېرمې حساب ته لېږدول کېږي اویا په هغه صورت کې چې د ارزش یابی د زېرمې حساب د دې زیان د اختصاص په پایله کې منفی شوی وي، خالص زیان بالترتیب د عمومي زېرمې یا پانګې حساب ته لېږدول کېږي.

۲- په هغه صورت کې چې خالص زیان قسماً د عملیاتي عوایدو په اثر او زیاته برخه یې د تحقق نه

تخصیص اضرار خالص

مادۀ سی ام:

در صورتی‌که د افغانستان بانک در هر سال مالی متحمل ضرر خالص شود، این ضرر به ترتیب آتی اختصاص داده می‌شود:

۱- در صورتی‌که ضرر خالص مرکب از مجموع ضرر خالص عملیات یا فعالیتهای بانک و ضرر خالص ارزش یابی تحقق نیافته باشد، مبلغ ضرر خالص عملیاتی بالترتیب بحساب ذخیرۀ عمومی یا سرمایه گذاشته می‌شود و ضرر خالص ارزش یابی تحقق نیافته بحساب ذخیرۀ ارزش یابی منتقل می گردد و یا در صورتی حساب ذخیره ارزش یابی در نتیجۀ اختصاص این ضرر منفی شده باشد، ضرر خالص بالترتیب به حساب ذخیرۀ عمومی یا سرمایه منتقل می‌گردد.

۲- در صورتی‌که ضرر خالص قسماً در اثر عواید عملیاتی و قسمت اعظم آن در اثر ضرر

موندلې ارزش یابۍ د خالص زیان په اثر منځ ته راغلی وي، خالص زیان د ارزش یابۍ د زېرمې حساب ته اختصاص مومي او په هغه صورت کې چې د ارزش یابۍ د زېرمې حساب د دې اختصاص په پایله کې منفي شوی وي بالترتیب د عمومي زېرمې یا پانګې حساب ته لېږدول کېږي.

۳- په هغه صورت کې چې د تحقق نه موندلې ارزش یابۍ خالصه ګټه د عملیاتو له خالص زیان څخه لږ وي، بالترتیب د عمومي زېرمې یا پانګې حساب ته لېږدول کېږي.

په پانګه کې د کمښت جبران یودېرشمه ماده:

(۱) د پانګې د کمښت جبران هغه وخت د تطبیق وړ دی چې د دافغانستان بانک، له لاندې مواردو څخه له یوه سره مخامخ شي:

۱- په هغه صورت کې چې د میاشتنې بېلانس شیټ پروفورمه چې د دې قانون د څلور اویایمې مادې مطابق برابرېږي، د شتمنیو ارزښت د بدیهیو له مجموع او لاس نه خوړلې مجاز پانګې څخه ښکته سقوط وکړي.

خالص ارزش یابی تحقق نیافته به میان آمده باشد، ضرر خالص به حساب ذخیرۀ ارزش یابی اختصاص می یابد و در صورتی‌که حساب ذخیرۀ ارزش یابی در نتیجۀ این اختصاص منفی شده باشد بالترتیب به حساب ذخیرۀ عمومی یا سرمایه انتقال می گردد.

۳- در صورتیکه منفعت خالص ارزش یابی تحقق نیافته کمتر از ضرر خالص عملیات باشد، ضرر خالص بالترتیب بحساب ذخیرۀ عمومی یا سرمایه انتقال میگردد.

جبران کاهش در سرمایه

مادۀ سی و یکم:

(۱) جبران کاهش سرمایه زمانی قابل تطبیق می‌باشد که دافغانستان بانک به یکی از موارد آتی مواجه گردد:

۱- در صورتی‌که پروفورمۀ بیلانس شیت ماهانه که طبق مادۀ هفتاد و چهارم این قانون تهیه می‌گردد، ارزش دارائی ها پایین تر از مجموع بدیهی ها و سرمایۀ دست نخوردۀ مجاز سقوط کند.

۲- په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک خالصه ګټه د هر مالي کال په پای کې د هغه په حسابونوکې د دې قانون د نهه ویشتمې مادې د (۱) فقرې په (۱) جزء او (۲) فقره کې درج د بدیهیو د مبلغ د مجموع په سلو کې د پنځو معادل په میزان، د مجاز پانګې د زیاتولو لپاره د مالي کال په پای کې ښودل کېږي، کافي نه وي.

(۲) د دې مادې د (۱) فقرې په (۱ او ۲) جزء کې د درج شوو حالاتو د تحقق په صورت کې لاندې اجراآت صورت مومي:

۱- په هغه صورت کې چې د کلني تورم د رسمي سنجش وروستی میزان په سلو کې له ۳ څخه تر ۲۰ پورې وي، د مالیې وزیر د بېلانس شیټ له ترلاسه کولو وروسته د یوې میاشتې په ترڅ کې، په افغاني پیسو د معاملې وړ پور بها لرونکي سندونه او د بازار د تکتاني نرخ چې د دولت لخوا خپور شوی (په نشر رسېدلی) دی، په هر هغه مبلغ چې د دې کمبود د جبران لپاره کافي وي، د دافغانستان بانک په

۲- در صورتی‌که منفعت خالص دافغانستان بانک در پایان هر سال مالی برای افزایش سرمایهٔ مجاز به میزان معادل پنج در صد مجموع مبلغ بدیهی های مندرج جزء (۱) فقرهٔ (۱) و فقرهٔ (۲) مادهٔ بیست و نهم این قانون در حسابات آن در پایان سال مالی نشان داده می‌شود، کافی نباشد.

(۲) در صورت تحقق حالات مندرج اجزای (۱ و ۲) فقرهٔ (۱) این ماده اجراآت آتی صورت میگیرد:

۱- در صورتی‌که میزان آخرین سنجش رسمی تورم سالانه ۳ الی ۲۰ فیصد باشد، وزیر مالیه در خلال یک ماه پس از دریافت بیلانس شیت، اسناد بهادار قرضهٔ قابل معامله به پول افغانی و نرخ تکتانهٔ بازار که از طرف دولت به نشر رسیده، بهر مبلغی که برای جبران این کمبود کافی باشد، در اختیار دافغانستان بانک قرار می‌دهد. این حدود

واک کې ورکوي. د تورم پر دغو حدودو باندې په هرو دریو کلونوکې نوې کتنه کېږي.

۲- په هغه صورت کې چې د کلني تورم د رسمي سنجش وروستنی میزان په سلو کې له ۳ څخه تر ۲۰ پورې نه وي، د مالیې وزیر لومړی د حکومت د بودجوي تخصیص د پروسې له لارې یو تخصیص برابروي. که دغسې تخصیص منظور نشی، د مالیې وزیر د بېلانس شیټ، په افغاني پیسو د معاملې وړ پور بهالرونکي سندونه او د بازار د ټکټانې نرخ چې د دولت لخوا خپور شوی دی، په هر هغه مبلغ چې د دې کمبود د جبران لپاره کافي وي، د دافغانستان بانک په واک کې ورکوي.

(۳) د دې مادې په (۱) فقره کې له درج شوو حالاتوڅخه د یوه دتحقق په صورت کې ملي شوري له کورنیو او بهرنیو متخصیصو څخه جوړ څېړنیز (تحقیقاتي) کمېسیون د عواملو د څېړنې لپاره ټاکي او حسب الزوم وړاندیزونه وړاندې کوي.

د دافغانستان بانک له کمېسیون تورم هر سه سال یک بار مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد.

۲- در صورتی‌که میزان آخرین سنجش رسمی تورم سالانه ۳ الی ۲۰ فیصد نباشد، وزیر مالیه ابتداء تخصیصی را از طریق پروسهٔ تخصیص بودجوی حکومت فراهم می‌نماید. اگر چنین تخصیص منظور نگردد، وزیر مالیه در خلال یک ماه بعد از دریافت بیلانس شیت، اسناد بهادار قرضهٔ قابل معامله به پول افغانی، با نرخ تکتانهٔ بازار که از طرف دولت به نشر رسیده، بهر مبلغی که برای جبران این کمبود کافی باشد، در اختیار د افغانستان بانک قرار می‌دهد.

(۳) در صورت تحقق یکی از حالات مندرج فقرهٔ (۱) این ماده، شورای ملی کمیسیون تحقیقاتی مشتمل بر متخصصین داخلی و بین المللی را جهت بررسی عوامل تعیین و حسب الزوم پیشنهادات لازمه را ارایه می‌نماید.

د افغانستان بانک مکلف به

سره په هر اړخیزه همکاری مکلف دی د نه همکاری په صورت کې د دې قانون د دوولسمې مادې د (۱) فقرې په (۸) جزء کې درج شوی حکم د تطبیق وړ دی.

دخالصې ګټې په تخصیص کې قیود

دوه دېرشمه ماده:

لېږدونه یا بیا پېرودنه او یا ورکړه د دې قانون د نهه ویشتمې مادې د حکم مطابق چې په پایله کې یې د دافغانستان بانک شتمنی له بدیهیو او لاس نه خوړلې پانګې او زېرمې څخه لږشي، صورت نشي موندلی.

همکاری همه جانبه با کمیسیون میباشد، در صورت عدم همکاری، حکم مندرج جزء (۸) فقرۀ (۱) مادۀ دوازدهم این قانون قابل تطبیق میباشد.

قیود در تخصیص منفعت خالص

مادۀ سی و دوم:

انتقال یابازخرید و یا پرداخت مطابق حکم مادۀ بیست و نهم این قانون که در نتیجۀ آن دارایی های د افغانستان بانك از بدیهی ها و سرمایۀ دست نخورده و ذخیرۀ آن کمتر گردد، صورت گرفته نمی‌تواند.

څلورم فصل
لومړی برخه
پیسې

فصل چهارم
قسمت اول
پول

رایجې پیسې او پولي واحد

دري دېرشمه ماده:

د افغانستان رایجې پیسې او پولي واحد (افغانی) ده او نښه (علامه) یې (Af) ده.

پول رایج و واحد پولی

مادۀ سی و سوم:

پول رایج و واحد پولی افغانستان "افغانی" بوده و علامه آن "AF" می‌باشد.

دبانکنوټ او سکې خپرول (نشرول)

څلور دېرشمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک په هېواد

نشر بانکنوت و سکه

مادۀ سی و چهارم:

(۱) د افغانستان بانك دارای

کې د دوران په منظور د بانکنوټ او سکې د خپرولو د انحصاري حق لرونکی دی.

(۲) هغه بانکنوټونه چې د دې مادې د حکمونو مطابق خپرېږي، د دافغانستان بانک په شتمنیو کې تر ټولو لومړنی بدیهي ګڼل کېږي.

(۳) د دافغانستان بانک د خپلو بانکنوټونو او سکو خپرولو په منظور په مرکزي دفتر، په هېواد کې د خپلو نمایندګیو او فروعو په دفترونو کې مناسب ترتیبات نیسي او بانکنوټونه او سکې حسب اللزوم د دوران لپاره وړاندې (عرضه) کوي.

(۴) په هغو بانکنوټونو اوسکو کې چې د دافغانستان بانک په واسطه د دوران لپاره په هېواد کې خپرېږي، د تجارت په قانون کې درج تعهدي نوټونه، حجت، برات یا د سوداګریزو سندونو نور ډولونه شامل ندي.

د دافغانستان بانک له هغو سره په رابطه کې یوازې د دې قانون د حکمونو مطابق د مکلفیت لرونکی دی.

حق انحصاری نشر بانکنوت و سکه به منظور دوران در کشور می باشد.

(۲) بانکنوتهای که مطابق احکام این ماده نشر میشوند، مقدمترین بدیهی در دارائی های د افغانستان بانك شمرده می‌شوند.

(۳) د افغانستان بانك به منظور نشر بانکنوتها و سکه های خود در دفتر مرکزی، دفاتر نمایندگی و فروع خود در کشور ترتیبات مناسب اتخاذ و بانکنوتها و سکه ها را حسب اللزوم جهت دوران عرضه می‌کند.

(۴) بانکنوت ها و سکه هائی که توسط د افغانستان بانك جهت دوران در کشور نشر می‌شوند، شامل نوتهای تعهدی، حجت، برات یا انواع دیگر اسناد تجارتی مندرج قانون تجارت نمی باشد.

د افغانستان بانك در رابطه با آنها صرف مطابق احکام این قانون دارای مکلفیت می‌باشد.

رایجې او قانوني پیسې

پنځه دېرشمه ماده:

(۱) د پیسو د ورکړې وسیله په هغه صورت کې د هېواد قانوني او رایجې پیسې ګڼل کېږي چې د بانکنوټ اوسکې په واسطه سرته ورسېږي.

بانکنوټونه او سکې په هېواد کې د ټولو دولتي او خصوصي پورونو د ورکړې لپاره د هېواد په رایجو پیسو د هغو په اسمي ارزښت سره صورت موندلی شي.

(۲) د دافغانستان بانک واک لري هغه پیسې چې د بانکنوټ اوسکې په واسطه ورکول کېږي، محدودې کړي او د بانکنوټونو او سکو اسمي ارزښت چې ورکړه د هغو په واسطه صورت مومي په مشخصو مبالغو محدوده کړي.

(۳) له بانکنوټونو او سکو څخه منظور، هغه بانکنوټونه او سکې دي چې په هېواد کې د دوران لپاره، د دافغانستان بانک په واسطه د دې فصل د اړوندو مادو د حکمونو په موجب خپرې شوې او له دوران څخه وتلی نه وي.

پول رایج و قانونی

مادۀ سی و پنجم:

(۱) وسیله پرداخت پول در صورتی پول قانونی و رایج کشور شمرده می شود که توسط بانکنوت و سکه انجام گیرد.

بانکنوتها و سکه ها برای پرداخت کلیه قروض دولتی و خصوصی در کشور به ارزش اسمی آنها به پول رایج کشور صورت گرفته میتواند.

(۲) د افغانستان بانک صلاحیت دارد مبلغی را که توسط بانکنوت و سکه پرداخت می‌شود محدود نموده و ارزش اسمی بانکنوتها و سکه هائی را که پرداخت توسط آنها صورت می‌گیرد، به مبالغ مشخص، محدود کند.

(۳) منظور از بانکنوت ها یا سکه ها، بانکنوتها و سکه هائی است که جهت دوران در کشور توسط د افغانستان بانك به موجب احکام مواد مربوط این فصل نشر گردیده و از دوران خارج نشده باشند.

د رائجو پیسو مشخصات
شپږ دېرشمه ماده:
(۱) رایجې پیسې له هغو بانکنوټونو او سکو څخه عبارت دي چې په هېواد کې د دوران لپاره، د دافغانستان بانک په واسطه، د دې قانون دحکمونو مطابق خپریږي.
(۲) د بانکنوټونو او سکو اسمي ارزښت، اندازه، ډول (شکل)، جنس، محتوی، وزن، ډیزاین او نور مشخصات د دافغانستان بانک لخوا په اړوندو مقرراتو کې مشخصېږي. بانکنوټونه د مالیې د وزیر او د دافغانستان بانک د ټولو د رئیس د لاسلیک لرونکي وي.

د رایجو پیسو تولید او ساتنه (خوندیتوب)
اووه دېرشمه ماده:
د دافغانستان بانک مکلف دی، د بانکنوټونو د چاپ او د سکو د ضربولو په غرض په دوران کې د نه لوېدلو بانکنوټو او سکو د امنیت او خوندیتوب د تأمینولو او د اړتیا په صورت کې، د کلیشو، سرسکو، له دوران څخه د وتلو

مشخصات پول رایج
مادۀ سی وششم:
پول رایج عبارت از بانکنوت ها و سکه هائی اند که جهت دوران در کشور توسط د افغانستان بانک مطابق احکام این قانون نشر می گردد.
(۲) ارزش اسمی، اندازه، شکل، جنس، محتوی، وزن، دیزاین و سایر مشخصات بانکنوتها و سکه ها از طرف د افغانستان بانک در مقررات مربوط مشخص می گردد. بانکنوتها حاوی امضای وزیر مالیه و رئیس کل د افغانستان بانک می باشد.

تولید و محافظت از پول رایج
مادۀ سی و هفتم:
د افغانستان بانک مکلف است غرض چاپ بانکنوتها و ضرب سکه ها، امنیت و محافظت از بانکنوتها و سکه های به دوران نیفتاده و در صورت ضرورت جهت از بین بردن کلیشه ها، سرسکه های بانکنوتها و سکه

(خارج شوو) بانکنوټونو او سکو د له منځه وړلو لپاره لازم تدبیرونه ونیسي.

د رایجو پیسو تبادله
اته دېرشمه ماده:
د دافغانستان بانک د غوښتنې په صورت کې، بانکنوټونه او سکې په معادل مبلغ له مزد او حق العمل پرته تبادله کوي.

نامناسبې رایجې پیسې
نهه دېرشمه ماده:
(۱) نامناسب بانکنوټونه او سکې له هغو بانکنوټونو او سکو څخه عبارت دي چې څیرې څیرې یا له شکل څخه غورځول شوي وي او هغه سکه چې چیته، ناقصه او یا له شکل څخه لوېدلې وي او وزن یې له معمولې کتې اخیستنې څخه د زړښت له علت پرته را ټیټ شوی وي.
(۲) نامناسب بانکنوټونه او سکې له دوران یا چلند څخه ایستل کېږي. د دافغانستان بانک، د دې مادې په (۳) فقره کې د درج شوو شرایطو په استثنا هغه نامناسب بانکنوټ یا سکه چې پیدا (ترلاسه) کوي یې، له دوران هـای از جریـان خـارج شـــده، تـــــدابیر لازم را اتخـــــاذ نماید.

تبادلۀ پول رایج
مادۀ سی و هشتم:
د افغانـستان بانـک در صـورت درخواست، بانکنوتهـا و سکه هـا را به مبلغ معـادل بدون مزد و حق العمل تبادله می‌کند.

پول رایج نامناسب
مادۀ سی و نهم:
(۱) بانکنوتهـا یـا سـکه هـای نامناسب عبـارت از بانکنوت ها و سکه های انـد که پـــاره پاره یـا از شـکل انـداخـــته شـــده باشند و سکه ای کـه خم، نـاقص یا از شکل انداخته شده و وزن آن بـه علـل غیـر از فرسایش نـــاشی از اسـتفاده معمـول کـاهش یافتـه باشد.
(۲) بانکنوتهـا یـا سکه های رایج نامناسب از دوران یـا چلند بیرون کـشیده مـی‌شـوند. د افغانـستان بانـک بـه اسـتثنای شـرایط منـدرج فقـرۀ (۳) ایـن مـاده بـانکنوت یـا سـکۀ نـــامناسبی را کـه دریافـت می‌نماید، از جریان بیرون کشیده

څخه باسي او له منځه يې وړي او هغه په مشخصو بانکنوټونو او سکو چې د هغو معادل دي بدلوي.

(۳) د دافغانستان بانک کولای شي د هغو بانکنوټونو او سکو له بدلولو څخه چې ډیزاین یې مشهود نه وي، بد شکله یا سوري شوي یا یې څلوېښت فیصد سطح ضایع یا ورکه شوې ده، ډه ډه وکړي، دغه ډول پیسې، د هغه خاوند ته د بدل له ورکولو پرته له جریان څخه وځي او محوه کېږي. د دافغانستان بانک کولای شي په خاصو مواردو کې په کلي یا جزئي بدلونې لاس پورې کړي.

(۴) د دافغانستان بانک کولای شي هغه بانک نوټ چې له ظاهري نظره یې تغییر موندلی، له معاوضې پرته مصادره کړي، په خاصه توګه هغه بانکنوټونه چې پر مخونو یې څه شی لیکل شوي، نقاشي شوي، ډیزاین او محتویات یې مکرراً چاپ شوي وي، مهر یې خوړلی یا تسلسلي سوري لري اویا یې سریښناکه ماده پر مخونو پکار وړل شوې وي.

و از بین می برد و آنرا با بانکنوتها و سکه هائی مشخص که معادل آن می‌باشند، تعویض می‌نماید.

(۳) د افغانستان بانک میتواند از تعویض بانکنوتها و سکه های که دیزاین آنها مشهود نبوده، بد شکل یا سوراخ شده اند یا بیشتر از چهل فیصد از سطح آنها ضایع یا مفقود گردیده است، خود داری کند. چنین پول بدون پرداخت معاوضه به صاحب آن از جریان خارج شده و محو می‌شود، د افغانستان بانک می‌تواند در موارد خاص به معاوضه کلی یا جزئی بپردازد.

(۴) د افغانستان بانک می‌تواند بدون معاوضه، بانکنوتی را که از نظر ظاهری تغییر یافته است، مصادره کند، بخصوص بانکنوتهای را که رویشان چیزی نوشته شده، نقاشی شده، دیزاین و محتویات آن مکرراً طبع شده، مهر خورده یا سوراخ تسلسلی دارند و یا مادۀ چسپدار رویشان بکار رفته باشد.

(۵) دعوایدو د ټولولو مسئولین مکلف دي، نامناسب یا جعلي بانکنوټونه یا سکې چې لاسته یې راوړي، د دافغانستان بانک ته ور واستوي.

د رایجو پیسو موجودي او خپرونو پلان

څلوېښتمه ماده:

د دافغانستان بانک مکلف دی د رایجو پیسو د زېرمو موجودي مستقیماً اداره او د نشر پلان ترتیب او د افغانستان د اقتصاد د پولي اړتیاوو د تأمینو لو لپاره د بانکنوټونو او سکو له کافي وړاندې کونې څخه ډډ ترلاسه کړي.

د خپرو شوو پیسو د حسابداری کړنلاره

یوځلوېښتمه ماده:

د دافغانستان بانک په حسابونو کې تر دوران لاندې بانکنوټونه او سکې د هغه دبدیهی په حساب معامله کېږي.

د دافغانستان بانک په خزانه کې زېرمه شوي بانکنوټونه او سکې پدې بدیهیو کې شامل ندي.

(۵) مسئولین جمع آوری عواید مکلف اند بانکنوتها یا سکه های نامناسب یا جعلی را که بدست می‌آورند، به د افغانستان بانک بفرستند.

موجودی پول رایج و پلان نشر

مادۀ چهلم:

د افغانستان بانک مکلف است مستقیماً موجودی ذخیرۀ پول رایج را اداره و پلان نشر را ترتیب و از عرضۀ کافی بانکنوتها و سکه ها جهت تأمین نیاز های پولی اقتصاد افغانستان اطمینان حاصل نماید.

طرز العمل حسابداری پول نشر شده

مادۀ چهل و یکم:

بانکنوتها و سکه های تحت دوران در حسابات د افغانستان بانک بعنوان بدیهی آن معامله می‌گردد.

بانکنوتها و سکه های ذخیره شده در خزانۀ د افغانستان بانک شامل این بدیهی ها نمی باشد.

د رایجو پیسو راټولول

دوه څلوېښتمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک کولای شي، د معادلو بانکنوټونو او سکو په صادرولو سره، د بانکنوټونو یا سکو د راټولولو او له دوران څخه د ایستلو په هکله تصمیم ونیسي. دغه تصمیم د هغې کړنلارې مطابق چې د دافغانستان بانک لخوا وضع کېږي او په هغې کې هغه ځای، نېټه او ساعتونه چې بانکنوټونه او سکې د بدلونې لپاره وړاندې کېږي مشخصېږي او د مبادلې په کړنلارې پورې اړوندې موضوعګانې ترتیب او تنظیموي.همدارنګه د هغو اشخاصو د پېژندنې په هکله چې بانکنوټونه او سکې د مبادلې لپاره وړاندې کوي قواعد او شرایط او په مبادله پورې اړوند سندونه او مدارک ټاکي او د جعلي نوټونو په نسبت چې د مبادلې لپاره وړاندې شي، د چلند (برخورد) ډول ټاکي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج د مبادلې د دورې په پای یا په بل وخت کې چې د کړنلارې مطابق مشخصېږي تعویض شوي

جمع آوری پول رایج

مادۀ چهل و دوم:

(۱) د افغانستان بانک می تواند در مورد جمع آوری و از دوران خارج نمودن بانکنوت یا سکه با صدور بانکنوتها یا سکه های معادل آنها تصمیم اتخاذ نماید. این تصمیم طبق طرزالعمل که از طرف د افغانستان بانک وضع می‌شود و در آن محل، تاریخ و ساعاتی که بانکنوتها و سکه ها جهت تعویض ارائه می شوند، مشخص گردیده و موضوعات مربوط به طرزالعمل مبادله را ترتیب و تنظیم می‌نماید. همچنان قواعد و شرایط در مورد شناسائی اشخاصی که بانکنوتها و سکه ها را برای مبادله ارائه می‌کنند و اسناد و مدارک مربوط به معاملات مبادله را تعیین و طرز برخورد نسبت به پول جعلی را که برای مبادله ارائه شود، معین می‌نماید.

(۲) در پایان دورۀ مبادلۀ مندرج فقرۀ (۱) این ماده یا زمان دیگری که مطابق طرزالعمل، مشخص می‌شود، بانکنوتها و سکه های

بانکنوټونه او سکې، له دوران څخه بهر (خارج) او قانوني اعتبار يې ساقطېږي.

(۳) د دې مادې په (۱) فقره کې تصميم، په هېواد کې د رايجو پيسو د نوم او د اسمي ارزښت د تغيير په منظور د قانون د تطبيق يا نورو مقصدونو لپاره نيول کېدی شي.

تعویض شده، از دوران خارج و اعتبار قانونی آن ساقط می گردد.

(۳) تصمیم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده جهت تطبیق قانون به منظور نام و تغییر ارزش اسمی پول رایج در کشور یا برای مقاصد دیگر اتخاذ شده می‌تواند.

دوه یمه برخه
د محاسبې او ورکړې (پرداخت) وړ پیسې

قسمت دوم
پول مورد محاسبه و پرداخت

دولتي حسابونه او الزامي ورکړې

دري څلوېنټمه ماده:

(۱) دولتي بودجه، مالي سوابق او هغه حسابونه چې د هېواد د نافذه قوانينو پر بنسټ الزامي ګڼل کېږي او په افغانستان کې رامنځته کېږي يا ساتل کېږي، د هېواد په رايجو پيسو دي يا د هغو پر بنسټ ارزول کېږي، د اسعارو د تأدياتو د مکلفيتونو له اجراء پرته، په جزايي مسائلو يا نورو قضائي اقداماتو کې د ايجاب په صورت کې د پيسو ورکول (تأديه کول)، د هېواد

حسابات دولتی و پرداختهای الزامی

مادهٔ چهل و سوم:

(۱) بودجهٔ دولتی، سوابق مالی و حسابهای که به اساس قوانین نافذهٔ کشور الزامی پنداشته شده و در افغانستان ایجاد یا نگهداری می‌شوند، به پول رایج کشور بوده یا به اساس آن ارزیابی می‌گردند. تادیه پول در صورت ایجاب در مسایل جزائی یا سایر اقدامات قضائی به استثنای اجرای مکلفیت های تأدیات به اسعار، به پول رایج

په رایجو پیسو صورت مومي.
(۲) الزامـي ورکـړې پـه افغـانۍ ارزول او ورکول کېږي.
الزامي ورکړه له هغې ورکړې څخه عبارت ده چې دولت ته یا د دولت لخوا صورت مومي، د هغو ورکړو په استثنی چې د قرارداد یا بلې داوطلبانـه معـاملې پـه اثـر سـرته رسېږي، پـه الزامـي ورکـړو کـې د محکمې د حکم په اثر یا د قانون مطـابق د مـالیاتو (مـستقیمه او غیرمـستقیمه) ورکـړه، ګمرکـي عـوارض، فیـسونه، حـق الزحمـې، لګـښتونه او جریمـې او د عـامې سوکالۍ د خدمتونو لپاره هر ډول ورکړه شامل دي.

په تقنیني سندونو کې ذکر شوي مبالغ، ارزښت اېښودنه او تعویض څلورځلوېښتمه ماده:
(۱) پـه تقنینـي سـندونو کـې ذکـر شـوی مبلـغ، د هېـواد لـه رایجـو پیسو څخه عبارت دی، خو دا چې بل ډول اټکل شوی وي.
(۲) کـه چېرې په تقنیني سندونو، کنوانسیون یا د افغانستان لخوا په عقد شوي قرارداد یا موافقه لیک کـې، د هېـواد پـه رایجـو پیـسو د کشور صورت می‌گیرد.
(۲) پرداختهـای الزامـی بـه افغـانی ارزیابی و تأدیه می‌گردد.
"پرداخـت الزامـی" عبـارت از پرداختی است که به دولت و یا از طرف دولت صورت می گیرد، به استثنای پرداخت های کـه از اثـر قرار داد یا معاملۀ داوطلبانۀ دیگر انجـام میگیـرد، پرداخـت هـای الزامـی شـامل پرداخـت مـالیات (مـستقیم و غیـر مـستقیم)، عـوارض گـمرکی، فـیس هـا، حق الزحمه ها، مصارف و جریمه ها و هر نوع پرداخت برای خدمات رفاه عامه بـالاثر حکم محکمه یـا مطابق حکم قانون می‌باشند.

مبالغ ذکر شده در اسناد تقنینی، ارزشگذاری و تعویض
مادۀ چهل و چهارم:
(۱) مبلـغ ذکـر شـده در اسـناد تقنینی، عبارت از پول رایج کشور می‌باشد مگر اینکه طوری دیگری پیشبینی شده باشد.
(۲) هرگـاه در اسـناد تقنینـی، کنـوانـسـیون، قـرارداد یـا مـوافقتنامۀ منعقـده از طـرف افغانستان از طرز تبدیل اسعار به

بهرنیو اسعارو د بدلولو له ډول څخه یادونه شوې نه وي، د دافغانستان بانک کولای شي، د اړوندو مقرراتو مطابق، د نومورو اسعارو په افغانۍ د معادل ارزښت د ټاکلو یا محاسبې وسیله یا تګلاره مشخصه کړي.

(۳) د د افغانستان بانک کولای شي په ګمرکونو او مالیاتي مکلفیتونو یا نورو ورکړو پورې د اړوندو قوانینو د اداري، اجراآتو او تطبیق په منظور، د مقرراتو مطابق، د نورو هېوادونو د رایجو پیسو معادل ارزښت او د تسعیر وسیله یا روش یا د هغو محاسبه د یوې ورځې یا اوږدې مودې لپاره یا په دوامدار شکل سره مشخصه کړي.

(۴) په هغه صورت کې چې د دې قانون د حکمونو مطابق، د هېواد د رایجو پیسو د اسمي ارزښت د تغییر تصمیم ونیول شي، رسمي ارزښتونه په ټولو سوابقو، حسابونو، ورکړه ایزو (تأدیاتي) مکلفیتونو، بدیهیو، آفر اخیستنو (داوطلبیو) او نورو تقنیني سندونو کې د تغییر موندلي اسمي ارزښت د مبادلې د نرخ مطابق، د اعتبار پول رایج کشور تذکر به عمل نیامده باشد، د افغانستان بانك میتواند طبق مقررات مربوط وسیله یا روش تعیین یا محاسبه ارزش معادل به افغانی اسعار متذکره را مشخص نماید.

(۳) د افغانستان بانك می‌تواند به منظور اداره، اجراآت و تطبیق قوانین مربوط به گمرکات و مکلفیت های مالیاتی یا سایر پرداخت ها، طبق مقررات، ارزش معادل پول رائج سایر کشور ها و وسیله یا روش تسعیر یا محاسبهٔ آن را برای یك روز یا مدت طولانی تر یا بشکل دوامدار مشخص نماید.

(۴) در صورتی‌که تصمیم تغییر ارزش اسمی پول رایج کشور مطابق احکام این قانون اتخاذ گردد، ارزشهای اسمی در کلیه سوابق، حسابات، مکلفیت های تأدیاتی، بدیهی ها، آفرگیری ها (داوطلبیها) و سایر اسناد تقنینی طبق نرخ مبادلهٔ ارزش اسمی تغییر یافته، مدار اعتبار

وړ دي.

قراردادونه

پنځه څلوېښتمه ماده:

د قرارداد، خرڅلاو، ورکړې، برات، بهالرونکي سند يا سندونو، عمل، معاملې او نور مواردو په اړه چې په پيسو، د پيسو په ورکړې يا د پيسو د ورکړې په مکلفيت پورې مربوط وي. د هېواد په رايجو پيسو صورت مومي د دې قانون په شپږم څلوېښتمه ماده کې درج شوي موارد له دې حکم څخه مستثنی دي.

د رايجو پيسو په اړه آزادي

شپږم څلوېښتمه ماده:

(۱) د قرارداد خوا وې (طرفين) يا نورې داوطلبانه معاملې (برات، حجت، بهالرونکی سند يا سندونه) کولای شي د خپلو تأديياتي مکلفيتونو د ورکړې په هکله، له هر سعر سره موافقه وکړي.

(۲) طرفين کولای شي خپل موافقه ليک د محيطي شرايطو پر بنسټ (د سوداګرۍ عرف، د معاملې تګلوری او د معاملې اجراء) په څرګنده يا ضمني توګه عقد کړي.

می‌باشد.

قراردادها

مادۀ چهل و پنجم:

در رابطه به قرارداد، فروش، پرداخت، برات، سند يا اسناد بهادار، عمل، معامله و ساير مواردی که مربوط به پول، پرداخت پول يا مکلفيت پرداخت پول باشد، به پول رايج کشور صورت ميگيرد. موارد مندرج مادۀ چهل و ششم اين قانون از اين حکم مستثنی است.

آزادی در رابطه با پول رايج

مادۀ چهل و ششم:

(۱) طرفين قرارداد يا ساير معاملات داوطلبانۀ ديگر (برات، حجت، سند يا سند بهادار) ميتوانند در مورد پرداخت مکلفيت های تأدياتی خويش به هر سعری موافقه کنند.

(۲) طرفين می توانند موافقت نامۀ خويشرا بر اساس شرايط محيطی (عرف تجارت، مسير معامله و اجرای معامله) طور صريح يا ضمنی عقد نمايند.

د اسعاري تأدياتي مکلفيت تنفيذ اووه څلوېښتمه ماده:

(۱) اسعاري تأدياتي مکلفيت د هغه د شرايطو مطابق نافذ ېږي. په هغه صورت کې چې حکمي شخص د بهرنيو اسعارو په ورکړه مکلف شي او د حکم پر بنسټ ايجاب کړي چې ورکړه د هېواد په رايجو پيسو چې په بهرنيو اسعارو باندې د تأدياتي مکلفيت د پېرودنې لپاره کافي وي، صورت ومومي، نومورې مبلغ د هېواد له بانکونو څخه د يوه په واسطه د افغانۍ د اعلام شوي نرخ په اساس، د لومړۍ کاري ورځې په پای کې له هغې ورځې د مخه چې ورکړه يې د دايـن په واسطه ترلاسه کېږي، محاسبه کېږي. د دې مادې (۳) او (۴) فقره لدې حکم څخه مستثنی دي.

(۲) نورې ورکړې چې د دې مادې د (۱) فقرې مطابق صورت مومي، د مبادلې د نرخ په اړه، په ذکر شوې فقره کې درج شوی حکم د تطبيق وړ دی.

(۳) په هغه صورت کې چې د اسعاري تأدياتو د مکلفيت په

تنفیذ مکلفیت تأدیاتی اسعاری مادۀ چهل و هفتم:

(۱) مکلفیت تأدیاتی اسعاری طبق شرایط آن تنفیذ می‌گردد. در صورتی‌که شخص حکمی مکلف به تأدیه اسعار گردد و بر اساس حکم ایجاب نماید که پرداخت به پول رایج کشور که برای خرید مکلفیت تأدیاتی به اسعار کافی باشد، صورت گیرد، مبلغ مذکور به اساس نرخ افغانی اعلام شده توسط یکی از بانکهای کشور در پایان نخستین روز کاری قبل از روزیکه پرداخت آن توسط داین دریافت می‌گردد، محاسبه می‌شود. فقره های (۳) و (۴) این ماده از این حکم مستثنی اند.

(۲) سایر پرداخت های که مطابق فقرۀ (۱) این ماده صورت می‌گیرد، در رابطه به نرخ مبادله، حکم مندرج فقره متذکره قابل تطبیق می‌باشد.

(۳) در صورتی‌که در جریان اجراآت مربوط به تنفیذ

تنفیذ پورې د اړوندو اجراآتو په بهیر کې، محکمه وموميِ چې د هېواد په رایجو پیسو د پور د مبلغ تبدیلول، د دې مادې د (۱) فقرې مطابق دواړو خواووته غیر عادلانه دي، کولای شي د هېواد په رایجو پیسو د یوه مبلغ د ورکړې حکم چې د بهرنیو اسعارو د تأدیې مکلفیت لپاره کافي وي، د هېواد د یوه بانک په واسطه د افغانیِ د ټاکل شوي نرخ په اساس، په بله ورځ چې محکمه هغه عادلانه وبولي، صادر کړي، محکمه مکلفه ده د داسې تبادلې د نرخ دستور ورکړي چې د داین حق تأمین شي او د مدیون په ګټه له فیصلې څخه چې د خپلې ورکړې مکلفیت یې ځنډولی دی ډډه وکړي. د دې مادې (۴) فقره لدې حکم څخه مستثنی ده.

(۴) په هغه صورت کې چې په هېواد کې د تنفیذ وړ تأدیاتي مکلفیت، په افغاني رایجو پیسو باندې د یوه بهرني سعر د مبادلې نحوه ټاکلې وي، محکمه د مبادلې هماغه نحوه مرعي الاجراء ګرځوي.

مکلفیت تأدیات اسعاری، محکمه دریابد که تبدیل مبلغ قرضه به پول رایج کشور، مطابق فقرۀ (۱) این ماده برای هر دو طرف غیر عادلانه است، می‌تواند حکم پرداخت مبلغی به پول رایج کشور که برای مکلفیت تأدیۀ اسعار کافی باشد، به اساس نرخ افغانی معین شده توسط یکی از بانکهای کشور در روز دیگری که محکمه آنرا عادلانه بداند، صادر نماید. محکمه مکلف است نرخ تبادله یی را دستور دهد که حق داین تأمین شود و از فیصله به نفع مدیون که مکلفیت تأدیبی خود را به تعویق انداخته، اجتناب ورزد. فقرۀ (۴) این ماده از این حکم مستثنی است.

(۴) در صورتی‌که مکلفیت تأدیاتی قابل تنفیذ در کشور نحوۀ مبادلۀ یك سعر به پول رایج افغانی را معین نموده باشد، محکمه همان نحوۀ مبادله را مرعی الاجراء قرار میدهد.

دریېمه برخه
جرمونه

جعلي پیسې
اته څلوېښتمه ماده:
په جعلي پیسو کې لاندي اقلام شامل دي:
۱- جعلي سکه یا بانکنوټ چې رایجې سکې یا بانکنوټ ته ورته وي، یا د هغو په عوض واخیستل شي.
۲- منقش یا سپین بانکنوټ څه بشپړوي یا نه وي.
۳- واقعي سکه یا بانکنوټ په داسې ډول لاس وهل شوی یا تغییر موندلی وي چې هغې رایجې سکې یا بانکنوټ ته ورته شي چې لوړ اسمي ارزښت لري یا د هغه په عوض واخیستل شي.
۴- هغه رایجه سکه چې ځنځیره یې د سوانکارۍ یا د څنډو غوڅولو په واسطه لیرې (اخیستل) شوې وي او ځنځیره یې پرمخ عوض شوې وي چې ظاهر یې اعاده کړي.
۵- هغه سکه چې د سرو زرو، سپینو زرو یا نېکلو پوښښ ورکړل

قسمت سوم
جرائم

پول جعلی
مادۀ چهل و هشتم:
پول جعلی شامل اقلام ذیل می باشد:
۱- سکه یا بانکنوت جعلی که شبیه سکه یا بانکنوت رایج باشد، یا به عوض آنها گرفته شود.
۲- بانکنوت جعلی منقش یا سفید، چه کامل باشد یا نباشد.
۳- سکه یا بانکنوت واقعی طوری دستکاری شده یا تغییر یافته باشد که شبیه سکه یا بانکنوت رایجی که ارزش اسمی بالاتر دارد، گردد یا عوض آن گرفته شود.
۴- سکه رایج که زنجیرۀ آن توسط سوهانکاری یا بریدن لبه ها، برداشته شده و زنجیره روی آن عوض شده که ظاهر آن را اعاده کند.
۵- سکه ای که پوشش طلا، نقره یا نیکل داده شده

شوی وي، څو د سرو زرو، سپینو زرو یا نېکلو سکې ته ورته شي یا د هغو په عوض واخیستل شي.

۶- سکه یا د فلز ټوټه یا د فلزاتو مخلوط چې د سرو زرو، سپینو زرو یا نېکلو ظاهري شکل ولري یا د فلز اوبه ورکړل شوې یا رنګ شوي وي څو سرو زرو، سپینو زرو یا نېکلو ته ورته شي یا د هغو پر ځای واخیستل شي.

۷- جعلي قیمت لرونکې توکن (نښه) له جعلي مالیاتي مهر، جعلي پستی ټکټ یا ارزښت لرونکې جعلي شهادتنامې څخه عبارت دي چې د فني، مبتذل یا غولوونکي نوم په واسطه ډیزاین شوی وي .په دغه حکم کې واقعي کاغذي پیسې چې د پیسو په عنوان ارزښت نلري هم شاملې دي.

د پیسو جعل

نهه څلوېښتمه ماده:

هغه شخص چې جعلي پیسې جوړې کړي یا یې په جوړولو اقدام وکړي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي او د واکمنې محکمې لخوا په طویل حبس محکومېږي.

باشد ، تا شبیه سکه رایج طلا، نقره یا نیکل گردد و یا عوض آنها گرفته شود.

۶- سکه یا قطعهٔ فلز یا مخلوط از فلزات که شکل ظاهری طلا، نقره یا نیکل را داشته یا آب فلز داده شده یا رنگ شده باشد تا شبیه سکه رایج طلا، نقره یا نیکل گردد و یا بجای آنها گرفته شود.

۷- "توکن (نشانه) قیمت دار جعلی" عبارت از مهر جعلی مالیاتی، تکت جعلی پستی یا شهادتنامه جعلی حاوی ارزش که توسط اسم فنی، مبتذل، یا فریب آمیزی دیزاین شده باشد. این حکم شامل سکه یا پول های کاغذی واقعی که ارزشی به عنوان پول ندارد ، نیز می‌گردد.

جعل پول

مادهٔ چهل و نهم:

شخصی‌که پول جعلی را بسازد یا اقدام به ساختن آن نماید ، مرتکب جرم شناخته شدهٔ از طرف محکمهٔ ذیصلاح به حبس طویل محکوم می گردد.

د جعلي پیسولرل

پنځوسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې له قانوني عذر پرته چې اثباتول ئې د ده پخپله غاړه دي له لاندې اعمالو څخه د یوه مرتکب شي، مجرم ګڼل کېږي او په طویل حبس محکومېږي:

۱- په هغه صورت کې چې جعلي پیسې وپېري یا یې ترلاسه کړي یا یې د پېرودلواو پلورلو وړاندیز وکړي.

۲- په هغه صورت کې چې جعلي پیسې ترخپل حیازت یا مالکیت لاندې ولري.

۳- په هغه صورت کې چې جعلي پیسې هېواد ته دننه وار دې کړي.

(۲) هغه شخص چې له قانوني عذر پرته چې اثبات یې ده په خپله غاړه دی، د سرو زرو یا سپینو زرو براده، برش یا استوانه یا هغه په ګردي صورت، محلول یا په بل شکل سره تر خپل حیازت یا مالکیت لاندې ولري چې د سرو زرو یا سپینو زرو د رایجو سکو د معیوبولو، کمولو یا سپکولو په واسطه تولید یا لاسته راغلي وي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي، د

داشتن پول جعلی

مادهٔ پنجاهم:

شخصی‌که بدون داشتن عذر قانونی که اثبات آن به عهده خود او میباشد، مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، مجرم شناخته شده به حبس طویل محکوم می گردد:

۱- در صورتیکه پول جعلی را خریداری یا دریافت نموده یا پیشنهاد جهت خرید و فروش آن را بدهد.

۲- در صورتی‌که پول جعلی را تحت حیازت یا مالکیت خود داشته باشد.

۳- در صورتی‌که پول جعلی را به داخل کشور وارد نماید.

(۲) شخصی‌که بدون عذر قانونی که اثبات آن بر عهدهٔ خود او می‌باشد، براده، برش، یا استوانه طلا یا نقره یا آنرا به صورت گرد، محلول یا شکل دیگر تحت حیازت یا مالکیت خود داشته باشد که توسط معیوب کردن، تقلیل دادن یا سبك کردن سکه رایج طلا یا نقره تولید شده یا بدست آمده باشد، مرتکب جرم شناخته شده حسب احوال به حبس

احوالو مطابق په هغه حبس چې له پنځو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي.

د سکو ویلې (ذوب) کول

یو پنځوسمه ماده:

(۱) هېڅ شخص نه شي کولای د هېواد رایجه او قانوني سکه ویلې کړي، ماته یې کړي یا یې له رایجې پیسې پرته په بل عنوان استعمال کړي، خو دا چې جواز یې د دافغانستان بانک څخه اخیستی وي.

(۲) هغه شخص چې د دې مادې د (۱) فقرې حکم یا په جواز کې درج شوي شرایط نقض کړي د جرم مرتکب ګڼل کېږي په حبس چې له یوه کال څخه زیات نه وي یا نقدي جریمه چې له پنځه ویشتو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي یا په دواړو په جزاء محکومېږي. محکمه کولای شي د هغو وسایلو په مصادرې چې جرم د هغو په واسطه یا له هغو سره په رابطه کې صورت موندلی دی هم حکم وکړي.

که از **۵** سال تجاوز ننماید، محکوم می‌گردد.

ذوب سکه ها

مادۀ پنجاه و یکم:

(۱) هیچ شخص نمیتواند سکۀ رایج و قانونی کشور را ذوب نماید، بشکند یا به عنوان دیگر بجز از پول رایج استعمال نماید، مگر اینکه جواز آنرا از د افغانستان بانک کسب نموده باشد.

(۲) شخصیکه حکم فقرۀ (۱) این ماده یا شرایط مندرج جواز را نقض کند، مرتکب جرم شناخته شده، به حبسی که از یکسال تجاوز ننماید یا جریمۀ نقدی ایکه از بیست و پنجهزار افغانی بیشتر نباشد یا هر دو محکوم به جزا می‌گردد. محکمه می‌تواند به مصادره وسایل که جرم توسط یا در رابطه با آنها صورت گرفته نیز حکم نماید.

په جریان کی اېښودل (جریان ته وړاندې کول)

دوه پنځوسمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د قانوني عذر له لرلو پرته چې اثبات يې د هغه په خپله غاړه دی يو له لاندې اعمالو څخه سرته ورسوي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي او د واکمنې محکمې طويل په اوږده حبس محکومېږي:

۱- په هغه صورت کې چې جعلي پيسې دوران ته وړاندې کړي يا يې دوران ته د وړاندې کولو لپاره عرضه کړي يا جعلي پيسې د واقعي پيسو په شان استعمال کړي.

۲- په هغه صورت کې چې جعلي پيسې له افغانستان څخه وباسي.

(۲) هغه شخص چې د خلکو د تېر ايستلو لپاره او په آګاهانه توګه غير قانوني سکه يا د فلزاتو مخلوط چې د اندازې، شکل يا رنګ له نظره يوې رايجې سکې ته ورته وي او د رايجې سکې په عوض يې جريان ته وړاندې کړي، په هغه حبس چې له دوو کلونو څخه زيات نه وي محکومېږي.

به جریان گذاشتن

مادۀ پنجاه و دوم:

(۱) شخصی‌که بدون داشتن عذر قانونی که اثبات آن بر عهده خود او می‌باشد یکی از اعمال ذیل را انجام دهد، مرتکب جرم شناخته شده، از طرف محکمۀ ذیصلاح به حبس طویل محکوم می‌گردد:

۱- در صورتی‌که پول جعلی را به دوران گذاشته یا جهت به دوران گذاشتن، آنرا ارائه نماید یا پول جعلی را مانند پول واقعی استعمال نماید.

۲- در صورتی‌که پول جعلی را از افغانستان خارج کند.

(۲) شخصی که به منظور فریب مردم و بطور آگاهانه سکۀ غیر قانونی، قطعۀ فلز یا مخلوطی از فلزات را که از نظر اندازه، شکل یا رنگ شبیه یك سکۀ رایج باشد و عوض سکه های رایج به جریان بگذارد، به حبسیکه از دو سال تجاوز ننماید محکوم می‌گردد.

فلزي توتې او توکنونه
دري پنځوسمه ماده:
هغه شخص چې له قانوني عذر پرته چې اثبات يې د ده په خپله غاړه دی، داسې شيان جوړکړي، توليد يې کړي، ويې پلوري يا يې په خپل حيازت کې ولري چې هدف يې په تير ايستونکې توګه د هغو قيمت لرونکو توکنونو پر ځای استعمالول وي چې ماشينونه او وسايل د هغو په وسيله فعالېږي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي، په هغه حبس چې له شپږو مياشتو څخه زيات نه وي يا نقدي جريمه چې له دولسو زرو افغانيو څخه زياته نه وي يا په دواړو په جزاء محکومېږي.

له شکل څخه غورځول يا معيوبول ځلور پنځوسمه ماده:
(۱) هغه شخص چې لاندې عملونه سرته ورسوي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي او د طويل حبس په جزاء محکومېږي:
۱- په هغه صورت کې چې د سرو زرو يا د سپينو زرو سکه پدې منظور چې د سرو زرو يا سپينو زرو د رايجې سکې پر ځای وګڼل

توته های فلزی و توکن ها
مادۀ پنجاه و سوم:
شخصی که بدون عذر قانونی که اثبات آن بر عهدۀ خود او میباشد، اشیایی را بسازد، تولید کند، بفروشد یا در حیازت خود داشته باشد که هدف آن به صورت فریب آمیز، استعمال بجای سکه یا توکن های قیمت داری باشد که ماشین ها و وسایل بوسیله آنها فعال می‌گردد، مرتکب جرم شناخته شده به حبسیکه از شش ماه تجاوز ننماید یا جریمۀ نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد و یا هر دو محکوم به جزاء می‌گردد.

از شکل انداختن یا معیوب کردن
مادۀ پنجاه و چهارم:
(۱) شخصی که اعمال آتی را انجام دهد، مرتکب جرم شناخته شده و به حبس طویل محکوم به جزاء می‌گردد:
۱- در صورتی‌که سکۀ رایج طلا یا نقره را به این منظور که بجای سکۀ طلا یا نقرۀ رایج گرفته شود، معیوب

شي، معيوبه کړي، کمه يې کړي يا يې سپکه کړي.
۲- د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوې سکه آګاهانه جريان ته وړاندې کړي.
(۲) هغه شخص چې يو له لاندې عملونو څخه سرته ورسوي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي، په هغه حبس چې له شپږو مياشتو څخه زيات نه وي يا په نغدي جريمه چې له دولسو زرو افغانيو څخه زياته نه وي يا په دواړو په جزاء محکومېږي:
۱- په هغه صورت کې چې رايجه سکه له شکل څخه وغورځوي.
۲- په هغه صورت کې چې رايجه سکه چې له شکل څخه غورځېدلې ده، په دوران کې واچوي.
۳- په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک له استيذان پرته يو بانکنوټ د چاپولو (طبع کولو)، مهر کولو، د هغو له پاسه د کليمو يا خطونو او تصويرونو د نښلولو په وسيله له شکل څخه وغورځوي.
۴-په هغه صورت کې چې رايج بانکنوټ چې د دې مادې د (۱) فقرې د (۳) جزء مطابق چې له کنـد، تقليـل دهـد يـا سـبك نمايد.
۲- سـکه منـدرج فقرۀ (۱) ايـن مـاده را آگـاهانه بـه جريان بگذارد.
(۲) شخـصی که يکی از اعمال آتی را انجام دهد، مرتکب جرم شناخته شده، به حبسی که از شش ماه تجاوز ننمايد يا به جـريمـه نقـدی کـه از دوازده هـزار افغـانی بـيـشتر نـباشد و يـا هر دو محکوم به جزاء می گردد:
۱- در صورتی که سکۀ رايج را از شکل بيندازد.
۲- در صورتی که سکه رايج را که از شـکل افتـاده اسـت، در دوران بگذارد.
۳- در صورتی که بدون استيذان دافغـانستان بانك، بانکنوتی را بـوسيلۀ طبـع کـردن، مهـر زدن، چسپاندن کلمات يا وسايل مشابه خطوط و تصاوير بالای آنها را از شکل بيندازد.
۴- در صـورتی کـه بـانکنوت رايج را کـه طـبق جزء "۳" فقرۀ (۲) ايـن مـاده از

شکل څخه غورځول شوی دی، دوران ته وړاندې کړي.

دبانکنوټونو ورته جوړونه

پنځه پنځوسمه ماده:

(۱) هېڅوک نشي کولای د الکترونیکي وسایلو یا کمپیوتر په مرسته یا په بل ډول داسې شیان جوړ، خپاره، چاپ، اجراء، صادر او یا یې په جریان کې واچوي چې له لاندې اقلامو څخه یوه ته ورته وي:

۱- رایج بانکنوټ.

۲- د پور بهالرونکی سند یا د دولت یا بلې مالي مؤسسې بهالرونکي سندونه.

(۲) لاندې اشخاص، د دې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي حکم څخه مستثنی دي:

۱- د دافغانستان بانک یا یې کارکوونکي، د دندې د اجراء په وخت کې.

۲- پولیس، د دندې د اجراء په وخت کې.

۳- هغه شخص چې د قرارداد یا جواز په اساس، د دافغانستان بانک یا پولیسو لخوا عمل کوي.

(۳) هغه شخص چې د دې مادې د شکل انداخته شده است، به دوران بگذارد.

شبیه سازی بانکنوت ها

مادۀ پنجاه و پنجم:

(۱) هیچکس نمی‌تواند به کمك وسائل الکترونیکی یا کامپیوتر یا به نحوی دیگری اشیایی را بسازد، منتشر، چاپ، اجراء، صادر و یا در جریان بیندازد که مشابه یکی از اقلام آتی باشد:

۱- بانکنوت رایج.

۲- سند بهادار قرضه یا اسناد بهادار دولت یا مؤسسۀ مالی دیگر.

(۲) اشخاص آتی از حکم مندرج فقرۀ (۱) این ماده مستثنی می‌باشند:

۱- د افغانستان بانك یا کارکنان آن حین اجرای وظیفه.

۲- پولیس حین اجرای وظیفه.

۳- شخصی که به اساس قرار داد یا جواز از جانب د افغانستان بانك یا پولیس عمل مینماید.

(۳) شخصی که حکم مندرج

(۱) فقري کې درج شوی حکم نقض کړي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي او په هغه حبس چې له شپږو میاشتو څخه زیات نه وی یا نقدي جریمه چې له دولسو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي یا په دواړو په جزاء محکومېږي.

(۴) هېڅ شخص د هغه ورته بانکنوټ د چاپ په اړه چې د دافغانستان بانک لخوا صادر شوی دی، په لاندې مواردوکې د دې مادې د (۳) فقرې مطابق، په مجازاتو نه محکومېږي، په هغه صورت کې چې معلومه شي چې د هغه ورته بانکنوټ اوړده اوسور، د جاري بانکنوټ له اوږدو او سور څخه درې پر څلور یا له یونیم برابر څخه زیات وي:

۱- اړوند شکل یوازې تور او سپین وي.

۲- ورته والی یوازې د ورته بانکنوټ پر یوه مخ باندې ښکاره شوی وي.

وسایل یا مواد

شپږ پنځوسمه ماده:

هغه شخص چې له قانوني عذر پرته چې اثبات یې د هغه په خپله

فقرۀ (۱) این ماده را نقض کند، مرتکب جرم شناخته شده به حبسیکه از شش ماه تجاوز ننماید یا جریمه نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد و یا هر دو محکوم به جزاء می‌گردد.

(۴) هیچ شخص در رابطه به چاپ همانند بانکنوتیکه توسط د افغانستان بانك صادر شده است، در موارد آتی مطابق فقرۀ (۳) این ماده محکوم به مجازات نمی‌گردد در صورتی‌که معلوم گردد، که طول یا عرض آن بانکنوت مشابه کمتر از سه چهارم یا بیشتر از یك و نیم برابر طول و یا عرض بانکنوت جاری باشد:

۱- شکل مربوطه صرفاً سیاه و سفید باشد.

۲- تشابه صرف در یك روی بانکنوت همانند، ظاهر شده باشد.

وسائل یا مواد

مادۀ پنجاه و ششم:

شخصی‌که بدون داشتن عذر قانونی که اثبات آن بر عهدۀ خود

غاړه دی د ماشین، انجن، ابزارو، وسایلو، موادو یا شیانو چې پوهېږي د پیسو، قیمت لرونکو جعلي توکنونو د جوړولو لپاره په کار وړل کېږي یا وپوهېږي چې د دغه ډول ګټې اخیستنې لپاره برابر شوي دي او هغه جوړ کړي، ترمیم یې کړي یا یې په جوړولو یا ترمیمولو لاس پورې کړي یا یې په خپل حیازت کې ولري د جرم مرتکب ګڼل کېږي، په طویل حبس محکومېږي.

له ضرابخانې څخه د ضرب وهلو د وسایلو لېږدول

اووه پنځوسمه ماده:

هغه شخص چې له قانوني عذر پرته چې اثبات یې د هغه پخپله غاړه دی، په آګاهانه توګه یو له لاندې شیانو څخه د قانوني فعالیت له جواز لرونکې ضرابخانې څخه بهر کړي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي، او په طویل حبس محکومېږي:

۱- ماشین، انجن، ابزار، وسایل، مواد یا هغه شیان چې د سکې په جوړولو کې ورځخه ګټه اخیستل کېږي یا په کار وړل کېږي.

او می‌باشد، در رابطه به ماشین، انجمن، ابزار، وسایل، مواد یا اشیای را که می‌داند برای ساختن پول جعلی، توکن های جعلی قیمت دار بکار می‌رود یا بداند که برای چنین استفاده ای تهیه شده و آنرا بسازد، ترمیم نماید یا اقدام به ساختن یا ترمیم آن نماید یا خرید و فروش نماید و یا در حیازت خود داشته باشد، مرتکب جرم شناخته شده، به حبس طویل محکوم می‌گردد.

انتقال وسائل سکه زدن از ضرابخانه

مادۀ پنجاه و هفتم:

شخصی که بدون داشتن عذر قانونی که اثبات آن بر عهدۀ خود او می‌باشد، بطور آگاهانه یکی از اشیای آتی را از ضرابخانه دارای جواز فعالیت قانونی خارج نماید، مرتکب جرم شناخته شده، به حبس طویل محکوم می‌گردد:

۱- ماشین، انجن، ابزار، وسایل، مواد یا اشیایی را که در رابطه با ساختن سکه استفاده می‌شود یا بکار می‌رود.

۲- د دې مادې په (۱) فقره کې په درج شوو شیانو کې د ګټې اخیستنې وړ جزء.
۳- سکه، د فلز استوانه یا د فلزاتو مخلوط.

اعلان، سوداګري
اته پنځوسمه ماده:
(۱) هغه شخص چې یو له لاندې عملونو څخه سرته ورسوي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي او له احوالو سره سم هغه په حبس چې له پنځو کلونو څخه زیات نه وي، محکومېږي:
۱- د جعلي پیسو یا قیمت لرونکو توکنونو د خرڅلاو، برابرولو یا لېږدونې د وړاندیز یا د ګټې اخیستنې د ډول یا د هغو وسایلو په اړه چې د هغو په واسطه جعلي پیسې یا قیمت لرونکي توکنونه خرڅ، برابر یا لېږدول کېداې شي، د اطلاعاتو د هر ډول اعلان یا اشتهار خپرول.
۲- د قیمت لرونکو جعلي توکنونو پېرودل یا لاس ته راوړل یا د قیمت لرونکو جعلي توکنونو د پېرودلو یا لاس ته راوړلو په هکله مذاکره یا د مذاکرې وړاندیز یا د هغو په اړه په

۲- جز قابل استفاده در اشیای مندرج فقرۀ (۱) این ماده.
۳- سکه، استوانۀ فلز یا مخلوطی از فلزات.

اعلان، تجارت
مادۀ پنجاه و هشتم:
(۱) شخصی که یکی از اعمال آتی را انجام دهد، مرتکب جرم شناخته شده، حسب احوال به حبسی که از پنج سال تجاوز ننماید، محکوم می‌گردد:
۱- اعلان یا پخش هر نوع اشتهار مبنی بر پیشنهاد فروش، فراهم کردن یا انتقال پول یا توکن های جعلی قیمت دار یا اطلاعات در رابطه با طرز استفاده یا وسائلی که توسط آنها پول یا توکن های جعلی قیمت دار فروش، فراهم یا انتقال گردیده می‌تواند.
۲- خریداری، بدست آوردن، مذاکره یا پیشنهاد مذاکره نمودن در مورد خریداری یا بدست آوردن توکن های قیمت دار جعلی یا به شکل دیگری در رابطه به

بل ډول د ارتباط نیول.
(۲) هېڅـــوک د دې مـــادې د (۱) فقرې د حکم مطابق د واقعي سکې یـا بـانکنوټ په اړه چې د پیسو په عنـوان ارزښت نـه لـري، د جـرم په ارتکاب نه محکومېږي، خو دا چې وپـوهېږي چـې نومـوړې سـکه یـا بانکنوټ د پیسو په عنوان ارزښت نـه لـري او د هغـو پـه اړه خدعې او تېر ایستنې وجود ولري.

د اثبـات پـه هکلـه اختـصاصي حکمونه

نهه پنځوسمه ماده:
(۱) د پیـــسو یـــا قیمـــت لرونکـــو توکنونو په اړه جعل کاري، د هغـو د نه ورته والي، د مودې د تېرېدو (انقضاء) او تبادلې با وجود، بشپړ جرم ګڼل کېږي.
(۲) د دافغانـستان بانـک د مؤظـف شـخص لاسـلیک، پـه افغانـستان یـا نـورو هیوادونـو کـې د پیـسو یـا قیمت لرونکو توکنونو د جعلي یا واقعي توب، رایج یا نـه رایج والي د اثبـات پـه رابطـه کـې، د جعـل کاري د څېړنې په اړه کافي دی، د لاسـلیک کـوونکي شـخص د رسـمي مشخـــصاتو اثبـــات تـــه اړتیـــا

آنها ارتباط گرفتن.
(۲) هـیچ کـس مطـابق حکـم فقـرۀ (۱) این ماده در رابطه بـه سـکه یـا بانکنوت واقعی که ارزشی بعنوان پـول نـدارد، محکـوم بـه ارتکـاب جرم نمـــیگردد، مگر اینکه بداند که سکه یا بـانکنوت هـای متـذکره ارزشـی بعنـوان پـول نـدارد و در رابطـه بـه آنـــها خـــدعه و فریـب وجود داشته است.

احکـــام اختـــصاصی در مـــورد اثبات

مادۀ پنجاه و نهم:
(۱) جـــعل کـــاری در رابطـه بـه پـول یـا تـوکن هـای قیمـت دار بـا وجـود عـدم مـشابهت، انقـضای مـدت و تبادلـۀ آنهـا، جـرم کامـل پنداشته می‌شود.
(۲) امـــضای شـــخص مؤظـــف دافغانـــستان بانـک در رابطـه بـه اثبـات مبنـی بـر جعلـی یـا واقعـی بودن و رایج یا عدم رایج بودن پول یـــا تـــوکن هـــای قیمـــت دار در افغانستان یا کشور های دیگر در امر تحقیق جعل کاری کافی بوده، ضـرورت بـه اثبـات مشخـصات رسمی شخص امضاء کننده نمی

نشته.
(۳) هغه اړخ (لوری) چې د دې مادې په (۲) فقره کې درج تصدیق پاڼه د هغه په خلاف وړاندې شوېده، کولای شي د محکمې په اجازه، د متقابل تحقیق په منظور، د جعلکاری د تحقیق کوونکي حضور وغواړي.
(۴) د دې مادې په (۲) فقره کې درج تصدیق پاڼه د مدرک په توګه نه پېژندل کېږي، خو دا چې هغه لوری چې د هغې د وړاندې کولونیت لري، د محاکمې له بهیر د مخه یې مقابل لوری خبر کړی او د تصدیقپاڼې یوه نسخه یې هغه ته وراستولې وي.

د بانکنوټ، سکې، سندونو او نښو (توکنونو)غیر مجاز خپرول
شپېتمه ماده:
هغه شخص چې یو بانکنوټ یا سکه، د دې قانون د څلور دېرشمې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي حکم سره په تناقض کې یا نور سندونه یا توکنونه چې په افغانستان کې د خپرولو په منظور تر ګټې اخیستنې لاندې نیول کېږي، خپاره کړي، په طویل حبس

باشد.
(۳) طرفی که تصدیقنامهٔ مندرج فقرهٔ (۲) این ماده علیه وی ارائه شده است، می‌تواند به اجازهٔ محکمه به منظور تحقیق متقابل، حضور تحقیق کنندهٔ جعلکاری را تقاضاء نماید.
(۴) تصدیقنامهٔ مندرج فقرهٔ (۲) این ماده منحیث مدرك پذیرفته نمی شود، مگر اینکه طرفی که قصد ارائهٔ آن را دارد، قبل از جریان محاکمه، طرف مقابل را مطلع و یك نسخه از تصدیقنامه را به وی ارسال نموده باشد.

نشر غیر مجاز بانکنوت، سکه، اسناد و نشانه ها (توکن ها)
مادهٔ شصتم:
شخصی‌که بانکنوت یا سکه ایرا در تناقض با حکم مندرج فقرهٔ (۱) مادهٔ سی و چهارم این قانون یا سایر اسناد یا توکن ها را که در افغانستان به منظور نشر مورد استفاده قرار می گیرد، نشر نماید، به حبس طویل محکوم

محکومپږي.

مصادره

یوشپېتمه ماده:

(۱) جعلـي بانکنوټونـه، سـکې، سندونه او نښې یا قیمت لرونکي توکنونـه او هغـه وسـایل چـې د جوړولـو لپـاره تـر ګټې اخیـستنې لاندې نیـول کېږي یـا پـدې منظـور برابر شوي وي، مصادره کېږي.

(۲) پولیس کولای شي لاندې شیان ضبط کړي اوویې ساتي:

۱- جعلي پیسې.

۲- جعلي قیمت لرونکې نښې.

۳- ماشـینونه، انجنونـه، ابـزار، وسایل یا هغه شیان چې د جعلي پیسو یا قیمت لرونکو توکنونو د جوړولو لپاره په کار وړل شوي یا د هغـو دګټـې اخیـستنې لپـاره اختصاص کړی شوي یـا د هغـو د تولید په مقصد جوړ شوي دي.

(۳) د دې مـادې پـه (۲) فقـره کـې درج ضـبط شـوي شـیان، د محـوه کولـو یـا د بـل منظـور لپـاره چـې واکمـن مقامونـه یـې لازم وبـولي، د دافغانستان بانک ته استوي. هغه شیان چې ساتل یې د جرم د اثباتیه مدرک په توګه اړین وګڼل شي له

می گردد.

مصادره

مادۀ شصت و یکم:

بـانکنوت هـا، سـکه هـا، اسـناد و نـشانه هـا یـا توکنهـای قیمـت دار جعلی و وسایلی که برای ساختن مورد استفاده قرار می گیرد یـا بـه ایـن منظـور تهیـه شـده باشـد، مصادره می‌گردد.

(۲) پولیس میتواند اشیای آتی را ضبط و نگهداری نماید:

۱- پول جعلی.

۲- نشانه های قیمت دار جعلی.

۳- ماشین هـا، انجـن هـا، ابـراز، وسایل، مـواد یـا اشیایی که بـرای سـاختن پـول یـا تـوکن هـای قیمـت دار جعلی بکـار رفتـه اند یـا بـرای استفادۀ آنهـا اختـصاص داده شـده و یا بـــه مقصد تولید آنها سـاخته شده اند.

(۳) اشیای ضبط شدۀ مندرج فقرۀ (۲) ایـن مـاده غـرض امحـاء یـا بـه منظـــور دیگـــری کـــه مقامـــات ذیـــصلاح لازم بدانـــد، بـــه د افغانستان بانك فرستاده می‌شود. اشـیائیکه نگهداشـت آن منحیـث مدرك اثاثیۀ جرم ضروری پنداشته

دې حکم څخه مستثنی دي.
(۴) بانکنوټ، سکه، سند یا د دې مادې له (۱) فقرې سره په تناقض کې نورې نښې چې د پیسو په توګه په دافغانستان بانک کې د دوران لپاره په پام کې نیول شوي وي، جعلي ګڼل کېږي.
هغه موارد چې د دې فصل د حکمونو مطابق، مجاز ګڼل شوي دي له دې حکم څخه مستثنی دي.

پنځم فصل
پولي دندې او فعالیتونه

پولي سیاست
دوه شپیتمه ماده:
د دافغانستان بانک، د هېواد د پولي سیاست د طرح، تر لاس لاندې نیولو او اجراء مسئول دی.

د آزاد بازار عملیات
دري شپېتمه ماده:
د دافغانستان بانک د خپل پولي سیاست په اجراء کې کولای شي د آزاد بازار له لارې د تبالې وړ بهرنیو اسعارو، د دولت لخوا خپرو شوو د پور د بها لرونکو سندونو، په قطعي پېرودنه او پلورنه (د

شود ازین حکم مستثنی است.
(۴) بانکنوت، سکه، سند یا سایر نشانه ها در تناقض با فقرهٔ (۱) این ماده که منحیث پول برای دوران در دافغانستان بانک در نظر گرفته شده باشد، جعلی پنداشته می‌شود.
مواردی که مطابق احکام این فصل مجاز دانسته شده از این حکم مستثنی می‌باشد.

فصل پنجم
وظایف و فعالیتهای پولی

سیاست پولی
مادهٔ شصت و دوم:
د افغانستان بانك مسئول طرح، اتخاذ و اجرای سیاست پولی کشور میباشد.

عملیات بازار آزاد
مادهٔ شصت و سوم:
د افغانستان بانک در اجرای سیاست پولی خود می تواند از طریق بازار آزاد در خرید و فروش قطعی (فوری یا پیش خرید) و یا به موجب قرار داد های باز خرید، اسعار خارجی قابل تبادله،

فوري يا د مخکنۍ پېرودنې) او يا د بيا پېرودنې د قرارداد په موجب، له خپل لوري اقدام وکړي. پدې هکله له نورو اسعارو او بهادارونکوسندونو څخه ګټه نشي اخيستل کېدی.

د بانکونو الزامي زېرمې

څلورشپېتمه ماده :

(۱) د افغانستان بانک د خپل پولي سياست په اجراء کې کولای شي بانکونه مکلف کړي، په افغانستان بانک کې سپارنې (اجباري زېرم) کېږدي. د دغو سپارنو حد اقل ميزان د مقدار، ډول يا د سپارنو د سر رسيد، د ترلاسه شوو پورونو د وجوهو او د بانکونو د نورو بديهيو پر بنسټ چې د افغانستان بانک يې لازم وبولي د اړوندو مقرراتو مطابق ټاکي. د بديهيو په وړاندې د الزامي زېرمې ميزان، د ټولو بانکونو لپاره يوشان دی.

(۲) د افغانستان بانک کولای شي د نقدي سپارنو يا د بانکونو د نورو پولي سپارنو ميزان چې په افغانستان بانک کې يې د الزامي زېرمو په توګه لري او هغه وخت اسناد بهادار قرضه منتشر شده از جانب دولت، از طرف خود اقدام نمايد. در اين مورد از ساير اسعار و اسناد بهادار استفاده به عمل آمده نمی‌تواند.

ذخاير الزامی بانکها

مادۀ شصت و چهارم:

(۱) د افغانستان بانك در اجرای سياست پولی خود ميتواند بانکها را مکلف نمايد، سپرده هايی (ذخاير الزامی) در د افغانستان بانك بگذارند. ميزان حد اقل اين سپرده ها به اساس مقدار، نوع يا سررسيد سپرده ها، وجوه قرضه دريافت شده و ساير بديهی های بانکها که د افغانستان بانك لازم بداند، طبق مقررات مربوط تعيين می‌نمايد. ميزان ذخاير الزامی در برابر بديهی ها برای همه بانکها يکسان می‌باشد.

(۲) د افغانستان بانك می‌تواند ميزان سپرده های نقدی يا ساير سپرده های پولی بانك ها را که بحيث ذخاير الزامی در د افغانستان بانك دارند و مدت

موده چې د موجودو الزامي زېرمو د ميزان د ټاکلو لپاره د ورځنيو بېلانسونو اوسط تثبيتېږي، د اړوندو مقرراتو مطابق وټاکي.

د دافغانستان بانک کولای شي د اجباري زېرمو لپاره ګټه (مفاد) وټاکي.

(۳)ددې مادې په (۲) فقره کې په درج شوو مقرراتو کې چې دهغو په موجب الزامي زېرمې ټاکل کېږي يا تغييرات پکې راځي، هغه نېټه چې بانکونه نوې زېرمې يا دهغو ميزان رعايت کړي هم ټاکل کېږي.

زمانی که اوسط بیلانس های روزانه جهت تعیین میزان ذخایر الزامی موجوده تثبیت می‌گردد، طبق مقررات مربوط تعیین نماید.

د افغانستان بانک می‌تواند برای ذخایر الزامی مفاد تعیین نماید.

(۳) در مقررات مندرج فقرهٔ (۲) این ماده که بموجب آن ذخایر الزامی معین میشوند یا تغییراتی در آن رونما می گردد، تاریخی که بانکها ذخایر جدید یا میزان آنرا رعایت نمایند نیز معین می‌گردد.

د الزامي زېرمو له تأمينولو څخه سرغړونه

پنځه شپېتمه ماده:

په هغه صورت کې چې بانکونه، د دې قانون په څلور شپېتمه ماده کې د درج شوو الزامي زېرمو له حداقل تأمينولو څخه ډډه وکړي، د دافغانستان بانک کولای شي د کمښت تر جبرانه پورې، جريمه چې اندازه يې د دافغانستان بانک د مقرراتو مطابق ټاکل کېږي، اعمال کړي.

تخلف از تأمین ذخایر الزامی

مادهٔ شصت و پنجم:

در صورتی‌که بانک ها از تأمین حد اقل ذخایر الزامی مندرج مادهٔ شصت و چهارم این قانون خود داری ورزند، د افغانستان بانك می‌تواند الی جبران کاهش، جریمه را که مقدار آن طبق مقررات د افغانستان بانك تعیین می‌گردد، اعمال نماید.

د تنزیل عملیات

شپږشپېتمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک کولای شي یوازې لاندې بانکي وړاندې شوي سندونه چې له افغانستان بانک سره حساب ولري راتیټ (تنزیل) کړي:

۱- برات او حجت چې د پیسو واحد یې افغانۍ او په هېواد کې د ورکړې وړ وي او حداقل د دریو لورو (طرفونو) چې د خپلو دیونو د ورکړې وړتیا لري او لږ تر لږه له هغو څخه یو لوری یې بانک وي، د لاسلیک لرونکي وي او د سررسید موده یې، د دافغانستان بانک په واسطه د هغو د ترلاسه کولو له نېټې څخه له دریو میاشتوڅخه زیاته نه وي.

۲- په استثنایي مواردو کې د دافغانستان بانک کولای شي، د دې فقرې په (۱) جزء کې درج شوي سندونه، په هغه صورت کې چې حداقل د دوو لورو چې د خپلو دیونو د ورکړې وړتیا لري او له دې جملې یو لوری یې بانک وي د لاسلیک لرونکي وي او د سر رسید موده یې، د دافغانستان بانک په

عملیات تنزیل

مادۀ شصت و ششم:

(۱) د افغانستان بانک می‌تواند صرف اسناد عرضه شدۀ آتی بانکی را که نزد د افغانستان بانک حساب داشته باشد، تنزیل دهد:

۱- برات وحجت که واحد پول آنها افغانی و قابل پرداخت در کشور بوده و دارای امضای حد اقل سه طرف که قابلیت پرداخت دیون شان را داشته و حد اقل یک طرف از آنها بانک باشد و میعاد سررسید آنها مدت سه ماه از تاریخ دریافت آن توسط د افغانستان بانک بیشتر نباشد.

۲- در موارد استثنایی د افغانستان بانک می‌تواند اسناد مندرج جزء (۱) این فقره را در صورتی‌که حد اقل دارای امضاء دو طرف که قابلیت پرداخت دیون شان را داشته و از جمله یک طرف آن بانک باشد و میعاد سررسید آنها بیش از سه ماه الی شش ماه

واسطه د هغو له تر لاسه کولو څخه لـه دریـو تـر شـپږو میاشـتو پـورې زیاته نه وي.

۳- د پور بها لرونکي سندونه چې د دولت یـا د دافغانستان بانک په واسطه صادر یـا ضـمانت شوي، د خرڅلاو لپـاره ټولـو (عمومـو) تـه د پـور د وړانـدې شـوو بهـا لرونکـو سـندونو جـزء او د افغانـستان پـه قلمرو کې د ورکړې وړ وي او پولي واحـدې افغـانۍ او د سررسـید مـوده یـې د دافغانـستان بانـک پـه واسطه د اخیـستلو لـه نېټـې څخـه درې میاشتې وي.

(۲) د دې مـادې پـه (۱) فقـره کـې درج شـوي د تنزیـل عملیـات، د نورو شرایطو او مقرراتو (د تنزیـل د نـرخ پـه شـمول) چې د دافغانـستان بانک لخوا وضع کېږي، تابع دي.

(۳) د دافغانـستان بانـک کـولای شـي، د دې مـادې پـه (۱) او (۲) فقره کې د درج شوو سندونو د هر یوه له تنزیل څخه، ډډه وکړي.

د پورونو ورکول

اووه شپېتمه ماده:

(۱) د دافغانـستان بانـک کـولای شي، د اړوندو شرایطو او مقرراتو از تاریـــخ دریـــافت آنهـا توسـط د افغانـستان بـانک نباشد.

۳- اســـناد بهـادار قرضـه کـه تـــوسط دولت یا د افغانستان بانـــک صـــادر یـا ضـمانت گـــردیده، جـــزء اسـناد بهـادار قـرضـــه عرضـه شـده بـه عمـوم جهـت فـروش و در قلمـرو افغانـستان قابـل پرداخـت بـوده و واحـد پـولی آن افغـانی و میعـاد ســـررســـید آنهـا مـدت سـه مـاه از تـاریخ اخـذ آن توسـط د افغانستان بانک باشد.

(۲) عملیـات تنزیـل منـدرج فقـرۀ (۱) ایـن مـاده تـابع سـایر شـرایط و مقررات (بشمول نـرخ تنزیـل) کـه از طـرف د افغانـستان بانـک وضـع میگردد، می‌باشد.

(۳) د افغـانستان بانک می‌توانـد از تنـــزیل هـر یـک از اســـناد منـدرج فقـره هـــای (۱) و (۲) ایـن مـــاده خود داری نماید.

اعطای قروض

مادۀ شصت و هفتم:

(۱) د افغانـستان بانـک مـی‌توانـد طبـق شـرایط و مقـررات مربـوط

مطابق، د دریو میاشتو تر مودې پورې نورو بانکونو ته پور ورکړي، پدې شرط چې په دافغانستان بانک کې حساب ولري او د هغو د له لاسدې شتمنیو څخه د یوې په واسطه تضمین شي:

۱- د دې قانون په دوه اویایمه ماده کې درج اسعاري زېرمې.

۲- د پور بها لرونکي نور سندونه چې د دولت لخوا صادر یا ضمانت شوي وي او په هېواد کې ټولو ته د وړاندې شوو د پور د بها لرونکو سندونو جزء په افغاني پیسو د ورکړې وړوي.

۳- د مالونو د ګدام رسیدونه، د کالیو یا لومړنیو موادو یا نورو جنسونو چې د نابودۍ او زیان په وړاندې بیمه شوي وي د مالکیت سندونه.

۴- له دافغانستان بانک یا د دافغانستان بانک ته د منلو وړ سپارنو اخیستونکو سره موجودې، له هغو ډول ډول شتمنیو څخه جوړې (مرکبې) سپارنې چې د دافغانستان بانک یې، د دې قانون د حکمونو مطابق، د هغو په پېرودلو، پلورلو یا معاملې

برای مدت الی سه ماه به سایر بانک ها قرضه اعطاء نماید، مشروط بر اینکه در د افغانستان بانك حساب داشته و توسط یکی از دارائی های آتی آنها تضمین شود:

۱- ذخایر اسعاری مندرج مادۀ هفتاد و دوم این قانون.

۲- سایر اسناد بهادار قرضه که توسط دولت صادر و یا ضمانت شده و جزء اسناد بهادار قرضۀ عرضه شده به عموم در کشور قابل پرداخت به پول افغانی باشد.

۳- رسید های گدام اموال، اسناد مالکیت کالاها یا مواد اولیه یا سایر اجناس که در مقابل خطر نابودی و ضرر بیمه شده باشند.

۴- سپرده های موجود نزد دافغانستان بانك یا سپرده گیرنده های قابل قبول برای د افغانستان بانك مرکب از انواع دارایی هاییکه دافغانستان بانك مطابق احکام این قانون مجاز به خرید و فروش یا معامله

مجـــازوي، د ســـرو زرو او نـــورو قيمتي فلزاتو او کريمه احجارو په شمول.

(۲) هغـــه بانکونـــه چـــې لـــه دافغانستان بانک سره حساب لري، پـه افغانـستان کـې يـوازې د دوی مرکـزي دفترونـو تـه پـور ورکـول کېږي.

د تنزيل يا پور نرخونه

اته شپېتمه ماده:

د دافغانستان بانک د تنزيل او پور نرخونه، د هغو مقرراتو مطابق چې د دافغانستان بانک يې وضع کوي، ټاکل کېږي.

شپږم فصل

د اسعارو د نرخ او کنترول سياست

کلي سياستونه

نهه شپېتمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د هېواد د اسـعارو د نـرخ د سياسـت د طـرح کولو ترلاس لاندې نيولو، تنظيمولـو او اجراء کولـو مسئول دی، مکلف دی چـې پـه دې هکلـه لـه تـصميم نيـونې څخـه د مخـه د مـاليې لـه وزارت سره مشوره وکړي.

آنها می‌باشد، به شمول طـــلا و ســـایر فلزات و احـــجار کریمهٔ گرانبها.

(۲) قرضـــه بانکهائیکـــه نـــزد د افغانـستان بانـک حـساب دارنـد صـــرف بـــه دفـــاتر مرکـــزی آنهـــا در افغانـــستان اعطـــاء می‌گردد.

نرخ های تنزیل و قرضه

مادهٔ شصت و هشتم:

نـــرخ هـــای تنزیـــل و قرضـــهٔ دافغانـــستان بـــانک مطـــابق مقرراتیکـــه دافغـــانـــستان بانـــک وضع مینماید، تعیین می‌گردد.

فصل ششم

سیاست نرخ و کنترول اسعار

سیاست های کلی

مادهٔ شصت و نهم:

(۱) د افغـــانـــستان بانـــک مـسئول طـرح، اتخـاذ، تنظـیم و اجرای سیـاســـت نرخ اسعار کشور بـوده، مکلـــف است قبل از اتخـــاذ تـــصمیم در ایـــن زمیـــنه بـا وزارت مـــالیه مشوره نماید.

(۲) د دافغانستان بانک د افغانستان د استازي په توګه د اسعارو د کنترول په اړه د له هېواد د اړوندو نافذه قوانینو مطابق عمل کوي.

هغه رسېدلي رپوټونه، د حساباتو صورتونه یا اطلاعات چې لازمي وګڼل شي، د دافغانستان بانک لخوا وړاندې کېږي.

مکلفیتونه

اویایمه ماده:

د دافغانستان بانک د لاندې مکلفیتونو لرونکی دی:

۱- په هېواد کې د اسعارو د نرخ د سیاست او د اسعارو د بازار د فعالیتونو د اجراء کولو او لپاره د مقرراتو، لایحو، دستورالعملونو یا لازمو لارښوونو وضع کول.

۲- د دې قانون د اووه اویایمې مادې مطابق د صرافانو، بانکونو او نورو مالي مؤسسو د جواز ثبتول او صادرول او د هغوی د اړوندو چارو څارنه او تنظیمول.

۳- د اسعارو، صرافانو او بانکونو د وضعیت په اړه د حدودو ټاکل.

۴- د اسعارو د لیلام د مجلس د دایرولو سازمانول.

(۲) د افغانستان بانک منحیث نمایندۀ افغانستان در رابطه به کنترول اسعار در مطابقت با احکام قوانین نافذۀ مربوط، عمل می‌نماید.

گزارش های رسیده، صورت حسابات یا اطلاعاتی که لازمی پنداشته می شود، توسط د افغانستان بانك ارائه می گردد.

مکلفیت ها

مادۀ هفتادم:

د افغانستان بانك دارای مکلفیت های آتی می‌باشد:

۱- وضع مقررات، لوایح، دستورالعمل ها یا رهنمود های لازم غرض اجرای سیاست نرخ اسعار و فعالیت های بازار اسعار در کشور.

۲- ثبت و صدور جواز و نظارت و تنظیم امور مربوط به صرافان، بانکها و سایر مؤسسات مالی مطابق مادۀ هفتاد و هفتم این قانون.

۳- تعیین حدود راجع به وضعیت اسعار، صرافان و بانکها.

۴- سازمان دهی و تدویر مجالس لیلام اسعار.

۵- د افغانستان د نړیوالو زېرمو اداره کول او ساتل.

د تصفیې قراردادونه او نړیوالې ورکړې

یو اویایمه ماده:

د دافغانستان بانک کولی شي چې ځانته یا د دولت په استازیتوب، په بهر کې مېشتو دولتي او خصوصي تصفیوي مؤسسو سره، تصفیوي او د ورکړې موافقت لیکونه او نور قراردادونه عقد کړي.

اسعاری زېرمې

دوه اویایمه ماده :

(۱) د دافغانستان بانک د هېواد اسعاري زېرمې چې د لاندې شتمنیو له ټولو یا یوې برخې څخه جوړې دي، رامنځته کوي او ساتي یې:

۱- سره زر، کریمه ډبرې او نور ګران بیه فلزات.

۲- بانکنوټونه او د آزادې تبادلې وړ اسعار او سکې.

۳- د دافغانستان بانک په حسابونو کې موجود مبالغ چې د بهرنیو مرکزي بانکونو یا نورو مالي مؤسسو په دفترونو کې د آزادې راکړې وکړې وړ اسعارو په

۵- اداره و نگهداری ذخایر بین المللی افغانستان.

قرار دادهای تصفیه و پرداختهای بین المللی

مادۀ هفتاد و یکم:

د افغانستان بانك می‌تواند برای خود و یا به نمایندگی دولت با مؤسسات دولتی و خصوصی تصفیوی مقیم خارج، موافقتنامه های تصفیوی و پرداختی یا سایر قرار دادها را عقد نماید.

ذخایر اسعاری

مادۀ هفتاد و دوم:

(۱) د افغانستان بانك ذخایر اسعاری کشور را که متشکل از تمام یا قسمتی از دارایی های ذیل می‌باشد، ایجاد و نگهداری می‌نماید:

۱- طلا، احجار کریمه و سایر فلزات قیمتی.

۲- بانك نوتها و سکه های اسعار قابل تبادلۀ آزاد.

۳- مبالغ موجود در حسابات دافغانستان بانك که بصورت اسعار قابل تبادلۀ آزاد در دفاتر بانکهای مرکزی خارجی یا سایر مؤسسات مالی نگهداری

ډول ساتل کېږي.

۴- د پیسو د نړیوال صندوق څخه د اخیستلو (برداشت) د حق مجموعي مبلغ چې د دولت لخوا ساتل کېږي.

۵- براتونه، حجتونه، تعهدي نوټونه، د سپارنې سندونه، د پور سندونه او د پور نور بهاء لرونکي سندونه چې په تبادلې وړ اسعارو د ورکړې وړ وي.

۶- د مخکنۍ پېرودنې یا بیا پېرودنې قرارداد، د افغانستان بانک د اسعارو د بدلونې (معاوضې) قرارداد چې د بهرنیو مرکزي بانکونو یا نړیوالو مالي سازمانونو لخوا ترسره شوي یا ضمانت شوي وي، مستقبلی او د اختیار قراردادونه او نور قراردادونه چې د افغانستان بانک ته د تبادلې وړ بهرنیو اسعارو د لاسته راوړنې حق ورکوي.

(۲) د افغانستان بانک مکلف دی چې خپله بین المللی زېرمه تر هغه حده وساتي چې د افغانستان د پولي سیاستونو او اسعاري نرخونو د اجراء کولو او د بین المللی معاملو د په وخت غوښتنې د

می‌گردند.

۴- مجموع مبلغ حق برداشت مخصوص از صندوق بین المللی پول که بوسیلهٔ دولت نگهداری می‌شود.

۵- براءت، حجت، نوتهای تعهدی، اسناد سپرده، اسناد قرضه و سایر اسناد بهادار قرضه که به اسعار قابل تبادله، قابل پرداخت باشد.

۶- قرارداد پیش خرید یا خرید دوباره، قرار داد معاوضهٔ اسعار افغانستان بانک که توسط بانکهای مرکزی خارجی یا سازمانهای مالی بین المللی انجام یافته یا ضمانت شده، قرارداد مستقبلی و اختیار و سایر قراردادهای که به افغانستان بانک حق دریافت اسعار قابل تبادلهٔ خارجی را میدهد.

(۲) د افغانستان بانک مکلف است ذخیرهٔ بین المللی اش را به میزانی نگهدارد که برای اجرای سیاستهای پولی و نرخ اسعاری و تسویه عندالمطالبه معاملات بین

تسوئې لپاره کفایت وکړي.
(۳) په هغه صورت کې چې د دې مادې په (۲)فقره کې درج شوې نړیواله زېرمه داسې راکمه شي یا د سقوط د خطر په حال کې وي چې د پولي یا اسعاري سیاستونویا د نړیوالو معاملو د په وخت غوښتنو د تسویې لپاره کفایت ونه کړي، د دافغانستان بانک اصلاحي تدبیرونه په نظر کې نیسي او د موضوع رپوټ د وضعې د اغېزمن ښه والی لپاره د حل د لارو چارو له وړاندیز سره یو ځای د وزیرانو شوري ته وړاندې کوي.
(۴)د دافغانستان بانک مکلف دی چې د دې مادې په (۳) فقره کې د درج شوې وضعې تر لیرې کېدو پورې، اصلاحي اقداماتوته دوام ورکړي او رپوټونه او لازم وړاندیزونه وړاندې کړي.

د نړیوالو اسعاری زېرمو ترلاسه کول، ساتل او لېږدول

دري اویایمه ماده:

د دافغانستان بانک د بانکداری په قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق کولی شي چې د دې قانون د دوه اویایمې مادې په (۱) فقره المللی افغانستان کفایت نماید.
(۳) درصورتی‌که ذخیرهٔ بین المللی مندرج فقرهٔ (۲) این ماده طوری تقلیل یابد یا در حال خطر سقوط باشد که سیاست های پولی یا اسعاری یا تسویه عندالمطالبه معاملات بین المللی کشور را تکافو نه نماید، د افغانستان بانک تدابیر اصلاحی را در نظر گرفته و گزارش موضوع را همراه با پیشنهاد راه حل های مؤثر بهبود وضع به شورای وزیران ارائه می نماید.
(۴) د افغانستان بانک مکلف است الی رفع وضعیت مندرج فقرهٔ (۳) این ماده به اقدامات اصلاحی ادامه داده، گزارشات و پیشنهادات لازمه را ارایه نماید.

دریافت، نگهداری و انتقال ذخایر اسعاری بین المللی

مادهٔ هفتاد و سوم:

د افغانستان بانک مطابق احکام مندرج قانون بانکداری می‌تواند اقدامات لازم را غرض دریافت، نگهداری و

کې د درج شوي نړیوالو اسعاري زېرمو د تر لاسه کولو، ساتلو او لېږدولو لپاره لازم اقدامات تر سره کړي او د نړیوالو پېژندل شوو بڼو معیارونو مطابق هغه اداره کړي.

اسعاري بديهيو محدود والی ځلوراويايمه ماده:

د دافغانستان بانک نه شي کولای د خپلو (بديهيو) زياتوالی، چې په اسعارو د ورکړې وړوي، په هغه صورت کې چې د هغې په نتيجه کې د دغو بديهيو مجموع د هغه د لاس نه خوړونکې پانګې او اسعاري زېرمې د مجموع مبلغ په سلوکې له پنځوس څخه زيات سره معادل شي اجازه ورکړي.

د اسعارو صرافان پنځه اويايمه ماده:

(۱) د اسعارو صرافان مکلف وي چې د فعاليت جواز له دافغانستان بانک څخه واخلي.

(۲) د جواز د ورکړې، ثبتولو، ردولو او لغوه کولو ډول د مربوطو مقرراتو مطابق تنظيمېږي.

(۳) لاندې اشخاص د دې مادې د (۱) فقرې له حکم څخه مستثنی انتقال ذخایر اسعاری بین‌المللی مندرج فقرۀ (۱) مادۀ هفتاد و دوم این قانون انجام داده و مطابق بهترین معیارهای شناخته شدۀ بین المللی آنرا اداره نماید.

محدودیت بر بدیهی های اسعاری مادۀ هفتاد و چهارم:

د افغانستان بانک نمی تواند افزایش بدیهی های خود را که به اسعار قابل پرداخت می باشند، در صورتی‌که در نتیجۀ آن مجموع این بدیهی ها معادل بیش از پنجاه فیصد مجموع مبلغ سرمایۀ دست نخورده و ذخایر اسعاری اش بالغ گردد، اجازه بدهد.

صرافان اسعار مادۀ هفتاد و پنجم:

(۱) صرافان اسعار مکلف اند جواز فعالیت را از د افغانستان بانک اخذ نمایند.

(۲) طرز اعطاء، ثبت، رد و لغو جواز طبق مقررات مربوط تنظیم می گردد.

(۳) اشخاص آتی از حکم مندرج فقرۀ (۱) این ماده مستثنی

دي:
۱- د افغانستان بانک.
۲- بانکونه.
۳- ټاکلي اشخاص د هغو د طبیعت د دلیل، د راکړې ورکړې د اندازې او موقعیت یا یې د مشتریانو د ډول له مخې.
(۴) هغه معافیتونه چې د دې مادې د (۳) فقرې په (۳) جزء کې درج شوو اشخاصو ته ورکول کېږي، مشروط یا د وخت له نظره محدود یا قسمي وي او هغه خدمتونه چې د هغوی لخوا تر سره کېږي یا نه ترسره کېږي، د دافغانستان بانک لخوا فهرست کېږي.
(۵) د اسعارو صرافان مکلف دي چې د دافغانستان بانک قوانین، مقررات، قواعد او ټول (کلاً) او په خاص ډول په لاندې مواردو کې رعایت کړي:
۱- اړوندې څانګې یا اداري ته د هغو معاملو په هکله چې ارزښت ئې د دافغانستان بانک په مقرراتو کې درج له ټاکل شوي حداقل مبلغ څخه زیاتی وکړي، د معلوماتو ورکول.

می‌باشند:
۱- د افغانستان بانك.
۲- بانکها
۳- اشخاص معین بنابر دلیل طبیعت، اندازه و موقعیت داد و ستد یا نوع مشتریان شان.
(۴) معافیت های که به اشخاص مندرج جزء (۳) فقرۀ (۳) این ماده اعطاء می گردد، مشروط یا از نظر زمانی محدود یا قسمی بوده و خدماتی که توسط آنها انجام می‌گردد یا نمی‌گردد، از طرف د افغانستان بانك فهرست می‌شود.
(۵) صرافان اسعار مکلف اند قوانین، مقررات، قواعد و طرزالعمل های دافغانستان بانك را کلاً و به طور اخص در موارد آتی رعایت نمایند:
۱- ارائۀ معلومات به شعبه یا ادارۀ مربوطه در مورد معاملاتی که ارزش آن از حد اقل مبلغ تعیین شده مندرج مقررات د افغانستان بانك تجاوز نماید.

۲- د مشتریانو په هکله د معلوماتو راټولول او په مربوطو دوسیو کې د هغو ثبتول او ساتل.
۳- د دافغانستان بانک په اړوندو مقرراتو کې د اټکل شوو شرایطو مطابق د خپلو مشتریانو، اداري، راکړې ورکړې او مالي وضعیت په هکله د مطلوب معلوماتو وړاندې کول.
(۶)د دافغانستان بانک کولی شي د اسعارو د صرافانو د فعالیت جواز او ثبت په هغه صورت کې چې د دې قانون یاد دافغانستان بانک له نورو مقرراتو څخه سرغړونه وکړي یا د جرم مرتکب شي، لغوه کړي.

اووم فصل
له دولت سره د دافغانستان بانک اړیکي

بانکدار، سلاکار (مشاور) او مالي استازی
شپږاویامه ماده:
(۱) د دافغانستان بانک مکلف دی چې د دولت او د هغو دولتي ادارو او مؤسسو د بانکدار، سلاکار او مال استازي په توګه عمل وکړي

۲- جمع آوری معلومات در مورد مشتریان و ثبت و نگهداری آن در دوسیه های مربوط.
۳- ارایهٔ معلومات مطلوبه راجع به مشتریان، اداره، داد و ستد و وضعیت مالی خود، مطابق شرایط پیشبینی شده مقررات مربوط دافغانستان بانک.
(۶) د افغانستان بانک میتواند جواز فعالیت و ثبت صرافان اسعار را در صورتی که از احکام این قانون یا سایر مقررات د افغانستان بانک تخلف ورزد یا مرتکب جرم گردد، لغو نماید.

فصل هفتم
روابط د افغانستان بانک با دولت

بانکدار، مشاور و نمایندهٔ مالی
مادهٔ هفتاد و ششم:
(۱) د افغانستان بانک مکلف است بحیث بانکدار، مشاور و نمایندهٔ مالی دولت و ادارات و مؤسسات دولتی ایکه وزیر مالیه

چې د مالیې وزیر یې ټاکي، د دافغانستان بانک نه شي کولای له دولت یا دولتي ادارو او مؤسسو سره د مالي مرستې یا د هغو د ګټو د تأمین په منظور معامله ترسره کړي.

(۲) د دافغانستان بانک د خپلو هدفونو یا د واک او تخصص په ساحه کې د نورو چارو په هکله وړاندیزونه، مخکې لدې څخه چې ملي شوري ته وړاندې شي، د مالیې له وزیر سره پرې مشوره کوي.

(۳) د مالیې وزیر هر کال د دولت د راتلونکي کال د بودجې د جوړېدو په وخت کې له دافغانستان بانک سره مشوره کوي. د دافغانستان بانک مکلف دي چې د مربوطې بودجې د اقتصادي او مالي مسایلو په هکله لیکلي رپوټ د مالیې وزیر ته ورکړي.

(۴) د دافغانستان بانک د راتلونکي بودجوي کال بودجه طبع او د مالیې وزیر ته یې ورکوي او دولت ته په راتلونکي کال کې د لېږدونې وړ تخصیص په اټکلي

تعیین می نماید، عمل کند. د افغانستان بانک نمی تواند بمنظور کمك مالی یا جهت تأمین منافع دولت یا یکی از ادارات و مؤسسات دولتی افغانستان معامله را انجام دهد.

(۲) د افغانستان بانك پیشنهادات مبنی بر اهداف یا سایر امور شامل ساحۀ تخصص و صلاحیت خود را قبل از ارائۀ آن به شورای ملی با وزیر مالیه مشوره می‌نماید.

(۳) وزیر مالیه هر سال حین تهیۀ بودجۀ سال آیندۀ دولت با دافغانستان بانك مشوره می نماید. دافغانستان بانك مکلف است در بارۀ مسایل اقتصادی و مالی مربوط به بودجه، گزارش کتبی به وزیر مالیه ارائه نماید.

(۴) د افغانستان بانك بودجۀ سال بودجوی آینده را طبع و در اختیار وزیر مالیه قرار داده و تخصیص قابل انتقال به دولت را در سال آینده طور تخمینی تعیین می

توګه ټاکي.

د دولتي پور اخيستنې (استقراض) په اړه مشوره او رپوټ

اووه اویایمه ماده:

د مالیې وزیر هرکال د راتلونکي مالي کال په اوږدوکې د دولتي کورنۍ او بهرني استقراض د پلان په هکله چې په قرار داد، د وېش په برنامه او د قرار داد په نورو شرایطو کې درج مبالغ پکې شامل وي له د دافغانستان بانک سره مشوره کوي. دولت او نورې دولتي اداري او مؤسسې مکلفې دي، د خپلو استقراضي معاملو رپوټ د مربوطو مقرراتو مطابق وړاندې کړي.

د دولت امین او خزانه دار

اته اویایمه ماده:

(۱) ددافغانستان بانک کولی شې د دولت او نورو دولتي ادارو او مؤسسو دیپازیتونه د مالیې وزارت د تجویز له مخې ومني او د دولت د امین په توګه حسابونه وساتي، پیسې ترلاسه او ورکړي او نور مالي اړوند خدمتونه تر سره کړي او په مربوطوحسابونو کې د سپارل شوو مبالغو په اندازه د نماید.

مشوره و گزارش در مورد استقراض دولتی

مادۀ هفتاد و هفتم:

وزیر مالیه هر سال در باره پلان استقراض داخلی و خارجی دولتی در طول سال مالی آینده با د افغانستان بانک که شامل مبالغ مندرج در قرارداد، برنامه توزیع و سایر شرایط قرارداد می باشد، مشوره می نماید. دولت و سایر ادارات و مؤسسات دولتی مکلف اند گزارش معاملات استقراضی خود را طبق مقررات مربوط ارایه نماید.

امین و خزانه دار دولت

مادۀ هفتاد و هشتم:

(۱) د افغانستان بانک می‌تواند دیپازیت های دولت و ادارات و مؤسسات دولتی را بنابر تجویز وزارت مالیه بپذیرد و بحیث امین دولت، حسابات را نگهداری، پول را دریافت و پرداخت و سایر خدمات مالی مربوط را فراهم و به میزان مبالغ سپرده شده در

غوښتنې په وخت کې، پیسې ورکړي او موافقه وکړي چې د دې سپارل شوو مبالغو په مقابل کې تکټانه ورکړي.

(۲) د دافغانستان بانک کولای شي د هغه شرائطو مطابق چې تجویزوي ئې، نورو مالي مؤسسوته د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شویو سپارنو د لاسته راوړلو واک ورکړي.

حسابهای مربوط عندالمطالبه پول پرداخت نموده، موافقت کند که در مقابل این سپرده ها تکتانه بپردازد.

(۲) د افغانستان بانك می‌تواند به سایر مؤسسات مالی صلاحیت دریافت سپرده هایی مندرج فقرهٔ (۱) این ماده را مطابق به شرایطی که تجویز می‌نماید، اعطاء کند.

د مالي نمایندګۍ فعالیت

نهمه اویایمه ماده:

د دافغانستان بانک کولی شي د مالي استازي په توګه، د مالیې د وزیر په موافقه د دولت او نورو دولتي ادارو او مؤسسو لپاره لاندې فعالیتونه سرته ورسوي:

۱- د پورتنیو مراجعو لخوا د بهالرونکو سندونو د صادره پورونو لپاره بازار موندل او د هغوې ثبتول او لېږدول.

۲- بها لرونکو سندونو د اصلي پېسو، ټکټاني، حق العمل او نورو لګښتونو ورکول.

۳- له دافغانستان بانک سره د پورتنیو ذکر شوو مراجعو د حسابونو په هکله د ورکړې د

فعالیت نمایندگی مالی

مادهٔ هفتاد و نهم:

د افغانستان بانك می تواند بحیث نمایندهٔ مالی به موافقهٔ وزیر مالیه برای حسابات دولت و سایر ادارات و مؤسسات دولتی فعالیت های ذیل را انجام دهد:

۱- بازار یابی برای اسناد بهادار، قرضه صادره توسط مراجع مربوط، ثبت و انتقال آنها.

۲- پرداخت اصل پول، تکتانه، حق العمل و سایر مصارف اسناد بهادار.

۳- اجرای معاملات پرداختی در مورد حسابات مراجع فوق الذکر نزد د افغانستان

معاملو اجراء کول.
۴- د نورو هغو چارو اجراء کول چې د دافغانستان بانک له اصلي هدفونو او دندو سره موافق وي.

مطلوبه معلومات
اتیایمه ماده:
د دافغانستان بانک کولای شي چې د خپلو دندو د تر سره کولو لپاره له دولت څخه د دلایلو په وړاندې کولو سره هغه اطلاعات او مالي او اقتصادي سندونه غوښتنه کوي، ترلاسه کړي.

دولت ته د دافغانستان بانک پورونه
یو اتیایمه ماده:
د دافغانستان بانک نه شي کولای، دولت یا نورو دولتي ادارو یا مؤسسو ته هېڅ ډول مالي مرستې برابرې کړي. د دې قانون دوه اتیایمه ماده له دې حکم څخه مستثنی ده.

د دولت د پور د بهالرونکو سندونو پېرودل
دوه اتیایمه ماده:
د دافغانستان بانک نه شي کولای د دولت د پورنو صادر شوي بهابانك.
۴- اجرای سایر اموریکه با اهداف و وظایف اصلی د افغانستان بانك موافق باشد.

معلومات مطلوبه
مادۀ هشتادم:
د افغانستان بانك می‌تواند اطلاعات و اسناد مالی و اقتصادی را که جهت انجام وظایفش با ارایۀ دلایل از دولت تقاضا می کند، دریافت نماید.

قروض د افغانستان بانك به دولت
مادۀ هشتاد و یکم:
د افغانستان بانك نمی تواند هیچگونه مساعدت مالی را به دولت یا ادارات و مؤسسات دولتی فراهم نماید. مادۀ هشتاد و دوم این قانون ازین حکم مستثنی است.

خرید اسناد بهادار قرضه دولت
مادۀ هشتاد و دوم:
د افغانستان بانك نمی تواند اسناد بهادار قرضۀ صادر

لرونکـي سـندونه دولـت تـه، د دافغانـستان بانـک د پـور پـه توګـه وپېري.

هغـه پېرودنې چې د دافغانستان بانک له پولي سیاست سره مطابقت ولـري، یـا د دافغانـستان بانـک د پانګې اچونـو لپـاره لازم وي او هغـه هم یوازې د دوه یم لاس په بازار کې صـورت ونیـسي، لـدی حکـم څخـه مستثنی دي.

شـدۀ دولـت را بحیـث قرضـۀ د افغـانـستان بانـك بـه دولـت، خریداری نماید.

خریـداری هـای کـه بـا اهـداف سیاست پـولی د افغانستان بانـك مطابقـت داشـته یـا بـرای سـرمایه گذاری دارایـی هـای دافغانـستان بانـك لازم باشـد و آنهـم فقـط در بـازار دست دوم صورت گیـرد، از این حکم مستثنی است.

اتم فصل
له نورو بانکونو سره د دافغانستان بانک اړیکي

فصل هشتم
روابط د افغـانستان بـانك با سایر بانکها

د بانکونو د جواز صادرول، څارنه او تنظیمول

دري اتیایمه ماده:

د دافغانـستان بانـک د بـانکونو د جواز د صادرولو، څارنې او د هغـو د چارو د سمبالولو مسئول دی.

صدور جواز، نظـارت و تنظیم بانکها

مادۀ هشتاد و سوم:

د افغـانستان بانك مسئول صدور جـواز، نظـارت و تنظـیم امـور بانکها می باشد.

د بهرنیو بانکونو څارنیزو مقاماتو سره همکاري

څلوراتیایمه ماده:

(۱) د دافغانـستان بانـک د بهرنیـو بانکونو له څارنیزو مقاماتو سره د بـانکونو د څـارنې پـه اړه د اړونـدو

همکـاری بـا مقامـات نظـارتی بانکهای خارجی

مادۀ هشتاد و چهارم:

(۱) د افغـانستان بانك با مراجع نظـارتـی بانکهای خارجی بر اسـاس روابط متقابل مربوط به

متقابلو اړیکیو په اساس چې یو د بل د واک په حوزه کې عمل کوي، نېږدې همکاري کوي. دغه همکاري د دافغانستان بانک او د بهرنیو بانکي څارنیزو مراجعو تر منځ د همکاری د موافقت لیک په صورت کې تر سره کېدلی شي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوې همکاري د هر بانک په هکله د اطلاعاتو د تبادلې په ګډون چې د دواړو د واک د حوزو په حدودو کې فعالیت کوي، تر سره کېدلی شي، په دې شرط چې د پټ والي (سري توب) اصل رعایت کړي.

نظارت بانکهای که در حوزهٔ صلاحیت یکدیگر عمل می کنند، همکاری نزدیک می‌نماید. این همکاری بصورت موافقتنامه بین دافغانستان بانک و مراجع نظارتی بانکی خارجی صورت گرفته می‌تواند.

(۲) همکاری مندرج فقره (۱) این ماده شامل تبادل اطلاعات در بارهٔ هر بانکی که در حوزهٔ صلاحیت هر دو، فعالیت می کند، شده می تواند، مشروط بر اینکه اصل سری بودن را رعایت نماید.

په دفترونو کې بانکي حسابونه پنځه اتیایمه ماده:

د دافغانستان بانک کولای شي تر هغه شرایطو او حدودو لاندې چې په بانکي حسابونو پورې په اړوندو موافقت لیک کې ذکر کېږي، بانکونو، د اسعارو صرافانو د بهالرونکو سندونو د خدمتونو وړاندې کوونکو، د ورکړو د سیستم مجریانو او نورو هغو اشخاصو ته چې د قانون مطابق د دافغانستان بانک تر څارنې لاندې

حسابات بانکی در دفاتر مادهٔ هشتاد و پنجم:

د افغانستان بانک می تواند تحت شرایط و حدودیکه در موافقتنامهٔ مربوط به حساب بانکی تذکر می یابد، در دفاتر خود برای بانکها، صرافان اسعار، عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار، مجریان سیستم پرداخت و سایر اشخاصی‌که طبق قانون تحت نظارت د افغانستان بانک قرار دارند، حسابات

دي، په خپلو دفترونوکې بانکي حسابونه پرانیزي، ویې ساتي او د هغوی ورکړې ومني.

وروستنی پور ورکوونکی

شپږ اتیایمه ماده:

د دافغانستان بانک کولای شي د تاکلو شرائطو مطابق، په د افغانستان بانک کې حساب لرونکو کورنیو او بهرنیو مالي مؤسسو ته د وروستنۍ پور ورکوونکې سرچینې په توګه، هغوته د مالي مرستو د ورکړې له لارې یا د ګټو د تأمینولو لپاره په هغه موده کې چې له دریو میاشتوڅخه زیاته نه وي، د پور، معاوضې، بیاپېرودنې (بازخرید) او مشروط تعهد په ډول د دغه قانون په نهه شپېتمه ماده کې د درج شوو شتمنیو په تضمین پورورکړې، مګر دا چې د دافغانستان بانک تصمیم ونیسي چې په استثنایي حالاتو کې د نا تضمین شویو پورونو ورکړه مؤجه ده. د دافغانستان بانک لخوا د پور ورکړه یا ژمنه تر دغو شرائطو لاندې صورت مومي:

۱- پور یا ژمنه د حساب لرونکي بانکی افتتاح و نگهداری نموده و سپرده های آنها را بپذیرد.

آخرین قرضه دهنده

مادۀ هشتاد و ششم:

د افغانستان بانک می‌تواند مطابق شرایط معینه بحیث آخرین منبع قرضه دهنده برای مؤسسات مالی داخلی و خارجی دارندۀ حساب در د افغانستان بانک، از طریق اعطای کمک مالی به آنها یا در جهت تأمین منافع برای مدتی که بیشتر از سه ماه نباشد طور قرضه، معاوضه، باز خرید و تعهد مشروط قرضه را با تضمین دارایی های مندرج مادۀ شصت و نهم این قانون اعطاء کند، مگر اینکه د افغانستان بانک تصمیم بگیرد که در حالات استثنایی اعطای قروض تضمین نشده، مؤجه می‌باشد. قرضه یا تعهد توسط دافغانستان بانک تحت شرایط آتی صورت می‌گیرد:

۱- قرضه یا تعهد بمنظور رعایت

او عامه ګټو په سیالیت پورې د اړوندو حکمونو د رعایتولو په منظور وي.

۲- د مالیې وزیر د دې مادې په (۱) جزء کې له درج شوي پور یا ژمنې سره د اړوند وړاندیز له رسېدلو څخه وروسته په د (۲۴) ساعتونو کې موافقه کړې وي. د پورونو او ژمنو موده په هغه صورت کې تمدېدېدلی شي چې د حساب لرونکی د سیالیت په هکله د دافغانستان بانک شرائط رعایت کړي او د هغه د قناعت وړ وګرځي.

نهم فصل
ورکړه، تصفیه او تسویه

د ورکړې سیستمونه او د هغو مجریان

اووه اتیایمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک مکلف دی چې د ورکړې سالم او اغېزمن سیستمونه تأسیس کړي، ویې ساتي او پراختیا ورکړي.

(۲) د دافغانستان بانک د ورکړې پر سیستمونو او د هغو پر مجریانو باندې د ثبت تنظیم او نظارت کولو احکام مربوط به سیالیت دارنده حساب و منافع عامه باشد.

۲- وزیر مالیه به قرضه یا تعهد مندرج جزء (۱) این ماده ظرف (۲۴) ساعت بعد از وصول پیشنهاد مربوط، توسط د افغانستان بانک موافقه نموده باشد. میعاد قروض و تعهدات در صورتی تمدید شده میتواند که دارندۀ حساب، شرایط د افغانستان بانك در مورد سیالیت را رعایت نموده و مورد قناعت آن واقع گردد.

فصل نهم
پرداخت، تصفیه و تسویه

سیستم های پرداخت و مجریان آن

مادۀ هشتاد و هفتم:

(۱) د افغانستان بانک مکلف است سیستم های سالم و مؤثر پرداخت را تأسیس، نگهداری و توسعه دهد.

(۲) د افغانستان بانک مسئول ثبت، تنظیم و نظارت بر سیستم های پرداخت و مجریان

مسئول دی.
(۳) د دافغانستان بانک کولای شي سیستمونه او د ورکړې د سیستمونو مجریان وڅاري او د مقرراتو مطابق لاڅدې مراتب وضع کړي:
۱- د ورکړې سیستمونه او د هغو مجریان د جواز په اخیستلو یا ثبت مکلف کړي.
۲- د ورکړې سیستمونه او د هغو مجریان د احتیاطي مقرراتو په ګډون د هغو مقرراتو په رعایتولو چې د ورکړې پر سیستمونو او د هغو مجریانو باندې د دافغانستان بانک د څارنې کولو د آسانولو په منظور، چې د عامه شتمنیو د ساتلو لپاره د هغوی په امانت کې اېښودل شوې دي، مکلف کړي.
۳- د شرائطو د درلودلو د مقرراتو په ګډون د هغو شرایطو او مقرراتو رامنځ ته کول چې د هغو مطابق مالي مؤسسې او د پولي د خدمتونو وړاندې کوونکي وکولی شي چې د ورکړې په هر ډول سیستم کې ګډون وکړي.
۴- د ورکړې سیستمونه او د هغو مجریان د هغو نورو مقرراتو د آن میباشد.
(۳) د افغانستان بانک می‌تواند سیستم ها و مجریان سیستم های پرداخت را نظارت نموده و طبق مقررات مراتب آتی را وضع نماید:
۱- سیستم های پرداخت و مجریان آنرا مکلف به اخذ جواز یا ثبت نماید.
۲- سیستم های پرداخت و مجریان آنرا به رعایت مقررات احتیاطی بشمول مقرراتی که بمنظور تسهیل نظارت د افغانستان بانک از سیستم های پرداخت و مجریان آن جهت نگهداری دارائی های عامه که در امانت آنها قرار داده شده، مکلف نماید.
۳- ایجاد شرایط و مقررات، بشمول مقررات واجد شرایط بودن که مطابق آن مؤسسات مالی و عرضه کنندگان خدمات پولی بتواند در هر گونه سیستم پرداخت اشتراک ورزند.
۴- سیستم های پرداخت و مجریان آنرا به رعایت از سایر

حکمونو په رعایتولو چې د دې فصل په موجب وضع کېږي، مکلف کړي.

(۴) د دې مادې په اساس وضع شوي شرایط او مقررات د هغو په شمول چې د جواز د صادرېدو او ثبت په هکله صراحت لري، کېدی شي د ورکړې د سیستم یا د هغو د مجریانو د یو صنف یا ډول څخه د هغه د بل صنف یا ډول سره متفاوت وي.

(۵) د دافغانستان بانک کولای شي برسېره پر لاندینیو مواردو هغه څه چې د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو دندو د تر سره کولو لپاره اړین وبولي ترسره يې کړي:

۱- د ورکړې د سیستم سمبالول، پراخول، ګډون او اجراء کول.

۲- په اړوندو مقرراتو یا موافقت لیکونو کې د درج شوو شرایطو او ضوابطو په اساس په خپلو دفترونو کې د مالي مؤسسو او د ورکړې د سیستمونو د مجریانو د تسویه ئي حسابونو ساتل.

۳- د اړوندو مقرراتو مطابق د کافي رهن په بدل کې حساب لرونکو ته د اضافه اخیستنې

احکام مقرراتیکه بموجب این فصل وضع می‌گردد، مکلف نماید.

(۴) شرایط و مقررات وضع شده به تأسی ازین ماده، بشمول آنهائیکه در مورد صدور جواز و ثبت صراحت دارند، می تواند از یك صنف یا نوع سیستم پرداخت یا مجریان آنها تا صنف یا نوع دیگر آن متفاوت باشد.

(۵) د افغانستان بانك می‌تواند علاووه بر موارد آتی آنچه را که برای انجام وظایف مندرج فقرۀ (۱) این ماده ضروری می‌پندارد، انجام دهد:

۱- سازمان دهی، توسعه، اشتراك و اجراء سیستم پرداخت.

۲- حفظ و نگهداری حسابهای تسویه ئی برای مؤسسات مالی و مجریان سیستم پرداخت در دفاتر خود بر اساس شرایط و ضوابط مندرج مقررات یا موافقتنامه های مربوط.

۳- ایجاد تسهیلات جهت اعطای اضافه برداشت ها به حسابداران در بدل رهن کافی

(اضافه برداشت) د ورکولو لپاره د آسانتیاوو برابرول.

۴- د هېواد مالي سیستم ته د معلوماتي شبکو جوړول او اجراء کول یا په هغه کې ګډون کول.

(۶) د دافغانستان بانک کولی شي په لاندې مواردوکې لازمې آسانتیاوې برابرې کړي:

۱- د دافغانستان بانک د ورکړې له سیستمونو سره د نورو ورکړو د سیستمونو د متقابلوړیکیو تأمینول.

۲- په داخلي راېجو پیسو یا اسعارو باندې د ورکړو د اجراء کولو لپاره د پر مختللي نوې تکنالوژۍ جوړول او ورته پراختیا ورکول.

۳- د هېواد د سراسري ورکړې د سیستم د تدریجي ودې په اړه په منظم ډول د دوامدارو پلانونو طرح کول او تطبیقول.

مطابق مقررات مربوط.

۴- ایجاد و اجرای شبکه های معلوماتی برای سیستم مالی کشور یا اشتراك در آن.

(۶) د افغانستان بانك می تواند در موارد آتی تسهیلات لازم را فراهم نماید:

۱- تأمین ارتباطات متقابل میان سیستم های پرداخت د افغانستان بانك با سایر سیستم های پرداخت.

۲- ایجاد و انکشاف روش های جدید تکنالوژی پیشرفته جهت اجرای پرداخت ها به پول رایج داخلی و اسعار.

۳- طرح و تطبیق منظم پلان های دوامدار در رابطه با رشد تدریجی سیستم پرداخت سراسری کشور.

د ورکړې د سیستم سیاست

اته اتیایمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د هېواد د خلکو د ګټو د تأمینولو په منظور په ډېرو ښو نړیوالو معیارونو سره د مالي سیستم د ثبات د تأمینولو

سیاست سیستم پرداخت

مادۀ هشتاد و هشتم:

(۱) د افغانستان بانك به منظور تأمین منافع مردم افغانستان با بهترین معیارهای بین المللی جهت تأمین ثبات

لپاره د ورکړې د سیستم سیاست طرح کوي، نیسی او اعلامو یې او د هغه له تطبیق څخه څارنه کوي، چې د هغه لومړنی هدف د ورکړې د سیستم د خوندیتوب او اغیزمنتوب ټینګښت او د ورکړې په سیستم کې د احتمالي خطرونو او زیانونو مخنیوی او کنترولول دي. همداراز دعامه ګټو نور ارخونه، په خاص ډول په بازار کې د ورکړې د خدمتونو د سیستم لپاره د رقابت پراخول او د ورکړې د سیستم د ګټې اخیستونکو ساتنه هم تقویه کوي او تأمینوي ئې.

(۲) د دافغانستان بانک مکلف دی د ورکړې د سیستم د خوندیتوب او اغیزمنتوب د ودې او تقویې په منظور د ورکړې د سیستم له مجریانو، مرکزي بانکونو او نورو مربوطو کورنیو او بهرنیو مقاماتو سره همکاري وکړي.

سیستم مالی سیاست سیستم پرداخت را طرح، اتخاذ، اعلام و از تطبیق آن نظارت می‌نماید که نخستین هدف آن، تحکیم مصئونیت و مؤثریت سیستم پرداخت و جلوگیری و کنترول از خطرات احتمالی و خساره در سیستم پرداخت می‌باشد همچنان سایر جهات منافع عامه خاصتاً توسعهٔ رقابت برای سیستم خدمات پرداخت در بازار و تحفظ استفاده کنندگان از سیستم پرداخت را نیز تقویت و تأمین می‌نماید.

(۲) د افغانستان بانک مکلف است به منظور رشد و تقویه مصؤنیت و مؤثریت سیستم پرداخت، با مجریان سیستم پرداخت، بانکهای مرکزی و سایر مقامات ذیربط داخلی و خارجی همکاری نماید.

د سیستم داخلي خطرونه او په تسویه کې ډاډ

خطرات داخلی سیستم و اطمینان در تسویه

نهه اتیایمه ماده:

د دافغانستان بانک کولې شي د داخلي خطرونو د مخنیوي او کنترول او د ورکړې په سیستم کې

مادهٔ هشتاد و نهم:

د افغانستان بانك می‌تواند جهت جلوگیری و کنترول از خطرات داخلی و نیل به تسویهٔ قابل

د ډاډ وړ تسوئې ته د رسېدلو لپاره، د لاندې ټکو لاندنکي مقررات او خاص دستورالعملونه وضع کړي:

۱- په دوه اړخیزو او څو اړخیزو قراردادونو کې د اړخونو ترمنځ او ټولو ثالثو اړخونو پرعلیه د تعهداتو او موافقت لیکونو د اعتبار، د تطبیق قابلیت او قطعیت تأمینول، د مالي مؤسسو او هر هغه نهائي او خالص شوي مبلغ ترمنځ چې د پورته ذکر شوو مقرراتو او موافقت لیکونو سره په مطابقت کې ټاکل کېږي، پر مالي مؤسسو حاکم د تسوئې د قواعدو تخلیصول.

۲- د څو اړخیزې تصفیې څخه د تأدیاتي مکلفیتونو د نه رعایتولو له امله د راپیدا شوو خطرونو کمول او د هغه مخنیوی کول.

۳- پر اړخونو باندې یا د ثالثو اړخونو پر علیه له بانکونو پرته د نورو اشخاصو د ټولو انتقالي فرمایشونو د قطعیت او وروستني والي په اړه د بانکداری د قانون د اووه اویایمې مادې د حکم او له بانکونو پرته د اشخاصو ترمنځ د

اطمینان در سیستم پرداخت، مقررات و دستورالعمل های خاص را که حاوی نکات آتی می‌باشند، وضع نماید:

۱- اعتبار، قابلیت تطبیق، قطعیت تعهدات و موافقت نامه ها میان طرف ها و علیه تمام طرف های ثالث در قرارداد های دو جانبه و چندین جانبه تخلیص قواعد تسویۀ حاکم بر معاملات مالی میان مؤسسات مالی و هر مبلغ نهائی و خالص شده ایکه در مطابقت با مقررات و موافقت نامه های فوق الذکر تعیین می گردد.

۲- تقلیل و جلوگیری از خطرات ناشی از عدم رعایت مکلفیت های تأدیاتی حاصله از تصفیۀ چند جانبه.

۳- قابلیت تطبیق احکام مادۀ هفتاد و هفتم قانون بانکداری بالای طرف ها و علیه طرف های ثالث در مورد قطعیت و نهائی بودن تسویۀ تمام فرمایشات انتقالی اشخاص به استثنای بانکها و حکم مادۀ هشتاد و دوم

مالي قراردادونو په اړه د تخليص او متعادل والي په هکله د بانکداري د قانون د دوه اتيايمې مادې د حکم تطبيقول او په دې هکله د نورو قوانينو څخه پيروي نه کول.

۴- د دې مادې په (۱، ۲او ۳) اجزاو کې له درج شوو حکمونو څخه د سرغړونې په صورت کې د جريمو او تعزيراتو وضع کول.

پولي خدمتونه

نوي يمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د پولي خدمتونو د وړاندې کوونکو د ثبتولو، د جواز د صادرولو، تنظيمولو او پر هغوی باندې د نظارت کولو مسئول دی.

(۲) د دافغانستان بانک واک لري چې د پولې خدمتونو وړاندې کوونکي نظارت کړي او پر هغوې باندې لاندې مکلفيتونه وضع کړي:

۱- د فعاليت د جواز اخيستل او د هغه ثبتول.

۲- د دې فصل د حکمونو مطابق، د مربوطو مقرراتو په رعايتولو باندې مکلفول.

قانون بانکداری در مورد تخلیص و متعادل کردن راجع به قرارداد های مالی میان اشخاص به استثنای بانکها و عدم پیروی از سایر قوانین در زمینه.

۴- اعمال جریمه ها و تعزیرات در صورت تخلف از احکام مندرج اجزاء (۱، ۲و۳) این ماده.

خدمات پولی

مادۀ نودم:

(۱) د افغانستان بانک مسئول ثبت، صدور جواز، تنظیم و نظارت بر عرضه کنندگان خدمات پولی می‌باشد.

(۲) د افغانستان بانک صلاحیت دارد عرضه کنندگان خدمات پولی را نظارت نموده و مکلفیت های آتی را بر آنها وضع نماید:

۱- اخذ جواز فعالیت و ثبت آن.

۲- مکلف ساختن به رعایت مقررات مربوط، مطابق احکام این فصل.

۳- د هغـو شرایطواو مقرراتو لرل چې پـر بـنـسټ ئـې پـولي خدمتونـه تـر سـره شـي، د دافغانستان بانک تـه د نظارت په چارو کې لاړمې آسانتیاوې برابرې کـړي او د عامـه شـتمنیو د ساتلو لپـاره چې په امانـت کې ئـې دي، مرسته وکړي.

۴- مـسئولې شعبې یـا اداړې تـه د هغو معـاملو د رپوټ وړاندې کـول چې ارزښـت یـې د ټاکـل شـوي حـد اقل مبلغ تجاوز وکړي.

(۳) د دې مادې پر بنسټ شرایط او مقررات د جواز د صادرېدو او ثبت د شرایطو په ګډون کېدلی شي چې د پولي خدمتونو یو صنف یا ډول لـه بـل صنف یـا ډول سره متفـاوت وي.

(۴) د دافغانستان بانک کولاې شي هغه خدمتونه او آسانتیا وې چې د پولي خدمتونو د وړاندې کوونکو په ګډون د مـالي مؤسسو لخـوا د مـشتریانو لپـاره د ورکـړو د فرمایـشاتو د لېږلـو، د پرووونـو د بـشپړولو او ترلاسـه کولـو لپـاره د هېواد په رائجو پېسو یـا اسعارو بانـدې وړانـدې کېږي، تنظـیم او

۳- داشـتن شـرایط و مقرراتـی کـه بـه اسـاس آن خـدمات پـولی انجـام پذیرفتـه، تـسهیلات لازم را در امر نظـارت د افغانـستان بانـك فـراهم نمـوده و جهـت حفـظ و نگهـداری دارائـی هـای عامـه کـه در امانـت آنهـا مـی‌باشـد، مـساعدت نماید.

۴- ارائـۀ راپـور معاملاتی کـه ارزش آن از حـد اقـل مبلغ تعیین شده تجـاوز نماید، بـه شعبه یـا اداره مسئول.

(۳) شرایط و مقررات بـه تأسی از ایـن مـاده بـشمول شـرایط صـدور جواز و ثبت آن از یك صنف یا نـوع خـدمات پـولی مـی‌توانـد بـا صـنف یـا نـوع دیگـر آن متفـاوت باشد.

(۴) د افغانـستان بانـك مـی‌توانـد خـدمات و سـهولت هـای را کـه بـوسـیله مـؤسـسات مـالی بشمول عرضه کنندگان خـدمات پـولی جـهت ارسـال، طـی مـراحل و دریافت فـرمایـشات پرداخت برای مشتریان شان به پول رایج کـشور یـا اسعار عرضـه مـی شـود، تنظـیم و نظـارت

نظارت کړي.
(۵) د دافغانستان بانک کولای شي، د دې مادې په (۴) فقره کې د درج شوو خدمتونو او آسانتیاو د رامنځ ته کولو، اجراء کولو او سمبالولو په کارکې له مالي مؤسسو سره مرسته وکړي.

متفرقه

یونوي یمه ماده:
(۱) د دې قانون په اووه اتیایمه اونوي یمه ماده کې درج د جواز غوښتنلیک ورکول، ثبتول، ردول او لغوه کول د مربوط طرزالعمل مطابق صورت مومي.
(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي جواز ورکول او ثبتول د لاندې مراحلو لرونکی دی:
۱- د عامه ثبت په دفتر کې د معلوماتو درجول.
۲- د دافغانستان بانک له خوا د جواز یا د ثبت د تصدیق لیک صادرول.
۳- د دې فقرې د (۱او۲) اجزاو په درج شوو مراحلو کې سیستم او د خدمت ډول او هغه اشخاص چې جواز او تصدیق لیک ورته صادرېږی، مشخص کېږي.

کند.
(۵) د افغانستان بانک می‌تواند مؤسسات مالی را در امر ایجاد اجراء و سازمان دهی خدمات و سهولت های مندرج فقرۀ (۴) این ماده کمك نماید.

متفرقه

مادۀ نود و یکم:
(۱) طرز ارائۀ درخواست، اعطاء، ثبت، رد و لغو جواز مندرج مواد هشتاد و هفتم و نودم این قانون مطابق طرزالعمل مربوط صورت می‌گیرد.
(۲) اعطاء و ثبت جواز مندرج فقرۀ یك این ماده حاوی مراحل آتی می‌باشد:
۱- درج معلومات در دفتر ثبت عامه.
۲- صدور جواز یا تصدیقنامۀ ثبت توسط د افغانستان بانك.
۳- در مراحل مندرج اجزای (۱و۲) این فقره، سیستم و نوع خدمت و اشخاصی‌که برای آنها جواز و تصدیقنامه صادر می‌گردد، مشخص می‌شود.

(۳) لاندې اشخاص د دې قانون په اووه اتیایمه او نوي یمه ماده کې د جواز د اخیستلو او ثبتولو د شرایطو څخه معاف دي:
۱- د دافغانستان بانک.
۲- بانکونه.
۳- د راکړې ورکړې د طبیعت، اندازې او موقعیت یا د هغو د مشتریانو د ډول په دلیل نور اشخاص. دغه معافیت کېدلی شي چې مشروط او د وخت له نظره محدود یا قسمي وي. هغه خدمتونه چې د داسې اشخاصو لخوا برابرېږي یانه برابرېږي، د دافغانستان بانک لخوا فهرست کېږي.
(۴) د ورکړې د سیستمونو مجریان او د پولي خدمتونو وړاندې کوونکي د دافغانستان بانک د قوانینو او مقرراتو د حکمونو په رعایتولو سره په خاص ډول په لاندې مواردو کې مکلف دي:
۱- د مربوطو اټکل شوو شرایطو مطابق د خپلو مشتریانو په هکله په دفترونو او دوسیو کې د معلوماتو راټولول، ثبتول او ساتل.
۲- د دافغانستان بانک په مقرراتو

(۳) اشخاص آتی الذکر از شرایط اخذ جواز و ثبت مندرج مواد هشتاد و هفتم و نودم این قانون معاف می‌باشند:
۱- د افغانستان بانك.
۲- بانکها.
۳- سایر اشخاص بدلیل طبیعت، اندازه و موقعیت داد و ستد یا نوع مشتریان شان. این معافیت می تواند مشروط و از نظر زمانی محدود یا قسمی باشد. خدماتی که بوسیله چنین اشخاص تهیه می‌شود یا نمی‌شود، توسط د افغانستان بانك فهرست می گردد.
(۴) مجریان سیستم پرداخت و عرضه کنندگان خدمات پولی مکلف به رعایت احکام قوانین و مقررات دافغانستان بانك به طور اخص در موارد آتی می‌باشند:
۱- جمع آوری، ثبت و نگهداری معلومات راجع به مشتریان خود در دفاتر و دوسیه ها مطابق شرایط پیشبینی شده مربوط.
۲- ارائۀ معلومات مطلوبه راجع

کې د اټکل شوو شرایطو مطابق د خپلو مشتریانو او اداري د راکړې ورکړې او مالي وضعیت په هکله د مطلوبه معلوماتو وړاندې کول.

(۵) په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک یې تشخیص کړي چې د ورکړې د سیستم مجریان یا د پولي خدمتونو وړاندې کوونکي، د دې قانون یا نورو مقرراتو حکمونه نقض کړي وي یا د خپلو دیونو په ورکړې قادر نه وي یا د جرم مرتکب شوی وي یا د جرمي فعالیتونو د تر سره کولو د اشتباه په تقوئې باندې مدرکونه وجود ولري، د هغوی جواز او ثبت لغو کېږي.

لسم فصل
د بهالرونکو سندونو خدمتونه او د هغو د لېږدولو سیستم

د بها لرونکو سندونو د خدمتونو ثبتېدل

دوه نوي یمه ماده:

(۱) هغه شخص چې په مستقیم یا غیرمستقیم ډول په افغانستان کې د بهالرونکو سندونو د لاندې راکړې ورکړې او خدمتونو په

به مشتریان، اداره، داد و ستد و وضعیت مالی خود مطابق شرایط پیشبینی شدۀ مقررات مربوط دافغانستان بانك.

(۵) در صورتی‌که د افغانستان بانك تشخیص نماید که مجریان سیستم پرداخت یا عرضه کنندگان خدمات پولی یکی از احکام این قانون یا سایر مقررات را نقض کرده یا قادر به پرداخت دیون خویش نبوده یا مرتکب جرم گردیده و یا مدارکی در رابطه به تقویۀ اشتباه مبنی بر انجام فعالیت های جرمی وجود داشته باشد، جواز و ثبت آنها لغو می گردد.

فصل دهم
خدمات اسناد بهادار و سیستم انتقال آن

ثبت خدمات اسناد بهادار

مادۀ نود و دوم:

(۱) شخصی‌که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در داد و ستد و عرضۀ خدمات آتی اسناد بهادار در افغانستان

وړاندې کولو کې ګډون وکړي، د غیر قانونی عمل مرتکب ګرځي:

۱- د بهـا لرونکـو سـندونو د پېرودنې، پلورنې، تبادلې، اداري، ساتنې او حمل او نقل خدمتونه.

۲- د بهالرونکو سندونو یا نورو مالي سندونو د تخریب لپاره د خدمتونو برابرول.

۳- د مـالي بـازار د اداري او عملیاتو لپاره د خدمتونو برابرول.

۴- د بهـالرونکو سـندونو پـه صندوق کې د پانګې اچونې لپاره د خدمتونو برابرول چې د عامه پیسو څخه لاس ته راغلي وي.

۵- نـور هغـه خدمتونـه چـې د وزیرانوشوری لخوا د بهالرونکو سندونو د خدمتونو په توګه پېژندل شوي وي.

(۲) هغه شخص چې د بهالرونکو سـندونو د خـدمتونو د وړانـدې کـوونکي پـه توګـه پـه دافغانستان بانک کې ثبتېږي، یا د دې قانون د دري نوي یمې مادې د حکم مطابق لـه ثبتـو لوڅخـه معـافیږي، لـه دې حکم څخه مستثنی دی.

سهم بگـیرد، مرتکب عمل غیر قانونی می گردد:

۱- خـدمات خریـد، فـروش، تبادله، اداره، حفاظت و نگهداری و حمل و نقل اسناد بهادار.

۲- تهـیهٔ خـدمات جـهت تخـریب اسنـاد بهـادار یا سایر اسناد مالی.

۳- تهیـهٔ خـدمات بـرای اداره و عملیات بازار مالی.

۴- تهیـهٔ خـدمات بـرای سـرمایه گـذاری در صـندوق اسـناد بهـادار کـه از پـول عـامه حصول شده باشد.

۵- سـایر خـدماتی کـه توسـط شـورای وزیـران بحـیث خـدمات اسناد بهادار شناخته شده باشد.

(۲) شخـصی کـه بحیث عرضـه کننـدهٔ خـدمات اسناد بهادار در دافغـانستان بانـک ثبت می شـود یا مطـابق حکم مادهٔ نود و سـوم ایـن قـانون از ثبـت معاف می گـردد، از ایـن حکم مسـتثنی می‌باشد.

د ثبت له مقرراتو څخه معافیت دري نوي یمه ماده:

(۱) لاندې اشخاص د دې قانون د دوه نوي یمې مادې د حکم د په نظر کې نیولو سره د ثبت له مقرراتو څخه مستثنی دي:

۱- د دافغانستان بانک.

۲- بانکونه.

۳- د راکړې ورکړې د طبیعت، اندازې او موقعیت یا د هغو د مشتریانو د ډول په دلیلونو نور اشخاص.

(۲) د دې مادې د (۱) فقري په (۳) جزء کې درج شوي اشخاص په هغه صورت کې له معافیدو څخه ګټه اخیستلی شي چې د دافغانستان بانک د دې قانون د نهه نوي یمې مادې له تطبیقیدو څخه ډاډ ترلاسه کړي.

د دغه معافیدل کیدلی شي چې مشروط یا د وخت له نظره محدود یا قسمي وي.

(۳) د بهالرونکو سندونو هغه خدمتونه چې د دې مادې د (۱) فقري په (۳) جزء کې د درج شوو اشخاصو لخوا برابرېږي یا نه برابرېږي، د دافغانستان بانک لخوا

معافیت از مقررات ثبت مادهٔ نود و سوم:

(۱) اشخاص آتی با نظر داشت احکام مادهٔ نود و دوم این قانون از مقررات ثبت معاف می‌باشند:

۱- د افغانستان بانك.

۲- بانکها.

۳- سایر اشخاص بدلایل طبیعت، اندازه و موقعیت داد و ستد یا نوع مشتریان شان.

(۲) اشخاص مندرج جزء (۳) فقرهٔ (۱) این ماده در صورتی از معافیت مستفید می گردند که د افغانستان بانك از تطبیق احکام مندرج مادهٔ نود و نهم این قانون اطمینان حاصل نماید.

این معافیت می‌تواند مشروط یا از نظر زمانی محدود یا قسمی باشد.

(۳) خدمات اسناد بهادار که توسط اشخاص مندرج جزء (۳) فقرهٔ (۱) این ماده تهیه می‌شود یا نمی‌شود، توسط د افغانستان بانك فهرست

فهرست کېږي.

تنظـيم، نظـارت او احتيـاطي معيارونه

څلور نوي يمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د دې قانون په نهه نوي يمه ماده کې د درج شوو هدفونو د په نظر کې نيولو سره د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو د تنظيمولو او نظارت مسئول دی.

(۲) د دافغانستان بانک کولای شي چې د بهالرونکو سندونو د خدمتونو وړاندې کوونکي نظارت کړي او لاندې شرايط پر هغوی باندې وضع کړي:

۱- د احتياطي مقرراتو رعايتول چې د هغه مطابق د بهالرونکو سندونو خدمتونه تر سره کېږي، د هغو مقرراتو په ګډون چې د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو او د هغو له مجريانو څخه د دافغانستان بانک د نظارت د آسانولو لپاره د عامه شتمنيو د ساتنې چې د دې وړاندې کوونکو په امانت کې دي.

۲- د دولت مربوطې اداري ته د هغو معاملاتو د رپوټ وړاندې کول

می گردد.

تنظـيم، نظـارت و معيارهـای احتياطی

مادۀ نود و چهارم:

(۱) د افغانستان بانک با در نظر داشت اهداف مندرج مادۀ نود و نهم این قانون مسئول تنظیم و نظارت عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار می‌باشد.

(۲) د افغانستان بانک می‌تواند عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار را نظارت نموده و شرایط آتی را بالای آنها وضع نماید:

۱- رعایت مقررات احتیاطی که مطابق آن خدمات اسناد بهادار انجام می پذیرد، بشمول مقرراتیکه برای تسهیل نظارت د افغانستان بانک از عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار و مجریان آن جهت حفظ و نگهداری از دارائی های عامه که در امانت این عرضه کنندگان می‌باشد.

۲- ارائۀ راپور معاملاتی را که ارزش آن از حد اقل مبلغ

چې ارزښت ئې د ټاکل شوي حد اقل مبلغ څخه تجاوز وکړي.

(۳) هغه مبالغ او بهالرونکي سندونه چې د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو پوروالي (مقروضیت) خپلو مشتریانو ته تشکیلوي، له هغو شتمنیواو بهالرونکو سندونو څخه چې د نورو مشتریانو په حسابونو کې کربدت کېږي او په جلا ډول ساتل کیږي، د نورو مشتریانو په پورونو(بدیهیو) یا په خپله د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو په بدیهیوکې د وجوهو یا بهالرونکو سندونو په ورکړه کې ورڅخه اخیستل کېدای ګټه نه شي.

بانکونه له دی حکم څخه مستثنی دي.

په عامه وړاندې کونه (عرضه) او د بها لرونکو سندونو په پلورنه کې محدودیت

پنځه نوي یمه ماده:

(۱) هېڅ شخص نه شي کولای په مستقیم یا غیرمستقیم ډول د هغو بهالرونکو سندونو د پلورنې یا پېرودنې یا د هغه د خدمتونو د تعیین شده تجاوز نماید، به ادارۀ مربوطۀ دولت.

(۳) مبالغ و اسناد بهاداریکه مقروضیت عرضه کنندۀ خدمات اسناد بهادار به مشتریان شان را تشکیل می‌دهد، از دارائی ها و اسناد بهادار که در حسابات سایر مشتریان کریدت می شود و طور مجزا نگهداری می‌گردد، از وجوه یا اسناد بهادار در تادیه بدیهی های سایر مشتریان یا بدیهی های خود آن عرضه کنندۀ خدمات اسناد بهادار، استفاده به عمل آمده نمی تواند.

بانکها از این حکم مستثنی می‌باشند.

محدودیت در عرضۀ عام و فروش اسناد بهادار

مادۀ نود و پنجم:

(۱) هیچ شخص نمی تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه به خریداری و فروش اسناد بهادار

وړاندې کولو په اړه فعالیت وکړي کوم چې د دافغانستان بانک د ثبت په عام دفتر کې نه دي ثبت شوي. استثنائی حالات او شرایط له مربوطو مقرراتو سره سم تنظیمېږي.

(۲) د دافغانستان بانک کولای شي د دې مادې په (۱) فقره کې درج د ثبت د ساتلو لپاره شرایط د هغو شرایطو په ګډون چې د بهالرونکو سندونو او د هغه د صادروونکو په هکله ټولو (عمومو) ته د معلوماتو د وړاندې کولو په هکله وي، وضع کړي.

(۳) د دافغانستان بانک کولای شي د بهالرونکي سند ثبت د منظور شوي بهالرونکي سند په توګه تر دې شرایطو لاندې لغوکړي:

۱- په هغه صورت کې چې د بهالرونکي سند صادرونکی، د مستقل شخصیت په توګه خپل موجودیت له لاسه ورکړي یا د محکمې له خوا د دیونو له ورکړې څخه عاجز یا ورشکسته اعلان شوی وي.

۲- په هغه صورت کې چې د بهالرونکي سند بازاري ارزښت له

یا در عرضهٔ خدمات آن که در دفتر ثبت عام در دافغانستان بانک ثبت نشده باشد، فعالیت نماید. حالات و شرایط استثنایی طبق مقررات مربوط تنظیم می‌گردد.

(۲) د افغانستان بانک می‌تواند شرایطی را جهت حفظ و نگهداری ثبت مندرج فقرهٔ (۱) این ماده بشمول شرایط مربوط به ارایه معلومات به عموم راجع به اسناد بهادار و صادر کنندگان آن وضع نماید.

(۳) د افغانستان بانک می‌تواند ثبت سند بهادار را بحیث سند بهادار منظور شده، تحت شرایط آتی لغو نماید:

۱- در صورتی‌که صادر کنندهٔ سند بهادار بحیث شخصیت مستقل موجودیت خود را از دست داده یا از طرف محکمه از پرداخت دیون عاجز و ورشکسته اعلان شده باشد.

۲- در صورتی‌که ارزش بازاری سند بهادار کمتر از بیست

شلو افغانیو څخه کم وي.
(۴) د هغه بهالرونکي سند راکړه ورکړه چې ثبت شوي نه وي، باطل ګڼل کېږي. په هغه صورت کې چې راکړه ورکړه تسویه شوې وي، پېرودونکی کولای شي بهالرونکی سند د ورکړل شوي قیمت په بدل کې د سند پلورونکي ته پرته له دې چې، حق العمل، فیس یا د هغه نور لګښتونه تر لاسه کړي، مسترد کړي.

د بهالرونکو سندونو د لېږدولو سیستمونه

شپږنوي یمه ماده:
(۱) د دافغانستان بانک مکلف دی چې د بهالرونکو سندونو سالم او اغېزمن سیستمونه رامنځ ته کړي، ویې ساتي او هغه ته پراختیا ورکړي.
(۲) هغه اشخاصو چې د فعالیت جواز ئې له د افغانستان بانک څخه تر لاسه کړی وي، نه شي کولای د بهالرونکو سندونو په لېږدونه کې تشبث وکړي.
(۳) د دافغانستان بانک د بهالرونکو سندونو د لېږدونې او د هغه مجریانو د د جواز د افغانی باشد.
(۴) داد و ستد سند بهاداریکه ثبت نشده باشد، باطل پنداشته می‌شود. در صورتی‌که داد و ستد تسویه شده باشد، خریدار می تواند سند بهادار را در بدل قیمت پرداخت شده به فروشندۀ سند بدون آنکه حق العمل، فیس و یا مصارف دیگران را دریافت کند، مسترد نماید.

سیستم های انتقال اسناد بهادار

مادۀ نود و ششم:
(۱) د افغانستان بانک مکلف است سیستم های سالم و مؤثر اسناد بهادار را ایجاد، نگهداری و توسعه دهد.
(۲) اشخاصی‌که جواز فعالیت را از د افغانستان بانک دریافت نموده اند نمی‌تواند، در انتقال اسناد بهادار تشبث نمایند.
(۳) د افغانستان بانک مسئول صدور جواز، تنظیم و نظارت از سیستم های انتقال اسناد

صادرولو، تنظیمولو او نظارت مسئول دی.

(۴) د دافغانستان بانک کولای شي چې لاندې شرایط د بهالرونکو سندونو د لېږدولو په سیستمونو او د هغه پر مجریانو باندی وضع کړي:

۱- د احتیاطی مقرراتو رعایتول چې د هغه مطابق د بهالرونکو سندونو خدمتونه تر سره کېږی، د هغو مقرراتو په ګډون چې د دافغانستان بانک د نظارت د آسانولو لپاره د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو او د هغه د مجریانو او د عامه شتمنیو د ساتنی لپاره چې د دې وړاندې کوونکو په امانت کې ایښودل شوي دي.

۲- د اشخاصو د بهالرونکو سندونو د لېږدولو د ټولو فرمایشاتو د تسوئې د قطعیت او وروستني والی په هکله د دې قانون د اووه اویایمې مادې د حکم د تطبیقولو لپاره د زمینې برابرول (د اړخونو ترمنځ او د ټولو ثالثو اړخونو پر علیه). بانکونه لدې حکم څخه مستثنی دي.

بهادار و مجریان آن می باشد.

(۴) د افغانستان بانک می‌تواند شرایط آتی را بالای سیستم های انتقال اسناد بهادار و مجریان آن وضع نماید:

۱- رعایت مقررات احتیاطی بشمول مقرراتی که به منظور فراهم آوری تسهیلات در امر نظارت دافغانستان بانک از سیستم های انتقال اسناد بهادار و مجریان آنها و حفظ و نگهداری دارائی های عامه که در امانت آنها قرار داده شده است.

۲- فراهم نمودن زمینه برای تطبیق حکم مادۀ هفتاد و هفتم قانون بانکداری (میان طرف ها و علیه تمام طرف های ثالث) در مورد قطعیت و نهائی بودن تسویۀ تمام فرمایشات انتقال اسناد بهادار اشخاص. بانکها از این حکم مستثنی می‌باشند.

۳- د بهالرونکو سندونو د لېږدونې په سیستم کې د ګډون لپاره د شرایطو لرل.

(۵) د دې مادې په (۴) فقره کې درج شوي شرایط او مقررات د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم یا د بها لرونکو سندونو د عاملینو یوه طبقه یا ډول د هغه د بلې طبقې یا ډول سره متفاوت کېدلی شي.

(۶) د دافغانستان بانک کولای شي د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو دندو د نېه تر سره کولو لپاره لاندې اجراآت او نور موارد چې ضروري وګڼل شي، تر سره کړي:

۱- د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم سازمانول، لوړول او اجراء کول او په هغه کې ګډون کول.

۲- په خپلو دفترونو کې د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم د مجریانو او د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو د تسویه ئې حسابونو ساتل د هغه موافقتنامې د مقرراتو د شرایطو او ضوابطو مطابق چې د حساب لرونکو سره لاسلیک کېږي.

۳- داشتن شرایط جهت اشتراك در سیستم انتقال اسناد بهادار.

(۵) شرایط و مقررات مندرج فقرهٔ (۴) این ماده از یك طبقه یا نوع سیستم انتقال اسناد بهادار یا عاملین اسناد بهادار با طبقه یا نوع دیگر آن متفاوت بوده می‌تواند.

(۶) د افغانستان بانك می‌تواند جهت انجام بهتر وظایف مندرج فقرهٔ (۱) این ماده اجراآت ذیل و سایر موارد که ضروری پنداشته می‌شود، انجام دهد:

۱- سازمان دهی، ارتقاء و اجرای سیستم های انتقال اسناد بهادار و اشتراك در آن.

۲- حفظ و نگهداری حسابات تسویه ئی برای مجریان سیستم های انتقال اسناد بهادار و عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار در دفاتر خود طبق شرایط و ضوابط مقررات مربوط موافقتنامه ایکه با دارندگان حساب به امضاء میرساند.

۳- د مربوطو مقرراتو مطابق د کافی رهن په بدل کې حساب لرونکو ته د اضافه برداشت د ورکولو لپاره د آستانتیاوو برابرول.

(۷) د دافغانستان بانک کولی شي د لاندې مواردو په هکله لازمي آسانتیاوې برابرې کړي:

۱- د دافغانستان بانک د بهالرونکو سندونو د تسویې د سیستمونو او د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د نورو سیستمونو سره د متقابلو اړیکو تأمینول.

۲-په داخلي پیسو او اسعارو باندې د بهالرونکو سندونو د لېږدونې لپاره د نوو تګلارو او پرمخ تللې تکنالوژۍ رامنځته کول او هغه ته پراختیا ورکول.

۳- په هېواد کې د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم د تدریجي ودې لپاره د دوام د اړه منظمو پلانونو طرح کول او تطبیقول.

(۸) د دافغانستان بانک کولای شي چې د دولت یا د د افغانستان بانک له خوا د بهالرونکو سندونو د صادره پور د لېږدونې او دفترداری

۳- ایجاد تسهیلات جهت اعطای اضافه برداشت به حسابداران در بدل رهن کافی مطابق مقررات مربوط.

(۷) د افغانستان بانک می‌تواند تسهیلات لازم را در رابطه به موارد آتی فراهم نماید:

۱- تأمین ارتباطات متقابل میان سیستم های تسویهٔ اسناد بهادار د افغانستان بانک با سایر سیستم های انتقال اسناد بهادار.

۲- ایجاد و انکشاف روش های جدید و تکنالوژی پیشرفته برای انتقال اسناد بهادار به پول داخلی و اسعار.

۳- طرح و تطبیق منظم پلان های دوامدار برای رشد تدریجی سیستم انتقال اسناد بهادار در کشور.

(۸) د افغانستان بانک می‌تواند در مورد حفظ و نگهداری، دفتر داری و انتقال اسناد بهادار قرضه صادره توسط

د ساتنې او د بهالرونکو سندونو د پور د تسوئې د معاملاتو او د هغه د لیلام د طرزالعمل او همدا راز د دلالانو د مربوطو چارو د تنظیمولو لپاره مقررات وضع کړي.

د هرمي برنامو منع

اووه نوي یمه ماده:

هېڅ شخص نه شي کولای په مستقیم یا غیر مستقیم ډول د برنامې په رامنځته کولو آفر ورکولو، یا آفر اخیستلو، اعلانولو، تطبیقولو، تمویلولو، اداره کولو، نظارت او رهبري کولو کې چې د هغو د ګډونکوونکو ګټه عمدتاً په برنامه کې دهغو ګډونکوونکو د شمېر په زیاتوالي او د برخه اخیستو په ونډه پورې تړلې وي، ګډون وکړي.

متفرقه

اته نوي یمه ماده:

(۱) د دې قانون په ځلور نوي یمه او اته نوي یمه ماده کې درج شوي د جواز د غوښتنلیک، ورکولو او ردولو شرایط او د هغه د ثبتولو یا لغوه کولو ډول د مربوطو مقرراتو مطابق مشخص کېږي.

(۲) جوازونه او ثبت د لاندې مراحلو دولت یا د افغانستان بانک و تسویۀ معاملات اسناد بهادار قرضه طرزالعمل لیلام آن و همچنان تنظیم امور مربوط به دلالان مقررات وضع نماید.

منع برنامه های هرمی

مادۀ نود و هفتم:

هیچ شخص نمی تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در ایجاد، آفر دهی یا آفر گیری، اعلان، تطبیق، تمویل، اداره، نظارت و رهبری برنامه که مفاد اشتراک کنندگان آن عمدتاً وابسته به ازدیاد تعداد مشترکین در برنامه و حجم سهم گیری آنها باشد، سهم بگیرد.

متفرقه

مادۀ نود و هشتم:

(۱) شرایط درخواست، اعطاء و رد جواز مندرج مواد نود و چهارم و نود و ششم این قانون و طرز ثبت یا لغو آن مطابق مقررات مربوط مشخص می گردد.

(۲) جواز ها و ثبت شامل مراحل

لرونکي وي:
۱- د دافغانستان بانک د عامه ثبت په دفترکې د معلوماتو درجول.
۲- د دافغانستان بانک لخوا جواز یا د ثبت د تصدیق لیک صادرول.
۳- د دې فقرې د (۱او۲) اجزاو په درج شوو مراحلو کې سیستم او د خدمت ډول او هغه اشخاص چې هغوی ته جواز او تصدیق لیک صادریږي، هم په نښه کېږي.
(۳) د بهالرونکو خدمتونو وړاندې کوونکي او د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم مجریان د مربوطو قوانینو او مقرراتو د حکمونو له په پام کې نیولو برسېره د لاندې چارو په تر سره کولو هم مکلف دي:
۱- د مربوطو مقراتو مطابق د مشتریانو په هکله د معلوماتو راټولول او ساتل.
۲- د مربوطو مقراتو مطابق د مشتریانو، اداړې، راکړې ورکړې او مالي وضعیت په هکله د مطلوبه معلوماتو وړاندې کول.
(۴) د دافغانستان بانک کولای شي د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د

آتی میباشند:
۱- درج معلومات در دفتر ثبت عامهٔ دافغانستان بانک.
۲- صدور جواز یا تصدیق نامهٔ ثبت از طرف د افغانستان بانک.
۳- در مراحل مندرج اجزای (۱ و ۲) این فقره سیستم و نوع خدمت و اشخاصی‌که به آنها جواز و تصدیق نامه صادر می‌گردد، نیز شناسایی می‌گردند.
(۳) عرضه کنندگان خدمات اسناد بهادار مجریان سیستم انتقال اسناد بهادار علاووه بر رعایت احکام قوانین و مقررات مربوط، مکلف به انجام امور آتی نیز می‌باشند:
۱- جمع آوری و نگهداری معلومات راجع به مشتریان مطابق مقررات مربوط.
۲- ارائهٔ معلومات مطلوبه راجع به مشتریان، اداره، داد و ستد و وضعیت مالی مطابق مقررات مربوط.
(۴) د افغانستان بانک

وړاندې کوونکو یا د بهالرونکي سند د لېږدونې د سیستم د مجري جواز او ثبت چې د دې قانون یا مربوطو مقرراتو حکمونه نقض کړي یا د خپلو دیونو له ورکولو څخه عاجز وي یا د جرم مرتکب شوی وي او یا د جرمي فعالیتونو د تر سره کولو په اړه د اشتباهاتو پر تقوئې باندې ئې مدارکو موجود وي، لغوه کړي.

(۵) هغه شخص چې په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د بهالرونکوسندونو د خدمت یا د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د خدمت په هکله چې منع شوي دي یا د دې قانون په نهه نوي یمه ماده کې درج یو له هدفونو سره په تناقض کې فعالیت وکړي یا له مشتریانو څخه لاس ته راغلي وجوه او بهالرونکي سندونه د هغوي په ګټه یا د هغوی په حساب استعمال یا د هغه د استعمال اجازه ثالثو اړخونوته ورکړي یاغولوونکي عملونه ترسره کړي، د جرم مرتکب ګڼل کېږي او په هغه حبس چې له دوه کلونو څخه تجاوزو نه کړي یا په نقدی جریمه چې له پنځه ویشتو کنندۀ خدمات اسناد بهادار یا مجری سیستم انتقال اسناد بهادار را که احکام این قانون و مقررات مربوط را نقض نماید یا عاجز از پرداخت دیون خود باشد و یا مرتکب جرم گردیده یا مدارکی مبنی بر تقویۀ اشتباهات در رابطه به انجام فعالیت های جرمی موجود باشد، لغو نماید.

(۵) شخصی‌که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه به خدمت اسناد بهادار یا سیستم انتقال اسناد بهادار که ممنوع شده یا در تناقض با یکی از اهداف مندرج مادۀ نود و نهم این قانون فعالیت نماید یا وجوه و اسناد بهادار حاصل شده از مشتریان را به نفع یا برای حساب آنها استعمال یا اجازۀ استعمال آنرا به طرف ثالث بدهد و یا اعمال فریب کارانه را انجام دهد، مرتکب جرم شناخته شده، به حبسیکه از دو سال تجاوز ننماید یا جریمۀ نقدی که از بیست و پنجهزار

زرو افغانیو څخه زیاته نه وي او یا په دوارو جزاء ګانو باندې محکومېږي.

هغه اشیاء چې د جرم په ارتکاب کې ورڅخه ګټه اخیستل شوې وي (د نقدو پیسو په ګډون) مصادره کېږي.

افغانی بیشتر نباشد و یا هر دو محکوم به جزاء می‌گردد.

اشیائی که در ارتکاب جرم از آنها استفاده به عمل آمده (به شمول پول نقد) مصادره می‌گردد.

دندې

وظایف

نهه نوي یمه ماده:

د دافغانستان بانک مکلف دی لاندې هدفونه چې په دی فعل کې د درج شوو دندو د پرمخ بیولو په منظور هغه ته ورسپارل شوي دي، پلي کړي:

۱- د بهالرونکو سندونو له خدمتونو، د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم او مالي بازار ته د خلکو د باور او پیژندګلوی راجلبول او هغه ته پراختیا ورکول.

۲- په بهالرونکو سندونو کې د پانګه اچوونکو د شتمنیو او پانګوالی ساتل.

۳- د بهالرونکو سندونو د خدمتونوله تر سره کولو څخه چې د جرمي هدف د پلي کولو لپاره، غولونه (فریبکاری) خیانت او د بهالرونکو سندونو یا له هغو څخه

مادۀ نود و نهم:

د افغانستان بانك مکلف است اهداف آتی را که به منظور پیشبرد وظایف مندرج این فصل به آن محول شده، بر آورده سازد:

۱- جلب و گسترش اعتماد و آشنائی مردم با خدمات اسناد بهادار، سیستم انتقال اسناد بهادار و بازار مالی.

۲- حفظ و نگهداری دارائی ها و سرمایه گذاری های سرمایه گذاران در اسناد بهادار.

۳- ممانعت اشخاص از انجام خدمات اسناد بهادار جهت بر آوردن هدف جرمی ایکه فریبکاری، خیانت و

د لاس ته راغلو عوایدو په معاملې پورې مربوط له اطلاعاتو څخه ناوړه ګټه اخیستنه برخه پکې ولري، د اشخاصو منع کول.

یوولسم فصل
حسابونه، مالي صورت حساب، پلټنې او رپوټونه

مالي کال
سلمه ماده:
د دافغانستان بانک مالي کال، هجري شمسي کال دی چې د وري له لومړۍ ورځې څخه پیل او د هماغه کال د کب د میاشتې له وروستنۍ ورځې سره پای ته رسېږي.

د حسابداری تګلاره
یو سلو یوومه ماده:
د دافغانستان بانک مکلف دی چې خپل حسابونه او ریکاردونه د حسابداری د بین المللي معیارونو سره په مطابقت کې چې د هغه فعالیت او مالي شرایط په دقیق ډول منعکس کړي، وساتي.

سؤ استفاده از اطلاعات مربوط به معامله اسناد بهادار یا عواید حاصله از آنرا در برداشته باشد.

فصل یازدهم
حسابها، صورت حساب مالی، بررسیها و گزارشها

سال مالی
مادۀ صدم:
سال مالی د افغانستان بانک سال هجری شمسی بوده که از روز اول ماه حمل آغاز و در روز آخر ماه حوت همان سال پایان می یابد.

روش حسابداری
مادۀ یکصد و یکم:
د افغانستان بانک مکلف است حسابات و ریکارد های خود را در مطابقت با معیار های بین المللی حسابداری که فعالیت ها و شرایط مالی آنرا به صورت دقیق منعکس سازد، حفظ و نگهداری نماید.

مالي صورت حساب
یو سلو دوه یمه ماده:
د دافغانستان بانک مکلف دی د بېلانس شیټ، د ګټې او تاوان د حساب د صورت او نورو حسابونو د صورت په ګډون د خپل هر مالي کال د حساب صورتونه برابر او ترتیب کړي.

د حسابونو پلټل
یو سلو درې یمه ماده:
د دافغانستان بانک حسابونه او ریکاردونه د بین المللي معیارونو مطابق له بانک څخه بهر د مستقلو پلټونکو لخوا چې د وزیرانو شوری لخوا تاکل کېږي، پلټل کېږي.

د حسابونو د صورت او راپورونو طبع کول او خپرول
یوسلو څلورمه ماده:
(۱) د دافغانستان بانک مکلف دی د هر مالي کال په پای کې د دریو میاشتو په ترڅ کې لاندې مراتب ملي شوری ته وړاندې کړي:
۱- د هغو مالي حسابونو د صورت نقل (کاپي) چې د پلټونکو لخواتصدیق شوي وي.

صورت حساب مالی
مادۀ یکصد و دوم:
د افغانستان بانک مکلف است صورت حساب مالی هر سال مالی خود را که شامل بیلانس شیت، صورت حساب نفع و ضرر و سایر صورت حسابهای مربوطه است، تهیه و ترتیب نماید.

بررسی حسابات
مادۀ یکصد و سوم:
حسابها و ریکارد های د افغانستان بانک مطابق معیار های بین المللی، توسط بررس های مستقل خارج از بانک که از طرف شورای وزیران تعیین میشوند، بررسی میگردد.

طبع و انتشار صورت حسابها و راپورها
مادۀ یکصد و چهارم:
(۱) د افغانستان بانک مکلف است در اخیر هر سال مالی طی مدت سه ماه مراتب آتی را به شورای ملی ارایه نماید:
۱- کاپی صورت حساب های مالی که توسط بررس ها تصدیق شده باشد.

۲- د مربوط مالي کال د فعالیتونو او د نورو چارو د فعالیت رپوټ.
۳- د اقتصادي وضعي په هکله رپوټ.
(۲) د دافغانستان بانک مکلف دی د هرې میاشتې په وروستۍ کې د هرو پنځلسو ورځو په ترڅ کې، د خپل حساب د صورت پروفورمه چې په هغې کې د دافغانستان بانک په اسعاري زېرمو کې نګه (خالص) بدلونونه د هماغې میاشتې په اوږدو کې راغلي وي، د مالیې وزیر ته وړاندې کړي.
(۳) د دافغانستان بانک پروفورمې له وړاندې کولوو روسته د دې مادې په (۱او۲) فقره کې درج شوي د مالي حسابونو صورت او رپوټ او د مالي او اقتصادي مسایلو په هکله نور رپوټونه او کتنې (مطالعات) د لزوم سره سم خپروي.

د پولي سیاست رپوټ
یوسلو پنځمه ماده:
(۱) په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک د زېرمه ایزو حسابونو نګه زېرمه د اووه ورځو

۲- کاپی راپور فعالیت ها و سایر امور مربوطه سال مالی.
۳- گزارش در مورد وضع اقتصادی.
(۲) د افغانستان بانک مکلف است در اخیر هر ماه طی مدت پانزده روز، پروفورمۀ صورت حساب های مالی خود را که حاوی تغیرات خالص در ذخایر اسعاری د افغانستان بانک در طول همان ماه می‌باشد، به وزیر مالیه ارایه نماید.
(۳) د افغانستان بانک بعد از ارایه پروفورمۀ صورت حساب های مالی و راپور مندرج فقره های (۱و ۲) این ماده و سایر گزارش ها و مطالعات در بارۀ مسائل مالی و اقتصادی را حسب لزوم دید نشر می‌نماید.

گزارش سیاست پولی
مادۀ یکصد و پنجم:
(۱) هرگاه ذخیرۀ خالص حسابات ذخیروی د افغانستان بانک در ظرف هفت روز بیشتر از

په ترخ کې په سلو کې شل راپرېوزي، د دافغانستان بانک مکلف دی د مراتبو رپوټ په لیکلې توګه جمهور رئیس او د مالیې وزیرته ورکړي.

(۲) د دافغانستان بانک مکلف دی چې له هرو شپږو میاشتو وروسته د راتلونکو اجراآتو پلان چې لاندې مراتب پکې وي، ملي شورى ته وړاندې کړي:

۱- د پولې سیاست د نیولو د تشریح کولو او توضیح کولو د لیلونه چې د دافغانستان بانک هغه د راتلونکو شپږو میاشتو په اوږدو کې تطبیقوي.

۲- د هغه اصولو تشریح کول چې د دافغانستان بانک ئې د پولې سیاست د نیولو او اجراء کولو لپاره د دوه راتلونکي کلونو یا اوږدې مودې لپاره تطبیقوي.

۳- د دافغانستان بانک له خوا د پولې سیاست په نیولو او اجراء کولو باندې نوې کتنه او د هغه ارزول په هغه موده کې چې د پولې سیاست د وروستنیو شپږو میاشتو شرح په کې وي.

بیست فیصد سقوط کند، د افغانستان بانک مکلف است مراتب را تحریری به رئیس جمهور و وزیر مالیه گزارش دهد.

(۲) د افغانستان بانک مکلف است بعد از هر شش ماه پلان اجراآت آیندۀ خود که مراتب آتی را در بر داشته باشد، به شورای ملی ارائه نماید:

۱- تشریح و توضیح دلایل اتخاذ سیاست پولی که د افغانستان بانک آنرا در طول شش ماه آینده تطبیق می‌نماید.

۲- تشریح اصولی که د افغانستان بانک برای اتخاذ و اجرای سیاست پولی خود در دو سال آینده یا مدت طولانی تری، تطبیق می نماید.

۳- تجدید نظر و ارزیابی از اتخاذ و اجرای سیاست پولی توسط دافغانستان بانک در مدت زمانی که شرح آخرین شش ماه گذشتۀ سیاست پولی را در بر دارد.

دوولسم فصل
د مالي شخړو د حل کمېسيون

کمېسيون

يو سلو شپږمه ماده:

د دې قانون په درج شوو حکمونو کې د مالي شخړو د حل په منظور، يو کمېسيون په د افغانستان بانک کې جوړيږي چې د شخړو وړ مالي قضيې د قضائي څېړنې د صلحې سره د مخه به حل او فصل کوي.

د کمېسيون واکونه

يو سلو اووه مه ماده:

(۱) کمېسيون کولی شي د دافغانستان بانک په لاندې پرېکړو او حکمونو باندې نوې کتنه وکړي:

۱- هغه تصميم چې د غوښتنليک ورکوونکي د بانکي جواز د غوښتنليک، د بانکي اجازه ليک يا ثبت د ردولو په هکله نيسي.

۲- هغه تصميم چې پر بانکي جواز يا بانکي اجازه ليک ثبت باندې د قيدونو يا محدوديتونو په هکله وضع کېږي.

۳- هغه تصميم چې د بانکي جواز يا بانکي اجازه ليک د لغوه کولو

فصل دوازدهم
کمیسیون حل منازعات مالی

کمیسیون

مادۀ یک صد و ششم:

به منظور حل منازعات مالی مندرج این قانون کمیسیونی در د افغانستان بانک تأسیس میشود که قضایای مالی مورد منازعه را قبل از رسیدگی قضائی بصورت مصالحتی حل و فصل می‌نماید.

صلاحیت های کمیسیون

مادۀ یکصد و هفتم:

(۱) کمیسیون می‌تواند تصامیم و احکام آتی د افغانستان بانک را مورد تجدید نظر قرار دهد:

۱- تصمیمیکه در مورد رد درخواست جواز بانکی، اجازه نامۀ بانکی یا ثبت درخواست دهنده اتخاذ می نماید.

۲- تصمیمی‌که در مورد وضع قیود یا محدودیت ها بر جواز بانکی یا اجازه نامۀ بانکی یا ثبت وضع می‌گردد.

۳- تصمیمی‌که در مورد الغای ثبت جواز بانکی یا اجازه نامۀ

په هکله نیول کېږي.

۴- هغه تصمیم چې د زیان د جبران یا مالي مجازاتو په هکله صادرېږي.

۵- صادر شوي حکمونه د هغه شخص پر علیه چې په د افغانستان بانک کې د جواز یا بانکي اجازه لیک یا ثبت له لرلو پرته، په داسې فعالیت لاس پورې کړي چې د قانون مطابق د جواز یا اجازه لیک په اخیستلو یا ثبتولو مکلف وي.

۶- هغه تصمیم چې د متولي د تقرر یا د هغه د کار د تمدید په هکله نیول کېږي.

۷- نور هغه موارد چې د قانون مطابق کمېسیون ته سپارل کېږي.

(۲) کمیسیون کولای شي هغه غوښتنلیکونه چې د بانک د پرانیستلو یا ورشکستگۍ پر علیه وړاندې کېږي، وڅېړي او له هغه څخه نظارت وکړي.

(۳) کمېسیون کولای شي د مالي ادارو ترمنځ شخړې وڅېړي او هغه لرې کړي، پدې شرط چې د مخکښ موافقې له مخې د شخړې رفع کول په صریح ډول هغه ته سپارل شوې وي.

بانکی اتخاذ میشود.

۴- تصمیمی‌که در مورد جبران ضرر یا مجازات مالی صادر می‌گردد.

۵- احکام صادر شده علیه شخصی‌که بدون داشتن جواز یا اجازه نامۀ بانکی یا ثبت آن در دافغانستان بانک به فعالیتی بپردازد که مطابق احکام قانون به اخذ جواز یا اجازه نامه یا ثبت مکلف باشد.

۶- تصمیمی‌که در مورد تقرر یا تمدید دورۀ کار متولی اتخاذ می‌شود.

۷- سایر مواردیکه مطابق احکام قانون به کمیسیون محول میگردد.

(۲) کمیسیون می‌تواند درخواست های را که جهت افتتاح یا ورشکستگی علیه بانك تقدیم می‌شود، بررسی و از آن نظارت نماید.

(۳) کمیسیون می‌تواند منازعات مالی بین ادارات مالی را بررسی و رفع نماید مشروط بر اینکه نظر به موافقت قبلی رفع منازعات صریحاً به آن محول گردیده باشد.

د کمیسیون جوړښت

یوسلو اتمه ماده:

(۱) د مالي شخړو د حل کمېسیون جوړ دی له:

۱- دري تنه حقوق پوهان د دافغانستان بانک د رئیس په وړاندیز او د جمهور رئیس په منظوری.

۲- د مالي چارو دري تنه مسلکي، مجرب او سابقه لرونکي حسابداران د مالیې د وزیر په وړاندیز او د دولت د رئیس په منظوری.

۳- اداري مامورین او کارکوونکي د اړتیا په اندازه.

۴- د کمېسیون رئیس د حقوق پوهانو له منځه د دافغانستان بانک د رئیس په وړاندیز او د دولت د رئیس په منظوری ټاکل کېږي.

(۲) د کمېسیون مسلکي غړي د لاندې شرایطو لرونکي وي:

۱- د افغانستان د تابعیت لرونکي وي.

۲- د نیک شهرت لرونکې وي او په امانت کې د خیانت په جرم نه وي محکوم شوي.

ترکیب کمیسیون

مادۀ یکصد و هشتم:

(۱) کمیسیون حل منازعات مالی متشکل است از:

۱- سه نفر حقوقدان به پیشنهاد رئیس د افغانستان بانک و منظوری رئیس دولت.

۲- سه نفر حسابدار مسلکی، مجرب و سابقه دار امور مالی به پیشنهاد وزیر مالیه و منظوری رئیس دولت.

۳- مامورین اداری و کارمندان حسب ضرورت.

۴- رئیس کمیسیون از بین اعضای حقوقدانان به پیشنهاد رئیس دافغانستان بانک و منظوری رئیس دولت تعیین می‌گردد.

(۲) اعضای مسلکی کمیسیون واجد شرایط ذیل می باشند:

۱- تابعیت افغانستان را دارا باشند.

۲- دارای شهرت نیک بوده، به جرم خیانت در امانت محکوم نگردیده باشند.

۳- د سیاسي او مدنی حقوقو په حرمان نه وي محکوم شوي.
۴- د دندې په بهیر کې په نورو رسمي دندو نه وي ګمارل شوي.
۵- د هېڅ یو بانک د عالي شوری او عامل هیئت غړیتوب و نه لري یا د دافغانستان بانک د ناظر یا کارکوونکي په توګه دنده تر سره نه کړي.
۶- د تقرر په وخت کې یې سن له (۳۵) کلونو څخه کم نه وي.
(۳) د کمېسیون مسلکي غړي د تقرر وروسته له خپلو عهدو څخه ګوښه کیدلی نه شي مګر دا چې د دې مادې په (۲) فقره کې درج شوي کوم شرط ئي له لاسه ورکړی وي یا د خیانت د جرم د ارتکاب له امله د واکمنې محکمې له خوا د ماموریت څخه په انفصال یا حرمان یا طرد محکوم شي.
(۴) مسلکي غړی د (۷۰) کلنۍ سن په بشپړولو سره متقاعد کېږي او مخکې له هغې کولای شي په لیکلي غوښتنلیک سره د شخصي معاذیرو له امله له دندې څخه استعفی وکړي.
د مسلکي غړو د معاش

۳- به حرمان از حقوق سیاسی و مدنی محکوم نگردیده باشد.
۴- در جریان وظیفه به وظایف رسمی دیگر مشغول نباشند.
۵- در هیچ یک از بانک ها عضویت شورای عالی و هیئت عامل را نداشته یا به حیث ناظر و یا کارمند دافغانستان بانك ایفای وظیفه نه نمایند.
۶- سن آنها هنگام تقرر از (۳۵) سال کمتر نباشد.
(۳) اعضای مسلکی کمیسیون بعد از تقرر، از عهدهٔ خویش سبکدوش شده نمیتوانند، مگر اینکه یکی از شرایط مندرج فقرهٔ (۲) این ماده را از دست داده یا بالاثر ارتکاب جرم خیانت از طرف محکمهٔ باصلاحیت به انفصال یا حرمان یا طرد از ماموریت محکوم گردند.
(۴) عضو مسلکی با اکمال سن (۷۰) سالگی متقاعد می‌گردد و قبل از آن میتواند با درخواست کتبی نظر به معاذیر شخصی از وظیفه استعفی بدهد.
اندازهٔ معاش، حقوق تقاعد و

اندازه، د تقاعد حقوق او نور امتیازونه د دافغانستان بانک په وړاندیز او د وزیرانو شورا په تصویب ټاکل کېږي.

د شتمنۍ ثبتول او د شخړې په حل و فصل کې ګډون نه کول

یوسلو نهمه ماده:

(۱) مسلکي غړی مکلف دی د تقرر په وخت کې خپله شتمني د شتمنیو د ثبت په فورمه کې درج کړي.

(۲) د شتمنیو د ثبت فورمه د هرکال په پای کې د هغه هیئت لخوا چې د د افغانستان بانک، دمالیې د وزیر او د وزیرانو د شورى لخوا ټاکل کېږي، ځېړل کېږي. د وزیرانو د شورى استازی د څېړنې د هیئت رئیس دی.

(۳) که چېرې مسلکي غړی په هغې قضیې کې چې د حل او فصل لپاره کمېسیون ته راجع شوې ده، ګډې ګټې و لري، د قضیې د څېړنې په هیئت کې له ګډون څخه لیکلی معذرت غواړي او په دې هکله له څېړنې څخه ډډه کوي، پدې حالت کې قضیه د نورو غړو له خوا حل او فصل کېږي،

سایر امتیازات مالی اعضای مسلکی به پیشنهاد د افغانستان بانک و تصویب شورای وزیران تعیین می‌گردد.

ثبت دارائی و عدم اشتراک در حل و فصل منازعه

مادۀ یکصد و نهم:

(۱) عضو مسلکی مکلف است هنگام تقرر، دارائی خود را درج فورمه ثبت دارائی نماید.

(۲) فورمۀ ثبت دارائی در اخیر هر سال توسط هیئت که از طرف د افغانستان بانک، وزیر مالیه و شورای وزیران تعیین می‌گردد، بررسی می‌شود نماینده شورای وزیران رئیس هیئت بررسی می‌باشد.

(۳) هرگاه عضو مسلکی در قضیه ایکه غرض حل و فصل به کمیسیون راجع گردیده است، اشتراک منافع داشته باشد، از شرکت در هیئت بررسی قضیه کتباً معذرت خواسته و از رسیدگی در زمینه اجتناب می ورزد، در چنین حالت، قضیه توسط سایر اعضاء حل و فصل

پرتـه لـه هغـي د کمېـسيون فـيصله باطله ګڼل کېږي.

(۴) د کمېسيون هېڅ يو مسلکي يا اداري غړی نـه شـي کولای تحفـه يا پور د شخړې د يوه اړخ لخـوا په خپل نوم يا د هغه شخص په نـوم چې لـه هغـه سره د خپـلې اړيکـي يـا ورسـره مـالي شـراکت لري، و مني.

د کمیـسیون د مـسلـکي غـړو مکلفیتونه

یو سلو لسمه ماده:

د کمېسيون مسلکي غړي د لاندې مراتبـو پـه رعـايتولو مکلـف دي:

۱- د دنـدې د اسـرارو يـا هغـو اطلاعـاتو پـه هکلـه د معلومـاتو نـه افشاء کول چې د هغـو د اجرأ کولـو لـه املـه د نـورو اشخاصـو پـه هکلـه لاس ته راغلي وي، مګر د قـانون د حکم يا دواکمنې محکمې په امر د ضرورت له مخې.

۲- د لاس تـه راغلـو معلومـاتو او د اطلاعـاتو څخـه د ځـان يـا نـورو اشخاصو په ګټه استفاده نه کول يا نورو تـه د ګټې اخيستنې د اجازې ورکـول يـا لـه هغـو څخـه د ګټې مـی‌شـود، در غیـر آن فیـصله کمیسیون باطل پنداشته می‌شود.

(۴) هیچ یك از اعضای مسلکی یا کارمنـدان اداری کمیـسیون نمیتوانـد تحفـه یـا قرضـه ایـرا از جانـب یکـی از طـرفین منازعـه بـه نام خود یا شخصی‌کـه بـا او رابطهٔ خویـشاوندی تـا درجـه چهـارم یـا شرکت مـالی دارند، بپذیرند.

مکلفیـت هـای اعـضای مـسلکی کمیسیون

مادهٔ یکصد و دهم:

اعـضای مـسلکی کمیـسیون بـه رعـایت مـراتب آتـی مکلـف می‌باشند:

۱- عـدم افـشای معلومـات راجـع بـه اسـرار وظـیفه یـا اطلاعـاتیکه ناشـی از اجـراء آن راجع به سایر اشخاص بدسـت آورده اند، مگر بـه حکـم قانـون یـا امـر محکمـهٔ ذیـصلاح حـسب ضرورت.

۲- عـدم اسـتفاده از معلومـات و اطـلاعات بدسـت آمـده بـه نفـع خـویش یـا سـایر اشـخاص یـا اعطـای اجازهٔ استفاده بـه دیگران یا فـراهم سـاختن زمینهٔ استفاده

اخیستنې د زمینې برابرول.

د کمېسیون طرزالعمل او لایحه
یو سلو یوولسمه ماده:
کمېسیون مکلف دی د تشکیل له نېټې څخه یوه میاشت وروسته خپل طرزالعمل او د دندو لایحه تدوین او د تصویب لپاره یې د دافغانستان بانک عالي شورى ته وړاندې کړي.

کمېسیون ته د اشخاصو احضارول
یو سلو دوولسمه ماده:
کمېسیون کولای شي اشخاص د یوې قضیې په هکله چې د حل او فصل لپاره ورته راجع شوې وي، احضار او هغوی د اړتیا وړ سندونو او مدرکونو په وړاندې کولو مکلف کړي. سرغړونکی مجازات کېږي.

د کمېسیون پرېکړه
یو سلو دیارلسمه ماده:
(۱) د کمېسیون د تصمیم نیولو په وخت کې لاندې مراتب په نظر کې نیسي:
۱- د کمېسیون تصمیم د غړو په اکثریت رایو نیول کېږي.
۲- تصمیم په دلایلو او مدرکونو از آن.

طرز العمل و لایحه کمیسیون
ماده یکصد و یازدهم:
کمیسیون مکلف است در مدت یکماه بعد از تشکیل، طرزالعمل و لایحۀ وظایف خویش را تدوین و غرض تصویب به شورای عالی د افغانستان بانک ارایه نماید.

احضار اشخاص به کمیسیون
مادۀ یکصد و دوازدهم:
کمیسیون می‌تواند اشخاص را در رابطه به قضیه ایکه غرض حل و فصل به آن راجع گردیده، احضار و ایشانرا به ارایۀ اسناد و مدارک مورد ضرورت مکلف گردانند. متخلف مورد مجازات قرار می‌گیرد.

فیصلۀ کمیسیون
ماده یکصد و سیزدهم:
(۱) کمیسیون حین اتخاذ تصمیم مراتب آتی را در نظر می گیرد:
۱- تصمیم کمیسیون به اکثریت ارای اعضاء اتخاذ می‌شود.
۲- تصمیم، مستند به دلایل و

مستند او د قانون د حکمونو مطابق صادریږي.
۳- تصمیم ګډون کوونکي غړي لاسلیک کوي او ثبتیږي.
۴- د نیول شوي تصمیم یو نقل له صادرېدو وروسته رسماً د قضیې ارخونو ته لېږل کېږي.
(۲) ارخونه (طرفین) کولای شي چې له رسمي خبرتیا وروسته د پنځلسو ورځو په ترڅ کې د کمېسیون پر پرېکړې اعتراض وکړي او دشخړې د حل او فصل لپاره قضائي مراجعو ته ورشي.
(۳) په هغه صورت کې چې د کمېسیون پرېکړه د ارخونو د یوه د اعتراض وړ ونه ګرځي د قضائي قرارونو په څېرتطبیقېږي.

پر پرېکړو او حکمونو باندې اعتراض

یو سلو څوارلسمه ماده:
(۱) د اعتراض په څېړنه کې لاندې مراتب شامل دي:
۱- د دافغانستان بانک د تصمیمونو او حکمونو پرعلیه اعتراض د نیونې یا صادرېدو له نېټې څخه د شپږو میاشتو په ترڅ

مدارك و مطابق احکام قانون صادر می‌گردد.
۳- تصمیم را اعضای شرکت کننده امضاء نموده و ثبت می‌گردد.
۴- یك نقل از تصمیم اتخاذ شده بعد از صدور رسماً به طرفین قضیه ارسال می‌گردد.
(۲) طرفین می‌توانند در خلال پانزده روز از تاریخ اطلاع رسمی، بر فیصله صادرۀ کمیسیون اعتراض و غرض حل و فصل منازعه به مراجع قضائی مراجعه نمایند.
(۳) در صورتی‌که تصمیم کمیسیون مورد اعتراض یکی از طرفین قرار نگیرد، مانند قرار های قضائی تطبیق می‌گردد.

اعتراض بر تصامیم و احکام

مادۀ یکصد و چهاردهم:
(۱) رسیدگی به اعتراض شامل مراتب آتی میباشد:
۱- اعتراض علیه تصامیم و احکام دافغانستان بانك در خلال مدت شش ماه از تاریخ اتخاذ یا صدور آن طور تحریری از

کې د هغه شخص لخوا چې په تصمیم یا حکم کې ئې نوم اخیستل شوی وي، کمېسیون ته وړاندې کېږي.

۲- اعتراض د تصمیم یا حکم د باطلولو یا تعدیلولو لپاره د مشخصو د لیلونو لرونکی وي.

۳- د کمېسیون اداري مسئول وارد شوی اعتراض د کمېسیون رئیس ته وړاندې کوي او د غونډې د جوړېدو نېټه او رخونو ته په لیکلی توګه ابلاغوي او یوه نسخه ئې د دافغانستان بانک ته لېږي.

۴- کمېسیون په لاندې حالاتو کې نیول شوی تصمیم یا حکم باطل یا تعدیلوي:

- په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک د تصمیم په نیولو یا د حکم په صادرولو کې د خپلو قانوني واکونو له حدودو څخه تجاوز کړی وي.

- په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک په خپلو اجراآتو کې، د تصمیم په نیولو یا د حکم د صادرولو په وخت کې د مربوطو مقرراتو او طرزالعملونو حکمونه

طرف شخصی‌که در تصمیم یا حکم از وی نامبرده شده، به کمیسیون ارایه می‌گردد.

۲- اعتراض حاوی توضیح دلایل مشخص مبنی بر ابطال یا تعدیل تصمیم یا حکم صادر شده، می باشد.

۳- مسئول اداری کمیسیون، اعتراض وارده را به رئیس کمیسیون ارائه و تاریخ انعقاد جلسه را به طرفین کتباً ابلاغ و یك نسخهٔ آنرا به د افغانستان بانك می فرستد.

۴- کمیسیون در احوال آتی تصمیم یا حکم اتخاذ شده را باطل یا تعدیل می نماید:

- در صورتی‌که د افغانستان بانك در اتخاذ تصمیم یا صدور حکم از حدود صلاحیت های قانونی خویش تجاوز نموده باشد.

- در صورتی‌که د افغانستان بانك در اجراآت خویش مبنی بر اتخاذ تصمیم یا صدور حکم مقررات و طرزالعمل های مربوط را رعایت

په پام کې نه وي نیولي.

۵- کمېسیون د دافغانستان بانک د پرېکړو یا حکمونو د باطلولو یا تعدیل په وخت کې لاندې مراتب په پام کې نیسي:

- د دې مادې په (۴) جزء کې د درج شوو دلیلونو او د هغو د اصلاح کولو د لارو تصریح کول.
- د کمیسیون د نیول شوي تصمیم د عملي کولو په منظور د وروستنۍ نېټې ټاکل.

په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک د کمېسیون د تصمیم مطابق اجراآت ترسره نه کړي، نیول شوی تصمیم عملي کېږي.

(۲) د دافغانستان بانک نیول شوي تصمیمونه او صادر شوي حکمونه تر هغه وخته نافذ دي چې د کمېسیون حکم د هغو د باطلېدو یا تعدیلېدو په هکله نه وي صادر شوی یا د هغه د اعتبار موده نه وي منقضي شوې.

(۳) د دافغانستان بانک تصمیم یا حکم د هغې قضیې په هکله چې د کمېسیون د تصمیم مطابق د باطلولو یا تعدیلولو په هکله بیا ننموده باشد.

۵- کمیسیون حین اتخاذ تصمیم مبنی بر ابطال یا تعدیل تصامیم یا احکام دافغانستان بانک، مراتب آتی را رعایت می‌نماید:

- تصریح دلایل مندرج جزء (۴) این ماده و طرق اصلاح آن.
- تعیین تاریخ نهائی به منظور تعمیل تصمیم اتخاذ شدهٔ کمیسیون.

در صورتی‌که د افغانستان بانک حسب تصمیم کمیسیون اجراآت ننماید، تصمیم اتخاذ شده عملی می گردد.

(۲) تصامیم اتخاذ شده و احکام صادرهٔ د افغانستان بانک تا زمانی نافذ می‌باشد که از طرف کمیسیون، حکم مبنی بر ابطال یا تعدیل آن صادر نشده یا مدت اعتبار آن منقضی نگردیده باشد.

(۳) تصمیم یا حکم د افغانستان بانک در مورد قضیه ایکه مطابق تصمیم کمیسیون مبنی بر ابطال یا تعدیل، مجدداً اتخاذ یا صادر

نیول کېږي یا صادرېږي، بیا تر اعتراض لاندې راتلای شي.

دیارلسم فصل
متفرقه حکمونه

د تقدم حق

یوسلو پنځلسمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د نغدو پېسو او نورو شتمنیو په ګډون چې په خپل یا د مربوطه مدیون په حساب کې ئې ساتي، د خپلو غوښتنو د لاس ته راوړلو په منظور د تقدم حق لري، دغه شتمنۍ کېدلی شي چې د رهن په صورت د دافغانستان بانک د غوښتنو د تضمین لپاره وي، په هغه صورت کې چې غوښتنې په سررسېدلی او د ورکړې وړ وي، د دافغانستان بانک له هغه څخه د خپلو غوښتنو د مجرائی او لاس ته راوړلو(حصول) لپاره ګټه اخلي. د بانکونو شتمنۍ چې د دافغانستان بانک له خوا د الزامي زېرمو په توګه ساتل کېږي، له دې حکم څخه مستثنی دي.

(۲) د دافغانستان بانک کولای شي د خپل د تقدم له حق څخه یوازې د نقدي وجوهو په برداشت او د مې‌شود، دو باره مورد اعتراض قرار گرفته میتواند.

فصل سیزدهم
احکام متفرقه

حق تقدم

مادۀ یکصد و پانزدهم:

(۱) د افغانستان بانک بمنظور حصول طلبات خود اعم از پول نقد و سایر دارائیهای که در حساب خود یا مدیون مربوطه نگهداری می‌نماید، حق تقدم دارد، این دارائی ها میتواند بصورت رهن برای تضمین طلبات د افغانستان بانک باشد، در صورتی‌که طلبات بسر رسیده و قابل پرداخت باشند د افغانستان بانک از آن در مجرائی و حصول طلبات خود استفاده می‌نماید. دارائی های بانکها که منحیث ذخایر الزامی از طرف د افغانستان بانک نگهداری می‌شوند، ازین حکم مستثنی می‌باشد.

(۲) د افغانستان بانک میتواند از حق تقدم خویش صرف با برداشت وجوه نقدی و

مناسبې بیې په بدل کې د مدیونینو د نورو شتمنیو په پلورلو او د اړوندو لګښتونو له کسر وروسته د هغو د پلورنې له ماحصل څخه په طلباتو کې ګټه واخلي.

د مالکیت د طلب په شمول رقابتي طلب یا نور ړومبني اکتسابي حقوق، نشي کولای د دافغانستان بانک د تقدم د حق مانع شي، مګر دا چې ثابته شي چې د دافغانستان بانک مامورین پوهېدل چې دغه شتمنۍ په اړوند مدیون پورې اړه نلري.

ممنوعه فعالیتونه

یوسلو شپاړسمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د هغو مواردو په استثني چې دغه قانون ورته واک ورکړی دی، نشي کولای لاندې فعالیتونه سرته ورسوي:

۱- د مستقیم پور د مالي مرستې، بلاعوضه مرستې، مشروطې ژمنې یا د پور د پېرودلو یا د پور یا د بدهکارۍ په بل سند کې د مشارکت په ډول د مالي مرستې ورکول یا د پور قبلولو یا مشروطې بدیهۍ په ډول یا په نورو

فروش سایر دارائیهای مدیونین در بدل قیمت مناسب و مجرایی ما حصل فروش آن بعد از کسر مصارف مربوط، در طلبات استفاده نماید.

طلب رقابتی بشمول طلب مالکیت یا سایر حقوق اکتسابی قبلی، نمی تواند مانع حق تقدم د افغانستان بانك گردد، مگر اینکه ثابت گردد که مامورین دافغانستان بانك می‌دانستند که این دارائیها متعلق به مدیون مربوطه نمی باشد.

فعالیتهای ممنوعه

مادۀ یکصد و شانزدهم:

د افغانستان بانك به استثنای مواردیکه این قانون برایش تفویض صلاحیت نموده است، نمی‌تواند فعالیت های آتی را انجام دهد:

۱- اعطای کمك مالی بشکل قرضۀ مستقیم، کمك بلاعوض تعهد مشروط، یا خرید قرضه، مشارکت در قرضه یا سند دیگر بدهکاری یا بشکل قبول قرضه یا بدهی مشروط یا سایر اشکال و یا

ډولونو یا د بانکوالۍ په قانون کې په درج شوو نورو فعالیتونو کې ګډون کول.

۲- په سوداګرۍ او د مالي مؤسسې د سهامو په شمول د سهامي شرکت د ونډو په پېرودلو یا په بل ډول سره په سوداګرۍ کې ګډون کول چې په هر ډول مالي، سوداګریزو، کرنیزو، صنعتي یا نورو ژمنوکې د مالکیت ګټې ولري.

۳- د پېرودنې، اجارې یا له بلې لارې، په غیر منقولو مالونو کې د مالکیت حق لاس ته راوړل. خو دا چې د اداري دندو او خپلو فعالیتونو د اجراء په منظور یا د اړوندو کارکوونکو د اسکان یا د ورته اړتیاوو لپاره د دې قانون د حکمونو مطابق یې صورت مونډلی وي.

(۲) د دافغانستان بانک کولای شي لاندې فعالیتونه سرته ورسوي:

۱- د پور ورکول یا په هغه سازمان کې چې د دافغانستان بانک په دندو او مکلفیتونو پورې په اړوندو چارو کې فعالیت کوي، د مالکیت د ونډې د لرلو یا ګډون د اجازې

اشتراك در سایر فعالیت های بانکی مندرج قانون بانکداری.

۲- اشتراك در تجارت و خریداری سهام شرکت سهامی بشمول سهام مؤسسهٔ مالی یا بصورت دیگری که منافع مالکیت در هر گونه تشبث مالی، تجارتی، زراعتی، صنعتی یا سایر تعهدات داشته باشد.

۳- دستیابی از طریق خریداری، اجاره یا نحو دیگر به حق مالکیت در اموال غیر منقول. مگر اینکه بمنظور اجرای وظایف اداری و فعالیتهای خود و یا برای اسکان کارکنان مربوط یا کمك به سایر نیازمندی های مشابه مطابق احکام این قانون صورت گرفته باشد.

(۲) د افغانستان بانك می‌تواند فعالیت های آتی را انجام دهد:

۱- اعطای قرضه یا اجازه داشتن سهم مالکیت یا اشتراك به سازمانی که در امور مربوط به وظایف و مکلفیت های د افغانستان بانك فعالیت می

لرل.
۲- د ټکټانې یا هغو حقوقو ترلاسه کول چې د دافغانستان بانک ته د ورکړې وړ پور په جریان کې وي، پدې شرط چې ټکټانې یا حقوق د پلورنې وړ وي او یا په بل ډول مصرفېدلای شي.
۳- د دافغانستان بانک د کارکوونکو، خپلو خپلوانو یا استازو د ګټې یا مصؤنیت لپاره د تقاعد د صندوق یا ورته مواردو تأسیسول او د ټاکلو شرایطو مطابق، د دغو لګښتونو ټول یا د یوې برخې ورکول.
۴- اړوندو کارکوونکو او د دوی د کورنیو غړو ته د کور (مسکن)، روغتیا او ښوونې او روزنې د برابرولو په منظور د پورونو د پروګرام رامنځته کول.

د احصائیوي اطلاعاتو راټولول

یو سلو اووه لسمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک مکلف دی د خپلو هدفونو او دندو د پرمخ بیولو په منظور د هېواد له واکمنو مقاماتو یا مستقیماً له اقتصادي استازو څخه لازم احصائیوي اطلاعات لاس ته راوړي او پدې نماید.
۲- حصول تکتانه یا حقوقی که در جریان قرضه، قابل پرداخت به د افغانستان بانك باشد مشروط بر اینکه تکتانه ها یا حقوق، قابل فروش بوده و یا بنحو دیگری مصرف شده بتواند.
۳- تأسیس صندوق تقاعد یا موارد مشابه برای منفعت یا مصؤنیت کارکنان د افغانستان بانك، وابستگان و یا نمایندگان آنها و پرداخت تمام و یا قسمتی از این مصارف طبق شرایط معینه.
۴- ایجاد پروګرام قرضه برای کارکنان مربوط بمنظور تهیهٔ مسکن، صحت و تعلیم و تربیه آنها و اعضای خانواده های شان.

جمع آوری اطلاعات احصائیوی

مادهٔ یکصد و هفدهم:

(۱) د افغانستان بانك مکلف است بمنظور پیش برد اهداف و وظایف خود اطلاعات احصائیوی لازم را از مراجع ذیصلاح کشور و یا مستقیماً از نمایندگان اقتصادی بدست آورده

برخه کې د نورو هېوادونو له واکمنو مراجعو یا نړیوالو سازمانونو سره همکاري وکړي.

(۲) د دافغانستان بانک مکلف دی د خپل تخصص په ساحو کې د احصائیوپه راټولولو، تدوین او خپرولو پورې د اړوندو لایحو او اسلوبونو په هم غاړې کولو او تنظیم کې برخه واخلي.

(۳) د دافغانستان بانک، د دافغانستان بانک لپاره احصائیوي اطلاعات، د برابرولو ډول، د دغو اطلاعاتو برابرونکي اشخاص او د برابرو شوو احصائیوي اطلاعاتو محرمانه سیستم، د مقرراتو مطابق ټاکي.

(۴) د دافغانستان بانک کولای شي هغه بانکونه چې په هېواد کې فعالیت کوي، د کلنیو، ربعوارو رپوټونو یا په لنډ زماني واټن سره چې د پولي احصائیو، د عوایدو او لګښتونو، د صعب الحصولو پورونو او له پورونو څخه د راپیدا شوو زیانونو او تدارکاتو، د اسعارو د خالص بېلانس او ټکټاني د نرخ او د خپلو نورو فعالیتونو په برکې نیوونکي وي،

و در این زمینه با مراجع ذیصلاح سایر کشور ها یا سازمان های بین المللی همکاری نماید.

(۲) د افغانستان بانک مکلف است بمنظور هماهنگ نمودن و تنظیم لوائح و اسلوبهای مربوط به جمع آوری، تدوین و پخش احصائیه ها در ساحات تخصص خویش سهم بگیرد.

(۳) د افغانستان بانک اطلاعات احصائیوی، نحوۀ تهیه، اشخاص تهیه کنندۀ این اطلاعات و سیستم محرمانۀ اطلاعات احصائیوی تهیه شده برای دافغانستان بانک را طبق مقررات تعیین می‌نماید.

(۴) د افغانسان بانک می‌تواند بانکهای را که در کشور فعالیت می‌نماید مکلف به ارایۀ راپور های سالانه، ربع وار یا راپور های با فاصله زمانی کمتر که در بر گیرندۀ احصائیه های پولی، راپور عواید و مصارف، قرضه های صعب الحصول، خسارات ناشی از قرضه ها و تدارکات، بیلانس خالص اسعار و نرخ تکتانه و سایر راپور های

په وړاندې کولو مکلف کړي. د دافغانستان بانک مکلف دی، احصائیې له نړیوالو معیارونو او تګلارو سره په مطابقت کې تدوین کړي.

(۵) د دافغانستان بانک کولای شي غیر بانکي مالي مؤسسې او استازي یې چې په هېواد کې فعالیت کوي، په لنډو زماني واټنونو سره د کلنیو، ربعوارو یا احصائیوي رپوټونو په برابرولو او وړاندې کولو مکلف کړي.

(۶) د دافغانستان بانک مکلف دی له بانکو او نورو پولي ادارو څخه راټول شوي احصائیوي ارقام د سیاست ګذاری، د اړتیاوو مطابق د عامې خبرتیا او د نړیوالو ادارو په وړاندې د خپلو مسئولیتونو د سرته رسولو په منظور برابر او وړاندې کړي.

(۷) د دافغانستان بانک کولای شي د خپلو څارنیزو، سیاست ګذاری، او احصائیوي دندو او مسئولیتونو د پرمخ بیولو په منظور، بانکونه، استازي یې او نورې پولي ادارې د دوی د افرادو یا شرکتونو د خاصو معاملو په هکله د معلوماتو په

فعالیتهای خود، نماید. د افغانستان بانک مکلف است احصائیه ها را در مطابقت با معیارها و روش های بین المللی تدوین نماید.

(۵) د افغانستان بانک می‌تواند مؤسسات مالی غیربانکی و نمایندگان آنها را که در کشور فعالیت می‌نمایند، به تهیه و ارایهٔ راپور های سلانه، ربع وار یا راپور های احصائیوی با فواصل زمانی کمتر مکلف نماید.

(۶) د افغانستان بانک مکلف است ارقام احصائیوی جمع آوری شده از بانکها و دیگر ادارات پولی را مطابق نیاز های سیاست گذاری بمنظور آگاهی عامه و انجام مسئولیت هایش در قبال ادارات بین المللی تهیه و ترتیب نماید.

(۷) د افغانستان بانک می‌تواند بمنظور پیشبرد وظایف و مسئولیت های نظارتی، سیاست گذاری و احصائیوی خویش بانکها، نماینده گان و سایر ادارات پولی را به تهیه و ارایهٔ معلومات در مورد معاملات

برابرولـواو وړانـدې کولـو مکلـف کړي.

(۸) د دافغانستان بانک مکلف دی د احصائیوي معلوماتو له خپرولو د مخـه چـې د هغـو لـه املـه د اشخاصـو او تـشبثاتو سـوداګریز اړیکـي، عـامو خلکوتـه بربنـډ (افشاء) کړي، د هغو کتبي موافقه واخلي.

(۹) د دافغانسـتان بانـک کـولای شي څارونکـو او نـورو واکمنـو مراجعوتـه د دوی د رسـمي دنـدو د سـرته رسـولو لپـاره د افـرادو او خاصو شرکتونو د معاملو په هکله د بـانکي او پـولي ریکـاردونو د محرمیت په باب معلومات برابر کړي.

(۱۰) د دافغانـستان بانـک کـولای شـي د بـانکونو، پـولي ادارو او د دوی د استازو (اېجنټانو) او اداري پـرخلاف د هغـو لخـوا د نابـشپړو معلومـاتو د برابرولـو، پـه رپـوټ ورکونـه کـې د ځنډ، د نـه رپـوټ ورکـونې، د غیرمـؤثقې رپـوټ ورکـونې پـه صـورت کـې تعزیـرات وضع کړي.

(۱۱) هغـه شخص چې د دې مـادې خـاص افـراد یـا شـرکت هـای شـان مکلف نماید.

(۸) د افغـانـستان بانـك مکلـف است قـبل از انـتشار معلومات احصـائیوی کـه در اثـر آن روابـط تجـارتی اشـخاص و تـشبثات، بـه عامـه مـردم افـشاء مـی‌شـود موافقـۀ کتبـی آنهـا را اخـذ نماید.

(۹) د افغانـستان بانـك مـی‌توانـد راجـع بـه محرمیـت ریکـارد هـای بانکی و پولی برای نظارت کننده گان و سایر مراجع ذیصلاح جهت انجـام وظـایف رسـمی شـان، در مـورد معـاملات، افـراد و شـرکت هـای خـاص، معلومـات تهیـه نماید.

(۱۰) د افغانستان بانك مـی‌توانـد علیـه بانکهـا، ادارات پـولی و نمایندگان (ایجنت ها) و ادارۀ آنها در صـورت تهیـه معلومـات نـا مکـمل، تـأخیر در راپور دهـی، عـدم راپـوردهی، راپـور دهـی غیـر مـؤثق از طـرف آنهـا، تعزیـرات وضـع نماید.

(۱۱) شخـصی‌که به موجب حکم

د حکم په موجب، د دافغانستان بانک ته د احصائیوي معلوماتو په برابرولو مؤظف کېږي، د اړوندو مقرراتو د شرایطو مطابق د اطلاعاتو په برابرولو او وړاندې کولو مکلف دی، د احصائیوي اطلاعاتو له برابرولو څخه اهمال جرم ګڼل کېږي، مرتکب یې په حبس چې له شپږو میاشتو څخه زیات نه وي یا نقدي جریمه چې له دولسو زرو افغانیو څخه زیاته نه وي یا دواړو په جزاء محکومېږي.

مصئونیتونه

یوسلو اتلسمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک د عالي شورى غړي، د ټولو رئیس، مرستیال، د ټولو ناظر، کارکوونکی یا استازی او د تصفیې مدیر چې د دې قانون یا د بانکوالۍ د قانون د حکمونو مطابق مقرریږي، د دندې د اجراء په وخت کې له خپل عمل یا تېروتنې (اشتباه) څخه د راپیدا شوي زیان د جبران مسئول ندي، خو دا چې اعمال یې له ناوړه (سوء) نیت څخه راپیدا شوي وي.

(۲) د دافغانستان بانک د لاندې

این ماده مؤظف به تهیۀ معلومات احصائیوی به د افغانستان بانك می گردد، مکلف به تهیه و ارایۀ اطلاعات مطابق شرایط مقررات مربوط می‌باشد. اهمال از تهیۀ اطلاعات احصائیوی جرم شناخته شده مرتکب آن به حبسی که از شش ماه تجاوز نه نماید یا جریمۀ نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد و یا هر دو محکوم به جزاء می گردد.

مصئونیتها

مادۀ یکصد و هجدهم:

(۱) اعضای شورای عالی، رئیس کل، معاون، ناظر کل، کارکن یا نمایندۀ د افغانستان بانك یا متولی و مدیر تصفیه که طبق احکام این قانون یا قانون بانکداری مقرر می‌گردند، مسئول جبران خسارۀ ناشی از عمل یا اشتباه شان حین اجرای وظیفه نمی‌باشند مگر اینکه اعمال شان ناشی از سوء نیت باشد.

(۲) د افغانستان بانك از پرداخت

مـالیاتو او محصـولاتو لـه ورکړې څخه معاف دی:
۱- پـر عایـداتو یـا ګټـو بانـدې مـالیات یا ګټې.
۲- پرشـتمنیو بانـدې د شخـصي املاکو مـالیات.
۳- د وجوهـو پـر انتـقال یـا نـورو مـالي معاملو باندې مـالیات.
۴- هغه مـالیات چې د صکوکو په ډول د بهـالرونکو سـندونو او بـانکنوټونو پـر صـادرولو وضـع کېږي.
۵- ګمرکـي محـصولات، وارداتـي محصولات، د خرڅلاو مـالیات، د سـرو زرو، بـانکنوټونو او سـکو پـر واردولـو بانـدې پـر اضـافه شـوي ارزښت مـالیات چې د افغانـستان بانک ته انتـقالېږي.
۶- د سـرو زرو، بـانکونو او سـکو پر کورنیـو زېرمـو باندې د خرڅلاو مـالیات.
(۳) د دافغـانـستان بانـک، پرمنقولو شتمنیو باندې د مـالیاتو د ورکړې په اړه، پـر نـورو وزارتونـو او ادارو بانـدې د نافـذو قوانینـو د حکمونو تابع دی.
(۴) د دافـغانـستان بانـک د نـورو مـالیاتو و محـصـولات ذیـل معاف می باشد:
۱- مـالـیات بـر عایدات یا منافع.
۲- مـالیـات املاك شخصی بر دارایی ها.
۳- مـالیات بـر انتـقال وجـوه یـا سایر معاملات مـالی.
۴- مـالیاتی کـه بـه شـکل صـکوك بـر صـدور اسـناد بهـادار و بانکنوتهـا وضـع مـی گردد.
۵- محـصولات گمرکـی، محـصولات وارداتـی، مـالیات فـروش، مـالیات بـر ارزش اضـافه شـده برتوریـد طـلا، بانکنوتهـا و سکه هایکه بـه دافغانستان بانك انتـقال داده می شوند.
۶- مـالیـات فـروش بـر ذخـایر داخـلی طـلا، بانکنوتها و سکه ها.
(۳) د افغانـستان بانـك در رابطـه به پرداخت مـالیات بر دارائی های منقـول تـابع احکـام قـوانین نافـذه بـالای سـایر وزارت هـا و ادارات می‌باشد.
(۴) د افغانـستان بانـك مکلف بـه

مالـیاتو او محصـولاتو په ورکړه مکلف دی، خـو دا چې قـانون بـل ډول حکم کړی وي.

د ورۀ اداري معیارونه
یوسلو نولسمه ماده:
(۱) د دافغانـستان بانـک مکلـف دی، سپارل شوي هدفونه، د قـانون د حکمونو مطابق لاس ته راوړي.
(۲) د دافغانـستان بانـک مکلـف دی، خپـل تـصمیمونه د قـانون د حکمونـو مطابق په بې پلوی سره ونیسي.
(۳) د دافغانـستان بانـک مکلـف دی، د محـدودیتونو د وضـع کولـو پـه وخـت کـې د فعالیـت پـه سـرته رسـولو او د خـدمتونو پـه برابرولـو کې د ګټو تناسب په پام کې ولري.

اماني حسابونه
یوسلو شلمه ماده:
د دافغانـستان بانـک کـولای شـي، دولـت یـا نـورو دولتـي ادارو یـا مؤسـسو تـه د ورکـړل شـوو بهرنیـو مبـالغو د اداري او سـاتنې پـه منظـور، د موافقـه لیـک د شـرایطو مطابق، په خپلو دفترونوکې امانې حـسابونه افتتـاح کـړي. پـه دغـو حسابونو کې ثبت شوې شـتمنۍ د پرداخـت سـایر مـالیات و محصولات می باشد، مگر اینکه قانون طور دیگر حکم نموده باشد.

معیار های ادارۀ شایسته
مادۀ یکصد و نزدهم:
(۱) د افغانـستان بانـک مکلـف اسـت، اهـداف محولـه را مطـابق احکام قانون بر آورده سازد.
(۲) د افغانـستان بانـک مکلـف اسـت، تـصامیم خـویش را مطـابق احکـام قـانون طـور بـی طرفانـه اتخاذ نماید.
(۳) د افغـانستان بانک مکلف است حین وضع محدودیت ها در انجـام فعـالیت و تهیـۀ خـدمت، تنـاسـب منافع را در نـظر داشته باشد.

حسابات امانی
مادۀ یکصد و بیستم:
د افغانـستان بانـک می‌توانـد بـه منظـور اداره و نگهـداری مبـالغ اعطاء شـدۀ خارجـی به دولت یـا سـایر ادارات و مؤسـسات دولتـی، مطـابق شـرایط مـوافقت نامـه حسابات امـانی را در دفـاتر خـود افتتـاح نمایـد. دارائـی هـای ثبـت شـدۀ ایـن

هغه د ثبت شوو بديهيو په وړاندې د ګټې اخيستنې وړ دي يا د موافقه ليک د شرايطو مطابق، پدې برخه کې اجراآت صورت مومي.
نوري شتمنۍ د بديهيو په وړاندې د ګټې اخيستنې وړ ندي.
د دافغانستان بانک کولای شي د دغو حسابونو د اداري په مقابل کې حق الزحمه واخلي.

د جواز او ثبت نه لرونکي اشخاص يوسلو يوويشتمه ماده:
(۱) د دافغانستان بانک کولای شي، د حسابونو، دفترونو او د ثبت د نورو ريکاردونو د پلټنې او څېړنې په منظور، د ارټيا په صورت کې جبراً د هغو اشخاصودفترونو ته ور ننوځي چې له جواز او ثبت پرته فعاليت کوي، پدې صورت کې اړوندې امنيتي مراجع مکلفې دي له د افغانستان بانک سره همکاري وکړي.
(۲) په هغه صورت کې چې شخص يا مؤسسه د جواز له لرلو او ثبت پرته فعاليت وکړي. د دافغانستان بانک د يوې اونۍ په موده کې د دغو فعاليتونو د درولو (توقف) په منظور هغو ته دستور ورکوي، د

حسابات به عوض بديهی های ثبت شده آن قابل استفاده بوده يا مطابق شرايط موافقتنامه در اين زمينه اجراآت صورت ميگيرد.
ساير دارائی ها به عوض بديهی ها قابل استفاده نمی باشد.
د افغانستان بانک می‌تواند در مقابل ادارۀ اين حساب ها حق الزحمه اخذ نمايد.

اشخاص فاقد جواز و ثبت
مادۀ يکصد و بيست و يکم:
(۱) د افغانستان بانك می‌تواند به منظور تفتيش و بازرسی حساب ها، دفاتر و ساير ريکارد های ثبت، در صورت ضرورت جبراً وارد دفاتر اشخاصی‌که بدون جواز و ثبت فعاليت می‌نمايند، گردد. در اين صورت مراجع امنيتی مربوط مکلف اند با د افغانستان بانك همکاری نمايند.
(۲) در صورتی‌که شخص يا مؤسسه بدون داشتن جواز و ثبت فعاليت نمايد، د افغانستان بانك بمنظور توقف اين فعاليت ها در طی يك هفته، برای وی دستور

سرغړونې په صورت کې د دافغانستان بانک موضوع د مالي شخړو د حل کمېسیون ته وړاندې کوي.

کمېسیون کولای شي، د دافغانستان بانک په واسطه د سرغړوونکي د شتمنیو، دفترونو او سندونو د ضبطولو امر صادر کړي، کمېسیون مکلف دی د یوې اونۍ په موده کې، د څېړنې په جلسه کې د ګډون په غرض، طرفینو ته بلنه ورکړي.

د څېړنې په پای کې کمېسیون کولای شي د بانکوالۍ د قانون مطابق، د شخص د شتمنیو د لیلام امر ورکړي یا ضبط لغوه کړي او د د افغانستان بانک د زیان په جبران مکلف کاندي.

د انحلال په صورت کې تر لاسه شوي عاېدات د کمېسیون د لګښتونو او د دافغانستان بانک د نورو لګښتونو د امانت اېښودونکو د ودیعو لپاره د ترجیح په ترتیب سره وېشل کېږي. نورې شتمنۍ خاوندانو ته مستردیږي یا ضبطېږي.

میدهد. در صورت تخلف دافغانستان بانک موضوع را به کمیسیون حل منازعات مالی محول می‌نماید.

کمیسیون می‌تواند امر ضبط دارائیها، دفاتر و اسناد متخلف توسط دافغانستان بانک، را صادر نماید. کمیسیون مکلف است طی مدت یک هفته از طرف های ذیربط، غرض اشتراک در جلسهٔ رسیدگی، دعوت بعمل آورد.

در ختم رسیدگی کمیسیون می‌تواند مطابق احکام قانون بانکداری امر به لیلام دارائیهای شخص داده و یا ضبط را لغو نموده و د افغانستان بانک را مکلف به جبران خساره نماید.

در صورت انحلال، عایدات حاصله جهت پرداخت مصارف کمیسیون و سایر مصارف د افغانستان بانک و دایع امانت گذاران به ترتیب ترجیح توزیع می‌گردد. سایر دارائی ها به مالکین مسترد یا ضبط می گردد.

سرغړونې

یوسلو دوه ویشتمه ماده:

لدې قانون څخه هر ډول سرغړونه چې جزاء یې په بل ډول سره مشخص شوې نه وي، د جزاء د قانون له پنځه سوه شلمي مادې سره په مطابقت کې د قباحت د جرم او د دغو مقرراتو د نه موجودیت په صورت کې، د جزاء د قانون له څلور سوه اتلسمې مادې څخه د سرغړونې په توګه ګڼل کېږي او د عدلي تعقیب وړ ده.

تخلفات

مادۀ یکصد و بیست و دوم:

هر تخلف ازین قانون که جزای آن بطور دیگری مشخص نگردیده باشد، در مطابقت با مادۀ پنجصد و بیستم قانون جزاء بحیث جرم قباحت و در صورت عدم موجودیت چنین مقررات بمثابه تخلف از مادۀ چهار صد و هفتاد و هشت قانون جزأ تلقی گردید، قابل تعقیب عدلی میباشد.

د مقرراتو وضع کول

یو سلو درویشتمه ماده:

د دافغانستان بانک کولای شي، د دې قانون د ښه تطبیق په منظور، مقررات وضع کړي.

وضع مقررات

مادۀ یکصد و بیست و سوم:

د افغانستان بانک می‌تواند بمنظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقررات وضع نماید.

څوارلسم فصل
انتقالي حکمونه

فصل چهاردهم
احکام انتقالی

د قرار دادونو او معاملو مرعي الاجراء والي

یو سلو څلېریشتمه ماده:

قرارداد، خرڅلاو، برأت، سند یا بهالرونکی سند، معامله، موضوع یا هغه شی چې په پیسو پورې تړلی

مرعی الاجراء بودن قراردادها و معاملات

مادۀ یکصد و بیست و چهارم:

قرارداد، فروش، برات، حجت، سند یا سند بهادار، معامله، موضوع یا چیزی که

یا د پیسو په ورکړې یا د ورکړې په مکلفیت کې شامل وي، په هغه صورت کې چې د دې قانون له انفاذ څخه د مخه پیل یا یې تحقق مونډلی وي، مرعي الاجرأ ګڼل کېږي.

د سوداګریزې بانکوالۍ خدمتونه یو سلو پنځه ویشتمه ماده:

په هغه صورت کې چې د هېواد په نورو ځایونو کې سوداګریز بانکي خدمتونه ممکن نه وي، د دافغانستان بانک کولای شي دغه خدمتونه د دوو کلونو لپاره په خپلو دفترونو کې د سوداګریزو حسابونو د لرونکو لپاره چې په سودا ګریزه فعاله راکړه ورکړه باندې بوخت وي، وړاندې کړي. په هغه صورت کې چې بانک په یوه سیمه کې د سودا ګریزو بانکي خدمتونو په سرته رسولو قادر شي. د دافغانستان بانک کولای شي په لیکلې خبرتیا سره خپلو مشتریانو ته دغه خدمتونه پای ته ورسوي او حسابونه یې بند کړي. د سوداګریزو بانکي خدمتونو وړاندې کول یا نه وړاندې

مربوط به پول یا شامل پرداخت یا مکلفیت پرداخت به پول باشد، در صورتی‌که قبل از انفاذ این قانون شروع یا تحقق پذیرفته باشد، مرعی الاجراء پنداشته می شود.

خدمات بانکداری تجارتی

مادۀ یکصد و بیست و پنجم:

در صورتی‌که در سایر نقاط کشور خدمات بانکی تجارتی توسط بانکها ممکن نباشد، د افغانستان بانک می‌تواند این خدمات را برای مدت دو سال برای دارندگان حساب های تجارتی در دفاتر خود که مشغول داد و ستدهای تجارتی فعال می‌باشند، عرضه نماید.

در صورتی‌که بانک قادر به انجام خدمات بانکی تجارتی در یک منطقه گردد، د افغانستان بانک می تواند با اطلاع کتبی به مشتریان به عرضۀ این خدمات بانکی تجارتی خاتمه داده و حساب های آن را مسدود نماید.

کول، د دې مادې مطابق نشي کولای د دې خدمتونو د وړاندې کولو لپاره د دافغانستان بانک په واسطه د بشپړو شوو موافقه لیکونو پر اعتبار اغیزه ولري.

د څېړنې خپلواکه کمیته
یو سلو شپږویشتمه ماده:
د دې قانون د انفاذ له نېټې څخه وروسته د یوې میاشتې مودې په ترڅ کې له کورنیو، بهرنیو او نړیوالو متخصصینو څخه جوړ د څېړونکو، مرکزي بانکوالۍ د متخصصینو او عنداللزوم د نورو متخصصینو په ګډون یوه خپلواک کمیټه جوړېږي تر څو د دافغانستان بانک ټولې شتمنۍ او بدیهۍ د مشروطو شتمنیو او بدیهیو، په دولتي تصدیو کې د دافغانستان بانک د ونډو او په بهرنیو حسابونو کې د دافغانستان بانک د نقدو وجوهو او موجودو سرو زرو په شمول، د هغه شتمنۍ وټاکي او ویې ارزوي او یو بیلانس شیټ چې د حساب څېړنې له نړیوالو معیارونو سره په مطابقت کې د بهرنیو خپلواکو څېړونکو په

عرضه یا عدم عرضه خدمات بانکی تجارتی مطابق این ماده نمی‌تواند تأثیری بر اعتبار موافقتنامه های تکمیل شده توسط د افغانستان بانک جهت عرضهٔ این خدمات داشته باشد.

کمیتهٔ مستقل بررسی
مادهٔ یکصد و بیست و ششم:
در خلال مدت یکماه بعد از تاریخ انفاذ این قانون یك کمیته مستقل مرکب از متخصصین داخلی و بین المللی بشمول بررسها، متخصصین بانکداری مرکزی و عنداللزوم سایر متخصصین تشکیل می گردد تا تمام دارایی ها و بدیهی های د افغانستان بانك بشمول دارائی ها و بدیهی های مشروط، سهام د افغانستان بانك در تصدیهای دولتی و دارائی های د افغانستان بانك بشمول وجوه نقدی و طلای موجود در حسابات خارجی آن را تعیین و ارزیابی نماید و یك بیلانس شیت را که در مطابقت با معیار های بین المللی حساب رسی توسط بررسهای مستقل

واسطه څېړل شوې وي، تصویب کړي.
د هغه د جوړېدو له نېټې څخه د پنځو میاشتو په ترڅ کې کمیټې د دغو معلوماتو پر بنسټ په لاندې مواردو کې خپل وړاندېزونه وړاندې کوي:
۱- د دافغانستان بانک د مجازې پانګې میزان.
۲- د دافغانستان بانک زېرمه ایزو حسابونو ته د وجوهو د تخصیص میکانیزم.
۳- په دولتي تصدیو کې د دافغانستان بانک د ونډو د پلورلو یا خوشې کولو او د نورو غیرمرتبطو شتمنیو د پل و هلو (ردیابی) پروسه.
۴- له د افغانستان بانک څخه د تېرو حکومتونو پورونې.

تصدیو ته اسعاري حسابونه
یو سلو اووه ویشتمه ماده:
د دافغانستان بانک مکلف دی، د دې قانون له انفاذ وروسته د شپږو میاشتو مودې په ترڅ کې، په یو اړخیز ډول ټول هغه حسابونه چې د کورنیو تصدیو په استازیتوب یې په بهرنیو مالي مؤسسو کې افتتاح

بیرونی بررسی گردیده باشد، تصویب نماید.
در خلال پنج ماه از تاریخ تأسیس آن، کمیته به اساس این معلومات در موارد ذیل پیشنهادات خود را ارایه می‌نماید:
۱- میزان سرمایهٔ مجاز د افغانستان بانك.
۲- میکانیزم تخصیص وجوه به حسابهای ذخیره یی د افغانستان بانك.
۳- پروسهٔ به فروش رسانیدن یا رها کردن سهام د افغانستان بانك در تصدی های دولتی و ردیابی سایر دارایی های غیر مرتبط.
۴- مقروضیت های حکومات گذشته از د افغانستان بانك.

حسابهای اسعاری برای تصدیها
مادهٔ یکصد و بیست و هفتم:
د افغانستان بانك مکلف است در خلال مدت شش ماه بعد از انفاذ این قانون بصورت یك جانبه تمام حسابات را که به نمایندگی از تصدی های داخلی در مؤسسات

کړيدي او ساتل کېږي، بند او منحل کړي او پر دغو حسابونو باندې د تطبيق وړ ټول موافقه ليکونه فسخ او د دغو حسابونو د پاتو شتمنيو خالص ټول (مجموعي) مبلغ دولت ته را و ګرځوي، د دغو شتمنيو د خالص مجموع مبلغ محاسبه، له دغو حسابونو سره په رابطه کې له د افغانستان بانک څخه د دغو تصديو د بديهيو د مجموعي مبلغ له وضع کولو وروسته، په افغانيو باندې د دغو ټولو حسابونو د ټولې شتمنۍ له جمعې څخه عبارت ده.

د يوه حساب دشتمنيو د خالص مجموعي مبلغ د محاسبې لپاره فقط د يوه حساب د هماغې ورځې د مبادلې ورکړل شوی نرخ، د اعتبار وړ دی.

په هغه صورت کې چې د شتمنيو خالص مجموعي مبلغ منفي وي، دولت دغه مبلغ د دافغانستان بانک د خبرتيا له ترلاسه کولو وروسته، د شپږو مياشتو په ترڅ کې ورکوي.

مالی خارجی افتتاح نموده و نگهداری می شوند، مسدود و منحل ساخته و تمام موافقتنامه های قابل تطبیق بر این حسابها فسخ و مجموع خالص دارائی های باقیمانده این حسابها را به دولت باز گرداند، محاسبهٔ مبلغ مجموع خالص این دارائی ها عبارت از جمع کل دارائی های تمام این حسابها بعد از وضع نمودن مبلغ مجموع بدیهی های این تصدی ها در رابطه با این حسابها از د افغانستان بانک به افغانی می باشد. جهت محاسبه مبلغ مجموعی خالص دارائی های یک حساب فقط نرخ مبادلهٔ داده شدهٔ همان روز مدار اعتبار می‌باشد.

در صورتی که مبلغ مجموعی خالص دارائی ها منفی باشد، دولت این مبلغ را در خلال شش ماه پس از دریافت اطلاعیهٔ د افغانستان بانک پرداخت می‌نماید.

د جواز نوي کول

یوسلو اته ویشتمه ماده:

اشخاص مکلف دي د دغه قانون له انفاذ وروسته د شپږو میاشتو په موده کې د جواز د نوي کولو لپاره د دافغانستان بانک ته غوښتنلیک ورکړي.

د غوښتنلیک د ردېدو په صورت کې، پخوانی جواز لغوه ګڼل کېږي.

تجدید جواز

مادۀ یکصد و بیست و هشتم:

اشخاص مکلف اند بعد از انفاذ این قانون در ظرف شش ماه جهت تجدید جواز به دافغانستان بانک در خواست دهند.

در صورت رد درخواست جواز قبلی لغو می گردد.

د مالیې دوزیر په واسطه د عالي شوری د یوه غړي معرفي کول

یو سلو نهه ویشتمه ماده:

د دې قانون له انفاذ وروسته، د دریو لومړیوکلونوپه بهیرکې، د دافغانستان بانک د عالي شوری له غړو څخه د یوه تن مقرربدل (د ټولو د رئیس او لومړي مرستیال پرته) د مالیې د وزیر په وړاندیز صورت مومي.

معرفی یک عضو شورای عالی توسط وزیر مالیه

مادۀ یکصد و بیست و نهم:

در جریان سه سال اول بعد از انفاذ این قانون تقرر یکی از اعضای شورای عالی د افغانستان بانک (به استثنای رئیس کل و معاون اول). به اساس پیشنهاد وزیر مالیه، صورت می گیرد.

د تابعیت د اصل تعلیق

یو سلو دېرشمه ماده:

د دې قانون له انفاذ وروسته، د دوو کلونو په ترڅ کې، په عالي شوری او عامل هیئت کې د غړیتوب په منظور، د افغانستان د تابعیت د درلودلو اړتیا د تعلیق په

تعلیق اصل تابعیت

مادۀ یکصد و سی ام:

در خلال دو سال اول بعد از انفاذ این قانون، ضرورت داشتن تابعیت افغانستان بمنظور عضویت در شورای عالی و هیئت عامل بحالت تعلیق

حالت کې راځي.

په سیاسي فعالیتونو پورې د اړوندو موادو دنفاذ ځنډېدل

یوسلو یودېرشمه ماده:

د سیاسي فعالیتونو په اړه د څلورمې مادې د (۵) فقرې او د دوولسمې مادې د (۱) فقرې د (۸) جزء حکمونه، د هغې اداري له لومړۍ ورځې څخه چې د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت پرځای کښېنې، نافذ ېږي.

د احتیاطي مقرراتو تدریجي تطبیق

یو سلو دوه دېرشمه ماده:

(۱) د دافغانستان بانک مکلف دی هغه احتیاطي تدبیرونه چې د دې قانون او د بانکوالۍ د قانون په موجب اړین ګڼل کېږي، مقررات وضع او هغه د دې قانون له نافذېدو وروسته د دریو کلونو په موده کې تدریجاً تطبیق کړي.

(۲) په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک د خپلو څارنیزو دندو په سرته رسولو قادر نه وي، کولای شي د بهرنیو اسعارو صرافان، د ورکړې د سیستم مجریان، د پولي او بهالرونکو قرار می گیرد.

تأخیر نفاذ مواد متعلق به فعالیتهای سیاسی

مادۀ یکصد و سی و یکم:

احکام فقرۀ (۵) مادۀ چهارم و جزء (۸) فقرۀ (۱) مادۀ دوازدهم در رابطه به فعالیتهای سیاسی در اولین روز اداره ایکه جانشین دولت انتقالی اسلامی افغانستان می‌گردد، نافذ می‌گردد.

تطبیق تدریجی مقررات احتیاطی

مادۀ یکصد و سی و دوم:

(۱) د افغانستان بانک مکلف است تدابیر احتیاطی که به موجب این قانون و قانون بانکداری ضروری پنداشته میشود، مقررات وضع و آنرا طی مدت سه سال بعد از انفاذ این قانون تدریجاً تطبیق نماید.

(۲) در صورتی‌که د افغانستان بانک قادر به انجام وظایف نظارتی خود نباشد، می‌تواند صرافان اسعار، مجریان سیستم پرداخت، تهیه کننده گان خدمات پولی

سندونو د خدمتونو برابروونکي او نور هغه اشخاص چې د دې قانون او د دافغانستان بانک د بانکوالۍ د قانون په موجب پر هغو باندې د څارنې واک (صلاحیت) لري، د دې مادې د (۱) فقرې له حکم څخه معاف کړي.

د عالي شوری د غړو د تقرر په هکله حکم

یوسلو دري دېرشمه ماده:

د ملي شوری دنه موجودیت په صورت کې، د دافغانستان بانک د عالي شوري غړي، د افغانستان د جمهور رئیس لخوا مقرر ېږي.

انفاذ

یو سلوڅلور دېرشمه ماده:

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ دی او په رسمي جریده کې دې خپور شي او په خپرېدو سره یې، د ۱۳۷۷/۸/۱۶ نېټې په (۷۷۰) ګڼه رسمي جریده کې خپور شوی د پیسو او بانکوالۍ قانون او نور اړوند تقنیني سندونه او مغایر حکمونه لغوه ګڼل کېږي.

و اسناد بهادار و سایر اشخاصی‌که به موجب این قانون و قانون بانکداری د افغانستان بانك صلاحیت نظارت بر آنها را دارد، از حکم فقرۀ (۱) این ماده معاف نماید.

حکم در مورد تقرر اعضای شورای عالی

مادۀ یکصد و سی و سوم:

در صورت عدم موجودیت شورای ملی، اعضای شورای عالی دافغانستان بانك توسط رئیس جمهور افغانستان مقرر می شوند.

انفاذ

مادۀ یکصد و سی وچهارم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد و با انفاذ آن قانون پول و بانکداری منتشرۀ جریدۀ رسمی شماره (۷۷۰) مؤرخ ۱۳۷۷/۸/۱۶ و سایر اسناد تقنینی مربوط و احکام مغایر ملغی پنداشته می‌شود.

قانون بانکداری

د افغانستان د بانکداری د قانون د انفاذ په هکله، د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت د رئیس فرمان

ګڼه: (۶۳)
نېټه: ۱۳۸۲/۶/۲۷

د ننني عصر له مقتضیاتو سره د بانکي قوانینو د هماهنګ کولو په خاطر او د بشپړې ډاډمنې او مصؤنې فضاء د رامنځته کولو، په بانکي سیستم کې د کورنیو او بهرنیو او نورو نړیوالو مراجعو د خصوصي پانګې اچونې د اعتماد د جلبولو او لازیاتې هڅونې، په اقتصادي ژوندانه کې د هغوی د کارنده برخې اخیستنې او خصوصي برخې ته د دولت د پام اړونې په منظور، د افغانستان د بانکداری قانون، د لوی خدای (ج) په نامه توشیح کوم. دغه قانون د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي.

حامد کرزی
د افغانستان د انتقالي اسلامي دولت رئیس

فرمان
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مورد انفاذ قانون بانکداری افغانستان

شماره: (۶۳)
تاریخ: ۱۳۸۲/۶/۲۷

بخاطر هماهنگ ساختن قوانین بانکی با مقتضیات عصر حاضر و به منظور ایجاد فضای کاملاً مطمئن و مصؤن و جلب اعتماد و تشویق هر چه بیشتر سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی و سایر مراجع بین المللی در سیستم بانکی و سهم گیری فعال شان در حیات اقتصادی و عطف توجه دولت به بخش خصوصی، قانون بانکداری افغانستان را بنام خدای توانا توشیح می‌نمایم. این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

د بانکداری قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

اصطلاحګاني

لومړی ماده:

لاندې اصطلاحګاني په دې قانون کې لاندینۍ معناوې لري:

۱- مدیر: هغه شخص دي چې د بانک د نظار هیئت، عامل هیئت یا د څېړنې (بررسي) د کمېسیون غړی وي او یا د هغه د مدیریت په بست کې دنده ترسره کړي.

۲- بانک: هغه حکمي شخصیت دی چې د اعتباراتو د جوړونې یا د پانګې اچونې په منظور، خپل حساب ته له ټولو څخه په راکړې ورکړې او د پولي سپارنو یا د ورکړې وړ نورو وجوهو په ترلاسه کولو مشغول وي.

۳- بانکي مور (مادر) شرکت: هغه شرکت دی چې د یوه هېواد د بانکونو د تنظیمونکي لخوا چې مقر یې هلته واقع دی، تنظیمېږي او د هغه یو یا له یوه څخه زیات تابع شرکت د بانکي جواز لرونکی وي.

قانون بانکداری
فصل اول
احکام عمومی

اصطلاحات

مادۀ اول:

اصطلاحات آتی در این قانون معانی ذیل را دارا می‌باشد:

۱- مدیر: شخصی است که عضو هیئت نظار، هیئت عامل یا کمیتۀ بررسی بانک بوده و یا در بست مدیریت آن ایفای وظیفه می نماید.

۲- بانک: شخصیت حکمی است که به منظور ایجاد اعتبارات یا سرمایه گذاری مشغول دادوستد و دریافت سپرده های پولی یا سایر وجوه قابل باز پرداخت از عموم، برای حساب خود باشد.

۳- شرکت بانکی مادر: شرکتی است که توسط تنظیم کنندۀ بانکهای کشوریکه مقرش در آن واقع است، تنظیم می‌شود و یک یا بیشتر از یک شرکت تابع آن دارای جواز بانکی باشد.

۴- د بانکداری جواز: هغه اجازه لیک دی چې له ټولو خلکو څخه د اماناتو او سپارنو یا د ورکړې وړ نورو وجوهو د ترلاسه کولو په کسب باندې د بوختېدو، د اعتبار د ورکولو او پانګې اچونې لپاره د د افغانستان بانک لخوا یوه شرکت ته صادرېږي.

۵- بانکي فعالیتونه: هغه فعالیتونه چې د دې قانون په دري دېرشمه ماده کې درج شوي دي.

۶- فرع یا د فرعي دفتر: د راکړې ورکړې هغه ځای دی چې د قانون مطابق په بانک پورې اړه لري او په هغه کې د بانکداری ټولې یا یوه برخه چارې ترسره کېږي. په دې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق د غیر مېشت بانک ټول داخلي فروع دفترونه، د واحدې نمایندګۍ د دفتر په توګه ګڼل کېږي. د نمایندګۍ له هغه دفترسره د دافغانستان بانک مراسلات او مکاتبات چې د غیر مېشت بانک لخوا هغه ته ورپېژندل کېږي او یا د نه ورپېژندنې په صورت کې، د هغه نماینده ګۍ له دفترسره چې د د افغانستان بانک

۴- جواز بانکداری: اجازه نامه ایست که جهت اشتغال به پیشهٔ دریافت امانات و سپرده ها یا سایر وجوه قابل بازپرداخت از عموم مردم، اعطای اعتبار و سرمایه گذاری ها توسط د افغانستان بانك به یك شرکت صادر می‌شود.

۵- فعالیت های بانکی: فعالیت هایی است که در مادهٔ سی و سوم این قانون درج گردیده است.

۶- فرع یا دفتر فرعی: محل داد و ستد است که طبق قانون متعلق به بانك بوده و کلیه یا برخی امور بانکداری در آن انجام می‌شود. طبق احکام مندرج این قانون تمام دفاتر فروع داخلی بانك غیر مقیم بحیث دفتر نمایندگی واحد پنداشته می‌شود. مراسلات و مکاتبات د افغانستان بانك با دفتر نمایندگی ایکه بانك غیر مقیم معرفی می کند و یا در صورت عدم معرفی، با دفتر نمایندگی ایکه خود دافغانستان بانك لازم می‌داند، صورت

يې لاړم وګڼي صورت موندلی شي.

۷- اعتبار: د يوه مبلغ هر ډول ورکړه يا د ورکړې ژمنه ده چې د ټکټانې له ورکولو سره د ورکړل شوي مبلغ د بېرته ورکړې د حق، د نورو تضمين شويو يا ناتضمين شويو لګښتونو، د پور هر ډول تمديد، هرډول صادر شوي تضمين او د پور د بها لرونکو سندونو د پېرودلو او يا د مبلغ د ورکړې د ژمنې د نورو ډولونو په عوض چې په مستقيمه توګه يا د ټکټانې د تخفيفي پېرودنې د يوې بيې په واسطه ورکول شوی وي.

۸- د پور بها لرونکي سندونه: د معاملې وړ د پور سند، د هغه معادل سند او د معاملې وړ سند دی چې د ګډون يا تبادلې د ژمنې له لارې د معاملې وړ د پور د بل بها لرونکي سند د حصول حق ورکړي. د پور بها لرونکي سندونه د دفتر په ثبت شوي سند کې شامل دی.

۹- سپارنه: د يوه مبلغ پيسو تحويلول دي چې د بانک د دفترونو د جاري يا سپما په يوه حساب کې شاملېږي. دغه تحويلي د يو ټرون

گيرد.

۷- اعتبار: هر نوع پرداخت يا تعهد به پرداخت يك مبلغی است كه به عوض حق باز پرداخت مبلغ اعطا شده با پرداخت تكتانه، ساير مصارف تضمين شده يا تضمين ناشده، هر نوع تمديد قرضه، هر نوع تضمين صادر شده و خريد اسناد بهادار قرضه يا ساير اشكال تعهد پرداخت مبلغ كه بطور مستقيم يا توسط يك قيمت خريد تخفيفی تكتانه پرداخته شده است، می‌باشد.

۸- اسناد بهادار قرضه: سند قرضۀ قابل معامله، سند معادل آن و سند قابل معامله است كه حق حصول سند بهادار قرضۀ قابل معاملۀ ديگر از طريق تعهد اشتراك يا تبادله را بدهد. اسناد بهادار قرضه شامل سند ثبت شده در دفتر می‌باشد.

۹- سپرده: تحويلی مبلغ پول است كه در يك حساب جاری يا پس انداز در دفاتر بانك نگهداری می‌شود. اين تحويلی بر

پر بنسټ چې د سپارونکي یا د هغه د استازي او بانک ترمنځ، بل حساب ته د ېږته ورکړې، لېږدونې په هکله له ټکټانې یا له هغې پرته یا جائزې سره د سمدستي او میعادي غوښتنلیک په وسیله صورت مومي.

۱۰- داخلي: هغه حکمي شخص دی چې مرکزي دفتر یا د راکړې ورکړې اصلي ځای ئې په افغانستان کې واقع وي.

۱۱- غیر فعال حساب: هغه مفهوم دی چې د دې قانون د شپږ دېرشمې مادې په (۵) فقره کې درج دی.

۱۲- وړ او مناسب شخص: هغه امین او د باور وړ شخص دی چې حرفوي واکونه، کاري سابقه، مالي موقعیت یا بوختیا یې د د افغانستان بانک لخوا د بانک له مالکیت، اداري یا تولیت څخه نه وي سلب شوی. هغه شخص چې د جرم د ارتکاب له امله د واکمنې محکمې لخوا په حبس محکوم شوی وي، مناسب او وړ شخص نه ګڼل کېږي، خو دا چې محکومیت ئې د سیاسي یا اساس توافق بین سپرده گذار یا نماینده وی و بانک مبنی بر باز پرداخت، انتقال به یک حساب دیگر، با تکتانه یا بدون آن یا جایزه، بالوسیله درخواست آنی و میعادی صورت می گیرد.

۱۰- داخلی: شخص حکمی است که دفتر مرکزی یا محل اصلی داد و ستد آن در افغانستان واقع می‌باشد.

۱۱- حساب غیر فعال: مفهومی است که در فقرۀ (۵) ماده سی و ششم این قانون درج می باشد.

۱۲- شخص شایسته و مناسب: شخص امین و قابل اعتماد است که صلاحیت های حرفوی، سابقه کاری، موقعیت مالی یا مشغولیت وی از طرف د افغانستان بانک از مالکیت، اداره یا تولیت بانک سلب صلاحیت نگردیده باشد. شخصی که به اثر ارتکاب جرم توسط محکمۀ ذیصلاح به حبس محکوم گردیده باشد، شخص مناسب و شایسته شناخته نمی شود، مگر اینکه محکومیت وی

مذهبي فعاليتونو په اړه وي، يا د واکمنې محکمې لخوا ورشکسته اعلان شوی وي او يا د شخصي ناوړه چلند له امله د واکمن مقام له لوري د يوه کسب (حرفې) له ترسره کولو څخه بې واکه شوی وي او يا ئې واک د تعليق په حالت کې راوستل شوی وي.

مبنی بر فعالیت های سیاسی یا مذهبی باشد یا از طرف محکمهٔ ذیصلاح ورشکسته اعلان شده و یا به علت بدرفتاری شخصی، از طرف مرجع ذیصلاح از انجام یك حرفه سلب صلاحیت گردیده و یا صلاحیت وی به حالت تعلیق در آورده شده باشد.

۱۳- د افغانستان بانک: هغه مفهوم دی چې د د افغانستان بانک د قانون په لومړۍ ماده کې درج دی.

۱۳- د افغانستان بانك: مفهومی است که در مادهٔ اول قانون د افغانستان بانك درج می‌باشد.

۱۴- د مالي شخړو د حل او فصل کمېسيون: هغه کمېسيون دی چې د دې قانون په اته شپېتمه ماده کې درج دی.

۱۴ - کمیسیون حل و فصل منازعات مالی: کمیسیونی است که در مادهٔ شصت و هشتم این قانون درج می‌باشد.

۱۵- غير مېشت: د دې مادې په (۱۰) جزء کې درج شوي له حکمي شخصيت څخه د پرته په مفهوم دی.

۱۵ - غیر مقیم: شخصیت حکمی به غیر از مفهوم مندرج جزء (۱۰) این ماده می‌باشد.

۱۶- شخص: له حقيقي يا حکمي شخص څخه عبارت دی.

۱۶ - شخص: عبارت از شخص حقیقی یا حکمی است.

۱۷- واکمنه استحقاقي ونډه: په يوه تشبث کې مستقيمه يا غير مستقيمه ونډه ده چې لرونکې ئې په سلو کې د لس يا له هغې څخه د

۱۷ - سهم ا ستحقاقی ذیصلاحیت: سهم مستقیم یا غیر مستقیم در یك تشبث است که دارندهٔ آن مستحق ده

زیاتې پانګې یا د رائې ورکولو د حق یا د یوه تشبث په اداره کې چې نوموړې وندې په هغې کې واقع دي د پام وړ نفوذ د اعمالولو د امکان مستحق وي.

۱۸- د نمایندګۍ دفتر: په بانک پورې تړلی د راکړې ورکړې ځای دی چې په هغه کې پولي سپارنې یا د بېرته ورکړې وړ وجوه له ټولو خلکو څخه ترلاسه کېدلی نه شي.

۱۹- تابع شرکت: هغه حکمي شخصیت دي چې یو شخص یا د اشخاصو یوه ډله په ډله اېزه توګه په هغه کې په سلو کې د پنځوسو معادل یا له هغه څخه زیات د رأیو د حق لرونکو وندو یا د واکمنو وندو لرونکي وي او د شرکت په اداره او دسیاستونو او پروګرامونو په اجراء کولو کې ئې اغېزمن نفوذ او کنترول ولري.

ممنوعه فعالیتونه

دوه یمه ماده:

(۱) هېڅ شخص نه شي کولای له دافغانستان بانک څخه د بانکداری د جواز له ترلاسه کولو پرته، په هېواد کې د اعتبار د رامنځته کولو یا پانګې اچونې په فیصد یا بیشتر از سرمایه یا حق رأی یا امکان اعمال نفوذ قابل توجه در ادارهٔ یك تشبث که سهام مذکور در آن واقع است، می‌باشد.

۱۸ – دفتر نمایندگی: محل داد و ستد وابسته به بانك است که در آن سپرده های پولی یا وجوه قابل باز پرداخت از عموم مردم دریافت شده نمی تواند.

۱۹ – شرکت تابع: شخصیت حکمی است که یك شخص یا گروه از اشخاص بطور دسته جمعی در آن دارای معادل پنجاه در صد یا بیشتر سهام واجد حق رای یا سهام استحقاق ذیصلاحیت بوده، نفوذ و کنترول مؤثری در اداره و اجرای سیاست ها و برنامه های شرکت داشته باشند.

فعالیت های ممنوعه

مادهٔ دوم:

(۱) هیچ شخص نمی تواند بدون حصول جواز بانکداری از د افغانستان بانك به فعالیت های دریافت سپرده های پولی یا سایر وجوه قابل باز

منظور له عمومو څخه د پولي سپارنو یا د بېرته ورکړې وړ نورو وجوهو د ترلاسه کولو په فعالیتونو لاس پورې کړي.

لاندې اشخاص له دې حکم څخه مستثنی دي:

۱- هغه شخص چې د دې قانون له نافذېدو د مخه یې د تقنیني سندونو مطابق په افغانستان کې د اعتبار د رامنځته کولو یا پانګې اچونې په منظور د سپارنو یا د بېرته ورکړې وړ نورو وجوهو د ترلاسه کولو لپاره ئې د فعالیت جواز ترلاسه کړی دی.

۲- هغه شخص چې د اعتباراتو د تمویل پیسې په بېرته د ورکړې نه وړ پانګه کې د ونډې یز ګډون د ژمنې، د مالي مؤسسو د اعتبار له ماحصل یا د پانګې په بازارونو کې د صادرو شوو بهاو لرونکو سندونو له لارې ترلاسه کوي.

۳- هغه شخص چې د تشبث د ماهیت او اندازې یا د هغه د منابعو (سرچینو) په علت، د د افغانستان بانک لخوا د دې قانون له حکمونو څخه معاف شوی وي.

دغه معافیتونه کېدلی شي

پرداخت از عموم، به منظور ایجاد اعتبار یا سرمایه گذاری در کشور اقدام نماید.

اشخاص ذیل از این حکم مستثنی می‌باشند:

۱ - شخصی‌که مطابق احکام اسناد تقنینی قبل از انفاذ این قانون برای دریافت سپرده ها یا سایر وجوه قابل باز پرداخت از عموم به منظور ایجاد اعتبار یا سرمایه گذاری در افغانستان جواز فعالیت دریافت کرده است.

۲ - شخصی‌که پول تمویل اعتبارات را از طریق تعهداشتراک سهامی در سرمایه غیر قابل باز پرداخت، ماحصل اعتبار از مؤسسات مالی یا اسناد بهادار قرضهٔ صادر شده در بازار های سرمایه، بدست می آورد.

۳ - شخصی‌که به علت ماهیت و اندازهٔ تشبث یا سرچشمه منابع وی توسط دافغانستان بانک از احکام این قانون معاف شده باشد.

این معافیت ها می‌تواند مشروط

مشروط یا د وخت له نظره محدود یا قسمي وي او د دې قانون ځینې برخې چې په نومورې شخص باندې د اطلاق ورې وي، مشخصې او فهرست کېږي.

(۲) هېڅ شخص نه شي کولای د بانکداری له جواز پرته د بانک د کلیمې یا د هغې له مشتقاتو څخه د راکړې ورکړې، محصول یا خدمت په اړه ګټه واخلي، خو دا چې له هغې څخه ګټه اخیستل قانون یا بین المللي موافقه لیک په رسمیت پېژندلي وي، یا هغه موارد چې پکې د (بانک) کلمه په کار ورړل شوې وي، په بانکي فعالیتونو پورې اړه ونه لري. د نمایندګۍ دفتر نه شي کولای د بانک له کلیمې څخه په خپل عنوان کې استفاده وکړي، خو دا چې د (بانک) کلیمه د هغه بانک د قانوني نوم یو جزء وي چې د نمایندګۍ دفتر په هغه پورې مربوط دی.

هغه بانک چې د بانکداری جواز ئې لغوه شوی وي، مکلف دی چې په خپل عنوان کې د (انحلال په حال کې بانک) عبارت په کار یوسي.

(۳) ددافغانستان بانک کولای شي

یا از نظر زمانی محدود یا قسمی باشند و برخی از احکام این قانون را که به شخص مذکور قابل اطلاق باشد، مشخص و فهرست می گردد.

(۲) هیچ شخص نمیتواند بدون جواز بانکداری از کلمه بانک یا مشتقات آن در رابطه به داد و ستد، محصول یا خدمت استفاده نماید، مگر اینکه استفادۀ آنرا قانون یا موافقتنامۀ بین المللی به رسمیت شناخته باشد یا مواردی که کلمۀ (بانک) در آن بکار رفته، مربوط به فعالیت های بانکی نباشد. دفتر نمایندگی نمی تواند از کلمۀ بانک در عنوان خود استفاده نماید، مگر اینکه کلمۀ (بانک) یک جزء از نام قانونی بانکی باشد که دفتر نمایندگی به آن مربوط است.

بانکی که جواز بانکداری آن لغو شده، مکلف است عبارت (بانک در حال انحلال) را در عنوان خود بکار ببرد.

(۳) د افغانستان بانک می‌تواند

د نظر وړ اشخاصو د سندونو او ثبت دفترونه وپلټي، د تعلل او سرغړونې په صورت کې، مسئول امنیتي مراجع مکلف دي، د غوښتنې په وخت کې له زور څخه په کار اخیستنې سره له د افغانستان بانک سره په دې اړه مرسته وکړي.

(۴) په هغه صورت کې چې شخص د دې مادې له حکمونو څخه مغاير فعاليتونه ترسره کړي، د د افغانستان بانک کولای شي په دې هکله په لاندې توګه چلند وکړي:

۱- د فعاليتونو د سملاسي بندېدو په هکله هدايت صادر کړي. په هغه صورت کې چې شخص د يوې مياشتې په موده کې خپل فعاليتونه بند نه کړي، د دافغانستان بانک موضوع د شخړې د حل کمېسيون ته وړاندې کوي. کمېسيون د د افغانستان بانک لخوا د شتمنيو، دفترونو او سندونو د ضبط او ساتنې په هکله تصميم نيسي او د موضوع د څېړنې په هکله د يوې اوونۍ په ترڅ کې اقدام کوي او د څېړنې په غونډه کې د نظر وړ شخص او نورو دفاتر اسناد و ثبت های اشخاص مورد نظر را تفتیش و باز رسی نماید، در صورت تعلل و تمرد، مراجع مسئول امنیتی مکلف اند حین تقاضا با توسل به زور د افغانستان بانک را درین رابطه همکاری نمایند.

(۴) در صورتی که شخص مغایر احکام مندرج این ماده فعالیت هایی را انجام دهد، د افغانستان بانک می تواند در مورد ذیلاً برخورد نماید:

۱- هدایت مبنی بر قطع فوری فعالیت ها را صادر نماید. در صورتی که شخص در مدت یک هفته فعالیت های خویش را قطع ننماید، د افغانستان بانک موضوع را به کمیسیون خدمات مالی محول می نماید. کمیسیون در مورد ضبط و نگهداری دارائی ها، دفاتر و اسناد توسط د افغانستان بانک تصمیم اتخاذ می نماید و در مورد رسیدگی موضوع طی مدت یک هفته اقدام نموده و در جلسهٔ رسیدگی، از شخص مورد نظر وسایر

علاقه لرونکو اشخاصو ته بلنه ورکوي او د دې قانون د دري شپېتمې مادې له حکم سره سم د شخصیت د انحلال یا د شتمنیو، دفترونو او سندونو د ضبط او ساتنې د لیرې (رفع) کولو امر صادروي.

۲- کمېسیون کولای شي د شتمنیو، دفترونو او سندونو د ضبط او ساتنې د امر د رفع کولو په صورت کې، د دافغانستان بانک ته د اووښتي زیان د جبران د څرنګوالي په اړه دستور صادر کړي.

۳- د انحلال په صورت کې، د انحلال عایدات د قضائي مخارجو او د دافغانستان بانک د نورو لګښتونو، د امانت اېښودونکو او د مربوطې مؤسسې یا نورو شخصي دائنینو د سپارنو لپاره د ترجیح په ترتیب سره وېشل کېږي. پاتې شتمنی د هغو مالکینوته لېږدول کېږي یا په دولت پورې اړه نیسي.

اشخاص ذیعلاقه دعوت بعمل آورده و طبق حکم مادۀ شصت و سوم این قانون امر ضبط یا رفع ضبط و نگهداری دارائی ها، دفاتر و اسناد را صادر می نماید.

۲ – کمیسیون می تواند در صورت رفع امر ضبط و نگهداری دارائی ها، دفاتر وسایر اسناد، در مورد چگونگی جبران خسارات وارده به د افغانستان بانک دستور صادر نماید.

۳ – در صورت انحلال، عایدات انحلال جهت پرداخت مخارج قضائی و سایر مصارفات د افغانستان بانک، سپرده های امانت گذاران وسایر داینین شخصی و یا مؤسسۀ مربوط، به ترتیب ترجیح، توزیع می‌گردد. دارائی های باقی مانده حسب احوال به مالکین آن منتقل شده و یا به دولت تعلق می‌گیرد.

د بانکداری د مقرراتو وضع کول

درېیمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک کولی شي د دې قانون د حکمونو مطابق مقررات وضع کړي. د کورنۍ بانکداری صنعت ته د پام د راګرځولو په منظور د مقرراتو طرح د هغو د اهدافو له شرحې سره یو ځای خپروي او له خبرتیا سره یو ځای یې د نظریو او وړاندیزونو د راټولولو لپاره اړوندو مراجعو ته لېږي.

د مقراتو د مسودې په اړه نظریې او وړاندیزونه، د تاکلې مودې په ترڅ کې چې د مسودې خپرولو له نېټې څخه وروسته له یوې میاشتې څخه لږه نه وي، د د افغانستان بانک ته وړاندې کېږي.

(۲) د د افغانستان بانک، د مقرراتو د وروستني متن په برابرولو کې هغه نظریې چې د دې مادې د (۱) فقرې په اساس یې لاس ته راوړي دي، په نظر کې نیسي، د مقرراتو د تصویب په صورت کې، د د افغانستان بانک مکلف دی د پورتنیو نظریو په اړه خپل ځواب خپور کړي.

وضع مقررات بانکداری

مادۀ سوم:

(۱) د افغانستان بانک می‌تواند طبق احکام این قانون، مقررات وضع نماید. به منظور عطف توجه به صنعت بانکداری داخلی، طرح مسودۀ مقررات با شرح اهداف آنرا نشر نموده و ضمن اطلاعیه جهت جمع آوری نظریات و پیشنهادات به مراجع ذیربط ارسال می‌دارد.

نظریات و پیشنهادات در مورد مسودۀ مقررات در مدت معین که کمتر از یکماه بعد از نشر مسوده نمی‌باشد، به د افغانستان بانک ارائه می‌گردد.

(۲) د افغانستان بانک در تهیۀ متن نهائی مقررات، نظریاتی را که بر اساس فقرۀ (۱) این ماده بدست آورده، در نظر می‌گیرد، در صورت تصویب مقررات، دافغانستان بانک مکلف است پاسخ خود را در مورد نظریات فوق منتشر سازد.

که چېرې د مقرري وروستني متن له ړومبني متن څخه چې د دې مادې د (۱) فقرې مطابق يې خپور کړی دی، د کتنې وړ تفاوت ولري، د دې تفاوت عمده ټکي هم د د افغانستان بانک لخوا خپرېږي.

(۳) په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک يې تشخيص کړي چې د دې مادې په (۱ او ۲) فقره کې د درج شوو حکمونو په تطبيق کې تأخير د بانکي سيستم ګټو ته ټينګ (جدي) تهديد ګڼل کېږي، د نومورو فقرو مفاد په وړاندیز شوو مقرراتو باندې د اطلاق وړ ندي. د مقررې په سريزه کې د دغه ډول تصميم په هکله توضيح ورکول کېږي.

د داخلي بانکداری په فعاليتونو کې د بهرنيو ګټو په هکله کړنلاره څلورمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک واک لري غيرو مېشتو بانکونو او بانکي مور شرکتونو ته اجازه ورکړي تر څو هغو بانکونو ته چې له د افغانستان بانک څخه يې جواز اخيستی، دی واک لرونکې استحقاق ونه ګڼي او د داخلي تابع اگر متن نهائی مقرره از پیش نویس که مطابق فقرۀ (۱) این ماده منتشر نموده، تفاوت قابل ملاحظه داشته باشد، نکات کلی این تفاوت نیز از طرف د افغانستان بانک منتشر می گردد.

(۳) در صورتی که د افغانستان بانک تشخیص نماید که تأخیر در تطبیق احکام مندرج فقره های (۱) و (۲) این ماده تهدید جدی به منافع سیستم بانکی پنداشته می‌شود، مفاد فقره های متذکره بالای مقررات پیشنهادی قابل اطلاق نمی‌باشد. در مقدمۀ مقرره در مورد چنین تصمیمی توضیح داده می‌شود.

طرزالعمل در مورد منافع خارجی در فعالیت های بانکداری داخلی

مادۀ چهارم:

(۱) د افغانستان بانک صلاحیت دارد به بانکها و شرکت های بانکی مادر غیر مقیم اجازه دهد تا در بانکهایی که از د افغانستان بانک جواز اخذ نموده اند، سهم استحقاق ذیصلاحیت و در مطابقت با جواز بانکداری شرکت

شـرکتونو د بانکـداری د جـواز مطابق یا د دافغانستان بانک لخوا د صادر شوي اجازه لیک مطابق، فرعـې او د داخلـي نماینـدګیو دفترونه ولري، په دې شرط چې د هغـو شـتمنۍ او فعالیتونـه د افغانـستان د ملـي بانکـداری د سیـستم لـه منظمـې پراختیـا او سالمې کـړنې سره متضاد نه وي او پر هغـه تهـدید ونه ګڼل شي.

(۲) د د افغانـستان بانـک د غیـر مېـشتو بـانکونو داخلـي تـابع شرکتونو، بانکي مور شرکتونو، د غیر مېشتو بانکونو پر فرعو او د داخلي نماینـدګیو د دفترونـو او د داخلي بانکونو پر غیرمېشتو فرعو او د نمایندګۍ د دفترونـو د فرعـو په تنظیم او څارنـه کې لـه اړوندو بهرنیو بانکي نظارت کوونکو سره د بالمثل عمل پر بنسټ په اغېزمنه توګه همکاري کوي.

پدې منظـور د د افغانـستان بانـک کـولای شـي د بهرنیـو بـانکونو لـه تنظیمـوونکـو سـره د همکـاری موافقت لیکونه لاسلیک کړي.

های تـابع داخلی یـا در مطابقت بـا اجازه نامه های صادر شده از طرف د افغانـستان بانـك، فـروع و دفـاتر نماینـدگی داخلی داشـته باشـند، مـشروط براینکـه دارائـی هـا و فعـالیت هـای آنهـا متـضاد بـا توسـعۀ مـنظم و عملکـرد سـالم سیستم بانکداری ملی افغانستان نبـوده و تهدیـدی علیـه آن پنداشـته نشود.

(۲) د افغانستان بانك، در تنظیم و نظارت بر شرکت های تـابع داخلی بانـکهای غیر مقیم، شرکت های بـانکی مـادر، فـروع و دفـاتر نماینـدگی داخلـی بانکهـای غیـر مقیم و فروع دفـاتر نماینـدگی غیـر مقـیم بانکـها داخلـی، بـطور مـؤثر بـا نظـارت کننـدگـان بانـکی خارجـی مـربوط، بـر اسـاس عمـل بالمثـل همکـاری می نماید.

بـه ایـن منظور، د افغانستان بانك می‌تواند موافقتنامه های همکـاری با تنظیم کنندگان بانکهای خارجی را امضاء نماید.

له عدلي تعقیب څخه مصؤنیت

پنځمه ماده:

د د افغانستان بانک د عالي شوری غړي، د ټولو رئیس، مرستیال، مامور یا یې استازی او هغه شخص چې د دې قانون د حکم مطابق د متولي یا د تصفیې د مدیر په توګه منسوبېږي، د دندې د ترسره کولو یا د ترسره کولو د قصد لپاره د اقدام یا نه اقدام څخه د راپیدا شوي هېڅ ډول زیان مسئول نه دي، خو دا چې ثابته شي چې عمل یا تېروتنه یې له سوء نیت څخه صورت مونډلی دی.

مصؤنیت از تعقیب عدلی

مادۀ پنجم:

اعضای شورای عالی، رئیس کل، معاون، کارمند یا مامور و یا نمایندۀ د افغانستان بانک و شخصی‌که مطابق احکام این قانون بحیث متولی یا مدیر تصفیه منسوب می‌گردد، مسئول هیچ نوع خساره ناشی از اقدام یا عدم اقدام جهت انجام و یا قصد انجام وظیفه نمی باشد، مگر اینکه ثابت گردد که عمل یا اشتباه وی ناشی از سوء نیت صورت گرفته است.

دوه یم فصل

جواز او اجازه لیک

فصل دوم

جواز و اجازه نامه

د بانکداری جواز او اجازه لیک

شپږمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک د فروعیو یا د نمایندګیو د دفترونو د بانکداری د جواز لیک یا د بانکي اجازه لیک د صادرولو او لغو کولو یوازنی مرجع ده.

(۲) هغه جوازونه او اجازه لیکونه چې د دې قانون د حکمونو مطابق

جواز و اجازه نامۀ بانکداری

مادۀ ششم:

(۱) د افغانستان بانک یگانه مرجع صدور و لغو جواز بانکداری و اجازه نامۀ بانکی برای ایجاد فروع و دفاتر نمایندگی می‌باشد.

(۲) جواز ها و اجازه نامه های که مطابق احکام این قانون صادر

صادرېږي د يوې نامحدودې نېټې لپاره اعتبار لري او د لېږدونې وړ ندي او د صادرېدو له نېټې څخه نافذ دي، خو دا چې په قانون کې بل ډول اټکل شوي وي.

(۳) د د افغانستان بانک کولای شي د بانکداری د جواز یا اجازه لیک د صادرولو په وخت کې د اړتیا په صورت کې، شرطونه او محدودیتونه ضمیمه کړي. دغه محدودیتونه کېدلای شي چې وروسته د د افغانستان بانک لخوا تعدیل شي.

(۴) د بانکداری جوازونه یوازې هغو شرکتونو ته چې د افغانستان د قوانینو مطابق جوړ او ثبت شوي وي او د هغو لومړنی ورکړل شوې مجازه پانګه له دوه سوه پنځوسو ملیونو (۲۵۰۰۰۰۰۰۰) افغانیو یا هغه زیات مبلغ څخه چې په دې منظور د د افغانستان بانک د مقرراتو پر بنسټ ټاکل کېږي، لږه نه وي، صادرېږي.

می‌شوند برای یك مدت نامحدود دارای اعتبار بوده و قابل انتقال نمی‌باشد و از تاریخ صدور نافذ است، مگر اینکه در قانون طور دیگری پیشبینی گردیده باشد.

(۳) د افغانستان بانك حین صدور جواز یا اجازه نامه بانکداری می‌تواند در صورت ضرورت، شرایط یا محدودیتهایی ضمیمه کند، این محدودیت ها می‌تواند بعداً توسط د افغانستان بانك تعدیل گردد.

(۴) جواز های بانکداری فقط به شرکتهای که مطابق قوانین افغانستان ایجاد و ثبت شده باشند و سرمایهٔ ابتدائی پرداخته شدهٔ مجاز آنها از دو صد و پنجاه ملیون (۲۵۰۰۰۰۰۰۰) افغانی و یا مبلغ بیشتری که توسط مقررات د افغانستان بانك به این منظور مشخص می‌گردد، کمتر نباشد، صادر می‌گردد.

د بانکداری، د جواز، اجازه لیک او فیس لپاره غوښتنلیک

اوومه ماده:

(۱) د بانکداری د جواز او اجازه لیک لپاره غوښتنلیک په لیکلې توګه د دافغانستان بانک ته وړاندې کېږي.

د غوښتنلیک د وړاندې کولو شرایط او ارزونه د د افغانستان بانک په مقرراتو کې مشخص او خپرېږي.

(۲) د د افغانستان بانک مکلف دی د بانکداری د جواز یا اجازه لیک د غوښتنلیک له تصویبولو مخکې، د بانک د مالکینو او په هغه کې د استحقاقي وندې لرونکو او مدیرانو د مالي وضعیت، شخصي، حرفوي او جرمي سوابقو په اړه چې د هغو لپاره غوښتنه په جریان کې ده، هر اړخیزې څېړنې ترسره کړي.

مالي مؤسسې او د مالیاتو د راټولونې او امنیتي مراجعو مسئولین مکلف دي، په دې هکله له د افغانستان بانک سره همکاري وکړي.

(۳) د د افغانستان بانک کولای شي

درخواست برای جواز بانکداری اجازه نامه و فیس

مادۀ هفتم:

(۱) درخواست برای جواز بانکداری و اجازه نامه کتباً به د افغانستان بانك ارائه می‌گردد.

شرایط ارائه و ارزیابی درخواست توسط مقررات د افغانستان بانك مشخص و طبع می‌گردد.

(۲) د افغانستان بانك مکلف است قبل از تصویب درخواست جواز بانکداری یا اجازه نامه، در رابطه به وضعیت مالی، سوابق شخصی، حرفوی و جرمی مالکین و دارندگان سهم استحقاقی در بانك و مدیران بانك که تقاضا برای شان در جریان است تحقیقات همه جانبه انجام دهد.

مؤسسات مالی و مسئولین جمع آوری مالیات و مراجع امنیتی مکلف اند درین رابطه با د افغانستان بانك همکاری نمایند.

(۳) د افغانستان بانك می‌تواند به

د بانک د نظارت، جواز یا اجازه لیک له ورکړې څخه د راپیدا شوو مخارجو د یوې برخې د جبران په منظور تاکلی فیس او همداراز د دغو جوازونو او اجازه لیکونو د اداري لګښتونو د تأمینولو لپاره چې د کلونو په اوږدو کې نافذ پاتې کېږي، کلنی فیس وغواړي او ترلاسه یې کړي.

(۴) د دې مادې د (۱) فقرې په درج شوي غوښتنلیک کې د شرطونو او د ارزونې د معیارونو د تحقق نه موندلو په صورت کې، وړاندې شوی غوښتنلیک مسترد ږدي.

منظور جبران قسمتی از مخارج ناشی از اعطای جواز اجازه نامه و نظارت بانکها، فیس تقاضا نماید. هم چنان فیس سالانه جهت تأمین مصارف اداری، در خلال سالهای که چنین جواز ها و اجازه نامه ها باقی می‌ماند از طرف د افغانستان بانک مطالبه و دریافت شده می‌تواند.

(۴) در صورت عدم تحقق شرایط معیارهای ارزیابی درخواست مندرج فقرهٔ (۱) این ماده، درخواست ارائه شده، مسترد می‌گردد.

د جدیدالتأسیس شرکتونو لپاره د بانکداری د جواز د صادرېدو ډول اتمه ماده:

(۱) د جدیدالتأسیس شرکتونو لپاره د جواز د صادرېدو ډول د لاندې دوو پړاوونو لرونکی وي:

۱- د شرکت د مؤسسینو لخوا د بانکداری د جواز د اخیستلو لپاره د لومړني غوښتنلیک وړاندې کول.

۲- له تأسیس او ثبت وروسته د وروستي (نهایي) غوښتنلیک وړاندې کول چې د دې قانون په

طرز صدور جواز بانکداری برای شرکت های جدیدالتأسیس مادهٔ هشتم:

(۱) طرز صدور جواز بانکداری برای شرکت های جدید التأسیس حاوی دو مرحله می‌باشد:

۱ - ارایهٔ درخواست مقدماتی به منظور اخذ جواز بانکداری توسط مؤسسین شرکت.

۲ - ارایهٔ درخواست نهائی بعد از تأسیس و ثبت که متضمن شرایط مندرج مادهٔ

دولسمه ماده کې د درج شوو شرایطو او د اوومې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو مقرراتو لرونکی دی. د د افغانستان بانک کولای شي د غوښتنلیک د څېړنې په وخت کې نور مدرکونه هم وغواړي.

(۲)- د د افغانستان بانک مکلف دی د لومړني غوښتنلیک له ترلاسه کولو او د هغه له بشپړوالي څخه له پاڼه کېدو او د غوښتنلیک ورکوونکو او د بانک له وړاندیز شوو مدیرانوسره له کتنې وروسته، له موضوع څخه غوښتنلیک ورکوونکو ته خبر ورکړي.

(۳) د د افغانستان بانک مکلف دی، د دې مادې په (۲) فقره کې د درج شوې خبرتیا له صادرېدو وروسته، د دریو میاشتو په موده کې غوښتنلیک منظور یا رد کړي او د خپل تصمیم یو نقل غوښتنلیک ورکونکو ته واستوي.

د هغو لومړنیو غوښتنلیکونو د بررسۍ موده چې د غیر مېشت غوښتنلیک ورکوونکي لخوا وړاندې کېږي شپږ میاشتې ده او په دې هکله د تصمیم نېول د لاټدې دوازدهم و مقررات مندرج فقرۀ (۱) مادۀ هفتم این قانون می‌باشد. د افغانستان بانک می‌تواند در جریان بررسی درخواست، مدارک دیگر نیز مطالبه نماید.

(۲) د افغانستان بانك مكلف است بعد از دریافت درخواست مقدماتی و ملاقات با درخواست کنندگان و مدیران پیشنهادی بانك و حصول اطمینان از کامل بودن درخواست مقدماتی، موضوع را برای درخواست کننده اطلاع دهد.

(۳) د افغانستان بانك مكلف است بعد از صدور اطلاعیه مندرج فقره (۲) این ماده در خلال سه ماه درخواست را منظور یا رد نموده و یك نقل از تصمیم خود را به درخواست کنندگان ارسال نماید.

مدت بررسی درخواست های مقدماتی که توسط درخواست کنندۀ غیر مقیم ارائه می‌گردد، شش ماه و اخذ تصمیم درین رابطه حاوی مطالب ذیل می-

مطالبو لرونکی دی:
۱- د بانکداری د جوازله صادرېدو د مخه د ورکړې وړ پانګې د حداقل اندازې ژمنه او ورکړه. (د د افغانستان بانک، د بانک د پانګې د حداقل مبلغ د تاکلو لپاره په خاصه د بانک د بانکي راکړې ورکړې او فعالیتونو برنامه چې د هغې په تائیدوونکو سندونو او مدرکونو کې درج شوي دي، تر کتنې او څېړنې لاندې نیسي).
۲- د جواز په صادرېدو پورې د اړوندو شرایطو او محدودیتونو فهرست، د هغو د وضع کېدو په صورت کې.
۳- د هغو ځانګړو شرایطو د په پام کې نیولو د څرنګوالي په اړه مفصلې څرګندونې چې د جواز له صادرېدو د مخه لازمي ګڼل کېږي.
۴- دد افغانستان بانک د بانکداری د جواز د لومړني (مقدماتي) غوښتنلیک د ردولو او یا د بانکداری پر جواز باندې د ځانګړو شرایطو او محدودیتونو د وضع کولو په صورت کې د هغو دلایل پلټونکو ته ذکر کوي.
(۴) د د افغانستان بانک د

باشد:
۱ - تعهد و پرداخت میزان حد اقل سرمایه قابل پرداخت قبل از صدور جواز بانکداری. (د افغانستان بانک جهت تعیین مبلغ حد اقل سرمایۀ بانک، بخصوص برنامۀ داد و ستد و فعالیت های بانکی بانک را که در اسناد و مدارک تائید کنندۀ آن درج شده است، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد).
۲- فهرست شرایط و محدودیت های مربوط به صدور جواز، در صورت وضع آنها.
۳- ارایۀ توضیحات مفصل در مورد چگونگی رعایت شرایط خاص که قبل از صدور جواز لازمی پنداشته می‌شود.
۴- د افغانستان بانک در صورت رد درخواست مقدماتی یا وضع شرایط یا محدودیت های خاص بر جواز بانکداری، دلایل آنرا به تفتیش ذکر می نماید.
(۴) د افغانستان بانک در صورت

مقدماتي غوښتنليک د تصويب په صورت کې د تشکيلېدو په حال کې بانک په نوم د ژمنې شوي پانګې د تراسه کولو لپاره په خپلو دفترونو کې يو حساب پرانيزي او د تصويب له نېټې څخه د شپږو مياشتو په ترڅ کې، غوښتونکی شرکت د يوه شرکت په عنوان جوړېږي او په د افغانستان بانک کې د ثبت په اړوند دفترکې ثبتېږي او د هغې پانګې د مبلغ حداقل ميزان چې د د افغانستان بانک لخوا ټاکل شوې ده ورکړل کېږي.

وروسته د شرکت له لوري، د بانکداری د جواز لپاره وروستنی غوښتنليک د دافغانستان بانک ته وړاندې کېږي.

د دغو پړاوونو له بشپړولو پرته هغه تصميم چې پر بنسټ يې غوښتنليک تصويب شوی او فسخ ګڼل کېږي.

هغه وروستنی غوښتنليک چې د دافغانستان بانک د مقررې پر بنسټ وړاندې کېږي، لاندې تائيدي مدرکونه پکې شامل دي:

۱- د هغو مستندو شواهدو موجوديت چې د شرکت د تشکيل

تصويب درخواست مقدماتی، حساب در دفاتر خود برای دريافت سرمايه تعهد شده به اسم بانک در حال تشکيل افتتاح می‌نمايد و در خلال شش ماه از تاريخ تصويب، شرکت درخواست کننده به عنوان يک شرکت تأسيس گرديده و در دفتر ثبت مربوط در د افغانستان بانک ثبت گرديده و ميزان حد اقل مبلغ سرمايه که توسط د افغانستان بانك تعيين شده، تعهد و پرداخت می‌گردد، سپس از طرف شرکت درخواست نهايی برای جواز بانکداری به د افغانستان بانك تقديم می‌گردد.

در صورت عدم تکميل اين مراحل تصميمی که برمبنای آن درخواست تصويب گرديده بود، فسخ پنداشته می‌شود.

درخواست نهائی که بر مبنای مقررۀ د افغانستان بانك تقديم می‌گردد شامل مدارك تائيدی ذيل می‌باشد:

۱- موجوديت شواهد مستند که نشان دهنده تشکيل و ثبت شرکت

او ثبت او نورو هغو خاصو شرایطو چې د د افغانستان بانک لخوا اعمال شوي دي.

۲- د شرکت لخوا د صادر شوې لیکلي اقرارلیک موجودیت چې په مقدماتي غوښتنلیک کې په وړاندې شوو اطلاعاتو کې د مهم نه بدلون بیانوونکی وي. د هر ډول بدلونونو رامنځته کېدو په صورت کې، موضوع مفصلاً شرح ورکول کېږي.

(۵) په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک ډاډ ترلاسه کړي چې غوښتنلیک وروستنی او د دې مادې په (۳) فقره کې درج شوي حکمونه په پام کې نیول شوي دي، د بانکداری جواز صادروي او موضوع په لیکلی توګه غوښتنلیک ورکوونکو ته خبر ورکوي او په د افغانستان بانک کې د شرکت په حساب کې د موجودو وجوهو اړوند شرایط توضیح کوي او تر ممکن حده پورې د هغه د خلاصون زمینه برابروي.

وسایر شرایط خاصی که توسط د افغانستان بانك اعمال گردیده است.

۲- موجودیت اقرارنامهٔ تحریری صادر شده از طرف شرکت که بیانگر عدم تغییر مهمی در اطلاعات ارایه شده در درخواست مقدماتی بوده باشد. در صورت بروز هرگونه تغییرات، موضوع مفصلاً شرح داده می‌شود.

(۵) در صورتیکه د افغانستان بانك اطمینان حاصل نماید که درخواست نهائی و احکام مندرج فقرهٔ (۳) این ماده رعایت گردیده است، جواز بانکداری را صادر نموده و موضوع را کتباً به درخواست کنندگان اطلاع داده و شرایط مربوط به وجوه موجود در حساب شرکت در دافغانستان بانك را توضیح نموده و تا حد ممکن زمینهٔ رهائی آنرا فراهم می‌سازد.

د موجودو شرکتونو لپاره د جواز د ورکړې کړنلاره

نهمه ماده:

(۱) شرکتونه کولای شي د غوښتنلیک او تائیدي مدرکونو په وړاندې کولو سره چې د شرکت د تأسیس او ثبت ښکارندوی وي او د دې قانون په دوولسمه ماده کې د درج شوو حکمونو اود دافغانستان بانک له صادرې شوې مقررې سره مطابقت ولري، له دافغانستان بانک څخه د جواز د ترلاسه کولو غوښتنه وکړي. د غوښتنلیک په جریان کې، د د افغانستان بانک کولای شي د غوښتنلیک په ملاتړ کې د نورو اضافي مستندو مدارکو غوښتنه هم وکړي.

(۲) د د افغانستان بانک د بانکداری د جواز د غوښتنلیک له ترلاسه کولو او د بانک د مالکینو او وړاندیز شوو مدیرانو سره له کتنې او د غوښتنلیک او وړاندې شوو تائیدي مدرکونو له بشپړوالي څخه د ډاډ له ترلاسه کولو وروسته، موضوع په لیکلې توګه غوښتنلیک ورکوونکي ته خبر ورکوي او د دې قانون د اتمې مادې په (۳-۴ او ۵)

طرز العمل اعطای جواز برای شرکت های موجود

مادۀ نهم:

(۱) شرکتها می‌توانند با ارایۀ درخواست و مدارک تائیدی که نشان دهندۀ تأسیس و ثبت شرکت بوده و با احکام مندرج در مادۀ دوازدهم این قانون و مقررۀ صادر شدۀ افغانستان بانک مطابقت داشته باشد، از د افغانستان بانک تقاضای دریافت جواز بانکداری نمایند. در جریان درخواست، د افغانستان بانک می‌تواند مدارک مستند اضافی دیگری در پشتیبانی از درخواست نیز مطالبه نماید.

(۲) د افغانستان بانک بعد از دریافت درخواست جواز بانکداری و ملاقات با مالکین و مدیران پیشنهادی بانک و حصول اطمینان از کامل بودن درخواست و مدارک تائیدی تقدیم شده موضوع را به اطلاع درخواست کننده رسانیده و احکام مندرج فقره های (۳ – ۴و۵) مادۀ هشتم این قانون تطبیق می‌گردد.

فقـرو کـې درج شـوي حکمونـه تطبیقېږي. د ورکړې وړ پانګـه نـه شي کېدای له هغې حداقل الزامي پـانګې څخـه چـې د د افغانـستان بانک ټاکلې ده، زیاته وي.

سـرمایهٔ الزامـی قابـل پرداخـت نمـی تـواند از حـد اقـل سـرمایهٔ کـه دافغـانـستان بانـک تعیـین نمـوده، بیـشتر باشد.

د بـانکونو د فروعـو او د نماینـده ګیـو د دفترونـو لپـاره د جـواز لیکونو د ورکولو کړنلاره

لسمه ماده:

(۱) داخلـي بانـک نـه شـي کـولای، داخلي فرع یا غیر مېشته فرع یـا د غیـر مېـشتې نماینـدګې دفتـر او همدارنګه غیر مېشت بانک نشي کـولای داخلـي فـرع یـا د داخلـي نماینـدګې دفتـر د د افغانـستان بـانک لـه صـادر شـوي اجازه لیـک پرته جوړ کړي.

(۲) د بانک د فرع یا د نمایندګې د دفتر لپـاره د اجازه لیک صادرېدل د غوښـتنلیک او تائیـدي مـدرکونو پـه وړانـدې کولـو سـره چـې د دې قـانون پـه دوولـسمه مـاده کـې درج شـوو شـرایطو لرونکـي وي د د افغانـستان بانـک لخـوا صـورت مـومي، د افغانـستان بانـک کـولای شـي د غوښـتنلیک پـه ملاتـړ نـور

طـرزالعـمل اعـطای جـواز نـامه برای فـروع و دفـاتر نـمایندگـی بانك ها

مادهٔ دهم:

(۱) بانـك داخلی نمی‌توانـد فـرع داخلـی یـا فـرع غـیر مقـیم یـا دفتـر نماینـدگی غیـر مقـیم و همچنـان بـانـك غیـر مـقیم نمـی‌توانـد فـرع داخـلی یـا دفـتر نمایندگی داخلی را بدون اجـازه نامـهٔ صـادره توسـط د افغانستان بانك داشتـه باشد.

(۲) صـدور اجازه نامـه برای فـرع یـا دفـتر نمـاینـدگـی بـا ارایـهٔ درخـواست و مـدارك تائیـدی کـه مـبین شـرایط منـدرج مـادهٔ دوازدهـم ایـن قـانـون باشـد توسـط د افـغانـستان بانـك صـورت مـی گیـرد، د افغانستان بانك می‌تواند مدارك مـستند اضافـی در پـشتیبانی

مستند اضافي مدرکونه هم وغواړي.

(۳) د د افغانستان بانک د فرع یا د نمایندګۍ د دفتر د اجازه لیک د غوښتنلیک له ترلاسه کولو او د بانک له مالکینو او وړاندیز شوو مدیرانو سره له کتنې او د غوښتنلیک او وړاندې شوو تائیدي مدرکونو له بشپړوالي څخه د ډاډ له ترلاسه کولو وروسته، د موضوع په هکله په لیکلي توګه غوښتنلیک ورکوونکي ته خبر ورکوي.

(۴) د د افغانستان بانک مکلف دی، د دې مادې په (۳) فقره کې د درج شوې خبرتیا له نېټې وروسته د غوښتنلیک د تصویبولو یا ردولو په هکله تصمیم ونیسي او یو نقل یې غوښتنلیک ورکوونکي ته ولېږي.

د غوښتنلیک د تصویبولو په صورت کې، جوازلیک فوراً صادرېږي او د فعالیتونو ماهیت، حدود او شرایط چې له غوښتنلیک سره ضمیمه کېږي، د دلایلو په وړاندې کولو سره توضیح کېږي.

د غوښتنلیک د ردولو په صورت کې، دهغه دلایل هم د د افغانستان

از درخواست را مطالبه نماید.

(۳) د افغانستان بانک بعد از دریافت درخواست اجازه نامۀ تأسیس فرع یا دفتر نمایندگی و ملاقات با مالکین و مدیران پیشنهادی و حصول اطمینان از کامل بودن درخواست و مدارک تائیدی تقدیم شده موضوع را به درخواست کننده اطلاع می‌دهد.

(۴) د افغانستان بانک مکلف است بعد از تاریخ اطلاعیه مندرج فقرۀ (۳) این ماده در مورد تصویب یا رد درخواست تصمیم اتخاذ نموده و یک نقل آنرا برای درخواست دهنده ارسال نماید.

در صورت تصویب درخواست، اجازه نامه فوراً صادر و ماهیت و حدود فعالیتها و شرایط و محدودیت های که به اجازه نامه ضمیمه می‌شود، با ارایۀ دلایل توضیح می‌گردد.

در صورت رد درخواست، دلایل آن نیز از طرف

بانک لخوا وړاندې کېږي.
(۵) د داخلي غیر مېشت بانک فروع یا د نمایندګۍ دفتر ته اجازه لیک نه صادرېږي، خو دا چې د د افغانستان بانک د هغه هېواد د بانکونو له تنظیموونکي سره چې دفتر هلته جوړېږي، له سلا وروسته د هغو په واسطه د دفتر د اغیزمنې څارنې ډاډ له د افغانستان بانک سره په نړۍ کې همکارۍ کې ترلاسه کړي.

د افغانستان بانك ارایه می‌گردد.
(۵) اجازه نامه فروع یا دفتر نمایندگی غیر مقیم بانك داخلی صادر نمی‌گردد، مگر اینکه د افغانستان بانك بعد از مشوره با تنظیم کنندۀ بانکهای کشوري که قراراست دفتر در آنجا تأسیس گردد، از نظارت مؤثر دفتر توسط آنها در همکاری نزدیك با د افغانستان بانك اطمینان حاصل نماید.

د بهرنیو بانکونو له تنظیموونکي سره همکاري

یوولسمه ماده:

د غیر مېشت بانکونو تابع شرکتونو یا غیر مېشت مور بانکي شرکتونو ته د بانکدارۍ جواز یا د غیر مېشت داخلي بانکونو فروعو او د نمایندګیو دفترونو ته اجازه لیکونه په هغه صورت کې صادرېدلی شي چې د د افغانستان بانک او بهرنیو واکمنو نظارت کوونکو مراجعو ترمنځ د بانک یا غیر مېشت بانکي شرکت، تابع شرکت، فرع یا د نمایندګۍ د دفتر د اداري، فعالیت او مالي شرایطو په هکله د واک، مسئولیت او د

همکاری با تنظیم کنندۀ بانکهای خارجی

مادۀ یازدهم:

جواز بانکداری برای شرکتهای تابع بانکهای غیر مقیم یا شرکتهای بانکی مادر غیر مقیم و اجازه نامه ها برای فروع و دفاتر نمایندگی داخلی بانکهای غیر مقیم در صورتی صادر شده می‌تواند که همکاری مبنی بر تعیین حدود صلاحیت، مسئولیت و طرزالعمل تبادلۀ اطلاعات در مورد اداره، فعالیت و شرایط مالی بانك با شرکت بانکی غیر مقیم، شرکت تابع و فرع یا دفتر نمایندگی بین د افغانستان

اطلاعـــاتو د تبـــادلې د حـــدودو د ټاکلو په اړه د همکارۍ موافقه لیک لاسلیک شوی وي.

د بـانکي جـواز یـا اجـازه لیـک د صادرېدو په اړه عمومي شرایط

دوولسمه ماده:

(۱) د بـــــانکونو د ســـــالمې او محتاطانـــه اداري پـــه هکلـــه د ډاډ ترلاسه کولو ته د اړتیا له په نظر کې نیولـو سـره، د قـانون د حکمونـو مطابق بانکي جواز یوازې په هغه صورت کې صادرېدلی شي چې د دافغانستان بانک د لاندې مراتبو له تحقق څخه ډاډ ترلاسه کړي:

۱- بانـــک پـــه خپـــله اداره او فعـــالیتونو کـــې د د افـغانـــستان بانک د نافذو قـوانـینو حکـــمونه رعـــایتوي.

۲- د بانـک لـومړنۍ پانګـه دې لـه هغـه حـداقل مبـــلغ سره چې د د افغانـستان بانـــک د مـــقرر په واســـطه ټاکـــل شـــوی دی، د بانکـداري د فعـالیتونو د ترســـره کـولو لپـاره چې بانک یې د تـشبث نیت لري، کافي وي.

۳- په بـانک کې د واکمـني وندې لرونکو د یـوه یـا زیـاتو خاونـدانو د بانـک و مراجـع ذیـصلاح خـارجی نظـارت کننـــده بـه امـضاء رسـیده باشد.

شـرایط عمـومی در مـورد صـدور جواز یا اجازه نامۀ بانکی

مادۀ دوازدهم:

(۱) با در نظرداشت نیاز به حصول اطمینـــان در مـــورد ادارۀ ســـالم و محتاطانـۀ بانکهـا مطـابق احکـام قـــانون، جـــواز بـــانکی فقـــط در صورتی صادر شده می‌تواند که د افغانـــــستان بانـــــک از تحقـــق مراتـــب آتـــی اطمینـــان حاصـــل نماید:

۱- بانـک در اداره و فعالیـت هـای خـــود احکـــام قـــوانین نافـــذه د افـغـــانـــستان بـــانک را رعـــایت می نماید.

۲- سرمایه اولی بانک معادل حد اقـل مبلغـی کـه توسـطه مقـررۀ د افغـانـستـان بانـک مـشخص شـده، بـــرای انجـــام فـــعالیت هـــای بانـــکداری که بانک مـذکور قصد تـــشبـث در آن را دارد، کـــافی باشد.

۳- عـدم موجودیـت مـدارک نقـض کننـده مـدیریت سـالم و محتاطانـه

نفـوذ لـه املـه د بانـک د سـالم او محتاطانـه مـدیریت د نقـض کوونکو مـدرکونو نه موجودیت.

۴- د یوه غیر مېشت تشبث په اړه چې په بانـک کې د اسـتحقاق د ونډې لرونکی دی د د افغانـستان بانک د څارنیزو دندو د موانعو نه موجودیت.

۵- د هغه حقیقي شخص وړتوب او مناسـبوالی چې په بانـک کې د واکمن استحقاق د ونډې لرونکی وي.

او په هغه صورت کې چې شخص حکمـي وي، د هغـه د مـدیرانو مناسبوالی.

۶- د بانـک د داخلـي کنتـرول د سیـستم او د ریـسک د اداري د کړنلارې مناسبوالی.

۷- د بانـک د راکـړې ورکـړې او مـالي اټکلونو د تګلارې (برنامې) مناسبوالی.

۸- پـه هغـه صـورت کـې چـې غوښتنلیک د غیر مېشت بانک په تابع شرکت پورې مربوط وي، بانک یا بانکي مور شرکت له هغه هېواده د جواز لرونکي چې مرکزي دفتر یې پکې واقع دی، د خپلې فرعي

بانك توسط نفوذ یکی یا بیشتر از مـالکینی کـه دارای سـهم ذیصلاحیت در بانك می‌باشند.

۴- عـدم موجودیـت موانـع وظـایف نظـارتی د افغانـستان بانـك در رابطه بـه یك تشبث غیر مقیم که دارای سـهم استحقـاق در بانـك می‌باشد.

۵- شایسته و مناسب بودن شخص حقیقـی کـه دارای سـهم اسـتحقاق ذیـصلاحیت در بانـك می‌باشد.

در صـورتی‌کـه شـخص حکمـی باشد، شایسـته و منـاسب بـودن مدیران آن.

۶- مناسـب بـودن سیـستم کنتـرول داخـلی و طرزالعمـل ادارۀ ریـسك بانك.

۷- منـاسب بـودن بـرنامۀ داد و ستد و پیـش بیـنـی های مـالی بانك.

۸- در صـورتی‌کـه درخـواست مربوط بـه شـرکت تابع بانك غیر مقیم باشـد، بانـك یـا شـرکت بانکـی مـادر دارای جـواز از کـشوری کـه دفتـر مـرکزی در آن واقـع است، پـرداخـت بـه مـوقع

یا تابع شرکت د راتلونکو دیونو پر وخت ورکړه چې د افغانستان بانک لپاره رضایت بخښوونکی وي، تضمین کړي.

۹- په هغه صورت کې چې غوښتنلیک د بانک په تابع شرکت یا په غیر مېشت مور بانکي شرکت پورې مربوط وي، د هغه هېواد د بانکونو تنظیمونکي چې مرکزي دفتر یې هلته واقع دی، صادر کړی وي، د د افغانستان بانک له سلا (مشورې) وروسته دې ډاډ ترلاسه شي چې بانک یا غیر مېشت مور بانکي شرکت، په تولیز (مجموعي) ډول او قناعت بښوونکي توګه دهغه تنظیموونکي په واسطه څارل کېږي.

۱۰- غوښتنلیک د بانک په تابع شرکت یا مور بانکي شرکت پورې چې د یوه یا زیاتو غیر مېشت بانکي تابع شرکت لرونکي وي او له د افغانستان بانک او د نورو تابع شرکتونو پر فعالیتونو باندې له ناظرو بهرنیو مقامونو سره له سلا وروسته، نومورې بانک ډاډ ترلاسه کړي چې د دې بانک نور تابع شرکتونه یا مور بانکي دیون آینده فرع یا شرکت تابع خود را که برای د افغانستان بانك رضایت بخش باشد ، تضمین نماید.

۹- در صورتی‌که درخواست مربوط به شرکت تابع بانك یا شرکت بانکی مادر غیر مقیم باشد توسط تنظیم کنندۀ بانکهای کشوري که دفتر مرکزی آنها در آن واقع است صادر گردیده باشد بعد از مشوره با د افغانستان بانك، اطمینان حاصل شود که بانك یا شرکت بانکی مادر غیر مقیم بشکل مجموعی و به صورت قناعت بخش توسط آن تنظیم کننده نظارت می‌گردد.

۱۰- درخواست مربوط به شرکت تابع بانك یا شرکت بانکی مادر که دارای یك یا بیشتر شرکت تابع بانکی غیر مقیم بوده و بعد از مشوره با د افغانستان بانك و مقامات خارجی ناظر بر فعالیت های سایر شرکت های تابع بانك مذکور اطمینان حاصل نماید که سایر شرکت های تابع این بانك یا شرکت بانکی مادر به صورت

شرکت په مجموعي ډول او کافي توګه د دغسې بهرنیو مقامونو له خوا څارل کېږي.

۱۱- په نورو شرکتونو کې د غونډتونکي بانک غړیتوب د دافغانستان بانک د نظارتي مسئولیتونو د ترسره کېدو مانع نشي.

۱۲- د هغو نورو شرطونو رعایتول چې بنایې د د افغانستان بانک یې د مقرراتو په وسیله تجویز کړي.

(۲) د د افغانستان بانک د غیر مېشتو بانکونو د نمایندګیو د فروعو او دفترونو د سالمې او محتاطانه اداري د جوړولو په منظور، د دې قانون د حکمونو مطابق او تر دغو شرایطو لاندې کولای شي بانکي اجازه لیک صادر کړي:

۱- د فرع یا د نمایندګۍ د دفتر لخوا د هېواد د نافذو قوانینو رعایتول.

۲- د فرع یا د نمایندګۍ د دفتر د مدیرانو مناسبوالی او وړتوب.

۳- د داخلي کنترول او د ریسک د اداري د کړنلارې مناسبوالی.

۴- د فرع یا د نمایندګۍ د دفتر د

مجموعی و کافی از جانب چنین مقامات خارجی نظارت می‌گردند.

۱۱- عضویت بانک متقاضی در سایر شرکتها، مانع انجام مسئولیت های نظارتی د افغانستان بانک نگردد.

۱۲- رعایت سایر شرایطی که ممکن است د افغانستان بانک توسط مقررات تجویز نماید.

(۲) د افغانستان بانک به منظور ایجاد ادارۀ سالم و محتاطانه فروع و دفاتر نمایندگی بانکهای غیر مقیم طبق احکام این قانون و تحت شرایط آتی می‌تواند اجازه نامۀ بانکی صادر نماید:

۱- رعایت قوانین نافذه کشور از طرف فرع یا دفتر نمایندگی.

۲- شایسته و مناسب بودن مدیران فرع یا دفتر نمایندگی.

۳- مناسب بودن کنترول داخلی و طرزالعمل های ادارۀ ریسک.

۴- مناسب بودن برنامه فعالیت

فعالیتونو د تګلارې او مالي اټکلونو مناسبوالی.

۵- په هغه صورت کې چې غونډتنلیک د غیر مېشت بانک په داخلي فرع پورې مربوط وي، بانک، په هغه هېواد کې چې مرکزي دفتر ئې پکې واقع دی، له ټولو (عمومو) څخه د سپارنو یا د ورکړې وړ نورو وجوهو د ترلاسه کولو د جواز لرونکی وي.

۶- په هغه صورت کې چې غونډتنلیک د غیر مېشت بانک په داخلي فرع یا د داخلي نمایندګۍ په دفتر پورې مربوط وي، متقاضي بانک د هغو شرایطو او ضوابطو لاندې چې د د افغانستان بانک ته رضایت بخښونکي او د منلو وړ وي او د خپلې فرع یا نمایندګۍ د دفتر د راتلونکو دیونو مقتضي او پور وخت ورکړه تضمین کړي.

۷- په هغه صورت کې چې غونډتنلیک د غیر مېشت بانک د داخلي فرع یا نمایندګۍ په دفتر پورې مربوط وي د هغه هېواد چې د بانک مرکزي دفتر پکې واقع دی، د بانکونو تنظیموونکي د دغسې

ها و پیشبینی های مالی فرع یا دفتر نمایندگی.

۵- در صورتی‌که درخواست مربوط به فرع داخلی بانك غیر مقیم باشد، بانك، جواز دریافت سپرده ها یا سایر وجوه قابل پرداخت از عموم را در کشوري که دفتر مرکزی در آن واقع است دارا باشد.

۶- در صورتی‌که درخواست مربوط به فرع داخلی یا دفتر نمایندگی داخلی بانك غیر مقیم باشد، بانك متقاضی تحت شرایط و ضوابطی که برای د افغانستان بانك رضایت بخش و قابل قبول واقع گردد و پرداخت مقتضی و به موقع دیون آینده فرع یا دفتر نمایندگی خود را تضمین نماید.

۷- در صورتی‌که درخواست مربوط به فرع یا دفتر نمایندگی داخلی بانك غیر مقیم باشد، تنظیم کنندۀ بانکهای کشوري که دفتر مرکزی بانك در آن، واقع است، اجازۀ تأسیس چنین فرع

فرع د تأسیسولو اجازه ورکړې وي او پر بانک کلاً څارنه وکړی شي.

۸- په هغه صورت کې چې غوښتنلیک د غیر مېشت بانک په فرعي یا د داخلي نمایندګۍ په دفتر پورې مربوط وي د هغه هېواد د بانکونو تنظیمونکی چې د بانک مرکزي دفتر په هغه کې واقع وي له د افغانستان بانک سره په نېږدې همکارۍ کې، پر هغو څارنه کولای شي.

۹- نور هغه شرایط چې د د افغانستان بانک یې د مقرراتو په واسطه وضع کوي.

را داده و بر بانك کلاً نظارت نموده بتواند.

۸- در صورتی‌که درخواست مربوط به فرع یا دفتر نمایندگی داخلی بانك غیر مقیم باشد، تنظیم کنندۀ بانک‌های کشوریکه دفتر مرکزی بانك در آن واقع است در همکاری نزدیك با د افغانستان بانك، بر آنها نظارت نموده بتواند.

۹- سایر شرایط که د افغانستان بانك توسط مقررات وضع می نماید.

د بانکونو د ثبت دفتر

دیارلسمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک د اړوند بانک د نوم، آدرس، د ثبت د ګڼې، د جواز یا اجازه لیک د صادرېدو یا د لغوې د نېټې، اساسنامې او نورو تقنیني سندونو، د بهرني دفتر او د فرع یا د نمایندګۍ د دفتر د موجودیت په صورت کې هغه نوم او آدرس چې بانک ورپورې مربوط دی، د بانک یا فرع یا نمایندګۍ د مدیرانو په هکله د اطلاعاتو، حدودو او اختیاراتو او د هغو د

دفتر ثبت بانکها

مادۀ سیزدهم:

(۱) د افغانستان بانك به منظور ثبت اسم، آدرس، شمارۀ ثبت، تاریخ صدور یا لغو جواز یا اجازه نامه، اساسنامه و سایر اسناد تقنینی مربوط بانك، آدرس دفتر خارجی و در صورت موجودیت فرع یا دفتر نمایندگی اسم و آدرسی که بانك به آن مربوط می‌باشد، اطلاعات در مورد مدیران بانك یا فرع و یا دفتر نمایندگی، حدود و اختیارات و

لاسلیکونو د نمونې د ثبت په منظور، د مرکزي ثبت دفتر جوړوي.

(۲) د مرکزي ثبت دفتر مکلف دی د بانک یا د دفتر پر خلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل نېټه یا د دفتر او یا د هغو د تړلو (بندلو) نېټه ثبت کړي.

(۳) بانکونه مکلف دي د دریو ورځو په ترڅ کې د هغو تغییراتو په هکله چې د مرکزي ثبت په دفتر کې په ثبت شوو اطلاعاتو کې د درج شوو مراجعو لخوا منځ ته راغلي، په لیکلې توګه د دافغانستان بانک ته خبر ورکړي.

نمونه امضاء آنها دفتر ثبت مرکزی را تأسیس می نماید.

(۲) دفتر ثبت مرکزی مکلف است تاریخ آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك یا دفتر و یا تاریخ بسته شدن آنها را ثبت نماید.

(۳) بانکها مکلف اند در خلال سه روز در مورد آن تغییراتی که از طرف مراجع مندرج در اطلاعات ثبت شده دفتر مرکزی بوجود آمده کتباً به د افغانستان بانك اطلاع دهند.

د بانکي جواز لغو کول

څوار لسمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک کولای شي د بانک د بانکوالۍ جواز تر لاندنیو شرایطو لاندې لغوه کړي:

۱- د غوښتنلیک د وړاندې کولو په وخت کې د غلطو او غولوونکو اطلاعاتو ورکول او د نورو سرغړونو موجودیت.

۲- د صادرېدو له نېټې څخه تر شپږو میاشتو وروسته پورې له بانکي جواز څخه د بانک ګټه نه

لغو جواز بانکی

مادۀ چهاردهم:

(۱) د افغانستان بانك می‌تواند جواز بانکداری بانك را تحت شرایط آتی لغو نماید:

۱- ارایۀ اطلاعات غلط، فریب آمیز و موجودیت سایر تخطی ها حین ارایۀ درخواست.

۲- عدم استفادۀ بانك از جواز بانکی در خلال شش ماه بعد از اصدار آن و یا انصراف

اخیستل او یا له عمومو څخه د پولي سپارنو یا د نورو ورکړې وړ وجوهو د ترلاسه کولو له شغل یا د اعتبار اوپانګې اچونې له رامنځته کولو (ایجادولو) څخه انصراف.

۳- بانک د د افغانستان بانک د مقرراتو مطابق، د پانګې او الزامي زېرمې د حداقل نه لرونکی وي، د خپلو ژمنو په پوره کولو قادر نه وي او د هغو شتمنیو په وړاندې چې ورته سپارل کېږي، کوم تضمین وړاندې نکړی شي.

۴- بانک خپله اداره او بانکي فعالیتونه په ناسالمه او غیر محتاطانه توګه پرمخ بوزي یا په یوه ډول د د افغانستان بانک له قانون یا دستورونو او مقرراتو، له صادر شوي جواز او له اجازه لیک سره له منضمه محدودیتونو څخه سرغړونه وکړي.

۵- بانک یا مور بانکي شرکت یا بل بانک چې د شرکت بانک یې تابع وي یا د تابع بانک له شرکتونو څخه یوه یې جنایې فعالیتونو ته لاس اچولی وي.

۶- د دې قانون د دوولسمې مادې د لومړۍ فقرې په (۳، ۴، ۵، ۶ او از شغل دریافت سپرده های پولی یا سایر وجوه قابل باز پرداخت از عموم یا ایجاد اعتبار و سرمایه گذاری.

۳- بانك فاقد حد اقل سرمایه و ذخیرۀ الزامی طبق مقررات د افغانستان بانك بوده، قادر به انجام تعهدات خود نباشد و تضمین که در مقابل دارائی های که برایش سپرده می‌شود، ارایه کرده نتواند.

۴- بانك اداره و فعالیت های بانکی خود را بصورت ناسالم و غیر محتاطانه پیش برده و یا به نحوی از قانون، یا دساتیر و مقررات، محدودیت های منضمه به جواز و اجازه نامۀ صادرۀ د افغانستان بانك تخطی نماید.

۵- بانك یا شرکت بانکی مادر یا بانك دیگری که بانك، شرکت تابع آن است و یا یکی از شرکت های تابع بانك به فعالیت های جنائی دست زده باشد.

۶- عدم رعایت احکام مندرج اجزای (۳، ۴، ۵، ۶ و

۷) اجزاو کې د درج شوو حکمونو نه رعایتول.

۷- په هغه صورت کې چې بانک د دافغانستان بانک دستورونو او دقوانینو او مقرراتو هغه حکمونه چې په اعمالولو یې مکلف دی نه وي تطبیق کړي.

۸- په هغه صورت کې چې بانک د دافغانستان بانک له د مخنیۍ اجازې پرته، د یوه بل تشبث په تابع شرکت بدل شوی وي او د دې قانون په یوویشتمه ماده کې درج شوی حکم رعایت شوی نه وي.

۹- د بانک یا مور بانکي شرکت چې د شرکت بانک یې تابع دی، د فعالیت جواز لغوه شوی وي.

۱۰- د بانک خاوند یا خاوندانو د بانک د انحلال تصمیم نیولی وي.

۱۱- د بانک بیا سمبالولو (سازمان ورکولو)، ادغام یا تجزیې د دافغانستان بانک له مخکینۍ لیکلې اجازې پرته صورت موندلی وي یا یې په یو ډول د یوه قانوني یا عملیاتي خپلواک بنسټ په توګه خپل موجودیت له لاسه ورکړی وي.

۱۲- د بانک ځارنه، پدې علت چې

۷) فقرۀ (۱) مادۀ دوازدهم این قانون.

۷- در صورتی‌که بانک دساتیر دافغانستان بانک و احکام قوانین و مقرراتی را که مکلف به تعمیل آن است، تطبیق نکرده باشد.

۸- در صورتی‌که بانک بدون استیذان قبلی د افغانستان بانک، به شرکت تابع یک تشبث دیگر تبدیل شده و حکم مندرج مادۀ بیست و یکم این قانون رعایت نگردیده باشد.

۹- جواز فعالیت بانک یا شرکت بانکی مادر که بانک شرکت تابع آن است، لغو شده باشد.

۱۰- مالک یامالکین بانک تصمیم به انحلال بانک گرفته باشند.

۱۱- سازمان دهی مجدد، ادغام یا تجزیۀ بانک بدون اجازۀ قبلی کتبی د افغانستان بانک صورت گرفته و یا به نحوی وجود خود را به عنوان نهاد مستقل قانونی یا عملیاتی از دست داده باشد.

۱۲- نظارت بانک به علت اینکه

دخپلې اداري اوعملياتي دستګاه، دفترونـو يـا سـندونو يـوه برخـه يـا ټـول يې، د د افغانستان بانک لـه مخکښنۍ ليکلې اجازې پرته بهرته ليږدولـي وي د د افغانستان بانک ته ستونز منه شوې وي.

۱۳- د بانک څارنه پدې علت چې د يـوې ډلـې شـرکتونو يـا د غيـر مېشت بانک د تابع شرکت ياشرکت يا د غير مېشت مور بانکي شرکت غـړی شـوی دی، د دافغـانسـتـان بانـک لپاره ستونزمنه شوي وي.

۱۴- د بانـــک پـــر خـــلاف د ورشکستګۍ اقدامات پيـل شـوي وي.

(۲) د د افغانستان بانک کولای شي تر دغو شرايطو لاندې د فرعي دفتر يـا نمايـندګۍ د دفتـر اجـازه ليـک لغوه کړي:

۱- اجـــازه ليـــک د ناســـمو او غولوونکو اطلاعاتو د ورکولو يا د غوښتنليک د وړاندې کولو په وخت کې د نورو سرغړونو د ترسره کولـو پر اساس صادر شوی وي.

۲- هغـه بانـک چې اجـازه ليـک پـه واک کـې لـري، د بـانکوالۍ جـواز يـې لـه لاسـه ورکړی وي يـا يـې پـر

کلیه یـا قـسمتی از دسـتگاه اداری و عملیاتی دفاتر یا اسناد خـود را بـــدون اجـــازۀ قبلـــی کتبـــی د افـغانـستان بانـك بـه خـارج منتقل کـرده و بـرای دافغانـستان بانـك مشکل شده باشد.

۱۳- نظـارت بانك بـه علت اینکه عـضـو یـك گـروه از شـرکتها یـا شرکت تـابـع بانـك غـیر مقیم یا شرکت بـانکـی مـادر غـیر مقیم گردیده، بـرای د افغانستان بانك مشکل گردیده باشد.

۱۴- اقـــدامات ورشکـــستگی علـــیه بانـــك آغـــاز شـــده باشد.

(۲) د افغـانـستان بانـك مـی‌توانـد تحت شرایـــط آتـی اجـــازه نامۀ دفتـر فرعـی یـا دفتـر نماینـدگی را لغو نماید:

۱- اجـــازه نامـه براسـاس ارایـۀ اطـلاعات نـادرســـت، فـــریب آمـیز و یـا انجـام سایـــر تخـطی هـا حـــین ارایـۀ درخـــواسـت صـادر شده باشد.

۲- بـانکـــی کـه اجازه نامـه در اختـــیار دارد جـــواز بانکـداری خـود را از دسـت داده یا اقدامات

خلاف د ورشکستگۍ اقدامات پیل شوي وي او یا یې خاوندانو د بانک د انحلال تصمیم نیولی وي.

۳- له صادرېدو څخه د دوولسو میاشتو په ترڅ کې له خپل اجازه لیک څخه د بانک ګټه نه اخیستل.

۴- د اجازه لیک لرونکې فرع یا نمایندګۍ دفتر، خپل فعالیتونه په ناسالمه یا غیر محتاطانه توګه مخکې بیولي وي یا ئې د لاس رسېدنې وړ وجوهو موجودیت یا د دیونو د ورکړې وړتیا (قابلیت) یې تمدید کړی وي یا یې په یو ډول د د افغانستان بانک قانون، مقررات او د دستورونو یا ئې د دافغانستان بانک د اجازه لیک منضمه شرایط یا محدودیتونه یا یې واک نقض کړی وي.

۵- د اجازه لیک لرونکی فرعي دفتر یا ئې نمایندګۍ، د جنایي فعالیتونو مرتکب شوي وي.

۶- د دې قانون د دوولسمې مادې د (۲) فقرې په (۲ او ۳) جزء کې درج شوي شرطونه نه وي رعایت شوي.

۷- د اجازه لیک لرونکي بانک یا فرعي دفتر چې د د افغانستان ورشکستگی علیه آن آغاز شده و یا مالکین آن تصمیم به انحلال بانک گرفته باشند.

۳- عدم استفاده بانک از اجازه نامه اش در خلال دوازده ماه بعد از صدور آن.

۴- فرع یا دفتر نمایندگی دارای اجازه نامه، فعالیت های خود را به صورت ناسالم یا غیر محتاطانه به پیش برده که موجودیت وجوه قابل دسترس یا قابل پرداخت دیون را تمدید نموده یا به نحوی قانون، مقررات و دساتیر دافغانستان بانک، یا شرایط و محدودیت های منضمه به اجازه نامه یا صلاحیت د افغانستان بانک را نقض نماید.

۵- دفتر فرعی یا نمایندگی دارای اجازه نامۀ مرتکب فعالیت های جنائی شده باشد.

۶- شرایط مندرج اجزای (۲ و ۳) فقرۀ (۲) مادۀ دوازدهم این قانون رعایت نگردیده باشد.

۷- بانک یا دفتر دارای اجازه نامه، از رعایت

بانک د صادره مقرراتو د حکمونو چې پر هغو باندې اعمال شوي دي یا د د افغانستان بانک په قانون کې د نورو اړکل شوو مقرراتو، له رعایتولو څخه ډډه کړي وي.

۸- د فرعي یا نمایندګي دفتر د اجازه لیک لرونکي بانک، د خپل دفتر د تړلو تصمیم نیولی وي.

۹- په هغه صورت کې چې د بانک د اداري، عملیاتي دستګاه، د دفترونو یا د نمایندګۍ یا فرع د دفتر د سندونو ټول یا د پام وړ برخه، د د افغانستان بانک له مخکینۍ لیکلې اجازې پرته بهرته لېږدول شوي وي او پر هغو باندې ځارنه د د افغانستان بانک لپاره ستونزمنه شوی وي.

۱۰- د هغه بانک ځارنه چې فرعي یا د نمایندګۍ دفتر د هغې مربوط دی، د د افغانستان بانک لپاره ستونزمنه شوی وي.

(۳) په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک، د بانکي جواز یا اجازه لیک د لغوه کولو تصمیم ونیسي مکلف دی د هغه دلایل وړاندې کړي او مربوط بانک ته مقررات صادرهٔ د افغانستان بانک و یا سایر احکام پیش بینی شدهٔ قانون د افغانستان بانک، ابا ورزیده باشد.

۸- بانک دارای اجازه نامهٔ دفتر فرعی یا نمایندگی، تصمیم به مسدود نمودن دفتر خود گرفته باشد.

۹- در صورتی‌که کلیه یا قسمت قابل توجهی از دستگاه اداری، عملیات، دفاتر یا اسناد دفتر نمایندگی یا فرع بانک، بدون اجازهٔ قبلی کتبی د افغانستان بانک به خارج منتقل گردیده و نظارت بر آن برای د افغانستان بانک مشکل شده باشد.

۱۰- نظارت بانکی که دفتر فرعی یا نمایندگی مربوط آن است، برای د افغانستان بانک مشکل شده باشد.

(۳) در صورتی‌که د افغانستان بانک تصمیم به لغو جواز یا اجازه نامهٔ بانکی اتخاذ نماید، مکلف است دلایل آنرا ارایه نموده و به بانک مربوط

خبر ورکړي او موضوع د بانکونو د مرکزی ثبت په دفتر کې ثبت کړي.

د غیر مېشت بانک د لغوې د تصمیم خبر ورکول، دفرعي د دفتر یانمایندګۍ له لارې صورت مومي.

(۴) د داخلي بانک د بانکي جواز یا د غیر مېشت بانک د فرعي دفتر د اجازه لیک د لغوې په هکله تصمیم، د دې قانون د څلور پنځوسمې مادې د حکم مطابق، صورت مومي او د بانک یا فرعي دفتر د شتمنیو، دفترونو او سندونو د واکمنۍ په لاس کې اخیستلو لپاره د متولي انتصاب پکې شامل دی.

(۵) نیول شوي تصمیمونه د دې مادې په (۳) فقره کې درج شوي حکم مطابق، مربوطو مراجعو ته د هغو له خبر ورکولو وروسته نافذ ګڼل کېږي.

اطلاع داده و موضوع را در دفتر ثبت مرکزی بانک ها ثبت نماید.

اطلاع تصمیم لغو بانك غیر مقیم از طریق دفتر فرعی یا نمایندگی صورت می‌گیرد.

(۴) تصمیم در مورد لغو جواز بانکی بانك داخلی یا اجازه نامۀ دفتر فرعی بانك غیر مقیم طبق حکم مادۀ پنجاه و چهارم این قانون صورت گرفته و شامل انتصاب متولی برای در دست گرفتن زمام داری ها، دفاتر و اسناد بانك یا دفتر فرعی می‌باشد.

(۵) تصامیم اتخاذ شده مطابق حکم مندرج فقرۀ (۳) این ماده بعد از اطلاع آن به مراجع مربوط، نافذ پنداشته می‌شود.

د غوښتنلیک په صورت کې د بانکي جواز یا اجازه لیک لغو کول

پنځلسمه ماده:

(۱) بانک کولای شي د خپل بانکي جواز یا د فرع یا د نمایندګۍ د دفتر د اجازه لیک لغوه، د انحلال

لغو جواز یا اجازه نامۀ بانکی در صورت درخواست

مادۀ پانزدهم:

(۱) بانك می‌تواند لغو جواز یا اجازه نامۀ بانکی فرع یا دفتر نمایندگی خود را با ارایۀ

د تګلاري (برنامې) او بهرنۍ خپلواکې بررسۍ له رپوټ سره یوځای د مالي صورت حساب د افغانستان بانک لپاره د منلو وړ وي د غوښتنلیک په وړاندې کولو سره وغواړي.

د افغانستان بانک مکلف دی، د دریو میاشتو په ترڅ کې پدې هکله تصمیم ونیسي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي غوښتنلیک منظوري، د انحلال د برنامې په تصویب او له نه ورشکستګۍ څخه د ډاډ د ترلاسه کولو، د بانکي جواز د لغوه کولو په وخت کې د سپارنو اېښودونکو او نورو دائینو د بدیهیو د ورکړې لپاره د کافي وجوهو په درلودلو سره، د دې قانون په دوه شپېتمه ماده کې د درج شوي حکم د په پام کې نیولو سره، د د افغانستان بانک لخوا صورت مونډلی شي.

(۳) د غوښتنلیک په صورت کې د افغانستان بانک تصمیم د دلایلو په وړاندې کولو سره په لیکلي توګه د مربوط بانک په اطلاع رسول کېږي.

درخواست حاوی برنامۀ انحلال و صورت حساب مالی همراه گزارش بررسی مستقل بیرونی که قابل قبول برای دافغانستان بانک باشد، تقاضا نماید.

د افغانستان بانک مکلف است در خلال سه ماه درین مورد تصمیم اتخاذ نماید.

(۲) منظوری درخواست مندرج فقرۀ (۱) این ماده با تصویب برنامۀ انحلال و حصول اطمینان از عدم ورشکستگی، داشتن وجوه کافی جهت پرداخت بدهی های سپرده گذاران وسایر داینین بانک حین لغو جواز بانکی با نظر داشت حکم مندرج مادۀ شصت و دوم این قانون از طرف دافغانستان بانک صورت گرفته می‌تواند.

(۳) تصمیم د افغانستان بانک در صورت درخواست با ارایۀ دلایل کتباً به اطلاع بانک مربوط رسانیده می‌شود.

(۴) هغه تصمیم چې د غوښتنې په صورت کې د بانکي جواز یا اجازه لیک په هکله نیول کېږي، د د افغانستان بانک لخوا د بانکونو د ثبت په مرکزي دفتر کې ثبتېږي او سمدستي (فوراً) نافذ ېږي.

(۴) تصمیمی‌که در مورد لغو جواز یا اجازه نامۀ بانکی در صورت درخواست اتخاذ میشود، توسط دافغانستان بانک در دفتر مرکزی ثبت بانکها ثبت شده و فوراً نافذ می‌گردد.

د بانکي جواز یا اجازه لیک د لغوه کولو د تصمیم خپرول

شپاړسمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک د بانک د بانکي جواز یا د داخلي فرع یا نمایندګۍ د دفتر د اجازه لیک د لغوه کولو په اړه د خپل تصمیم له نېټې وروسته په پنځو ورځو کې، موضوع د هېواد په یوه کثیرالاشتشاره رسمي ورځپاڼه کې خپروي.

(۲) د بانکي جواز یا اجازه لیک د لغوې له نېټې څخه بانک یا اړوند دفتر (د انحلال په حال کې) عبارت، په خپل سرلیک (عنوان) کې په کار وړي او نشي کولای هغه فعالیتونه چې د بانکي جواز یا اجازه لیک مطابق مجاز دي، سرته ورسوي، خو دا چې د بانک د انحلال د پاي ته رسولو د پروسې د چټکولو په منظور اړین وګڼل شي.

نشر تصمیم در مورد لغو جواز یا اجازه نامۀ بانکی

مادۀ شانزدهم:

(۱) د افغانستان بانک در خلال پنج روز بعد از تاریخ تصمیم خویش مبنی بر لغو جواز بانکی بانك، یا اجازه نامۀ فرع داخلی یا دفتر نمایندگی، موضوع را در یك روزنامۀ کثیرالاشتشار رسمی کشور به نشر می سپارد.

(۲) از تاریخ لغو جواز یا اجازه نامۀ بانکی، بانك یا دفتر مربوط عبارت (در حال انحلال) را در عنوان خود بکار برده و نمی تواند فعالیت هایی را که طبق جواز یا اجازه نامۀ بانکی مجاز می باشد، انجام دهد، مگر اینکه به منظور تسریع پروسۀ پایان دادن به فعالیت های انحلال بانك ضروری پنداشته شود.

بانک یا نوموړي دفتر، د دې قانون د دوه شپېتمې او دري شپېتمې مادې د حکمونو مطابق، د انحلال او تصفيې د چارو په بهېر کې، د دې قانون تر حکمونو لاندې راځي.

درېيم فصل
د بانک تشکيل، مالکيت او اداره

د بانک تأسيسول
اووه لسمه ماده:
بانک د يوه يا څو حکمي يا حقيقي اشخاصو لخوا د مؤسس يا ونډې لرونکي (سهم لرونکي) په عنوان جوړېدای شي.

د بانک قانوني جوړښت
اتلسمه ماده:
بانک د شرکت په صورت ثبتېږي او قانوني ډول (جوړښت) يې د هغو مقرراتو په واسطه چې د بانک لخوا صادرېږي مشخص کېږي.
بانک خپل قانوني جوړښت يا تشکيل ته، د د افغانستان بانک له د مخکنۍ ليکلې اجازې پرته بدلون نشي ورکولای.

بانک یا دفتر متذکره طبق احکام مواد شصت و دوم و شصت و سوم این قانون، در جریان امور انحلال و تصفیه تحت احکام این قانون قرار می‌گیرد.

فصل سوم
تشکیل، مالکیت و ادارهٔ بانک

تأسیس بانک
مادهٔ هفدهم:
بانک توسط یک یا چند شخص حکمی یا حقیقی به عنوان مؤسس و سهم دار تأسیس شده می‌تواند.

ساختار قانونی بانک
مادهٔ هجدهم:
بانک به صورت شرکت ثبت گردیده و نوعیت قانونی آن در مقرراتیکه توسط د افغانستان بانک صادر می‌شود مشخص می‌گردد.
بانک ساختار یا تشکیل قانونی خود را بدون اجازهٔ کتبی قبلی د افغانستان بانک تغییر داده نمی تواند.

د بانک اساسنامه

نولسمه ماده:

(۱) بانک د اساسنامې لرونکی وي چې د د افغانستان بانک له تصویب وروسته د بانکونو د ثبت مرکزي دفتر ته سپارل کېږي او ثبتېږي.

(۲) بانک نشي کولای د د افغانستان بانک له د مخکنۍ لیکلې اجازې پرته په خپله اساسنامه کې تعدیلونه راوړي.

اساسنامهٔ بانک

مادهٔ نزدهم:

(۱) بانک دارای اساسنامه بوده که بعد از تصویب د افغانستان بانک به دفتر مرکزی ثبت بانکها سپرده شده و ثبت می‌گردد.

(۲) بانک نمی تواند بدون اجازهٔ کتبی قبلی د افغانستان بانک در اساسنامهٔ خود تعدیلات ایجاد نماید.

د بانک پانګه ییز جوړښت

شلمه ماده:

(۱) بانک مکلف دی تر څو شتمنۍ یې ثالثو اشخاصوته د هغه له بدهیو د د افغانستان بانک لخوا د هغه د ورکړل شوې لومړنۍ پانګې د حداقل مبلغ له میزان څخه د جواز د ترلاسه کولو په وخت کې یا له هغه زیات مبلغ څخه چې د د افغانستان بانک یې ټاکي، زیات وي.

(۲) بانک نشي کولای خپله پانګه یا زېرمې د ونډو د بیا پېرودنې یا د هغو خاوندانو ته د پانګې یا زېرمه ییزو شتمنیو د ویش په واسطه، د دافغانستان بانک له د مخنۍ

ساختار سرمایوی بانک

مادهٔ بیستم:

(۱) بانک مکلف است که دارایی های آن از بدهی آن به اشخاص ثالث به میزان مبلغ حد اقل سرمایه اولیه پرداخته شدهٔ آن توسط د افغانستان بانک حین صدور جواز بانکی یا مبلغ بیشتر که د افغانستان بانک تعین می نماید، بیشتر باشد.

(۲) بانک نمی تواند سرمایه یا ذخایر خود را توسط باز خرید سهام یا توزیع سرمایه یا دارایی های ذخیره ای به مالکین آن بدون اجازهٔ قبلی د

اجازې پرته راتیتې کړي.

په بانک کې د واکمنو استحقاقي وندو په هکله قیودات

یو ویشتمه ماده:

(۱) هېڅ شخص نشي کولای د دافغانستان بانک له د مخکنۍ اجازې پرته په یوه بانک کې چې په یوازې سر یا د هغه له اوسنۍ (فعلي) مشارکت سره یو ځای په هغه مشارکت کې واکمنه استحقاقي وندې تشکیل کړي، مشارکت ترلاسه کړي.

(۲) هغه شخص چې په بانک کې واکمنه استحقاقي وندې لري، نشي کولای د دافغانستان د بانک له مخکنۍ لیکلې اجازې پرته، په نورو بانکونو کې مشارکت چې د هغه د استحقاق د وندې د زیاتېدو یا په هغه بانک کې په سلو کې (۲۰) یا په سلو (۳۳) او یا په سلو (۵۰) ته د هغه د رائې د حق د نسبت د رسېدو سبب شي او یا د دې باعث شي چې بانک د هغه تابع شرکت وګرځي، ترلاسه کړي.

(۳) هغه شخص چې په بانک کې د واکمن استحقاق وندې لري، نشي

افغانستان بانک کاهش دهد.

قیودات در مورد سهام استحقاقی ذیصلاحیت در بانک

مادۀ بیست و یکم:

(۱) هیچ شخص نمی تواند بدون اجازۀ قبلی د افغانستان بانک مشارکتی را در یک بانک که به تنهایی یا همراه با مشارکت فعلی وی سهم استحقاقی ذیصلاحیت در آن بانک را تشکیل دهد، کسب نماید.

(۲) شخصی‌که سهم استحقاق ذیصلاحیت در بانک را دارد، نمی تواند بدون اجازه کتبی قبلی دافغانستان بانک مشارکتی در سایر بانکها که سبب ازدیاد سهم استحقاق، یا رسیدن نسبت حق رای او به (۲۰) یا (۳۳) فیصد و یا (۵۰) فیصد در آن بانک شده و یا باعث آن گردد که بانک شرکت تابع وی گردد، کسب نماید.

(۳) شخصی‌که سهم استحقاق ذیصلاحیت در بانک دارد نمی

کولای د د افغانستان بانک له د مخنی لیکلې اجازې پرته، په نورو تشبثاتو کې مشارکت چې د هغه د واکمن استحقاق د ونډې د رامنځته کېدو یا (۲۰) یا په سلو (۳۳) او یا (۵۰) زیاتو ته په سلو کې یا له هغه نه زیات د هغه د رائې د حق او پانګې د زیاتېدو سبب شي، ترلاسه کړي.

(۴) په هغه صورت کې چې په بانک کې د واکمنې استحقاق د ونډې لرونکی شخص په نورو تشبثاتو کې مشارکت چې د هغه د واکمن استحقاق د ونډې د رامنځته کېدو سبب شي چې د هغه د رایې حق یا پانګه په سلو کې (۲۰) یا په سلو کې (۳۳) یا په سلو کې (۵۰) فیصدو او یا زیاتو ته ورسوي، مشارکت ترلاسه کړي، مکلف دی د د افغانستان بانک منظوري واخلي.

(۵) د دې مادې په (۱، ۲ او ۴) فقرو کې درج شوو اشخاصو ته د د افغانستان بانک اجازه ورینه ګڼل کېږي او د غوښتنلیک په وړاندې کولو سره چې د دې مادې په (۶) فقره کې د درج شوي حکم

تواند بدون اجازه کتبی قبلی د افغانستان بانک، مشارکتی در سایر تشبثات که سبب ایجاد سهم استحقاق ذیصلاح و یا ازدیاد آن به (۲۰) یا (۳۳) فیصد و یا (۵۰) فیصد و یا بیشتر حق رأی یا سرمایۀ وی گردد، کسب نماید.

(۴) در صورتی که شخص دارای سهم استحقاق ذیصلاحیت در بانک، مشارکتی را در سایر تشبثات که سبب ایجاد سهم استحقاقی ذیصلاحیت که حق رای یا سرمایه وی را به (۲۰) فیصد یا (۳۳) فیصد و یا (۵۰) فیصد و یا بیشتر برساند، کسب نماید، مکلف است منظوری د افغانستان بانک را اخذ نماید.

(۵) اجازۀ د افغانستان بانک برای اشخاص مندرج فقره های (۱، ۲ و ۴) این ماده ضروری پنداشته می‌شود و می‌تواند با ارایۀ درخواست که حاوی مدارک تائید کنندۀ حکم مندرج فقرۀ (۶) این

تائیدوونکی دی، د د افغانستان بانک د وضع شوو مقرراتو مطابق صورت مومي.

د د افغانستان بانک کولای شي د غوښتنلیک په تائید کې مستند اضافي مدرکونه وغواړي.

(۶) د د افغانستان بانک د دغو شرایطو لاندې غوښتنلیک ورکوونکي شخص ته اجازه صادروي:

۱- د غوښتنلیک ورکوونکي وړتوب او مناسبوالی، په هغه صورت کې چې حقیقي شخص وي.

۲- د مدیرانو وړتوب او مناسبوالی، په هغه صورت کې چې غوښتنلیک ورکوونکی حکمي شخص وي.

۳- غوښتنلیک ورکوونکی د جنایي فعالیتونو مرتکب شوی نه وي.

۴- له خطر سره د بانک د سالم او محتاطانه مدیریت په اړه د مدرکونو نه موجودیت، په هغه کې د اکتساب په نتیجه کې د نفوذ د استعمال په علت.

۵- د اکتساب په نتیجه کې بانک، د یوه تشبث په تابع شرکت ماده باشد، در مطابقت با مقررات وضع شدهٔ د افغانستان بانک صورت گیرد.

د افغانستان بانك می‌تواند مدارك مستند اضافی در تائید از درخواست مطالبه نماید.

(۶) د افغانستان بانک تحت شرایط آتی به شخص درخواست کننده اجازه صادر می نماید:

۱- شایسته و مناسب بودن درخواست کننده، در صورتی‌که شخص حقیقی باشد.

۲- شایسته و مناسب بودن مدیران در صورتی‌که درخواست کننده شخص حکمی باشد.

۳- درخواست دهنده مرتکب فعالیت های جنائی نشده باشد.

۴- عدم موجودیت مدارك مبنی بر به خطر مواجه شدن مدیریت سالم و محتاطانهٔ بانك به علت استعمال نفوذ در نتیجهٔ اکتساب مشارکت در آن.

۵- در نتیجهٔ اکتساب، بانك مبدل به شرکت تابع یك تشبث نگردیده

بدل شوی نه وي چې له دغه امله نه د بانک شکل ولري او نه د مور بانکي شرکت شکل.

۶- په هغه صورت کې چې د اکتساب په نتیجه کې بانک، د بانک په تابع شرکت یا غیر مېشت مور بانکي شرکت باندې بدل شي، د بانکونو تنظیمونکی په هغه هېواد کې چې د هغوی مرکزي دفتر هلته واقع دی، دغه اکتساب ته اجازه ورکړی وي.

۷- که چېرې غیر مېشت تشبث د اکتساب په نتیجه کې له بانک سره اړیکي پیدا کړې وي، په اغیزناکه توګه په هغه هېواد کې چې مرکزي دفتر یې هلته واقع دی نه څارل کېږي یا پدې علت چې د هغه هېواد څارونکي مقامات له د افغانستان بانک سره همکاري نه کوي، اکتساب د دافغانستان بانک د څارنیزو مسئولیتونو خنډ (مانع) وګرځي.

۸- د نورو شرایط تطبیقول چې ممکنه ده د د افغانستان بانک یې د مقرراتو په واسطه تجویز کړي.

(۷) د د افغانستان بانک ته د غوښتنلیک د سپارلو (تسلیمولو) باشد که به اثر آن نه شکل بانک را داشته باشد و نه شکل شرکت بانکی مادر را.

۶- در صورتی‌که در نتیجهٔ اکتساب، بانک مبدل به شرکت تابع بانک یا شرکت بانکی مادر غیر مقیم گردد، تنظیم کنندهٔ بانک ها در کشوري که دفتر مرکزی آنها در آن جا واقع است، اجازه به این اکتساب داده باشد.

۷- هرگاه تشبث غیر مقیم که در نتیجهٔ اکتساب، به بانک رابطه پیدا کرده بطور مؤثر در کشوري که دفتر مرکزی وی در آن واقع است، نظارت نمی شود یا به علت اینکه مقامات نظارتی آن کشور با دافغانستان بانک همکاری نمی نماید اکتساب مانع از اجرای مسئولیت های نظارتی د افغانستان بانک گردد.

۸- تطبیق سایر شرایط که ممکن است د افغانستان بانک توسط مقررات تجویز نماید.

(۷) در خلال سه ماه از تاریخ تسلیم درخواست به د

له نېټې څخه د دریو میاشتو په ترڅ کې، غوښتنه باید تائید یا رد شي او د د افغانستان بانک د تصمیم یو نقل غوښتنلیک ورکوونکي ته واستول شي، د هغو غوښتنلیکونو د منظورۍ یا رد موده (میعاد) چې د غیر مېشت غوښتنلیک ورکوونکي لخوا تسلیمېږي شپږ میاشتې ده، د اجازې د صادرولو په صورت کې، د د افغانستان بانک کولای شي د اکتساب د بشپړېدو لپاره وروستنۍ موده وټاکي، د رد په صورت کې دې، د غوښتنلیک د رد دلیلونه په مشروح ډول د غوښتنلیک ورکوونکی په واک کې ورکړي.

(۸) د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي حکم او وروستنۍ مودې چې د یوه مشارکت د اکتساب په منظور یې ټاکلې ده، د نه رعایتولو په صورت کې، د دافغانستان بانک په لیکلې توګه شخص ته امر کوي چې په امریه کې د ټاکلې مودې له تېرېدو د مخه، خپله ټوله ونډه یا یې یوه برخه چې په امریه کې مشخصه

افغانستان بانک، تقاضا باید تائید و یا رد گردد و یك نقل از تصمیم د افغانستان بانک برای درخواست دهنده فرستاده شود.

میعاد منظوری و یا رد درخواست های که توسط درخواست دهندۀ غیر مقیم تسلیم می‌شود شش ماه می‌باشد. در صورت صدور اجازه د افغانستان بانک می‌تواند مدت نهایی برای تکمیل اکتساب را تعیین و در صورت رد، دلایل رد درخواست را بطور مشرح در اختیار درخواست دهنده قرار دهد.

(۸) در صورت عدم رعایت حکم مندرج فقرۀ (۱) این ماده و مدت نهایی که به منظور اکتساب یك مشارکت تعین نموده است دافغانستان بانك طور کتبی به شخص امر می نماید که قبل از انقضای میعاد معینه در امریه، تمام یا قسمتی از سهم خود را که در امریه مشخص می‌گردد، بفروشد و یا به

کېږي وپلوري يا په بل ډول له هغې څخه منصرف شي.

(۹) شخص نشي کولای د د افغانستان بانک له لیکلې خبرتیا د مخه په بانک کې خپله واکمنه استحقاقي وندې وپلوري يا په بل ډول له هغې څخه منصرف شي.

(۱۰) شخص نشي کولای د د افغانستان بانک له لیکلې خبرتیا د مخه د خپلې شتمنۍ د میزان په هکله چې قرار دی په بانک کې پاتې شي، د خپل استحقاق وندې پداسې ډول رالږ کړي چې د رایې د حق یا پانګې نسبت يې په سلو کې له ۲۰ یا ۳۳ او یا ۵۰ څخه ښکته ته ورسېږي او بانک تابع شرکت وګڼل شي.

(۱۱) بانک مکلف دی له وندې والو څخه د وندو د بېرته پېرودنې په شمول په پانګه کې د وندې د اکتساب یا له لاسه ورکولو په هکله چې د دې مادې په (۲ او ۱۰) فقره کې د درج شوو تاکلو حدودو د جګېدو یا ټیټېدو باعث وګرځي د معلوماتو له ترلاسه کولو وروسته د دریو ورځو په ترڅ کې د د افغانستان بانک ته خبر ورکړي.

نحو دیگر از آن منصرف گردد.

(۹) شخص نمیتواند قبل از اطلاع کتبی د افغانستان بانک سهم استحقاقی ذیصلاحیت خود را در بانك بفروشد یا به نحو دیگری از آن منصرف گردد.

(۱۰) شخص نمی تواند قبل از اطلاع کتبی د افغانستان بانك در مورد میزان دارائی خود که قرار است در بانك باقی بماند، سهم استحقاق خود را طوری کاهش دهد که نسبت حق رأی یا سرمایه وی پائین تر از ۲۰ فیصد یا ۳۳ فیصد و یا ۵۰ فیصد برسد و بانك، شرکت تابع پنداشته شود.

(۱۱) بانك مکلف است در خلال سه روز بعد از دریافت معلومات در مورد اکتساب یا از دست دادن سهم در سرمایه به شمول باز خرید سهام از سهامداران که باعث صعود یا نزول حدود معینه مندرج فقره های (۲ و ۱۰) این ماده گردد، به د افغانستان بانك اطلاع دهد.

(۱۲) بانک مکلف دی د مالي کال له پایته رسیدو یوه میاشت د مخه د شتمنۍ (دارایي) او ونډه والو اندازه چې د واکمن استحقاقي ونډه لري، په لیکلې توګه د د افغانستان بانک ته خبر ورکړي.

(۱۳) د د افغانستان بانک پدې اړه چې د دې مادې په (۶) فقره کې د درج شوو شرطونو یو یا زیات یې په یوه بانک کې د واکمن استحقاقي د ونډې لرونکي شخص په هکله د تطبیق وړ ندي، د ډاډ ترلاسه کولو په صورت کې، په لیکلې توګه هغه ته امر کوي چې په امریه کې د ټاکلې مودې له تېرېدو د مخه، په بانک کې د خپل استحقاق ټوله یا یوه برخه ونډه چې په امریه کې مشخصه کېږي، وپلوري یا په بل ډول له هغې څخه تیر شي.

(۱۴) د امریې د صادرېدو له نېټې څخه، د دې مادې له (۶) یا (۱۳) فقرې سره په مطابقت کې د هغه شخص په واسطه چې په امریه کې یې نوم اخیستل کېږي، د ټولې یا یوې برخې مشخصې ونډې تر پلورنې یا انصراف پورې د بانک د

(۱۲) بانک مکلف است یک ماه قبل از ختم سال مالی، اندازۀ دارایی و سهامدارانی که سهم استحقاقی ذیصلاحیت دارند، کتباً به د افغانستان بانک اطلاع دهد.

(۱۳) د افغانستان بانک در صورت حصول اطمینان مبنی بر اینکه یک یا بیشتر از شرایط مندرج فقرۀ (۶) این ماده در مورد شخص دارای سهم استحقاقی ذیصلاحیت در یک بانک، قابل تطبیق نیست، کتباً به وی امر می نماید که قبل از انقضای میعاد معینه در امریه، تمام یا قسمتی از سهم استحقاق خود در بانک را که در امریه مشخص میگردد بفروشد و یا به نحو دیگری از آن منصرف گردد.

(۱۴) از تاریخ صدور امریه در مطابقت با فقرۀ (۶) یا (۱۳) این ماده الی فروش یا انصراف از تمام یا قسمتی از سهم مشخص شده توسط شخصی‌که در امریه از وی نام برده می‌شود، حق رأی دهی و

نظار هیئت له غړو څخه د هر غړي د رأيې ورکونې او غړيتوب حق چې د هغه په واسطه منصوب شوی دی، د تعلیق حالت ته ځي، د رأيې تعليق شوي حق د ونډو د عمومي مجمع د غونډو د نصاب د حد د ټاکلو په منظور، د فوق العاده غونډو په شمول د محاسبې وړ ندی.

(۱۵) د د افغانستان بانک د غونډتنې له مخې، کمپسیون، مخصوص او خودمختار مدیر چې د رأيې د حق لرونکی او د دې مادې په (۱۴) ماده کې درج د تعليق شوي غړي ځای نیوونکی وي، انتصابوي.

عضویت هر عضو از هیئت نظارت بانک که توسط وی منصوب گردیده است، به حالت تعلیق در میاید. حق رأی تعلیق شده به منظور تعین حد نصاب جلسات مجمع عمومی سهامداران به شمول جلسات فوق العاده قابل محاسبه نمی‌باشد.

(۱۵) به اثر درخواست د افغانستان بانك، کمیسیون، مدیر مخصوص و خود مختار که دارای حق رأی و جاگزینی عضو به حالت تعلیق در آمدهٔ مندرج فقره (۱۴) این ماده می‌باشد، انتصاب می نماید.

د بانک اداری جوړښت

دوه ویشتمه ماده:

(۱) بانک د لاندې اداري جوړښت لرونکی دی:

۱- د ونډه والو عمومي مجمع، د تصمیم نیونې د سترې (عالي) مرجع په توګه.

۲- د نظارت هیئت د بانک د اداري او فعالیتونو د څارنې د مسئول په توګه.

۳- عامل هیئت، د بانک د چارو د

ساختار اداری بانك

مادهٔ بیست و دوم:

(۱) بانك دارای ساختار اداری ذیل می‌باشد:

۱- مجمع عمومی سهامداران، منحیث عالیترین مرجع تصمیم گیری.

۲- هیئت نظارت، منحیث مسئول نظارت اداره و فعالیت های بانك.

۳- هیئت عامل، منحیث مسئول

اجراء د مسئول په توګه چې د بانک ورځنۍ اداره په غاړه لري.
۴- د بررسۍ کمیټه، د حسابداری، کنترول او داخلي بررسیو د چارو د مسئول په توګه.
۵- نور هیئتونه او کمیټې عندالضرورت د بانک د اساسنامې مطابق جوړېدای شي.
(۲) بانک مکلف دی د مخه تر دې چې شخص د نظار د هیئت یا عامل هیئت یا د بررسې د کمیټې غړیتوب ته منصوب کړي، موضوع دې د مدرکونو په وړاندې کولو سره د دې قانون د (۹) مادې مطابق د بانکداری د جواز د غوښتنې په وخت کې د افغانستان بانک ته وړاندیز او د هغه اجازه دې واخلي.

امور اجراء بانک که ادارهٔ یومیهٔ بانك را به عهده دارد.
۴- کمیتهٔ بررسی منحیث مسئول امور حسابداری، کنترول و بررسی های داخلی.
۵- سایر هیئت ها و کمیته ها عندالضرورت مطابق اساسنامهٔ بانك تأسیس شده می‌تواند.
(۲) بانك مکلف است قبل از آنکه شخص را به عضویت هیئت نظار یا هیئت عامل یا کمیتهٔ بررسی منصوب نماید، موضوع را با ارایه مدارك طبق مادهٔ (۹) این قانون حین درخواست جواز بانکداری به د افغانستان بانك پیشنهاد و اجازهٔ آنرا اخذ نماید.

د ونډې والو عمومي مجمع
در ویشتمه ماده:
(۱) د بانک د ونډې والو عمومي مجمع د لاندې دندو او واکونو لرونکې ده:
۱- د بانک په اساسنامه کې د تعدیلونو تصویبول.
۲- د بانک د دندو د لایحې تصویبول او په هغې کې تعدیلونه.

مجمع عمومی سهامداران
مادهٔ بیست و سوم:
(۱) مجمع عمومی سهامداران بانك داری وظایف و صلاحیت های آتی می‌باشد:
۱- تصویب تعدیلات در اساسنامهٔ بانك.
۲- تصویب لایحهٔ وظایف بانك و تعدیلات در آن.

۳- د ټکټانې د نرخ د کلي سیاست د ډول ډول شـــتمنیو چـــې د لاس رسـېدنې وړ وجـوهـــو د پانـــګې اچونې لپاره مناسبې وي او د بانک د نـورو مـالي، حسابداری، اداري او کدري کلي سیاستونو ټاکل.

۴- د بانـک د تـشکیلاتي جوړښت ټاکل.

۵- د بانک د تابع شرکتونو، فروعو او نمایندګۍ د دفترونـو تأسیسول او انحلال.

۶- د نـورو مـالي مؤسسو په ونډه ایزه (سهامی) پانګه کې د بانک د مشارکت په هکله د تصمیم نیول.

۷- د بانـک د نظـار هیئـت، عامـل هیئـت د بررسـۍ د کمیټې د غـړو تقرر، عـزل او د هـغوی د معاشـونو او حق الزحمو ټاکل. (د معـــاشونو او حـق الـزحمو ټاکـل د بانـک پـه مـالي وضعیت او عوایدو پورې اړه نلري).

۸- له بانک څخه په استازیتوب د قراردادونـو او ژمنـو د لاسـلیک پـه هکله د بانک د مدیرانو د واکونـو د حدودو ټاکل او دا چې دغـه واکونـه تـر کومـه حـده پـورې کیـدای شـي، محول شي.

۳- تعیـــین ســـیاست کلـی نـرخ تکتانه، انواع دارائی های کـه بـرای ســرمایه گـــذاری وجـــوه قابـــل دسـترس مناسـب باشـد وســـایر سیاســـت هـــای کلـــی مـــالی، حسابداری، اداری و کدری بانک.

۴- تعیـــین ساخـتار تـشکیلاتی بانک.

۵- تـــأسیـــس و انحـــلال شـــرکت هـــای تـــابـــع، فـــروع و دفـــاتر نمایندگی بانک.

۶- اتخـــاذ تـــصمیم در مـــورد مشارکت بانک در سرمایۀ سهامی مؤسسات مـالی دیگر.

۷- تقـــرر و عـــزل اعـــضاء هیئـــت نظار، هیئت عامل، کمیتۀ بررسی بانـــک و تعیـــین معاشـــات و حـــق الـــزحمه آنهـا. (تعیـین معـــاشات و حـــق الزحـــــمۀ رابـــــطه بـــه وضعـــیت مـالـی و عوایـد بانـک ندارد).

۸- تعـین حـدود صـلاحیت هـای مـدیران بانـک در مـورد امـضای قرارداد ها و تعهدات به نمایندگی از بانک و اینکه ایـن صـــلاحیت ها را تـــا چه حـــــد می‌توان محول کرد.

د نظـار هیئـت د غـړو واکونـه ثابـت دي او د سـپارلو وړ ندي.

۹- د دې قـانون د اتـه ویـشتمې مادې مطابق د بانک د مدیرانو له سوداګریزو ګټو سره په رابطه کې د معلوماتو د وړاندې کولو او په هغو کـې د تعـدیلاتو د کـړنلارې تصویبول.

۱۰- د بانـک د بـودجې ټاکـل او منظـورول، د مدیرانو، کارمندانو، مـامورینو او اسـتازو د استخدامـولو د طرزالعمـل تصویبول.

۱۱- د بانک په مجازه پانګه کې د زیاتوالي منظوري، د بانک د وندو د حـدودو د شـرایطو او ضـوابطو ټاکل.

۱۲- د بانک د بررسۍ د کمیټې د وړاندیز پر اساس د بانک د کلنیـو ګزارشـاتو او رپوټونـو تـصویبول، د بانـک د خالـصو عوایـدو ټاکـل، د بانـک زیرمـه ایـزو حـسابونو او یـا وندې والو ته د وندو د ګټې (مفاد) په ډول د دغـسې خالـصو عـوایدو انتقـالول او ورکړه.

۱۳- د بانـک پـه دفترونـو کـې د صلاحیت های اعضاء هیئت نظار ثـابت بـوده و قـابـل تفـویض نمی‌باشد.

۹- تـصـویب طـرزالعمل و تعـدیلات در آنـها و ارایـۀ معلومـات در رابطـه بـه منـافع تجـارتی مـدیران بانـک، مطـابـق مـادۀ بیـست و هـشتم ایـن قانون.

۱۰- تعیـن و منـظوری بودجـۀ بانـک، تـصـویب طرزالعمـل استخـدام مدیـران، کارمنـدان، مامـورین و نماینـدگان بانک.

۱۱- منظوری افـزایش در سرمایۀ مجـاز بانـک، تعـین شـرایط و ضـوابط صـدور سـهام بانک.

۱۲- تـصویب گزارشـات سـالانه و راپورهـای مـالی بانـک بـه اسـاس پیـشنهاد کمیتـه بررسـی بانـک، تعیین عواید خالص بانک، تصمیم انتقال مبلغی از عواید خالص به حـسابهای ذخیـره وی بانـک و یـا پرداخت آن به شکل مفاد سهام به سهامداران.

۱۳- ایجـاد ذخـایر مخـصوص در

مخصوصو زیرمو جوړول.

۱۴- د بانک د پلورلو، ادغام او انحلال، یا بندولو په هکله تصمیم نیول.

(۲) وندې وال د بانک په وندې ایزه پانګه کې د هغوی د وندې له میزان سره متناسب، د رأیې د حق لرونکي دي او هر وندې وال کولای شي په خپله یا د یوه استازي له لارې، د وندې والو په عمومي مجمع کې د خپلې رأیې له حق څخه ګټه واخلي.

(۳) د وندې والو د عمومي مجمع غونډې، د ارټیا له مخې جوړیدی شي، د غونډې د ځای، نېټې او مودې په هکله معلومات د هغې له اجندا سره یوځای یوه میاشت د مخه وندې والو ته استول کېږي.

په اضطراري غونډو کې دغه موده تر اوو ورځو پورې را کمېږي. په غونډو کې د هغو موضوعګانو په هکله چې په اجندا کې شاملې نه وي، تصمیم نشي نیول کیدای.

عادي غونډې حداقل په کال کې یوځل، د بیلانس شیټ د بهرنۍ بررسۍ او د بانک د تېر مالي کال د مالي رپوټ له بشپړیدو دوه

دفاتر بانك.

۱۴- تصمیم در مورد فروش، ادغام و انحلال یا مسدود نمودن بانك.

(۲) سهامداران دارای حق رأی متناسب به میزان سهم شان در سرمایهٔ سهامی بانك بوده و هر سهمدار می‌تواند از حق رأی خود در مجمع عمومی سهامداران شخصاً و یا از طریق نماینده استفاده نماید.

(۳) جلسات مجمع عمومی سهامداران میتواند حسب ضرورت دایر گردد، معلومات در مورد محل، تاریخ و زمان جلسه، همراه با آجندای آن یك ماه قبل برای سهامداران ارسال می‌گردد.

در جلسات اضطراری این مدت الی هفت روز تقلیل می‌یابد. در جلسات در مورد موضوعاتی که شامل آجندا نباشد، تصمیم اتخاذ شده نمی‌تواند. جلسات عادی حد اقل سال یکبار، دو ماه بعد از تکمیل بررسی بیرونی بیلانس شیت و گزارش مالی سال گذشته بانك دایر

میاشتې وروسته دایرېږي.
فـوق العـاده غونـډې د نظـارت هیئت، عامل هیئت او د بررسۍ د کمیټـې او هغـو ونـډه والـو پـه غونډنه چې، جمعاً په سلو کې د شلو یـا زیـاتو رأیـو حق لـري، پـه غونډنه دایرېدی شي.

نظار هیئت
څلیرویشتمه ماده:
(۱) د بانـک د نظـار هیئـت لاندې دندې او واکونـه لري:
۱- د بانـک پـر اداره او فعـالیتونو باندې څارنه.
۲- عامـل هیئـت او د ونـډه والـو عمومي مجمع ته د سلا (مشورې) ورکول.
۳- د ونډه والو د عمومي مجمع د غونډو جوړول او د اجنداء برابرول.
د غـونـډو اجنداء چې د ونډه والو، عامـل هیـئت او د بررسـۍ د کمیټـې پـه غونډنه دایـرېږي، پخپله د هغوی لخوا ټاکل کېږي.
۴- د ارټیا په صورت کې، د بانک د هغـو شـمېر معـاملو د اجـازې صادرول چې د ونډه والو د عمومي میگردد.
جلسات فوق العاده به درخواست هیئـت نظـارت، هیئـت عامـل و کمیتـه بررسـی سـهامدارانی کـه جمعـاً بیست فیـصد یـا بیـشتر از مجمـوع حـق رأی را دارنـد، دایـر شده می‌تواند.

هیئت نظار
مادۀ بیست و چهارم:
(۱) هیئـت نظـار بانـك دارای وظـایف و صـلاحیت هـای آتـی می‌باشد:
۱- نظارت بر اداره و فعالیت های بانك.
۲- اعـطای مـشـوره بـه هیئـت عامـل و مجمـع عمـومی سـهامداران.
۳- تـدویر جلسات مجمع عمومی سهامداران و تهیۀ آجندای آن.
آجندای جلسات کـه بـه درخواست سهامداران، هیئت عامل و کمیته بررسی دایر می‌شود، توسط خود آنها تعیین می‌گردد.
۴- در صـورت ضـرورت صـدور اجـازه آنعـده معـاملات بانـك کـه نیـاز بـه تـصمیم مجمـع عمـومی

مجمع تصمیم ته اړتیا لري.

۵- لـه نافـذه قوانینـو او مقرراتـو څخه د بانک د سرغړونې په صورت کـې، عامـل هیئـت تـه د اخطـار صـادرول او پـدې برخـه کـې د د افغانـستان بانـک او ونـډه والـو عمومي مجمع ته د خبرتیا استول.

نظـار هیئـت کـولای شـي پـه هغـه صورت کې چې بانک د لومړي ځل لپاره د سرغړونې مرتکب شوی وي او د هغـو د منفـي اغیـزو پـه محـوه کولـو مؤفـق شـوي وي او د هغـو د تکـرار څخـه د مخنیـوي لپـاره یـې لازم اقـــدامات کـــړي وي، د دافغانستان بانک تـه د خبرتیـا لـه ورکولو څخه دې ډډه وکړي.

نظار هیئت مکلف دی د سرغړونې موضوع او پایلې یې د خپلو غونډو د یادښت په کتاب کې ثبت کړي.

۶- د اړتیا په صورت کې د بانک له سالم او محتاطانه مدیریت څخه د ډاډ د ترلاسه کولو په منظور، عامـل هیئت ته د لاربښوونې صادرول.

۷- د عامـل هیئـت او بررسـۍ د کمیتـې د هغـه شـمېر غـړو د غړیتوب تعلیق چې د دې قـانون د یـوه حکـم پـر اسـاس یـې واک سـلب سهامداران دارد.

۵- صـدور اخـطار بـه هیئـت عـامل در صـورت تخـلف بانـك از قوانیـن و مقـررات نافـذه و ارسال اطلاعـیه در ایـن زمینـه بـه د افغانـستان بانـك و مجمـع عمـومی سهامداران.

هیئت نظار می‌تواند در صورتی‌که بانك برای اولین بار مرتکب تخلف شـده و موفـق بـه امحـای اثـرات منفـی آن گـردیده و اقدامـات لازم بـرای جلـوگـیری از تکـرار آن اتخـاذ نـمـوده بـاشـد، از اطـلاع موضـوع بـه د افغانـستتـان بانـك خـود داری نماید.

هیئت نظار مکلف است موضوع تخلـف و نتـایج آنـرا در کتـاب یادداشت جلسات خود ثبت نماید.

۶- در صـورت ضـرورت صدور هـدایت بـه هیئـت عامـل بـه منظور حصول اطمینـان از مـدیریت سالم و محـتاطانه بانك.

۷- تعلیـق عـضویت آنعـده از اعـضای هیئـت عامـل و اعـضای کمیتـه بررسی کـه بـا نظـر داشت یکـی از احکـام ایـن قانـون سـلب

شوی وي یا پداسې حالاتو کې چې په عامل هیئت یا د بررسۍ په کمیټه کې د هغوی د حضور دوام د بانک له سالم او محتاطانه مدیریت سره جوړ نه وي او تر هغه وخته پورې چې د غړیتوب تعلیق شوي غړي یا بېرته په خپلو دندو وګمارل شي او یا د ونډې والو د عمومي مجمع لخوا په دایمي توګه تعویض شي، د نورو اشخاصو مؤقته ځای نیونه.

۸- په ټولو هغو مواردو کې چې نظار هیئت یې تشخیص کړي چې د بانک او د عامل هیئت د دوو یا له دوو څخه د زیاتو غړو ترمنځ د ګټو تضاد وجود لري، د عامل هیئت په عوض له بانک څخه استازیتوب.

۹- هغه تصمیمونه چې د دې مادې د (۴ څخه تر ۸) جزء مطابق د نظار هیئت لخوا نیول کېږي، د ونډې والو د عمومي مجمع په وروستۍ اجنداء کې درجېږي.

(۲) د بانک د نظار هیئت، د تاق ترکیب لرونکی دی او له دریو څخه لږ او له نهو غړو څخه نشي زیاتیدای. د هیئت غړي حقیقي صلاحیت گردیده اند یا در حالاتی که ادامه حضور آنها در هیئت عامل یا کمیتهٔ بررسی، مدیریت سالم و محتاطانه بانك ناسازگار باشد و جایگزینی مؤقت اشخاص دیگر تا هنگامیکه اعضای تعلیق عضویت شده یا دوباره به وظیفه خود گماشته شوند و یا توسط مجمع عمومی سهامداران بطور دایمی تعویض شوند.

۸- نمایندگی از بانك، بعوض هیئت عامل، در کلیه مواردی که هیئت نظارت تشخیص نماید که تضاد منافع بین بانك و دو یا بیشتر از دو عضو هیئت عامل وجود دارد.

۹- تصامیمی که توسط هیئت نظار مطابق اجزای (۴ الی ۸) این ماده اتخاذ می‌شود، در آجندای جلسهٔ بعدی مجمع عمومی سهامداران درج می‌گردد.

(۲) هیئت نظار بانك داری ترکیب تاق بوده و کمتر از سه و بیشتر از نه عضو بوده نمی‌تواند، اعضای هیئت، اشخاص حقیقی بوده و

اشخاص دي او د بانک د ونډه والو د عمومي مجمع لخوا د يوې څلور کلنې مودې لپاره انتصابيږي، د وروستيو دورو لپاره په عين موده د نظار هيئت د غړي بيا انتصاب مجاز دی.

د نظار هيئت غړي نشي کولای له بانک سره د مالکيت، اداري او استخدام په ډګرونو کې اړيکي ولري خو دا چې د هغو اړيکي د هغوی په دندو پورې مربوطې وي، د ونډه والو عمومي مجمع، د نظار هيئت يو تن غړی د نظار هيئت د رئيس په توګه ټاکی.

(۳) د نظار هيئت تصميمونه د غړو د رأيو په ساده اکثريت سره نيول کيږي، غړي نه شی کولای د رأيو له ورکولو څخه ډډه وکړي.

توسط مجمع عمومی سهامداران بانک برای یک دورهٔ چهار ساله انتصاب می گردند. انتصاب مجدد عضو هیئت نظار برای دوره های بعدی به عین مدت مجاز می‌باشد.

اعضای هیئت نظار نمی توانند با بانک در عرصه های مالکیت، اداره و یا استخدام روابط داشته باشند، مگر اینکه روابط آنها مربوط به وظایف ایشان باشد.

مجمع عمومی سهامداران یک تن از اعضای هیئت نظار را منحیث رئیس هیئت نظار تعین می نماید.

(۳) تصامیم هیئت نظار توسط اکثریت ساده آراء اعضاء اتخاذ می‌گردد. اعضاء نمی توانند از دادن رأی امتناع ورزند.

عامل هيئت

پنځه ويشتمه ماده:

(۱) د بانک عامل هيئت، د بانک د اداري او فعاليتونو د اجراء مسئول دی.

(۲) عامل هيئت د تاق ترکيب لرونکی دی، له دريو څخه د لږو غړو لرونکی نشي کيدی. د عامل

هیئت عامل

مادهٔ بیست و پنجم:

(۱) هیئت عامل بانک، مسئول اداره و اجرای فعالیت های بانک می‌باشد.

(۲) هیئت عامل دارای ترکیب تاق بوده کمتر از سه عضو بوده نمی‌تواند، اعضای هیئت عامل

هیئت غړي د ونډې والو د عمومي مجمع لخوا د یوې څلور کلنې دورې لپاره ټاکل کېږي، د وروستیو دورو لپاره په عین موده، د هغوی بیا ټاکل مجاز دي. د ونډې والو عمومي مجمع د عامل هیئت یو تن غړی د عامل هیئت د رئیس په توګه ټاکی.

توسط مجمع عمومی سهامداران برای یک دورهٔ چهار ساله تعیین می‌گردد، تعیین مجدد آنها برای دوره های بعدی به عین مدت مجاز می‌باشد. مجمع عمومی سهامداران یک تن از اعضای هیئت عامل را منحیث رئیس هیئت عامل تعین می نماید.

(۳) په هغه صورت کې چې شخص د غړیتوب شرایط له لاسه ورکړي، د ونډې والو د عمومي مجمع لخوا په عامل هیئت کې له غړیتوب څخه لیرې کېږي.

(۳) در صورتی‌که شخص، شرایط عضویت خود را از دست بدهد، توسط مجمع عمومی سهامداران از عضویت هیئت عامل سبکدوش می‌گردد.

(۴) د عامل هیئت تصمیمونه په غونډه کې د حاضرو غړو د رأیو په ساده اکثریت سره نیول کېږي، غړي نشي کولای له رأیې ورکولو څخه ډډه وکړي.

(۴) تصامیم هیئت عامل توسط اکثریت سادهٔ آرا اعضای حاضر در جلسه، اتخاذ می‌گردد. اعضاء نمی توانند از دادن رأی امتناع ورزند.

د بررسۍ کمیټه

شپږ ویشتمه ماده:

(۱) د بانک د بررسۍ کمیټه د لاندې دندو او واکونو لرونکې ده:

۱- د بانک لپاره د حسابدارۍ او د ریسک د اداري د مناسبې او اغېزناکې کړنلارې جوړول او د

کمیتهٔ بررسی

مادهٔ بیست و ششم:

(۱) کمیتهٔ بررسی بانک دارای وظایف و صلاحیت های آتی می‌باشد:

۱- ایجاد طرزالعمل مناسب و مؤثر حسابداری و اداره، ریسک

هغو پر تطبیق او رعایت باندې څارنه او د بانک د حسابونو او سندونو د بررسۍ لپاره د تدبیرونو نیول.

۲- په بانک کې د تطبیق وړ قوانینو پر رعایتولو باندې څارنه او نظار هیئت ته پدې برخه کې د رپوټ وړاندې کول.

۳- د هغو موضوعګانو په اړه چې د نظار هیئت لخوا هغه ته سپارل شوي دي، د نظریو وړاندې کول.

۴- د نظار هیئت یا د ونډې والو په غوښتنه چې ټول په سلو کې له (۱۰) څخه د زیاتو رأیو د حق لرونکي دي د بانک د بررسۍ د کمیټې لخوا د منظور شوي پلان پر اساس یا د بانک د اساسنامې مطابق د بانک پر فعالیتونو او معاملو باندې نوې کتنه.

(۲) د بررسۍ د کمیټې غړي د تاق ترکیب لرونکي دي او له دریو څخه د لږو غړو لرونکې نشي کېدی. د بررسۍ کمیټه د بانک د ونډې والو د عمومي مجمع لخوا د یوې څلور کلنې دورې لپاره انتصابېږي، د وروستیو دورو لپاره، په عین موده، د هغوی بیا ټاکل مجاز دي.

۲- نظارت بر رعایت قوانین قابل تطبیق در بانک و ارایهٔ راپور به هیئت نظار در این مورد.

۳- ارایهٔ نظریات در رابطه به موضوعاتی که از طرف هیئت نظار به آن محول شده است.

۴- تجدید نظر بر فعالیتها و معاملات بانک بر اساس پلان منظور شده توسط کمیتهٔ بررسی بانک به درخواست هیئت نظار یا سهامداران که جمعاً دارای بیش از (۱۰) فیصد حق رأی می‌باشند و یا مطابق اساسنامهٔ بانک.

(۲) اعضای کمیتهٔ بررسی دارای ترکیب تاق بوده و کمتر از سه عضو بوده نمی‌تواند کمیتهٔ بررسی توسط مجمع عمومی سهامداران بانک برای یک دورهٔ چهار ساله انتصاب می‌گردند، انتصاب مجدد آنها برای دوره های بعدی به عین مدت مجاز می‌باشد.

د ونډه والـــو عمـومي مجمـع د بررسۍ د کمـیټې یـو تـن غـړی، د بررسۍ کمیټې د رئیس په توګه ټاکي.

(۳) د بررسۍ دکمیټې تصمیمونه، په غونډه کې د حاضرو غړو د رأیو په ساده اکثریت سره نیول کېږي. غړي نشي کولای د رأیې له ورکولو ځخه ډډه وکړي.

مجمع عمومی سهامداران یك تن از اعـضای کمیتـهٔ بررسـی را بـه عنوان رئیس کمیته بررسـی تعیـین می نماید.

(۳) تصامیم کمیتـهٔ بررسی توسط اکثریت ساده آراء اعـضای حاضر در جلسه اتخـاذ مـی‌گردد. اعـضاء نمـی‌تواننـد از دادن رأی امتنـاع ورزند.

د مدیرانو د شرایطو لرل

اووه ویشتمه ماده:

شـخص پـه لاندې شـرایطو سـره د بانک د نظار هیئت یا عامل هیئت یا د بررسۍ د کمیټې په غړیتوب منصوبېدلای شي:

۱- وړ او مناسب وي.

۲- د بانک د یوه هیئت یا کمیټې برحال غړي نه وي.

۳- په هغه هیئت کې چې دی یې غړی دی یا قراروي چې غړی یې شي، د ګډون له حق ځخه محروم شوی نه وي.

۴- دولتـي کـارکوونکی نـه وي. د تـدریس چـارې لـه دې حکـم ځخـه مستثنی دي.

۵- د بانک له یو مدیر سره تر دوه

واجد شرایط بودن مدیران

مادهٔ بیست و هفتم:

شـخص تحـت شـرایط آتـی بـه عـضویت هیئـت نظـار یـا هیئـت عامـل و یـا کمیتـهٔ بررسـی بانـك منصوب شده می‌تواند:

۱- شایسته و مناسب باشد.

۲- عـضو برحـال یـك هیئـت یـا کمیتهٔ بانك نباشد.

۳- از حـق اشـتراك در هیئتـی کـه وی عـضو آن اسـت یـا قـرار اسـت عـضو آن شـود، مـحروم نـشده باشد.

۴- کـارکن دولتـی نباشـد. امـور تدریـــس ازیـن حـکـم مـستثنی است.

۵- بـا یکـی از مـدیران بانـك از

یمې درجې پورې ازدواج له لارې خپلوي یا اړیکي ونه لري یا رضاعي ورور نه وي.

طریق ازدواج یا روابط خویشاوندی تا درجه دوم نداشته، یا برادر رضاعی نباشد.

د سوداګریزو ګټو بر بندول (افشاء کول)

اته ویشتمه ماده:

(۱) د عامل هیئت، نظار هیئت او بررسۍ د کمیټې غړي د انتصاب په وخت کې مکلف دي د خپلو یا د خپلې کورنۍ د یوه غړي د پام وړ سوداګریزو ګټو په اړه چې په مستقیم یا غیر مستقیم ډول یې لرونکي دي، مؤظف هیئت ته بشپړ معلومات وړاندې کړي، دغه پروسه د کړنلارې مطابق چې د ونډه والو عمومي مجمع یې تصویبوي، هر کال صورت مومي.

(۲) په هغه صورت کې چې د بانک د نظار هیئت، عامل هیئت یا د بررسۍ د کمیټې چې د تصمیم نیولو د واک لرونکي دي، د غړي د سودا ګریزو ګټو موضوع تر بحث لاندې ونیول شي، غړي مکلف دی، پدې برخه کې د خبرو په پیل کې بشپړ معلومات وړاندې کړي

افشاء منافع تجارتی

مادۀ بیست و هشتم:

(۱) اعضای هیئت نظار، هیئت عامل و کمیتۀ بررسی حین انتصاب شان مکلف اند در رابطه به منافع تجارتی قابل توجه خود یا یکی از اعضای خانواده خویش را که بطور مستقیم یا غیر مستقیم دارا می‌باشد، برای هیئت مؤظف معلومات مکمل ارایه نمایند، این پروسه مطابق طرزالعملی که مجمع عمومی سهامداران تصویب می نماید، همه ساله صورت می‌گیرد.

(۲) در صورتی‌که موضوع منافع تجارتی عضو هیئت نظار، هیئت عامل یا کمیتۀ بررسی بانک که دارای صلاحیت اتخاذ تصمیم می‌باشد مورد بحث قرار گیرد، عضو مکلف است درین زمینه در ابتدای مذاکرات معلومات مکمل ارایه نموده و در جریان

او د تصمیم نیولو په بهیر کې ګډون ونکړي. د نصاب د بشپړېدو په منظور، د ده حضور په غونډه کې اړین نه ګڼل کېږي.

تصمیم گیری اشتراك ننماید. حضور وی در جلسه به منظور تکمیل نصاب ضروری پنداشته نمی شود.

د اسرارو ساتل

نهه ویشتمه ماده:

د بانک برحال او پخواني رئیسان، مدیران او کارکوونکي د بانک د اسرارو په ساتلو مکلف دي او نشي کولای له هغو اطلاعاتو څخه چې په بانک کې یې د خپلو خدمتونو په بهیر کې ترلاسه کړیدي، په شخصي ګټه استفاده وکړي او یا هغه د نورو اشخاصو په واک کې ورکړي، خو د قانون د حکم مطابق دغه اطلاعات کېدلی شي مامورینو، کارکوونکو او استازی د پلټونکو، بررسان او متخصصینو په شمول چې د دافغانستان بانک لخوا توظیف شوي دي او یا نورو دولتي مراجعو او عدلي او قضائي ادارو ته چې قانون یا واکمنې محکمې هغوی مؤظف کړي دي، وښودل شي.

حفظ اسرار

مادۀ بیست و نهم:

رؤسا، مدیران و کارکنان برحال و اسبق بانك مکلف به حفظ اسرار بانك بوده و نمی توانند از اطلاعاتی که در جریان خدمات خویش در بانك حاصل نموده اند به نفع شخصی استفاده نموده و یا آنرا در اختیار سایر اشخاص قرار دهند، مگر مطابق حکم قانون این اطلاعات می‌تواند به مامورین، کارکنان و نمایندگان به شمول مفتشان، بررس ها، متولیان، متخصصین توظیف شده از طرف د افغانستان بانك و سایر مراجع دولتی و ادارت عدلی و قضائی که قانون یا محکمه ذیصلاح آن را مؤظف ساخته است، ارایه گردد.

بانک ته له نوي سره سازمان ورکول دپرشمه ماده:

د بانک له نوي سره سازمانول، ادغام يا تجزيه، دهغو بانکونو په شمول چې جواز يې لغوه شوی دی، يوازې د دافغانستان بانک په ليکلې اجازه صورت موندلی شي، دغه اجازه په هغه صورت کې صادريږي چې بانک يا بانکونه چې پدې ډول سره منځته راغلي دي، بانکي جواز ولري او يا هغه ترلاسه کړی شي.

سازمان دهی مجدد بانك مادۀ سی ام:

سازمان دهی مجدد، ادغام يا تجزيه بانك، بشمول بانك های كه جواز آن لغو شده است، صرف به اجازه كتبی دافغانستان بانك صورت گرفته می‌تواند. اين اجازه در صورتی صادر می‌شود كه بانك يا بانكهای كه به اين شكل بوجود آمده، جواز بانكی داشته و يا آنرا دريافت كرده بتوانند.

د بانک د استحقاقي وندو په هکله محدوديتونه

يو دپرشمه ماده:

(۱) بانک نشي کولای د لاندې شرايطو د تحقق په صورت کې، د د افغانستان بانک له اجازې پرته، په يوه حکمي بنسټ (نهاد) کې هغسې ګډون (مشارکت) ترلاسه کړي چې د واکوال استحقاقي د وندې د رامنځته کېدو يا زياتېدو باعث شي:

۱- حکمي بنسټ، د بانک تابع شرکت شي.

۲- د هغه د دفتري شتمنۍ

محدوديت ها در مورد سهام استحقاقی بانك مادۀ سی و يكم:

(۱) بانك نمی تواند در صورت تحقق شرايط آتی بدون اجازۀ دافغانستان بانك در يك نهاد حكمی مشاركتی را كه باعث ايجاد يا ازدياد سهم استحقاقی ذيصلاحيت گردد، كسب نمايد:

۱- نهاد حكمی، شركت تابع بانك گردد.

۲- ارزش دفتری دارايی از (۱۰)

ارزښت، د بانک د لاس نه خوړلې پانګې او زېرمې له په سلو کې له (۱۰) څخه زیات وي.

۳- د بانک د ټولو (مجموعي) شتمنیو دفتري ارزښت د بانک د لاس نه خوړلې شتمنۍ او زېرمو له په سلو کې له (۴۰) څخه زیات وي.

د د افغانستان بانک کولای شي دغه فیصدي بالترتیب په سلو کې (۱۵ او ۶۰) فیصدو ته زیاته کړي.

(۲) هغه وندې چې د مالي معاملو یا د نجات د عملیاتو یا د بیا پلورنې لپاره له مشتري څخه د پېردونې په بهیر د عملیاتو په ترڅ کې د ورکړل شوو تضمینونو د اخیستلو په پایله کې چې په مؤقت ډول د بانک په خپل نوم د نورو په ګټه په امانت کې ساتل کېږي، د واکمنې استحقاقي وندې په نوم (عنوان)، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو حدودو د محاسبې په منظور، په حساب کې نه راځي.

هغه وندې چې د بانک په واسطه، د دې فقرې له حکمونو سره په مطابقت کې اکتساب کېږي، له ځنډه پرته د بانک لخوا پلورل کېږي

فیصد سرمایه و ذخایر دست نخوردهٔ بانك بیشتر باشد.

۳- ارزش دفتری مجموعی دارایی های بانك از (۴۰) فیصد سرمایه و ذخایر دست نخوردهٔ بانك بیشتر باشد.

د افغانستان بانك می‌تواند این فیصدی را بالترتیب به (۱۵ و ۶۰) فیصد افزایش دهد.

(۲) سهامی که در جریان معاملات مالی یا عملیات نجات یا در جریان خریداری سهام مشتری جهت فروش مجدد آن و یا در نتیجهٔ اخذ تضمینات داده شده حین عملیات که بصورت مؤقت نگهداری و یا به نام خود بانك به نفع دیگران در امانت نگهداری می‌شود، به عنوان سهم استحقاقی ذیصلاحیت به منظور محاسبه حدود مشخص شدهٔ مندرج فقرهٔ (۱) این ماده به حساب نمی آید.

سهامی که توسط بانك در مطابقت با احکام این فقره اکتساب می‌گردد بدون تعلل توسط بانك به فروش رسیده و یا

او یا په یو بل ډول سره له هغې څخه تېرېږي.

هغه وندې چې د بانک په امانت کې قرار لري، لدې حکم څخه مستثنی دي.

(۳) د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي اجازه لیک اخیستل د هغه غوښتنلیک په وړاندې کولو سره چې د لاندې مدرکونو لرونکی وي، صورت موندلای شي:

۱- تصدیق شوې نسخه چې د نظر وړ اکتساب په هکله د بانک د تصمیم ښکارندوی وي.

۲- په نورو تشبثاتو کې د هغې استحقاقي وندې په شمول چې له نظر وړ اکتساب څخه لاسته راځي، د بانک د واکوالې استحقاقي وندې اندازه.

۳- په بانک کې د نورو تشبثاتو د استحقاقي وندې اندازه.

۴- د دې فقرې په (۲ او ۳) جزء کې د درج شوي حکمي بنسټ او نورو تشبثاتو اصلي سوداګریز فعالیتونه چې بانک په هغو کې د ګډون (مشارکت) پلان لري او د دوی د مرکزي دفتر تشخیص.

۵- په هغه صورت کې چې حکمي

به نحو دیگری از آن منصرف می‌گردد.

سهامی که در امانت بانك قرار دارد از این حکم مستثنی است.

(۳) اخذ اجازه مندرج فقرهٔ (۱) این ماده با ارایهٔ درخواست که حاوی مدارك آتی باشد صورت، گرفته می‌تواند:

۱- نسخهٔ تصدیق شده که نشان دهندهٔ تصمیم بانك مبنی بر اکتساب مورد نظر باشد.

۲- اندازهٔ سهم استحقاقی ذیصلاحیت بانك در سایر تشبثات به شمول سهم استحقاقی که از اکتساب مورد نظر بدست می‌آید.

۳- اندازهٔ سهام استحقاقی سایر تشبثات در بانك.

۴- فعالیت های اصلی تجارتی نهاد حکمی وسایر تشبثات مندرج اجزای (۲ و ۳) این فقره که بانك پلان مشارکت در آن را دارد و تشخیص دفتر مرکزی آن.

۵- در صورتی‌که نهاد حکمی در

بنسټ د نظر وړ مشارکت په پایله کې د بانک په تابع شرکت بدل شي، د مدیرانو او د اړوندو مدرکونو فهرست (هغو مدرکونو ته ورته چې د بانکي جواز د غوښتنلیک په وخت کې د بانک د مدیرانو په هکله، د دې قانون د نهمې مادې مطابق صورت مومي) لاړمي دی.

۶- په هغه صورت کې چې حکمي بنسټ چې بانک په هغه کې د مشارکت اراده لري، غیر مېشت بانک وي. د تصدیق لیک وجود چې نوی د هغه هېواد د بانکونو د تنظیموونکي په واسطه چې د غیر مېشت بانک مرکزی دفتر پکې واقع دی، تائید کړي چې غیر مېشت بانک له عمومو څخه د سپارنو د ترلاسه کولو او د ورکړې وړ نورو وجوهو د راکړې ورکړې د فعالیتونو د سرته رسولو د جواز لرونکي دی او له پام وړ اکتساب سره مخالفت نلري.

(۴) د د افغانستان بانک د غوښتنلیک د ترلاسه کولو له نېټې څخه وروسته د دریو میاشتو په ترڅ کې، د دې مادې د (۳) فقرې د حکم مطابق، اجازه صادره

نتیجهٔ مشارکت مورد نظر به شرکت تابع بانک تبدیل گردد، فهرست مدیران آن ضم مدارک مربوط (مشابه مدارکی که در مورد مدیران بانک حین درخواست جواز بانکی مطابق مادهٔ نهم این قانون صورت می‌گیرد) لازمی می‌باشد.

۶- در صورتی‌که نهاد حکمی که بانک ارادهٔ مشارکت در آن را دارد، بانک غیر مقیم باشد، وجود تصدیق نامه که جدیداً توسط تنظیم کنندهٔ بانکهای کشوری که دفتر مرکزی بانک غیر مقیم در آن واقع است، تائید کند که بانک غیر مقیم دارای جواز انجام فعالیت های داد و ستد، دریافت سپرده ها وسایر وجوه قابل باز پرداخت از عموم بوده و مخالفتی با اکتساب مورد نظر ندارد.

(۴) د افغانستان بانک در خلال سه ماه بعد از تاریخ دریافت درخواست، اجازه را مطابق حکم مندرج فقره (۳) این ماده صادر می نماید.

وي.لاندې موارد له دې امر څخه مستثنی دي:

۱- د دې مادې په (۴) فقره کې د درج شوي حکم نه رعایتول.

۲- د حکمي بنسټ له مدیرانو څخه د یوه یا زیاتو مدیرانو نه وړتیا او مناسبوالی چې د پام وړ مشارکت په پایله کې د بانک په تابع شرکت بدل شوی وي.

۳- د نظر وړ مشارکت له سالم او محتاطانه مدیریت څخه د نه ډاډ موجودیت او یا جنایي فعالیتونو ته د حکمي بنسټ تشبث.

۴- د د افغانستان بانک د څارنیزو دندو نه ترسره کېدل پدې علت چې غیر مېشت تشبث د اکتساب په پایله کې د بانک جزء شوی او په هغه هېواد کې چې مرکزي دفتر يې پکې واقع دی، په اغیزناکه توګه نه څارل کېږي یا دا چې د هغه هېواد څارونکي مقامات له دافغانستان بانک سره همکاري نه کوي.

(۵) د د افغانستان بانک کولای شي د جواز د صادرېدو په صورت کې، د مشارکت د اکتساب لپاره د حد اکثر مهلت مووده وټاکي، د

موارد آتی از این امر مستثنی است:

۱- عدم رعایت حکم مندرج فقره (۳) این ماده.

۲- عدم شایستگی و مناسب بودن یک یا بیشتر از مدیران نهاد حکمی که در نتیجهٔ مشارکت مورد نظر به شرکت تابع بانك تبدیل شده باشد.

۳- عدم موجودیت اطمینان از مدیریت سالم و محتاطانه مشارکت مورد نظر و یا تشبث نهاد حکمی به فعالیت های جنائی.

۴- عدم انجام وظایف نظارتی دافغانستان بانك، به علت اینکه تشبث غیر مقیم که در نتیجهٔ اکتساب جزء بانك گردیده و در کشوریکه دفتر مرکزی آن واقع است، بطور مؤثر نظارت نمی شود یا اینکه مقامات نظارتی آن کشور با د افغانستان بانك همکاری نمی نمایند.

(۵) د افغانستان بانك می‌تواند در صورت صدور جواز، میعاد مهلت حد اکثر جهت اکتساب مشارکت را تعیین نماید. در صورت رد

غوښتنليک په صورت کې، د د افغانستان بانک مکلف دی دلایل يې وړاندې کړي.

(۶) هغه بانک چې په دې ماده کې د درج شوی حکم د نه په پام کې نیولو او د دافغانستان بانک له د مخنیو لیکلې اجازې پرته یې مشارکت اکتساب کړی وي او یا يې د هغه مهلت له مودې څخه چې د د افغانستان بانک لخوا ټاکل شوې ده له رعایتولو څخه یې سرغړونه کړې وي، د د افغانستان بانک هغه ته امر کوي چې د هغې نښې له تېرېدو د مخه چې په امر کې ټاکل شوېده، خپله ټوله یا یوه برخه واکمنه استحقاقي ونډه وپلوري یا په یو بل ډول له هغې څخه تیر شي.

(۷) د د افغانستان بانک کولای شي له هغه تشبث څخه د ډډ په ترلاسه کولو سره چې بانک پکې واکواله استحقاقي ونډه لري او د جنایي فعالیتونو مرتکب شوی وي یا د بانک سالم او محتاطانه مدیریت له خطر سره مخامخ شوی وي یا ئې د بانکداری جواز له لاسه ورکړی وي یا غیر مېشت بانک په هغه هېواد

درخواست دافغانستان بانك مكلف است دلایل آنرا ارایه نماید.

(۶) بانکی که بدون رعایت احکام مندرج این ماده و بدون اجازۀ کتبی قبلی د افغانستان بانك، مشارکت را اکتساب نموده و یا از رعایت میعاد مهلتی که از طرف د افغانستان بانك تعیین شده است تمرد نموده باشد، د افغانستان بانك به وی دستور می دهد که قبل از انقضای تاریخیکه در دستور تعیین گردیده است، تمام یا قسمتی از سهم استحقاقی ذیصلاحیت خود را بفروشد و یا به نحو دیگری از آن منصرف گردد.

(۷) د افغانستان بانك می‌تواند حین حصول اطمینان از تشبثی که بانك در آن سهم استحقاقی ذیصلاحیت دارد و مرتکب فعالیت های جنائی گردیده یا مدیریت سالم و محتاطانۀ بانك به خطر مواجه گردیده یا جواز بانکداری خود را از دست داده یا بانك غیر مقیم در کشوري که

کې چې مرکزي دفتر يې پکې واقع دی، په اغېزناکه توګه نه څارل کېږي او يا دا چې څارونکي مقامات يې له د افغانستان بانک سره همکاري نه کوي، بانک ته امر ورکړي چې په امر کې د ټاکل شوې نېټې له تېرېدو د مخه دې خپله ټوله يا يوه برخه استحقاقي ونډه وپلوري يا په يو بل ډول سره له هغې څخه تير شي.

دفتر مرکزی آن واقع است بطور مؤثر نظارت نمی شود و یا اینکه مقامات نظارتی آن با د افغانستان بانك همکاری نمی نماید، به بانك دستور دهد که قبل از انقضای تاریخ تعیین شده در دستور، تمام یا قسمتی از سهم استحقاق خود را بفروشد و یا به نحو دیگری از آن منصرف گردد.

څلورم فصل
دنده ایزې غوښتنې (عملیاتي التزامونه)

فصل چهارم
ایجابات وظیفوی (التزامات عملیاتی)

د بانکوالۍ عمومي اصول

دوه دېرشمه ماده:

(۱) بانک مکلف دی خپلې اداري چارې او فعالیتونو د قانون د حکمونو، د بانکوالۍ د جواز یا اجازه لیک د منضمه شرایطو او محدودیتونو او نورو حکمونو، لارښودونو او دستورونو مطابق چې د د افغانستان بانک لخوا صادرېږي په سالم او محتاطانه توګه سرته ورسوي.

اصول عمومی بانکداری

مادۀ سی و دوم:

(۱) بانك مکلف است امور اداری و فعالیت های خود را بصورت سالم و محتاطانه طبق احکام قانون، شرایط و محدودیت های منضمۀ جواز بانکداری یا اجازه نامه و سایر احکام، رهنمود ها و دساتیریکه توسط دافغانستان بانك صادر می‌شود، انجام دهد.

(۲) بانک د لاس رسی وړ وجهي پانګه ایزو کافی سرچینو په ساتلو، د شتمنیو د استهلاک لپاره په تدارکاتو، د پورونو په ورکړې او د احتمالي ضررونو په جبران، د راکړې ورکړې د حسابداری، د سندونو او سوابقو په ساتلو، د ریسک له احتمالي ضرر څخه د مخنیوي لپاره داغېزناکو تدبیرونو په نیولو او د خپلو شتمنیو د ضرر د مخنیوي په منظور له ډول ډول پانګو اچونو څخه د ډډ په ترلاسه کولو مکلف دی.

(۳) د د افغانستان بانک کولای شي د بانکونو د احتیاطي څارنې معیارونه او کړنلاره اټکل او د مقرراتو په واسطه وضع کړي.

(۴) د عامل هیئت رئیس یا اداري مسئول مکلف دي، په هغه صورت کې چې د بانک الزامي پانګه، د نافذه قوانینو او مقرراتو مطابق له ټاکلي اندازې څخه لږ وي، موضوع دې سمدستي د افغانستان بانک ته خبر ورکړی.

(۵) د د افغانستان بانک کولی شي په دې فصل کې د درج شوو غیر مېشتو بانکونو د فروعو د

(۲) بانك مكلف به نگهداری منابع كافی سرمایوی وجهی قابل دسترس، تدارکات برای استهلاك دارایی ها، پرداخت دیون و جبران ضرر های احتمالی، حفظ و نگهداری اسناد و سوابق حسابداری داد و ستد، اتخاذ تدابیر مؤثر جهت جلوگیری از ضرر احتمالی ریسك و حصول اطمینان از سرمایه گذاری متنوع به منظور جلوگیری از ضرر دارایی های خود می‌باشد.

(۳) د افغانستان بانك میتواند معیار ها و طرزالعمل نظارت احتیاطی بانکها را پیشبینی و توسط مقررات وضع نماید.

(۴) رئیس هیئت عامل یا مسئول اداری مکلف است، در صورتی‌که سرمایۀ الزامی بانك کمتر از مقدار معینه طبق قانون و مقررات نافذه باشد موضوع را فوراً به د افغانستان بانك اطلاع دهد.

(۵) د افغانستان بانك می‌تواند به منظور تطبیق بهتر احکام مندرج این فصل در مورد فروع

حکمونـو د ښـه تطبیـق لپـاره ځانګړي مقررات وضع کړي.

بانکهـای غیـر مقـیم مقـررات جداګانه وضع نماید.

بانکوالي فعالیتونه

دري دېرشمه ماده:

(۱) بانک کولای شي د دې قانون د حکمونـو او د بـانکوالی په جـواز کـې یـې د وضـع شـوو شـرایطو مطـابق، لاتـدې فعالیتونـه سـرته ورسوي:

۱- د عندالمطالبه سپارنو په شان د پولي سپارنو یا نورو سپارنو یا د بیرتـه ورکـړې نـورو وجوهـو چـې ټکټانه په هغو پورې اړه ونیسي یا ونـه نیسي، د پـولي سپارنو ترلاسه کول.

۲- د اعتبار ورکړه که څه د رهن یا د مـال د حـبس د حـق پـه وسـیله تـضمین شـوې وي یـا نـه، لـه محدودیت پرته د مصرفي او رهني اعتباراتو پر ورکړې، په تنزیل سره د معاملې وړ سندونو د پیرودلو په شـمول او لـه ظهـر نـویس څخـه د ترلاسـه کولـو لـه حـق پرتـه یـا لـه پلورونکی څخه د ترلاسه کولو حق پرتـه پـه تنزیـل سره د دیـن د ترلاسـه کولـو پیـرودل او د وسـایلو او

فعالیت های بانکداری

مادۀ سی و سوم:

(۱) بانـک مـی‌توانـد طبـق احکـام ایـن قـانون و شـرایط وضـع شـده در جـواز بانکـداری آن، فعالیـت هـای ذیـل را انجـام دهد:

۱- دریافت سپرده های پولی مانند سـپرده هـای عندالمطالبـه وسـایر سـپرده هـا و یـا سـایر وجـوه قابـل بـاز پرداخـت خـواه تکتانـه بـه آنهـا تعـلق بگیـرد یـا نگیرد.

۲- اعطـای اعتـبار چـه بوسیلۀ رهـن یـا حـق حبـس مـال، تـضمین شـده بـاشـد و یـا نـه، بـشمول اعـطای اعـتبارات مـصرفی و رهـنی بـدون محـدودیـت، تمـویل معـاملات تجـارتی بـه شـمول خـرید اسناد قابل معـامله با تنـزیل و بدون حق حصول از ظـهر نویس، خـرید حق حـصول دیـن با تنزیل یا بـدون حـق حـصول از فـروشنده و

تجهیزاتو د اجارې په شمول د سوداګریزو معاملو تمویل پدې شرط چې بیه یې د اجارې د مودې تر پایته رسېدو پورې ورکړه شي او اجاره ورکوونکی د ترمیم او په هغو پورې د اړوند لګښتونو مسئول نه وي.

۳- د ځان یا د پیرودونکو په ګټه د لاندې مواردو پلورل او پېرودل د هغه بیا پلورلو او د دلالۍ د خدمتونو د برابرولو لپاره:

- د چک، برات، حجت او د سپارنې د ګواهی لیک په شمول د پیسو د بازار سندونه.
- بهرني اسعار.
- ګران بیه فلزات او قیمتي ډبرې.
- په بهرنیو اسعارو او د ټکټانې په نرخ پورې مربوط سندونه.
- وندې اونور بها لرونکي سندونه.
- مخکې پیرودل شوی (پیش خرید) قراردادونه، مستقبلي قراردادونه، اختیار قراردادونه او په اسعارو پورې نور مربوط مشتقات.
- د معاوضې موافقت لیکونه.

اجارهٔ وسایل و تجهیزات، به شرط اینکه قیمت آن الی اختتام مدت اجاره پرداخته شود و اجاره دهنده مسئول ترمیم وسایر مصارف مربوط به آن، نباشد.

۳- خرید و فروش موارد آتی به نفع خود یا مشتریان به شمول خریداری اسهام مشتری جهت فروش مجدد آن و تهیهٔ خدمات دلالی:

- اسناد بازار پول به شمول چك، برات، حجت وگواهنامهٔ سپرده.
- اسعار خارجی.
- فلزات گرانبها و سنگهای قیمتی.
- اسناد مربوط به اسعار خارجی و تکتانه.
- سهام و سایر اسناد بهادار.
- قرار داد های پیش خرید، قرارداد مستقبلی، قرارداد اختیار و سایر مشتقات مربوط به اسعار.
- موافقتنامه های معاوضه.

- د پور پانې.
۴- په خپله یا د مشتریانو په ګټه، د ضمانتونو او د L/C اعتبار پانو د مشروطو ژمنو لاسلیک کول.
۵- د تصفیوي خدمتونو یا د پیسو، بهاء لرونکو سندونو او د چکونو، اعتباري او د بتي کارتونو او د ورکړې وړ نورو کارتونو، مسافرتي چکونو، بانکي برات د انتقال په شمول، تلګرافي، الکترونیکي، د یېتونو او له د مخه مجاز شوو کربډېتونو د ورکړې د سندونو د انتقالاتو د خدمتونو تأمینول.
۶- د پیسو دلالي.
۷- د بهاء لرونکو سندونو په شمول د ګران بیو شیانو خوندي کول او ساتنه.
۸- د بهاء لرونکو سندونو د ټاکونکي، مالي سلا کاری یا مالي استازیتوب د مدیر په توګه د خدمتونو برابرول.
۹- د بازار د اقتصاد په هکله د عمومي معلوماتو په شمول د مالي اطلاعاتو او د اعتبار د رپوټ ورکونې د خدمتونو برابرول.

- اوراق قرضه.
۴- امضای تعهدات مشروط، شامل ضمانتها و ورقه های اعتبار L/c به نفع خود یا مشتریان.
۵- تأمین خدمات تصفیوی یا خدمات انتقال پول، اسناد بهادار و اسناد پرداخت شامل چك ها، کارتهای اعتباری و دبتی وسایر کارت های پرداخت، چك مسافرتی، برات بانکی، انتقالات تلگرافی الکترونیکی، دبت ها و کریدت های از قبل مجاز شده.
۶- دلالی پول.
۷- حفاظت و نگهداری اشیای گرانبها، به شمول اسناد بهادار.
۸- فراهم آوری خدمات بحیث مدیر انتخاب کنندۀ اسناد بهادار، مشاورت مالی یا نمایندگی مالی.
۹- فراهم آوری اطلاعات مالی و خدمات راپور دهی اعتبار، به شمول معلومات عمومی در مورد اقتصاد بازار.

۱۰- د دې مادې له (۱ تر ۹) جزء څخه راپیدا شوي نور فرعي فعالیتونه.

۱۰- سایر فعالیت های فرعی ناشی از اجزای (۱ الی ۹) این ماده.

ممنوعه فعالیتونه

څلور دېرشمه ماده:

(۱) بانک نشي کولای، د عمده یا پرچون پلورنې په سوداګرۍ صنعتي یا تولیدي، دحمل او نقل، کرنې، ماهي ګیرۍ، کان، ودانیو، بیمې یا په نورو سوداګریزو فعالیتونو کې د عامل، استازي او شریک په توګه، لاس پورې کړي، د دې قانون په دري دېرشمه ماده کې درج شوي فعالیتونه لدې حکم څخه مستثنی دي.

بانک کولای شي د د افغانستان بانک د دمخه په لیکلې اجازه تر هغه ځایه چې د غوښتنو (مطالباتو) د ترلاسه کولو لپاره یې لازم دي، په مؤقته توګه د دغه ډول فعالیتونو سرته رسولو یا په سرته رسولو کې مشارکت ته دوام ورکړي.

د د افغانستان بانک واک لري ترڅو د دغه ډول فعالیتونو د سرته رسولو او مشارکت د دوام وروستنۍ موده وټاکي.

فعالیت های ممنوعه

مادۀ سی و چهارم:

(۱) بانك نمی تواند بعنوان عامل، نماینده و شریك در تجارت عمده یا پرچون فروشی، به فعالیت های صنعتی یا تولیدی، حمل و نقل، زراعت، ماهی‌گیری، معدن، ساختمان، بیمه یا سایر فعالیتهای تجارتی بپردازد.

فعالیتهای مندرج مادۀ سی و سوم این قانون از این حکم مستثنی است.

بانك می‌تواند به اجازۀ کتبی قبلی د افغانستان بانك بطور مؤقت در انجام یا مشارکت در انجام چنین فعالیت ها تا آنجایی که برای حصول مطالبات اش لازم باشد، ادامه بدهد.

د افغانستان بانك صلاحیت دارد آخرین میعاد دوام فعالیت را در انجام و مشارکت چنین فعالیت ها تعین نماید.

احتیاطي ایجابات

پنځه دېرشمه ماده:

(۱) بانک د خپلو شتمنیو، له بیلانس شیټ څخه د بهر اقلامو او خپلي زېرمه ایزې پانګې د مختلفو ډولونو په هکله د زیان او د ریسک د مدیریت د مختلفو شکلونو او خپلو نورو احتیاطي ایجاباتو د اقل حد او اکثر حد نسبتونه، د دافغانستان بانک له مقرراتو سره په مطابقت کې تنظیموي او هغه مقررات او کړنلارې چې د دغو نسبتونو په محاسبه کې پکار وړل کېږي تجویزوي. نومورې مقررات د هغې مودې له تېرېدو وروسته چې بانک ته فرصت ورکړي چې د خپلو شتمنیو او بدهیو نسبتونه د مقرراتو له حکمونو سره هم غاړې کړي، د انفاذ وړ دي.

(۲) بانک مکلف دی په لاندې مواردو کې د د افغانستان بانک دستورونه په پام کې ونیسي:

۱- د ترلاسه شوو ضمانتونو او ګرویو په شمول د شتمنیو له ارزښت یا د ارزښت له تغییر یا د بانک د دیونو یا بدیهیو په میزان یا

ایجابات احتیاطی

مادۀ سی و پنجم:

(۱) بانک نسبتهای حد اقل و حد اکثر آسیب پذیری ها و اشکال مدیریت ریسک وسایر ایجابات احتیاطی خود راجع به دارایی ها، اقلام خارج از بیلانس شیت و انواع مختلف سرمایۀ ذخیرۀ خویش را در مطابقت با مقررات د افغانستان بانک تنظیم نموده و مقررات و طرزالعمل هاایکه در محاسبه این نسبت ها بکار می رود، تجویز می نماید. مقررات مذکور بعد از انقضای مدتیکه برای بانک فرصت بدهد تا نسبت دارایی ها و بدهی های خود را با احکام مقرره هماهنگ سازند، قابل انفاذ می‌باشد.

(۲) بانک مکلف است دساتیر دافغانستان بانک را در موارد ذیل رعایت نماید:

۱- اتخاذ تدابیر لازم در مورد میزان منابع وجوه قابل دسترس در رابطه با ارزش یا تغییر ارزش دارایی ها به شمول ضمانت ها و

په میزان کې له تغییر سره په رابطه کـې د لاس رسـېدنې وړ وجوهـو د سرچینو په هکله، د لاړمو تدبیرونو نیـول. بانک تـه اجازه ورکـول کېږي چې دغـه ایجابات لـه د افغانستان بانک سره د پـولي سپارنو د ساتلو په واسطه چې معـادل ارزښت لـري، تأمین کړي.

۲- د بـــانکونو د اعتبـار د ټـــول مـبلغ او پـانګې اچـونې او یـا د دې ډول ځـانګړو اعتـباراتو او پـــانګو اچـونـو د اکثر حد د ټاکلو په اړه د لاړمـو تدبیرونو نـیول.

۳- د ټکټـانې د نـرخ، سر رسید او نورو شروطو چې په مختلفو ډولونو او شکلونو تمویل، اجراء یـا ترلاسـه کېږي، د هغـو مـشروطو سپارنو او د یونـو په شمول چې په اسـتثنایي اوضـاعو او حـالاتو کـې تجویزېږي، د نرخ له ټاکلو سره پـه رابطه کـې د لاړمو تدبیرونو نیول.

۴- د شـتمنیو او نـورو تـدارکاتو لـه طبقه بندی او ارزونې سره په رابطه کې د لاړمو تدبیرونو نیول.

۵- پـــه لاتـــدې مـــواردو کـــې د ممنوعیـــت او محـــدودیتونو د شرایطو رعایتول:

گـروی هـای دریافـــت شـده یـا بـه میـزان یـا تغییـر در میـزان دیـــون یا بـــدهی های بانك به بانـك اجازه داده مـی‌شـود کـه ایـن ایجـابات را توسط نگه داشتن سپرده های پـولی نـزد د افغانـستان بانـك کـه ارزش معـــــادل دارنـــــد ، تـــــأمین نماید.

۲- اتخـاذ تـدابیر لازم در رابطـه بـه تعیین حد اکثر کل مبلغ اعتبار و سرمایه گذاری بانکهـا و یـا انـواع بخصوص ایـن اعتبـارات و سرمایه گذاری ها.

۳- اتخـاذ تـدابیر لازم در رابطـه بـه تعیـین نـــرخ تکـــتانه، سر رسید و سایر شـــروط که به انواع و اشکال مختلف تـمویل، اجـرا یـا دریافت مـی‌گـــردد بـه شـمول سپرده هـا و دیـــون مـشروط کـه در اوضـاع و احـــوال اســتثنـــائی تـــجـــویز می‌شوند.

۴- اتخـاذ تـدابیر لازم در رابطـه بـه طبقـه بنـدی و ارزیـابی دارایـی هـا وسایر تدارکات.

۵- رعایـت شـرایط ممنوعیـت و محـــــــدودیت در مـــــــوارد آتی:

- د ترسره شوي اعتبار او پانګې اچونې او منل شوو بدهۍ ګانو څه په مشروط یا غیر مشروط صورت، د ډولونو یا شکلونو په هکله.

- در مورد انواع یا اشکال اعتبار و سرمایه گذاری انجام شده و بدهی های قبول شده چه به شکل مشروط و یا غیر مشروط.

- د شتمنیو د ټکټانې د نرخ یا د سررسیدویادسر رسید او د دیونو د ټکټانې د نرخ د هم غاړې کولو په هکله.

- در مورد هماهنگ ساختن سر رسید نرخ تکتانهٔ دارایی ها یا سر رسید و نرخ تکتانهٔ دیون.

- د نه خوندي (نه تحفظ) شوي خالص بېلانس په هکله (تحفظ پدې مفهوم عبارت دی له هغه مالي اقدام څخه چې په بیو کې له تغییراتو څخه د راپیدا شوو خطرونو مخنیوي وکړي)، له بهرنیو اسعارو، ګران بیه فلزاتو او ګرانو (قیمتي) ډبرو، د مبادلې له سندونو او د ټکټانې له نرخ، د وندې او نورو بهاء لرونکو سندونو، د دمخه پېرودنې د قراردادونو، د معاوضې د موافقه لیکونو، د مستقبلي قرارداد د اختیار قرارداد او په اسعارو پورې د نورو مربوطو مشتقاتو، وندې، د پور د پانې، ګران بیو فلزاتو او د ټکټانې د هغو نرخونو چې له یوه خاص نسبت څخه تجاوز وکړي، څخه عبارت

- در مورد بیلانس خالص تحفظ ناشده، (تحفظ به این مفهوم عبارت است از اقدام مالی که خطرات ناشی از تغییرات در قیمت ها را جلوگیری نماید)، اسعار خارجی، فلزات گرانبها و سنگ های قیمتی، اسناد مبادله و نرخ تکتانهٔ سهام و دیگر اسناد بهادار، قرارداد های پیش خرید، موافقتنامه های معاوضه، قرارداد مستقبلی، قرارداد اختیار وسایر مشتقات مربوط به اسعار، سهام، اوراق قرضه، فلزات گرانبها و نرخ های تکتانه که از یک نسبت خاص تجاوز

دی.

(۳) بانک مکلف دی د تنظم یاتي پانګې ارزښت، د هغه د پانګې او لاس نه خوړلې زېرمې په شمول نسبت ریسک یا له زیاتې فیصدی، ته چې له اصلي پانګې څخه د مرکبې تنظیماتي پانګې د نیمایي له اقل حد څخه عبارت ده، د تعدیل شوو شتمنیو د ټول ارزښت چې د د افغانستان بانک په واسطه ټاکل کېږي اقل حد چې په سلو کې د دولسو معادل دی، تأمین کړي.

(۴) بانک په لاندې مواردو کې نشي کولای شخص ته اعتبار ورکړي:

۱- په هغه صورت کې چې د نه حصول شوو هغو اصلي پورونو ټول مقدار چې شخص ته ورکول شوي، د بانک د لاس نه خوړلې پانګې او زېرمې له په سلو کې د پنځلسو یا د هرې هغې زیاتې فیصدی، له معادل څخه چې د د افغانستان بانک د مقرراتو په واسطه ټاکل شوې وي، تجاوز وکړي.

۲- په هغه صورت کې چې د بانک د نه حصول شوي اصل پور ټول مقدار، د بانک د اعتبار ستر کند.

(۳) بانک مکلف است ارزش سرمایه تنظیماتی را به شمول سرمایه و ذخایر دست نخوردهٔ آن معادل به حد اقل دوازده فیصد ارزش‌مجموعی دارایی‌های تعدیل شده نسبت به ریسک یا فیصدی بیشتر که عبارت از حد اقل نصف سرمایهٔ تنظیماتی مرکب از سرمایهٔ اصلی می‌باشد و توسط مقررات وضع شدهٔ د افغانستان بانک تعیین می‌گردد، تأمین نماید.

(۴) بانک در موارد آتی نمی تواند به شخص اعتبار اعطا نماید:

۱ – در صورتی‌که مقدار مجموعی اصل قرضه های حصول ناشده که به شخص اعطاء گردیده معادل (۱۵) فیصد سرمایهٔ دست نخورده و ذخایر بانک یا هر فیصدی بیشتر که توسط مقررات د افغانستان بانک تعیین گردیده باشد، تجاوز نماید.

۲- در صورتی‌که مقدار مجموعی اصل قرضه های حصول ناشده، خطرات بزرگ اعتبار

خطرونـه د دافغانـستان بانـک پـه مقرراتو کې د مندرجاتو مطابق، د بانک د لاس نه خوړلې پانګې او د بانک د زیرمو له په سلو کې د دوه سوه یا هرې زیاتې فیصدۍ څخه چې د د افغانستان بانک د صادرو شوو مقرراتو په واسطه ټاکل شوي وي، تجاوز وکړي.

(۵) هغـه محدودیتونـه چـې د دې مـادې د (۴) فقرې په (۲) جزء کې تـصریح شـوي دي، نـشي کېدای د هغه اصل پور په هکله تطبیق شي چې د د افغانستان بانک د مقراتو مطـابق، پـه بـازار کـې د چټکـې پلـورنې د رهـن پـه وسـیله کـلاً تـضمین شـوي دي، بانـک نـشي کولای داسی تضمین شوی اعتبار ورکړي چې د هغـه پـر بنسټ هغـو اشخاصـو تـه د تـضمین شـوو ټولـو اعتبـاراتو نـه ترلاسـه شـوي کلـي مقـادیر د بانـک د زیرمـه ییـزې او لاس نـه خـوړلې پـانګې لـه (۱۵) پـه سـلو کـې یـا هغـې لـوړې فیـصدۍ څخـه چـې د دافغانـستان بانـک د اړوندو مقرراتو مطابق ټاکل کېږي، تجاوز وکړي.

(۶) پـه دې مـاده کـې د درج شـوو بانـــک، طبـــق منـــدرجـــــات مـقررات د افغـانستان بـانـــک از دو صـد فیـصد سـرمایه دســت نخـــورده و ذخـــایر بـــانک یـا هـر فیـــصدی بیـشـتر کـــه تـــوسط مقـــــررات صـــــادر شـــده د افغانستان بـانک تعیین گـردیـده اسـت، تجاوز نماید.

(۵) محدودیت هایی که در جز (۲) فقـرۀ (۴) این ماده تصریح شده، نمـی تـوانـــد در مـــورد آن اصـل قرضـه ای تطبیـق گـردد کـه کـلاً بوسـیله رهـن و فـروش سـریع در بـازار، طبـق مقررات د افغانستان بانک تضمین گـردیده است. بانـک نمـی تـواند اعتبار تضمین شده را اعطـا نمایـد کـه بـه اسـاس آن مقـادیر کلی دریافـت ناشـده تمـام اعتبـــارات تـضمین شـده بـه آن اشـــخاص از (۱۵) فیـــصـــد ســـرمـــایه دســت نخـــورده و ذخـــیره وی بانـــک یـا فیـصدی بلنـــــدی کـــــه طبـــــق مقـــررات مربـــوط د افغانـــستان بانـک تعیـــین مـی‌گـردد، تجـاوز نماید.

(۶) بـه منظـــور تطبیـق احکـام

حکمونـو د تطبیـق پـه منظـور، شـخص کـولای شـي پـه هغـو نـورو اشخاصوکې شامل شي چې له هغـه سره په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه داسې رابطه ولري چې د هغـو د یـوه مـالي سالمیت د هغـه بل پر مالي سالمیت باندې یا عین عامل یا عوامل د هغو د ځینو یا ټولـو پر مالي سالمیت باندې اغیز واچوي یا د دې رابطې د جوړښت په نتیجه کـې شـخص د هغـه د واجـب الاداء اعتبار د ورکړې مسئول شي.

د بانک او مشتریانو رابطه

شپږ دېرشمه ماده:

(۱) د بانـک او مـشتریانو تـرمنځ روابـط د هغـو تـرمنځ د عقـد شـوو موافقـه لیکونـو تـابع دي او د هغـو شـرایط او ضـوابط پـه یـو اړخیـزه توګه د فسخ وړ ندي، خو دا چې په موافقـه لیکونـو کـې بـل ډول ذکـر شوي وي.

(۲) بانک کـولای شـي هغـه شـرطونه او ضوابط چې مشتریان یې د هغـو پـر بنسټ معـاملې ترسـره کـوي، د موافقه لیک په وسیله ترتیب کړي، په دغوموافقه لیکونوکې د ټکټانې نرخونه، فیسونه او لګښتونه شامل منـدرج ایـــن مـــاده، شـخص مـی‌توانـد شـامل سـایر اشخـاص گردد که با وی به شـکـل مـستقیم و یـا غیـر مـستقیم طـوری رابـطه داشته کـه سالمیـت مـالی یکـی از آنها بر سالمیت مـالی دیگـر آن یا عـین عامـل یا عوامـل بـالای سالمیت مـالـی بعضی یا تمـام آنـها اثر بـگذارد، یـا در نتیـجهٔ ساختـار ایـن رابـطه، شـخص، مـسئول پـرداخت اعتبـار واجـب الادای آن گردد.

روابط بانك و مشتریان

مادهٔ سی و ششم:

(۱) روابـط بانـك و مـشتریان تابع موافتنامه های عقد شده بین آنها است و شرایط و ضوابط آنها یك جانبه قابل فسخ نمی باشد، مگـر اینکـه در مـوافـتنامـه هـا طـور دیگـری ذکـر شـده باشد.

(۲) بانـك مـی‌توانـد شـرایط و ضـوابطی را کـه بـر اسـاس آن بـا مـشـتریانش معـاملات را انجـام می‌دهد، ذریعه موافقتنامه ترتیب نـمایـد. ایـن مـوافقتنامه هـا شامل نرخ های تکتانه، فیس ها و

دي چې د بانک په واسطه په بانکي حسابونو کې د موجودو مبالغو له بابته يا د مشتريانو په واسطه د هغو اعتباراتو يا نورو خدمتونو له بابته چې بانک يې تأميني، د ورکړې وړ دي. د هغو اعتباراتو د بېرته ورکړې شرايط چې بانک يې تأميني بانک ته د بدهۍ د مبلغ له بابته ټکټانه او نور لګښتونه يوازې د هغو ورځو لپاره چې دغه ډول مبلغ ترلاسه (حصول) شوی نه وي د ورکړې وړ دي.

(۳) بانک مکلف دی په سپارنو، سپماوو او بانکي اعتباراتو پورې اړوندو شرايطو او ضوابطو په هکله د د افغانستان بانک د مقرراتو مطابق مشتريانو ته کافي اطلاعات ورکړي.

(۴) د داخلي بانک او داخلي مشتريانو ترمنځ شخړې او د داخلي نمايندګيو د دفترونو د فعاليتونو په اړه د غير مېشت بانک پر خلاف د مشتريانو ټولې دعواوې، د افغانستان د اړوندو محکمو په واسطه حل او فصل کېږي. د هغو موضوعګانو حل او فصل چې د کمېسيون واک دی،

مصارفی است که توسط بانک از بابت مبالغ موجود در حساب های بانکی یا توسط مشتریان از بابت اعتبارات یا خدمات دیگری که بانک تأمین میکند، قابل پرداخت می‌باشند. شرایط باز پرداخت اعتباراتی که بانک تأمین می کند، تکتانه وسایر مصارف از بابت مبلغ بدهی به بانک صرف برای روز های که چنین مبلغی حصول نشده است، قابل پرداخت می‌باشند.

(۳) بانک مکلف است در مورد شرایط و ضوابط مربوط به سپرده ها، پس انداز ها و اعتبارات بانکی، مطابق مقررات وضع شدهٔ د افغانستان بانک به مشتریان اطلاعات کافی ارایه نماید.

(۴) منازعات بین بانک داخلی و مشتریان داخلی و کلیه دعاوی مشتریان داخلی علیه بانک غیر مقیم در رابطه به فعالیت های دفاتر نمایندگی داخلی، توسط محاکم مربوط افغانستان حل و فصل می‌گردد. حل و فصل منازعاتی که از صلاحیت کمیسیون باشد، ازین امر مستثنی

لدې امر څخه مستثنی دی.

(۵) په هغه صورت کې چې په بانکي حساب کې موجودې سپارنې، د دافغانستان بانک په شمول د خاصو قواعدو تابع وي، پورتنۍ حسابونه غیر فعال ګڼل کېږي، په هغه صورت کې چې د یوه حساب لرونکی په لسو کلونو کې د خپل حساب په هکله د ثبت شوې معاملې یا له بانک سره د رسمي مکاتبې په واسطه رابطه نه وي لرلې، د نوي کال په لومړنۍ رسمي ورځ، بانک د راجستر شوي پست په ذریعه، دحساب د لرونکي په وروستني آدرس، اطلاعیه استوي او په هغې کې د غیر فعال حساب جزئیات او لږترلږه په یوه سیمه ایزه ورځپاڼه کې د حساب د لرونکي نوم او د غیر فعال حساب جزئیات خپروي، له اطلاعیې او خپرونې څخه د (۳۰) ورځو له تېرېدو وروسته، په هغه صورت کې چې د حساب لرونکي معلوم نشي، بانک مکلف دی دافغانستان بانک ته مفصل رپوټ ورکړي او په غیر فعال حساب کې موجود رقم د دافغانستان بانک ته

است.

(۵) در صورتی‌که سپرده های موجود در حساب بانکی به شمول د افغانستان بانک، تابع قواعد خاص باشد، حسابات فوق غیر فعال شمرده می‌شود. در صورتی‌که دارندۀ یک حساب در ظرف ده سال در مورد حساب خود ذریعۀ معاملۀ ثبت شده یا مکاتبۀ رسمی با بانک رابطه نداشته باشد، در اولین روز رسمی سال جدید، بانک ذریعۀ پستۀ راجستر شده، اطلاعیه را به آخرین آدرس دست داشتۀ دارندۀ حساب فرستاده و در آن جزئیات حساب غیر فعال را و اقلاً در یک روز نامۀ محلی، اسم دارندۀ حساب و جزئیات حساب غیر فعال را به نشر می رساند. بعد از سپری شدن (۳۰) روز از اطلاعیه و نشریه، در صورتی‌که دارندۀ حساب معلوم نگردد، بانک مکلف است راپور مفصلی را به د افغانستان بانک تقدیم و رقم موجود در حساب غیر فعال را به د افغانستان بانک تحویل دهد که در یک حساب خاص در د

تحویل کړي، څو په دافغانستان بانک کې په یوه خاص حساب کې وساتل شي. د د افغانستان بانک کولای شي د دغه خاص حساب وجوه په هغو مواردو کې چې لازم یې وګڼي، تر ګټې اخیستنې لاندې ونیسي، که چېرې د لسو کلونو په موده کې د حساب لرونکي یا یې ورثه، د خپل غیر فعال حساب د مالکیت په هکله قناعت ښودونکی مدرکونه ددافغانستان بانک ته وړاندې کړي، د دافغانستان بانک مکلف دی نومورې مبلغ مسترد کړي. د لسو کلونو مودې له تېرېدو وروسته، په غیرفعال حساب کې ټول موجود مبلغ دمالیې وزارت ته لیږدول کېږي او ددولت د عوایدو جزء ګڼل کېږي.

افغانستان بانک نگهداری شود. د افغانستان بانک می‌تواند وجوه این حساب خاص را در مواردیکه لازم بداند، مورد استفاده قرار دهد، هرگاه طی مدت ده سال دارندۀ حساب یا ورثه وی، مدارک قناعت بخش در مورد مالکیت حساب غیر فعال خویش را به د افغانستان بانک ارایه نماید، دافغانستان بانک مکلف است مبلغ متذکره را مسترد نماید. بعد از انقضای مدت ده سال، تمام مبلغ موجود در حساب غیر فعال به وزارت مالیه انتقال و جزء عواید دولت محسوب می‌گردد.

له سر رسید د مخه د بدهي ورکړه اووه دېرشمه ماده:

(۱) د بانک پوروړی (بدهکار) کولای شي بانک ته د خپلو پورونو ټول یا یوه برخه په هره موقع کې د موافقه شوې نېټې له سر رسید د مخه ورکړي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې

پرداخت بدهی قبل از سر رسید مادۀ سی و هفتم:

(۱) بدهکار بانک می‌تواند کلیه یا قسمتی از قرضه های خود به بانک را در هر موقعی قبل از سررسید تاریخ موافقت شده بپردازد.

(۲) پرداخت های مندرج فقرۀ (۱)

درج شوې ورکړې د دمخه ورکړې د فیس په بدل کې چې د جلا موافقه لیک په اساس ټاکل شوی وي، صورت موندلای شي.

(۳) بانک کولای شي هغه بدهۍ چې په قسطونو د ورکړې وړ وي، له قسطونو سره د متناسب جزء په صورت یا یوازې په وروستي قسط کې محاسبه کړي.

(۴) نور هغه موافقه لیکونه چې په (۱، ۲ او ۳) فقره کې د درج شوو د دمخه ورکړو حق رد یا محدود کړي، د اعتبار وړ نه ګڼل کېږي.

(۵) بانک مکلف دی په هغه موافقه لیک کې چې د اعتبار په وسیله تأمینېږي د ورکړې د فیس اندازه (په هغه صورت کې چې موجود وي) د اصل پیسو له موعد د مخه د هغه اعتبار وټاکي.

این ماده در بدل فیس پیش پرداخت که به اساس موافقتنامهٔ جداگانه تعیین گردیده باشد، صورت گرفته می‌تواند.

(۳) بانک می‌تواند بدهی هایی را که طور اقساط قابل پرداخت باشد، بصورت جزء متناسب با اقساط یا تنها در قسط بعدی محاسبه نماید.

(۴) سایر موافقتنامه هایی که حق پیش پرداخت های مندرج فقره های (۱، ۲ و ۳) این ماده را رد یا محدود نماید، فاقد اعتبار پنداشته می‌شود.

(۵) بانک مکلف است در موافقتنامه ایکه به اساس اعتبار تأمین می‌گردد، اندازهٔ فیس پرداخت را (در صورتی‌که موجود باشد) قبل از موعد اصل پول اعتبار آن، معین نماید.

تضمین شوي پورونه

اته دېرشمه ماده:

(۱) بانک کولای شي له خپلو مشتریانو څخه وغواړي چې مربوطې بدهۍ د رهن، ضمانت یا بلې ژمنې په واسطه تضمین کړي، بانک نشي کولای د خپلي ونډې ایزې پانګې ونډې د د افغانستان بانک له د مخه لیکلې اجازې پرته، د بدهۍ د تضمین په عنوان ومني.

(۲) په هغه صورت کې چې د بدهۍ له ورکړې څخه چې د رهن یا د منقول مال د حبس د حق او غیر منقول رهن او نورو ثبت شوو کالیو په واسطه تضمین شوې ده، سرغړونه صورت ومومي، تضمین شوې منقوله او غیر منقوله شتمني د مزایدې پر اساس یا د دلال له لارې په عمومي بازار کې د قانون مطابق پلورل کېږي، بانک کولای شي د نومورې شتمنۍ د پېرودلو لپاره ونډه واخلي.

(۳) په هغه صورت کې چې د دې مادې په (۲) فقره کې درج شوې شتمنۍ د مزایدې پر اساس یا په عمومي بازار کې د بدهۍ او لګښتونو د مبلغ د اقل حد د بیې

قروض تضمین شده

مادۀ سی و هشتم:

(۱) بانک می‌تواند از مشتریان خویش تقاضا نماید که بدهی های مربوط را توسط رهن، ضمانت یا تعهد دیگری تضمین نماید، بانک نمی تواند سهام سرمایه سهامی خود را بعنوان تضمین بدهی بدون اجازۀ کتبی قبلی دافغانستان بانك قبول نماید.

(۲) در صورتیکه از پرداخت بدیهی که توسط رهن یا حق حبس مال منقول و رهن غیر منقول وسایر کالاهای ثبت شده، تضمین گردیده، تخطی صورت گیرد، دارایی منقول و غیر منقول تضمین شده به اساس مزایده یا از طریق دلال در بازار عمومی مطابق قانون به فروش می‌رسد، بانك می‌تواند جهت خریداری دارایی مذکور سهیم گردد.

(۳) در صورتی‌که دارایی های مندرج فقرۀ (۲) این ماده، به اساس مزایده یا در بازار عمومی معادل قیمت حد اقل مبلغ بدهی و مصارف فروش، به فروش

په معادل ونه پلورل شي، ارخونه (طرفين) کولای شي د جلا موافقه ليک مطابق شتمني په بل ډول وپلوري، د نه موافقې په صورت کې، له ارخونو څخه د يوه د غوښتنليک له مخې مربوطه محکمه واک لري د هغو د پلورنې په اړه تصميم ونيسي.

(۴) ددې مادې په (۳) فقره کې په درج شوي حالت کې بانک کولای شي شتمنۍ وپېري.

(۵) بانک مکلف دي د نه حصول شوې بدهۍ او د هغې د لګښتونو د مبلغ له وضع کولو او د نورو اشخاصو د بديهيو د ورکړې وروسته چې ذکر شوې شتمني د هغو تر رهن لاندې ورکړل شوېده، پاتې ئې خاوند ته ورکړي.

(۶) په هغه صورت کې چې د نومورې شتمنۍ د پلورنې ماحصل د خرڅلاو د لګښتونو له وضع کولو وروسته، د نه حصول شوې پلورنې (مقروضيت) له مقدار څخه لږ وي، ددا ډول پورونو باقي پاتې مبلغ، بانک ته د مديون شخص بدهۍ ګنل کېږي.

نرسد، طرفين می توانند طبق موافقتنامۀ جداگانه، دارايی را طور ديگر بفروش برسانند، در صورت عدم موافقه بنابر درخواست يکی از طرفين، محکمۀ مربوط صلاحيت دارد در رابطه به فروش آنها تصميم اتخاذ نمايد.

(۴) درحالت مندرج فقرۀ (۳) اين ماده بانك می‌تواند دارايی ها را خريداری نمايد.

(۵) بانك مکلف است بعد از وضع مبلغ بدهی حصول نا شده و مصارف آن و پرداخت بدهی های ساير اشخاص که دارايی متذکره تحت رهن آنها قرار داده شده است، باقی ماندۀ آنرا به مالك بپردازد.

(۶) در صورتی‌که ماحصل فروش دارايی مذکور بعد از وضع مصارف فروش، کمتر از مقدار مقروضيت حصول ناشده باشد، مبلغ باقی مانده چنين قرضه ها، بدهی شخص مديون به بانك محسوب می‌گردد.

د معاملو او ژمنو سندونه

نهه دېرشمه ماده:

(۱) بانک مکلف دی د مربوطو معاملو لاندې مدرکونه او سندونه لږترلږه د لسو کلونو مودې لپاره په دوسیو کې وساتي:

۱- د اعتبار، ضمانت او رهن د موافقه لیکونو په شمول په معامله پورې مربوط غوښتنلیک او د قرارداد ټول مدرکونه.

۲- د پور اخیستونکو او ضامنانو او نورو مستندو مدرکونو په شمول چې بانک د معاملې په تصویب کې پر هغو باندې استناد کړی دی، د بانک د مقابلو اړخونو سندونه او مالي سوابق.

۳- د بانک لخوا د معاملې د منظورۍ په هکله لاسلیک شوی لیکلی سند.

۴- د مشتریانو د بانکی حساب مربوط موافقه لیکونه.

۵- نور هغه مدرکونه چې د دافغانستان بانک په مقرراتو کې تجویز شوي دي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوي سندونه په الکترونیکي شکل هم ساتل کېږي.

اسناد معاملات و تعهدات

مادۀ سی و نهم:

(۱) بانک مکلف است مدارک و اسناد ذیل معاملات مربوط را برای مدت حد اقل ده سال در دوسیه ها نگهدارد:

۱- درخواست و کلیه مدارک قرارداد مربوط به معامله به شمول موافقتنامه های اعتبار، ضمانت و رهن.

۲- اسناد و سوابق مالی طرف های مقابل بانک به شمول قرض گیرنده ها و ضامن ها و مدارک مستند دیگر که بانک در تصویب معامله به آنها استناد نموده است.

۳- سند کتبی امضاء شده مبنی بر منظوری معامله توسط بانک.

۴- موافقتنامه های مربوط به حساب بانکی مشتریان.

۵- سایر مدارک که در مقررات دافغانستان بانک تجویزگردیده است.

(۲) اسناد مندرج فقرۀ (۱) این ماده به شکل الترونیکی نیز نگهداری می‌گردد.

مربوطو (وابسته) اشخاصو ته بانکي اعتبار

څلوېنتمه ماده:

(۱) بانک نشي کولای مربوط (وابسته) شخص ته په لاندې مواردو کې اعتبار ورکړي:

۱- په هغه صورت کې چې د هغه اعتبار مالي شرایط او ضوابط د بانک د عامل هیئت یا نظار هیئت لخوا تصویب شوي نه وي.

۲- په هغه صورت کې چې اعتبار د بانک یوه مدیر یا کارمند ته ورکړل شوی وي او د نه حصول شوي ورکړل شوي اعتبار ټول مبلغ د هغه د کلنیو حقوقو د په سلو کې له (۳۵) معادل څخه تجاوز وکړي یا د هغو ټولو اعتباراتو مبلغ چې نورو مربوطو (وابسته) اشخاصو ته ورکړل شوی دی او حصول شوی ندی د بانک د لاس نه خورلې پانګې او زېرمې له په سلو کې سل معادل څخه تجاوز وکړي.

۳- د پورونو او تضمین شوو اعتباراتو په هکله د دې مادې په (۲) فقره کې درج شوي شرایط ددافغانستان بانک په مقرراتو کې

اعتبار بانکی به اشخاص وابسته

مادۀ چهلم:

(۱) بانک نمی تواند به شخص وابسته در موارد آتی اعتبار اعطاء کند:

۱- در صورتی‌که شرایط و ضوابط مالی اعتبار توسط هیئت عامل یا هیئت نظار بانک تصویب نگردیده باشد.

۲- در صورتی‌که اعتبار به یك مدیر یا کارمند بانک اعطا شده باشد و مبلغ مجموع اعتبار پرداخته شده حصول ناشده از معادل (۳۵) فیصد حقوق سالیانه وی تجاوز نماید یا مبلغ مجموع اعتباراتیکه به سایر اشخاص وابسته پرداخته شده و حصول نشده از معادل (۱۰۰) فیصد سرمایه و ذخایر دست نخورده بانك تجاوز کند.

۳- شرایط مندرج فقرۀ (۲) این ماده در مورد قرضه ها و اعتبارات تضمین شده مطابق به معیار های تعیین شدۀ مندرج

د درج شـوو معیـارونو او یـا د عقـاری املاکـو د رهـن شـوو اعتبـاراتو په وړاندې چې برآورده شـوی ارزښـت یـې د پـور د اصـل مجمـوع مبلـغ لـه یـو پـر درېیمـې انـدازې څخـه زیـات وي، نـه تطبیقېږي.

۴- په هغه صورت کې چې مربوطو (وابسته) اشخاصو تـه اعتبـارات په هغـو شـرایطو او ضـوابطو ورکـړل شي چې بانک ته د هغو ګټورتوب د هغـو اعتبـاراتو لـه ګټورتـوب څخـه چې په معمول ډول عـامو خلکـو تـه ورکول کېږي، لږ وي.

(۲) بانـک مکلـف دی چـې وابسـته اشخاصـو تـه د اعتبـار لـه ورکولـو څخه د بررسـي هیئت تـه فوراً خبر ورکـړی. پـه هغـه صـورت کـې چـې وابسـته اشخاصـو تـه اعتبـار د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي حکم له رعایتولو پرته ورکول شوی وي. دا ډول اعتبـار فـوراً بېرتـه اخیـستل کېږي. د عامـل هیئـت او نظـار هیئـت غـړي پـه انفـرادي او ټولیز ډول د پیسو د اصل، بهرې او نـورو اړونـدو اعتبـاري لګـښتونو چې د دې مادې د (۱) فقرې د حکم مقـررات دافغانـستان بانـک و یـا اعتبـارات رهـن شـده در برابـر امـلاک عقـاری کـه ارزش بـرآورده شـدهٔ آن از اصـل مبلـغ مجمـوع قرضـه بـه انـدازه یـک سـوم اضـافـه بـاشد، تطبیـق نمی‌شود.

۴- در صـورتیکه اعتبـارات بـه اشخـاص وابـسته بـا شـرایط و ضـوابطـی اعطـاء شـود کـه مفیـدیت آن بـه بانـک از مفـیدیت اعتباراتیـکه بـشکل معـمول بـه عامهٔ مردم اعطاء می‌شود، کمتر باشد.

(۲) بانـک مکلـف اسـت از اعطـای اعتبار به اشخاص وابسته فوراً به هیئـت بررسـی اطـلاع دهـد، در صـورتی‌کـه اعتبـار بـه یـک شـخص وابسته بدون رعایت حکم مندرج فقـره (۱) ایـن مـاده اعطـاء شـده باشـد، چنـین اعتبـار فـوراً بـاز پرداخت مـی‌شـود. اعـضای هیئـت عامل و هیئت نظار بطور انفرادی و دسـته جمعـی بابـت پرداخـت اصـل پـول، بهـره وسـایر مـصارف مربـوط دیگر اعتبـاری کـه مـغایر حکم فقره (۱) این ماده با آگاهی و

مغاير په خبرتيا سره او له اعتراض پرته هغوی ته ورکول شوی وي، شخصاً مسئول دي.

(۳) د دې مادې په منظور وابسته شخص عبارت دی له:

۱- د بانک مدير.

۲- هغه شخص چې د بانک له يوه مدير سره د ازدواج، نسب، د وينې د شريکوالي يا حداکثر تر دوه يمې درجې پورې خپلوی يا د تبني او رضاعي په سبب رابطه ولري.

۳- هغه شخص چې په يوازی توګه يا له يوه يا څو اشخاصو سره د شراکت يا د يوه يا څو اشخاصو له لارې په بانک يا بل هر ډول تشبث کې د واکمنې استحقاقي ونډې لرونکي وي. د دغه بانک او تشبث مدير هم پدي حکم کې شامل دی.

بدون اعتراض به آنها اعطاء شده باشد، شخصاً مسئول می‌باشند.

(۳) شخص وابسته به منظور این ماده عبارت است از:

۱- مدیر بانك.

۲- شخصی که با یکی ازمدیران بانك به سبب ازدواج، نسب، خون شریکی یا خویشاوندی حد اکثر تا درجه دوم، تبنی و رضاعی رابطه داشته باشد.

۳- شخصی‌که به تنهایی یا طور شراکت با یك یا چند شخص یا از طریق یك یا چند شخص دارای سهم استحقاقی ذیصلاحیت در بانك یا هر تشبث دیگر باشد. مدیر چنین بانك و تشبث نیز شامل این حکم است.

د جنايتونو د ارتکاب په اړه د بانکي خدمتونو منع کول

يو څلويښتمه ماده:

(۱) بانک نشي کولای هغو اشخاصو ته چې هويت يې مجهول وي بانکي حساب او خدمتونه برابر کړي.

(۲) بانک مکلف دی د خپلو هغو

منع خدمات بانکی در رابطهٔ ارتکاب جنایات

مادهٔ چهل و یکم:

(۱) بانك نمی تواند برای اشخاص که هویت شان مجهول باشد، حساب و خدمات بانکی را فراهم نماید.

(۲) بانك مکلف است هویت

مشتریانو هویت چې بانکي حساب افتتاح کوي یا په یو ډول له بانک څخه د وجوهو یا بها لرونکو سندونو د لېږدونې یا د بها لرونکو سندونو یا د معاملو، د معاملې وړ سندونو د وړکړې په شمول د بانکي فعالیتونو لپاره یا د مقرراتو مطابق له بانکي نورو فعالیتونو څخه ګټه اخلي، ثبت کړي. بانک مکلف دی له مشتري څخه غوښتنه وکړي څو د هر هغه بل شخص د هویت په هکله چې په دغسې حسابونو کې ذینفع دی یا دغه ډول فعالیتونه د هغو په ګټه ترسره کېږي بانک ته کافي معلومات ورکړي، بانک له دغو اشخاصو څخه د هر یوه هویت ثبتوي او د هغوی په هویت پورې اړوند سندونه او مدارک ساتي.

(۳) بانک نشي کولای یوه شخص ته یا یې په ګټه، بانکي حساب یا خدمتونه برابر کړي. بانک مکلف دی دغسې شخص ته یا یې په ګټه د بانکي حساب د ساتنې او د بانکي خدمتونو د سرته رسولو د غوښتنې یا غوښتنلیک په اړه د د افغانستان بانک ته خبر ورکړي.

مشتریان خود را که حساب بانکی را افتتاح می نمایند یا به نحوی از بانك جهت فعالیت های بانکی به شمول انتقال وجوه یا اسناد بهادار یا معاملات اسناد بهادار، پرداخت اسناد قابل معامله یا طبق مقررات از سایر فعالیت های د افغانستان بانك استفاده می کنند، ثبت نماید. بانك مکلف است از مشتری تقاضا نماید تا اطلاعات کافی در مورد هویت هر شخص دیگر که در چنین حسابها ذینفع می‌باشد، یا چنین فعالیت ها به نفع آنها انجام می‌گیرد، به بانك ارایه نماید. بانکها هویت هر یك ازین اشخاص را ثبت و اسناد مدارك مربوط به هویت آنها را حفظ می نمایند.

(۳) بانك نمی تواند حساب یا خدمات بانکی را برای یا به نفع یك شخص فراهم کند. بانك مکلف است تقاضا و یا درخواست مبنی بر نگهداشت حساب بانکی و انجام خدمات بانکی را برای یا به نفع چنین شخص به د افغانستان بانك اطلاع دهد.

پنځم فصل
حسابداري، رپوټ ورکونه او پلټنه

مالي صورت حسابونه او احصائيوي رپوټونه

دوه څلوېښتمه ماده:

(۱) بانک مکلف دی د ثبتونو حسابونه او سندونه وساتي او د د افغانستان بانک د مقرراتو مطابق ربعوار او کلنی صورت حسابونه چې د حسابداری د سالمو او منل شوو معیارونو لرونکي او د بانک د فعالیتونو او مالي شرایطو دقیق منعکس کوونکي وي، برابر کړي.

(۲) د بانک مالي صورت حسابونه د انفرادي یا ډله ایزو (دسته جمعي) تابع شرکتونو د فعالیتونو او مالي شرایطو منعکس کوونکی دی.

(۳) د یوې یا له یوې څخه د زیاتو فرعو یا د نمایندګۍ د دفترو لرونکی غیر مېشت بانک مکلف دی، پدې ماده کې درج شوي حکمونه د هر دفتر د جلا سندونو د حسابونو او د مالي صورت

فصل پنجم
حسابداری، راپور دهی و تفتیش

صورت حسابات مالی و راپور های احصائیوی

مادۀ چهل و دوم:

(۱) بانک مکلف است حسابات ثبت ها و اسناد را نگهداشته و صورت حسابات ربع وار و سالانه را مطابق مقررات د افغانستان بانک که در بر گیرنده معیار های سالم و قبول شده حسابداری که منعکس کنندۀ دقیق فعالیت ها و شرایط مالی بانک می‌باشد، تهیه نماید.

(۲) صورت حسابات مالی بانک منعکس کنندۀ فعالیت ها و شرایط مالی شرکت های تابع انفرادی یا دسته جمعی می‌باشد.

(۳) بانک غیر مقیم دارای یک یا بیشتر از یک فرع یا دفتر نمایندگی، مکلف است احکام مندرج این ماده را غرض تهیه حسابات اسناد جداگانه و پروفورمه صورت

حسابونو د پروفورمې د برابرولو لپاره په پام کې ونیسي.

(۴) په هېواد کې په فعالیت بوخت بانکونه مکلف دي خپل کلنی، ربعوار رپوټونه یا د کم زماني واټن رپوټونه چې د پولي احصائیو، د عوایدو او مخارجو، د صعب الحصول پورونو، له پورونو او تدارکاتو څخه د رامنځته شوو زیانونو، د اسعارو د وضعیت، د ټکټانې د نرخ او هغو ته د ورته رپوټونو لرونکي وي، د د افغانستان بانک له مقرراتو او له نړیوالو منل شوو احصائیوي معیارونو او کارکړنو سره په مطابقت کې برابر او د دافغانستان بانک په واک کې ورکړي.

غیر بانکي مالي مؤسسې او د هغو استازي چې په هېواد کې په فعالیت بوختې دي، هم د دې حکم تابع دي.

(۵) د د افغانستان بانک مکلف دی له بانکونو او نورو مالي مؤسسو څخه راټول شوي احصائیوي معلومات، دعامه اړتیا وړ سیاست ګذاری، د ضرورتونو مطابق او د نړیوالو ادارو په وړاندې د خپلو حسابات مالی برای هر دفتر رعایت نماید.

(۴) بانکهای مشغول فعالیت در کشور مکلف اند، راپور های سالانه، ربعوار یا راپور های با فاصله زمانی کمتر خود را که در برگیرنده احصائیه های پولی، راپور عواید و مخارج، قرضه های صعب الحصول، خسارات ناشی از قرضه ها و تدارکات، وضعیت اسعار، نرخ تکتانه و امثال آن باشد، طبق مقررات د افغانستان بانك و در مطابقت به معیار ها و عمل کرد های قبول شدهٔ احصائیوی بین المللی تهیه و به دسترس د افغانستان بانك قرار دهند.

مؤسسات مالی غیر بانکی و نمایندگان آنها که در کشور مشغول فعالیت هستند، نیز تابع این حکم می‌باشند.

(۵) د افغانستان بانك مکلف است معلومات جمع آوری شدهٔ احصائیوی از بانکها و دیگر مؤسسات مالی را مطابق نیاز های سیاست گذاری مورد ضرورت عامه و ایفای مسئولیت هایش در

مسئولیتونو د سرته رسولو لپاره راټول او تنظیم کړي.

بانکونه او نورې مالي مؤسسې او د هغو استازي مکلف دي، د احصائیوي سیاست ګذاری، څارنې او مسئولیتونو په کار کې، د احصائیو د راټولولو او اړتیا وړ افرادو یا خاصو شرکتونو د معاملو په هکله معلومات برابر او د دافغانستان بانک په واک کې ورکړي.

(۶) د د افغانستان بانک نشي کولای هغه احصائیوي معلومات چې د هغو له املې د اشخاصو او شرکتونو هویت ټولو خلکو ته افشاء شي، خپاره کړي، د خپرولو په صورت کې مرتکب د قانون د حکمونو مطابق مجازات کېږي، خو دا چې معلومات د مخه د ټولو خلکو په واک کې ورکړل شوي وي.

(۷) د د افغانستان بانک کولای شي د نورو څارنیزو دندو د سرته رسولو لپاره، د دې مادې په (۶) فقره کې درج شوي معلومات ناظرینو او واکمنو مقامونو ته برابر کړي، پدې شرط چې دغه ډول څارونکي او قبال ادارات بین المللی را جمع آوری و تنظیم نماید.

بانکها وسایر مؤسسات مالی و نمایندگان آنها مکلف اند معلومات در مورد معاملات افراد و یا شرکت های خاص مورد نیاز، جمع آوری احصائیه ها در امر سیاست گذاری، نظارت و مسئولیت های احصائیوی را تهیه و در اختیار د افغانستان بانك قرار دهد.

(۶) د افغانستان بانك نمی تواند معلومات احصائیوی را که در اثر آن شهرت و هویت اشخاص و شرکت ها به عامۀ مردم افشاء شود، نشر نماید، در صورت انتشار، مرتکب طبق احکام قانون مجازات می گردد، مگر اینکه معلومات قبلاً در اختیار عموم مردم قرار گرفته باشد.

(۷) د افغانستان بانك می‌تواند جهت انجام وظایف خوبتر نظارتی، معلومات مندرج فقره (۶) این ماده را به ناظرین و مقامات ذیصلاح فراهم نماید، مشروط براینکه چنین نظارت کنندگان و

واکمن مقامونه، د بانکي او پولي ثبتونو د محرمیت د قانون او مقرراتو مطابق، د دغسې معلوماتو د ترلاسه کولو لپاره مجاز وي.

(۸) د د افغانستان بانک کولای شي د بانک، مالي مؤسسې او د هغو د استازو پرخلاف د نابشپړو معلوماتو د وړاندې کولو، په رپوټ ورکونه کې د ځنډ، نه رپوټ ورکونې، ناسمې رپوټ ورکونې او د غلط رپوټ د وړاندې کولو په صورت کې مالي او اداري تعزیرونه وضع کړي.

مقامات ذیصلاح طبق قانون و مقررات محرمیت ثبت های بانکی و پولی، مجاز به دریافت چنین معلومات باشند.

(۸) د افغانستان بانک می‌تواند علیه بانک، مؤسسه مالی و نمایندۀ آنها در صورت ارایۀ معلومات نامکمل، تأخیر در راپور دهی و عدم راپور دهی نادرست و ارایۀ راپور غلط و گمراه کننده، تعزیرات مالی و اداری وضع کند.

بهرنی خپلواک بررس

دري څلوېښتمه ماده:

(۱) کورنۍ بانکونه مکلف دي یو تن بهرنی تجربه لرونکي خپلواک بررس چې د د افغانستان بانک د تائید وړ وي انتصاب کړي.

بررس مکلف دی د افغانستان په مقراتو کې د وضع شوو معیارونو مطابق لاندې دندې ترسره کړي:

۱- د بانک د سیستمونو او

بررس مستقل بیرونی

مادۀ چهل و سوم:

(۱) بانک های داخلی مکلف اند یک نفر بررس مستقل بیرونی با تجربه را که مورد تائید د افغانستان بانک باشد انتصاب نماید.

بررس مکلف است طبق معیار های وضع شده در مقررات د افغانستان بانک وظایف ذیل را انجام دهد:

۱- کمک در تحفظ سیستم ها و

حسابداری د مناسبو اصولو په ساتنه کې مرسته.

۲- د مالي مناسبو کنترولونو او د ریسک د اداري د سیستم او کړنلارې په ساتنه کې مرسته.

۳- د دې قانون له حکمونو سره په مطابقت کې، د بانک له مالي وضع څخه د یوه بشپړ او منصفانه تصویر د ترلاسه کولو لپاره، د مالي ګزارشونو له ارزونې او بررسۍ سره یو ځای، د کلني رپوټ برابرول او وړاندې کول.

۴- د د افغانستان بانک ته د دې قانون او د د افغانستان بانک د نورو مقرراتو له حکمونو څخه د هر ډول صریحې سرغړونې خبر ورکول چې د بانک د استازي، کارمند یا مدیر لخوا ارتکاب شوي وي.

۵- د د افغانستان بانک ته د هر ډول هغو اداري سرغړونو او نیمګړتیاوو چې بانک ته د پام وړ زیان د رسېدو سبب کېږي خبر ورکول.

(۲) د غیر میشتو بانکونو فرع یا داخلي نمایندګۍ هم د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو حکمونو په رعایتولو مکلفې دي.

اصول مناسب حسابداری بانک.

۲- کمک در تحفظ کنترول های مناسب مالی و سیستم و طرزالعمل ادارهٔ ریسک.

۳- تهیه و ارایهٔ راپور سالانه برای هیئت نظار همراه با ارزیابی و بررسی گزارشات مالی جهت دریافت یک تصویر کامل و منصفانه از وضع مالی بانک در مطابقت به احکام این قانون.

۴- اطلاع هر گونه تخلف از احکام این قانون وسایر مقررات د افغانستان بانک که از طرف نمایندهٔ بانک، کارمند و یا مدیر ارتکاب گردیده، به دافغانستان بانک.

۵- اطلاع به د افغانستان بانک از هر گونه تخلفات و نواقص اداری ایکه موجب بروز ضرر قابل توجه به بانک می‌گردد.

(۲) فرع یا نمایندگی داخلی بانکهای غیر مقیم نیز مکلف به رعایت احکام مندرج فقره (۱) این ماده می‌باشند.

د مالي صورت حسابونو او د بررسانو د رپوټونو خپرول

څلور څلوېښتمه ماده:

(۱) بانک مکلف دی د مالي کال له پای ته رسېدو وروسته په دریو میاشتو کې خپل مجموعي څېړل شوي صورت حسابونه د بهرنیو څېړونکو له رپوټ سره یوځای د د افغانستان بانک، وزارت والو او د ارټیا په صورت کې د ټولو (عمومو) په واک کې ورکړي.

(۲) د فرع یا داخلي نمایندګۍ لرونکی غیر مېشت بانک مکلف دی، د مالي کال له پای ته رسېدو وروسته په دریو میاشتو کې خپل مجموعي بررسي شوي مالي صورت حسابونه، د مالي حسابونو بررسي شوې پروفورمه او د خپلو بهرنیو بررسي شوي رپوټونه مجموعه د د افغانستان بانک ته تسلیم کړي او د ارټیا په صورت کې یې د ټولو خلکو په واک کې ورکړي.

انتشار صورت حسابهای مالی و راپور بررس ها

مادۀ چهل و چهارم:

(۱) بانک مکلف است در خلال مدت سه ماه بعد از پایان سال مالی صورت حسابات مالی بررسی شده مجموعی خویش را همراه با راپور بررس های بیرونی به د افغانستان بانک، سهامداران و در صورت ضرورت به دسترس عموم مردم قرار دهند.

(۲) بانک غیر مقیم دارای فرع یا دفتر نمایندگی داخلی مکلف است در خلال سه ماه بعد از پایان سال مالی، صورت حسابات مالی بررسی شده مجموعی، پروفورمه حسابات مالی بررسی شده و مجموع راپور های بیرونی خود را به د افغانستان بانک تسلیم و در صورت ضرورت به دسترس عموم مردم قرار دهد.

د پلټنې رپوټونه

پنځه څلوېښتمه ماده:

(۱) بانک مکلف دی د خپلې اداري او فعالیت، او د خپلو تابع شرکتونو د لاس رسۍ وړ وجوهو د موجودیت، د دیونو د ورکړې او احتمالي ګټو رپوټ د افغانستان بانک ته ورکړي، دغه رپوټ، د هغه د شکل او تفصیل او د زماني واټنونو مطابق چې د افغانستان بانک ئې د اړوند مقرراتو سره سم تجویزوي، برابر او وړاندې کېږي.

(۲) داخلي بانک او تابع شرکت یې د افغانستان بانک د پلټونکو یا هغه بررسان په واسطه چې د د افغانستان بانک لخوا انتصابېږي، تفتیش کېږي.

دغه بررسان کېدای شي د بل هېواد په کارمندانو کې چې په هغه هېواد کې د بانکي فعالیتونو د پولي یا احتیاطي ځارنې دنده لري شامل وي او د یوه غیر مېشت بانک د تابع شرکت، فرع یا داخلي نمایندګۍ چې مرکزي دفتر یې په هغه هېواد کې واقع وي یا د یوه داخلي بانک پلټنه چې په دا ډول غیر مېشت بانک کې د واکمنې

گزارشات تفتیش

مادۀ چهل و پنجم:

(۱) بانك مكلف است راپور اداره و فعاليت، موجوديت وجوه قابل دسترس و پرداخت ديون و منافع احتمالی خود و شركت های تابع خود را به دافغانستان بانك گزارش دهد، اين گزارش مطابق شكل و تفصيل و فواصل زمانی كه د افغانستان بانك طبق مقررات مربوط تجويز می نمايد، تهيه و ارايه می گردد.

(۲) بانك داخلی و شركت تابع آن توسط مفتشان د افغانستان بانك يا بررسان كه از طرف د افغانستان بانك انتصاب می‌شوند، تفتيش می گردد.

اين بررسان می‌تواند شامل كارمندان كشور ديگر كه وظيفه نظارت پولی يا احتياطی فعاليت های بانكی در آن كشور را دارد، بوده و مسئوليت تفتيش شركت تابع، فرع يا دفتر نمايندگی داخلی يك بانك غير مقيم كه دفتر مركزی آن در آن كشور قرار دارد، يا تفتيش يك بانك داخلی كه دارای سهم استحقاقی

استحقاقي وندې لرونکی وي یا د داخلي بانک پلټنه چې دغه ډول غیر مېشت بانک په هغه کې د واکمنې استحقاقي وندې لرونکی وي، د پلټنې مسئولیت په غاړه واخلي.

(۳) د د افغانستان بانک او بررسان یې د پلټنې په بهیر کې د دې مادې د (۲) فقرې مطابق د لاندې واکونو لرونکي دي:

۱- د بانک یا یې د تابع شرکت دفتر ته ننوتل او د بانک یا د تابع شرکت د حسابونو، دفترونو، مدارکو او نورو سوابقو څېړنه.

۲- د بانک یا یې د تابع شرکت له مدیرانو، کارمندانو او نمایندګانو څخه د بانک یا یې د تابع شرکت د اداري او اړوندو فعالیتونو په هکله د اطلاع ترلاسه کول.

۳- د د افغانستان بانک کولای شي د ارزونې په منظور د بانک یا یې د تابع شرکتونو دفترونو، حسابونو او ثبتونو ته د لاس رسۍ په غرض، د لزوم په صورت کې له امنیتي ځواکونو څخه د زور او قوې د استعمال غوښتنه وکړي.

۴- د غیر مېشت بانک فروعو او داخلي نمایندګي مکلف دي د

ذیصلاحیت در چنین بانک غیر مقیم است، یا تفتیش بانک داخلی که چنین بانک غیر مقیم در آن دارای سهم استحقاقی ذیصلاح است، را بعهده گیرد.

(۳) د افغانستان بانک و بررسان آن در جریان تفتیش مطابق فقره (۲) این ماده دارای صلاحیت های آتی می‌باشند:

۱- دخول به دفتر بانک یا شرکت تابع آن و بررسی حسابها، دفاتر، مدارک و سایر سوابق بانک یا شرکت تابع آن.

۲- کسب اطلاع از مدیران، کارمندان و نمایندگان بانک یا شرکت تابع آن در مورد موضوعات مربوط به اداره و فعالیت های بانک یا شرکت تابع.

۳- د افغانستان بانک میتواند غرض دسترسی به دفاتر، حسابها و ثبت های بانک یا شرکت های تابع آن به منظور ارزیابی در صورت لزوم از نیروهای امنیتی تقاضای استعمال زور و قوت را نماید.

۴- فروع و دفتر نمایندگی داخلی بانک غیر مقیم

خپلې اداري او فعاليت په هکله رپوټونه، برابر او د دافغانستان بانک ته يې وړاندې کړي، دغه رپوټونه، د هغه ډول (شکل) او تفصيل مطابق او په هغو زماني واټنونو کې چې د د افغانستان بانك يې د اړوندو مقرراتو مطابق، تجويزوي، برابر او وړاندې کېږي.

د دې مادې په (۲ او ۳) فقره کې د درج شوي مفاد مطابق، فرع او د نمايندګۍ دفتر د د افغانستان بانک د پلټونکو يا د هغه پلټونکي په واسطه چې د د افغانستان بانک لخوا انتصابېږي، په سيمه کې تر پلټنې لاندې نيول کېږي.

۵- داخلي بانک او د هغه له تابع شرکتونو، فروعو يا د نمايندګيو له دفترونو څخه هر يو يې مکلف دی، د دافغانستان بانک پلټونکو او هغو برسانو ته چې د د افغانستان بانک لخوا انتصابېږي د ننوتلو اجازه ورکړي او د دندو په سرته رسولو کې يې په بشپړه توګه همکاري وکړي.

۶- د د افغانستان بانک نشي کولای د اشخاصو يا سازمانونو د غوښتنې پر بنسټ په پلټنې، د مکلف اند راپور های در مورد اداره و فعالیت خود را تهیه و به دافغانستان بانك ارایه کنند، این راپور ها مطابق به شکل و تفصیل و در فواصل ایکه توسط د افغانستان بانك طبق مقررات مربوط تجویز، تهیه و ارایه می‌شود، طبق مفاد مندرج فقرات (۲ و ۳) این ماده فرع و دفتر نمایندگی از طرف مفتشان د افغانستان بانك یا بررسان که توسط د افغانستان بانك انتصاب گردیده در محل تحت تفتیش قرار می‌گیرند.

۵- بانك داخلی و هر یك از شرکت های تابع، فروع یا دفاتر نمایندگی آن مکلف اند، به مفتشان د افغانستان بانك و بررسان که توسط د افغانستان بانك انتصاب می‌گردند، اجازه ورود داده و بطور کامل در انجام وظایف شان همکاری نمایند.

۶- د افغانستان بانك نمی تواند به تفتیش، تهیه گزارش و ارایهٔ اطلاعات براساس درخواست

رپوټ په برابرولو او اطلاعاتو لاس پورې کړي.
د بهرني بانک تنظيموونکي، پدې قانون کې درج شوی حکم یا د واکمنې محکمې حکم لدې امر څخه مستثنی دي.
۷- د د افغانستان بانک کولای شي د خپلې پلټنې رپوټ برابر او یوه نسخه یې د بانک، د هغه تابع شرکت، فرع یا یې د نمایندګۍ د دفتر د پلټنې له پایته رسېدو وروسته په یوه میاشت کې بانک یا نوموړي دفتر ته واستوي.

اشخاص یا سازمان ها اقدام نماید.
تنظیم کنندگان بانك خارجی، حکم مندرج این قانون یا حکم محکمهٔ ذیصلاح ازین امر مستثنی است.
۷- د افغانستان بانك می‌تواند راپور تفتیش خود را تهیه و یك نسخه آن را در خلال یك ماه بعد از اتمام تفتیش بانك، شرکت تابع، فرع یا دفتر نمایندگی آن، به بانك یا دفتر مذکور بفرستند.

شپږم فصل
اجرایي تدبیرونه

فصل ششم
تدابیر اجرائی

مخه نیوونکی اقدام
شپږ څلوېښتمه ماده:
(۱) که چېرې د د افغانستان بانک د مؤجهو او مستندو دلیلونو له مخې باوري شي چې د یوه بانک د لاس رسۍ وړ وجوهو موجودیت او د پورونو ورکړه پدې دلیل چې خپله اداره او فعالیتونه یې په ناسالمه او یا غیر محتاطانه توګه پرمخ بیولي یا دا چې په یو ډول یې

اقدام بازدارنده
مادهٔ چهل و ششم:
(۱) هرگاه د افغانستان بانك بنابر دلایل مؤجه و مستند متیقن شود که موجودیت وجوه قابل دسترس و پرداخت دیون یك بانك به دلیل اینکه اداره و فعالیت های خود را به صورت نا سالم و یا غیر محتاطانه به پیش برده یا اینکه به نحوی از احکام

په اړوندو قوانینو، مقرراتو او د دافغانستان بانک په دساتیرو کې له درج شوو حکمونو، له هغو شرایطو او یا محدودیتونو څخه چې د د افغانستان بانک په جواز، اجازه لیک یا اجازې کې د ضمیمې په ډول بانک ته صادر شوي دي سرغړونه کړې ده یا له خطر سره مخامخ دي، د د افغانستان بانک کولای شي بانک ته لیکلی خبر ورکړي او لیکلی اخطار ورته صادر کړي.

(۲) که چېرې د د افغانستان بانک تشخیص کړي چې بانک د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی کتبي اخطار نه رعایتوي، کولای شي په لیکلې توګه له بانک څخه وغواړي چې د امریې د صادرېدو له نېټې څخه د دوو اوونیو په ترڅ کې، له دغسې سرغړونو څخه د مخنیوي د عمل کړنلاره (برنامه) د دافغانستان بانک ته وړاندې کړي.

(۳) په هغه صورت کې چې بانک د دې مادې په (۲) فقره کې درج د عمل د برنامې په وخت وړاندې کولو کې اهمال وکړي یا د د افغانستان بانک تشخیص کړي چې

مندرج قوانین مربوطه، مقررات و دساتیر د افغانستان بانک، شرایط یا محدودیت های که به جواز، اجازه نامه یا اجازه که توسط د افغانستان بانک به بانک بشکل ضمیمه صادر شده است تخطی کرده یا به خطر مواجه است، د افغانستان بانک میتواند کتباً به بانک اطلاع داده و اخطار کتبی عنوانی آن صادر نماید.

(۲) هر گاه د افغانستان بانک تشخیص نماید که بانک اخطار کتبی مندرج فقره (۱) این ماده را رعایت نمی کند، میتواند بطور کتبی از بانک مطالبه نماید که در خلال دو هفته از تاریخ صدور امریه، برنامه عمل جلوگیری از چنین تخلفات را به د افغانستان بانک ارایه نماید.

(۳) در صورتیکه بانک در ارایۀ به موقع برنامۀ عمل مندرج فقره (۲) این ماده اهمال نماید یا دافغانستان بانک تشخیص نماید که برنامه ارایه

وړاندې شوې برنامه کافي نده او یا وروسته بانک د نوموړې برنامې په اجراء کولو کې لتې (سهل انګاري) وکړي، د د افغانستان بانک کولای شي، بانک د فوري مخه نیوونکو اقداماتو په اجراء کولو باندې مکلف کړي.

شده کافی نمی‌باشد و یا بعداً بانک در اجرای برنامه مذکور سهل انگاری نماید، د افغانستان بانک می‌تواند بانک را مکلف به اجرای اقدامات باز دارنده فوری سازد.

د اصلاحي اقداماتو د سرته رسولو پلان

اووه څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې د د افغانستان بانک تشخیص کړي چې د بانک د لاس رسۍ وړ وجوهو موجودیت یا د پورونو ورکړه، د بانک د ناسالمې او غیر محتاطانه اداري او فعالیتونو له امله یا د د افغانستان بانک د قانون، مقرراتو یا د هغو دساتیرو چې له مخې یې د وضع شوي شرط یا محدودیت په اړه له جواز، اجازه لیک یا اجازې سره ضمیمه شوي دي، د نه رعایتولو په سبب له خطر سره مخامخ وي، پدې صورت کې د د افغانستان بانک مکلف دی، په لیکلې توګه د موضوع د کشف په هکله بانک خبر کړي او دستور ورکړي چې د تاکلې

پلان انجام اقدامات اصلاحی

مادۀ چهل و هفتم:

(۱) هر گاه د افغانستان بانک تشخیص نماید که موجودیت وجوه قابل دسترس یا پرداخت دیون بانك بنابر اداره یا فعالیت های ناسالم و غیر محتاطانۀ بانك یا نسبت عدم رعایت قانون، مقررات یا دساتیر دافغانستان بانك مبنی بر وضع شرط یا محدودیتی که به جواز، اجازه نامه یا اجازه ضمیمه شده است، به خطر مواجه باشد، دراین صورت دافغانستان بانك مکلف است بطور کتبی در مورد کشف موضوع به بانك اطلاع داده و دستور بدهد که در خلال مدت معینه برنامه کتبی مبنی بر

مودې په ترڅ کې د اصلاحي اقداماتو په هکله لیکلې برنامه ترتیب او د نیمګړتیاوو او کمزوریو د لیرې کولو لپاره د واقعبینانه زماني برنامې په ترڅ کې او د برنامې د اجراء په بهیر کې د بانک په اداره، فعالیتونو او مالي شرایطو کې د دغو اقداماتو اغېزې وارزوي او په اړه ئې مشرح وړاندیزونه د د افغانستان بانک ته وړاندې کړي.

(۲) د د افغانستان بانک د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې برنامې د ترلاسه کولو په وخت کې د بانک د عامل هیئت او نظار هیئت غړي، په هغه صورت کې چې قضیه د غیر مېشت بانک په داخلي فرع پورې مربوطه وي، د هغې فرع مدیر د څېړنې غونډې (جلسې) ته رابولي څو د اصلاحي اقداماتو برنامه او د هغې د اجراء کړنلاره تر بحث لاندې ونیول شي، د دافغانستان بانک کولای شي د بانک ځینې یا ټول مالکین د دغې څېړنې غونډې ته را وبولي.

د بررسی غونډه هغه وخت پای ته رسېږي چې د د افغانستان بانک ته اقدامات اصلاحی را ترتیب و پیشنهادات مشرح جهت رفع نواقص و ضعف های اداری بانك را در خلال برنامه زمانی واقع بینانه و اثرات این اقدامات را در اداره، فعالیت ها و شرایط مالی بانك در جریان اجرای برنامه ارزیابی نموده، به د افغانستان بانك تقدیم نماید.

(۲) د افغانستان بانك حین دریافت برنامه مندرج فقره (۱) این ماده اعضای هیئت عامل و هیئت نظار بانك را در صورتی‌که قضیه مربوط به فرع داخلی بانك غیر مقیم باشد، مدیر آن فرع را به جلسه رسیدگی دعوت می نماید تا برنامه اقدامات اصلاحی و طرزالعمل اجرای آن مورد بحث قرار گیرد، د افغانستان بانك می‌تواند برخی یا کلیه مالکین بانك را به شرکت در جلسه رسیدگی دعوت کند.

جلسه رسیدگی هنگامی به پایان می‌رسد که یك برنامهٔ قابل قبول

د منلو وړ یوه برنامه، په هغې کې تصویب شي، وروسته بانک د د افغانستان بانک په نېږدې همکارۍ سره برنامه عملي کوي. د لزوم په صورت کې د د افغانستان بانک په لیکلې اجازې سره په هغې کې بدلونونه او تعدیلونه راتلای شي.

برای د افغانستان بانک در آن تصویب شود، بعداً بانک با همکاری نزدیک د افغانستان بانک برنامه را عملی می نماید، در صورت لزوم با اجازۀ کتبی قبلی د افغانستان بانک در آن تغیرات و تعدیلات وارد آمده می‌تواند.

د بېړنیو اصلاحي اقداماتو د اجراء کولو طرز العمل

اته څلوېښتمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک مکلف دی د لاندې حالاتو په کشفولو سره په لیکلې توګه بانک ته خبر ورکړي او د دې قانون د حکمونو د رعایتولو لپاره د بېړنیو اصلاحي اقداماتو دستور، په ټاکلي وخت (موده) کې چې په دستور کې مشخصېږي، صادر کړي:

۱- په هغه صورت کې چې بانک د دې قانون په اووه څلوېښتمه ماده کې د درج شوو اصلاحي اقداماتو له اجراء کولو څخه سرغړونه کړې وي.

۲- د لاس رسۍ وړ وجوهو د موجودیت او د پورونو ورکړې په

طرزالعمل اجرای اقدامات اصلاحی عاجل

مادۀ چهل و هشتم:

(۱) د افغانستان بانک مکلف است در صورت کشف حالات آتی، بطور کتبی به بانک اطلاع داده و دستور اقدامات اصلاحی عاجل را جهت رعایت احکام این قانون، در مدت زمان معین که در دستور مشخص می‌شود صادر نماید:

۱- در صورتیکه بانک از اجرای اقدامات اصلاحی مندرج مادۀ چهل و هفتم این قانون تخطی نموده باشد.

۲- در صورت موجودیت وجوه قابل دسترس و پرداخت دیون،

صورت کې، بانک د ناسالمې او غیر محتاطانه اداري یا فعالیت له امله له خطر سره مخامخ شوی وي.

۳- د د افغانستان بانک قانون، مقررات یا هر هغه شرط او محدودیت چې د دافغانستان بانک له جواز، اجازه لیک یا اجازې سره ضمیمه شوي دي، بانک هغه نقض کړي وي او د هغو د مخنیوی لپاره ببړنې اصلاحي اقدامات لازم وي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي حکم برسېره، د د افغانستان بانک د لاندې واکونو لرونکی دی:

۱- بانک ته د ورکړل شوې پانګې د رسمي مبلغ اکثر حد په سلو کې د یوې معادل جریمې اعمالول.

۲- د یوه بهرني بررس د استخدام په اړه د هغه په خپل لګښت، بانک ته د دستور صادرول چې د د افغانستان بانک ته د منلو وړ وي.

۳- بانک ته د لاندې چارو د یوې برخې یا ټولو د سرته رسولو په اړه د دستور صادرول:

- له دندې څخه د بانک د مدیر،

بانک بنابر اداره یا فعالیت ناسالم و غیر محتاطانه به خطر مواجه شده باشد.

۳- قانون، مقررات و یا دساتیر دافغانستان بانک یا هر شرط و محدودیتی که به جواز، اجازه نامه یا اجازۀ د افغانستان بانک ضمیمه گردیده است، بانک آنرا نقض نموده و برای جلوگیری آن اقدامات اصلاحی عاجل لازم باشد.

(۲) برعلاوه حکم مندرج فقره (۱) این ماده د افغانستان بانک دارای صلاحیت های ذیل می‌باشد:

۱- اعمال جریمه معادل حد اکثر یک فیصد مبلغ رسمی سرمایه پرداخت شدۀ بانک.

۲- اصدار دستور به بانک غرض استخدام یک بررس بیرونی به مصرف خودش برای انجام بررسی امور بانک که به د افغانستان بانک قابل قبول باشد.

۳- اصدار دستور به بانک مبنی بر انجام کلیه یا برخی از امور آتی:

- سبکدوشی مدیر، مامور یا

مامور یا کارمند لیږي کول.
- لدې څخه ډاډ ترلاسه کول چې د دافغانستان بانک له اجازې پرته مدیر، مامور یا کارمند د بانک په مدیریت یا د راکړې ورکړې په اجراء کې ګډون ندی کړی.
- په دستور کې د ټاکل شوې مودې لپاره د بانک د اداره کوونکي په توګه، د د افغانستان بانک د اعتماد وړ شخص یا اشخاصو انتصابول.
۴- هېڅ شخص ته د مالي امتیازونو د نه ورکولو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.
۵- د سپارنې د هېڅ مبلغ د نه منلو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.
۶- د پور د نه ورکولو په اړه بانک ته د دستور صادرول.
۷- د پانګې او ونډې په حساب د هېڅ ورکړې د نه منلو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.
۸- د ونډې له بابته د ښېرته ورکړې د هېڅ مبلغ د نه ورکولو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.
۹- د ونډې د ګټې د هېڅ مبلغ د نه ورکولو په اړه، بانک ته د دستور

کارمند بانك از وظیفه.
- حصول اطمینان مبنی بر اینکه بدون اجازۀ د افغانستان بانك مدیر، مامور یا کارمند در مدیریت یا اجرای داد وستد بانك شرکت نه نموده است.
- انتصاب شخص یا اشخاص مورد اعتماد د افغانستان بانك منحیث اداره کنندۀ بانك برای مدت تعیین شده در دستور.
۴- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم اعطای امتیازات مالی به هیچ شخص.
۵- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم قبول سپرده هیچ مبلغ.
۶- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم اعطای قرضه.
۷- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم قبول هیچ پرداختی به حساب سرمایه و سهم.
۸- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم باز پرداخت هیچ مبلغ از بابت سهم.
۹- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم پرداخت هیچ

صادرول.

۱۰- د اعتبار او بېرته ورکړې د هېڅ مبلغ د نه ورکولو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.

۱۱- هېڅ شخص ته د نه ورکړې یا انتقال په اړه، بانک ته دستور صادرول.

۱۲- د دې مادې د (۲) فقرې په (۱۱) جزء کې د درج شوو مبالغو د ورکړې او انتقال په منظور د مشروطو یا غیر مشروطو موافقه لیکونو د نه منلو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.

۱۳- د هېڅ شخص له خوا د مشروط او یا غیر مشروط مسئولیت د نه منلو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.

۱۴- د بانک د ونډې والو د تر تأمین لاندې آزادې پانګې د نه زیاتېدو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.

۱۵- د بانک د اداري په کړنلاره کې د بدلونونو د نه راوستلو په اړه، بانک ته د دستور صادرول.

(۳) د دې مادې په (۲) فقره کې درج شوي دستورونه له محدودیت پرته، په لاندې مواردو کې د تطبیق مفاد سهم.

۱۰- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم اعطای اعتبار و باز پرداخت.

۱۱- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم پرداخت یا انتقال به هیچ شخص.

۱۲- اصدار دستور به بانك مبنی برعدم پذیرش موافقتنامۀ مشروط و یا غیر مشروط به منظور پرداخت و انتقال مبالغ مندرج جزء (۱۱) فقرۀ (۲) این ماده.

۱۳- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم پذیرش مسئولیت مالی مشروط و یا غیر مشروط از طرف هیچ شخص.

۱۴- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم افزایش سرمایۀ آزاد تحت تأمین سهامداران بانك.

۱۵- اصدار دستور به بانك مبنی بر عدم وارد آوردن تغییرات در طرزالعمل ادارۀ بانك.

(۳) دساتیر مندرج فقره (۲) این ماده بدون محدودیت در موارد ذیل قابل تطبیق

وړ دي:
۱- د دې مادې د (۲) فقرې په اجزاوو کې د درج شوو یوې برخې یا ټولو موضوعګانو په هکله.
۲- د دې مادې د (۲) فقرې په اجزاوو کې د درج شوو موضوعګانو د ځانګړې طبقې یا طبقو په هکله.
(۴) د د افغانستان بانک مکلف دی، د دې مادې د (۲) فقرې په (۱۰ او ۱۱) جزء کې له درج شوو دستورونو څخه د ګټې اخیستنې د کړنلارې په اړه، مشخص لارښودونه تنظیم او خپاره کړي.

اوړېدل او څېړنه

نهه څلوېښتمه ماده:

(۱) کله چې د د افغانستان بانک تصمیم ونیسي څو د دې قانون د شپږ څلوېښتمې، اووه څلوېښتمې او اته څلوېښتمې مادې د حکمونو مطابق، یوه بانک ته دستور صادر کړي، هغه یاددښت چې د دې قانون، د دافغانستان بانک د مقرراتو او نور دستورونو د نقض یا د نقض د احتمال په اړه د تورونو لرونکی وي، د نظر وړ حکم یا دستور په ضمیمه او د دستورونو د

می‌باشد:
۱- در مورد برخی یا کلیه موضوعات مندرج اجزای فقره (۲) این ماده.
۲- در مورد طبقه یا طبقات به خصوص موارد مندرج اجزای فقره (۲) این ماده.
(۴) د افغانستان بانك مکلف است رهنمود های مشخص در رابطه به طرزالعمل استفاده از دساتیر مندرج اجزای (۱۰ و ۱۱) فقره (۲) این ماده تنظیم نموده و نشر کند.

استماع رسیدگی

مادۀ چهل و نهم:

(۱) حینیکه د افغانستان بانك تصمیم بګیرد تا مطابق احکام مواد چهل و ششم، چهل و هفتم و چهل هشتم این قانون به یك بانك دستور صادر نماید، یادداشت ایکه حاوی اتهامات مبنی بر نقض یا احتمال نقض این قانون، مقررات وسایر دساتیر د افغانستان بانك بوده، ضم حکم یا دستور مورد نظر و برنامه

اجراء زماني برنامه چې د دستور د استولو يا نه استولو په هکله د تصميم د نيولو لپاره وړاندیز شوېده، بانک ته ابلاغېږي.

د څېړنې لومړنۍ غونډه (جلسه) د خبرتيا له ابلاغ څخه وروسته چې لږترلږه دوه اوونۍ د وخته نه وي، يا خبرتيا له نېټې څخه وروسته څلور اوونۍ ناوخته نه وي، ټاکل کېږي.

د د افغانستان بانک کولامی شي وروستنۍ غونډې د هغې خبرتيا په واسطه چې د غونډې د نېټې او ځای لرونکی وي، په ليکلې توګه، د هغو له جوړېدو لږترلږه دوه اوونۍ د مخه، بانک ته خبر ورکړي، خو دا چې بانک په نورو ترتيباتو يې موافقه کړې وي.

څېړنه هغه وخت پای ته رسېږي چې د دافغانستان بانک، له يوې غونډې وروسته بانک ته خبر ورکړي چې وروستنيو غونډو ته ارټيا نشته.

(۲) که چېرې د بانک واکمن استازی د څېړنې غونډې ته حاضر نشي، داسې ګڼل کېږي چې د د افغانستان بانک له وړاندیز شوي

زمانی اجرای دستورات جهت اتخاذ تصمیم در مورد ارسال یا عدم ارسال دستور پیشنهاد شده، به بانك ابلاغ می‌شود.

اولین جلسه رسیدگی که حد اقل دو هفته بعد از ابلاغ آگاهی، وقت تر، یا چهار هفته بعد از تاریخ ابلاغ آگاهی، ناوقت تر نباشد، تعیین می‌گردد.

د افغانستان بانك میتواند جلسات بعدی را توسط آگاهی، که حاوی تاریخ و محل اجلاس باشد، بطور کتبی، حد اقل دو هفته قبل از تاریخ انعقاد آن، به بانك اطلاع دهد، مگر اینکه بانك به ترتیبات دیگری موافقه کرده باشد.

رسیدگی هنگامی به پایان می رسد که د افغانستان بانك، بعد از یك جلسه به بانك اطلاع دهد که به جلسات بعدی نیاز نیست.

(۲) هر گاه نمایندۀ با صلاحیت بانك در جلسۀ رسیدگی حاضر نشود، چنین پنداشته می‌شود که به دستور پیشنهادی د افغانستان

دستور څخه رضائیت لري، پدې صورت کې وړاندیز شوی دستور صادر او بانک ته ابلاغېږي.

(۳) د څېړنې له پای ته رسېدو وروسته، په یوه اوونۍ کې، د افغانستان بانک د دستور صادرولو یا نه صادرولو په هکله تصمیم نیسي او بانک ته لیکلي خبر ورکوي، په هغه صورت کې چې تصمیم د دستور په صادرولو باندې ونیول شي، دستور سمدستي صادرېږي او د تصمیم له متن سره بانک ته ابلاغېږي.

بانك رضایت دارد، درین صورت دستور پیشنهادی صادر و به بانك ابلاغ می‌گردد.

(۳) در خلال یك هفته بعد از پایان رسیدگی، د افغانستان بانك در مورد صدور و یا عدم صدور دستور تصمیم اتخاذ نموده و بطور کتبی به بانك اطلاع می‌دهد. در صورتیکه تصمیم به صدور دستور اتخاذ شود، دستور فوراً صادر شده و همراه با متن تصمیم به بانك ابلاغ می‌گردد.

مؤقت دستور

پنځوسمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک د دې قانون د نهه څلوېښتمې مادې د حکمونو مطابق، مؤقت دستور له څېړنې د مخه یایې په بهیر کې، په لاندې دلیلونو باندې په تکیې سره صادروي:

۱- د بانک اړونده پانګه له هغې پانګې څخه چې د د افغانستان بانک د قانون یا مقرراتو مطابق، اجباري اعلان شوې ده. په سلو کې له (۷۵) څخه لږې ته راټیټه شوی

دستور مؤقت

مادۀ پنجاهم:

(۱) د افغانستان بانك طبق احکام مندرج مادۀ چهل و نهم این قانون دستور مؤقت را قبل یا در جریان رسیدگی به اتکاء دلایل ذیل صادر می نماید:

۱- سرمایۀ مربوط بانك به کمتر از (۷۵) فیصد سرمایه‌ای که طبق قانون یا مقررات د افغانستان بانك الزامی اعلان شده است، کاهش یافته یا

وي يـا د راټيټېـدو لـه خطـر سـره مخامخ وي.

۲- د بانک دفترونـه يـا سندونه په داسې توګه نابشپړ يـا غيـر دقيـق وي چې د دافغانـستان بانـک و نـه تـوانېږي، د نـور مـالو څـارنيزو (نظارتي) روشونو لـه لارې، د بانک مـالي شـرايط يـا د هغـو معـاملو جزئيـات چـې د بانـک پـر مـالي شـرايطو بانـدې د پـام وړ اغېـزې ولري، وارزوي.

(۲) مؤقـت دسـتور د هغـه پـه صادرېدو سره نافذ او د څېړنې په بهېر کې کلاً په پام کې نيول کېږي.

مؤقـت دسـتور هغـه وخـت پـای تـه رسـېږي چـې د د افغانـستان بانـک يې رسماً بې اعتباره اعلان کړي او يا د دې قانون په شپږ څلوېښتمه، اووه څلوېـښتمه او اتـه څلوېـښتمه مـاده کـې د درج شـوو حکمونـو مطابق، بل دستور صادر کړي.

(۳) مؤقـت دسـتور د هغـه يادداښت پـه ضـميمه چـې د بانـک لخـوا د سـرغړونو يـا د سـرغړونو د خطـر د پېـښېدو پـه اړه د ټولـو تورونـو لرونکـي وي، صـادرېږي او د دې قانون په نهه څلوېښتمه ماده کې د مواجـه بـه خطـر کـاهش باشد.

۲- دفـاتر يـا اسـناد بانـک طوری نا تکمیل یا غیر دقیق باشد که دافغانستان بانک قادر نگردد، از طريـق روش هـای نورمـال نظـارتی، شـرايط مـالی بانـک يـا جزئيات معاملاتی را که تأثير قابل توجهی بالای شرايط مـالی بانـک داشـته باشـد، ارزيـابی نمايد.

(۲) دستـور مـؤقـت بـا صـدور آن نـافـذ و در جـريان رسيدگی کـلاً رعـايت مـی‌گـردد، دستور مؤقت وقتی خاتـمه می يابد کـه د افغانستان بانک آن را رسـماً بـی اعتبـار اعـلان نمـوده يـا طبـق احـکام منـدرج مـواد چهـل و شـشم، چهـل و هفتـم و چـهل و هشتم اين قانون، دسـتـور ديگری صادر نمايد.

(۳) دستور مؤقت ضم يادداشت کـه دربـر گيرنـده تمـام اتهـامات مبنـی بـر تخـلفات يـا خطر وقـوع تخلفات از طرف بانک مـی‌باشـد، صـادر گرديـده و مـطابق حکـم منـدرج مـادۀ چهـل و نهـم ايـن

درج شوي حکم مطابق، د څېړنې نېټه ټاکل کېږي او د مؤقت دستور د لغوې یا بدلولو په هکله تصمیم نیول کېږي.

قانون تاریخ رسیدگی تعیین و در مورد الغا یا تعویض دستور مؤقت تصمیم اتخاذ می شود.

د دستورونو صادرېدل، انفاذ او پاي ته رسېدل

یو پنځوسمه ماده:

(۱) هغه دایمي یا مؤقت دستور چې د دې قانون مطابق بانک ته صادرېږي لیکلی دي او د ټولو هغو اقداماتو لرونکی وي چې بانک د هغو په سرته رسولو مکلف دی.

دایمي یا مؤقت دستور کولای شي، هغه وخت یا موده زمان چې په اوږدو کې یې بانک د هغه په رعایتولو مکلف دی، وټاکی.

(۲) دایمي یا مؤقت دستور د بانک مرکزي دفتر ته صادرېږي، که چېرې دایمي یا مؤقت دستور د یوه غیر مېشت بانک په یوه داخلي فرع یا د داخلي نمایندګۍ په دفتر پورې مربوط وي، کېدی شي هغه دفتر ته ابلاغ شي. دایمي یا مؤقت دستور د دایمي یا مؤقت دستور د صادرېدو، د هغه د صادرېدو د مدرکونو او دلیلونو او د هغه د

صدور، انفاذ و اختتام دساتیر

مادۀ پنجاه و یکم:

(۱) دستور دایمی یا مؤقت که مطابق این قانون به بانك صادر می‌شود، کتبی بوده و در برگیرنده تمام اقداماتی میباشد که بانك مکلف به انجام آن است.

دستور دایمی یا مؤقت می‌تواند وقت و یا مدت زمانی را که در طول آن بانك مکلف به رعایت آن می‌باشد تعیین نماید.

(۲) دستور دایمی یا مؤقت به دفتر مرکزی بانك صادر میشود. هر گاه دستور دایمی یا مؤقت مربوط به یك فرع داخلی یا دفتر نمایندگی داخلی یك بانك غیر مقیم باشد، می‌تواند به آن دفتر ابلاغ گردد. دستور دایمی یا مؤقت ضم یك نقل از متن تصمیم دافغانستان بانك در مورد صدور دستور دایمی یا

مفاد په هکله چې د د افغانستان بانک د دایمي یا مؤقت دستور په صادرولو مجاز ګرځوي د د افغانستان بانک د تصمیم د متن د یوه نقل په ضمیمه استول کېږي.

(۳) هغه دستور چې د د افغانستان بانک یې نورو بانکونو ته استوي او د هغه بانک د منلو وړ نه ګرځي، د ابلاغ له نېټې څخه د دېرشو ورځو په موده کې، د نوې کتنې لپاره کمېسیون ته وړاندې کېدی شي.

(۴) دایمي یا مؤقت دستور بانک ته د هغه د ابلاغ له نېټې څخه نافذ دی، خو دا چې د انفاذ لپاره یې بله نېټه ټاکل شوې وي. دایمي یا مؤقت دستور تر هغه وخته پورې چې د خپلو درج شوو شرایطو پر بنسټ پای ونه مومي یا دا چې د د افغانستان بانک بل دایمي یا مؤقت دستور د هغه ځای نیوونکی نشي یا دا چې د نوې کتنې په ترڅ کې د کمېسیون د تصمیم پر بنست فسخ نشي یا دا چې د د افغانستان بانک د هغه لغو کول کتباً بانک، ته ابلاغ نکړي، په خپل قوت پاتې کېږي او کلاً د په پام کې نیولو وړ دی.

مؤقت مدارك و دلایل صدور آن و مفاد قانونی که دافغانستان بانك را مجاز به صدور دستور دایمی یا مؤقت می نماید ارسال می گردد.

(۳) دستوری را که د افغانستان بانك به سایر بانك ها صادر می نماید و مورد قبول آن بانك قرار نمی گیرد، در خلال سی روز از تاریخ ابلاغ، جهت تجدید نظر به کمیسیون محول شده می تواند.

(۴) دستور دایمی یا مؤقت از زمان ابلاغ آن به بانك نافذ می باشد، مگر اینکه تاریخ دیگری برای انفاذ آن تعیین گردیده باشد. دستور دایمی یا مؤقت تا زمانیکه براساس شرایط مندرج خود خاتمه نیابد یا اینکه دستور دایمی یا مؤقت دیگر د افغانستان بانك جایگزین آن نشود، یا اینکه در خلال تجدید نظر بر اساس تصمیم کمیسیون فسخ نگردد، یا اینکه د افغانستان بانك لغو آنرا کتباً به بانك ابلاغ نه نماید، به قوت خود باقی بوده و کلاً قابل رعایت می باشد.

که چېرې د دایمي یا مؤقت دستور د انفاذ دوام ته اړتیا نه وي، د د افغانستان بانک هغه لغوه کوي.

(۵) دایمي یا مؤقت دستور د دافغانستان بانک، د بانک په اساسنامه کې درج شوي حکمونه، د بانکداری هغه جواز، اجازه لیک یا اجازه چې د دافغانستان بانک لخوا بانک ته صادر شوي، هغه قرارداد یا ترتیبات چې بانک یې یو اړخ دی او د دایمي او مؤقت دستور په اجراء کې خنډ رامنځته کوی، لغوه کوي. که څه هم دغه قرارداد یا ترتیبات له دایمي مؤقت دستور څخه د مخه یا وروسته عقد شوي وي. د دې قانون د اته څلوېښتمې مادې په (۲) فقره کې درج شوو اشخاصو ته د مبلغ د نه ورکړې یا نه انتقال په هکله حکم یا د پیسو ورکړې یا انتقال په اړه د اړوندې محکمې حکم یا د املاکو په هکله په مصادرې باندې هغه حکم، چې له قضائي لارې څخه بهر صورت موندلی وی، لدې امر څخه مستثنی دی.

هر گاه نیازی به ادامه انفاذ دستور دایمی یا مؤقت نباشد، د افغانستان بانك آنرا لغو می‌نماید.

(۵) دستور دایمی یا مؤقت دافغانستان بانك، احكام مندرج اساسنامه بانك، جواز بانكداری، اجازه نامه یا اجازه را كه توسط دافغانستان بانك به بانك صادر شده است، قرارداد یا ترتیبات كه بانك طرف آن است و موانعی در جهت اجرای دستور دایمی یا مؤقت ایجاد می كند را، ملغی می نماید، چه این قرارداد یا ترتیبات قبل و چه بعد از دستور دایمی یا مؤقت عقد شده باشد. حكم در مورد عدم پرداخت یا عدم انتقال مبلغ به اشخاص مندرج فقره (۲) مادۀ چهل و هشتم این قانون، یا حكم محكمۀ مربوط مبنی به پرداخت یا انتقال پول یا حكمی كه به مصادرۀ املاك خارج از مجرای قضائی صورت گرفته باشد، ازین امر مستثنی است.

د دايمي يا مؤقتو دستورونو په اړه د دافغانستان بانک واکونه

دوه پنځوسمه ماده:

دايمي يا مؤقت دستورونه يا مخکني مخه نيوونکي يا اصلاحي اقدامات، پدې قانون کې د د افغانستان بانک درج شوي واکونه نه اخلالوي، د دايمي يا مؤقت دستورونو يا مخه نيوونکي اقداماتو، د تناقض په صورت کې، وروستني ذکر شوي واکونه مرجح ګڼل کېږي.

صلاحیت های د افغانستان بانک در رابطه به دساتیر دایمی یا مؤقت

مادۀ پنجاه و دوم:

دساتیر دایمی یا مؤقت یا اقدامات باز دارنده یا اصلاحی قبلی دافغانستان بانک، صلاحیت های مندرج این قانون را اخلال نمی نماید. در صورت تناقض دستورات دایمی یا مؤقت یا اقدامات باز دارنده، صلاحیت های بعدی متذکره مرجح دانسته می‌شود.

اووم فصل
متولیت

فصل هفتم
متولیت

د متولي د انتصاب دليلونه

دري پنځوسمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک په لاندې حالاتو کې، د بانک لپاره متولي انتصابوي:

۱- په هغه صورت کې چې بانک خپل پورونه د سر رسېد په وخت کې ورنکړي.

۲- په هغه صورت کې چې د بانک الزامي پانګه د هغې پانګې چې د

دلایل انتصاب متولی

مادۀ پنجاه و سوم:

(۱) در حالات آتی د افغانستان بانک برای بانک متولی انتصاب می نماید:

۱- در صورتی‌که بانک دیون خود را در هنگام سررسید، پرداخت نه نماید.

۲- در صورتی‌که سرمایه الزامی بانک کمتر از (۷۵) فیصد سرمایه

بانک د مقرراتو مطابق اټکل شوې ده، په سلو کې له (۷۵) څخه لږ شي.

۳- په هغه صورت کې چې د بانک د شتمنیو ارزښت د بانک د بدیهیو له ارزښت څخه لږ شي.

۴- په هغه صورت کې چې د بانک د ماتې (ورشکستگۍ) د اقداماتو د پیل لپاره غوښتنلیک ورسپارل شوی وي.

۵- په هغه صورت کې چې د بانک داوطلبانه انحلال، د دې قانون د دوه شپېتمې مادې د (۳) فقرې مطابق، د یوه متولي په واسطه بشپړ شوی وي.

۶- په هغه صورت کې چې د بانک د جنایي فعالیتونو د ترسره کېدو په اړه مدرکونه لاسته راغلي وي یا د جنایي فعالیتونو د تثبیت په اړه دلیلونه وجود ولري.

۷- په هغه صورت کې چې د بانکداری د جواز د لغوه کېدو احتمال موجود وي.

۸- په هغه صورت کې چې د افغانستان بانک تشخیص کړي چې بانک د صادر شوي دستور له اجراء کولو څخه سرغړونه کوي.

ای گردد که طبق مقررات د افغانستان بانک پیشبینی شده است.

۳- در صورتی‌که ارزش دارایی های بانک کمتر از ارزش بدهی های بانک باشد.

۴- در صورتی‌که درخواست جهت آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک تسلیم شده باشد.

۵- در صورتی‌که انحلال داوطلبانهٔ بانک مطابق فقرهٔ (۳) مادهٔ شصت و دوم این قانون توسط یک متولی تکمیل گردیده باشد.

۶- در صورتی‌که مدارکی مبنی بر انجام فعالیت های جنائی بانک بدست آمده باشد، یا دلایل مبنی بر تثبیت فعالیت های جنائی وجود داشته باشد.

۷- در صورتی‌که احتمال لغو جواز بانکداری بانک موجود باشد.

۸- در صورتیکه د افغانستان بانک تشخیص دهد که بانک از اجرای دستور صادره تخلف می ورزد.

(۲) د بانک پانګه او د شتمنیو او بدیهیو ارزښت، د د افغانستان بانک په مقرراتو کې د درج شوو معیارونو او اصولو مطابق او یا پداسې توګه چې د دافغانستان بانک ته د منلو وړ وي، ټاکل کېږي.
(۳) په دې فصل کې درج شوی حکمونه، د غیر مېشتو بانکونو پر ټولو فرعو او د داخلي نمایندګیو پر دفترونو د تطبیق وړ دي. د دې فصل د حکمونو د تطبیق لپاره د غیر مېشت بانک ټولې شتمنۍ، بدهي، اقدامات چې د هغه د هرې یوې فرعې یا د هغې د دفترونو د معلوماتو په پایله یا رابطه کې راپیدا کېږي، د داخلي واحد په هم هغه بانک پورې اړه لري.

(۲) سرمایه و ارزش دارایی ها و بدهی های بانك مطابق معیار ها و اصول مندرج مقررات د افغانستان بانك و یا به نحوی که برای دافغانستان بانك قابل قبول باشد، تعیین می گردد.
(۳) احکام مندرج این فصل بالای تمام فروع و دفاتر نمایندگی داخلی بانك های غیر مقیم قابل تطبیق می باشد. جهت تطبیق احکام این فصل تمامی دارایی ها، بدهی ها، اقدامات و عدم اقدامات بانك غیر مقیم که در نتیجه و یا در رابطه به معلومات هر یك از فروع یا دفاتر آن ناشی میشود، متعلق به همان بانك واحد داخلی است.

د متولي انتصاب

څلور پنځوسمه ماده:

(۱) د بانک متولیان د د افغانستان بانک لخوا مقررېږي.
(۲) هغه شخص چې د دې قانون په اووه ویشتمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق، د بانک د مدیر په توګه د دندې د اجراء د شرایطو لرونکی نه وي، د بانک د متولي په

انتصاب متولی

مادۀ پنجاه و چهارم:

(۱) متولیان بانکها از طرف دافغانستان بانك مقرر می‌شوند.
(۲) شخص که طبق حکم مندرج مادۀ بیست و هفتم این قانون واجد شرایط و انجام وظیفه بحیث مدیر بانك نباشد، بحیث متولی بانك نیز واجد

توګه هم د شرایطو لرونکی نه ګڼل کېږي. په هغه صورت کې چې متولي د دندې د سرته رسولو لپاره لازم شرایط له لاسه وکړي، د دافغانستان بانک کولای شي هغه بدل کړي.

(۳) متولي د هغومره مودې لپاره چې له (۱۸) میاشتو څخه زیاته نه وي، د دافغانستان بانک لخوا انتصابېږي د دافغانستان بانک کولای شي د انتصاب موده د بلې دورې لپاره تمدید کړي. متولي د د افغانستان بانک لخوا انتصاب او خپل حقوق له د دافغانستان بانک څخه ترلاسه کوي. هغه لګښتونه چې د د افغانستان بانک یې د متولیت له امله زغمي، د هغه بانک په غاړه دي چې ورته متولي انتصاب شوی دی.

(۴) د متولي انتصابول او یا د هغه د خدمت د مودې تمدیدول په لیکلي توګه وي چې، د انتصاب دلیلونه او اصلي دندې په هغه کې مشخصېږي. دغه تصمیم اړوند بانک ته ابلاغ او د ثبت په دفتر کې یې درجېږي.

شرایط پنداشته نمی شود. در صورتی‌که متولی شرایط لازم برای انجام وظیفه را از دست بدهد، دافغانستان بانک می‌تواند وی را تعویض نماید.

(۳) متولی برای مدتیکه از (۱۸) ماه بیشتر نباشد از طرف د افغانستان بانك انتصاب می‌گردد. د افغانستان بانك می‌تواند مدت انتصاب را برای یك دورهٔ دیگر تمدید نماید. متولی از طرف د افغانستان بانك انتصاب و حقوق خود را از د افغانستان بانك دریافت می نماید. مصارفی که دافغانستان بانك از ناحیه متولیت متحمل میشود به عهدهٔ بانکی است که برای آن متولی منصوب شده است.

(۴) انتصاب متولی یا تمدید مدت خدمت آن کتبی بوده که دلایل انتصاب و وظایف اصلی در آن مشخص می‌گردد. این تصمیم به بانك مربوط ابلاغ و در دفتر ثبت آن درج می‌گردد.

د متولي د انتصاب اغېزې

پنځه پنځوسمه ماده:

(۱) د متولي د انتصاب په اړه د دافغانستان بانک تصمیم د هغه د نیولو له نېټې څخه نافذ ېږي، خو دا چې په تصمیم کې بل ډول اټکل شوي وي.

(۲) د دې قانون د درویشتمې مادې د (۱) فقرې په (۶ او ۱۴) جزء کې د درج شوو واکونو په استثنی چې په خاصو موقعیتونو او تر خاصو شرایطو او ضوابطو لاندې چې د کمېسیون په واسطه د د افغانستان بانک د غوښتنلیک له املې تصویبېږي، د دافغانستان بانک د ونډې والو د مجمع د ټولو واکونو لرونکی دی.

(۳) د متولي په انتصاب سره د بانک د مدیرانو واکونه تعلیق کېږي. متولي کولای شي د خپلو واکونو یوه برخه (د بانک د مدیرانو او کارمندانو) په شمول نورو اشخاصو ته وسپاري، خو دا چې د د افغانستان بانک بل ډول تصمیم ونیسي.

د د افغانستان بانک کولای شي د متولي په غیاب یا د دندې په سرته

اثرات انتصاب متولی

مادۀ پنجاه و پنجم:

(۱) تصمیم د افغانستان بانک مبنی بر انتصاب متولی از تاریخ اتخاذ آن نافذ می‌گردد، مگر اینکه در تصمیم طور دیگری پیش بینی گردیده باشد.

(۲) به استثنای صلاحیت های مندرج اجزاء (۶ و ۱۴) فقره (۱) مادۀ بیست و سوم این قانون که در موقعیت ها و تحت شرایط و ضوابط خاص که توسط کمیسیون به اثر درخواست د افغانستان بانک به تصویب می رسد، د افغانستان بانک دارای کلیه صلاحیت های مجمع سهامداران می‌باشد.

(۳) صلاحیت های مدیران بانک با انتصاب متولی، تعلیق می‌گردد. متولی می تواند قسمتی از صلاحیت های خود را به سایر اشخاص (بشمول مدیران و کارمندان بانک) محول کند، مگر اینکه د افغانستان بانک طور دیگری تصمیم اتخاذ نماید.

د افغانستان بانک می‌تواند در غیاب یا در صورت ناتوانی متولی

رسولو کې د هغه د ناتوانۍ په صورت کې، د هغه واکونه اعمال کړي.

(۴) د متولي له رسمي انتصاب وروسته، د بانک اجراآت قانوني صبغه نه لري. هغه اقدامات چې د دافغانستان بانک یا متولي په اجازه یې صورت موندلي او یا د دې قانون د اووه اویایمې مادې د حکم مطابق د پیسو یا بهالرونکو سندونو د انتقال په دستورونو کې شامل وي، لدې امر څخه مستثنی دي.

(۵) متولي د دندو په اجراء او د اړوندو واکونو په اعمالولو کې یوازې د دافغانستان بانک په وړاندې مسئول دی او د د افغانستان بانک او کمپسیون د دندو، قواعدو او دستورونو تابع وي.

به انجام وظایف اش، صلاحیت های وی را اعمال کند.

(۴) بعد از انتصاب رسمی متولی اجراآت بانك صبغه قانونی ندارد. اقداماتیکه به اساس اجازۀ دافغانستان بانك یا متولی صورت گرفته و یا مطابق حکم مادۀ هفتاد و هفتم این قانون شامل دستورات انتقال پول یا اسناد بهادار باشند، ازین امر مستثنی است.

(۵) متولی در اجرای وظایف و اعمال صلاحیت های مربوط صرف نزد دافغانستان بانك مسئول بوده و تابع وظایف، قواعد و دستورات دافغانستان بانك و کمیسیون می‌باشد.

د بانک د چارو مشري (زمامداري)

شپږم پنځوسمه ماده:

(۱) متولي مکلف دی له انتصاب وروسته د بانک د چارو مشري په غاړه واخلي او د بانک له شتمنیو، دفترونو او سندونو څخه ساتنه

زمامداری امور بانك

مادۀ پنجاه و ششم:

(۱) متولی مکلف است بعد از انتصاب، زمام امور بانك را در دست گرفته و از دارایی ها، دفاتر و اسناد بانك مواظبت

وکړي.
(۲) متولي واک لري شتمنۍ او د بانکي سندونو د حساب دفترونه او نور دفترونه کنترول کړي.امنیتي مراجع مکلف دي د بانک د ودانۍ تر کنترول لاندې د راوستلو او د شتمنیو، دفترونو او سندونو په لاس کې د نیولو په اړه د متولي د غوښتنې له امله او د لزوم په صورت کې زور ته د لاس اچولو له لارې له هغه سره همکاری وکړي.

نماید.
(۲) متولی صلاحیت دارد، دارایی ها، دفاتر حساب اسناد بانکی و سایر دفاتر را کنترول نماید. مراجع امنیتی مکلف اند در صورت تقاضای متولی مبنی برتحت کنترول در آوردن عمارت بانک و در دست گرفتن دارایی ها، دفاتر وسایر اسناد بانك، در صورت لزوم از طریق توسل به زور با وی همکاری نمایند.

د نوې کتنې خبرتیا
اووه پنځوسمه ماده:
(۱) د بانک د نظار هیئت رئیس کولای شي د متولي د انتصاب په هکله د تصمیم د ابلاغ له نېټې څخه په لسو ورځو کې، خپلې لیکلې نظریې د دافغانستان بانک ته وړاندې کړي. د نه وړاندې کولو په صورت کې داسې انګېرل کېږي چې بانک د متولي له انتصاب څخه رضایت لري.
(۲) په هغه صورت کې چې د نظار هیئت رئیس په ټاکلې موده کې خپل اظهارات وړاندې کړي، د د افغانستان بانک د لیکلي

آگاهی تجدید نظر
مادۀ پنجاه و هفتم:
(۱) رئیس هیئت نظار بانك می‌تواند در خلال ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم در مورد انتصاب متولی نظریات کتبی خود را به دافغانستان بانك ارایه کند، در صورت عدم ارایه چنین پنداشته میشود که بانك به انتصاب متولی رضایت دارد.
(۲) در صورتی‌که رئیس هیئت نظار اظهارات خویش را در مدت معینه ارایه کند، د افغانستان بانك با در نظر داشت مندرجات

اظهارلیک د مندرجاتو په پام کې لرلو سره، د متولي د تائید یا رد په هکله نوې کتنه کوي او د خپل تصمیم دلیلونه د بانک د نظار هیئت رئیس ته ابلاغوي.

(۳) که چېرې د متولي انتصاب فسخ شي، متولي د بانک د چارو مشري، شتمنۍ، دفترونه او د هغو سوابق د بانک د عامل هیئت رئیس ته سپاري.

(۴) ارخونه (د د افغانستان بانک او د بانکونو عامل هیئت) کولای شي د تصمیم د ابلاغ له نېټې څخه په دېرشو ورځو کې د یو بل د تصمیمونو پرخلاف خپل اعتراض د نوې کتنې لپاره کمېسیون ته وړاندې کړي.

د متولي د انتصاب په اړه د دافغانستان بانک تصمیم، د کمېسیون د تصمیم تر نیولو پورې نافذ وي.

اظهار نامهٔ کتبی در مورد تائید یا رد انتصاب متولی، تجدید نظر نموده و دلایل تصمیم خود را به رئیس هیأت نظار بانک ابلاغ می‌کند.

(۳) هر گاه انتصاب متولی فسخ شود متولی زمام امور بانک، دارایی ها، دفاتر و سوابق آنرا به هیئت عامل بانک می سپارد.

(۴) طرفین (د افغانستان بانک و هیئت عامل بانکها) می تواند در خلال مدت سی روز از تاریخ ابلاغ تصمیم اعتراض خویش را علیه تصامیم یکدیگر غرض تجدید نظر به کمیسیون ارایه نماید.

تصمیم د افغانستان بانک مبنی بر انتصاب متولی الی اتخاذ تصمیم کمیسیون نافذ می‌باشد.

د متولي رپوټ او د عمل برنامه

اته پنځوسمه ماده:

(۱) متولي مکلف دی د اړوند بانک د موجودو او راتلونکو مالي شرایطو رپوټ چې د هغو شتمنیو د

گزارش متولی و برنامه عمل

مادهٔ پنجاه و هشتم:

(۱) متولی مکلف است گزارش شرایط مالی موجود و آینده بانک مربوط را که حاوی ارزیابی از مبلغ

مبلـغ د ارزونـي چـي د بانـک د احتمالي انحلال په پايله کې لاسته راځي، برابر او د دافغانستان بانک ته يې تسليم کړي. متولي کولای شـي رپـوټ د بهرنـي بـررس پـه همکاری برابر کړي.

(۲) د متولي رپوټ د عمل له يوې وړاندیز شوې برنامې سره يوځای وي چې لـه لاندې اقـداماتو څخـه راپيـدا شـوې ګټې او لګښتونه تر غور لاندې نيسي:

۱- د عمـل د اصـلاحي برنـامې د اجراء له لارې د قـانون تطبيقولـو تـه د بانک راګرځول.

۲- د دې قانون په يو شپېتمه مـاده کې د درج شوي حکمونـو مطابق د بانک بيا رغول.

۳- د دې قـانون د دوه شـپېتمې مـادې د حکم مطابق د داوطلبانـه انحلال اجراء کول او يا د دې قانون د درې شـپېتمې مـادې د حکـم مطابق د بانکي جواز لغوه کول او د بانک اجباري انحلال.

۴- د بانـــک پـــر خـــلاف د ورشکستګۍ د اقداماتو پيلول.

دارایی های که در نتیجۀ انحـلال احتمـالی بانـک بـه دست مـی آیـد ، تهیه و به د افغانستان بانک تسلیم نـماید. متـولی می‌تواند گزارش را بـه همکـاری بـررس بیرونـی تهیـه نماید.

(۲) راپـور متـولی بـا یـک بـرنامه عمل پیشنهادی توأم می‌بـاشد کـه منـــافع و مـــصـارف ناشـــی از اقـدامات ذیـل را مـورد غـــور قرار می‌دهد:

۱- بـاز گردانـدن بانک به تطبیق قانون از طریق اجرای برنامۀ عمل اصلاحی.

۲- احـیای مجـدد بانک مطابق احکام مندرج مادۀ شصـت و یکم این قانون.

۳- اجـرای انحـلال داوطـلبانه مـطابق حکـم مـادۀ شصـت و دوم ایـن قانـون یـا لغـو جواز بـانکی و انحـــلال اجـباری بانـک مطـابق حکـم مـــادۀ شـصت و سـوم ایـن قانون.

۴- آغـاز اقـدامات ورشکـستگی علیه بانک.

استمهال

نهه پنځوسمه ماده:

د د افغانستان بانک کولای شي د لزوم په صورت کې د هغه بانک چې ورته متولي انتصاب شوی دی، په بانک کې د عمومو سپارنې او پانګه اچونې، په جلا شوو امانتي حسابونو کې له سپارنو او پانګې اچونو پرته، کلاً یا قسماً زیات نه زیات دریو میاشتو پورې تړلي اعلان کړي. پدې شرط چې نیول شوي اقدامات، د د افغانستان بانک د غوښتنې مطابق، د سپارنو او پانګې اچونو تقریبي ارزښت له هغې ټکټانې سره چې د استمهال له مودې د مخه یا یې په بهیر کې په هغه پورې تعلق مومي، وساتي.

استمهال

مادۀ پنجاه و نهم:

د افغانستان بانک می تواند، در صورت لزوم برای حفظ شرایط مالی بانک که برای آن متولی انتصاب شده، در هر موقع سپرده ها و سرمایه گذاری های عموم در بانک را به غیر از سپرده ها و سرمایه گذاری ها در حسابهای امانتی جدا شده، کلاً یا قسماً برای مدت حد اکثر سه ماه مسدود اعلام نماید. مشروط بر اینکه اقدامات اتخاذ شده طبق مطالبۀ د افغانستان بانک، ارزش تقریبی سپرده ها و سرمایه گذاری ها را همراه با تکتانه که قبل از مدت استمهال یا در خلال آن به آن تعلق می‌گیرد، حفظ کند.

د متولیت تېرېدل (انقضاء)

شپېتمه ماده:

(۱) متولیت په لاندې حالاتو کې منقضی کېږي:

۱- په هغه صورت کې چې د متولیت دوره، د هغه د تقرر د تصمیم مطابق یا د متولي د تمدید

انقضای متولیت

مادۀ شصتم:

(۱) متولیت در حالات ذیل منقضی می‌گردد:

۱- در صورتی‌که دوره متولیت طبق تصمیم تقرر آن یا در آخرین دورۀ

په وروستنۍ دورې کې پای ته ورسېږي.

۲- په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک د هغه د متولیت د دورې په انقضاء تصمیم ونیسي.

۳- په هغه صورت کې چې د کمېسیون لخوا د دې قانون د دوه اویایمې مادې دحکم مطابق، د تصفیې مدیر انتصاب شي.

(۲) متولي مکلف دی، د دې مادې د (۱) فقرې په (۱ یا ۲) جزء کې د درج شوو حکمونو مطابق د متولیت د ټاکل شوې مودې په انقضاء سره، د بانک د چارو مشري او د هغه شتمنۍ، دفترونه او سندونه د بانک عامل هیئت ته وسپاري.

تمدید متولی به اتمام برسد.

۲- در صورتی‌که د افغانستان بانك به انقضای دورهٔ متولیت آن تصمیم اتخاذ نماید.

۳- در صورتی‌که مدیر تصفیه از طرف کمیسیون، طبق حکم مادهٔ هفتاد و دوم این قانون انتصاب گردد.

(۲) متولی مکلف است به محض انقضاء مدت تعیین شدهٔ متولیت طبق احکام مندرج اجزاء (۱ یا ۲) فقره (۱) این ماده زمام امور بانك و دارایی ها، دفاتر و اسناد آن را به هیئت عامل بانك بسپارد.

اتم فصل
د بانک بیا رغول

فصل هشتم
احیای مجدد بانك

د بیا رغولو پروسه
یو شپېتمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک کولای شي د بانکداری د سیستم د ثبات لپاره د هغه بانک چې د متولي په واسطه سرپرستي کېږي، د بیا

پروسهٔ احیای مجدد
مادهٔ شصت و یکم:

(۱) د افغانستان بانك می‌تواند جهت ثبات سیستم بانکداری، پیشنهاد احیای مجدد بانك ایرا که توسط متولی سرپرستی می‌گردد،

رغولو وړاندیز، د مالیې وزارت په موافقه ترتیب او د تصویب لپاره یې جمهور رئیس ته وړاندې کړي.

(۲) د د افغانستان بانک، د بانک د بیا رغولو وړاندیز د بیا رغولو د پلان په ضمیمه له متولي سره په سلا کې ترتیبوي او د بانک په اداره او فعالیتونو کې موجودې نیمګړتیاوي تشخیصوي او د بانک د بیا رغولو لپاره واقعبینانه اقدامات او مالي برنامه مشخصوي. دغه پلان د بانک د بنسټیزو معاملو د انتقال ستراتېژي یوه بل بانک ته چې د دې قانون په اته اویایمه ماده کې د درج شوو حکمونو مطابق مجاز دی ګوري او ارزوي یې او د بانک د خاوندانو د ناوړې ګټې اخیستنې امکانات بندوي.

نهم فصل
د بانک انحلال

داوطلبانه (اختیاري) انحلال

دوه شپېتمه ماده:

(۱) د بانک انحلال د هغه د مالکینو په تصمیم، د غونډتنلیک

به موافقه وزارت مالیه ترتیب و جهت تصویب به رئیس جمهور تقدیم نماید.

(۲) د افغانستان بانک پیشنهاد احیای مجدد بانک را ضم پلان اجباری مجدد در مشورت با متولی ترتیب نموده و نواقص موجود اداره و فعالیت های بانک را شناسائی و اقدامات واقع بینانه و برنامه مالی برای احیای مجدد بانک را مشخص می نماید. این پلان استراتیژی انتقال معاملات اساسی بانک را به یک بانک دیگر که طبق احکام مندرج مادۀ هفتاد و هشتم این قانون مجاز است مرور و ارزیابی نموده و امکانات سوء استفاده مالکین بانک را مسدود می‌سازد.

فصل نهم
انحلال بانک

انحلال داوطلبانه (اختیاری)

مادۀ شصت و دوم:

(۱) انحلال بانک به اساس تصمیم مالکین آن با ارایۀ

په وړاندې کولو سره د دې قانون د پنځلسمې مادې د حکم مطابق صورت مونډلی شي.

د انحلال پروسه پخپله د بانک په واسطه، د دې قانون د څلور شپېتمې مادې د (۳ او ۴) فقرې د حکمونو مطابق، د د افغانستان بانک ترڅارنې لاندې صورت مومي.

(۲) بانک مکلف دی د اړتیا په وخت کې د د افغانستان بانک د کارمندانو لپاره د څارنیزو مسئولیتونو د سرته رسولو په غرض د مدرکونو، اطلاعاتو او خپلو ودانیو، دفترونو او سندونو ته د هغوی د لاس رسۍ زمینه برابره کړي.

(۳) د د افغانستان بانک، د بانک له خوا د دې مادې د (۱ او ۲) فقرې د نه په پام کې نیولو په صورت کې، د هغه د انحلال د تمامولو په منظور، تر خپلې څارنې لاندې متولي ټاکي.

درخواست مطابق حکم مادۀ پانزدهم این قانون صورت گرفته می‌تواند.

پروسۀ انحلال توسط خود بانک مطابق احکام فقره های (۳ و ۴) ماده شصت و چهارم این قانون تحت نظارت د افغانستان بانک صورت می‌گیرد.

(۲) بانک مکلف است مدارک و اطلاعات و زمینه دسترسی به عمارات، دفاتر و اسناد خود را حین ضرورت برای کارمندان د افغانستان بانک به منظور انجام مسئولیت های نظارتی آنها فراهم نماید.

(۳) د افغانستان بانک در صورت عدم رعایت فقره های (۱ و ۲) این ماده از طرف بانک، به منظور اتمام انحلال آن تحت نظارت خود متولی تعیین می نماید.

اجباري انحلال

دري شپېتمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک، د دې قانون د (۱۴) مادې د حکم

انحلال اجباری

مادۀ شصت و سوم:

(۱) د افغانستان بانک در مورد لغو جواز بانکداری طبق

مطابق، د بانکداری د جواز د لغوه کولو په هکله چې د ماتې (ورشکستگی) اقدامات يې پيل شوي نه وي، د متولي له انتصاب وروسته د دې مادې د حکمونو مطابق د بانک د انحلال په منظور تصميم نيسي.

د دافغانستان بانک مکلف دی دغه تصمیم لږترلږه د هېواد په يوه کثيرالانتشاره رسمي ورځپاڼه کې خپور کړي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي تصميم وروسته، لاندې موارد د تطبيق وړ دي:

۱- د بانک ټول اقدامات د هغو په استثناء چې د متولي لخوا يا يې په اجازه صورت مومي، يا هغه اقدامات چې متولي يې د بانک لپاره ګټور بولي او تصويبوي يې او د پيسو او بهاء لرونکو سندونو سپارښتنې چې د دې قانون د اووه اويايمې مادې د حکم مطابق يې صورت مونډلی دی، باطل او د نه اجراء وړ ګڼل کېږي.

۲- د بانک د شتمنيو په هکله د متولي د مالي توقيفونو او د املاکو په مصادرې پورې د اړندو

حکم ماده (۱۴) این قانون که اقدامات ورشکستگی علیه آن آغاز نشده باشد، بعد از انتصاب متولی به منظور انحلال بانک مطابق احکام این ماده تصمیم اتخاذ می نماید.

د افغانستان بانک مکلف است این تصمیم را حد اقل در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار رسمی کشور به نشر بسپارد.

(۲) بعد از تصمیم مندرج فقره (۱) این ماده، موارد آتی قابل تطبیق می‌باشد:

۱- تمام اقدامات بانک به استثنای آنهایی که توسط یا به اجازهٔ متولی صورت می‌گیرد، یا اقداماتیکه متولی برای املاک بانک مفید دانسته و تصویب می نماید و سفارشات انتقال پول و اسناد بهادار که مطابق حکم مادهٔ هفتاد و هفتم این قانون صورت گرفته است، باطل و غیر قابل اجراء پنداشته می‌شود.

۲- توقیف های مالی متولی و توقیف های مربوط به مصادره املاک در مورد دارایی های بانک

توقیفونو رفع کېږي.
۳- د بانک شتمني له توقیف او د املاکو له مصادرې څخه خوندي دي. هغه شتمنۍ چې تر رهن لاندې یا د بدیهۍ په اندازه د مال د حبس حق د هغو په واسطه تضمین شوی دی له دې امر څخه مستثنی دی.
۴- دبانک پرخلاف د ورشکستګۍ اقدامات نه وي پیل شوي.
(۳) د بانک انحلال د دې قانون په نهه اویایمه او نوي یمه ماده کې له درج شوو حکمونو سره په مطابقت کې، د دافغانستان بانک او کمېسیون تر څارنې لاندې، د تصفیې د مدیر په توګه د متولي په واسطه صورت مومي.
(۴) د بانک له شتمنیو څخه له بانک سره په سپارنو پورې د اړوندو غوښتنو (مطالباتو) ورکړه، له نورو غوښتنو د مخه هر سپارنې اېښودونکی ته زیات نه زیات (۲۰۰۰۰) افغانۍ صورت مومي.
(۵) کمېسیون کولای شي د د افغانستان بانک په غوښتنه د هغه بانک متولي ته چې بانکي جواز یې لغوه شوی، د دې قانون په اته اویایمه ماده کې د درج شوو

رفع می‌گردد.
۳ – دارایی های بانك از توقیف و مصادرهٔ املاك، مصئون می‌باشد. دارایی های تحت رهن یا حق حبس مال به اندازهٔ بدهی که توسط آنها تضمین شده است، ازین امر مستثنی می باشد.
۴ – اقدامات ورشکستگی علیه بانك آغاز نه گردیده باشد.
(۳) انحلال بانك توسط متولی، به عنوان مدیر تصفیه، تحت نظارت دافغانستان بانك و کمیسیون در مطابقت به احکام مندرج مواد هفتاد و نهم و نود و دوم این قانون صورت می‌گیرد.
(۴) تأدیه مطالبات مربوط به سپرده ها در نزد بانك، از دارایی های بانك تا حد اکثر مبلغ (۲۰۰۰۰) افغانی برای هر سپرده گذار قبل از سایر مطالبات صورت می گیرد.
(۵) کمیسیون می‌تواند به اثر درخواست د افغانستان بانك متولی بانك را که جواز بانکی آن لغو شده، اجازه اجرای یك یا بیشتر معاملات مجاز مندرج

مجازو د یوې یا زیاتو معاملو د اجراء اجازه ورکړي.

(۶) پدې ماده کې درج شوي حکمونه د غیر مېشتو بانک په داخلي فرعو او د نمایندګۍ په دفترونو باندې لکه دا چې داخلي واحد بانک جوړوي، د تطبیق وړ دي.

(۷) غیر مېشت بانک د عامل هیئت په توګه او د ونډه والو عمومي مجمع، واحد بانک ګڼل کېږي او د هغه د شتمنیو، بدیهیو، تصمیمونو او تېروتنو په هکله چې د هغه د فرعو او دفترونو د معاملو په پایله کې یا په اړه راپیدا کېږي، پدې ماده کې درج شوي حکمونه د تطبیق وړ دي.

ماده هفتاد و هشتم این قانون را بدهد.

(۶) احکام مندرج این ماده به فروع داخلی و دفاتر نمایندگی بانک غیر مقیم مانند اینکه بانک واحد داخلی را تشکیل می‌دهند، قابل تطبیق می‌باشد.

(۷) بانک غیر مقیم به حیث هیئت عامل و مجمع عمومی سهامداران، بانک واحد پنداشته شده و در مورد دارایی ها، بدهی ها، تصامیم و اشتباهات آن که در نتیجه یا در رابطه به معاملات فروع و دفاتر آن ناشی می‌شود، احکام مندرج این ماده قابل تطبیق می‌باشد.

لسم فصل
د بانک تصفیه

فصل دهم
تصفیه بانک

پر بانک باندې د افلاس د عمومي قانون نه تطبیقیدل

څلور شپېتمه ماده:

د ورشکستګۍ قانون او په بانکونو پورې نور اړوند تقنیني سندونه، پر بانک باندې د تطبیق

عدم تطبیق قانون عمومی افلاس در مورد بانک

مادۀ شصت و چهارم:

قانون ورشکستگی و سایر اسناد تقنینی مربوط بالای بانکها قابل تطبیق نمی

وړ نه دي.

د ورشکستګۍ د اقداماتو پیل

پنځه شپېتمه ماده:

(۱) دبانک پر خلاف دورشکستګۍ اقدامات کېدلای شي په لاندې یوه یا زیاتو دلیلونو سره پیل شي:

۱- بانک خپل مالي مسئولیتونه (پورونه) د هغو د سر رسید په وخت کې ور نکړي.

۲- د بانک پانګه د هغې پانګې په سلو کې له (۷۵) څخه لږ وي چې د دې قانون د پنځه دېرشمې مادې د (۳) فقرې د حکم مطابق الزامي ګڼل شوې ده.

۳- د بانک د شتمنیو ارزښت د هغه د پورونو له ارزښت څخه لږ وي.

د ورشکستګۍ د اقداماتو د پیل کېدو غوښتنلیک

شپږ شپېتمه ماده:

(۱) د بانک پر خلاف د ورشکستګۍ د اقداماتو د پیل غوښتنلیک په لیکلي توګه کمېسیون ته وړاندې کېږي.

(۲) کمېسیون کولای شي تر دغو باشد.

آغاز اقدامات ورشکستگی

مادۀ شصت و پنجم:

(۱) اقدامات ورشکستگی علیه بانك می‌تواند به یکی یا بیشتر از دلایل آتی آغاز گردد:

۱- بانك مسئولیت های مالی (قروض) خود را در هنگام سر رسید آن پرداخت ننماید.

۲- سرمایه بانك کمتر از (۷۵) فیصد سرمایه ای باشد که مطابق حکم فقره (۳) ماده سی و پنجم این قانون الزامی پنداشته شده است.

۳- ارزش دارایی های بانك از ارزش دیون آن کمتر باشد.

درخواست آغاز اقدامات ورشکستگی

مادۀ شصت و ششم:

(۱) درخواست آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك طور کتبی به کمیسیون تقدیم می‌گردد.

(۲) کمیسیون می تواند تحت

شرایطو لاندې، د بانک پر خلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل کېدو په اړه غوښتنلیک ومني:

۱- وړاندې شوی غوښتنلیک د دافغانستان بانک له خوا تصدیق شوي دبانک د مالي صورت حساب او د دافغانستان بانک له خوا چې دورشکستگۍ د اقداماتو د پیل کېدو د مجوز د یوه یا زیاتو دلیلونو لرونکی وی.

۲- د بانک دریو یا له دریو څخه زیاتو دایرینو کمېسیون ته عریضه ورکړې او ثبت کړې وي او کاپي یې د د افغانستان بانک ته وړاندې کړې وي او عریضه له وړاندې شوو مستندو شواهدو سره یوځای څرګندوي چې بانک خپل پورونه د هغو د سر رسید په وخت کې ندې ورکړي.

شرایط آتی درخواست مبنی بر آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك را بپذیرد:

۱- درخواست ارائه شده حاوی صورت حساب مالی بانك و تصدیق شده از طرف د افغانستان بانك، مبین یك یا بیشتر از دلایل مجوز آغاز اقدامات ورشکستگی از طرف د افغانستان بانك باشد.

۲- سه یا بیشتر از سه تن دائنین بانك عریضه ایرا به کمیسیون ارایه و ثبت نموده و کاپی آنرا به د افغانستان بانك تقدیم نموده باشند و عریضه همراه با شواهد مستندی ارایه شده نشان بدهد که بانك دیون خود را در هنگام سر رسید آنها نه پرداخته است.

د متولي انتصاب

اووه شپېتمه ماده:

(۱) د دې قانون د شپږ شپېتمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوي حالت د تحقق په صورت کې، د د افغانستان بانک د دې قانون د شپږ پنځوسمې مادې د حکم مطابق،

انتصاب متولی

مادۀ شصت و هفتم:

(۱) در صورت تحقق حالت مندرج فقره (۲) مادۀ شصت و ششم این قانون، د افغانستان بانك طبق حکم مادۀ پنجاه و ششم این قانون به

کولای شي د بانک د پورونو د پر وخت نه ورکړې په دلیل، د نومورې بانک لپاره یو متولي انتصاب کړي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی متولي له انتصاب وروسته، د دې قانون د شپږ پنځوسمې مادې د حکم مطابق اجراآت کوي، د هغه په هکله د دې قانون په اووه پنځوسمه ماده کې درج شوي حکم د تطبیق وړ نه دی.

(۳) د متولي د انتصاب په اړه د افغانستان بانک تصمیم، د کمېسیون لخوا بیا نه شي کتل کېدی.

دلیل عدم پرداخت به موقع دیون بانك، می‌تواند یك متولی برای بانك مذکور انتصاب نماید.

(۲) متولی مندرج فقرۀ (۱) این ماده بعد از انتصاب، مطابق حکم مادۀ پنجاه و ششم این قانون اجراآت نموده، در مورد وی حکم مندرج مادۀ پنجاه و هفتم این قانون قابل تطبیق نمی‌باشد.

(۳) تصمیم د افغانستان بانك در رابطه به انتصاب متولی، از طرف کمیسیون تجدید نظر شده نمی تواند.

د غوښتنلیک د رد دلیلونه

اته شپېتمه ماده:

(۱) کمېسیون د بانک پر خلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیلولو لپاره د غوښتنلیک د ثبت په صورت کې، د دافغانستان بانک، نور غوښتنلیک ورکوونکي او اړوند متولي د غوښتنلیک د علني څېړنې په منظور رابولي. په استثنایي حالاتو کې څېړنه په سري ډول صورت مونډلی شي.

دلایل رد درخواست

مادۀ شصت و هشتم:

(۱) کمیسیون در صورت ثبت درخواست برای آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك به منظور رسیدگی علنی به درخواست، از دافغانستان بانك سایر درخواست کنندگان و متولی مربوط دعوت بعمل می آورد. درحالات استثنایی، رسیدگی به شکل سری صورت گرفته می‌تواند.

څېړنه د غوښتنليک له ثبت دوه ورځې وروسته پيل کېږي.
(۲) د د افغانستان بانک لخوا د غوښتنليک د ثبت په صورت کې څېړنه د يوې اوونۍ په ترڅ کې او په هغه صورت کې چې ثبت د دائينو او اعتبار ورکوونکو لخوا صورت موندلی وي، څېړنه د دوو اوونيو په ترڅ کې پای ته رسېږي. د څېړنې په پای کې کمېسيون کولای شي غوښتنليک رد يا قبول کړي.

رسیدگی دو روز بعد از ثبت درخواست آغاز می‌گردد.
(۲) در صورت ثبت درخواست توسط د افغانستان بانک، رسیدگی در ظرف یک هفته و در صورتی‌که ثبت توسط دائنین و اعتبار دهندگان صورت گرفته باشد، رسیدگی در ظرف دو هفته خاتمه می یابد. در ختم رسیدگی، کمیسیون می‌تواند درخواست را رد یا قبول نماید.

د غوښتنليک د رد دلايل
نهه شپېتمه ماده:
(۱) د يوه بانک پر خلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پيلولو لپاره غوښتنليک تر دغو شرايطو لاندې د کمېسيون لخوا رد کېږي:
۱- د قانون له حکمونو سره د غوښتنليک نه مطابقت.
۲- د دې مادې په (۲) فقرې د درج شوې د حکمونو په پام نيولو سره د دافغانستان بانک نه موافقه.
(۲) په هغه صورت کې چې غوښتنليک د بانک د دائنينو په واسطه ثبت شوی وي، د د افغانستان بانک کولای شي يوازې

دلایل رد درخواست
مادۀ شصت و نهم:
(۱) درخواست جهت آغاز اقدامات ورشکستگی علیه یک بانک تحت شرایط آتی توسط کمیسیون رد می‌گردد:
۱- عدم مطابقت درخواست با احکام قانون.
۲- عدم موافقت د افغانستان بانک با درخواست با در نظرداشت احکام مندرج فقره (۲) این ماده.
(۲) در صورتی‌که درخواست توسط دائنین بانک به ثبت رسیده باشد، د افغانستان بانک می‌تواند صرف در موارد

په لاندې مواردو کې له غوښتنليک سره مخالفت وکړي:

۱- په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک متيقن شي چې د بانک د ورشکستګۍ د پيل د اقداماتو لپاره قانوني دلايل وجود نلري، کمېسيون کولای شي له خپل تصميم څخه په ملاتړ کې، د بانک د مالي تصديق د رپوټونو په شمول مدارک له د افغانستان بانک څخه وغواړي.

۲- په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک کمېسيون ته ثابته کړي چې د د افغانستان بانک ته د ورشکستګۍ د اقداماتو لپاره د غوښتنليک له وړاندې کولو د مخه، د نظر وړ بانکي جواز لغوه شوی دی او د انحلال لپاره يې متولې انتصاب شوی دی.

۳- په هغه صورت کې چې د دافغانستان بانک د بانکداری د سيستم د ثبات او ګټو لپاره د بانک د بيا رغوني منظوري، له جمهور رئيس څخه واخلي او د دې قانون د يو شپېتمې مادې حکم مطابق يې کمېسيون ته وړاندې کړي.

آتی با درخواست مخالفت کند:

۱- در صورتی‌که د افغانستان بانك متيقن گردد که دلايل قانونی برای آغاز اقدامات ورشکستگی عليه بانك وجود ندارد. کميسيون می‌تواند در حمايه از تصميم خود از د افغانستان بانک، مدارك را به شمول راپور های تصديق کنندۀ مالی بانك، مطالبه نمايد.

۲- در صورتی‌که د افغانستان بانك به کميسيون ثابت نمايد که قبل از ارايۀ درخواست جهت آغاز اقدامات ورشکستگی به دافغانستان بانك، جواز بانکی مورد نظر لغو شده و جهت انحلال آن متولی انتصاب گرديده است.

۳- در صورتی‌که د افغانستان بانك جهت ثبات و منافع سيستم بانکداری، منظوری احيای مجدد بانك را از رئيس جمهور اخذ و مطابق حکم مادۀ شصت و يکم اين قانون به کميسيون تقديم کند.

(۳) کمېسیون د غوښتنلیک په هکله د تصمیم له نیولو د مخه د غوښتنې په صورت کې د مدرکونو او دلایلو د وړاندې کولو لپاره د د افغانستان بانک ته، دوه اوونۍ وخت ورکوي.

د نومورو مدرکونو او دلایلو د نه وړاندې کولو په صورت کې کمېسیون کولای شي د بانک د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل غوښتنلیک تر دغو شرایطو لاندې رد کړي:

۱- غوښتنلیک د دې قانون د شپږ شپېتمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوو شرایطو نه لرونکی وي.

۲- کمېسیون ته د غوښتنلیک د تائیدولو لپاره، ناسم او غیر دقیق مدرکونه وړاندې شوي وي.

۳- که چېرې بانک کمېسیون او د دافغانستان بانک ته ثابته کړي چې د بانک پر پانګه د ضمیموي اشتراکاتو ورکړه د هغو وجوهو په ډول چې فوراً په لاس رسۍ کې دي، ترلاسه شوې وي او د دې قانون د پنځه شپېتمې مادې د حکم مطابق، د بانک د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل پر

(۳) کمیسیون قبل از اتخاذ تصمیم در مورد درخواست، برای د افغانستان بانك در صورت تقاضا، جهت ارایهٔ مدارك و دلایل، مدت دو هفته فرصت می‌دهد.

در صورت عدم ارایهٔ مدارك و دلایل کمیسیون می‌تواند درخواست آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك را تحت شرایط آتی رد کند:

۱ – درخواست فاقد شرایط مندرج فقره (۲) مادهٔ شصت و ششم این قانون باشد.

۲ – مدارك نادرست و غیر دقیق جهت تائید درخواست، به کمیسیون ارائه شده باشد.

۳ – هر گاه بانك به کمیسیون و دافغانستان بانك ثابت کند که پرداخت های اشتراکات ضمیموی به سرمایه بانك بصورت وجوه ایکه فوراً در دسترس می‌باشد، توسط بانك حصول شده و برای ازمیان بردن دلایل آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك مطابق حکم ماده شصت و

خلاف د دلایلو د له منځه وړلو لپاره بس (کافي) ده.

پنجم این قانون کافی می‌باشد.

د بېځایه غوښتنلیکونو نه منل

اویایمه ماده:

(۱) د بانک د اعتبار ورکوونکي په واسطه، د بانک پر خلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل لپاره له ثبت وروسته کمیسیون کولای شي د غوښتنلیک د بېځایه والي په دلیل له څېړنې د مخه یا وروسته په لیکلې توګه رد کړي. پدې صورت کې کولای شي غوښتنلیک ورکوونکی ته دستور ورکړي څو د غوښتنلیک له ثبت څخه رامنځته شوي لګښتونه، د د افغانستان بانک ته ورکړي.

(۲) هغه شخص چې د بانک پر خلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل لپاره د بېځایه غوښتنلیک په ثبتولو محکوم شي، له حال سره سم په هغه حبس چې له یوه کال څخه زیات یا په نقدي جریمې چې له پنځه ویشتو زرو افغانیو څخه زیات نه وي یا په دواړو باندې په جزاء محکومېږي.

عدم پذیرش درخواست‌های بیهوده

مادۀ هفتادم:

(۱) بعد از ثبت درخواست برای آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک توسط اعتبار دهندۀ بانک، کمیسیون می‌تواند درخواست را بدلیل بیهوده بودن قبل یا بعد از رسیدگی بطور کتبی رد کند، در این صورت می‌تواند به درخواست دهنده دستور دهد تا مصارف ناشی از ثبت درخواست را به د افغانستان بانک بپردازد.

(۲) شخصی‌که محکوم به ثبت درخواست بیهوده جهت آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک گردد، حسب احوال به حبس ایکه از یک سال بیشتر یا جریمه نقدی ایکه از بیست و پنج هزار افغانی بیشتر نباشد و یا هر دو محکوم به جزا می‌گردد.

د ورشکستگۍ د اقداماتو د غوښتنليک د نه منل کېدو په صورت کې اجباري انحلال

يو اويايمه ماده:

په هغه صورت کې چې د دې قانون په نهه شپېتمه ماده کې درج شوو موادو په استثنی، د بانک پر خلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پيل لپاره د د افغانستان بانک غوښتنليک رد شي، د د افغانستان بانک د بانک بانکي جواز لغوه او هغه د دې قانون د دري شپېتمې مادې مطابق منحلوي.

انحلال اجباری در صورت عدم پذیرش درخواست اقدامات ورشکستگی

مادۀ هفتاد و یکم:

در صورتی‌که درخواست د افغانستان بانک جهت آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک به استثنای موارد مندرج مادۀ شصت و نهم این قانون رد شود د افغانستان بانک، جواز بانکی بانک را لغو و آنرا مطابق مادۀ شصت و سوم این قانون منحل می نماید.

د ورشکستگۍ فیصله

دوه اويايمه ماده:

په هغه صورت کې چې د بانک پرخلاف د ورشکستگۍ داقداماتو د پيل غوښتنليک د کمېسيون د منلو وړ وګرځي، بانک ورشکسته اعلامېږي او د تصفيې د مدير په انتصابولو سره د بانک پرخلاف د ورشکستگۍ اقدامات پيل کېږي.

فیصلۀ ورشکستگی

مادۀ هفتاد و دوم:

در صورتی‌که درخواست جهت آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک مورد قبول کمیسیون واقع گردد، بانک ورشکسته اعلان گردیده و با انتصاب مدیر تصفیه اقدامات ورشکستگی علیه بانک آغاز می‌گردد.

د ورشکستگۍ د فیصلې ابلاغول او خپرول

دري اویایمه ماده:

کمېسیون مکلف دی، د بانک پرخلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل د غوښتنلیک د منلو یا رد په اړه خپل تصمیم، د د افغانستان بانک ته خبر ورکړي او هغه لږترلږه د هېواد په یوه کثیرالاتشاره رسمي ورځپاڼه کې خپور کړي.

ابلاغ و انتشار فیصلهٔ ورشکستگی

مادهٔ هفتاد و سوم:

کمیسیون مکلف است تصمیم خویش در مورد قبول یا رد درخواست جهت آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك را به د افغانستان بانك اطلاع داده و آنرا حد اقل در یکی از روزنامه های کثیرالاتشار رسمی کشور به نشر بسپارد.

د تصفیې مدیر

څلور اویایمه ماده:

(۱) دتصفیې مدیر چې د کمېسیون د تصمیم پر بنسټ د بانک پرخلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل په اړه انتصابېږي، کولای شي د دی قانون په څلور پنځوسمه ماده کې درج شوی متولي وي، کمېسیون کولای شي بل شخص چې د نومورې مادې په (۲) فقره کې د درج شوو شرایطو لرونکی وي، د تصفیې د مدیر په توګه وټاکي.

کمېسیون کولای شي د ورشکستگۍ د تصمیم د نیولو په وخت کې د تصفیې د مدیر د

مدیر تصفیه

مادهٔ هفتاد و چهارم:

(۱) مدیر تصفیه که به اساس تصمیم کمیسیون مبنی بر آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك انتصاب می‌شود، می‌تواند متولی مندرج مادهٔ پنجاه و چهارم این قانون باشد. کمیسیون می‌تواند شخص دیگری را که واجد شرایط مندرج فقره (۲) مادهٔ متذکره باشد، بحیث مدیر تصفیه تعیین نماید.

کمیسیون حین اتخاذ تصمیم در رابطه به ورشکستگی، حقوق و شرایط استخدام مدیر تصفیه را

استخدام حقوق او شرایط مشخص او وټاکي، نور هغه لګښتونه چې د تصفيې د مدير د انتصاب له امله ایجابوي، د هغه بانک له شتمنیو څخه چې د تصفيې مدير ورته انتصاب شوي دی، د ورکړي وړ دی.

(۲) په هغه صورت کې چې د تصفيې مدير ته د تصفيې مجاز لګښتونه د بانک له شتمنیو څخه چې پدې منظور په پام کې نیول شوي دي، تجاوز وکړي، د د افغانستان بانک د اضافي لګښتونو په ورکړې مکلف دی.

(۳) د تصفيې مدير مکلف دی، خپل فعالیتونه د کمېسیون تر لارښوونې او څارنې لاندې او د د افغانستان بانک په سلا د دې قانون د پنځه نوي یمې مادې له حکم سره په مطابقت کې سرته ورسوي، کمېسیون د تصفيې د مدير له انتصاب وروسته هغه دساتیر او د فعالیتونو فهرست چې هغه یې په سرته رسولو مکلف دی، کتبا مشخص او برابر وي. د تصفيې مدير کولای شي له کمېسیون څخه د دې قانون د حکمونو مطابق مشخص و معین می نماید. سایر مصارفی که به علت انتصاب مدیر تصفیه ایجاب می نماید، از دارایی های بانکی که مدیر تصفیه برای آن انتصاب شده است، قابل پرداخت می‌باشد.

(۲) در صورتیکه مصارف مجاز تصفیه به مدیر تصفیه از دارایی های بانك که به این منظور در نظر گرفته شده تجاوز نماید، د افغانستان بانك مکلف به پرداخت مصارف اضافی می‌باشد.

(۳) مدیر تصفیه مکلف است فعالیت های خود را تحت رهنمایی و نظارت کمیسیون و مشورۀ د افغانستان بانك در مطابقت به حکم مادۀ نود و پنجم این قانون انجام دهد. کمیسیون بعد از انتصاب مدیر تصفیه دساتیر و فهرست فعالیت هایی را که وی مکلف به انجام آنها است، کتباً مشخص و فراهم می نماید. مدیر تصفیه می‌تواند مطابق احکام این قانون رهنمائی های لازمه

لازمې لارښوونې وغواړي.

(۴) د تصفيې مدير کولای شي د کمېسيون د تصويب شوو شرايطو او ضوابطو مطابق د هغه بانک په لګښت چې د تصفيې مدير ورته انتصاب شوی دی په خپلواکه توګه د حقوق پوهانو، حسابدار او نورو متخصصينو په استخدامولو اقدام وکړي.

(۵) د د افغانستان بانک کولای شي د تصفيې د مدير د دندې په سرته رسولو کې د عجز، استعفی يا مړينې په صورت کې پدې سمت باندې د کمېسيون په واسطه د تصفيې د نوي مدير تر انتصاب پورې، په مؤقته توګه بل شخص توظيف کړي.

(۶) کمېسيون کولای شي په هغه صورت کې چې د تصفيې مدير د متولي په توګه د دندې د سرته رسولو لپاره د دې قانون د څلور پنځوسمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوو شرطونو نه لرونکی وي، بل شخص د هغه په عوض انتصاب کړي.

(۷) د تصفيې د نوي مدير انتصاب، د نوماندو د هغه فهرست

را از کميسيون مطالبه نمايد.

(۴) مدير تصفيه می‌تواند مطابق شرايط و ضوابط تصويب شدهٔ کميسيون به استخدام حقوقدانان، حسابدار وساير متخصصين به مصرف بانکی که مدير تصفيه برای آن انتصاب شده است، طور مستقل اقدام نمايد.

(۵) د افغانستان بانک می تواند در صورت عجز از انجام وظيفه، استعفاء و فوت مدير تصفيه، شخص ديگری را الی انتصاب مدير جديد توسط کميسيون به اين سمت طور مؤقت توظيف نمايد.

(۶) کميسيون می‌تواند در صورتی‌که مدير تصفيه فاقد شرايط مندرج فقرهٔ (۲) مادهٔ پنجاه و چهارم اين قانون جهت انجام وظيفه بحيث متولی باشد، شخص ديگری را به عوض وی انتصاب نمايد.

(۷) انتصاب مدير تصفيه جديد به اساس فهرست نامزدانی

پـر بنـسټ دی چـې د د افغانـستان بانـک لخـوا کمېـسیون تـه وړانـدې کېږي.

(۸) د تـــصفیې د نـــوي مـــدیر د انتـصاب پـه صـورت کـې چـې د تصفیې د پخواني مدیر واکونه هغه تـه سـپارل کېـږي او د هغـه بانـک دفترونه، سندونه او بانکي شتمنۍ چې د تـصفیې د پخـواني مـدیر تـر سـاتنې لاندې وو، نـوي مـدیر تـه لېـږدول کېـږي او د هغـه تـر سـاتنې لاندې راځي.

د تصفیې د مدیر واکونه

پنځه اویایمه ماده:

د تـــصفیې مـــدیر لـــه انتـــصاب وروسـته، د بانـک پـه فـرد پـورې منحـصر قـانوني اسـتازی دی، د بانک د فـعال ساتلو یـا انحـلال پـه هکلـه د واک پـه شـمول، د نظـار هیئـت، عامـل هیئـت، د بانـک پـه وندې ایزه پانګه کې د وندو په اړه د بانـک د ونـدې والـو ټـول حقـوق او واکونه ترلاسه کوي.د بانک پرخلاف ادعا د تصفیې مدیر ته ابلاغېږي.

است که از طرف د افغانستان بانک بـــــه کمیـــــسیون ارایـــــه می‌گردد.

(۸) در صـــورت انتـصاب مـدیر تـصفیه جـدید، صـلاحیت هـای مدیر تصفیه قبلی به وی تفـویض و دفـاتر، اسناد و دارایی های بانک کـه تحـت حفاظـــت مـــدیر تـصفیهٔ قبلـی قـرار داشـــته بـه مـدیـــر جـــدید انتقـــال و تـــحت حفاظـــت وی قـــرار می‌گیرد.

صلاحیت های مدیر تصفیه

مادهٔ هفتاد و پنجم:

مـدیر تـصفیه، بعـد از انتـصاب، نمایندهٔ قانونی منحصر بفرد بانک بوده و کلیه حقوق و صلاحیت های سـهامداران بانـک را در رابطـه بـه اسـهام آنهـا در سـرمایه سـهامی بانک، هیئت نظار و هیئت عامل بـشمول صـلاحیت در مـورد فـعال نگهداشتن یا انحـلال بانک، کسب می نماید. ادعا علیه بانک به مدیر تصفیه ابلاغ می‌گردد.

د ورشکستگۍ د فیصلې ابلاغول

شپږ اویایمه ماده:

(۱) د بانک پرخلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل په اړه د کمېسیون تصمیم، د نیولو له هماغې نېټې څخه نافذ دی.

(۲) هغه اجراآت چې د بانک په واسطه یا لخوا د ورشکستگۍ د تصمیم له نافذ ېدو وروسته صورت مومي، باطل او د نه تطبیق وړ دي، خو دا چې د بانک د تصفیې د مدیر لخوا یا ئې په اجازه ترسره شوي وي یا هغه اجراآت چې د تصفیې د مدیر په تشخیص د بانک لپاره ګټور وګڼل شي او تصویب شوي وي.

(۳) د ورشکستگۍ د فیصلې په پایله کې د بانک پرخلاف ټول روان (جاري) قضائي اجراآت درول کېږي، د بانک پرخلاف نوي قضائي اجراآت پیل کېدای نشي، خو د کمېسیون په اجازه او تر هغو شرایطو لاندې چې کمېسیون یې تصویبوي.

(۴) د ورشکستگۍ د فیصلې په پایله کې د متولي ټول مالي توقیفونه او د بانک له شتمنیو څخه

انفاذ فیصله ورشکستگی

مادۀ هفتاد و ششم:

(۱) تصمیم کمیسیون مبنی بر آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک، از همان لحظه اتخاذ، نافذ می‌باشد.

(۲) اجراآتی که توسط یا از طرف بانک بعد از انفاذ تصمیم ورشکستگی صورت می‌گیرد، باطل و غیر قابل تطبیق می‌باشد، مگر اینکه توسط یا با اجازۀ مدیر تصفیه بانک انجام گرفته و یا اجراآتی که برای املاک بانک به تشخیص مدیر تصفیه سودمند پنداشته شده و تصویب گردیده باشد.

(۳) در نتیجه فیصله ورشکستگی، کلیه اجراآت جاری قضائی علیه بانک متوقف گردیده، اجراآت قضائی جدید علیه بانک آغاز شده نمی‌تواند، مگر به اجازه و تحت شرایطی که کمیسیون تصویب می کند.

(۴) در نتیجۀ فیصلۀ ورشکستگی کلیه توقیف های مالی متولی و توقیف مالی مربوط به مصادرۀ

د املاکو د مصادرې په اړه مالي توقیفونه رفع کېږي او مالي توقیفونه او د املاکو د مصادرې اقدامات د ورشکستګۍ د فیصلې د قانوني نافذېدو وروسته باطلېږي. د هغو شتمنیو د املاکو د مصادرې اقدام چې د دې قانون د پنځه اتیایمې مادې د حکمونو مطابق، د هغې بدهۍ په اندازه چې د هغه په واسطه تضمین شوي دي، تر رهن یا د مالي حبس د حق لاندې وي، له دې امر څخه مستثنی دی.

املاك از دارایی های بانك رفع شده و توقیف های مالی و اقدامات مصادرۀ املاك بعد از انفاذ قانونی فیصلۀ ورشکستگی باطل پنداشته می‌شود. اقدام به مصادرۀ املاك در مورد آنعده دارایی های كه مطابق احكام مادۀ هشتاد و پنجم این قانون، به اندازۀ بدهی كه توسط آن ضمانت شده است، تحت رهن یا حق حبس مال می‌باشند، از این امر مستثنی است.

(۵) وروسته تر دې چې د ورشکستګۍ تصمیم نافذیږي، ټکټانه او نور هېڅ ډول لګښتونه د یوه ورشکسته بانک پر دیونو نه ټاکل کېږي.

(۵) بعد از اینكه تصمیم ورشكستگی نافذ می‌گردد، تكتانه و هیچگونه مصارف دیگری بر دیون یك بانك ورشكسته تعیین نه می‌گردد.

(۶) د ورشکسته بانک د ونډو لېږدېدل چې د ورشکستګۍ د فیصلې له انفاذ وروسته صورت مومي، باطل ګڼل کېږي. هغه لېږدونې چې د کمېسیون په مخکښ رضائیت سره ترسره شوي، لدې حکم څخه مستثنی دی.

(۶) انتقالات سهام بانك ورشكسته كه بعد از انفاذ فیصلۀ ورشكستگی صورت می‌گیرد، باطل پنداشته می‌شود. انتقالهای ایكه با رضایت قبلی كمیسیون انجام گردیده، از این حكم مستثنی است.

(۷) د حقوقي معاملو په اړه د بانک عمل چې د هغه اعتبار ورکوونکو

(۷) عمل بانك در رابطه به معاملات حقوقی كه باعث

ته د ضرر د رامنځته کېدو باعث شي، بانک او د معاملې اړخ له موضوع خبرتیا ولري او د بانک پرخلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل د فیصلې له نېټې د مخه په دریو میاشتو کې یې صورت مونډلی وي. د لاندې مواردو د تحقق په صورت کې د تصفیې د مدیر غوښتنلیک، د کمېسیون په واسطه بې اغېزې او باطل کېږي:

۱- تحفه اخیستل شوې وي.

۲- د بانک مالک، مدیر یا کارمند ته د مبلغ ورکړه یا لېږد صورت مونډلي وي، خو دا چې بانک، مدیر او یا کارمند کمېسیون ته ثابته کړي چې دغه ورکړه یا لېږدونه، په بانک کې د هغه د کارمندانو په حقوقو او حق الزحمې پورې اړه لري او یا د هغه له حساب څخه چې په بانک کې یې لري، اخیستل (برداشت) شوي دي او اندازه یې غیر معمولي نده او یا ثابته کړي چې نه پوهېده چې دغه لېږدونه او ورکړه بانک ته د اعتبار ورکوونکو د ګټو د ضرر سبب د رامنځته کېدو کېږي.

ایجاد ضرر برای اعتبار دهندگان آن گردد، بانک و طرف معامله از موضوع آگاهی داشته و در خلال سه ماه قبل از تاریخ فیصله آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک صورت گرفته باشد، در صورت تحقق موارد آتی به اثر درخواست مدیر تصفیه توسط کمیسیون بی اثر و باطل پنداشته می‌شود:

۱- تحفه اخذ شده باشد.

۲- پرداخت یا انتقال مبلغ به مالک، مدیر یا کارمند بانک صورت گرفته باشد، مگر اینکه بانک، مدیر و یا کارمند، به کمیسیون ثابت نماید که چنین پرداخت و یا انتقال، حق الزحمه و حقوق مربوط به کارمندان وی در بانک بوده و یا از حساب وی که در بانک دارد، برداشت شده و اندازه آن غیر معمولی نمی‌باشد و یا ثابت کند که نمی‌دانست که این انتقال و پرداخت سبب ایجاد ضرر به منافع اعتبار دهندگان بانک می‌گردد.

۳- د ورکړې اجراء کول یا لېږدول د هغو د سررسید له نېټې د مخه او یا د پور په مقابل کې د تر رهن لاندې مال لېږدول د سررسید له نېټې د مخه.

۴- د قرارداد د عقد له املـه د قرارداد اړخونو ته د بانک د مسئولیتونو اجراء کول درانه اودزیات لګښت لرونکي وي.

۵- د بانک یا د یوه یا څو نورو اشخاصو ترمنځ د ترتیب سرته رسول او د دې قانون په دوه اتیایمه ماده کې له درج شوي مالي قرارداد پرته چې د بانک او مقابلو خواوو ترمنځ د حقوقو او مسئولیتونو د متعادل کولو اجازه په داسې حال کې چې د ورشکستګۍ له فیصلې د مخه مجاز ګڼل شوې نه وي، ورکړې وي.

د ورکړو او بها لرونکو سندونو د تسویې په سیستم کې د تسویې قطعیت

اووه اویایمه ماده:

(۱) د دې قانون د پنځه پنځوسمې مادې په (۴) فقره، د دري شپېتمې

۳- اجرای پرداخت یا انتقال قبل از تاریخ سررسید آن و یا انتقال مال تحت رهن در برابر قرضه، قبل از تاریخ سر رسید آن.

۴- اجرای مسئولیت های بانك در اثر عقد قرارداد به طرف های قرارداد سنگین تر و پر مصرف تر باشد.

۵- انجام ترتیب میان بانك و یك یا چند شخص دیگر غیر از قرارداد مالی مندرج ماده هشتاد و دوم این قانون که اجازۀ متعادل کردن حقوق و مسئولیت های بین بانك و طرفهای مقابل را در حالیکه قبل از فیصله ورشکستگی مجاز پنداشته نشده، داده باشد.

قطعیت تسویه در سیستم تسویه پرداخت و اسناد بهادار

ماده هفتاد و هفتم:

(۱) علی الرغم احکام مندرج فقره (۴) مادۀ پنجاه و پنجم، جزء

مادې د (۲) فقرې په (۱) جزء، او د شپږ اویایمې مادې په (۲) فقره او د (۷) فقرې په (۲ او ۳) جزء کې له درج شوو حکمونو سره سره لاندې مراتب هم د تطبیق وړ دي:

۱- د نه فسخې وړ فرمایشونه او د پیسو او بهاـ لرونکو سندونو لېږدونه چې د بانک په واسطه د ورکړې د تسویې په سیستم کې او یا د د افغانستان بانک لخوا صادر شوي بهاـ لرونکي سندونه په رسمیت پېژندل شوي وي، که څه هم چې کمېسیون د بانک پرخلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل فیصله صادر کړې وي، پر ثالثو اړخونو باندې د اجراء او تطبیق وړ دي.

۲- په هغه صورت کې چې بانک په هماغې ورځ چې د هغې پرخلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل فیصله نافذ شوې ده، د پیسو او بهاـ لرونکو سندونو د نه فسخ وړ فرمایشونه، د ورکړې یاـ بهاـ لرونکو سندونو د تسویې په سیستم کې شامل کړي، د لېږدونې فرمایشونه نسبت ثالثو اړخونو ته د اجراء او تطبیق وړ دي، خو دا

(۱) فقرۀ (۲) مادۀ شصت و سوم و فقرۀ (۲) و اجزاء (۲ و ۳) فقرۀ (۷) مادۀ هفتاد و ششم این قانون، مراتب آتی نیز قابل تطبیق می‌باشد:

۱- فرمایشات غیر قابل فسخ و انتقال پول و اسناد بهادار که توسط بانک شامل سیستم تسویه پرداخت یا اسناد بهادار صادر شده از طرف دافغانستان بانک به رسمیت شناخته شده باشد، بالای طرف های ثالث گرچه کمیسیون فیصلۀ آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک را صادر نموده باشد، قابل اجراء و تطبیق می‌باشد.

۲- در صورتی‌که بانک در همان روزی که فیصلۀ آغاز اقدامات ورشکستگی علیه آن نافذ گردیده است، فرمایشات غیر قابل فسخ انتقال پول و اسناد بهادار را در سیستم تسویه پرداخت یا اسناد بهادار شامل سازد، فرمایشات انتقال نسبت به طرف های ثالث، قابل اجراء و تطبیق

چې د تصفيې مدير ثابته کړي چې د سيستم مجرى، مخکې تر دې چې د لېږدونې د نه فسخې وړ له فرمايشونو سره موافقه وکړي، د ورشکستگۍ له تصميم څخه خبر وو.

(۲) د لېږدونې فرمايش چې د پيسو يا بهالرونکو سندونو د ورکړې د تسويې په سيستم کې شاملېږي، په هم هغې موقع کې د هغه سيستم د لايحو مطابق د نه فسخ وړ دی.

(۳) هغه قراردادونه او معاملې چې د يوه بانک پرخلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو له پيل او د کمېسيون په واسطه د هغو له نافذېدو د مخه عقد شوي دي، د تطبيق او اجراء وړ دي او هېڅ مورد د ورکړې يا د بهالرونکو سندونو د تصفيې د سيستم په واسطه چې د د افغانستان بانک هغه په رسميت پېژندلي دي، د تخليص د قرارداد د فسخ سبب کېدای نشي.

تخليص په دې ماده کې عبارت دي له د لېږدونې له فرمايشونو څخه د رامنځته شوو څوګونو (متعددو) مطالباتو له تبديلولو چې د تسويې

می‌باشد، مگر اینکه مدیر تصفیه ثابت نماید که مجری سیستم قبل از اینکه به فرمایشات انتقال غیر قابل فسخ توافق کند، از تصمیم ورشکستگی آگاه بوده است.

(۲) فرمایش انتقال که در سیستم تسویه پرداخت پول یا اسناد بهادار شامل می‌شود، در همان موقع مطابق لوایح آن سیستم، غیر قابل فسخ می‌باشد.

(۳) قرارداد ها و معاملاتی که قبل از فیصله آغاز اقدامات ورشکستگی علیه یك بانك و انفاذ آن توسط کمیسیون منعقد شده است، قابل تطبیق و اجراء بوده و هیچ موردی سبب فسخ قرارداد تخلیص توسط سیستم تصفیه پرداخت یا اسناد بهادار که د افغانستان بانك آنرا به رسمیت شناخته است، شده نمی‌تواند.

در این ماده تخلیص عبارت است از تبدیل مطالبات و مسئولیت های متعدد ناشی از فرمایشات انتقال که ذریعهٔ یك

په یوه سیستم کې د یوه یا څو ګډون کوونکو په ذریعه په دغسې یوه سیستم کې یوه یا له یوه څخه نورو زیاتو ګډون کوونکو ته ورکول یا ترلاسه کېږي.

یا چند شرکت کننده در یك سیستم تسویه به یك یا بیشتر از یك شرکت کنندهٔ دیگر در چنین سیستم، پرداخت یا دریافت می‌شود.

د بانک د وندو یا بدیهیو لېږدونه اته اویایمه ماده:

(۱) کمېسیون کولای شي د افغانستان بانک په غوښتنه د بانکداری د سیستم د ګټو د ساتنې او د اعتبار ورکوونکو ته د بانک د موقف د لوړولو لپاره د بانک د تصفیې مدیر ته دستور ورکړي، چې د بانک د اټکل شوو شرطونو او ضوابطو مطابق چې د کمېسیون لخوا تصویب شوي دي، هغه معاملې چې په لاندې چارو تمامې شي، سرته ورسوي:

۱- د بانک له وندایزې پانګې څخه د وندو د ټولو یا یوې برخې لېږدول.

۲- د بانک د ټولو یا یوې برخې دیونو او شتمنیو لېږدول.

(۲) بانک کولای شي د بانک پرخلاف د ورشکستګۍ اقداماتو د پیل او د هغه د انحلال لپاره د

انتقال سهام و بدهی های بانك مادهٔ هفتاد و هشتم:

(۱) کمیسیون می‌تواند به اثر درخواست د افغانستان بانك، جهت حفظ منافع سیستم بانکداری و بلند بردن موقف بانك برای اعتبار دهندگان، به مدیر تصفیه بانك دستور دهد که مطابق شرایط و ضوابط پیشبینی شدهٔ بانك که توسط کمیسیون به تصویب رسیده است، معاملاتی را که منجر به امور آتی می‌گردد، انجام دهد:

۱- انتقال کلیه یا قسمتی از سهام سرمایه سهامی بانك.

۲- انتقال کلیه یا قسمتی از دیون و دارایی های بانك.

(۲) بانك می‌تواند هر زمانی بعد از تثبیت درخواست جهت آغاز اقدامات ورشکستگی علیه

غوښتنليک له تثبيت وروسته هر وخت، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، د معاملې د سرته رسولو غوښتنه وکړي او اجازه يې واخلي.

(۳) د دې مادې په (۲) فقره کې درج شوې معامله، د بانک يايې د رهبرۍ د هيئت د غړو موافقه ايجابوي.

کمېسيون مکلف دی د نوې کتنې په بهير کې د بانک د ديونو د يوې برخې د لېږدونې په هکله د هدايت د اخيستلو لپاره د تصفيې د مدير غوښتنه چې د ځينو دائنينو او اعتبار ورکوونکو ګټې په هغه کې شاملې نه وي په اړه، په پام کې ونيسي.

ټولو ذينفعو اړخونو ته د ديونو لېږدول، د لېږدونې د خبرتيا له خپرېدو يوه ورځ وروسته، نافذ ږي.

بانک و انحلال آن، طبق حکم مندرج فقرۀ (۱) اين ماده درخواست انجام معامله را نموده و اجازۀ آنرا کسب نمايد.

(۳) معاملۀ مندرج فقره (۲) اين ماده ايجاب موافقۀ بانک يا اعضای هيئت رهبری آنرا می نمايد.

کميسيون مکلف است در جريان تجديد نظر، تقاضای مدير تصفيه را جهت اخذ هدايت راجع به انتقال قسمتی از ديون بانک که منافع عدۀ از داينين و اعتبار دهندگان در آن شامل نباشد، در نظر بگيرد.

انتقال ديون برای کليه طرف های ذينفع يک روز بعد از انتشار اطلاعيه انتقال، نافذ می گردد.

د املاکو او شتمنيو رپوټ

نهه اويايمه ماده:

(۱) دبانک پرخلاف د ورشکستګۍ د اقداماتو د پيل په اړه د کمېسيون د فيصلې د صادرېدو له

گزارش املاک و دارايی ها

مادۀ هفتاد و نهم:

(۱) در خلال دو هفته بعد از تاريخ صدور فيصله کميسيون مبنی به آغاز اقدامات

نېټې وروسته د دوو اوونیو په ترڅ کې، د تصفیې مدیر د بانک د املاکو او مالونو رپوټ چې د لاندې مطالبو لرونکي وي، فهرست او کمېسیون ته وړاندې کوي:

۱- د بانک د ونډې ایزې پانګې د ورکړل شوو اشتراکاتو په شمول د پور او ضمانت د موافقه لیکونو، د پېرودنې یا پلورنې د موافقه لیکونو او همدارنګه د دفتري ارزښتونو او د شتمنیو د انحلال د تخمیني ارزښتونو د حساب له بابته د بانک د مطالباتو، د بانک د شتمنیو تشخیصول.

۲- د کرایې، اجارې او رهن د موافقه لیکونو په شمول د هغو قراردادونو تشخیصول چې د هغو له املې د بانک املاک د مقابل لوري په واک کې وي.

۳- هغه قراردادونه چې بانک د هغو پر بنسټ خدمتونه ترلاسه کوي.

۴- هغه د پام وړ معاملې چې بانک د ورشکستګۍ د فیصلې له نېټې څخه د دېرشو ورځو په اوږدو کې بې له وقفې له هغو سره موافقه کړې وي.

ورشکستگی علیه بانک، مدیر تصفیه راپور اموال و املاك بانك را که حاوی مطالب آتی می‌باشد، فهرست و به کمیسیون تقدیم می نماید:

۱- تشخیص دارایی های بانک، شامل مطالبات بانک از بابت حساب اشتراکات پرداخت شدهٔ سرمایهٔ سهامی بانک، موافقتنامه های قرضه و ضمانت، موافقتنامه های خرید یا فروش و هم چنان ارزشهای دفتری و ارزشهای تخمینی انحلال دارایی ها.

۲- تشخیص قرارداد های که از اثر آنها املاك بانک، در اختیار طرف مقابل می‌باشد، به شمول موافقتنامه های کرایه، اجاره و رهن.

۳- قرارداد های که به اساس آنها، بانك خدمات دریافت می‌دارد.

۴- معاملات قابل توجهی که بانك در طول سی روز از تاریخ فیصلهٔ ورشکستگی بدون وقفه به آنها موافقت کرده است.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی رپوټ له دریو میاشتو وروسته د نوي کېدو وړ دی او بانک ته د اعتبار ورکوونکو په واک کې چې د هغوی مطالبات د دې قانون د یو اتیایمې مادې مطابق، د تصویب شوو مطالباتو په فهرست کې شامل شوې دي، ورکول کېږي.

د مطالباتو ثبتول

اتیایمه ماده:

(۱) د دې قانون د یو اتیایمې مادې په (۱ او ۲) فقره کې د درج شوو حکمونو په استثنی، د ورشکسته بانک د ذمت ټول مطالبات، له هغې نېټې څخه چې د بانک پرخلاف د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل په هکله د کمېسیون فیصله خپرېږي، په لیکلې توګه د تصفیې له مدیر سره ثبتېږي.

کمېسیون کولای شي دغه موده یوازې یو ځل د یوې میاشتې لپاره اعتبار ورکوونکو ته اوږده (تمدید) کړي. د غوښتنې په صورت کې هغوی ته د ثبت رسید ورکول کېږي.

(۲) راپور مندرج فقرهٔ (۱) این ماده بعد از سه ماه قابل تجدید بوده و در اختیار اعتبار دهندگان بانك كه مطالبات آنها شامل فهرست مطالبات تصویب شده مطابق حكم مادهٔ هشتاد و یكم این قانون گردیده است، قرار داده می‌شود.

ثبت مطالبات

مادهٔ هشتادم:

(۱) به استثنای احكام مندرج فقره های (۱ و ۲) مادهٔ هشتاد و یكم این قانون، تمام مطالبات ذمت بانك ورشكسته كتباً نزد مدیر تصفیه در خلال دو ماه از تاریخی كه فیصله كمیسیون در مورد آغاز اقدامات ورشكستگی علیه بانك منتشر می‌شود، به ثبت می رسند.

كمیسیون می‌تواند این مدت را صرف یك مرتبه به مدت یك ماه برای اعتبار دهندگان تمدید نماید. در صورت درخواست، برای آنها رسید ثبت داده می‌شود.

(۲) مطالبات له مستندو مدارکو سره یوځای او د لاندې معلوماتو په لرلو سره غوښتل کېږي او ثبتېږي:
۱- د اعتبار ورکوونکي (دائنینو) نوم او آدرس.
۲- د تکټمانې مبلغ او د جریمو او مالیاتونو نور لګښتونه چې د مطالبې د اصل پیسو په مبلغ کې شامل شوي دي.
۳- په رهن، د مال د حبس په حق یا ضمانت پورې اړوند جزئیات چې ادعا تضمینوي، د ضامن د نوم او آدرس په شمول.
(۳) د بانک پرخلاف د ورشکستګۍ د اقداماتو په اړه د کمېسیون فیصله، د بانک په دفترونو یا سندونو کې د ثبت شوو سپارنو په هکله د غوښتنو د ثبت لپاره هر ډول موجود زماني محدودیت ځنډوي، د اعتبار د ترلاسه کولو په منظور ادعا، له متولي سره ثبتېږي.
زماني محدودیت چې په هغه کې نورې غوښتنې معتبرې ګڼل کېږي، د تصفیې له مدیر سره له ثبتولو وروسته ځنډېږي.

(۲) مطالبات همراه با مدارک مستند و حاوی معلومات آتی درخواست و به ثبت می رسد:
۱- نام و آدرس اعتبار دهنده (دائنین).
۲- مبلغ تکتانه وسایر مصارف جریمه ها و مالیات های که شامل مبلغ اصل پول مطالبه شده اند.
۳- جزئیات مربوط به رهن، حق حبس مال یا ضمانت که ادعا را تضمین می‌کند به شمول نام و آدرس ضامن.
(۳) فیصله کمیسیون مبنی بر آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک، هر گونه محدودیت زمانی موجود برای ثبت مطالبات در مورد سپرده های ثبت شده دفاتر یا اسناد بانک را ملتوی می‌سازد، ادعا به منظور کسب اعتبار نزد متولی ثبت می‌گردد.
محدودیت زمانی که طی آن سایر مطالبات معتبر پنداشته می‌شود، بعد از ثبت نزد مدیر تصفیه ملتوی می‌گردد.

د غوښتنو منل

یو اتیایمه ماده:

(۱) په ثبت رسېدلې غوښتنې، د دې قانون په اتیایمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق، د منلو وړ دي.

په دفترونو یا سندونو کې د درج شوو سپارنو په هکله د غوښتنو یا د بانک د کارمندانو په نه ورکول شوو معاشونو پورې د اړوندو غوښتنو په استثنی (له امتیازاتو، د انفکاک په وخت کې واجب الادا مبالغو او د کارمندانو له اصلي معاشونو څخه د اضافي لاړمې نورو ورکړو پرته) چې د درج شوو مبالغو په اندازه، له ثبت پرته د منلو وړ دي.

(۲) له نورو مدارکو پرته د بانک په دفترونو یا سندونو کې د تصفیې د مدیر په واسطه درج شوې غوښتنې د منلو وړ دي، هغه شمېر غوښتنې چې د بانک په دفترونو کې د درج شوي لږ مبلغ لپاره، ثبتېږي. یوازې د لږ مبلغ لپاره د منلو وړ دي.

(۳) بانک ته اعتبار ورکوونکي چې د رهن، یا د بانک له شتمنیو څخه

قبول مطالبات

مادۀ هشتاد و یکم:

(۱) مطالبات به ثبت رسیده مطابق حکم مندرج مادۀ هشتادم این قانون قابل قبول می‌باشد.

به استثنای مطالبات در مورد سپرده های مندرج در دفاتر یا اسناد یا مطالبات مربوط به معاشات پرداخت ناشدۀ کارمندان بانك (بدون امتیازات، مبالغ واجب الادا حین انفكاك وسایر پرداخت های لازمی اضافه از معاشات اصلی کارمندان) که به اندازۀ مبالغ درج شده، بدون ثبت قابل قبول می‌باشند.

(۲) مطالبات درج شده توسط مدیر تصفیه در دفاتر یا اسناد بانك بدون ارایه سایر مدارك قابل قبول می‌باشد، آنعده مطالبات که برای مبلغ کمتر درج شده در دفاتر بانك، به ثبت می رسند، صرف برای مبلغ کمتر قابل قبول می‌باشد.

(۳) اعتبار دهندگان بانك که مطالبات شان در برابر رهن یا حق

د مال د حبس د حق په وړاندې د هغوی غوښتنې تضمین شوې دي، کولای شي د هغو مبالغو لپاره خپل مطالبات چې په یوه ورته مزایده کې د شتمنۍ له توقع وړ ارزښت څخه زیات دي، ثبت کړي.

دغه ډول غوښتنې د منلو وړ ندي، خو دا چې د شتمنۍ د مالکیت حق د دې قانون د پنځه اتیایمې مادې د حکم مطابق په بل ډول سره د لېږدولو وړ وي.

(۴) نا څرګندې ارزښت لرونکې غوښتنې د هغه ارزښت په حدودو کې چې د تصفیې مدیر یې تخمینوي، د منلو وړ ګڼل کېږي.

(۵) د تصفیې مدیر مکلف دی ثبت شوې غوښتنې له ارزونې وروسته چې د ده د منلو وړ ګرځېدلې دي، د منل شوو غوښتنو په فهرست کې درج او هغه چې د هغه د اعتراض وړ ګرځي د اعتراض د دلیلونو په ذکرولو سره په جلا فهرست کې درج کړي، په نومورو فهرستونو کې د مدعیانو نوم، آدرس، د غوښتنو مبلغ او دا چې غوښتنې د رهن په واسطه تضمین شوې دي یا

حبس مال از دارایی های بانک تضمین شده است، می‌توانند مطالبات خویش را برای مبلغی که از ارزش مورد توقع دارایی در یک مزایده همسانی بیشتر باشد، ثبت کنند.

این گونه مطالبات قابل قبول نمی‌باشد، مگر اینکه حق مالکیت دارایی به نحو دیگر، مطابق حکم ماده هشتاد و پنجم این قانون قابل انتقال باشد.

(۴) مطالبات دارای ارزش نامعلوم را در حدود ارزشی که مدیر تصفیه تخمین می نماید قابل قبول پنداشته می‌شود.

(۵) مدیر تصفیه مکلف است بعد از ارزیابی مطالبات ثبت شده که مورد قبول وی واقع گردیده است درج فهرست مطالبات قبول شده نموده، آنهایی را که مورد اعتراض وی قرار می‌گیرد با ذکر دلایل اعتراض درج فهرست جداگانه نماید. در فهرست های متذکره نام، آدرس، مبلغ مطالبات مدعیان و اینکه مطالبات توسط رهن تضمین شده اند یا نه، درج

نه، درجېږي.
هغه غوښتنې چې مساوي جنبه لري په یوه طبقه کې درجېږي او د تقدم د حق پر بنسټ فهرست کېږي.
(۶) د دې مادې په (۵) فقره کې درج شوي فهرستونه، د بشپړو شوو غوښتنو له وروستۍ نېټې څخه په (۳۰) ورځو کې د تصویب لپاره کمېسیون ته استول کېږي. د تصفیې مدیر مکلف دی په هرو دریو میاشتو کې نوي فهرستونه د تصویب لپاره کمېسیون ته واستوي.
د فهرستونو له تصویب د مخه کمېسیون کولای شي د تصفیې د مدیر په سلا غوښتنې له یوه فهرست څخه بل فهرست ته انتقال کړي، کمېسیون کولای شي هغه مدرکونه چې د اعتراض وړ غوښتنو د تصویب لپاره لازم دي، مشخص کړي.
(۷) کمېسیون د اعتبار ورکوونکو د هغو غوښتنو چې تر اعتراض لاندې راغلې دي، د څرنګوالي د څېړنې نېټه تاکي ترڅو وکولای شي د هغې په ترڅ کې د خپلو غوښتنو د اثبات لپاره د تصفیې مدیر او

می‌گردد.
مطالباتی که جنبه مساوی دارند، در یک طبقه درج گردیده و به اساس حق تقدم فهرست می‌گردد.
(۶) فهرست های مندرج فقره (۵) این ماده در ظرف (۳۰) روز از آخرین تاریخ مطالبات تکمیل شده، جهت تصویب به کمیسیون ارسال می‌گردد. مدیر تصفیه مکلف است هر سه ماه فهرست های جدیدی برای تصویب به کمیسیون ارسال نماید.
قبل از تصویب فهرست ها، کمیسیون می‌تواند مطالبات را با مشاورت مدیر تصفیه از یک فهرست به فهرست دیگر انتقال دهد. کمیسیون می‌تواند مدارکی را که برای تصویب مطالبات مورد اعتراض لازم است، مشخص کند.
(۷) کمیسیون تاریخ رسیدگی به چگونگی مطالبات اعتبار دهندگان را که مورد اعتراض قرار گرفته است، تعیین می نماید که آنها بتوانند در خلال آن برای اثبات مطالبات خویش، به مدیر تصفیه و

کمېسیون ته مدرکونه وړاندې کړي، پدې شرط چې دغه ډول څېړنې، کمېسیون ته د اعتراض وړ غوښتنو د فهرست د تسلیمۍ له نېټې وروسته، له شپېتو ورځو څخه په زیاتو کې سرته رسېدلې نه وي.

د هرې څېړنې د نېټې په هکله یوازې یو ځل د پست (چې ممکن الکترونیکي پست هم پکې شامل وي) او هغې خبرتیا په واسطه چې د تصفیې د مدیر لخوا خپرېږي، اعتبار ورکوونکو ته خبر ورکول کېږي.

که چېرې اعتبار ورکوونکي په کمېسیون کې د اړوندو غوښتنو د څېړنې لپاره چې د پست په واسطه هغو ته خبر ورکول شوی دی، حاضر نه شي، د رد شوو غوښتنو په توګه ګڼل کېږي، د تصفیې مدیر مکلف دی د کمېسیون په واسطه د رد شوو غوښتنو په هکله، کتباً اعتبار ورکوونکو ته خبر ورکړي.

(۸) د کمېسیون په واسطه د غوښتنو منظوري وروستنۍ ده. هغه غوښتنې چې د کمېسیون په کمیسیون مدارك ارایه کنند، مشروط براینکه چنین رسیدگی ها در بیشتر از شصت روز بعد از تاریخ تسلیمی فهرست مطالبات مورد اعتراض به کمیسیون، انجام نگرفته باشد.

به اعتبار دهندگان در مورد تاریخ هر رسیدگی صرفاً یکبار توسط پست (که ممکن پست الکترونیکی را نیز در برداشته باشد) و آگاهی که توسط مدیر تصفیه نشر اطلاع داده می‌شود.

هر گاه اعتبار دهندگان به منظور رسیدگی مطالبات مربوط در کمیسیون که توسط پست به آنها خبر داده شده است، حضور نیابند، به عنوان مطالبات رد شده شناخته می‌شوند. مدیر تصفیه مکلف است در مورد مطالبات رد شده توسط کمیسیون کتباً به اعتبار دهندگان اطلاع دهد.

(۸) منظوری مطالبات توسط کمیسیون نهایی است. مطالباتی که توسط کمیسیون منظور

واسطه منظورېږي، په فهرست کې درجېږي او د تصفيې د مدير په واسطه ساتل کېږي.

د تصفيې مدير مکلف دی د کمېسيون لخوا د منل شوو غوښتنو په صورت کې اعتبار ورکوونکو ته کتباً خبر ورکړي.

(۹) د تصفيې مدير نشي کولای هېڅ ورکړه د هغو مطالباتو په حساب چې د کمېسيون په واسطه رد کېږي، اجراء کړي. هغه اعتبار ورکوونکي چې غوښتنې يې د کمېسيون په واسطه ردېږي کولای شي، د خبرتيا د ترلاسه کولو له نېټې څخه وروسته په دوو اوونيو کې د کمېسيون پر فيصلې باندې د نوې کتنې غوښتونکي شي.

مـی‌گردد، درج فهرست گردیده و توسط مدیر تصفیه نگهداری می‌شود.

مدیر تصفیه مکلف است در مورد مطالبات قبول شده توسط کمیسیون، کتباً به اعتبار دهندگان اطلاع دهد.

(۹) مدیر تصفیه نمی تواند هیچ پرداختی را به حساب مطالبات که توسط کمیسیون رد می‌شود اجراء نماید. اعتبار دهندگان ایکه مطالبات آنها توسط کمیسیون رد میشود می‌تواند در ظرف دو هفته بعد از تاریخ دریافت آگاهی خواهان تجدید نظر بر فیصله کمیسیون گردند.

تعادل او تلخيص

دوه اتيايمه ماده:

(۱) هغه تصميمونه چې د دې قانون د حکمونو مطابق نيول کېږي، نشي کولای د ورشکسته بانک او مقابلو ارخونو ترمنځ د مسئوليتونو له تعادل څخه چې له قانون سره مطابقت لري، مخنيوی وکړي.

تعادل و تلخیص

مادۀ هشتاد و دوم:

(۱) تصامیم ایکه مطابق احکام این قانون اتخاذ می‌شود، نمی‌تواند از تعادل مسئولیت ها بین بانك ورشکسته و طرف های مقابل آن که با قانون مطابقت دارد، جلوگیری بعمل آورد.

(۲) د ورشکسته بانک او مقابلو قرار دادي اړخونو د حقوقو او مسئولیتونو په ټاکلو کې د شرایطو لرونکو مالي قراردادونو حکمونو او د هغوی ترمنځ د شرایطو لرونکو مالي قراردادونو د مفاد ټولو پایته رسېدونکو (پایاني) او تعادلي (تصفیه شوو) ترتیباتو ته، ترتیب اثر ورکول کېږي. نګه انقضایي (پایاني) ارزښت چې د دوی ترمنځ د شرایطو لرونکي مالي قرارداد مطابق ټاکل کېږي د مقابل لوري علیه د بانک د مطالبې په شکل دی یا له ثبت وروسته، د بانک علیه د مقابل لوري غوښتنه منل کېږي.

نګه انقضایي (پایاني) ارزښت هغه نګه مبلغ دی چې د شرایطو لرونکي یوه مالي قرارداد د اړخونو ترمنځ د متقابلو مسئولیتونو (بدیهیو) له انډول (متعادل) کولو وروسته لاس ته راځي.

د شرایطو لرونکي مالي قرارداد له لاندې موافقه لیکونو څخه عبارت دی:

۱- د اسعارو یا د ټکټانې د نرخ د

(۲) در تعیین حقوق و مسئولیت های بانك ورشکسته و طرف های قرارداد آن به احکام قرارداد های مالی واجد شرایط مفاد تمام ترتیبات پایانی و تعادلی (تصفیه شده) قرارداد های مالی واجد شرایط بین آنها ترتیب اثر داده می شود، ارزش انقضایی (پایانی) خالص که طبق قرارداد مالی واجد شرایط بین آنها تعیین می‌شود به شکل مطالبه بانك علیه طرف مقابل بوده یا بعد از ثبت، طلب طرف مقابل علیه بانك قبول می‌گردد.

ارزش انقضائی (پایانی) خالص، مبلغ خالص است که از متعادل کردن مسئولیت های (بدهی ها) متقابل بین طرفین یك قرارداد مالی واجد شرایط بدست می‌اید.

قرارداد مالی واجد شرایط عبارت از موافقتنامه های آتی می باشد:

۱- موافقتنامه معاوضه اسعار یا

معاوضې موافقه لیک.
۲- د مأخذي ټکټانې د نرخونو د معاوضې موافقه لیک.
۳- د چمتو معاوضې، د مخه پېرودنې، مستقبلي او د اسعارو د نورو موافقه لیکونه.
۴- د ټکټانې د نوساني نرخ د اکثر حد یا اقل حد د ټاکونکې معاملې د تأمینولو موافقه لیك.
۵- د اجناسو د قرارداد د معاوضې موافقه لیک.
۶- د ټکټانې د نرخ د دمخه پېرودنې موافقه لیک.
۷- د بیا پېرودنې یا معکوسې بیا پېرودنې موافقه لیک.
۸- د چمتو معاوضې، د مخه پېرودنې، مستقبلي او د اجناسو د نورو قراردادونو موافقه لیک.
۹- د پېرودنې، پلورنې، د پور د راکړې ورکړې، د بها لرونکو سندونو موافقه لیک، د بها لرونکو سندونو د معاملو د تسویې موافقه لیک او د بها لرونکو سندونو د یوه امین په توګه د خدمتونو د سرته رسولو موافقه لیک.
۱۰- د دې فقرې له (۱ څخه تر ۹)

نرخ های تکتانه.
۲- موافقتنامه معاوضه نرخ های ماخذی تکتانه.
۳- موافقتنامه های معاوضهٔ آماده، پیش خرید، مستقبلی وسایر موافقتنامه های اسعار.
۴- موافقتنامه تأمین معامله تعیین کننده حد اکثر یا حد اقل نرخ نوسانی تکتانه.
۵- موافقتنامهٔ معاوضهٔ قرارداد اجناس.
۶- موافقتنامه پیش خرید نرخ تکتانه.
۷- موافقتنامهٔ باز خرید یا باز خرید معکوس.
۸- موافقتنامه‌های معاوضهٔ آماده، پیش خرید، مستقبلی وسایر موافقتنامه های قرارداد اجناس.
۹- موافقتنامه های خرید، فروش، داد و ستد قرضه، اسناد بهادار، تسویهٔ معاملات اسناد بهادار و موافقتنامهٔ انجام خدمات به مثابه یك امین اسناد بهادار.
۱۰- هرگونه مشتق، ترکیب یا

جزء پورې درج شوو موافقه لیکونو ته د ورته موافقه لیک په اړه هر ډول مشتق، ترکیب یا اختیار.

۱۱- د دې فقرې له (۱ څخه تر ۱۰) جزء پورې د درج شوو موافقه لیکونو په اړه یو مخیز (فراګیر) موافقه لیکونه.

۱۲- د دې فقرې له (۱ څخه تر ۱۱) جزء پورې تر درج شوو موافقه لیکونو لاندې د دیونو د ضمانت موافقه لیک.

۱۳- نور هغه موافقه لیکونه چې د دافغانستان بانک د مقررې په واسطه تجویزېږي.

(۳) د بانک پرخلاف د ورشکستګۍ د اقداماتو د پیل یا له مصؤنیت سره د ترلاسه شوو غوښتنو او منل شوو بدیهیو د پیل د فیصلې له انفاذ وروسته د بانک په اړه د ترلاسه شوو غوښتنو په هکله د انډول رامنځته کول د فیصلې له انفاذ د مخه صورت نشي مونداى. د دې قانون په اووه اویایمه ماده کې درج شوې موارد لدې حکم څخه مستثنی دي.

اختیار در رابطه با موافقتنامهٔ مشابه با موافقتنامه های مندرج اجزاء (۱ الی ۹) این فقره.

۱۱- موافقتنامه های فراگیر در رابطه به موافقتنامه های مندرج اجزاء (۱ الی ۱۰) این فقره.

۱۲- ضمانت دیون تحت موافقتنامه های مندرج اجزای (۱ الی ۱۱) این فقره.

۱۳- سایر موافقتنامه های که توسط مقررهٔ د افغانستان بانک تجویز می گردد.

(۳) ایجاد تعادل در مورد مطالبات کسب شده یا بدهی های قبول شده در رابطه به بانک بعد از انفاذ فیصلهٔ آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانك یا مطالبات کسب شده و بدهی های قبول شده یا مصئونیت قبل از انفاذ فیصله، صورت گرفته نمی تواند. موارد مندرج مادهٔ هفتاد و هفتم این قانون ازین حکم مستثنی می‌باشد.

د روانو (جاري) قراردادونو فسخ کول

دري اتیایمه ماده:

د ورشکسته بانک (د خرڅلاو، کرایې، اجاري، اجاره یې پېرودنې او استخدام په شمول) ټول یا څو برخې جاري قراردادونه، کېدای شي د تصفیې د مدیر په واسطه په یو اړخیز ډول د مناسب وخت مودې په ترڅ کې وروسته تر دې چې د ورشکستگۍ د اقداماتو د پیل لپاره غوښتنلیک ومنل شي، فسخ کړی شي، پدې شرط چې د بانک مقابلو اړخونو له قراردادڅخه له سرغړونې نه د راپیدا شوو زیانونودجبران د ترلاسه کولو لپاره خپلې غوښتنې، ثبت کړي وي.

فسخ قرارداد های جاری

مادۀ هشتاد و سوم:

تمام یا قسمت های از قرارداد های جاری بانك ورشکسته برای تحویل اجناس و خدمات (بشمول قرارداد های فروش، کرایه، اجاره، خرید اجاره یی و استخدام) می‌تواند بصورت یك جانبه توسط مدیر تصفیه در خلال مدت زمان مناسب بعد از اینکه درخواست غرض آغاز اقدامات ورشکستگی قبول گردد، فسخ می گردد مشروط براینکه طرف های مقابل بانك مطالبات خود را جهت حصول جبران خسارات ناشی از تخطی از قرارداد، ثبت نموده باشند.

د غوښتنو په تصفیې کې تفاهم څلور اتیایمه ماده:

د کمېسیون د دمخنې تصویب په صورت کې، د بانک د تصفیې مدیر کولای شي د غوښتنو د تصفیې په کار کې د بانک له اعتبار ورکوونکو او مدیونینو

تفاهم در تصفیۀ مطالبات

مادۀ هشتاد و چهارم:

در صورت تصویب قبلی کمیسیون، مدیر تصفیه بانك می‌تواند در امر تصفیه مطالبات، با اعتبار دهندگان و مدیونین بانك وارد

سره تفاهم ته کښېنې، هیڅ ډول تصفیه داعتراض اونوې کتنې وړ نده.

تفاهم گردد، هیچ تصفیه ای قابل اعتراض و تجدید نظر نمی باشد.

تضمین شوې غوښتنې

پنځه اتیایمه ماده:

(۱) هغه شتمنۍ چې د بانک پر علیه د اعتبار ورکوونکو منظورې شوې غوښتنې یا د نورو پر علیه د بانک غوښتنې تضمین کړي، د تصفیې د مدیر په واسطه د عمومي مزایدې له لارې پلورل کېږي. لاندې موارد لدې امر څخه مستثنی دي:

۱- بها لرونکي سندونه، اسعار او نورې هغه شتمنۍ چې په آسانۍ سره په بازار کې د خرڅلاو وړ وي، کېدای شي په هغو بازارونو کې چې هلته سوداګري کېږي، ویې پلوري.

۲- بها لرونکي سندونه، اسعار او د بانک نورې شتمنۍ چې د بانک بدهۍ تضمینوي او په آسانۍ سره په بازار کې د خرڅلاو وړ وي، هغه اعتبار ورکوونکي چې دغه شتمنۍ په واک کې لري، کولای شي، ویې پلوري.

(۲) په هغه صورت کې چې د

مطالبات تضمین شده

مادۀ هشتاد و پنجم:

(۱) دارایی های که مطالبات منظور شده اعتبار دهندگان علیه بانک یا مطالبات بانک علیه دیگران را تضمین کند، توسط مدیر تصفیه از طریق مزایده عمومی به فروش می‌رسد. موارد آتی ازین حکم مستثنی است:

۱- اسناد بهادار، اسعار و سایر دارایی های را که به آسانی در بازار قابل فروش می‌باشند، می‌توان در بازارهای که در آن تجارت می‌شوند، بفروش رسانید.

۲- اسناد بهادار، اسعار وسایر داریی های بانک که بدهی های بانک را تضمین می کند و به آسانی در بازار قابل فروش باشد، توسط اعتبار دهنده گان که این دارایی ها را در اختیار دارند می‌تواند بفروش برسد.

(۲) در صورتی‌که مدیر تصفیه

تصفيې مدير يې تشخيص کړي چې د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوو شتمنيو ته په عمومي مزايده کې معقوله بيه لاس ته نشي راتلای، کمېسيون د تصفيې مدير ته اجازه ورکوي چې شتمنۍ په خصوصي توګه په هغه بيه چې کمېسيون يې منظوروي، وپلوري.

(۳) د دې مادې د (۱) فقرې په ۲ جزء کې د درج شوو شتمنيو په استثنی د ورشکسته بانک ټولې شتمنۍ د تصفيې د مدير په غوښته د هغه په واک کې ورکول کېږي.

(۴) د هغو شتمنيو د ارزښت په هکله چې په واسطه يې يو طلب تضمينېږي، د تصفيې د مدير او اعتبار ورکوونکي ترمنځ رامنځته شوې شخړه، د کمېسيون په واسطه حل کېږي.

په هغه صورت کې چې نومورې شتمني په بازار يا عمومي مزايده کې پلورل شوې وي، پدې حال کې د پلورنې بيه چې له بازار يا مزايدې څخه لاسته راځي، د شتمنۍ د ارزښت په هکله قطعي ګڼل کېږي.

تشخیص دهد که قیمت معقول برای دارایی های مندرج فقره (۱) این ماده در مزایده عمومی بدست آمده نمی تواند کمیسیون به مدیر تصفیه اجازه می‌دهد که دارایی ها را بطور خصوصی به قیمتی که کمیسیون منظور می نماید به فروش برساند.

(۳) کلیه دارایی های بانک ورشکسته به استثنای دارایی های مندرج جزء ۲ فقره (۱) این ماده در صورت تقاضای مدیر تصفیه در اختیار وی گذاشته می‌شود.

(۴) منازعۀ ایجاد شده بین مدیر تصفیه و اعتبار دهنده، در مورد ارزش دارایی که ذریعۀ آن یک طلب تضمین می‌گردد، توسط کمیسیون حل می‌گردد.

در صورتی‌که دارایی متذکره در بازار یا مزایدۀ عمومی بفروش رسیده باشد، در آن حالت قیمت فروش که از بازار یا مزایده بدست می آید، در مورد ارزش دارایی قطعی شمرده می‌شود.

د ورکړو لومړیتوب (تقدم)

شپږ اتیایمه ماده:

د ورشکسته بانک شتمنۍ د هغو د اعتبار ورکوونکو ترمنځ د لاندې لومړیتوبونو په ترتیب وېشل کېږي:

۱- د سپارنو له بابته غوښتنې چې د پور د بها لرونکو سندونو په ډول وي، هر سپارنوال (سپارنې اېښودونکي) ته حد اکثر تر شلو زرو افغانیو پورې.

۲- د ورشکستگۍ له اداري څخه رامنځته شوي مخارج او لګښتونه.

۳- د متولیت او بیا رغونې له بابته د بانک پورونه.

۴- هغه مالیات چې د ورشکستگۍ د تصمیم له نېټې څخه له دوو کلونو زیات قدامت ونلري او ترسره شوي وي.

۵- د بانک د کارکوونکو د اصلي معاشونو په شمول د اعتبار ورکوونکو نه تضمین شوې غوښتنې چې د بانک د ذمت غوښتنه (طلب) ده.

۶- پاتې شتمنۍ د بانک خاوندانو ته د هغوی د ملکیت د ونډو په تناسب، لېږدول کېږي.

تقدم پرداخت ها

مادۀ هشتاد و ششم:

دارایی های بانك ورشکسته میان اعتبار دهندگان آن به ترتیب اولویتهای ذیل توزیع می‌گردد:

۱- مطالبات از بابت سپرده ها که بصورت اسناد بهادار قرضه نباشد تا حد اکثر مبلغ بیست هزار افغانی برای هر سپرده گذار.

۲- مخارج و مصارف ناشی از اداره ورشکستگی.

۳- دیون بانك از بابت متولیت و احیاء مجدد.

۴- مالیاتی‌که قدامت بیشتر از دو سال از تاریخ تصمیم ورشکستگی نداشته و به سر رسیده باشد.

۵- مطالبات تضمین نشده اعتبار دهندگان به شمول معاشات اصلی کارمندان بانك که طلب ذمت بانك است.

۶- بقیه دارایی ها به مالکین بانك، متناسب به سهام ملکیت آنها، منتقل می‌گردد.

د انحلال پلان

اووه اتیایمه ماده:

(۱) د بانک پرخلاف د انحلال د اقداماتو په پیل کېدو د کمېسیون د فیصلې له نېټې وروسته د دریو میاشتو په ترڅ کې، د تصفیې مدیر د انحلال مفصل پلان برابروي او د تصویب لپاره یې کمېسیون ته وړاندي کوي. په دغه پلان کې لاندې اقدامات شامل دي:

۱- د جاري بېلانس شیټ پروفورمه چې د بانک شتمنۍ او بدهۍ د هغو د انحلال د تخميني ارزښت مطابق څرګندوي او د بېلانس شیټ پروفورمه چې د دریو راتلونکو میاشتو مودې په ترڅ کې د بانک منتظره شتمنۍ او بدهۍ څرګندې کړي، دغه بېلانس شیټونه د اعتبار ورکوونکو د منل شوو غوښتنو، منظورو شوو غوښتنو او د اعتراض وړ غوښتنو په شان د بانک دیون مشخصوي.

۲- د بانک د تېرو او احتمالي راتلونکو عوایدو او لګښتونو ربعوار رپوټونه.

۳- د بانک د خرڅلاو د چارو د

پلان انحلال

مادۀ هشتاد و هفتم:

(۱) در خلال سه ماه بعد از تاریخ فیصله کمیسیون مبنی بر آغاز اقدامات ورشکستگی علیه بانک، مدیر تصفیه، پلان انحلال مفصل را تهیه و به کمیسیون جهت تصویب تقدیم می نماید. این پلان شامل اقدامات آتی می‌باشد:

۱- پروفورمه بیلانس شیت جاری که دارایی ها و بدهی های بانک را طبق ارزش تخمینی انحلال آنها نشان می‌دهد و پروفورمه بیلانس شیت که دارایی ها و بدهی های منتظره بانک را طی مدت سه ماه آینده نشان بدهد، این بیلانس شیت ها، دیون بانک از قبیل مطالبات قبول شده اعتبار دهندگان، مطالبات منظور شده و مطالبات مورد اعتراض را مشخص می‌سازد.

۲- راپورهای ربعوار عواید و مصارف گذشته و احتمالی آینده بانک.

۳- راپور پیشرفت امور فروش و

پرمختګ او د عمده یا یوې برخې شتمنیو د خرڅلاو د پلان رپوټ.

۴- د تېرابستونکو موافقه لیکونو، ترسره شوو لېږدونو او هغو حقوقو چې د هغو په واسطه رامنځته شویدي د فسخ کولو لپاره د عدلي اقداماتو په شمول د بانک د غوښتنو د قضائي یا له قضائي تعقیب حوزې څخه د بهر تعقیب په هکله رپوټ.

۵- بانک ته د زیانونو د اړولو لپاره د بانک د مدیرانو د غیر قانوني فعالیتونو او اقداماتو په هکله رپوټ.

۶- د بانک د کارکوونکو لپاره د تدارکاتو په هکله د بشپړ تحلیل او تجزیې په شمول د بانک د بیمې د قراردادونو، استخدام او خدماتو په شان جاري قراردادونو د دوام یا فسخ په هکله رپوټ.

۷- د دریو راتلونکو میاشتو په ترڅ کې د بانک د دیونو د بانک اعتبار ورکوونکو ته د احتمالي ورکړو د برنامې په هکله رپوټ.

۸- د تصفیې د مدیریت د پروسې د تېرو او راتلونکو مخارجو او لګښتونو په هکله رپوټ.

پلان فروش دارایی های عمده یا قسمتی از دارایی های بانك.

۴- راپور در مورد تعقیب قضائی یا خارج از حوزه قضائی مطالبات بانك، شامل اقدامات عدلی جهت فسخ موافقتنامه های فریب کارانه، انتقالات انجام شده و حقوقی که توسط آنها ایجاد شده است.

۵- راپور در مورد فعالیت ها و اقدامات غیر قانونی مدیران بانك جهت وارد آوردن خسارات به بانك.

۶- راپور در مورد ادامه یا فسخ قرارداد های جاری، مانند قرارداد های بیمه، استخدام و خدمات بانك شامل تحلیل و تجزیه مفصل راجع به تدارکات مالی برای کارکنان بانك.

۷- راپور در مورد دیون بانك و برنامۀ پرداختهای احتمالی به اعتبار دهندگان بانك در خلال سه ماه آینده.

۸- راپور در مورد مخارج و مصارف گذشته و آینده پروسه مدیریت تصفیه.

(۲) د انحلال پلان په هرو دریو میاشتو کې نوی کېږي او د کمېسیون په واسطه د هغه له تصویب وروسته د څېړنې لپاره د بانک د اعتبار ورکوونکو په لاس رسی کې چې غوښتنې یې د منظورو شوو غوښتنو په فهرست کې، د دې قانون د یو اتیایمې مادې د حکم مطابق درج شوې دي، ورکول کېږي.

(۲) پلان انحلال، هر سه ماه یکبار تجدید میگردد و بعد از تصویب آن توسط کمیسیون جهت بررسی در دسترس اعتبار دهندگان بانك که مطالبات شان در فهرست مطالبات منظور شده، مطابق حکم مادۀ هشتاد و یکم این قانون درج شده است، قرار می‌گیرد.

د ورشکسته بانک بیا احیاء کول اته اتیایمه ماده:

ورشکسته بانک په کلي یا جزیي صورت سره بیا رغول کېدای نشي، خو د دې قانون په یو شپېتمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق.

احیایی مجدد بانك ورشکسته مادۀ هشتاد و هشتم:

بانك ورشکسته بصورت کلی یا جزئی، احیاء مجدد شده نمی‌تواند مگر طبق احکام مندرج ماده شصت و یکم این قانون.

له اعتبار ورکوونکو سره نه جوړېدل (نه سازش) نهه اتیایمه ماده:

له اعتبار ورکوونکو سره هېڅ ډول سازش یا نور ترتیبات صورت نشي مونډی. د دې قانون په څلور اتیایمه ماده کې درج شوي موارد لدې حکم څخه مستثنی دي.

عدم سازش با اعتبار دهندگان مادۀ هشتاد و نهم:

هیچ نوع سازش یا سایر ترتیبات با اعتبار دهندگان صورت گرفته نمی تواند. موارد مندرج مادۀ هشتاد و چهارم این قانون ازین حکم مستثنی است.

عمـــومي غونـــډه او د اعتبـــار ورکوونکو کمیټه

نوي یمه ماده:

(۱) اعتبار ورکوونکي نشي کولای د ورشکسته بانک د انحـلال په اړه غونډه جوړه کړي، خو د تصفيې د مـدیر په غوښتنه، د د افغانستان بانـک پـه تائیـد او د غونـډې د جوړېدو د اړتیا په اړه د کمېسیون د فیصلې په اثر.

(۲) اعتبار ورکوونکي نشي کولای د ورشکسته بانک د انحـلال په اړه کومـه کمیټـه جـوړه کـړي، خـو د تـصفيې د مـدیر پـه غوښـتنه، د د افغانستان بانک په تائید او د یوه یـا لـه یـوه څخـه د زیـاتو اعتبـار ورکوونکـــو د ګټـــو د ســـاتنې د نمایندګۍ په منظور د کمېټې د جوړېـدو د ګټورتـوب پـه هکلـه د کمېسیون د فیصلې په اثر.

(۳) کمېـــــسیون د غـــــونډې د جوړېدو یـا د کمیټې د تشکیلېدو د مجـاز ګڼلـو پـه اړه، د تـصمیم لـه نیولـــو وروســـــته د هغـــــوی دنـــــدې او د واکونـــــو حـــــدود مشخصوي.

جلسه عمـومی و کمیـته اعتبـار دهندگان

مادۀ نودم:

(۱) اعتبار دهندگان نمی‌توانند در رابطـه بـه انحـلال بانـك ورشکسته جلـسه دایـر نماینـد، مگـر بـه اثـر درخواسـت مـدیر تـصفیه، تائیـد د افغانـــستان بانـــك و فیـــصلۀ کمیسیون مبنی بر ضرورت تدویر جلسه.

(۲) اعتبار دهندگان نمی توانند در رابطـه بـه انحـلال بانـك ورشکسته کمیته ایرا تشکیل نمایند، مگر به اثر درخـواست مدیر تصفیه، تائید دافغانـــستان بـــانك و فیـــصلۀ کمیـــسیون مبنـــی بـــر مطلـوب بـودن تـشکیل کمـــیته بـــه منظـور نمـــایندگی حفـــظ منـــافع یـــك یـــا بیـــشتر از اعتبـــار دهندگان.

(۳) کمیسیون بعد از اخذ تصمیم مبنـی بـر مجـــاز دانـستن تـدویر جلسه یـا تـشکیل کمیتـۀ اعتبـار دهنـــدگان، وظـــایف و حـــدود صـلاحیت هـای آنهـــا را مـشخص می نماید.

د سپارنو اېښودونکو ته د مخه فوري ورکړه

يو نوي يمه ماده:

په ورشکسته بانک کې د عندالمطالبه سپارنو د حسابونو له بابته غوښتنې چې د پور د بهالرونکو سندونو په ډول نه وي زيات نه زيات تر شلو زرو افغانيو پورې هر سپارنه اېښودونکي ته تر کومه ځايه چې ممکنه وي له سپارنې اېښودونکو سره له تماس او پېژندنې وروسته ورکول کېږي. دغه دمخه ورکړه د بانک د انډول کوونکي حق په وسيله نه اغېزمنه کېږي.

وېش

دوه نوي يمه ماده:

(۱) هغه منظورې شوې غوښتنې چې برابره (مساوي) درجه لري، په يوه طبقه کې درج او د هغو د لومړيتوب د حق پر بنسټ فهرست کېږي او د وېش په يوه برنامه کې، د دې قانون د شپږ اتيايمې مادې د حکم مطابق ثبتېږي، د دې قانون په يو نوي يمه ماده کې د درج شوو حکم په استثنی د هغو مطالباتو د

پیش پرداخت فوری به سپرده گذاران

مادۀ نود و یکم:

مطالبات از بابت حسابات سپرده های عندالمطالبه در بانک ورشکسته که به صورت اسناد بهادار قرضه نباشد، الی مبلغ حد اکثر بیست هزار افغانی برای هر سپرده گذار تا آنجائی که ممکن باشد بعد از تماس و شناسائی سپرده گذاران پرداخت می‌شود. این پیش پرداخت بوسیله حق تعادل کردن بانك متأثر نمی‌گردند.

توزیع

مادۀ نود و دوم:

(۱) مطالبات منظور شده که درجه مساوی دارند، در یك طبقه درج و به اساس حق تقدم آن فهرست گردیده و در یك برنامه توزیع، طبق حکم مادۀ هشتاد و ششم این قانون به ثبت می رسند، به استثنای احکام مندرج مادۀ نود و یکم این قانون مبالغ قابل پرداخت

ورکړې وړ مبالغ چې په مساوي درجه کې قرار لري د موجودو وجوهو د مبلغ پر بنسټ په عین فیصدی سره تاکل او ورکول کېږي.

(۲) د تصفیې مدیر کولای شي د دې قانون د شپږم اتیایمې مادې د حکم مطابق هغو اعتبار ورکوونکو ته د ورکړې د وېش برنامه چې مطالبات یې منظور شویدي، د تصویب لپاره کمېسیون ته وړاندې کړي.

(۳) د تصفیې مدیر مکلف دی هغه ورکړه چې د وېش په برنامه کې فهرست شوې او کمېسیون تصویب کړې وي، له ځنډ پرته ترسره کړي.

د وېش په برنامه کې شامل مبالغ چې له اعتبار ورکوونکو سره یې د نه پېژندنې او تماس له املـه د ورکړې وړ ندي، تر یوه حساب لاندې د دافغانستان بانک ته سپارل کېږي.

د تصفیې مدیر د هېواد په یوه کثیرالانتشاره ورځپاڼه کې د خبرتیا په خپرولو سره، اعتبار ورکوونکو ته بلنه ورکوي چې بانک

مطالبات ایکه در درجهٔ مساوی قرار دارند به اساس مبلغ وجوه موجود، به عین فیصدی تعیین و پرداخت می‌گردند.

(۲) مدیر تصفیه می‌تواند مطابق حکم مادهٔ هشتاد و ششم این قانون برنامهٔ توزیع پرداخت را برای اعتبار دهندگان که مطالبات شان منظور شده است جهت تصویب به کمیسیون پیشنهاد نماید.

(۳) مدیر تصفیه مکلف است پرداخت های را که در برنامهٔ توزیع فهرست شده و به تصویب کمیسیون رسیده باشد بدون معطلی انجام دهد.

مبالغ شامل برنامه توزیع که به علت عدم شناسائی و یا تماس با اعتبار دهندگان آن قابل پرداخت نمی باشد، تحت یك حساب به د افغانستان بانك سپرده می‌شوند.

مدیر تصفیه با انتشار آگاهی در یك روزنامه کثیرالانتشار کشور از اعتبار دهندگان دعوت می نماید که به بانك مراجعه

ته مراجعه وکړي، سپارل شوي مبالغ اعتبار ورکوونکو یا یې ورثې ته د ورکړې لپاره د هغې مودې تر تېرېدو (انقضاء) پورې چې د قانون په واسطه ټاکل شوې ده، له د افغانستان بانک سره باقي پاتي کېږي.
نه ورکړل شوي مبالغ دولت ته لېږدول کېږي.

نمایند، مبالغ سپرده شده جهت پرداخت به اعتبار دهندگان یا ورثه آنها، نزد دافغانستان بانک الی انقضای مدتی که توسط قانون معیین گردیده است، باقی می ماند.
مبالغ پرداخت نشده به دولت انتقال می یابد.

د فرع یا داخلي نمایندګۍ د دفتر پر خلاف د ورشکستګۍ اقدامات دري نوي یمه ماده:
(۱) د یوه غیر مېشت بانک د فرع یاداخلي نمایندګۍ د دفتر پرخلاف د ورشکستګۍ اقدامات تر دغو شرایطو لاندې پیل کېدلای شي:
۱- د دې قانون په پنځه شپېتمه ماده کې درج شوی یو یا زیات شرایط د غیر مېشت بانک پر فرع یا د نمایندګۍ د دفتر باندې لکه د بانک هغسې د تطبیق وړ دي.
۲- د غیر مېشت بانک پرخلاف د ورشکستګۍ اقدامات، په هغه هېواد کې چې مرکزي دفتر یې پکې واقع دی یا خپلې معاملې زیاتې هلته ترسره کوي، د د

اقدامات ورشکستگی علیه فرع یا دفتر نمایندگی داخلی
مادۀ نود و سوم:
(۱) اقدامات ورشکستگی علیه فرع یا دفتر نمایندگی داخلی یك بانك غیر مقیم تحت شرایط ذیل آغاز شده می‌تواند:
۱- یك یا بیشتر از شرایط مندرج مادۀ شصت و پنجم این قانون بالای فرع یا دفتر نمایندگی بانك غیر مقیم مانند بانك قابل تطبیق می‌باشد.
۲- اقدامات ورشکستگی علیه بانك غیر مقیم در کشوري که دفتر مرکزی در آن واقع است یا معاملات خود را بیشتر در آنجا انجام می‌دهد، به درخواست د

افغانستان بانک په غوښتنه پیل کېدلای شي.

(۲) د دې قانون په لسم فصل کې د درج شوو مادو د حکمونو په فروعو او داخلي دفترونو باندې لکه داسې چې هغوی په ټولیزه توګه داخلي بانک جوړوي، د تطبیق وړ دی.

له غیر مېشت بانک سره لکه د یوه داخلي بانک د عامل هیئت او د ونډې والو دعمومي مجمع په ډول چلند کېږي.

د غیر مېشت بانک شتمنۍ، بدهۍ، اقدامات او نه اقدامات چې د فروعو او داخلي دفترونو د معاملو او راکړو ورکړو په پایله یا په اړه منځته راځي، په داخلي واحد بانک پورې مربوط ګڼل کېږي.

(۳) د هغه دفتر ته د غیر مېشت بانک د فرعې یا داخلي نمایندګۍ د دفتر پرخلاف د ورشکستګۍ د اقداماتو د پیل په هکله د کمېسیون دفیصلې له خبروروسته، غیر مېشت بانک نشي کولای په افغانستان کې د بانکدارۍ د فعالیتونو په سرته رسولو لاس افغانستان بانك آغاز شده می‌تواند.

(۲) احکام مواد مندرج فصل دهم این قانون به فروع و دفاتر داخلی مانند اینکه آنها به شکل مجموعی بانك داخلی را تشکیل می‌دهند، قابل تطبیق می‌باشد.

با بانك غیر مقیم مانند هیئت عامل و مجمع عمومی سهامداران یك بانك داخلی برخورد صورت می‌گیرد.

دارایی ها، بدهی ها، اقدامات و عدم اقدامات بانك غیر مقیم که در نتیجه یا در رابطه به معاملات و داد و ستد فروع و دفاتر داخلی بوجود می‌آید، مربوط به بانك واحد داخلی پنداشته می‌شود.

(۳) بعد از اطلاع فیصلهٔ کمیسیون راجع به آغاز اقدامات ورشکستگی علیه فرع یا دفتر نمایندگی داخلی بانك غیر مقیم، به دفتر آن، بانك غیر مقیم نمی تواند به انجام فعالیتهای بانکداری در افغانستان بپردازد. فعالیتهای

پـوري کـړي. د بانکـداري هغـه فعالیتونـه چې د تـصفیې د مـدیر لخـوا چې هغـه دفتـر تـه انتـصاب شوی یا یې په دمخه لیکلې اجازې سره صورت مومي، لـدې امر څخه مستثنی دي.

(۴) د هغو مسئولیتونو د انډول یا تخلیص په هکله چې په افغانستان کې د غیـر مېشت بانک د معاملو په پایله کې منځتـه راځي یا په بـل ډول پـه هغـه پـورې مربـوط دي، د غیـر مېشت بانک د فـرع یا داخلي دفتـر پـرخلاف د ورشکـستگی د اقداماتو د پیل په اړه، د دې قـانون په دوه اتیایمـه مـاده کې درج شوي حکمونه د تطبیق وړ دي.

(۵) د غیـر مېشت بانـک د فـرع یـا داخلـي نماینـدگی پـرخلاف د ورشکـستگی اقـدامات چـې پـه افغانستان کې پیـل کېږي، د هغـه بانـک د بهرنیـو شـتمنیو پـه اړه د هغـوی د مطالبـاتو د ترلاسـه کولـو لپاره د غیـر مېشت بانک د اعتبار ورکوونکو حقوق، نه محدودوي.

بانـــکداری کـه تـــوسط یـا بـا اجـازه کتبـــی قبـــلی مـــدیر تـصفیه کـه بـه آن دفـــتر انتـصاب گـــردیـــده اســت صـــورت مـــی‌گیـرد، ازیـن حکـم مـستثنی است.

(۴) در مـــورد تعـــادل و تخلـــیص مـــسئولیت هـــای کـــه در نتیجـــۀ معـــاملات بانـــک غیـــر مقـــیم در افغانستان بوجود می‌آید یا به نحو دیگـری بـه آن مربـوط اسـت، در رابطـــه بـــه آغـــاز اقـــدامات ورشکـستگی علیـه فـرع یـا دفتـر داخلـی بانـک غیـر مقـیم، احکـام منـدرج مـادۀ هـشتاد و دوم ایـن قانون قابل تطبیق می‌باشد.

(۵) اقـدامات ورشکـستگی علیـه فـرع یـا دفـتر نماینـدگی بانـک غیـر مقـــیم کـه در افـغانـستان آغـاز می‌شود، حقوق اعتـبار دهندگان بانـک غیـر مقـیم را در رابطـه بـه دارایی های خـارجی آن بانـک جهت حـصـول مطـالبات شـان مـحدود نمی سازد.

لـه پـولې (مـرز) څخـه د بهـر بانـک افلاس

څلور نوي يمه ماده:

د ورشکـسته بانـک چـې لـه پـولې څخـه بهـر فعاليـت لـري د جهـاني شـتمنيو مجموعې تـه د کورنيـو او بهرنيو اعتبـار ورکوونکـو د برابرې لاس رسـۍ د زمينـې د رامنځتـه کولـو پـه منظـور، لانـدې اقـدامات صورت مومي:

۱- پـه هغـه صـورت کـې چـې ورشکـسته داخلـي بانـک پـه يـوه بهرنـي هېـواد کـې د فروعـو يـا نمايندګۍ د دفترونو لرونکی وي، د د افغانستان بانک تر ممکنه حده پورې د هغه هېواد لـه مقاماتو سره همکاري کوي.

۲- پـه هغـه صـورت کـې چـې د داخلـي ورشکـسته بانـک اعتبـار ورکوونکي په خپلو غوښتنو پورې د اړونـدې ورکـړې يـوه برخـه پـه بهرني هېـواد کې ترلاسه کړې وي، پاتې مطالبات يې لـه منځتـه راغلـو لګښتونو سره يـو ځـای د ورکـړې لپـاره د ورشکـستګۍ پـه افغـاني اجراآتو کې شامېلېدای شي.

۳- کمېـسيون د غيـر مېـشتو

افـلاس بانـک خـارج از مرز

مادۀ نود و چهارم:

بـه منظـور ايجـاد زمينـۀ دسترسـی مساوی اعتبـار دهنـدگان داخلی و خـارجی بـه مجموعـۀ جهـانی دارايـی هـای بانـك ورشکـسته کـه فعاليـت هـای خـارج مـرز دارد، اقـدامـات آتـی صـورت می‌گيرد:

۱- در صـورتی‌کـه بانـك داخلـی ورشتکـسته دارای فـروع يـا دفـاتر نمايـندگی در يـك کـشور خـارجی باشـد، د افغـانستان بانك تا حد ممـكن با مقامـات آن کـشور همکـاری می نمايد.

۲- در صـورتی‌کـه اعتبـار دهنـده بانـك داخلـی ورشکـسته قـسمتی از پرداخـت مربـوط بـه مطالبـات اش را در کـشور خـارجی دريافت کرده باشد، بقيه مطالبات اش همراه با مصارف وارد آمدۀ آن جهـت پرداخـت در اجـراآت ورشکـستگی افغـانی شـامل شـده می‌تواند.

۳- کمیـسيون در مـورد حـدود بـه

بانکونو د بهرنۍ ورشکستگۍ د متولیت د اقداماتو او د بیا احیاء کولو د تصمیمونو د په رسمیت پېژندلو د حدودو په هکله د هغوی د فرعو او د داخلي نمایندگۍ د دفترونو په اړوند تصمیم نیسي.

۴- په هغه صورت کې چې غیر مېشت بانک په هغه هېواد کې چې مرکزي دفتر یې پکې واقع دی یا خپله راکړه ورکړه زیاتره هلته ترسره کوي، د انحلال په حال کې وي، کمېسیون کولای شي د افغانستان بانک په غوښتنه او دا چې هغه د اعتبار ورکوونکو په صلاح وګڼي، د هغه هېواد منحلوونکو مراجعو ته د غیر مېشت بانک د شتمنیو د لېږدولو اجازه ورکړي.

رسمیت شناختن تصامیم ورشکستگی خارجی، اقدامات متولیت و احیاء مجدد بانکهای غیر مقیم در رابطه به فروع و دفاتر نمایندگی داخلی شان تصمیم می‌گیرد.

۴- در صورتیکه بانک غیر مقیم در کشوری که دفتر مرکزی اش در آن واقع است، یا داد و ستد خود را بیشتر در آن جا انجام می‌دهد، در حال انحلال باشد، کمیسیون می‌تواند به اثر درخواست د افغانستان بانک و اینکه آنرا به صلاح و اعتبار دهندگان ان بانک بداند، اجازۀ انتقال دارایی های بانک غیر مقیم را به مراجع منحل کننده آن کشور بدهد.

د کمېسیون او د د افغانستان بانک ترمنځ مشوره

پنځه نوي یمه ماده:

کمېسیون د هغه بانک په هکله چې ورشکسته اعلامېږي د تصمیم له نیولو د مخه، خپله پیشنهادي فیصله د مشورې د وړاندې کولو په غرض د دافغانستان بانک ته خبر

مشاورت بین کمیسیون و دافغانستان بانک

مادۀ نود و پنجم:

کمیسیون قبل از اتخاذ تصمیم در مورد بانکی که ورشکسته اعلام می‌شود، فیصله پیشنهادی خود را به د افغانستان بانک غرض ارایۀ مشوره اطلاع داده و

ورکوي او د فیصلې په وخت کې د د افغانستان بانک مشورې په پام کې نیسي.

کمیسیون مکلف دی د د افغانستان بانک د ټولو یا یوې برخې مشورو د نه منل کېدو په صورت کې، د هغې دلایل د خپلې فیصلې په متن کې څرګند کړي.

حین فیصله مشوره های د افغانستان بانك را در نظر میگیرد.

کمیسیون مکلف است در صورت عدم پذیرش تمامی یا قسمتی از مشوره های د افغانستان بانك، دلایل آنرا در متن فیصلهٔ خود ذکر نماید.

د ورشکستګۍ د اقداماتو پای ته رسېدل

شپږ نوي یمه ماده:

(۱) تصفیې مدیر د دندو له پای ته رسېدو وروسته د تصفیې په هکله د راپور په وړاندې کولو سره د کمیسیون د فیصلې پر اساس د مدیریت له دندې څخه ګوښه کېږي. په فیصله کې د بانک او د تصفیې د مدیریت د دفترونو او سندونو د ساتلو دستور هم درجېږي.

(۲) دبانک پرخلاف د ورشکستګۍ اقدامات هغه وخت پای مومي چې د منحل شوي بانک ټولې شتمنۍ او عایدات یې د بانک اعتبار ورکوونکو ته ورکړل شوي وي یا د دې قانون د نوي یمې مادې د (۳)

پایان اقدامات ورشکستگی

مادهٔ نود و ششم:

(۱) مدیر تصفیه بعد از ختم وظایف اش با ارایهٔ راپور در مورد تصفیه، به اساس فیصلهٔ کمیسیون از وظیفهٔ مدیریت منفصل می گردد.

در فیصلهٔ دستور حفظ و نگهداری دفاتر و اسناد بانك و مدیریت تصفیه نیز درج، می گردد.

(۲) اقدامات ورشکستگی علیه بانك توسط فیصلهٔ کمیسیون هنگامی پایان می یابد که کلیه دارایی های بانك منحل شده و عایدات آن به اعتبار دهندگان بانك پرداخته شده یا دافغانستان

فقـري د حکـم مطـابق، اعتبـار ورکوونکو ته د ورکړې لپاره د لاس رسۍ په غرض د د افغانستان بانک ته سپارل شوي وي.
(۳) دبانک پرخلاف د ورشکستګۍ اقداماتو ته د پای ورکولو په هکله د کمېسیون فیصله د کمېسیون په واسطه خپرېږي.

بانـك مطـابق حکـم فقـره (۳) مـادۀ نـودم ایـن قـانون جهـت در دسـترس بـودن آن بـرای پرداخـت بـه اعتبـار دهندگان، سپرده شده باشد.
(۳) فیـصلۀ کمیـسیون در مـورد پایـــان دادن بـــه اقـــدامات ورشکستگی علیـه بـانـك تـوسط کمـیسیون بـه نشر می رسد.

یوولسم فصل
وروستني حکمونه

فصل یازدهم
احکام نهائی

د د افغانـستان بانـک د واکونـو خپلواکي (استقلالیت)
اووه نوي یمه ماده:
د د افغانستان بانک د خپلو دندو پـه ترسـره کولـو کـې د مـستقلو واکونـو لرونکـی دی. ټـول هغـه مقررات، دساتیر او لارښوونې چې د د افغانـستان بانـک پـه واسـطه وضـع کېـږي او لـه یـوې مؤسـسې څخـه پـه زیـاتو پـورې اړه لـري، خپرېږي او د خپرېدو لـه نېټـې یـا بلې هغې نېټې څخه چې په مقرره، دستور یـا لارښـود کـې یـې ټـاکي، نـافذ پرې. د د افغانـستان بانـک د دغـــه ډول مقـــررو، دســـاتیرو او

اســـتقلال صـــلاحیت هـــای د افغانستان بانك
مادۀ نود و هفتم:
د افغانستان بانك در انجام وظایف اش دارای صـلاحیت هـای مـستقل می‌باشد. کلیـه مقررات، دساتیر و رهنمـــود هـــای کـــه توســـط د افغانستان بانك وضع می‌شود و به پـیش از یـك مؤسـسه رابطـه دارد، منتـشر شـده و از تـاریخ نـشر و یـا تاریخ دیگری که در مقرره، دستور و یا رهنمود معین می نماید، نافذ می‌گردد. د افغانستان بانك مکلف بـــه ثبـــت و نـــگهداری چنـــین مقـررات، دســـاتیر و رهنمـود هـا

لارښودونو په ساتلو مکلف دی.

د وړ اداري معیارونه

اته نوي یمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک مکلف دی له خپلو قانوني واکونو څخه په عادلانه توګه او یوشان د سالمو اداري اصولو مطابق او د هغو هدفونو د تحقق لپاره چې دغه واکونه ورته سپارل شوي دي، ګټه واخلي.

(۲) د د افغانستان بانک تصمیمونه چې د دې قانون د حکمونو مطابق نیول کېږي، بې پلوه او پر عیني او منطقي ملاحظاتو ولاړوي او د دې قانون حکمونه منصفانه تطبیقوي.

(۳) ددافغانستان بانک دخپلو دندو په سرته رسولو کې، ددې قانون دحکمونو په پام کې نیولو باندې مکلف دی.

هغه فشار او محدودیت چې پر یوه شخص باندې او یایې د فعالیت په سرته رسولو او د خدمت په برابرولو کې وضع کوي، له هغو ګټو سره متناسب وي چې د دغه فشار او محدودیت له وضع کېدو څخه یې

می‌باشد.

معیارهای ادارهٔ شایسته

مادهٔ نود و هشتم:

(۱) د افغانستان بانك مکلف است از صلاحیت های قانونی خویش طور عادلانه و یکسان مطابق به اصول سالم اداری و به منظور تحقق اهدافی که این صلاحیت ها برایش تفویض گردیده استفاده نماید.

(۲) تصامیم د افغانستان بانك که مطابق احکام این قانون اتخاذ می‌شود، بیطرفانه و مبتنی بر ملاحظات عینی و منطقی بوده و احکام این قانون را منصفانه تطبیق می نماید.

(۳) د افغانستان بانك در انجام وظایف خویش مکلف به رعایت احکام این قانون می‌باشد.

فشار و محدودیت ایکه بر یك شخص و یا در انجام فعالیت و تهیه خدمت وضع می‌کند، متناسب با منافعی باشد که از وضع این فشار و محدودیت انتظار برده

انتظار کېږي.

انتقالي حکمونه

نهه نوي يمه ماده:

(۱) هغه بانک چې د مخه يې له د افغانستان بانک څخه د بانکداری جواز ترلاسه کړی دی مکلف دی، د دې قانون د نافذېدو له نېټې وروسته د دريو مياشتو په ترڅ کې د بانکداری د جواز د نوي کولو لپاره، د د افغانستان بانک ته غوښتنليک وړاندې کړي.

پخوانی جواز د د افغانستان بانک لخوا د هغه دنوي کولو يارد له نېټې څخه له اعتباره لوېږي.

(۲) هغه بانک چې د بانکداری د جواز د نوي کولو غوښتنليک يې د دې قانون په دري شپېتمه ماده کې د درج شوو حکمونو مطابق ردېږي، د هغه متولي په واسطه چې د د افغانستان بانک لخوا ټاکل کېږي، منحلېږي. خو دا چې د افغانستان بانک دمالیې له وزارت سره په تفاهم کې تصميم ونيسي، يوازې د يوې مالي مؤسسې په توګه چې د خپلو حسابونو لپاره د پانګې اچونې د

می‌شود.

احکام انتقالی

مادۀ نود و نهم:

(۱) بانکی که قبلاً جواز بانکداری رااز د افغانستان بانک اخذ نموده، مکلف است در خلال سه ماه بعد از تاریخ انفاذ این قانون جهت تجدید جواز بانکداری به د افغانستان بانک درخواست تقدیم نماید.

جواز قبلی از تاریخ تجدید یا رد آن از جانب د افغانستان بانک فاقد اعتبار می‌گردد.

(۲) بانکی که درخواست تجدید جواز بانکداری آن رد می‌شود، مطابق احکام مندرج مادۀ شصت و سوم این قانون توسط متولی که از طرف د افغانستان بانک تعیین می‌شود منحل می‌گردد، مگر اینکه د افغانستان بانک در تفاهم با وزارت مالیه تصمیم بگیرد، صرفاً به حیث یک مؤسسه مالی که در داد و ستد دریافت سپرده ها وسایر وجوه قابل باز پرداخت از عموم، به منظور اعتبار

اعتبار په منظور، له عمومو څخه د سپارنو او دبېرته ورکړې وړ وجوهو په راکړه ورکړه بوخته نه وي، خپلو فعالیتونو ته دوام ورکړي پدې حالت کې د بانک عنوان اداري له نوم څخه حذف کېږي.

سرمایه گذاری برای حسابات خویش اشتغال نداشته باشد، به فعالیت های خود ادامه بدهد، درین حالت عنوان بانك از نام اداره حذف می گردد.

انفاذ

سلمه ماده:

دغه قانون د توشېح له نېټې څه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي.

انفاذ:

مادۀ صدم:

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد.

د قوانینو لغوه کېدل

یو سلو یوومه ماده:

ددې قانون په نافذېدو سره، د ۱۳۷۳/۸/۱۶ نېټې په (۷۷۰) ګڼه رسمي جریده کې خپورشوی دبانکداری قانون اونورارونډ تقنیني سندونه اودهغه مغایر حکمونه لغوه ګڼل کېږي.

الغای قوانین

مادۀ یکصد و یکم:

با انفاذ این قانون، قانون بانکداری منتشرۀ جریدۀ رسمی شمارۀ (۷۷۰) مؤرخ ۱۳۷۳/۸/۱۶ وسایر اسناد تقنینی مربوط و احکام مغایر آن ملغی پنداشته می‌شود.

قانون اسناد قابل معامله

د معاملې وړسندونو
دقانون دتوشیح په هکله
دافغانستان اسلامي جمهوریت
درئیس
فرمان

ګڼه : (۱۴۲)
نېټه : ۱۳۸۷/۱۰/۲۲

لمړۍ ماده :
دافغانستان داساسي قانون دنهه اویمې مادې دحکم له مخې ، د معاملې وړسندونو قانون چې دوزیرانو شوري د ۱۳۸۷/۱۰/۱۶ نېټې (۴۵) ګڼې مصوبې پربنسټ په (۱۶) فصلونو او (۱۳۳) مادوکې تأیید شوبده ، توشیح کوم.

دوه یمه ماده :
دعدلیې وزیر او په پارلماني چاروکې ددولت وزیر مؤظف دي ، دغه فرمان دملي شوري دلومړنۍ غونډې د جوړېدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې هغې شوري ته وړاندې کړي.

فرمان
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان
دربارهٔ
توشیح قانون اسناد
قابل معامله

شماره : (۱۴۲)
تاریخ : ۱۳۸۷/۱۰/۲۲

مادهٔ اول :
به تأسی ازحکم مادهٔ هفتاد ونهم قانون اساسی افغانستان ، قانون اسناد قابل معامله را که به اساس مصوبهٔ شماره (۴۵) مؤرخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۶ شورای وزیران به داخل (۱۶) فصل و (۱۳۳) ماده تائید گردیده است ، توشیح می‌دارم.

مادهٔ دوم :
وزیرعدلیه و وزیر دولت در امور پارلمانی مؤظف اند ، این فرمان را درخلال (۳۰) روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسهٔ شورای ملی ، به آن شورا تقدیم نمایند.

درېيمه ماده :
دغه فرمان دتوشېح له نېټې څخه نافذ اوله قانون سره يوځای دې په رسمي جريده کې خپورشي.

حامد کرزی
دافغانستان داسلامي جمهوريت
رئيس

مادۀ سوم :
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون درجریدۀ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

د معاملې وړ سندونو
قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

د وضع کېدو منظور
لومړۍ ماده:
دغه قانون په معاملې او نغدو پیسو د تبادلې وړ سندونو د ترتیب او انتقال (لېږد) د اړوندو چارو د تنظیم او له هغو څخه د څارنې اوپه هکله ئې د بین المللي معیارونو د په پام کې نیولو په منظور، وضع شوی دی.

موخې
دوه یمه ماده:
ددې قانون موخې عبارت دي له :
۱- په مالي چارو کې د زیاتو آسانتیاوو د زمینې برابرول.
۲- د معاملې وړ اعتباراتو ته لاس رسۍ.
۳- د پانګونې جلبول او د سوداګرۍ پراختیا.
۴- د اشخاصو تر منځ له معاملې وړ سندونوڅخه د ګټې اخیستنې د مفکورې رواجول او پیاوړی کول.

قانون
اسناد قابل معامله
فصل اول
احکام عمومی

منظور وضع
مادۀ اول :
این قانون به منظور تنظیم امور مربوط به ترتیب و انتقال اسناد قابل معامله و تبادله به پول نقد ونظارت از آنها و رعایت معیارهای بین المللی در زمینه وضع گردیده است.

اهداف
مادۀ دوم :
اهداف این قانون عبارت اند از:
۱- فراهم آوری زمینۀ تسهیلات بیشتردر امور مالی.
۲- دسترسی به اعتبارات قابل معامله .
۳- جلب سرمایه گذاری وتوسعۀ تجارت.
۴- ترویج و تقویۀ مفکورۀ استفاده از اسناد قابل معامله میان اشخاص.

۵- د معاملې وړ سندونو پر تبادلې او نغدولو باندې څارنه.

اصطلاحګانې

درېیمه ماده:

پـــدې قـــانون کـــې لاڼـــدې اصطلاحګانې دغه مفاهیم لري:

۱- د معاملې وړ سندونه: د برات، حجت (سفتې) او چک په شمول مالي بهالرونکي سندونه دي .

۲- بـرات: لـه قیـد او شـرط پرتـه دسـتور لرونکـی لیکلـی سـند دی چې د صادروونکي لخوا لاسلیك او پـه هغـهٔ کـې تـاکلی شـخص ملـزم کېـږي څـو عندالمطالبـه یـا پـه راتلونکي کې په تاکل شوي وخت د پیسو تاکلی مبلغ د تاکلي شخص په وجه کې یا د هغهٔ په دستور یا د سند حامل ته ورکړي.

۳- چـك: لـه قیـد او شـرط پرتـه دسـتور لرونکـی لیکلـی سـند دی چـې د صـادروونکي پـه واسـطه لاسلیك او پر بنسټ یې تاکلې بانك ملـزم کېـږي څـو پـه هغـهٔ کـې درج شـوی مبلـغ عندالمطالبـه د تـاکلې شـخص پـه وجـه کـې یـا د هغـهٔ پـه دستور یا د سند حامل ته ورکړي.

۵- نظارت بر تبادلـه ونقـد سـازی اسناد قابل معامله.

اصطلاحات

مادهٔ سوم :

اصطلاحات آتی دراین قانون دارای مفاهیم ذیل اند :

۱- اسـناد قابـل معاملـه : اسـناد بهـادار مـالی بـشمول بـرات ، حجت(سفته) وچك است .

۲- برات : سند کتبی حاوی دستور بـدون قیدوشـرط اسـت کـه توسـط صادر کننده امضاء و در آن شـخص معـین ملـزم مـی گـردد تـا عندالمطالبه یا در موعد معینه در آینـده، مبلـغ معـین پـول را در وجـه شخص معین یا به دستور وی یا بـه حامـل سـند ، تأدیـه نماید .

۳- چك : سند کتبی حاوی دستور بـدون قیـد وشـرط اسـت کـه توسـط صـادر کننـده امـضأ و بانـك معـین بـه اسـاس آن ملـزم مـی گـردد تـا مبلـغ منـدرج آنـرا عندالمطالبـه در وجـه شـخص معـین یـا بـه دسـتور وی یـا بـه حامـل سـند ، تأدیـه نماید .

۴- حجت: د لاسلیك کوونکي د غیر مشروطې ژمنې لرونکی لیکلی سند دی چې پر بنسټ یې هغه ملزم کېږي، د پیسو ټاکلی مبلغ عندالمطالبه یا په ټاکلې وخت، د ټاکلي شخص په وجه کې یا د هغۀ په دستور یا د سند حامل ته ورکړي.

۵- قبولي: په برات کې د درج شوي مبلغ په ورکړې باندې موافقه ده چې د برات پرمخ لیکل کېږي.

۶- قبلوونکی: هغه شخص دی چې د ټاکل شوو شرایطو مطابق په برات کې د درج شوي مبلغ پر ورکړې باندې ژمن ګرځي.

۷- د اعتبار د ساتنې لپاره قبلوونکی: هغه شخص دی چې برات د صادروونکي یا د نومورې برات له ظهرنویسانو څخه د هر یوۀ د اعتبار د ساتلو لپاره له یادښت یا د نه قبلولو په علت له اعتراض وروسته یا د ښه تضمین لپاره قبلوي.

۸- مرستندوی لوری: هغه شخص دی چې پر ورکړه باندې یې ژمنه کړې وي اودهغې پربنسټ د معاملې وړ سند په وړاندې مسئول

۴- حجت : سند کتبی حاوی تعهد غیر مشروط امضأ کننده است که به اساس آن وی ملزم می گردد، مبلغ معین پول را عندالمطالبه یا درموعد معینه در وجه شخص معین یا به دستور وی یابه حامل سند تأدیه نماید.

۵- قبولی : موافقه به تأدیۀ مبلغ مندرج برات است که به روی برات، تحریر می گردد.

۶- قبول کننده : شخصی است که تأدیه مبلغ مندرج برات را مطابق شرایط معینه متعهد می گردد.

۷- قبول کننده برای حفظ اعتبار: شخصی است که برات را جهت حفظ اعتبار صادرکننده یا هریك از ظهر نویسان برات مذکور بعد از یاد داشت یا اعتراض به علت عدم قبولی یا جهت تضمین بهتر قبول می نماید.

۸- طرف مساعدت کننده : شخصی است که تعهد به تأدیه نموده و به اساس آن در برابر سند قابل معامله مسئول

دی.
۹- حامل: هغه شخص دی چې د موافقې مطابق، د معاملې وړ هغه سند چې حامل ته یې د ورکړی وړ وي، لاسته را وړي.
۱۰- نکول (رد) : د معاملې وړسند نه ورکړه یا نه منل دي چې ددې قانون د حکمونو مطابق ترتیب شوی وي.
۱۱- د برات یا چك صادروونکی: هغه شخص دی چې مخاطب ته د برات یا چك د ورکړې د ستور ورکوي.
۱۲- د حجت صادروونکی: هغه شخص دی چې حجت لاسلیك کوي او پر بنسټ یې ورکړې ته ژمن کېږي.
۱۳- مخاطب: هغه شخص دی چې ورته د برات یا چك د ورکړې دستور ورکول کېږي.
۱۴- د اړتیا په صورت کې مخاطب: هغه شخص دی چې په برات یا ظهر نویسی کې پر مخاطب سربېره د هغۀ نوم هم درج شوی وي.
۱۵- د معاملې وړ سند لرونکی: د ورکړې ترلاسه کوونکی یا په ظهر

می باشد.
۹- حامل : شخصی است که بر طبق موافقه سند قابل معا ملە ای را که به حامل آن قابل تأدیه باشد ، بدست می آورد.
۱۰- نکول (رد) : عدم تأدیه یا قبولی سند قابل معامله ای است که مطابق احکام این قانون ترتیب شده باشد.
۱۱- صادرکنندۀ برات یا چك : شخصی است که تأدیۀ برات یا چك را به مخاطب دستور می دهد.
۱۲- صادر کننده حجت: شخصی است که حجت را امضأ وبه اساس آن متعهد به تأدیه می گردد.
۱۳- مخاطب: شخصی است که تأدیۀ برات یا چك به وی دستور داده می شود.
۱۴- مخاطب در صورت ضرورت: شخصی است که دربرات یاظهرنویسی علاووه برمخاطب اسم وی نیز درج شده باشد.
۱۵- دارندۀ سند قابل معا ملە : دریافت کنندۀ تأدیه یا شخص

نویسی کې ذینفع شخص دی چې د معاملې وړ سند متصرف یا یې حامل وي.

۱۶- له ښه نیت سره لرونکی: هغه شخص دی چې د معاملې وړ سند د تاکل شوې مودې له تېرېدو دمخه او له عیبونو څخه له خبرېدو پرته ، پدې قانون کې د درج شووحکمونو مطابق، د ارزښت (عوض) په وړاندې لاسته راوړي.

۱۷- صادرېدل: د معاملې وړ سند لومړنی تسلیمي هغۀ شخص ته ده چې د لرونکي په توګه یې تسلیموي.

۱۸- ظهر نویسي : د معاملې وړسند لرونکي یا صادروونکي لاسلیك دی (له هغه وخت پرته چې د صادروونکي په توګه یې لاسلیك کوي) چې د معاملې دسرته رسېدو په منظور،د معاملې وړ سند یا له هغۀ سره د ملصق پاڼې تر شا لیکل کېږي.

۱۹- بشپړه ظهر نویسي: هغه ظهر نویسي ده چې په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ د ورکړې دستور، د اخیستونکي شخص نوم او د ظهر نویس لاسلیك درج شوې

ذینفع درظهرنویسی است که متصرف سند قابل معامله یا حامل آن باشد.

۱۶- دارندۀ با حسن نیت: شخصی است که سند قابل معامله را قبل ازانقضای موعد معینه و بدون اطلاع ازعیوب آن، مطابق احکام مندرج این قانون در برابر ارزش(عوض) بدست می آورد.

۱۷- صدور : اولین تسلیمی سند قابل معاملۀ به شخصی است که آن را بحیث دارنده تسلیم می گردد.

۱۸- ظهرنویسی : امضأ دارنده یا صادرکنندۀ سند قابل معامله (به غیر از زمانی که به حیث صادرکننده امضأ می‌کند) است که به منظور انجام معامله، به عقب سند قابل معامله یا ورق ملصق به آن تحریر می گردد.

۱۹- ظهرنویسی مکمل : ظهرنویسی است که دستور تأدیه مبلغ مندرج سند قابل معامله ، اسم شخص گیرنده وامضای ظهر نویس ، در آن درج

وي.

۲۰- سپینه ظهر نویسي: هغه ظهر نویسي ده چې په معاملې وړ سند کې یوازې د ظهرنویس لاسلیك موجود وي.

۲۱- د ظهر نویسی ذینفع شخص: هغه شخص دی چې بشپړې ظهر نویسی د هغهٔ په ګټه صورت موندلی وي.

۲۲- مسئولیت: د عمل د سرته رسولو یا د ورکړې د اجراء په اړه د شخص مکلفیت دی.

۲۳- برائت الذمه: د معاملې وړ سندونو په وړاندې د مسئولیت پایته رسېدل دي.

۲۴- سر رسید (موعد): هغه نېټه ده چې پکې په معاملې وړ سند کې درج شوی مبلغ، د ټاکل شوو شرایطو مطابق واجب التأدیه ګرځي.

۲۵- ورکړه په سر رسید (موعد) کې: هغه حالت دی چې پکې په معاملې وړ سند کې درج مبلغ، د ټاکل شوو شرایطو مطابق او په ښه نیت سره، پداسې توګه صورت و مومي چې د سند د حامل یا لرونکي د ډاډ اسباب، د هغوی د

باشد.

۲۰- ظهرنویسی سفید : ظهرنویسی است که صرف امضای ظهر نویس در سند قابل معامله موجود باشد.

۲۱- شخص ذینفع ظهرنویسی : شخصی است که ظهرنویسی مکمل به نفع وی صورت گرفته باشد.

۲۲- مسئولیت : مکلفیت شخص است مبنی بر انجام عمل یا اجرای تأدیه .

۲۳- برائت الذمه : خاتمهٔ مسئولیت است در قبا ل اسناد قابل معامله.

۲۴- سررسید (موعد): تاریخی است که در آن مبلغ مندرج سند قابل معامله، طبق شرایط معینه واجب التأدیه می گردد.

۲۵- تأدیه درسر رسید (موعد) : حالتی است که در آن تأدیه مبلغ مندرج سند قابل معامله ، طبق شرایط معینه و باحسن نیت ، طوری صورت گیرد که اسباب اطمینان حامل یا دارندهٔ سند را مبنی بر

استحقاق په اړه تأمین کړي.

۲۶- معامله: د معاملې وړ سند انتقال دی پداسې ډول چې انتقا ل اخیستونکی د هغۀ د حامل موقف و نیسي.

۲۷- د معاملې اړخ: هغه شخص دی چې د معاملې وړ سند د صادروونکي، قبلوونکي، ظهر نویس یا ضمانت کوونکي په توګه لاسلیك کړي.

۲۸- د وړکړې ترلاسه کوونکی: هغۀ شخص دی چې نوم یې په معاملې وړ سند کې درج شوی وي او په سند کې د درج شوي مبلغ ورکړه هغۀ ته یا د هغۀ په دستور بل شخص ته دستور ورکول شوی وي.

۲۹- اعتراض: هغه خبرتیا ده چې پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق،دبرات د نه قبلېدو یا د حجت د نه ورکړې په صورت کې د هغۀ د لرونکي په واسطه وړاندې کېږي.

۳۰- داخلي سند: د معاملې وړ هغه سند دی چې په افغانستان کې د ورکړې وړ وي یا په افغانستان کې د مېشت شخص په نوم صادر

استحقاق آنها، تأمین نماید.

۲۶- معامله: انتقال سند قابل معامله است به نحوی که انتقا ل گیرنده موقف دارندۀ آنرا حایز گردد.

۲۷- طرف معامله: شخصی است که سند قابل معامله را به عنوان صادر کننده، قبول کننده، ظهر نویس یا ضمانت کننده امضاء نماید.

۲۸- دریافت کنندۀ تأدیه: شخصی است که اسم وی درسند قابل معامله درج گردیده ودستور تأدیه مبلغ مندرج سند به وی یا به دستور وی در وجه شخص دیگر صادر شده باشد.

۲۹- اعتراض: اطلاعیۀ است که مطابق احکام مندرج این قانون، درصورت عدم قبولی برات یا عدم تأدیه حجت توسط دارندۀ آن ارایه می گردد.

۳۰- سند داخلی: سند قابل معامله ای است که در افغانستان قابل تأدیۀ یا به اسم شخص مقیم در افغانستان صادر

شوی‌وي.

۳۱- بهرنی سند: د معاملې وړ هغه سند دی چې له افغانستان څخه په بهر کې د ورکړې وړ یا له افغانستان څخه په بهر کې د مېشت شخص په نوم صادر شوی وي.

۳۲- معامله شوی سند: د معاملې وړ هغه سند دی چې بل شخص ته لېږدېدلی وي او پر بنسټ یې، لېږد اخیستونکی د سند د لرونکي موقف و نیسي.

۳۳- عندالرویت (په وړاندې کولو سره): په حجت او برات کې د عندالمطالبې په مفهوم دی.

۳۴- له رویت وروسته: په حجت کې له وړاندې کولو څخه د وروسته په معني او په برات کې له قبلېدو وروسته یا د نه قبلېدو په اړه د یادښت یا اعتراض له وړاندې کولو وروسته په مفهوم دی.

۳۵- واکمن مامور: هغه شخص دی چې د لاسلیك د تأیید، د سند د تصدیق او پدې قانون کې د نورو درج شوو دندو لپاره د دافغانستان بانك د مالي شخړو د حل د کمېسیون لخوا، توظیف کېږي.

شده باشد.

۳۱- سند خارجی: سند قابل معامله ای است که در خارج افغانستان قابل تأدیه و یا به اسم شخص مقیم در خارج از افغانستان صادر شده باشد.

۳۲- سند معامله شده: سند قابل معامله ای است که به شخص دیگر منتقل شده و به اساس آن، انتقال گیرنده موقف دارندۀ سند را حایز گردد.

۳۳- عندالرویت (با ارایه): در حجت و برات به مفهوم عندالمطالبه می باشد.

۳۴- بعد از رویت: درحجت به معنی بعد از ارایه و در برات به مفهوم بعد از قبولی ویا بعد از ارایۀ یادداشت یا اعتراض مبنی بر عدم قبولی می باشد.

۳۵- مامور ذیصلاح: شخصی است که ازجانب کمیسیون حل منازعات مالی د افغانستان بانك جهت تائید امضأ، تصدیق سند وسایر وظایف مندرج این قانون، توظیف می گردد.

۳۶- تسليمي: له يوه شخص څخه بل شخص ته په حقيقي يا اعتباري توګه د معاملې وړ سندونو د مالکيت لېږدېدل دي.

۳۷-د تسليمې له لارې لېږدوونکی: هغه شخص دی چې د معاملې وړ سند د حامل په وجه کې د تسليمې په وسيله او له ظهرنويسۍ پرته معامله کوي.

۳۸- تحريف: هغه غير مجاز بدلون دی چې په سند کې وارد ېږي.

۳۹- بنسټيز تحريف: په سند کې د کتنې وړ بدلون دی چې د نېټې، د ورکړې وړ مبلغ او د سند د ورکړې د ځای بدلون پکې شامل دی.

۴۰- لاسليك: مشخصه علامه ده چې د شخص په واسطه تر سند لاندې د لاس په وسيله ليکل يا فکس کېږي يا په افغانستان کې په معمولو ډولونو تصديقېږي.

۴۱- مشخص ځای: هغه ځای دی چې په معاملې وړ سند کې د وړاندې کولو لپاره په واضحه توګه مشخصېږي.

۳۶- تسلیمی: انتقال مالکیت اسناد قابل معامله است بطورحقیقی یا اعتباری از یك شخص به شخص دیگر.

۳۷- انتقال دهنده ازطریق تسلمیی : شخصی است که سند قابل معامله را در وجه حامل بوسیلۀ تسلیمی وبدون ظهرنویسی معامله می نماید.

۳۸- تحریف : تغییر غیر مجاز است که در سند وارد می گردد.

۳۹- تحریف اساسی : تغییر قابل ملاحظه درسند است که شامل تغییر درتاریخ، مبلغ قابل تأدیه و محل تأدیه سند می باشد.

۴۰- امضأ: علامۀ مشخص است که توسط شخص در ذیل سند توسط دست تحریر یا فکس گردیده یا به شیوه های معمول در افغانستان تصدیق شود.

۴۱- محل مشخص: جای است که در سند قابل معامله جهت ارایه واضحاً مشخص می گردد.

د قانون د تطبیق ساحه

څلورمه ماده:

دغه قانون د معاملې وړ ټولو سندونو په هکله د تطبیق وړ دی.

ساحهٔ تطبیق قانون

مادهٔ چهارم :

این قانون درمورد تمام اسناد قابل معامله قابل تطبیق می باشد .

څارنه

پنځمه ماده:

ددې قانون د حکمونو له تطبیق څخه څارنه د د افغانستان بانك په غاړه ده.

نظارت

مادهٔ پنجم :

نظارت از تطبیق احکام این قانون به عهدهٔ دافغانستان بانك می باشد .

دوه یم فصل
د معاملې وړ سندونه

فصل دوم
اسناد قابل معامله

شرایط

شپږمه ماده :

(۱) سند د لاندې شرایطو د لرلو په صورت کې، د معاملې وړ ګڼل کېږي:

۱- نه مشروط والی.

۲- د ورکړې وړ مبلغ مشخص والی.

۳- د معاملې د اړخ ټاکلیتوب.

(۲) د معاملې وړ سند په لاندې احوالو کې نا مشروط ګڼل کېږي:

۱- که چېرې په سند کې د درج

شرایط

مادهٔ ششم :

(۱) سند درصورت داشتن شرایط ذیل، قابل معامله دانسته می شود:

۱- غیر مشروط بودن.

۲- مشخص بودن مبلغ قابل تأدیه .

۳- معین بودن طرف معامله.

(۲) سند قابل معامله دراحوال ذیل غیرمشروط دانسته می شود:

۱- هرګاه سررسید تأدیهٔ مبلغ

شوي مبلغ د ورکړې سر رسید یا اړوند قسطونه، د مشخصې پېښې له واقع کېدو او د ټاکلی مودې (چې د بشری معمولې توقع مطابق د یادې شوې پېښې واقع کېدل حتمي خو نېټه یې نا معلومه وي) تېرېدل ټاکل شوي وي.

۲- که چېرې د ورکړې وړ مبلغ، د احوالومطابق دحجت د صادروونکي د سوداګرۍ د ګټې او ضرر د میزان تابع وي.

۳- که چېرې د معاملې وړ سند د ورکړې په دستور کې مبلغ یاحساب پداسې توګه مشخص‌شي چې‌مخاطب و توانېږي، خپلې پیسې له هغه څخه ترلاسه کړي یا د هغې معاملې ډول چې د معاملې وړسند له هغې څخه را پیدا شوی دی، و ټاکل شي.

(۳) په لاندې احوالو کې د ورکړې وړ مبلغ په معاملې وړ سند کې مشخص ګڼل کېږي:

۱- په معاملې وړ سند کې د ټکټانې یا د ګټې د نورو ډولونو شاملول.

۲- د ترتیبولو په وخت کې د مشخص نرخ یا د تبادلې د ورځې د مندرج سند یا اقساط مربوط ، بعد از وقوع واقعهٔ مشخص و انقضای مدت معین (که طبق توقع معمول بشری وقوع رویداد متذکره حتمی ولی تاریخ آن نامعلوم باشد) ، تعیین شده باشد.

۲- هرگاه مبلغ قابل تأدیه حسب احوال تابع میزان نفع و ضرر تجارت صادر کنندهٔ حجت باشد.

۳- هرگاه دردستور تأدیهٔ سند قابل معاملهٔ مبلغ یا حساب طوری مشخص شده باشد که مخاطب بتواند ، پول خویش را از آن حاصل نماید یا نوعیت معامله ایکه سند قابل معامله ازآن ناشی شده است ، تعیین گردیده باشد.

(۳) دراحوال ذیل مبلغ قابل تادیه درسند قابل معامله مشخص دانسته می شود :

۱- شمولیت تکتانه یا سایر اشکال بهره در سند قابل معامله .

۲- قابلیت تأدیهٔ مبلغ مندرج سند به اساس نرخ مشخص یا نرخ

نرخ پر بنسټ په سند کې د درج شوي مبلغ د ورکړې وړتیا.
۳-دقسطونوپه ډول دورکړې وړتیا.
۴- پدې اړه د شرط درجول چې د یوه یا له یوه څخه د زیاتو قسطونو یا ټکټانې د نه ورکړې په صورت کې، ټول پاتې (نه ورکړل شوي) مبالغ په چټکه توګه واجب الاداء دي.
(۴) که چېرې په حجت یا برات کې د ورکړې د تراسه کوونکي شخص هویت په معمول او واضح صورت سره ټاکل شوی وي، د معاملې اړخ شخص ټاکل شوی ګڼل کېږي، که څه هم چې دغه تسمیه ناسمه وي یا دا چې یوازې د هغه مشخصات، توضیح شوي وي.
په هغه صورت کې چې د ورکړې تراسه کوونکی (تخیلي) یا نا موجود شخص وي، برات د هغه حامل ته د ورکړې وړ دی.

روز تبادله در زمان ترتیب سند.
۳- قابلیت تأدیه به شکل اقساط.
۴- درج شرط مبنی بر این که درصورت عدم تأدیهٔ یک یا بیشتر اقساط یا تکتانه، تمام مبالغ باقی مانده (تأدیه ناشده) طور سریع، واجب الادا می باشد.
(۴) هرگاه هویت شخص در حجت یا برات بصورت معمول و واضح تعیین شده باشد، شخص مورد نظر، معین پنداشته می شود، گرچه این تسمیه نادرست بوده یا این که صرف مشخصات وی، توضیح شده باشد.
درصورتی که دریافت کنندهٔ تأدیه، شخص تخیلی یا غیر موجود باشد، برات به حامل آن قابل تأدیه است.

عندالمطالبه د ورکړې وړ حجت او برات

اوومه ماده:

(۱) حجت او برات په لاندې احوالو کې عندالمطالبه د ورکړې وړ دي:

حجت وبرات قابل تأدیهٔ عندالمطالبه

مادهٔ هفتم:

(۱) حجت و برات دراحوال ذیل عندالمطالبه قابل تأدیه می باشد:

۱- په هغۀ صورت کې چې په ورکړه يې "عندالمطالبه"، "عندالرویت" یا د "وړاندې کولو په وخت کې" ، تصریح شوی وي.
۲- په هغۀ صورت کې چې په حجت یا برات کې د ورکړې وخت یاد شوی نه وي.
۳- په هغۀ صورت کې چې قبلوونکی یا ظهر نویس حجت یا برات د سررسید له تېرېدو وروسته قبولی یا ظهر نویسي کړی وي.
(۲) که چېرې د حجت یا برات پرمخ د "عندالمطالبه"عبارت ولیدل شي، په هغۀ صورت کې چې نوموړی حجت یا برات له شپږو میاشتو څخه زیاته موده په جریان کې وي، تېر شوی ګڼل کېږي.
(۳)چك "عندالمطالبه" د ورکړې وړ دی.

په دستور د ورکړې وړ سند
اتمه ماده:
(۱) د معاملې وړ سند په هغۀ صورت کې په دستور د ورکړې وړ دی چې د ورکړې ډول پکې یاد شوی یا يې اخري ظهر نویسي سپینه (له نوم پرته) وي.
(۲) د معاملې وړسند هغۀ وخت په

۱- درصورتی که در حجت یا برات به تأدیه آن "عندالمطالبه" ، "عندالرویت" یا "هنگام ارایه" تصریح شده باشد.
۲- درصورتی که زمان تأدیه در حجت و برات ذکر نشده باشد.
۳- درصورتی که قبول کننده یا ظهر نویس، حجت یا برات را بعد از انقضای سررسید، قبول یا ظهرنویسی نموده باشد.
(۲) هرگاه در روی حجت یا برات عبارت "عندالمطالبه" نمایان گردد، در صورتی که حجت یا برات مذکور برای مدت بیش از شش ماه در جریان بوده باشد، منقضی محسوب می گردد.
(۳) چك "عندالمطالبه" قابل تأدیه می باشد.

سند قابل تأدیه به دستور
مادۀ هشتم :
(۱) سند قابل معامله درصورتی به دستور، قابل تأدیه می باشد که طرز تأدیه در آن ذکر و یا آخرین ظهرنویسی آن سفید (بدون اسم) باشد.
(۲) سند قابل معامله زمانی قابل

دستوردورکړي ورډی چې پکې دهغه ټاکلي شخص نوم چې په هغه کې درج شوی مبلغ ترلاسه کوي، تصریح شوی او د لېږد ممنوعیت له صریحې یا ضمني لیکنې څخه تش وي.

(۳) که چېرې په معاملې وړ سند کې په مستقیمه توګه یا د ظهر نویسۍ په واسطه یاده شوې وي چې د ټاکلي شخص په دستور د ورکړي وړ دی (نه وي یاد شوي چې خپله شخص ته د ورکړي وړ دی) پدې صورت کې د معاملې وړ نومورې سند خپله د شخص په ټاکنه د هغه په وجه یا په دستور د ورکړي ورډی.

(۴) د معاملې وړ سند، د ورکړي د ترلاسه کوونکو د دوو یا له دوو څخه د زیاتو په وجه کې په مشترک صورت یا له هغو څخه یوه ته د بدل په توګه یا څو تنو غوره شوو ترلاسه کوونکو ته، ورکول کېدی شي.

تأدیه به دستور دانسته می شود که در آن اسم شخص معینی که مبلغ مندرج آنرا دریافت می نماید، تصریح شده و عاری از نوشته صریح یا ضمنی مبنی بر ممنوعیت انتقال باشد.

(۳) هرگاه در سند قابل معامله به صورت مستقیم یا توسط ظهرنویسی ذکر شده باشد که به دستور شخص معین قابل تأدیه است (ذکر نشده که بخود شخص قابل تأدیه است) در این صورت سند قابل معامله مذکور به انتخاب خود شخص در وجه یا به دستور وی قابل تأدیه می باشد.

(۴) سند قابل معامله در وجه دو یا بیشتر از دو دریافت کنندۀ تأدیه به صورت مشترك و یا به صورت بدیل به یکی از آنها و یا به چندتن از دریافت کنندگان منتخب، تأدیه شده می تواند.

مهم سندونه
نهمه ماده:
کـه چېـرې سـند پـه حجـت يـا بـرات دواړو بانـدې تعبيـر شـي، پـدې صـورت کې د سـند لرونکی کـولی شي په خپله ټاکنه هغه د حجت يا بـرات پـه توګـه وګڼـي، لـه هغـې وروسته نوموړی سند د بيا ټاکنې وړتيا نلري.

د تورو او ارقامو تر منځ توپير
لسمه ماده:
په هغهٔ صورت کې چې د هغهٔ مبلغ چې د ورکړې ژمنـه يـا دسـتور يـې صادر شوی دی، د تـورو او ارقـامو تـر مـنځ تـوپير وجـود و لـری، هغـه مبلغ چې په تورو ليکل شوی وي،د اعتبار وړ دی.که چېرې توري مبهم يـا غيـر قطعـي وی ، پـدې صـورت کې مبلغ د ارقـامو پـر بنسټ ټاکـل کېدی شي.

اسناد مبهم
مادهٔ نهم:
هرگاه سند به حجت يـا بـرات هـردو تعبير شده بتواند ، در ايـن صـورت دارنـدهٔ سـند مـی تواندبـه انتخـاب خـود آنـرا بحيـث حجـت يـا بـرات محـسوب نمايـد. بعـد از آن سـند متـذکره قابليـت انتخـاب مجدد را ندارد.

تفاوت ميان حروف و ارقام
مادهٔ دهم :
درصورتی کـه ميـان حـروف و ارقـام مبلغی که تعهد يا دسـتور تاديهٔ آن صـادر شـده اسـت، تفـاوت وجـود داشته باشد ، مبلغی کـه بـه حـروف تحريـر گرديـده، قابـل اعتبـار مـی باشـد. هرگـاه حـروف مـبهم يـا غيـر قطعـی باشـد ، دراين صـورت مبلغ بـه اسـاس ارقـام ، تعيـين شـده مـی تواند.

درېيم فصل
د معاملې ورې سندونو اړخونه

فصل سوم
طرفین اسناد قابل معامله

د صادر وونکي مسئوليت
يوولسمه ماده:

(۱) د بـرات صـادروونکی د هغـهٔ په صـادرولو سره ژمن کېږي چې د سند په مقتضي ورکړې کولو سره، بـرات قبـول شـوی او د هغـهٔ د مفـاد مطـابق ورکـړه صـورت مـومي کـه چيـرې قبـولی پـه دی قـانون کـې د درج شوو حکمونو سره سم صورت نه وي موندلی ، دبرات مخاطب د هغه په ورکړې مسئوليت نه لري. پـه هغـهٔ صـورت کـې چې بـرات رد شـي، صـادروونکی د لرونکـي يـا ظهر نويس چې هغه يې ورکړې ده، په جبران مکلف دی.

(۲) د چـك صـادروونکی د هغـهٔ پـه صادرولوسره ژمن کېږي چې د مخاطب لخوا د چك د رد په صورت کې، هغـه د سند لرونکي په جبران مکلف دی.

(۳) ددې مـادې پـه (۱او۲) فقره کـې درج شوي حکمونـه پـه هغـه صـورت کـې د تطبيـق وړدي چې د نومـوړي بـرات يـا چـك د نکـول خبرتيـا پـدې قـانون کـې د درج شـوو حکمونـو

مسئوليت صادر کننده
مادهٔ يازدهم :

(۱) صـادرکنندهٔ بـرات بـا صـدور آن متعهد می شودکه با ارايهٔ مقتضی سند ، برات مورد قبول واقـع شـده و مطـابق مفـاد آن تأديـه صـورت مـی گيـرد. هرگـاه قبـولی مطـابق احکـام منـدرج ايـن قـانون صـورت نگرفتـه باشـد ، مخاطـب بـرات در برابـر آن مسـئـولیت نـدارد. درصـورتی کـه بـرات رد شـود ، صـادر کننـده مکلـف بـه جبـران دارنده يا ظهرنويسی می باشد ، کـه آن را تأديـه نمـوده است.

(۲) صـادرکنندهٔ چـك بـا صـدور آن متعهد می شود که در صورت رد چك توسط مخاطب، وی مکلف بـه جبران دارندهٔ سند می باشد.

(۳) احکـام منـدرج فقـره هـای (۱و۲) ايـن مـاده درصـورتی قابل تطبيق می باشد کـه اطلاعيـهٔ نکـول بـرات يـا چـك مـذکور مطـابق احکـام منـدرج ايـن قـانون

مطابق دمخه صادروونکي ته تسليم شوې وي او صادروونکي هغه ترلاسه کړې وي.

قبلاً به صادر کننده تسلیم داده شده وصادر کننده آنرا دریافت نموده باشد.

د چك د مخاطب مسئوليت
دوولسمه ماده:
مخاطب هغه وخت د چك له ورکړې څخه مسئول ګڼل کېږي چې ورکړه يې رسماً غوښتل شوې وي او د چك د صادروونکي له دارايي څخه په کافي مقدار چې د هغې د ورکړې لپاره مناسبه وي په واك کې ولري، له ورکړې څخه د نکول په صورت کې، مخاطب د چك د صادروونکي په جبران مکلف دی.

مسئولیت مخاطب چك
مادۀ دوازدهم :
مخاطب زمانی از تأدیۀ چك مسئول دانسته می شود که تأدیۀ آن رسماً مطالبه شده ومقدار کافی از دارائی صادر کنندۀ چك را که برای تأدیۀ آن مناسب باشد، دراختیار داشته باشد. درصورت نکول از تأدیه، مخاطب مکلف به جبران صادرکنندۀ چك می باشد.

د حجت د صادروونکي او د برات د قبلوونکي مسئوليت
دیارلسمه ماده:
د حجت صادروونکی د هغۀ په صادرولو سره او د برات قبلوونکی له سر رسید دمخه د هغۀ په قبلولو سره، له احوالو سره سم د حجت د مفاد یا د برات د قبولی مطابق په ورکړې ژمن دی اوله ورکړې څخه د نکول په صورت کې، په حجت یا برات کې دطرف اشخاصو په جبران

مسئولیت صادر کنندۀ حجت وقبول کنندۀ برات
مادۀ سیزدهم:
صادر کنندۀ حجت با صدور آن وقبول کنندۀ برات قبل از سررسید با قبول آن ، حسب احوال متعهد به تأدیه طبق مفاد حجت یا قبولی برات می باشد و در صورت نکول از تأدیه ، مکلف به جبران اشخاص طرف در حجت یا برات می باشند ،

مکلف دی،خو داچې په مقاوله کې د هغۀ پر خلاف موافقې صورت موندلی وي.

د برات قبلوونکی د هغۀ په قبلولو سره په سر رسید کې یا وروسته له هغۀ، د هغۀ لرونکي ته عندالمطالبه په برات کې د درج شوي مبلغ په ورکړه ژمن ګڼل کېږي.

مگر این که درمقاوله بر خلاف آن توافق صورت گرفته باشد.

قبول کنندۀ برات با قبولی آن در سررسید یا بعد ازآن ، عندالمطالبه متعهد به تأدیه مبلغ مندرج برات، به دارندۀ آن دانسته می شود.

د برات د مخاطبینو مسئولیت

څوارلسمه ماده:

(۱) لاندې اشخاص د برات له قبلولو وروسته، په هغۀ کې د درج شوي مبلغ په ورکړې ملزم ګڼل کېږي:

۱- مخاطب یا مخاطبین.

۲- په برات کې درج شوی شخص چې د اړتیا په صورت کې د مخاطب په توګه معرفي شوی دی.

۳- قبلوونکی داعتبارد ساتنې لپاره.

(۲)په برات کې د مخاطبینو دتعدد په صورت کې چې یو دبل شریکان وی،دهغو هریو کولی شي سند د ځان لپاره له شریکانو څخه په استازیتوب ومني، پدې شرط چې

مسئولیت مخاطبین برات

مادۀ چهاردهم :

(۱) اشخاص ذیل بعد از قبولی برات ملزم به تأدیۀ مبلغ مندرج آن دانسته می شوند :

۱- مخاطب یا مخاطبین.

۲- شخص مندرج برات که بحیث مخاطب درصورت ضرورت معرفی شده است.

۳- قبول کننده برای حفظ اعتبار.

(۲) درصورت تعدد مخاطبین دربرات که شرکای هم دیگر باشند ، هرکدام آن ها می توانند سند را برای خود یا به نمایندگی از شرکا قبول نمایند. مشروط بر این که

دشراکت په موافقه لیك کې بل ډول تصریح شوي نه وي .

(۳) په برات کې د مخاطبینو د تعدد په صورت کې چې یو د بل شریکان نه وي ، هریو له هغو څخه کولی شي، برات دځان لپاره قبول کړي،خو هیڅ یو نشي کولی هغه د بل مخاطب لخوا د هغهٔ له اجازې پرته قبول کړي.

درموافقتنامهٔ شراکت طور دیگری تصریح نشده باشد.

(۳) درصورت تعدد مخاطبین در برات که شرکای هم دیگر نباشند ، هرکدام آنها می توانند برات را برای خود قبول نمایند ، اما هیچ کدام نمی تواند آن را ازطرف مخاطب دیگری بدون اجازهٔ وی قبول نماید.

د ظهر نویس مسئولیت

پنځلسمه ماده:

ظهر نویس ژمنه کوي چې په سر رسید کې د معاملې له وړاندې کولو وروسته، د معاملې وړ سند د قبلېدو وړ ګرځي اوپه هغهٔ کې د درج شوو شرایطو مطابق ورکول کېږي. د نکول په صورت کې،د سنددلرونکي یا وروستني ظهر نویس په جبران مکلف دی چې د سند په ورکړه مجبورشوی دی،خو دا چې په مقاوله کې بل ډول تصریح شوي وي.

ظهر نویس د معاملې وړ سند له ردېدووروسته پداسې توګه مسئول دی چې د ورکړې وړ عندالمطالبه سند په وړاندې مسئول دی.

مسئولیت ظهر نویس

مادهٔ پانزدهم :

ظهر نویس تعهد می نماید که بعد از ارایهٔ سند قابل معامله در سررسید ، سند قابل معامله، مورد قبول قرار گرفته، طبق شرایط مندرج آن تأدیه می شود. در صورت نکول، مکلف به جبران دارندهٔ سند یا ظهر نویس بعدی می باشد که مجبور به تأدیه سند شده است، مگر این که در مقاوله طور دیگری تصریح شده باشد.

ظهر نویس بعداز رد سند قابل معامله، طوری مسئول است که در قبال سند قابل تأدیه عندالمطالبه مسئول می باشد.

د مخکنیوارخونو مکلفیت

شپارسمه ماده:

له بنه نیت سره د لرونکي په وړاندې د معاملې وړ سند له پخوانیو ارخونو څخه هر یو تر هغه وخته پورې مسئول پېژندل کېږي چې په سند کې درج شوی مبلغ د هغه د مفاد مطابق ورکړل شي.

مکلفیت طرفین اسبق

مادۀ شانزدهم :

هریک ازطرفین اسبق سند قابل معامله در برابر دارندۀ با حسن نیت تا زمانی مسئول شناخته می شوند که مبلغ مندرج سند ، مطابق مفاد آن تأدیه گردد.

د اصلي مدیون یا ضامن په توګه د صادروونکي او قبلوونکي مسئولیت

اووه لسمه ماده:

(۱) د حجت او چك صادر وونکی د صادرېدو له وخته، د برات صادروونکی د قبولۍ تر وخته او د برات قبلوونکی د اصلي مدیونینو په توګه د نومورو سندونو په وړاندې مسئولیت لري، خودا چې په مقاوله کې بل ډول تصریح شوي وي.

(۲) هغه اشخاص چې له صادرېدو یا قبولۍ وروسته، ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شووسندونو ارخ واقع کېږي،دصادروونکي یا قبلوونکي د ضامنانو په توګه پېژندل کېږي.

مسئولیت صادرکننده وقبول کننده منحیث مدیون اصلی یا ضامن

مادۀ هفدهم :

(۱) صادرکنندۀ حجت و چك از زمان صدور، صادر کنندۀ برات تا زمان قبولی و قبول کنندۀ برات بحیث مدیونین اصلی درقبال اسناد مذکور مسئولیت دارند ، مگر این که در مقاوله طور دیگری تصریح شده باشد.

(۲) اشخاصی که بعد از صدور یا قبولی، طرف اسناد مندرج فقرۀ (۱) این ماده قرار می گیرند ، بحیث ضامنین صادر کننده یا قبول کننده شناخته می شوند.

(۳) له ضامنانو څخه هر یو د هغۀ شخص په وړاندې چې له هغۀ وروسته د سند اړخ ګرځي، د اصلی مدیون په توګه پېژندل کېږي، خو دا چې په مقاولې کې بل ډول تصریح شوی وي.

(۳) هر یك از ضامنین در برابر شخصی که بعد از وی طرف سند قرار می گیرد، بحیث مدیون اصلی شناخته می شود، مگر این که در مقاوله طور دیگری تصریح شده باشد.

د مرسته کوونکي اړخ مسئولیت
اتلسمه ماده:

(۱) د معاملې وړ سند مرستندوی اړخ له ښه نیت سره لرونکي په وړاندې مسئول دی که څه هم چې لرونکی د هغۀ صادروونکي له موقف څخه چې د مرستندوی اړخ په توګه وی، خبرتیا و لري که نه.

(۲) که چېرې مرستندوی اړخ، په معاملې وړ سند کې درج شوی مبلغ ورکړي، مرسته اخیستونکی اړخ د هغۀ په بېرته ورکړه مکلف دی.

(۳) په هغۀ صورت کې چې مرسته اخیستونکی اړخ د مرستې په سندکې درج شوی مبلغ ورکړي، نشي کولی دغه مبلغ له مرستندوی اړخ څخه ترلاسه کړي او همدارنګه د هغۀ د ترلاسه کولو په اړه د ادعا

مسئولیت طرف مساعدت کننده
مادۀ هجدهم:

(۱) طرف مساعدت کنندۀ سند قابل معامله در برابر دارندۀ با حسن نیت مسئول بوده، ولو این که دارنده از موقف صادرکننده که بحیث طرف مساعدت کننده می باشد، اطلاع داشته باشد یا نه.

(۲) هرگاه طرف مساعدت کننده، مبلغ مندرج سند قابل معامله را تأدیه نماید، طرف مساعدت گیرنده مکلف به باز پرداخت آن می باشد.

(۳) درصورتی که طرف مساعدت گیرنده مبلغ مندرج سند مساعدت را تأدیه نماید، نمی تواند این مبلغ را از طرف مساعدت دهنده حصول نماید و نیز حق ادعای مبنی بر حصول آن را

حق نلري.

ندارد.

د انتقالوونکي مسئوليت

نولسمه ماده:

(۱) هغه انتقالوونکی چې د حامل په وجه کې دمعاملې وړسند له ظهر نويسۍ پرته انتقال اخيستونکي ته تسليموي، د سند په وړاندې مسئول نه ګڼل کېږي.

(۲) هغه انتقالوونکی چې د تسليمۍ له لارې، سند معامله کوي، لومړۍ درجه انتقال اخيستونکي ته د معاملې وړ سند په انتقالولو سره پخپله ژمنه کوي:

-هغه ، سند د ارزښت په وړاندې لاسته راوړی دی.

- د معاملې وړسند اصليت، د هغه د ظاهري مفهوم مطابق دی.

- هغه ئې د انتقال حق لري.

- هغه د انتقال په وخت کې له هغو نيمګړتياوو څخه چې سند بې ارزښته کړي، خبرتيا نه لري.

مسئوليت انتقال دهنده

مادهٔ نزدهم :

(۱) انتقال دهنده ای که سند قابل معامله در وجه حامل را بدون ظهرنويسی به انتقال گيرنده تسليم می نمايد ، در برابر سند مسئول دانسته نمی شود.

(۲) انتقال دهنده ای که از طريق تسليمی ، سند را معامله می نمايد ، با انتقال سند قابل معامله به انتقا ل گيرندهٔ درجه اول، خود تعهد می نمايد :

- وی ، سند را در برابر ارزش بدست آورده است.

- اصليت سند قابل معامله، مطابق مفهوم ظاهری آن است.

- وی، حق انتقال آن را دارد.

- وی در زمان انتقال از نواقصی که سند را بی ارزش سازد ، اطلاعی نداشته است.

ضمانت

شلمه ماده:

که چېرې د قبول شوي برات لرونکی د هغهٔ له قبلوونکي

ضمانت

مادهٔ بيستم :

هرگاه دارندهٔ برات قبول شده با قبول کننده آن مقاوله ای را مطابق

سره د قانون مطابق د نورو اړخونو د بري الذمه کولو په اړه مقاوله عقد کړي، لرونکي کولی شي په څرګنده په نوموړی قرار داد کې له نورو طرف اشخاصو څخه د غوښتنې حق ځانته وساتي ، پدې حالت کې آخري اړخونه دبرات دلرونکي په وړاندې له ورکړې څخه نه بري الذمه کېږي.

احکام قانون مبنی بر بری الذمه ساختن سایر طرفین منعقد سازد ، دارنده می تواند طور صریح در قرارداد متذکره حق مطالبه از دیگر اشخاص طرف درسند را بخود محفوظ نگهدارد ، دراین حالت طرفین اخیر در برابر دارندۀ برات بری الذمه نمی گردند.

د ظهر نویس بري الذمه یوویشتمه ماده:

که چېرې د معاملې وړ سند ، د ظهر نویس له موافقې پرته د جبران د ادعا حق چې د پخوانیو اړخونو پر علیه وجود لري، ساقط یا نیمګړی کړي ،پدې صورت کې ظهر نویس د سند د لرونکي په وړاندې له مسئولیت څخه بری الذمه پېژندل کېږي داسې ګڼل کېږي چې سند د هغه د سررسید په وخت کې ورکړل شوی دی.

برائت الذمۀ ظهرنویس

مادۀ بیست ویکم :

هرگاه دارندۀ سند قابل معامله ، بدون موافقۀ ظهر نویس حق ادعای جبران را که علیه طرف های اسبق وجود داشته است، ساقط یا ناقص نماید ، در این صورت ظهرنویس ازمسئولیت در برابر دارندۀ سند ، بری الذمه دانسته شده، چنین پنداشته می شود که سند حین سر رسید آن تأدیه گردیده است.

په ظهر نویسی کې د تحریف یا تېروتنې سره ،سره د قبلوونکي مکلفیت

دوه ویشتمه ماده:

قبلوونکی نشي کولي په ظهر نویسی کې د تحریف یا تېروتنې په دلیل په هغۀ برات کې د درج شوي مبلغ له ورکړې څخه چې دمخه ظهر نویسي شوی دی، ډډه و کړي.

مکلفیت قبول کننده باوجود تحریف یا اشتباه درظهر نویسی

مادۀ بیست ودوم :

قبول کننده نمی تواند بدلیل تحریف یا اشتباه در ظهرنویسی از تأدیه مبلغ مندرج براتی که قبلاً ظهرنویسی شده است، ابا ورزد.

په تخیلي نوم د برات قبلول

درویشتمه ماده:

قبلوونکی نشی کولی په تخیلي نوم لیکل شوی برات چې د صادروونکي په دستور د ورکړې وړ وي، د نوم د تخیلي والي په دلیل له ښه نیت سره د لرونکي په وړاندې په سند کې د درج شوي مبلغ له ورکړې څخه ډډه و کړي، پدې شرط چې سند یا یې ظهر نویسي د صاروونکي په خط او لاسلیك ترتیب شوي وي.

قبولی برات به اسم تخیلی

مادۀ بیست وسوم :

قبول کننده نمی تواند برات صادر شده به اسم تخیلی که به دستور صادر کننده قابل تأدیه باشد ، بدلیل تخیلی بودن اسم، از تأدیۀ مبلغ مندرج سند در برابر دارندۀ باحسن نیت ابا ورزد ، مشروط براین که سند یا ظهرنویسی آن به خط و امضای صادر کننده ترتیب گردیده باشد.

د خدمت د اجراء یا د ګټې د تأمین په وړاندې دسند صادرېدل

څلېریشتمه ماده:

(۱) که چېرې د معاملې وړ سند د خدمت د اجراء یا د ګټې د تأمین په وړاندې صادر، قبول، ظهرنویسي یا انتقال شوی وي، تر هغۀ وخته پورې چې نومورې موخه تر سره شوي نه وي د معاملې ارخونو ته مسئولیت نه راوړي.

(۲) که چېرې یوۀ له ارخونو څخه، د معاملې وړ سند له ظهر نویسۍ سره یا پرته د خدمت د اجراء یا د ګټې د تأمین په بدل کې لرونکي ته انتقال کړي وي، پدې صورت کې نومورې لرونکی او له وروستیو لرونکو څخه هر یو چې هغه یې له دۀ څخه تملك کړی وي، کولی شي په معاملې وړ سند کې درج شوی واجب التأدیه مبلغ له هغۀ انتقالوونکي څخه چې هغه یې د خدمت د اجراء یا د ګټې د تأمین په بدل کې انتقال کړی دی او یا له پخواني ارخ څخه ترلاسه کړي.

(۳) که چېرې په معاملې وړ سند کې طرف شخص عملاً خدمت یا ګټه اجراء یا تأمین کړي وي، د

صدورسند در برابراجرای خدمت یا تأمین منفعت

مادۀ بیست وچهارم:

(۱) هرگاه سند قابل معامله دربدل اجرای خدمت یا تأمین منفعت صادر، قبول، ظهرنویسی یا انتقال شده باشد، تا زمانی که هدف مذکور برآورده نشده است، برای طرفین معامله مسئولیتی را بار نمی آورد.

(۲) هرگاه یکی از طرفین، سند قابل معامله را با یا بدون ظهرنویسی در بدل اجرای خدمت یا تأمین منفعت به دارنده انتقال نموده باشد، در این صورت دارندۀ مذکور و هریك از دارندگان بعدی که آنرا از وی تملك نموده باشند، می توانند مبلغ واجب التأدیه مندرج سند قابل معامله را از انتقال دهنده ای که آنرا در بدل اجرای خدمت یا تأمین منفعت انتقال نموده ویا از طرف اسبق، حصول نمایند.

(۳) هرگاه شخص طرف در سند قابل معامله خدمت یا منفعتی را عملاً اجرأ یا تأمین نموده باشد،

هغۀ خدمت یا ګټې د معادل مبلغ د ترلاسه کولو مستحق دی چې ترسره کړي يې دي.

د رابطې (اړیکیو) او درجې لرل
پنځه ویشتمه ماده:

(۱) که چېرې په معاملې وړسند کې درج شوی ارزښت هغه مبلغ وي چې په سرکې (ابتدأ) په قسمي توګه نا موجود یا وروسته په قسمي توګه اجراء شوی نه وي، پدې صورت کې هغه مبلغ چې د لومړۍ درجې رابطې درلودونکي لرونکی، د نومورې لاسلیك کوونکي په نسبت د ترلاسه کولو مستحق دی، متناسباً کمښت مومي.

(۲) د برات صادروونکی، د هغۀ له قبلوونکي سره لومړۍ درجه رابطه لري، د معاملې وړ سند صادروونکی د ورکړې له ترلاسه کوونکي سره لومړۍ درجه رابطه لري. ظهرنویس په ظهرنویسۍ کې له نومورې شخص (د ظهرنویسۍ ذینفع شخص) سره لومړۍ درجه رابطه لري. نور لاسلیك کوونکي کولی شي، د سند له لرونکي سره د توافق په صورت کې لومړۍ مستحق دریافت مبلغ معادل خدمت یا منفعتی می باشد که انجام داده است.

داشتن رابطه ودرجه
مادۀ بیست وپنجم :

(۱) هرگاه ارزش مندرج سند قابل معامله مبلغی باشد که ابتداءً به صورت قسمی نا موجود یا بعداً طور قسمی اجرا نشده باشد، در این صورت مبلغی که دارندۀ دارای رابطۀ درجه اول نسبت به امضأ کنندۀ مذکور مستحق دریافت می باشد، متناسباً کاهش می یابد.

(۲) صادرکنندۀ برات، رابطۀ درجه اول با قبول کنندۀ آن دارد، صادرکنندۀ سند قابل معامله رابطۀ درجه اول با دریافت کنندۀ تأدیه دارد. ظهر نویس رابطه درجه اول با شخص مذکور در ظهرنویسی (شخص ذینفع ظهرنویسی) دارد. سایر امضأ کنندگان می توانند، درصورت توافق با دارندۀ سند، رابطۀ درجه اول را کسب

درجه رابطه و مومي.

نمایند.

د خدمت داجراء یا د ګټې د تأمین په تناسب د سند د لرونکي استحقاق

شپږویشتمه ماده:

که چېرې د معاملې وړ سند د ټاکلي خدمت یا ګټې د تأمین لپاره چې په پیسو باندې د تعیین وړتیا ولري صادر، خو خدمت یا ګټه قسماً اجراء یا تأمین شوي وي، پدې صورت کې هغه مبلغ چې دلاسلیك کوونکي سره د لومړۍ درجې اړیکې لرونکی د هغۀ د ترلاسه کولو مستحق دی، متناسباً کمښت مومي.

استحقاق دارندۀ سند به تناسب اجرای خدمت یا تأمین منفعت

مادۀ بیست وششم :

هرگاه سند قابل معامله جهت اجرای خدمت یا تأمین منفعت معین که قابلیت تعیین به پول را داشته باشد، صادر ولی خدمت یا منفعت قسماً اجرأ یا تأمین شده باشد، دراین صورت مبلغی که دارندۀ دارای رابطۀ درجه اول با امضأ کننده، مستحق دریافت آن می باشد، متناسباً کاهش می یابد.

د ورك شوي سند مثني

اووه ویشتمه ماده:

که چېرې برات دسررسید له تېرېدو دمخه ورك شي، هغه شخص چې سند ورڅخه ورك شوی دی، کولی شي له صادروونکي څخه دهغۀ د مثني صادرېدل وغواړي، پدې صورت کې د سند لرونکی مکلف دی د صادروونکي لپاره نورو اشخاصو ته د جبران له ورکړې

مثنای سند مفقود شده

مادۀ بیست وهفتم :

هرگاه برات قبل از انقضای سررسید مفقود گردد، شخصی که سند از نزد وی مفقود شده است، می تواند از صادر کننده، صدور مثنای آن را درخواست نماید، در این صورت دارندۀ سند مکلف است، تضمینی را جهت مصئونیت از تأدیۀ جبران به سایر

څخه دخوندیتوب په غرض یو تضمین برابرکړي.صادروونکی مکلف دی د تضمین له ترلاسه کولو وروسته،دیادشوي سند مثني نومورې شخص ته تسلیم کړي.

اشخاص برای صادر کننده فراهم نماید. صادر کننده، مکلف است بعد از دریافت تضمین، مثنای سند متذکره رابه شخص مذکور تسلیم نماید.

د لاسلیك کوونکي یا متوفي د قانوني استازي مسئولیت

اته ویشتمه ماده:

(۱) هغه شخص چې د معاملې ورې سند د صادروونکي، ظهرنویس یا قبلوونکي په توګه لاسلیك کوي، مسئول ګڼل کېږي. په هغه صورت کې چې شخص یوسند په تزویري یا د سوداګریز شرکت په نوم لاسلیك کړي ، په هماغه اندازه مسئول دی چې په خپل نوم یې لاسلیك کړی دی.

(۲) د متوفي قانوني استازی چې د معاملې ورې سند لاسلیك کوي، شخصاً مسئول ګڼل کېږي، خو دا چې ثابته کړي چې مسئولیت یې په هغې شتمنۍ پورې محدود دی چې ترلاسه کړې یې ده.

مسئولیت امضأ کننده و نمایندۀ قانونی متوفی

مادۀ بیست وهشتم :

(۱) شخصی که سند قابل معامله را منحیث صادرکننده، ظهر نویس یا قبول کننده، امضأ می نماید ، مسئول دانسته می شود. در صورتی که شخص سندی را به اسم تزویری و یا شرکت تجارتی امضأ نماید به همان اندازه مسئول می باشد که باسم خودش امضأ کرده است.

(۲) نمایندۀ قانونی متوفی که سند قابل معامله را امضأ می نماید ، شخصاً مسئول دانسته می شود ، مگراین که ثابت نماید که مسئولیت وی محدود به آن دارائی است که وی دریافت نموده است.

تزويري يا غير مجاز لاسليك
نهه ويشتمه ماده:
کـه چېـرې د معـاملې وړ سـند پـه تزويري توګه يا د واکمن شخص لـه اجـازې پرتـه لاسـليك شـي، پـدې صـورت کـې تزويـري ياغيرمجـاز لاســليك اعتبــارنلري اودســند دساتنې، له ورکړې څخه د برائت او لـه طـرف اشخاصوڅخه پـه سـندکې ددرج شـوي مبلـغ د ترلاسـه کولوپـه اړه هـېڅ ډول حـق نـه مرتبېـږي.خـو هغـه طـرف چې د سـند سـاتل يـايې ورکــړه لــه هغــۀ څخــه غوښــتل کېـږي،د لاسـليك تـزويـريوالي يـا د واك د نه موجوديت په اړه د ادعا له حق څخه محروم شوی وي.
تأييد شوي غيـر مجـاز لاس ليکونـه چې په تزوير تمام نـشي، پـدې حکـم کې شامل ندي.

امضأ تزويری يا غيرمجاز
مادۀ بيست ونهم :
هرگـاه سـند قابـل معاملـه طـور تزويــــری يــــا بــــدون اجــــازۀ شـخص ذيـصلاح امـضأ گـردد ، در ايـن صـورت امـضای تزويـری يـا غيرمجـاز، فاقـد اعتبـار بـوده وهــــيچ گونــــه حقــــی مبنــــی بـر حفـظ سـند ، برائـت از تأديـه و حــصول مبلــغ منــدرج ســند از اشـخاص طـرف، مرتـب نمـی شـود ، مگر طرفی که حفظ سند يا تأديه آن از وی مطالبــه مــی گـردد ، ازحـق ادعای مبنی بر تزويری بودن امضأ يا عدم موجوديت صلاحيت محروم شده باشد .
امضاهای غيرمجاز تائيد شده کـه منجربـه تزويـر نگـردد ، شـامل ايـن حکم نمی باشد .

نا مربوط او نا مشخص لاسليك
دېرشمه ماده:
هغه شخص چې د معـاملې وړ سند (د هغــــۀ د صــــادروونکي يــــا قبلـوونکي پـه اسـتثني) لاسـليك کړي، ظهرنويس ګڼل کېږي، خو دا چې د مناسبو کلمو په درجولـو سره

امضای غيرمربوط و نامشخص
مادۀ سی ام :
شخـصی کـه سـند قابـل معاملـه را (بـه اسـتثنای صـادرکننده يـا قبـول کننـده آن) امـضأ مـی نمايـد ، ظهـر نويس پنداشته مـی شـود ، مگـر ايـن کـه قـصد خـود را بـا درج کلمـات

خپل قصد چې په بل موقف کې پر لاسليك دلالت و کړي، په صراحت سره بيان کړي.

مناسب که دلالت بر امضأ در موقف دیگری نماید، به صراحت بیان کند.

په معاملې ورې سندونو کې وکالت
یو دېرشمه ماده:
هغه شخص چې د قانون د حکمونو مطابق د مقاولې د عقد اهليت او واك ولري، کولی شي له نورو اشخاصوڅخه په استازيتوب د معاملې ورسندونه صادر، قبول، ظهر نويسي يا سند له بل شخص څخه په استازيتوب سره تسليم شي.

وکالت در اسناد قابل معامله
مادۀ سی ویکم:
شخصی که مطابق احکام قانون اهلیت وصلاحیت عقد مقاوله را داشته باشد، می تواند به نمایندگی از سایر اشخاص اسناد قابل معامله را صادر، قبول، ظهرنویسی یا تسلیم شود.

د استازي مسئوليت
دوه دېرشمه ماده:
که چېرې شخص د معاملې ورې سند د هغو عبارتونو له زياتولو پرته چې د مؤکل لخوا د هغۀ په وکالت باندې دلالت وکړي، لاسليك کړي شخصاً مسئول ګڼل کېږي. هغه شخص چې د معاملې ورې سند تر جبر او فشار لاندې له واکمن شخص څخه په استازيتوب لاسليك کړي، لدې حکم څخه مستثني دی.

مسئولیت نماینده
مادۀ سی ودوم:
هرگاه شخص، سند قابل معامله را بدون اضافه نمودن عباراتی که دلالت به نمایندگی وی نماید، امضأ کند، شخصاً مسئول دانسته می شود. شخصی که سند قابل معامله را تحت جبر و فشار به نمایندگی از شخص ذیصلاح امضأ نماید، از این حکم مستثنی می باشد.

د قانوني ممثل په واسطه پر معاملې باندې محدوديت

دري دېرشمه ماده:

که چېرې د معاملې وړسند په دستور د ورکړې وړ وي او د متوفي په واسطه ظهر نويسي شوی وي خو د هغهٔ قانوني ممثل، هغه تسليم شوی نه وي، پدې صورت کې قانوني ممثل نشي کولی، يوازې د تسليمۍ په ذريعه هغه معامله کړي.

محدودیت بر معامله توسط ممثل قانونی

مادهٔ سی وسوم:

هرگاه سند قابل معامله به دستور قابل تأدیه بوده و توسط متوفی ظهرنویسی شده، اما ممثل قانونی وی، آنرا تسلیم نشده باشد، دراین صورت ممثل قانونی نمی تواند، صرف ذریعهٔ تسلیمی آن را معامله نماید.

څلورم فصل
د معاملې سرته رسول

فصل چهارم
انجام معامله

د بشپړتيا د شرط په عنوان تسليمي

څلور دېرشمه ماده:

(۱) د معاملې وړ سند صادربدل، قبلېدل يا ظهرنويسي د هغهٔ په واقعي يا اعتباري تسليمۍ سره بشپړېږي.

(۲) د معاملې وړ سند "حامل ته د ورکړې وړ"، ددې قانون په (پنځه څلوېښتمه) ماده کې د درج شوي حکم له په پام کې نيولو سره د هغه په تسليمۍ سره معامله کېږي.

تسلیمی به عنوان شرط تکمیل

مادهٔ سی وچهارم :

(۱) صدور، قبولی یا ظهرنویسی سند قابل معامله با تسلیمی واقعی یا اعتباری آن تکمیل می گردد.

(۲) سند قابل معاملهٔ "قابل تأدیه به حامل"، بانظرداشت حکم مندرج مادهٔ (چهل وپنجم) این قانون با تسلیمی آن قابل معامله می باشد .

(۳) د معاملې وړسند، "په دستور ورکړې وړ" ددې قانون په (پنځه څلوېښتمه) ماده کې د درج شوي حکم له په پام کې نیولو سره د لرونکي په ظهر نویسي او د هغۀ په تسلیمي سره معامله کېږي.

(۴) د لومړۍ درجې رابطې لرونکو اړخونو تر منځ واقعي یا اعتباري تسلیمي، د هغۀ اړخ چې سند صادر، قبول یا ظهرنویسي کوي یا یې د واکمن استازي په واسطه،صورت‌مومي.

(۵) د معاملې وړ هغه سند چې تسلیم شوی او ورکړه یې د مشخصې پېښې په واقع کېدو مشروطه وي، د پېښې تر واقع کېدو پورې د معاملې وړ ندی، خو دا چې د هغۀ لرونکي په واسطه معامله شي چې هغه یې د ارزښت د ورکړې په وړاندې او له نومورې شرط څخه له خبرتیا پرته ترلاسه کړی وي.

(۳) سند قابل معاملۀ "قابل تأدیه به دستور" ، بانظرداشت حکم مندرج مادۀ (چهل وپنجم) این قانون با ظهرنویسی دارنده و تسلیمی آن قابل معامله می باشد.

(۴) تسلیمی واقعی یا اعتباری میان طرفین دارندۀ رابطه درجه اول، توسط طرفی که سند را صادر، قبول یا ظهرنویسی می نماید یا نمایندۀ ذیصلاح وی صورت می گیرد.

(۵) سند قابل معامله که تسلیم شده و تأدیه آن مشروط به وقوع واقعۀ مشخص باشد، تا زمان وقوع واقعه، قابل معامله نمی باشد.

د معاملې د واك لرونکی شخص پنځه دېرشمه ماده:

صادروونکی، د مبلغ ترلاسه کوونکی یا د ظهر نویسی ذینفع

شخص صاحب صلاحیت معامله مادۀ سی وپنجم:

صادر کننده ، دریافت کنندۀ مبلغ یا شخص ذی نفع ظهرنویسی می

شخص کولی شي د معاملې وړ هغه سند ظهرنویسي او معامله کړي چې ددې قانون د حکمونو مطابق مقید یا مستثني شوی نه وي، پدې شرط چې د معاملې وړ سند د صادروونکي په قانوني تصرف کې وي یا د ترلاسه کوونکي سند لرونکی یا انتقا ل اخستونکی د (ظهرنویسی ذینفع شخص) وي.

توانـد ، سـند قابـل معاملـه ای را ظهرنویـسی و معاملـه نمایـد کـه مطابق احکام ایـن قـانون مقیـد یـا مـستثنی نـشده باشـد ، مـشروط بـراین کـه سـندقابل معاملـه در تصرف قانونی صادرکننده بوده یا دارنـدۀ سـند دریافـت کننـده یـا انتقـال گیرنـده (شـخص ذی نفـع ظهرنویسی) باشد.

محـــــدوده ظهرنویـــــسي او د ظهرنویسی اثر

شپږدهرشمه ماده:

(۱) ظهر نویسي په یوه له لاندې حالاتو کې محدوده وي:

۱- په هغۀ حالت کې چې ظهر نویسي د راوروسته معاملې حق محدود یا ساقط کړي.

۲- په هغۀ حالت کې چې ظهر نویسي سبب شي څو د ظهرنویسی ذینفع شخص د معاملې وړ سند د ظهرنویـــسی پـــه منظـــور، د ظهرنـویس اسـتازی شـي.یـا یـې محتوي د ظهرنویس یا بل تاکلي شخص لپاره، ترلاسه کړي، پدې شـــرط چـــې د هغـــو عبـــارتونو موجودیـت چـې د انتقـا ل د حـق

ظهرنویـــسی محـــدود و اثـــر ظهرنویسی

مادۀ سی وششم:

(۱) ظهرنویـسی دریکـی ازحـالات ذیل محدود می باشد :

۱- درحـالتی کـه ظهرنویـسی حـق معاملۀ بعدی را محدود یـا سـاقط نماید.

۲- درحالتی که ظهرنویسی سبب گردد تا شخص ذی نفع ظهرنویسی بـه منظـور ظهرنویـسی سـند قابـل معامله، نماینـدۀ ظهرنـویس گـردد ویـا محتـوی آن را بـرای ظهرنـویس یـــا شـــخص معـــین دیگـــری، دریافـت نمایـد ، مـشروط بـراین کـــه موجودیـــت عبـــاراتی کـــه مبـــین حـــق انتقـــا ل باشـــد ،

بیانوونکي وي، ظهر نویسې مقیده کړي.

(۲) د معاملې وړ سند ظهر نویسي، د هغۀ له تسلیمې وروسته دمحدودې ظهر نویسې د اړوندو حکمونو له په پام کې نیولو سره د ظهر نویسې ذینفع شخص ته په سند کې د درج شوي مبلغ د انتقال او د را وروسته معاملې د حق، موجب کېږي.

ظهرنویسی را مقید نماید.

(۲) ظهرنویسی سند قابل معامله، بعد از تسلیمی آن با نظر داشت احکام مربوط ظهرنویسی محدود، موجب انتقال مبلغ مندرج سند و حق معاملۀ بعدی به شخص ذی نفع ظهرنویسی می گردد.

د ظهرنویس د مکلفیت مشروطول

اووه دېرشمه ماده:

د معاملې وړ سند ظهرنویس کولی شي په ظهرنویسې کې د یوه عبارت په درجولو سره، خپل مکلفیتونه محدود کړي یا د ظهر نویسې په سند کې د درج شوي مبلغ د ترلاسه کولو لپاره د ذینفع شخص حقوق د ټاکلې پېښې په واقع کېدو پورې مشروط کړي، که څه هم چې نومورې پېښه هیڅکله هم واقع نشي، که چیرې نومورې ظهر نویس وروسته د سند لرونکی شي، پدې صورت کې ټول واسط ظهر نویسان د هغۀ په وړاندې

مشروط ساختن مکلفیت ظهرنویس

مادۀ سی وهفتم :

ظهرنویس سند قابل معامله می تواند با درج عبارتی درظهرنویسی ، مکلفیت های خود را محدود نموده یا حقوق شخص ذینفع ظهرنویسی را جهت دریافت مبلغ مندرج سند به وقوع واقعۀ معین، مشروط نماید ، ولو این که واقعۀ مذکور هرگز اتفاق نیافتد ، هرگاه ظهرنویس مذکور بعداً دارندۀ سند گردد ، در این صورت تمام ظهرنویسان واسط دربرابر وی مسئول می

مسئول دي.
که چېرې د ظهر نویسۍ په معاملې وړ سند کې د درج شوی مبلغ لپاره د ذینفع شخص حق په پورتني ترتیب سره مشروط شي، د ظهر نویس او د ظهر نویسۍ د ذینفع شخص تر منځ یوازې شرایط د اعتبار وړ دي.
په هغهٔ صورت کې چې د معاملې وړ سند ظهرنویسي مشروطه وي، ورکوونکی کولی شي د شرایطو له په پام کې نیولو پرته، په سند کې درج شوی مبلغ د ظهرنویسۍ ذینفع شخص ته ورکړي، ددې با وجود چې په ظهر نویسۍ کې درج شوي شرایط تحقق و مومي یا نه.

باشند .
هرگاه حق شخص ذینفع ظهرنویسی جهت دریافت مبلغ مندرج سند قابل معامله به ترتیب فوق مشروط گردد ، صرف شرایط میان ظهرنویس و شخص ذینفع ظهرنویسی مدار اعتبار می باشد.
درصورتی که ظهرنویسی سند قابل معامله مشروط باشد ، تأدیه کننده می تواندبدون درنظر گرفتن شرایط، مبلغ مندرج سند را به شخص ذینفع ظهرنویسی تأدیه نماید ، با وجودی که شرایط مندرج ظهرنویسی تحقق یابد یا نه .

له ښه نیت سره د لرونکي له لارې د سند د لرونکي ادعا

اته دېرشمه ماده :

(۱) هغه لرونکی چې د معاملې وړ سند په ښه نیت لرونکي څخه ترلاسه کوي، له هغو ټولو حقوقو څخه چې له ښه نیت لرونکی یې د معاملې وړ سند د قبلوونکي او نورو پخوانیو اړخونو په ارتباط لري برخمن کېږي. پدې شرط چې

ادعای دارندۀ سند ازطریق دارندۀ باحسن نیت

مادۀ سی وهشتم :

(۱) دارنده ایکه سند قابل معامله را از دارندۀ با حسن نیت، حاصل می نماید ، از کلیه حقوقی که دارندۀ با حسن نیت به ارتباط قبول کننده و سایر طرفین اسبق سند قابل معامله دارا بوده برخوردار می گردد. مشروط بر این که در

دسند پرمخ دتېرايستنې او غير قانوني عملونو په سرته رسېدو کې لاس و نلري.

(۲) که چېرې د سند د لرونکي مالکيت معيوب وي:

۱-په هغۀ صورت کې چې هغه، سند له ښه نيت لرونکي سره معامله کړي، نومورې ښه نيت لرونکی د سند د بشپړ مالکيت حق ترلاسه کوي.

۲- په هغۀ صورت کې چې هغه، په سندکې درج شوی مبلغ ترلاسه کړي، هغه شخص چې مبلغ په ښه نيت سره ورکوي، د سند په نسبت بري الذمه کېږي.

انجام اعمال فریب وغیر قانونی بر روی سند دست نداشته باشد.

(۲) هرگاه مالکیت دارندۀ سند معیوب باشد:

۱- درصورتی که وی، سند را با دارندۀ با حسن نیت معامله نماید، دارندۀ با حسن نیت مذکور حق مالکیت کامل سند را حاصل می نماید.

۲- درصورتی که وی، مبلغ مندرج سند را حاصل نماید، شخصی که مبلغ را با حسن نیت تأدیه می نماید، نسبت به سند بری الذمه می گردد.

د سند لرونکې حقوق

نهه دېرشمه ماده:

هغه لرونکی چې سند پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق، لاسته راوړي، کولی شي.په هغۀ کې درج شوی مبلغ ترلاسه کړي، هغه بيا معامله کړي او په خپل نوم د هغۀ په استناد د دعوي اقامه وکړي.

حقوق دارندۀ سند

مادۀ سی ونهم :

دارنده ای که سند را مطابق احکام مندرج این قانون، به دست می آورد، می تواند مبلغ مندرج آن را دریافت نموده، آن را مجدداً معامله نماید و به اسم خودش به استناد آن اقامۀ دعوی نماید.

له ښه نیت سره د لرونکی حقوق څلوېښتمه ماده:

له ښه نیت سره لرونکی کولی شي د معاملې وړ سند د هغۀ د پخوانیو اړخونو په مالکیت کې د موجودو عیبونو او د هغو تر منځ د اختلاف د موجودیت له په پام کې نیولو پرته و ساتي.هغه کولی شي په سند کې د درج شوي مبلغ ورکړه له ټولو مکلفو اړخونو څخه وغواړي.

حقوق دارندۀ باحسن نیت

مادۀ چهلم :

دارندۀ با حسن نیت می تواند سند قابل معامله را بدون درنظر داشت عیوب موجود در مالکیت طرفین اسبق آن و موجودیت اختلاف بین آنها، حفظ نماید. وی می تواند، تأدیه مبلغ مندرج سند را از کلیه طرفین مکلف، مطالبه نماید.

د سپینې ظهرنویسۍ لرونکی سند یوځلوېښتمه ماده:

د مخططو چکونو د اړوندو حکمونو له په پام کې نیولو سره، د معاملې وړ هغه سند چې په سپینه توګه ظهرنویسي شوی وي، د هغۀ حامل ته د ورکړې وړ دي، که څه هم چې نومورې سند د دستور پر بنسټ د ورکړې وړ وي.

سند دارای ظهرنویسی سفید

مادۀ چهل ویکم :

بانظرداشت احکام مربوط چك های مخطط، سند قابل معامله ایکه به صورت سفید ظهرنویسی شده باشد به حامل آن قابل تأدیه است، ولو این که سند مذکور به اساس دستور، قابل تأدیه باشد.

پر بشپړې ظهرنویسۍ د سپینې ظهر نویسۍ بدلول

دوه څلوېښتمه ماده:

(۱) که چېرې د معاملې وړ سند په سپینه توګه ظهر نویسي شوی وي، لرونکی کولی شي له خپل لاسلیك

تبدیل ظهرنویسی سفید به ظهرنویسی مکمل

مادۀ چهل ودوم :

(۱) هرگاه سند قابل معامله به صورت سفید ظهرنویسی شده باشد، دارنده می تواند بدون

او د نوم له درجولو پرته سپینه ظهر نویسي په وجه یا د هغۀ په دستور د بل شخص په وجه کې د مبلغ د ورکړې په اړه د دستور په درجولو سره په بشپړه ظهرنویسۍ بدله کړي، پدې صورت کې د معاملې وړ سند لرونکي د ظهر نویسۍ مسئولیت لرونکي ته لېږدول کېږي.

(۲) که چېرې د معاملې وړ سند له سپینې ظهر نویسۍ څخه په بشپړه ظهر نویسۍ تبدیل شي، یوازې د ظهر نویسۍ ذینفع شخص یا بل هغه شخص چې د هغۀ له لارې یې د مطالبې حق ترلاسه کړی دی، کولی شي ددغه ډول مبلغ د ترلاسه کولو ادعا وکړي.

امضأ و درج اسم خویش، ظهرنویسی سفید را با درج دستوری مبنی بر تأدیۀ مبلغ در وجه یا به دستور وی در وجه شخص دیگری به ظهرنویسی مکمل، تبدیل نماید، انجام ظهرنویسی مکمل باعث انتقال مسئولیت ظهرنویس به دارنده نمی شود.

(۲) هرگاه سند قابل معامله از ظهرنویسی سفید به ظهرنویسی مکمل تبدیل شود، صرف شخص ذی نفع ظهرنویسی و یا شخص دیگری که از طریق وی حق مطالبه را حاصل نموده است، می تواند ادعای دریافت چنین مبلغ را نماید.

د ظهر نویسۍ شرایط

دري څلوېښتمه ماده:

(۱) د ظهرنویسۍ په واسطه په معامله کې په معاملې وړ سند کې ټول درج شوی مبلغ شاملېږي.

(۲) که چېرې د ظهر نویسۍ موخه هغۀ شخص ته چې ظهرنویسي یې په ګټه صورت مومي د ورکړې وړ مبلغ د یوې برخې لېږدول وي یا

شرایط ظهرنویسی

مادۀ چهل وسوم :

(۱) معامله توسط ظهرنویسی شامل تمام مبلغ مندرج سند قابل معامله می شود.

(۲) هرگاه هدف ظهرنویسی انتقال یك قسمت مبلغ قابل تأدیه به شخصی باشد که ظهرنویسی به نفع وی صورت می گیرد و یا سند

نومورې سند دوو یا له دوو څخه زیاتو اشخاصو ته په جلا توګه ظهر نویسي شي، دغه ډول انتقا ل د اعتبار وړ ندي، خو دا چې په معاملې وړ سند کې درج شوی مبلغ قسماً ورکړل شوی وی، پدې صورت کې د دغه ډول ورکړې د معتبروالي په اړه یادښت په هغه کې درجېږي او د پاتې مبلغ ظهرنویسي وروسته صورت مونډلی شي.

مذکور به دو یا بیش از دوشخص بصورت جداگانه ظهرنویسی شود، چنین انتقال قابل اعتبار نمی باشد، مگر این که مبلغ مندرج سند قابل معامله قسماً تأدیه شده باشد، در این صورت یادداشت مبنی بر معتبر بودن چنین تأدیه در آن درج می گردد و ظهرنویسی مبلغ با قیمانده بعداً صورت گرفته می تواند.

ددمخه مسئول طرف سره دسند معامله

څلور څلوېښتمه ماده:

که چېرې د معاملې وړ سند د هغه له سرسید دمخه دوباره پخواني صادروونکي یا ظهرنویس ته یا د هغه قبلوونکي ته انتقال شي، نومورې طرف ددې قانون د حکمونو له په پام کې نیولو سره کولی شي، د معاملې وړ سند بیا صادر یا انتقا ل کړي، خو نشي کولی د هغه ورکړه له هغه ثالث شخص څخه وغواړي چې د دمخه یې د نومورې سند په وړاندې مسئولیت درلود.

معامله سند با طرف مسئول قبلی

مادۀ چهل وچهارم:

هرگاه سند قابل معامله قبل از سررسید آن دوباره به صادرکننده یا ظهر نویس قبلی یا قبول کننده آن انتقال داده شود، طرف مذکور با نظرداشت احکام این قانون می تواند، سند قابل معامله را مجدداً صادر یا انتقال دهد، ولی نمی تواند تأدیه آن را از شخص ثالثی مطالبه نماید که خود وی قبلاً در برابر شخص مذکور مسئول بود.

په مالکیت کې نیمګړتیا

پنځه څلوېښتمه ماده:

کـه چېـرې د معـاملې وړسـند ورك شي يـا د جبر، تزويـر يـا نـورو غيـر قـانوني اعمـالو پـه وسـيله لـه صادروونکي، قبلوونکي يـا د هغـۀ له لرونکي څخه تر لاسه کړی شي، ترلاسـه کـوونکی، حاصـلوونکی، متـصرف يـا د ظهـر نويسـۍ ذينفـع شخص له صادروونکي، قبلوونکي يا د هغۀ له لرونکي څخه د ورکړې وړ مبلـغ د ترلاسـه کولـو مـستحق نـدي، خـودا چـې ظهرنـويس، متصرف يا هغه شخص چې د هغۀ له لارې ادعا صورت مومي ، د ښه نيت لرونکی وي.

نقص درمالکیت

مادۀ چهل وپنجم:

هرگـاه سـند قابـل معاملـه، مفقـود گـردد يـا بوسـيله جبـر، تزويـر و يـا سـاير اعمـال غيرقـانونی ازصـادر کننـده، قبـول کننـده و يـا دارنـدۀ آن حاصـل شـود ، شـخص دريافـت کننده، حاصـل کننده، متـصرف يـا ذی نفع ظهرنويسی يـا شخصی کـه از طريـق آنـان ادعـا مـی نمايـد ، مستحق دريافت مبلغ قابـل تأديـه از صـادرکننده، قبـول کننـده يـا دارنده آن نمی باشد ، مگر ايـن کـه ظهرنـويس ، متـصرف يـا شخـصی کـه از طريـق وی ادعـا صـورت مـی گيرد ، دارندۀ باحسن نيت باشد .

لـه نکـول يـا د سررسـيد لـه تېرېـدو وروسـته ترلاسه شوی د معـاملې وړ سند

شپږڅلوېښتمه ماده:

(۱) هغـه لرونکـی چـې د معـاملې وړسند له قبلېدو څخه لـه نکول يـا لـه ورکړې څخه لـه نکـول وروسـته دهغۀ له يادښت سره يو ځای لاسـته راوړی يا دسررسيدله تېرېدو وروسـته يې هغه حاصل کړی وي دمخکنيـو

سـند قابـل معاملـۀ حاصـل شـدۀ بعـد از نکـول يـا گذشـت سـر رسيد

مادۀ چهل و ششم :

(۱) دارنـدۀ کـه سـند قابـل معاملـه را بعد از نکول از قبـولی يـا نکـول از تأديـه همـراه بـا يادداشـت آن بدسـت آورده و يـا بعـد از انقـضای سررسـيد ، آن را حاصـل نموده باشد ، از جمله طرفين قبلی

اړخونوله جملي څخه يوازې د هغهٔ منتقلوونکي پرعليه د دعوي حق لري چې سند يې له هغهٔ څخه لاسته راوړی او د هغو حقوقو تابع دی چې د اکتساب دوخت منتقلوونکی دهغولرونکی ؤ.

(۲) که چېرې شخص له بنه نيت سره او د ارزښت په وړاندې د تېر موعد د هغهٔ حجت يا برات خاوند شي چې د ارزښت له ورکړې پرته صادر يا قبول شوي وي، کولی شي، ددغهٔ ډول حجت يا برات مبالغ د هغهٔ د دمخه هر اړخ څخه حصول کړي.

حق دعوی را صرف عليه منتقل کنندهٔ دارد که سند را از وی بدست آورده و تابع حقوقی می باشد که منتقل کننده زمان اکتساب آن را دارا بوده است.

(۲) هرگاه شخص با حسن نيت و در برابر ارزش حجت يا برات موعد گذشته ای را بدست آورد. که بدون پرداخت ارزش صادر يا قبول گرديده باشد، می تواند، مبالغ چنين حجت و يا برات را از هر جانب قبلی آن حصول نمايد.

د ورکړې تر وخته د سند د معاملې وړتيا والی

اووه څلوېنښتمه ماده:

د معاملې وړ سند په سر رسيد کې د ورکړې تر وخته يا له هغهٔ وروسته، د صادروونکي، مخاطب يا قبلوونکي په واسطه د معاملې وړ دی، د سند له سررسيد وروسته صادروونکی، مخاطب يا قبلوونکی د هغهٔ د معاملې واک نلري، د پورته ذکر شوو اشخاصو په واسطه له ورکړې وروسته سند د

قابل معامله بودن سند تا زمان تأديه

مادهٔ چهل وهفتم :

سند قابل معامله تا زمان تأديه درسررسيد يا بعد از آن توسط صادرکننده، مخاطب يا قبول کننده قابل معامله می باشد. بعد از سررسيد سند، صادر کننده، مخاطب يا قبول کننده صلاحيت معامله آن را ندارند. بعد از تاديه توسط اشخاص فوق الذکر، سند مورد معامله قرار گرفته

معاملې وړ ګرځېدی نشي.

نمی تواند.

پنځم فصل
د معاملې وړ سندونو وړاندې کول

فصل پنجم
ارایهٔ اسناد قابل معامله

د قبلېدو لپاره د برات وړاندې کول

اته څلوېښتمه ماده:

(۱) هغه برات چې له رویت وروسته د ورکړې ورځ دی خوزمان او ځای پکې مشخص شوي نه وي، د مناسب موعد اوکاري ساعتونو په ترڅ کې، د قبولۍ لپاره مخاطب ته وړاندې کېږي، په هغهٔ صورت کې چې له مقتضي لټولو وروسته مخاطب و نه موندلی شي، دغه ډول برات نکول شوی ګڼل کېږي.

(۲) که چېرې په برات کې تصریح شوي وي چې په خاص ځای کې دې مخاطب ته وړاندې شي، سند په هماغه ځای کې وړاندې کېږي په هغهٔ صورت کې چې مخاطب په نومورې ځای کې و نه موندل شي او برات په سر رسید کې ور کوونکي ته وړاندې نشي، یاد شوی برات نکول شوی ګڼل کېږي.

(۳) د برات وړاندې کول د راجستر شوي پستي لیک په واسطه هم

ارایهٔ برات برای قبولی

مادهٔ چهل وهشتم :

(۱) براتی که بعد از رویت قابل تأدیه بوده ولی زمان یا محل ارایه در آن مشخص نشده باشد، درخلال موعد مناسب و ساعات کاری، برای قبولی به مخاطب ارایه می گردد. در صورتی که بعد از جستجوی مقتضی، مخاطب پیدا شده نتواند، چنین برات نکول شده دانسته می شود.

(۲) هرگاه در برات تصریح شده باشد که در محل خاص به مخاطب ارایه شود، سند در همان محل ارایه می گردد، در صورتی که مخاطب درمحل مذکور پیدا شده نتواند و برات در سررسید به تأدیه کننده ارایه نگردد، برات مذکور نکول شده دانسته می شود.

(۳) ارایهٔ برات توسط نامهٔ پستی راجسترشده نیز صورت

صورت موندلی شي، پدې شرط چې د قانون د حکمونو موافقه لیك یا رایج عرف مطابق، مجاز وي.

(۴) په هغۀ صورت کې چې د برات مخاطب لاړم و ګڼي، لرونکی مکلف دی د برات د قبلېدو یا یې د نه قبلېدو په منظور اته څلوېښت ساعته (له عمومي رخصتی پرته) موده مخاطب ته مهلت ورکړي.

گرفته می تواند، مشروط بر این که مطابق احکام قانون، موافقتنامه یا عرف رایج مجاز باشد.

(۴) درصورتی که مخاطب برات لازم بداند، دارنده مکلف است به منظور قبولی برات یا عدم آن مدت چهل وهشت ساعت (به جز از رخصتی عمومی) به مخاطب مهلت دهد.

عندالرویت د حجت وړاندې کول

نهه څلوېښتمه ماده:

هغه حجت چې له رویت څخه یې د تاکلې مودې له تېرېدو وروسته د ورکړې وړ وي، د هغۀ د صادرېدو له نېټې څخه وروسته د کاري ساعتونو په ترڅ کې صادروونکي ته وړاندې کېږي.

ارایۀ حجت عندالرویت

مادۀ چهل ونهم:

حجتی که بعد از سپری شدن موعد معینه از رویت آن قابل تأدیه باشد درخلال موعد مناسب بعد از تاریخ صدور آن در طی ساعات کاری به صادرکننده، ارایه می گردد.

د ورکړې لپاره وړاندې کول

پنځوسمه ماده:

د معاملې وړ سند ددې قانون د حکمونو مطابق، د لرونکي په واسطه یا له هغۀ څخه په استازیتوب بالترتیب صادروونکي، قبلوونکي یا

ارایه برای تأدیه

مادۀ پنجاهم:

(۱) سند قابل معامله مطابق احکام این قانون، بوسیله دارنده یا به نمایندگی از وی بالترتیب به صادر کننده، قبول کننده، یا

مخاطب ته د ورکړې لپاره وړاندې کېږي،لـه وړانـدې کولوڅخـه د قصور په صورت کې، نور اړخونه د سند د لرونکي په وړاندې مسئول ندي.

(۲) که چېرې متعدد اشخاص پرته لـدې چې يـو د بـل شـريك وي، د صـادر وونکـي، قبلـوونکي يـا د معاملې وړ يوه سند د مخاطب په توګه مسئول وي او د ورکړې ځای هم په معاملې وړ سند کې مشخص شـوی نـه وي، د معـاملې وړ سـند هغو ټولو ته وړاندې کېږي.

مخاطـب، بـرای تأدیـه ارایـه مـی گـردد. در صـورت قـصور در ارایـه ، سـایرطرفین در برابـر دارنـده سـند مـسئول نمی باشند.

(۲) هرگاه اشخاص متعدد بدون آنکـه شـریك همـدیگر باشـند ، منحیث صادرکننده، قبول کننده، یا مخاطب یك سند قابل معامله، مسئول باشند ، و محل تأدیه نیز در سـند قابـل معاملـه مـشخص نشده باشد ، سند قابل معامله به همه آن ها ارایه می شود.

د ورکړې لپاره د نه وړاندې کولو موارد

یو پنځوسمه ماده:

په هغۀ صورت کې چې حجت يا بـرات عندالمطالبـه او د مـشخص ځای لـه يادولو پرتـه، د ورکړې وړ وي، د حجـت د صـادروونکي يـا دبـرات د قبلـوونکي د ملزمولـو لپـاره، وړانـدې کـول اړيـن نـه ګڼل کېږي.

موارد عـدم ارایـه بـرای تأدیه

مادۀ پنجاه ویکم :

درصـورتی کـه حجـت يـا بـرات عندالمطالبـه و بـدون ذکـر محـل مـشخص، قابـل تأدیـه بـاشد ، بـرای ملـزم کـردن صـادرکنندۀ حجـت يـا قبـول کنندۀ برات، ارایـه ضرور دانسته نمی شود .

د ورکړې لپاره د وړاندې کولو ساعتونه

دوه پنځوسمه ماده:

د ورکړې لپاره د معاملې وړ سند د کاري ساعتونو په ترڅ کې وړاندې کېږي. که چېرې ور کوونکی بانک وي، د ورکړې لپاره د معاملې وړسند وړاندې کول، د هغۀ د کاري ساعتونو په ترڅ کې صورت مومي.

ساعات ارایه جهت تأدیه

مادۀ پنجاه ودوم :

سند قابل معامله برای تأدیه در خلال ساعات کاری ارایه می شود. هرگاه تأدیه کننده بانک باشد. ارایه سند قابل معامله برای تأدیه در خلا ل ساعات کاری آن، صورت می گیرد.

د مشخص میعاد له تېرېدو وروسته د تأدیې وړ سند وړاندې کول

دري پنځوسمه ماده:

هغۀ حجت یا برات چې د مشخص میعاد له تېرېدو وروسته یا له رویت وروسته د ورکړې وړ وي، د هغۀ په سررسید کې د ورکړې لپاره وړاندې کېږي.

ارایۀ سند قابل تأدیه بعد ازگذشت میعاد مشخص

مادۀ پنجاه وسوم :

حجت یا براتی که بعد از گذشت میعاد مشخص یا بعد از رویت قابل تأدیه باشد، در سررسید آن جهت تأدیه ارایه می شود.

د قسطونو په ډول د حجت د ورکړې وړاندې کول

څلورپنځوسمه ماده:

هغه حجت چې د قسطونو په ډول د ورکړې وړ وي، د هر قسط د ورکړې لپاره له سررسید وروسته

ارایۀ حجت جهت تأدیه به شکل اقساط

مادۀ پنجاه وچهارم :

حجتی که به شکل اقساط قابل تأدیه باشد در روز سوم بعد از سررسید برای تأدیه هر

په درېيمه ورځ، وړاندې کېږي له دغه ډول وړاندې کولو وروسته د نه ورکړې په صورت کې په سررسيد کې د نه ورکړې د حکم لرونکی وي.

قسط ، ارايه مي گردد. در صورت عدم تأديه بعد از چنين ارايه، حکم عدم تأديه در سررسيد را دارا می باشد.

په مشخص ځای کې يا غير له هغه د ورکړې لپاره د سند وړاندې کول پنځه پنځوسمه ماده:

(۱) که چېرې د معاملې وړ سند په يوه مشخص ځای کې د ورکړې لپاره صادر يا قبول شوی وي، د اړوند لوري د ملزمولو په منظور، سند په هماغه مشخص ځای کې د ورکړې لپاره وړاندې کېدی شي.

(۲) که چېرې حجت يا برات ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوی حکم مطابق د ورکړې وړ نه وي، سندد ورکړې لپاره دصادروونکي، قبلوونکي يا په برات يا حجت کې د درج شوي مخاطب په آدرس وړاندې کېږي.په هغه صورت کې چې په سند کې دغه ډول آدرس ياد شوی نه وی، د صادروونکي، مخاطب يا قبلوونکی دکاريا اوسېدوځای ته وړاندې کېږي.

(۳) که چېرې د معاملې وړ سند د

ارايۀ سند جهت تأديه در محل مشخص يا غير آن

مادۀ پنجاه وپنجم :

(۱) هرگاه سند قابل معامله جهت تأديه در يك محل مشخص صادر و يا قبول شده باشد ، به منظور ملزم ساختن طرف مربوط، سند در همان محل مشخص جهت تأديه ارايه شده می تواند.

(۲) هر گاه حجت يا برات مطابق حکم مندرج فقرۀ (۱) اين ماده قابل تأديه نباشد ، سند جهت تأديه به آدرس صادرکننده، قبول کننده يا مخاطب مندرج برات يا حجت ارايه می شود. در صورتی که درسند چنين آدرسی ذکر نشده باشد ، به محل کار و يا اقامت صادرکننده، مخاطب و يا قبول کننده، ارايه می گردد.

(۳) هرگاه محل کار يا اقامت

صادروونکي، مخاطب یا قبلوونکي د کار یا اوسېدو ځای معلوم نه وي او په معاملې وړ سند کې هم د قبلېدو یا ورکړې لپاره د وړاندې کولو په غرض تاکلې ځای یاد شوی نه وي، پدې صورت کې د معاملې وړسند په هرځای کې چې وکړی شي هغو ته لاس رسي پیدا کړي، وړاندې کېدی شي.

صادرکننده، مخاطب یا قبول کننده سند قابل معامله معلوم نباشد، و در سند قابل معامله نیز محل معینی برای ارایه جهت قبولی یا تأدیه ذکر نشده باشد، در این صورت سند قابل معامله در هر محلی که بتوان به ایشان دسترسی پیدا کرد، ارایه شده می تواند.

د سند د نقل وړاندې کول

شپږ پنځوسمه ماده:

(۱) وړاندې کوونکی کولی شي، د معاملې وړ سند د اصل په عوض، اړتیا ته په پام سره، د هغهٔ نقل مسئول شخص ته وړاندې کړي. دغه تسلیمي شخصاً یا د راجستر شوي پستي لیك په ذریعه یا په هره بله اغېزمنه لاره صورت مونډلی شي.

(۲) وړاندې کوونکی د ورکړې مسئول شخص ته موقع ورکوي څو ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي د معاملې وړسند د نقل د صحت په اړه څېړنه وکړي او دورځې د رسمي ساعتونو په پای کې د هغهٔ په اړه تصمیم و نیسي،

ارایهٔ نقل سند

مادهٔ پنجاه وششم:

(۱) ارایه کننده می تواند، به عوض اصل سند قابل معامله، نظر به ضرورت، نقل آن را به شخص مسئول تسلیم نماید. این تسلیمی شخصاً یا ذریعهٔ نامهٔ پستی راجستر شده و یا هرطرق مؤثر دیگر صورت گرفته می تواند.

(۲) ارایه کننده به شخص مسئول تأدیه موقع می دهد تا در رابطه به صحت نقل سند قابل معامله مندرج فقرهٔ (۱) این ماده تحقیق و درخواست ساعات رسمی روز در رابطه به آن تصمیم اتخاذ نماید.

د نه قبلېدو په صورت کې، وړاندې کوونکی د سند د اصل په وړاندې کولو مکلف دی.

در صورت عدم قبولی ، ارایه کننده مکلف به ارایه اصل سند می باشد.

له صادروونکي څخه د ورکړې د غوښتنې لپاره د چك وړاندې کول

اووه پنځوسمه ماده:

(۱) دصادروونکي دمکلفولوپه منظور، چك هغۀ بانك ته وړاندې کېږي چې ورته صادرشوی دی.د چك وړاندې کول له هغۀ وخت څخه دمخه صورت مومي چې د صادروونکي او بانکدار اړیکیو ته زیان ورسېږي.

(۲) د ظهرنویس (له صادروونکي پرته) د مکلفولو په منظور، چك له دغه شان شخص څخه د هغۀ له تسلیمې وروسته ، د مناسب موعد په ترڅ کې وړاندې کېږي.

ارایۀ چك جهت ملزم ساختن صادر کننده

مادۀ پنجاه وهفتم :

(۱) به منظور مکلف ساختن صادر کننده، چك به بانکی ارایه می شود که به آن صادر شده است. ارایۀ چك، قبل از زمانی صورت می گیرد که به روابط صادر کننده و بانکدار صدمه وارد شود.

(۲) به منظور مکلف ساختن ظهرنویس (به غیر از صادر کننده)، چك بعد از تسلیمی آن از چنین شخص، در خلال موعد مناسب ارایه می گردد.

عندالمطالبه د ورکړې وړ سند وړاندې کول

اته پنځوسمه ماده:

د معاملې وړ هغه سند چې عندالمطالبه د ورکړې وړ وي، ددې قانون د حکمونو مطابق د لرونکي په واسطه د هغۀ له ترلاسه

ارایۀ سند قابل تأدیه عندالمطالبه

مادۀ پنجاه وهشتم :

سند قابل معامله ایکه عندالمطالبه قابل تأدیه باشد ، مطابق احکام این قانون برای تأدیه در خلال

کولو وروسته د ټاکلې مودې په ترڅ کې د ورکړې لپاره وړاندې کېږي.

موعد معینه بعد از حصول آن توسط دارنده، ارایه می گردد.

قانوني استازي ممثل يا واکمن شخص ته د سند وړاندې کول

نهه پنځوسمه ماده:

د معاملې وړ سند د قبلېدو یا ورکړې لپاره د مخاطب واکمن استازي، صادروونکي یاقبلوونکي او د وفات یا ورشکستګۍ یا افلاس په صورت کې ددې قانون د حکمونو مطابق د هغوی قانوني ممثل یا واکمن شخص ته وړاندې کېږي.

ارایهٔ سند به نماینده، ممثل قانونی یا شخص ذیصلاح

مادهٔ پنجاه ونهم :

سند قابل معامله جهت قبولی یا تأدیه به نمایندهٔ ذیصلاح مخاطب، صادرکننده یا قبول کننده و درصورت وفات یا ورشکسته شدن یا افلاس مطابق احکام این قانون به ممثل قانونی یاشخص ذیصلاح آنها ارایه می گردد.

د قبلېدو یا ورکړې لپاره د معاملې وړ سند د وړاندې کولو د ځنډ توجیه

شپېتمه ماده:

د قبلېدو یا ورکړې لپاره د معاملې وړ سند په وړاندې کولو کې ځنډ په هغهٔ صورت کې موجه ګڼل کېدی شي چې د سند د لرونکي له تقصیر، ناوړې ګټې اخیستنې یا غفلت څخه را پیدا شوي نه وي. د ځنډ د دلیل د رفع کېدو په صورت کې د معاملې وړ سند وړاندې کول

توجیه تأخیر ارایهٔ سند قابل معامله برای قبولی یا تأدیه

مادهٔ شصتم :

تأخیر در ارایهٔ سند قابل معامله جهت قبولی یا تأدیه در صورتی مؤجه پنداشته می شود که ناشی از تقصیر، سوء استفاده و یا غفلت دارندهٔ سند قابل معامله نباشد. درصورت رفع دلیل تاخیر، ارایه سند قابل معامله درموعد مناسب صورت

په مناسب وخت کې صورت مومي.

دقبلېدو یا ورکړې لپاره د معاملې وړ سند د نه وړاندې کولو حالات یو شپېتمه ماده:

(۱) د ورکړې لپاره د معاملې وړ سند وړاندې کول په لاندې حالاتو کې اړین ندي او داسې ګڼل کېږي چې د معاملې وړسند په سررسیدکې وړاندې او د نکول مورد ګرځېدلی دی:

۱- په هغۀ صورت کې چې صادروونکی، مخاطب یا قبلوونکی عمداً د معاملې وړ سند له وړاندې کولو څخه مخنیوی وکړي.

۲- په هغۀ صورت کې چې د معاملې وړ سند د ور کوونکي د کار په ځای کې د ورکړې وړ وي او هغه دغه ځای د کاري ساعتونو په بهیر کې عمداً بند کړي.

۳- په هغۀ صورت کې چې د معاملې وړ سند په بل مشخص ځای کې د ورکړې وړ وي او ورکوونکی یا یې واکمن استازی د کاري ساعتونو په ترڅ کې په هغۀ ځای کې حضور و نه مومي.

می گیرد.

حالات عدم ارایۀ سند قابل معامله جهت قبولی یا تأدیه

مادۀ شصت ویکم :

(۱) ارایۀ سند قابل معامله برای تأدیه در حالات ذیل ضرور نبوده و چنین پنداشته می شود که سند قابل معامله در سررسید ارایه و مورد نکول قرارگرفته است :

۱- در صورتی که صادر کننده، مخاطب یا قبول کننده عمداً از ارایه سند قابل معامله جلوگیری نمایند.

۲- در صورتی که سند قابل معامله در محل کارتأدیه کننده، قابل تأدیه بوده و وی این محل را درجریان ساعات کاری عمداً مسدود نماید.

۳- در صورتی که سند قابل معامله در محل مشخص دیگری قابل تأدیه بوده و تأدیه کننده یا نمایندۀ ذیصلاح وی درخلال ساعات کاری در آن محل حضور نیابند.

۴- په هغۀ صورت کې چې په معاملې وړسندکې دورکړې لپاره یو ځای مشخص شوی نه وي او مخاطب له مقتضي پلټلو وروسته پیدا نشي.

۵- په هغۀ صورت کې چې د معاملې وړ سند تأدیه کوونکي اړخ له وړاندې کولو دمخه، هغه ورکړی وی.

۶- په هغۀ صورت کې چې د بل اړخ پر علیه چې له تاکلې وخت وروسته او د معاملې وړ سند له نه وړاندې کېدوڅخه د خبرتیا سره، په هغۀ کې د درج شوي مبلغ یوه برخه ورکړې یا یې د هغۀ د ټول یا یوې برخې په ورکړې وعده کړې وي یا دا چې له خپلو حقوقو څخه، د یادشوي سند له نه وړاندې کولو څخه د ګټې اخستنې لپاره سترګې پټې کړې وي.

۷- په هغۀ صورت کې چې صادروونکی و نکړی شي د معاملې وړ سند له وړاندې کولو څخه را پیدا شوي زیانونه وزغمي.

۸- په هغۀ صورت کې چې مخاطب تخیلي شخص وي.

۹- په هغۀ صورت کې چې د

۴- در صورتی که درسند قابل معامله محلی جهت تأدیه مشخص نشده باشد و مخاطب پس از جستجوی مقتضی دریافت نشود.

۵- درصورتی که طرف تأدیه کنندۀ سند قابل معامله، بدون نظرداشت ارایه، تعهد به تأدیه نموده باشد.

۶- درصورتی که علیه طرف دیگری که بعد از موعد معینه و با وجود آگاهی از عدم ارایه سند قابل معامله، قسمتی از مبلغ مندرج آن را تأدیه نموده یا به تأدیه تمام یا قسمتی از آن وعده نموده باشد یا این که از حقوق خود جهت نفع برداری از عدم ارایۀ سند متذکره صرف نظر نموده باشد.

۷- در صورتی که صادر کننده نتواند خسارات ناشی از ارایۀ سند قابل معامله را متحمل گردد.

۸- در صورتی که مخاطب شخص تخیلی باشد.

۹- در صورتی که سند قابل

معاملې وړ سند له ظهرنويس سره د مرستې په منظور، صادر يا قبول شوی وي او هغه د دلايلو په لرلو سره داسې وګڼې چې ياد شوی سند د هغۀ د وړاندې کولو په صورت کې ورنکړل شي.

۱۰- په هغۀ صورت کې چې له مقتضي هڅې او هاند وروسته، د معاملې وړ سند وړاندې کول پدې قانون کې له درج شوو حکمونوسره په مطابقت کې صورت ونه مومي.

(۲) که چېرې د معاملې وړ سند لرونکی ددې باور لپاره دليل ولري چې سند به د هغۀ د وړاندې کېدو په صورت کې نکول شي، نوموړی دليل د هغۀ د وړاندې کولو له اړتيا څخه د انصراف موجب نه کېږي.

معامله به منظور مساعدت به ظهرنويس، صادر يا قبول شده باشد و وی با داشتن دلايل، چنين تصور نمايد که سند متذکره در صورت ارايۀ آن تأديه نخواهد شد.

۱۰- در صورتی که بعد از سعی و تلاش مقتضی، ارايۀ سند قابل معامله در مطابقت با احکام مندرج اين قانون صورت نگيرد.

(۲) هرگاه دارندۀ سند قابل معامله دليلی به اين باور داشته باشد که سند در صورت ارايۀ آن نکول خواهد شد دليل مذکور موجب انصراف از ضرورت ارايه آن نمی گردد.

د وړاندې شوي سند په ورکړه کې د بانکدار اهمال

دوه شپېتمه ماده:

که چېرې برات له قبلېدو وروسته د ورکړې لپاره مشخص بانک ته وړاندې شي، خو له ورکړې څخه يې نکول وشي، په هغۀ صورت کې چې بانکدار دنوموړي سند په ساتنه، معاملې يا تسليمۍ کې

اهمال بانکدار درتأديۀ سند ارايه شده

مادۀ شصت ودوم :

هرگاه برات بعد از قبولی جهت تأديه به بانك مشخص ارايه گردد، ولی از تأديه آن نکول گردد، در صورتی که بانکدار درنگهداری، معامله و يا تسليمی سند مذکور مرتکب اهمال يا غفلت شده وبه

داهما ل او غفلت مرتکب شي او د سندلرونکي ته زيان ورسېږي، بانکدار مکلف دی اووښتی زيان جبران کړي.

دارندۀ سند، خساره وارد گردد، بانکدار مکلف است خساره وارده را جبران نماید.

شپږم فصل
ورکړه او تکټانه

فصل ششم
تأديه وتکتانه

د معاملې وړ سند لرونکي ته ورکړه

دري شپېتمه ماده:

د معاملې وړ واجب التأديه سند د صادروونکي يا قبلوونکي د بري الذمه کولو په منظور، ددې قانون په (اووه شپېتمه) ماده کې د درج شوې حکم له په پام کې نيولوسره دسند لرونکي ته ورکول کېږي.

تأديه به دارندۀ سند قابل معامله

مادۀ شصت وسوم :

مبلغ مندرج سند قابل معاملۀ واجب التأديه به منظور بری الذمه ساختن صادرکننده يا قبول کننده،با نظرداشت حکم مندرج مادۀ (شصت وهفتم) اين قانون به دارندۀ سند تأديه می گردد.

د تکټانې يا د بهرې نور ډولونه څلور شپېتمه ماده:

(۱) تکټانه يا د بهرې نور ډولونه چې د تاکلي يا نا تاکلي نرخ لرونکي وي، د مديون له حقوقو څخه د ملاتړ له په پام کې نيولو سره، د قانون د حکمونو مطابق په لاندې توګه محاسبه کېږي :

۱- که چېرې تکټانه يا د بهرې نور

محاسبه تکتانه ياسايراشکال بهره

مادۀ شصت وچهارم :

(۱) تکتانه اسناد قابل معامله، با نظر داشت حمايت از حقوق مديون مطابق احکام قانون قرار ذيل محاسبه می گردد :

۱- هرگاه تکتانه يا ساير اشکال

ډولونه په حجت یا برات کې په صراحت سره درج او د ورکړې ورځې، خو د ټکټانې یا د بهرې د نورو ډولونو د ورکړې لپاره ټاکلې نېټه مشخصه شوې نه وي، د ټکټانې مقدار په لاندې توګه محاسبه کېږي:

- په هغه صورت کې چې سند حجت وي ، ټکټانه په ټاکلي نرخ په حجت کې پر درج شوي مبلغ باندې محاسبه کېږي. د هغې د محاسبې ورځ موعد د حجت د ترتیب له نېټې څخه تر هغې نېټې پورې چې نومورې مبلغ واجب التأدیه ګرځي یا تر هغې نېټې پورې چې د مبلغ د حصولولو لپاره د دعوي اقامه صورت مومي ، په پام کې نیول کېږي.

- په هغه صورت کې چې سند برات وي، ټکټانه په ټاکلي نرخ په برات کې پر درج شوي مبلغ باندې محاسبه کېږي.د هغې د محاسبې ورځ وخت له هغې نېټې څخه چې برات واجب التأدیه ګرځي، تر هغې نېټې پورې چې په هغه کې درج شوی مبلغ ورکول کېږي یا تر هغې نېټې پورې چې د مبلغ د حصولولو

بهره در حجت یا برات صریحاً درج و قابل تأدیه باشد ، ولی تاریخ معینی برای تأدیه تکتانه و یا سایر اشکال بهره مشخص نشده باشد ، مقدار تکتانه طور ذیل محاسبه می شود:

- درصورتی که سند حجت باشد تکتانه به نرخ معینه بالای مبلغ مندرج حجت محاسبه می شود ، موعد قابل محاسبه آن از تاریخ ترتیب حجت الی تاریخی که مبلغ مذکور واجب التأدیه می گردد یا تاریخی که جهت حصول مبلغ اقامهٔ دعوی صورت می گیرد مدنظر گرفته می شود.

- درصورتی که سند برات باشد تکتانه به نرخ معینه بالای مبلغ مندرج برات محاسبه می شود. موعد قابل محاسبه آن از تاریخی که برات واجب التأدیه می گردد ، الی تاریخی که مبلغ مندرج آن تأدیه می شود یا الی تاریخی که به منظور حصول مبلغ اقامهٔ دعوی صورت

په منظور، د دعوي اقامه صورت مومي، په پام کې نیول کېږي.

۲- که چېرې په حجت یا برات کې د ټکټانې یا د بهرې د نورو ډولونو د ورکړې یا هغۀ نرخ په هکله چې پر بنسټ یې ټکټانه ورکول کېږي تصریح نه وي شوې، د ټکټانې وضع کول مجاز دي او په لاندې توګه محاسبه کېږي.

-ټکټانه د کلني ټاکل شوي نرخ پر بنسټ د افغانستان د قوانینو مطابق محاسبه کېږي.

- په هغۀ صورت کې چې سند حجت وي، ټکټانه د حجت د ترتیب له نېټې څخه تر هغه وخته پورې چې په هغۀ کې درج شوی مبلغ ورکول کېږي یا تر هغې نېټې پورې چې د مبلغ د حصولولو لپاره د دعوي اقامه صورت مومي، محاسبه کېږي.

- په هغۀ صورت کې چې سند، برات وي، ټکټانه له هغۀ وخت څخه چې په برات کې درج شوی مبلغ واجب الادا ګرځي، تر هغې نېټې پورې چې مبلغ یې ورکول کېږي یا تر هغې نېټې پورې چې د مبلغ د حصولولو لپاره د دعوي

می گیرد، مدنظر گرفته می شود.

۲- هرگاه در حجت یا برات در خصوص تأدیه تکتانه یا سایر اشکال بهره یا نرخی که به اساس آن تکتانه تأدیه شود تصریح نشده باشد، وضع تکتانه مجاز بوده وطور ذیل محاسبه می شود.

- تکتانه بر اساس نرخ تعیین شده سالانه مطابق احکام قوانین افغانستان محاسبه می شود.

- درصورتی که سند حجت باشد تکتانه از تاریخ ترتیب حجت یا الی زمانی که مبلغ مندرج آن تأدیه می گردد یا تاریخی که جهت حصول مبلغ اقامۀ دعوی صورت می گیرد، محاسبه می شود.

- درصورتی که سند، برات باشد تکتانه از زمانی که مبلغ مندرج برات واجب التأدیه می گردد الی تاریخی که مبلغ آن تأدیه می شود یا الی تاریخی که جهت حصول مبلغ اقامۀ دعوی صورت

اقامه صورت مومي، محاسبه کېږي.
(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي حکمونه پر حجت او برات باندې د ټکټانې د محاسبې په اړه نسبت و هرې مقاولې ته چې د اړخونو په واسطه په حجت او برات کې تر سره خو په هغو کې يې انعکاس ندی موندلی، مرجح دي.
(۳) په هغهٔ صورت کې چې په سند کې د درج شوي مبلغ بېرته ورکړه، د غير ټکټانې د تګلارې پر بنسټ ولاړه وي خو مقدار يا نرخ يې ټاکل شوی نه وي، په سند کې د درج شوي مبلغ بېرته ورکړه يا يې نرخ په لاندې توګه محاسبه کېږي:
۱- که چېرې بېرته ورکړه په بيه کې د زياتوالی، اجارې، د قسطونو په ډول د پېرودنې يا خدماتي لګښتونو پر بنسټ بنا شوې وي، پدې صورت کې د اړخونو په واسطه قرارداد شوی نرخ د مورد له مخې محاسبه کېږي.
۲- که چېرې بېرته ورکړه په ګټه او زيان کې د ګډون پر بنسټ ولاړه وي، پدې صورت کې محکمه د پور د مقاولې د عقدولو په وخت

می گیرد، محاسبه می شود.
(۲) احکام مندرج فقرهٔ (۱) این ماده در رابطه به محاسبهٔ تکتانه برحجت و برات نسبت به هر مقاوله ای که توسط طرفین درحجت و برات انجام می گردد در آن ها انعکاس نیافته است، مرجح می باشد.
(۳) درصورتی که بازپرداخت مبلغ مندرج سند بر اساس روش غیر از تکتانه استوار باشد اما مقدار یا نرخ آن تعیین نشده باشد، باز پرداخت مبلغ مندرج سند یا نرخ آن طور ذیل محاسبه می شود:
۱- هرگاه بازپرداخت بر اساس افزایش در قیمت، اجاره، خرید به صورت اقساط و یا مصارف خدماتی بنا یافته باشد، در این صورت نرخ قرارداد شده توسط طرفین حسب مورد، محاسبه می گردد.
۲- هرگاه بازپرداخت بر اساس اشتراك در نفع و ضرر استوار باشد، در این صورت محکمه توافق مشارکت در منافع بین بانك

کې د بانك او حکمي مدیون تر منځ په ګټو کې د ګډون توافق په پام کې نیسي.

۳- بهره له هغه وخت څخه چې د معاملې وړ سند واجب التأدیه ګرځي تر هغې نېټې پورې چې په معاملې وړ سند کې درج شوی مبلغ ورکول کېږي، مجاز ده.

و مدیون حکمی در زمان عقد مقاوله قرضه را، در نظر می گیرد.

۳- بهره از زمانی که سند قابل معامله واجب التأدیه می گردد الی تاریخی که مبلغ مندرج سند قابل معامله تأدیه می گردد، مجاز می باشد.

د ټکټانې د ورکړې لپاره د ظهرنویس الزام

پنځه شپېتمه ماده:

که چېرې مسئول اړخ د معاملې وړ هغه سند ظهرنویس وي چې له ورکړې څخه یې نکول صورت موندلی دی، هغه یوازې د سند د نکول د خبرتیا د ترلاسه کولو له نېټې څخه د ټکټانې یا د بهرې د نورو ډولونو پر ورکړه ملزم دی.

الزام ظهر نویس برای تادیهٔ تکتانه

مادهٔ شصت وپنجم :

هر گاه طرف مسئول، ظهر نویس سند قابل معامله ای باشد که از تأدیهٔ آن نکول صورت گرفته است، وی صرف از زمان دریافت اطلاعیه نکول سند، ملزم به تأدیه تکتانه یا سایر اشکال بهره می باشد.

د ورکېدو په صورت کې د ورکړې یا برائت په وخت کې د معاملې وړ سند تسلیمي

شپږ شپېتمه ماده:

هغه شخص چې د لرونکي په واسطه په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ په ورکړې باندې

تسلیمی سند قابل معامله حین تأدیه یا برائت در صورت مفقودی

مادهٔ شصت وششم:

شخصی که توسط دارنده ملزم به تأدیهٔ مبلغ مندرج سند قابل معامله می گردد، قبل از تأدیه حق

ملزم کېږي، له ورکړې دمخه حق لري څو د معاملې ورې سند رویت وغواړي او له ورکړې وروسته هغه تسلیم شي، په هغه صورت کې چې سند ورک شوی وي، دنوموړي سند په اړه د هر ډول وروستنۍ ادعا په وړاندې، بري الذمه ګڼل کېږي.

اووم فصل
د معاملې ورې سندونو په وړاندې له مسئولیت څخه برائت

له مسئولیت څخه د برائت حالات
اووه شپېتمه ماده:
د معاملې ورې سند صادروونکي قبلوونکي یا ظهر نویس په یوه له لاندې حالاتو کې بري الذمه ګرځي:
۱- په هغه صورت کې چې د سند لرونکی، د قبلوونکي یا ظهرنویس نوم د بری الذمه کولو په مقصد حذف کړي (خط ووهی). قبلوونکي یا ظهرنویس ددغه ډول لرونکي او ټولو اړخونو په نسبت چې د هغه له لاړې ادعا لري، بري الذمه کېږي.
۲- په هغه صورت کې چې د سند لرونکی،صادروونکی، قبلوونکی یا ظهر نویس په بل ډول بري الذمه

دارد تا رویت سند قابل معامله را مطالبه نماید و بعد از تأدیه آن را تسلیم شود. درصورتی که سند مفقود گردیده باشد، در مقابل هر نوع ادعای بعدی در رابطه به سند متذکره، بری الذمه دانسته می شود.

فصل هفتم
برائت از مسئولیت در برابر اسناد قابل معامله

حالات برائت ازمسئولیت
مادۀ شصت وهفتم :
صادرکننده، قبول کننده یا ظهر نویس سند قابل معامله در یکی از حالات ذیل بری الذمه می گردد:
۱- درصورتی که دارندۀ سند اسم قبول کننده یا ظهر نویس را به قصد بری الذمه ساختن حذف نماید (خط بزند)، قبول کننده یا ظهر نویس نسبت به چنین دارنده و تمام طرفین که از طریق وی ادعا دارند، بری الذمه می گردد.
۲- در صورتی که دارندۀ سند، صادر کننده، قبول کننده یا ظهر نویس را به شکل دیگری بری الذمه

کړي وي، نوموړی صادروونکی ، قبلوونکی یا ظهر نویس نسبت دغه ډول لرونکي او ټولو اړخونو ته چې لدې تبرئې څخه خبروي او د هغۀ له لاړې ادعا لري بري الذمه کېږي.

۳- په هغۀ صورت کې چې د معاملې وړ سند د هغۀ حامل ته د ورکړې وړ وي یا په سپینه توګه ظهر نویسي شوی وي او صادروونکي، قبلوونکي یا ظهر نویس په ټاکلي وخت کې په معاملې وړ سند کې درج شوی د ورکړې وړ مبلغ ورکړی وي،صادروونکی، قبلوونکی یا ظهر نویس د یاد شوي سند د ټولو اړخونوپه نسبت بري الذمه کېږي.

ساخته باشد ، صادر کننده، قبول کننده یاظهر نویس مذکور نسبت به چنین دارنده وتمام طرفین که از این تبرئه مطلع می باشند واز طریق وی ادعا دارند بری الذمه می گردد.

۳- درصورتی که سند قابل معامله به حامل آن قابل تأدیه بوده یا طور سفید ظهرنویسی شده باشد و صادرکننده، قبول کننده یا ظهر نویس در موعد معینه مبلغ قابل تأدیه مندرج سند قابل معامله را تأدیه نموده باشد ، صادر کننده، قبول کننده یا ظهرنویس نسبت به تمام طرفین سند متذکره بری الذمه می گردد.

مخاطب ته دمهلت ورکول اته شپېتمه ماده:

که چېرې د برات لرونکی، د هغۀ قبولۍ لپاره مخاطب ته له دوو کاري ورځو څخه زیات مهلت ورکړي څو نوموړی برات د قبلولو لپاره وګوري پدې صورت کې د برات د دمخه ټول اړخونه چې د دغۀ مهلت له ورکولو سره موافق ندي، ددغۀ ډول لرونکي په نسبت

مهلت دادن به مخاطب مادۀ شصت وهشتم :

هرگاه دارندۀ برات، جهت قبولی آن برای مخاطب بیش از دو روزکاری مهلت بدهد تا برات مذکور را برای قبولی ملاحظه نماید ، در این صورت تمام طرفین قبلی برات که با دادن این مهلت موافق نیستند ، نسبت به چنین دارنده ای بری الذمه دانسته می

بری الذمه ګڼل کېږي.

شوند.

په ټاکلي وخت د چك نه وړاندې کول او له هغۀ څخه را پیدا شوی زیان

نهه شپېتمه ماده:

(۱) کـه چېـرې چـك د هغـۀ د صادرېدو له نېټې څخه د مناسب وخت په ترڅ کې، د ورکړې لپاره وړاندې نـشي او صـادروونکی یـا هغه شخص چې چك یې له حساب څخه صادر شوی، په هغې موده کې چې چك بایـد وړاندې شوی وای، دبانـك پـه وړانـدې د چـك د ورکـړې د حـق لرونکـی وي، خـو د هغۀ په وړاندې کولـو کې د ځنډ له امله زیانمن شي، لـه اووښتي زیـان سـره متناسـب بـري الذمـه ګڼـل کېږي.

د چـك ماهیـت، سـوداګریز عـرف، بانکدار او په خاصوموارد و کې نور موجود واقعیتونه د مناسب وخت د ټـاکلو لپـاره پـه پـام کـې نیـول کېږي.

(۲) ددې مـادې پـه (۱) فقـره کـې د درج شـوي چـك لرونکـی چـې صادروونکی یا بل شخص له هغۀ

عـدم ارایـۀ چـك درموعـد معینـه و ضـرر ناشـی از آن

مادۀ شصت ونهم :

(۱) هرگاه چك بعد از تاریخ صدور آن در خـلال موعـد مناسـب، بـرای تأدیـه ارایـه نـشود و صـادر کننـده یـا شخـصی کـه چك از حساب وی صادر شده، در زمـانی کـه چـك بایـد ارایـه مـی شـد حـق تأدیـه چـك را نـزد بانـك، دارا بـوده، ولـی بـه علـت تـأخیر در ارایـه آن ، متحمـل خـساره شـود متناسـب بـه خـسارۀ وارده بـری الذمـه دانـسته می شود.

ماهیـت چـك، عـرف تجـارتی، بانکـدار و سـایر واقعیـت هـای موجـود در مـوارد خـاص جهـت تعیـین موعـد مناسـب، مـد نظـر گرفته می شود.

(۲) دارندۀ چك مندرج فقرۀ (۱) این مـاده کـه صـادر کننـده یـا شـخص دیگر از وی بـری الذمـه مـی شـود ،

څخه بري الذمه کېږي، ددغۀ ډول صادروونکي یا شخص پرځای ددغه شان دین په اندازه، د بانکدار داین ګرځي او له بانکدار څخه د مبلغ د حصول مستحق دی.

درعوض چنین صادر کننده یا شخص به اندازه چنین دین ، داین بانکدار می گردد و مستحق حصول مبلغ از بانکدار می باشد.

په دستور د ورکړې وړ چك اویا یمه ماده:

(۱) کـه چېرې چك "د دستور پر بنسټ "د ورکړې وړ وي او د ورکړې د ترلاسه کوونکي په واسطه یا د هغۀ لخوا د بل شخص په واسطه د ظهر نویسی څرګندوی وي، پدې صورت کې مخاطب، د هغۀ د تاکلي وخت په ترڅ کې په ورکړې سره، بري الذمه کېږي.

(۲) په هغۀ صورت کې چې چك، حامل ته د ورکړې وړ وي، د تاکلې مودې په ترڅ کې حامل ته د هغۀ په ورکړی سره بري الذمه ګڼل کېږي. له دی سره سره چې ظهرنویسي یې بشپړه یا سپینه وي یا یې وروستی معامله محدوده یا مستثني کړې وي.

چك قابل تأدیه به دستور مادۀ هفتادم :

(۱) هرگاه چك "بنابر دستور" قابل تأدیه بوده و حاکی از ظهر نویسی توسط دریافت کنندۀ تادیه یا از جانب وی توسط شخص دیگر باشد ، در این صورت مخاطب با تأدیه در خلال موعد معینۀ آن، بری الذمه می گردد.

(۲) در صورتی که چك، به "حامل قابل تأدیه" باشد ، مخاطب با تأدیۀ آن به حامل درخلال موعد معینه بری الذمه دانسته می شود ، با وجود این که ظهرنویسی آن مکمل یا سفید بوده یا معامله بعدی را محدود و یا مستثنی نموده باشد.

مشروطه یا محدوده قبولي

یو او یایمه ماده:

(۱) په هغهٔ صورت کې چې د برات لرونکی له مشروطې قبولۍ سره موافقه وکړي یا بل شخص په برات کې د درج شوي مبلغ د یوې برخې په قبلولو سره خپله موافقه محدوده کړي یا د ورکړې لپاره بل ځای یا وخت و ټاکي، یا ورکوونکي یو د بل شریکان نه وي او سند د هغو ټولو لخوا لاسلیك شوی نه وي پدې حالاتو کې د دمخه ټول اړخونه چې په دغه ډول قبولۍ کې یې رضایت اخیستل شوی ندی، دبرات د لرونکي اوهغو اشخاصوپه وړاندې چې د هغهٔ له لارې مدعي دي، بري الذمه کېږي، خو دا چې هغوی خپل رضایت د لرونکي لخوا په ورکړل شوی خبرتیا کې، څرګند کړی وي.

(۲)قبولي په لاندې حالاتو کې مشروطه ګڼل کېږي:

۱- ددغهٔ دستور اعلان چې ورکړه په برات کې د درج شوې پېښې په واقع کېدو پورې مشروطه ده.

۲- د ورکړې په اړه ژمنه، د هغهٔ مبلغ چې د ورکړې دستور یې

قبولی مشروط یا محدود

مادهٔ هفتادویکم :

(۱) درصورتی که دارندهٔ برات با قبولی مشروط موافقه نماید یا شخص دیگری موافقت خود را به قبولی یك قسمت از مبلغ مندرج در برات محدود نماید، محل یا زمان دیگری را برای تأدیه تعیین نماید، یا تأدیه کننده گان شرکای همدیگر نبوده و سند به امضای همه آنان نرسیده باشد، دراین حالات تمام طرفین قبلی که رضایت آنها در این گونه قبولی اخذ نشده است، در مقابل دارنده برات و اشخاصی که از طریق وی مدعی هستند، بری الذمه می شوند، مگر این که آن ها رضایت خود را در اطلاعیهٔ داده شده توسط دارنده، ابراز نموده باشند.

(۲) قبولی در حالات ذیل مشروط دانسته می شود :

۱- اعلان این دستورکه تأدیه، مشروط به وقوع واقعه مندرج در برات است.

۲- تعهد مبنی بر تادیه صرف یك قسمت از مبلغ را احتوا نماید که

ورکول شوی دی، یوازې یوه برخه احتوا کوي.

۳-که چېرې په دستور کې د ورکړې ځای مشخص شوی نه وي، یا پدې صورت کې ورکوونکی په یوه مشخص ځای کې ورکړې ته ژمن کېږي،په هغه صورت کې چې د ورکړې ځای په دستور کې مشخص شوی وي، ورکوونکی کولی شي په سند کې د درج شوي مبلغ ورکړه په بل ځای کې ژمنه وکړي.

۴-په هغه صورت کې چې ورکوونکی په یوه بل وخت کې ورکړې ته ژمن شي، پرته له هغه څخه چې په دستور کې د ورکړې د مودې په توګه ټاکل شوی دی.

دستور تأدیهٔ آن داده شده است.

۳- هرگاه محل تأدیه در دستور مشخص نشده باشد، در این صورت تأدیه کننده متعهد به تأدیه در یك محل مشخص می گردد. در صورتی که محل تأدیه در دستور مشخص شده باشد، تأدیه کننده می تواند تادیهٔ مبلغ مندرج سند را در محل دیگری تعهد نماید.

۴- در صورتی که تأدیه کننده متعهد به تأدیه در یك زمان دیگر گردد، به غیر از آنچه که در دستور بحیث موعد تأدیه، معین گردیده است.

د بنسټیز تحریف آثار

دوه اویا یمه ماده:

(۱)په معاملې وړ سند کې بنسټیز تحریف باطل ګڼل کېږي، خو دا چې اړخونه له هغه سره موافقه ولري.

(۲)که چېرې بنسټیز تحریف د هغه شخص په واسطه چې سند یې په نوم ظهرنویسي شوی دی،صورت

آثار تحریف اساسی

مادهٔ هفتاد و دوم :

(۱) تحریف اساسی درسند قابل معامله باطل پنداشته می شود، مگر این که طرفین به آن موافقه داشته باشند.

(۲) هرگاه تحریف اساسی توسط شخصی که سند به اسم وی ظهرنویسی شده، صورت گیرد،

ومومي، ظهرنويس د ژمنې د سرته رسولو په وړاندې له مسئوليتونو څخه بري الذمه کېږي.
(۳)ددې مادې به (۱ او ۲) فقره کې درج شوي حکمونه ددې قانون (د دوه څلوېښتمې اويوسلو دیارلسمې) مادې د حکمونو له په پام کې نیولو سره، د تطبیق وړ دي.

ظهر نویس از مسئولیت ها در قبال انجام تعهد بری الذمه می گردد.
(۳) احکام مندرج فقره های (۱و۲) این ماده با رعایت احکام مندرج مواد (چهل و دوم ویکصدوسیزدهم) این قانون قابل تطبیق می باشد.

ددمخه تحریف په صورت کې د قبلوونکي یا ظهرنویس الزامیت دري اویایمه ماده:
دمعاملې وړسند قبلوونکی یا ظهرنویس د هغۀ په قبلولو یا ظهر نویسی سره ملزم او مقید کېږي، له دې سره،سره چې په یاد شوی سند کې تحریف دمخه صورت موندلی وي.

الزامیت قبول کننده یا ظهر نویس در صورت تحریف قبلی
مادۀ هفتادو سوم :
قبول کننده یا ظهرنویس سند قابل معامله با قبولی یا ظهرنویسی آن ملزم و مقید می گردد، با وجود این که تحریف در سند متذکره قبلاً صورت گرفته باشد.

د ناڅرګند تحریف لرونکي سند ورکړه
څلوراویایمه ماده:
په هغۀ صورت کې چې په معاملې وړ سند کې داسې تحریف صورت موندلی وي چې پکې ظاهر نشي یا په هغۀ صورت کې چې چك پداسې وضعیت سره وړاندې شي چې د وړاندې کولو په وخت کې د هغۀ

تأدیۀ سند دارای تحریف غیر آشکار
مادۀ هفتاد وچهارم :
در صورتی که در سند قابل معامله تحریفی صورت گرفته باشد که در آن ظاهر نگردد، یا در صورتی که چك به وضعیتی ارایه شود که در زمان ارایه مخطط (کراس)

مخطط (کراس) والي معلوم نشي يا دغه خطونه (کرښې) له چك څخه زايل شوي وي، پدغو حالاتو کې د هغۀ ورکړه د هغۀ شخص يا بانکدار په واسطه چې په ورکړه يې ملزم دی او په متن کې درج شوی عين مبلغ يې د ورکړی ياسر رسيد په وخت کې ورکړی وي، دغه ډول شخص يا بانك له هغۀ څخه له راپيدا شوي مسئوليت څخه بري الذمه کېږي.

بودن آن معلوم نگردد و يا اين خطوط از چك زايل شده باشد، در اين حالات تأديۀ آن توسط شخص يا بانکداری که ملزم به تأديه آن است، و عين مبلغ مندرج در متن را در زمان تأديه و يا سررسيد آن پرداخته باشد، چنين شخص و يا بانکدار از مسئوليت ناشی از آن بری الذمه می گردد.

د اصلي مديون په واسطه د معاملې ورڼ سند له خاوند کېدو وروسته د صادروونکي، قبلوونکي او ظهر نويس برائت

پنځه اويا يمه ماده:

(۱) که چېرې د معاملې ورڼ سند اصلي مديون په سررسيد کې يا له هغۀ وروسته د يادښوی سند لرونکی شي، پدې صورت کې د معاملې ورڼ سند صادروونکی، قبلوونکی يا ظهر نويس، ددغۀ ډول سند په ورڼدې له مسئوليت څخه بري الذمه کېږي.

(۲) که چېرې د برات لرونکی د هغۀ له قبلېدو وروسته له

برائت صادر کننده، قبول کننده و ظهرنويس بعد از دارنده شدن سند قابل معامله توسط مديون اصلی

مادۀ هفتاد وپنجم:

(۱) هرگاه مديون اصلی سند قابل معامله در سررسيد يا بعد از آن، دارندۀ سند متذکره گردد، در اين صورت صادر کننده، قبول کننده يا ظهر نويس سند قابل معامله از مسئوليت در برابر چنين سند، بری الذمه می شود.

(۲) هرگاه دارندۀ برات بعد از قبولی آن با قبول کننده، مقاوله ای

قبلـــوونکي ســـره ددې قـــانون د حکمونو په (شلمه) ماده کې د درج شـوي حکـم مطـابق مقاولـه عقـد کړي، نور اړخونه بري الذمه کېږي، خو دا چې د نومورې برات لرونکی د هغـو د مکلفولـو پـه اړه خپـل حق په صراحت سره وساتي.

را مطـــابق حکـــم منـــدرج مـــادۀ (بیستم) ایـن قـانون عقـد نمایـد، سایر جوانب بری الذمه می گردند، مگر این که دارندۀ برات مذکور بـا صـــراحت حـــق خـــود را مبنـــی بـــر مکلـــف ســـاختن آنهـــا محفـــوظ نگهدارد.

اتم فصل
دنکول خبرتیا

فصل هشتم
اطلاعیۀ نکول

د نه قبلېدو په سبب نکول
شپږاویایمه ماده:
د برات نه قبلېدل په یوه لـه لاندې حالاتو کې نکول ګڼل کېږي:
۱-په هغه صورت کې چې مخاطب یـا لـه څـو غیـر شـریکو مخـاطبینو څخه یو د هغه برات چې په قبلولـو یې ملزم دی، قبلول رد کړي.
۲-په هغه صورت کې چې د برات نـه ورانـدې کـول موجـه وي او قبـول نشي.
۳-پـه هغـه صـورت کـې چـې تأدیـه کوونکی د مقاولې د عقد اهلیت او واك و نلري.
۴-په هغه صورت کې چې قبلېدل د قید او شرط لرونکي وي.

نکول به سبب عدم قبولی
مادۀ هفتاد وششم:
عدم قبولی برات دریکی از حالات ذیل نکول پنداشته می شود:
۱- درصورتی که مخاطب یا یکی از چنـدین مخاطـب غیـر شـریك، قبولی براتی را که ملزم به قبول آن می باشد، رد نماید.
۲- درصـــورتی کـــه عـــدم ارایـــۀ بـــرات مؤجـــه بـــوده و ســـند قبـــول نگردد.
۳- در صـورتی کـه تأدیـه کننـده فاقداهلیت و صلاحیت عقد مقاوله باشد.
۴- درصـــورتی کـــه قبـــولی دارای قید و شرط باشد.

د نه ورکړې په سبب نکول
اووه اویایمه ماده:
د معاملې وړسند هغه وخت د نه ورکړې په سبب نکول شوی ګڼل کېږي چې د حجت صادروونکی، د برات قبلوونکی یا د چك مخاطب، پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق، د هغو په ورکړه مکلف وي او له هغې څخه ډډه و کړي.

د ابطال خبرتیا
اته اویایمه ماده:
(۱) که چېرې د معاملې وړ سند د نه قبلېدو یا ورکړې په سبب نکول شي، لرونکی یا نور اړخونه چې د معاملې وړ سند په وړاندې ملزم باقي پاتې دي، مکلف دي له قبلولو څخه د نکول یا ورکړې خبرتیا ټولو هغو اړخونو ته چې د لرونکي په وړاندې په انفرادي توګه او د اړخونو څخه یوه یا زیاتو ته چې لرونکي ته په مشترك ډول مسئول دی، وړاندې کړي.
(۲) په هغه صورت کې چې برات د نه قبلېدو په سبب رد شي،

نکول به سبب عدم تأدیه
مادۀ هفتاد وهفتم :
سند قابل معامله زمانی به سبب عدم تأدیه نکول شده پنداشته می شود که صادر کننده حجت، قبول کننده برات و یا مخاطب چك که مطابق احکام مندرج این قانون، مکلف به تادیۀ آن بوده، و از آن امتناع ورزند.

اطلاعیۀ ابطال
مادۀ هفتادوهشتم :
(۱) هرگاه سند قابل معامله به سبب عدم قبولی یا تأدیه نکول گردد، دارنده یا سایر طرفینی که درقبال سند قابل معامله ملزم باقی مانده اند، مکلف اند، اطلاعیه نکول از قبولی و یا تأدیه را به تمام طرفینی که نزد دارنده طور انفرادی و به یك یا بیشتر از طرفینی که نزد دارندۀ طور مشترك مسئول اند، ارایه نماید.
(۲) در صورتی که برات به سبب عدم قبولی رد گردد، صادر کننده

صادروونکی یا هغه ظهرنویس چې دغه ډول خبرتیا ورته وړاندې شوې نه وي، بري الذمه کېږي، خو له بنه نیت سره د لرونکي حقوق چې د خبرتیا د نه وړاندې کېدو په تعقیب، پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق د هغو خاوند شوی دی ، نه اغېزمنوي.

(۳) په هغه صورت کې چې برات د نه قبلېدو په سبب نکول شي اود نکول خبرتیا په مقتضي توګه وړاندې شي ، دنه ورکړې لپاره دوروستۍ خبرتیا اړتیا نشته خودا چې برات ددغې مودې په ترڅ کې قبول شوی وي.

(۴) د رد شوي حجت صادروونکي یا د رد شوي برات یا چك مخاطب یا قبلوونکي ته نکول د خبرتیا وړاندې کول ددې مادې په (۱، ۲، او ۳) فقره کې د درج شوو حکمونو مطابق، اړین ندي.

یا ظهرنویسی که چنین اطلاعیه به وی ارایه نشده باشد ، بری الذمه می گردد ، ولی حقوق دارندۀ با حسن نیت را که متعاقب عدم ارایه اطلاعیه مطابق احکام مندرج این قانون حایز آن گردیده است، متأثر نمی سازد.

(۳) در صورتی که برات به سبب عدم قبولی نکول گردد و اطلاعیه نکول طور مقتضی ارایه شود ، ضرورت به اطلاعیۀ بعدی برای عدم تأدیه نمی باشد ، مگر این که برات در خلال این مدت قبول گردیده باشد.

(۴) ارایۀ اطلاعیه نکول به صادرکنندۀ حجت رد شده یا مخاطب یا قبول کننده چك یا برات رد شده، مطابق احکام مندرج فقره های (۱ ،۲ و۳) این ماده ضرور نمی باشند.

د خبرتیا وړاندې کول

نهه اویایمه ماده:

(۱) د نکول خبرتیا د وفات، ور شکسته کېدو یا افلاس په صورت کې قانوني ممثل یا واکمن شخص

ارایۀ اطلاعیه

مادۀ هفتادونهم :

(۱) اطلاعیه نکول، در صورت وفات، ورشکسته شدن یا افلاس به ممثل قانونی یا شخص

ته له احوالو سره سم وړاندې کېږي.
خبرتیا په شفاهي یا لیکلې توګه ابلاغېږی، په هغهٔ صورت کې چې خبرتیا لیکلې وي،د پُستي لیك یا نورو اغېزمنو لارو څخه ددې قانون له حکمونو سره په مطابقت کې استول کېدی شي، خبرتیا په صریح ډول یا په داسې الفاظو بیانېږي چې اصلي مقصد افاده کړي.خبرتیا د مناسب موعدپه ترڅ کې د سند له نکول وروسته،د کارپه ځای کې او په هغه صورت کې چې دکارځای مشخص نه وی ، د نظر وړ اړخ د اوسیدوپه ځای کې وړاندی کیږی.
(۲)ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوې خبرتیا د لاندې معلوماتو لرونکې وي:
۱-سند ، د نکول وړ ګرځېدلی دی.
۲-نکول په کومې وسیلې سره صورت موندلی دی.
۳-د نکول مسئولیت کوم اړخ ته متوجه دی.
(۳) په هغهٔ صورت کې چې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوې خبرتیا په مقتضي توګه ولیکل شي او د پستي لیك له لارې واستول

ذیصلاح حسب احوال ارایه می گردد. اطلاعیه بصورت شفاهی یا کتبی ابلاغ می گردد ، در صورتی که اطلاعیه کتبی باشد ، از طریق نامهٔ پستی یا طرق مؤثر دیگر در مطابقت به احکام قانون، ارسال شده می تواند. اطلاعیه طور صریح و یا به الفاظی بیان می گردد که مقصد اصلی را افاده نماید. اطلاعیه در خلال موعد مناسب بعد از نکول سند ، درمحل کار، درصورتی که محل کار مشخص نباشد در محل اقامت طرف مورد نظر، ارایه می گردد.
(۲) اطلاعیهٔ مندرج فقرهٔ (۱) این ماده، حاوی معلومات ذیل می باشد:
۱- سند ، مورد نکول قرار گرفته است.
۲- نکول بکدام وسیله صورت گرفته است.
۳- مسئولیت نکول متوجه کدام طرف می باشد.
(۳) در صورتی که اطلاعیهٔ مندرج فقرهٔ (۱) این ماده طور مقتضی تحریر و از طریق نامهٔ پستی فرستاده

شي خو مقصد ته و نه رسېږي، د خبرتيا نه رسېدل د خبرتيا د وړاندې کولو د نه اعتبار سبب نه کېږي.

شود ولی به مقصد نرسد، عدم رسیدن اطلاعیه، سبب عدم اعتبار ارایهٔ اطلاعیه نمی گردد.

د نکول د خبرتيا انتقال

اتيايمه ماده:

د نکول د خبرتيا تراسه کوونکی مکلف دی، خپل د مخني لوري ته د مسئوليت د ارجاع په منظور، د نکول خبرتيا په مناسب وخت کې خبراخيستونکي اړخ ته وړاندې کړي، خودا چې نومورې اړخ خبرتيا ددې قانون په (اووه اويايمه) ماده کې د درج شوي حکم مطابق تراسه کړې وي.

انتقال اطلاعیهٔ نکول

مادهٔ هشتادم:

دریافت کنندهٔ اطلاعیهٔ نکول مکلف است به منظور ارجاع مسئولیت به جانب قبلی خود، اطلاعیهٔ نکول را در موعدمناسب به طرف اطلاع گیرنده ارایه نماید، مگر این که طرف مذکور اطلاعیه را مطابق حکم مندرج مادهٔ (هفتاد وهفتم) این قانون دریافت نموده باشد.

استازي ته د معاملې وړ سند وړاندې کول

يو اتيايمه ماده:

که چېرې د معاملې وړ سند اصلی شخص يا يې استازي ته ورتسليم شي، استازی مکلف دی دخبرتيا له حصول وروسته په مناسبه موده کې اصلي شخص ته ورسوي.

ارایهٔ سند قابل معامله برای نماینده

مادهٔ هشتاد ویکم:

هرگاه سند قابل معامله جهت ارایه به شخص اصلی یا به نمایندهٔ وی، تسلیم داده شود، نماینده مکلف است، اطلاعیه را بعد از حصول در موعد مناسب به شخص اصلی برساند.

د نکول د خبرتيا د اخستونکي اړخ وفات

دوه اتيايمه ماده:

که چېرې هغه شخص چې هغۀ ته د نکـول خبرتيـا اسـتول شـوې ده ، وفات شي او د خبرتيا استوونکی د هغـۀ لـه وفـات څخـه خبرنـه وي، خبرتيـا کـافي ده، اسـتوونکی لـه مسئوليت څخه بري الذمه کېږي .

د نکول د خبرتيا د نه وړاندې کولو حالات

دري اتيايمه ماده:

د نکـول د خبرتيـا وړانـدې کـول په لاندې حالاتو کې اړين ندي:

۱-په هغۀ صورت کې چې د خبرتيا د ترلاسـه کولـو مـستحق شـخص، دهغۀ له تر لاسه کولو څخه صرف نظر کړی وي.

۲-پـه هغـۀ صـورت کـې چـې صـادروونکي د ورکـړې دسـتور فسخ کړی وي.

۳-پـه هغـۀ صـورت کـې چـې د معـاملې وړ سند پـه وړانـدې ملزم اړخ، ونکـړی شـي دخبرتيـا لـه وړانـدې کولـو څخـه را پيـدا شـوي

وفـات طـرف گيرنـدۀ اطلاعيـۀ نکول

مادۀ هشتادودوم :

هرگاه شخصی کـه بـه وی اطلاعيـۀ نکول فرستاده شده، وفات نمايد و فرسـتندۀ اطلاعيـه از وفـات وی مطلع نباشد ، اطلاعيه کـافی بـوده، فرسـتنده از مـسئوليت بـری الذمـه می گردد.

حـالات عـدم ضـرورت اطلاعيـۀ نکول

مادۀ هشتاد وسوم :

ارايۀ اطلاعيۀ نکول در حالات ذيل ضرور نمی باشد :

۱- در صـورتی کـه شـخص مـستحق دريافـت اطلاعيـه، از دريافـت آن صـرف نظـر نمـوده باشد.

۲- درصـورتی کـه صـادر کننـده دسـتور تأديـه را فـسخ نمـوده باشد.

۳- درصـورتی کـه طـرف ملـزم در برابـر سـند قابـل معاملـه، نتوانـد ، خـسارات ناشی از ارايۀ اطلاعيه را متحمل

زیانونه و زغمي.
۴- په هغهٔ صورت کې چې د خبرتیا د ترلاسه کولو مستحق شخص، له مقتضي لټولو وروسته پیدا نشي یا هغه اړخ چې د خبرتیا په وړاندې کولو ملزم دی د مقتضي تدبیرونو د نیولو سره ، سره دخبرتیا په وړاندې کولو قادر نشي.
۵- په هغهٔ صورت کې چې قبلوونکی هم یو له صادروونکو څخه وي.
۶- په هغهٔ صورت کې چې حجت د معاملې وړ نه وي.
۷- په هغهٔ صورت کې چې دخبرتیا د ترلاسه کولو مستحق شخص، له حقایقو څخه خبر وي او له قید او شرط پرته په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ ورکړه ژمنه وکړي.

نهم فصل
یادداښت او اعتراض

یادداښت
څلور اتیایمه ماده:
دحجت یا برات له قبلېدو یا ورکړې څخه دنکول په صورت کې،لرونکی کولی شي چې

شود.
۴- در صورتی که شخص مستحق دریافت اطلاعیه، بعد از جستجوی مقتضی پیدا نشود و یا طرفی که ملزم به ارایهٔ اطلاعیه است با وجود اتخاذ تدابیر مقتضی قادر به ارایهٔ اطلاعیه نگردد.
۵- در صورتی که قبول کننده نیز یکی از صادرکننده گان باشد.
۶- در صورتی که حجت قابل معامله نباشد.
۷- در صورتی که شخص مستحق دریافت اطلاعیه از حقایق آگاه بوده و بدون قید و شرط تأدیهٔ مبلغ مندرج سند قابل معامله را تعهد نماید.

فصل نهم
یادداشت و اعتراض

یادداشت
مادهٔ هشتاد وچهارم :
در صورت نکول از قبولی یا تأدیهٔ حجت یا برات، دارنده می تواند، تقاضا نماید تا موضوع توسط

وغـواړي څوموضـوع پـه معـاملې ورسند يـا لـه هغـهٔ سره پـه ملصقه پاڼه کې يا پردواړو باندې د واکمن مامور په واسطه يادداښت شي.
دغه يادداښت د معاملې وړ سند له نکول وروسته، د مناسبې مودې په تـرڅ کـې ليکـي او پـه هغـهٔ کـې د نکـول نېټـه، د هغـهٔ دليـل (د موجوديـت پـه صـورت کـې) او د يادداښت د ليکلـو د فـيس انـدازه درجېږي.

اعتراض
پنځه اتيايمه ماده:
(۱)د حجت يـا بـرات لـه قبلېدو يـا ورکـړې څخـه د نکـول پـه صـورت کې، د مناسبې مودې په تـرڅ کې لرونکی کولی شي له واکمن مـامور څخـه و غـواړي څـو موضـوع پـه معاملې وړ سند يـا لـه هغـهٔ سره پـه ملصقه پاڼه کې وليکي او لـه هغـهٔ څخه تصديق وکړي . دغـه تصديق د اعتراض په نوم يادېږي.
(۲)که چېرې د برات قبلوونکی ور شکسته يا مفلس شي او اعتبار يې له سر رسيد دمخه رسماً د تعـارض وړ وګرځي،د بـرات لرونکی کـولی

مـامور ذيـصلاح در سـند قابـل معـــاملـه و يـــا در ورق ملـصق به آن و يـــــا بر هردو، يادداشت گردد.
ايـن يادداشـت در خـلال موعـد مناسـب بعـد از نکـول سـند قابـل معاملـه، تحريـر و در آن تـاريخ نکـــول، دليـــل آن (درصـــورت موجوديـــــت) و انـــــدازهٔ فـــيس تحريـــر يادداشـــت درج می گردد.

اعتراض
مادهٔ هشتاد وپنجم :
(۱) در صـورت نکـول از قبـولی يـا تأديـه حجـت يـا بـرات، در خـلال موعد مناسب دارنده می تواند از مـامور ذيـصلاح، تقاضـا نمايـد تـا موضوع را درسند قابل معامله يـا ورق ملـصق بـه آن تحريـر و از آن تـصديق نمايـد. ايـن تـصديق بـه نـــام اعتـــراض يـــاد مـــی گردد.
(۲) هرگـاه قبـول کننـده بـرات ورشکسته يا مفلس شود و اعتبـار وی قبـل از سررسـيد بـرات رسـماً مـورد تعـارض قـرار گيـرد، دارنـدهٔ

شي د مناسبی مودي په ترڅ کې، وغواړي څو واکمن مامور له قبلوونکي څخه دښه تصدیق غوښتونکی شي او دبرات درد پـه صورت کې، پـه مناسبه موده کې حقایق په برات کې درج او تصدیق کړي، دغه ډول تصدیق، د ښه تضمین لپاره اعتراض ګڼل کېږي.

د اعتراض محتوي

شپږاتیایمه ماده:

ددې قانون په پنځه اتیایمه ماده کې درج شوی اعتراض د لاندې مطالبو لرونکی دی:

۱-د معترض شخص او هغه شخص نوم چې پر علیه یې اعتراض صورت مونديلی.

۲-د حجت یا برات د نکول نېټه او ځای، د ښه تضمین د نه وړاندې کولو دلیل.

۳-د ورکړې یا قبلولو یا ښه تضمین لپاره د واکمن مامور په واسطه د معترض علیه دځواب ویلو د څرنګوالی په ذکرولو یا داچې د ځواب ویلو ته حاضر ندی یا دا چې و نه موندل شو دغوښتنو څرګندول.

برات می تواند در خلال موعد مناسب، تقاضا نماید تا مامور ذیصلاح از قبول کننده خواهان تضمین بهتر شده و در صورت رد این درخواست، درموعد مناسب حقایق را یادداشت و تصدیق نماید. چنین تصدیق، اعتراض برای تضمین بهتر نامیده می‌شود.

محتوای اعتراض

مادۀ هشتاد وششم :

اعتراض مندرج مادۀ هشتاد وپنجم این قانون حاوی مطالب ذیل می باشد:

۱- اسم شخص معترض وشخصی که علیه وی اعتراض صورت گرفته است.

۲- تاریخ و محل نکول حجت یا برات، زمان و محل انکار از ارایۀ تضمین بهتر.

۳- توضیح مطالبات برای تأدیه یا قبولی و یا تضمین بهتر، توسط مامور ذیصلاح با ذکر نحوۀ پاسخ معترض علیه یا این که حاضر به جواب دادن نبوده یا این که دریافت شده نتوانست.

۴-د هغو موادو او محتویاتو شرح چې پر اصل سند باندې لیکلې یا چاپ شوېده.
۵-د هغۀ واکمن مامور شهرت چې د اعتراض پاڼه یې ترتیب کړېده.
۶- دثالث شخص په واسطه دنکول شوي برات دقبولۍ یا ورکړي په صورت کې دمدیون د اعتبارد ساتنې په منظور د هغۀ شخص نوم چې په واسطه او د هغۀ شخص نوم چې د هغۀ لپاره یې دغه قبولي یا ورکړه صورت مومي‌اود وړاندیز څرنګوالی او د قبولۍ او ورکړې اجراء.

۴- شرح مواد و محتویات که براصل سند نوشته یا چاپ شده است.
۵- شهرت مامور ذیصلاح که ورقۀ اعتراض را ترتیب نموده است .
۶- در صورت قبولی یا تأدیه برات نکول شده توسط شخص ثالث به منظور حفظ اعتبار مدیون، اسم شخصی که توسط وی و اسم شخصی که برای وی این قبولی یا تأدیه صورت می گیرد و چگونگی پیشنهاد و اجرای قبولی و تأدیه.

د نه قبلېدو په علت له نکول وروسته د نه ورکړې په سبب اعتراض

اووه اتیایمه ماده:

هغه برات چې د مخاطب د اوسېدو د ځای په غیر په بل ځای کې د ورکړې لپاره صادر او د نه قبلېدو په سبب، نکول شوی وي، مخاطب ته له بیا وړاندې کولو پرته، په مشخص ځای کې د نه ورکړې له امله، د اعتراض وړ ګرځېدی شي،

اعتراض به سبب عدم تأدیه بعد از نکول به علت عدم قبولی

مادۀ هشتاد وهفتم :

براتی که جهت تأدیه در محل دیگری غیر از محل اقامت مخاطب صادر و به سبب عدم قبولی، نکول شده باشد ، بدون ارایه مجدد به مخاطب، بنابر عدم تأدیه در محل مشخص، مورد اعتراض قرار گرفته می تواند ،

خو دا چې دمخه يا په سر رسيد کې ورکول شوی وي.

پر بهرنی سند باندې اعتراض
اته اتيايمه ماده:
که چېرې د بهرني هېواد قانون چې د معاملې وړ سند په هغۀ ځای کې صادرشوی، په اعتراض حکم کړی وي، دغه ډول نکول د اعتراض وړ ګرځي.

مگر این که قبل یا در سررسید تأدیه شده باشد.

اعتراض برسند خارجی
مادۀهشتادوهشتم :
هرگاه قانون کشور خارجی که سند قابل معامله در آنجا صادر شده، حکم به اعتراض نموده باشد، چنین نکول مورد اعتراض قرار می گیرد.

لسم فصل
مناسب وخت

فصل دهم
موعد مناسب

په راتلونکې کې وخت د ټاکل شوي وخت په ترڅ کې د حجت يا برات ورکړه
نهه اتيايمه ماده:
حجت يا برات پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق، په راتلونکې کې د ټاکل شوي موعد په ترڅ کې په هغۀ صورت کې د ورکړې وړ دی چې د ورکړې وړتيا يې په لاندې توګه ليکل شوې وي:
۱- د سند د ترتيب يا د هغۀ د رويت له نېټې څخه د يوۀ ټاکلی موعد له تېرېدو وروسته.

تأدیۀ حجت یا برات در خلال موعد معینه در آینده
مادۀ هشتاد و نهم :
حجت یا برات مطابق احکام مندرج این قانون، درخلال موعد معین در آینده درصورتی قابل تأدیه می باشد که قابلیت تأدیۀ آن به ترتیب ذیل تحریر شده باشد:
۱- بعد از سپری شدن یك موعد معین از تاریخ ترتیب سند یا رویت آن.

۲-د یوې مشخصې پېښې له واقع کېدو وروسته چې واقع کېدل یې قطعي، خو وخت یې معلوم نه وي یوې ټاکلې مودې د حجت یا برات موکولول.

۲- موکول نمودن حجت یا برات به یک موعد معین بعد از وقوع واقعهٔ مشخص که وقوع آن قطعی، مگر زمان آن معلوم نباشد.

په مخکې یا وروسته نېټو د معاملې وړ سند ترتیبېدل نوی یمه ماده:

که چېرې په معاملې وړسند کې درج شوې نېټه مخکې یا وروسته پورې اړه ولري ، نومورې سند د اعتبار وړ ګڼل کېږي، پدې شرط چې ددغه ډول نېټې لیکل د یوې غیر قانوني یا له تېر ایستنې څخه ډکې معاملې د سرته رسېدو په منظور صورت نه وي موندلي.

ترتیب سند قابل معامله به تاریخ های ماقبل یا مابعد مادهٔ نودم :

هرگاه تاریخ مندرج سند قابل معامله مربوط ماقبل یا مابعد باشد ، سند مذکور قابل اعتبار دانسته می شود ، مشروط بر این که تحریر چنین تاریخ به منظور انجام یک معامله غیر قانونی ویا فریب آمیز صورت نگرفته باشد.

د ورکړې وړ برات یا حجت د سررسید محاسبه د هغه له رویت یاټاکلې نېټې څو میاشتې وروسته یو نوي یمه ماده:

(۱)د هغه حجت یا برات د سررسید په محاسبه کې چې په سند کې له درج شوې نېټې څخه د څو ټاکلو میاشتو له تېرېدلو یا د مشخصې پېښې له رویت یا واقع کېدو وروسته د ورکړې وړ وي، یاده

محاسبهٔ سررسید برات یا حجت قابل تأدیه چند ماه بعد از رویت یا تاریخ معینهٔ آن مادهٔ نود ویکم :

(۱) درمحاسبهٔ سررسید حجت یا براتی که بعد از سپری شدن چند ماه معین بعد از تاریخ مندرج سند یا رویت یا وقوع واقعه مشخص، قابل تأدیه باشد ،

شوې موده د اړوندې میاشتې په هغه ورځ باندې پایته رسېږي چې په یوې له لاندې نېټو سره مطابقت ولري:

۱- په سند کې درج د ترتیب نېټه.

۲- د قبلېدو یا رویت لپاره د سند د وړاندې کولو نېټه.

۳- د نه قبلېدو په اړه د یادداښت د وړاندې کولو نېټه.

۴- دنه قبلېدو لپاره د اعتراض نېټه.

۵- د پېښې د واقع کېدو نېټه.

(۲) هغه برات چې له رویت وروسته د مشخصو میاشتو په تېرېدو سره د ورکړې وړ وي او د شهرت د ساتلو په منظور، قبول شوی وي، د هغۀ د سررسید نېټه هغه ورځ ګڼل کېږي چې قبولي صورت مونډلی دی.

که چېرې په هغې نېټې چې یاده شوې موده پایته رسېږي د هغې مطابق ورځ وجود و نلري، د سررسید موده د میاشتې په اخره ورځ پایته رسېږي.

(۳) د هغۀ برات یا حجت سررسید چې عندالمطالبه، عندالرویت یا عندالاراېه ورکړه په هغۀ کې یاده میعاد متذکره به آن روز ماه مربوط ختم می شود که با یکی از تاریخ های ذیل مطابقت داشته باشد:

۱- تاریخ ترتیب سند.

۲- تاریخ ارایۀ سند جهت قبولی یا رویت.

۳- تاریخ ارایۀ یادداشت مبنی بر عدم قبولی.

۴- تاریخ اعتراض جهت عدم قبولی.

۵- تاریخ وقوع واقعه.

(۲) براتی که بعد از مرور ماه های مشخص بعد از رویت قابل تأدیه می باشد و به منظور حفظ شهرت قبول گردیده باشد، تاریخ سر رسید آن روزی دانسته می شود که قبولی صورت گرفته است.

هرگاه در تاریخی که میعاد متذکره خاتمه می یابد، روزی مطابق به آن وجود نداشته باشد، میعاد سر رسید بروز آخر ماه خاتمه می یابد.

(۳) سررسید برات یا حجتی که تأدیه عندالمطالبه، عندالرویت یا عندالاراېه در آن اظهار

شوې نه وي ، د ورکړې ورځ په هغه کې له درج شوې نېټې څخه وروسته، درېيمه ورځ وي.

د ورکړې وړ برات يا حجت د سررسيد محاسبه د هغه له رويت يا تاکلې نېټې څخه څو ورځې وروسته

دوه نوي يمه ماده:

د هغه حجت يا برات د محاسبې لپاره چې له رويت يا سررسيد يا د مشخصې پېښې له واقع کېدو وروسته د مشخصو ورځو په تېرېدو سره د ورکړې وړ ګڼل کېږي، لاندې ورځې د محاسبې وړ ندي:

۱-دسند د ترتيب ورځ.

۲-د قبلېدو يا رويت لپاره د وړاندې کولو ورځ.

۳-دنه قبلېدولپاره د اعتراض ورځ.

۴-د پېښې د واقع کېدو ورځ.

نشده باشد ، روز تأديه، روز سوم بعد از تاريخ مندرج آن می باشد.

محاسبهٔ سررسيد برات يا حجت قابل تأديه چند روز بعد از رويت يا تاريخ معينهٔ آن

مادهٔ نود ودوم :

برای محاسبه سررسيد حجت يا براتی که با سپری شدن روز های مشخص بعد از رويت يا سررسيد يا وقوع واقعه مشخص قابل تأديه دانسته می شود ، روزهای ذيل قابل محاسبه نمی باشد :

۱- روز ترتيب سند.

۲- روز ارايه جهت قبولی يا رويت.

۳- روز اعتراض جهت عدم قبولی.

۴- روز وقوع واقعه.

د رخصتۍ په ورځو کې د حجت يا برات سررسيد

دري نوی يمه ماده:

که چېرې د حجت يا برات د سررسيد ورځ د عمومي رخصتۍ

سررسيد حجت يا برات در ايام رخصتی

مادهٔ نود وسوم :

هرگاه روز سررسيد حجت يا برات مصادف با روز

لـــه ورځـــې ســـره مـــصادفه وي، سررسید یې را وروسته رسمي ورځ ده.

ټاکلی مودہ

څلور نوي یمه ماده:

د معاملې وړ سند د وړاندې کولو قبلېـــدو یـــا ورکـــړې، د نکـــول د خبرتیا او یادداښت د وړاندې کولو لپـــاره ټـــاکلی مـــوده ، د هغـــهٔ د ماهیت او د ورته سندونو د پراوونو لـه پـه پـام کـې نیولـو سـره، ټاکـل کېږي.ددغهٔ ډول مودې په محاسبه کې عمومي رخصتی نه شاملېږي.

رخصتی عمومی باشد ، سررسید آن، روز رســـمی مـــا بعـــد آن می باشد.

موعد معینه

مادۀ نود وچهارم :

موعد معینه برای ارایه، قبولی یا تأدیـــۀ ســـند قابـــل معاملـــه، ارایۀ اطلاعیۀ نکول و یاد داشت با نظرداشت ماهیت آن و مراحل معمـــول اســـناد مـــشابه، تعیـــین می گردد. در محاسبه چنین موعد رخصتی های عمومی شامل نمی گردند.

د نکـول د خبرتیـا د وړانـدې کولـو لپاره ټاکلی مودہ

پنځه نوي یمه ماده:

(۱)کـه چېـرې لرونکـی او هغـه اړخ چې د نکـول خبرتیـا ورتـه وړانـدې کېـږي ، پـه عـین ځـای کـې کاریـا استوګنه ولـري، خبرتیـا هغـه وخت پـه ټاکلې مـوده وړانـدې شـوې ګڼل کېږي چې استول یې پداسې موقع کې صورت و مومي چې لـه نکـول څخـه یـوه ورځ وروسـته مقـصد تـه ورسېږي.

(۲)کـه چېـرې ددې مـادې پـه (۱)

موعـد معینـه جهـت ارایۀ اطلاعیـه نکول

مادۀ نود وپنجم :

(۱) هرګـاه دارنـده و طرفـی کـه اطلاعیـۀ نکـول بـه وی ارایـه مـی گردد درعـین محـل کـار یـا اقامت داشـته باشـند ، اطلاعیـه زمـانی در موعد معینه ارایه شده دانسته می شـود کـه ارسـال آن در مـوقعی صـــورت گیـــرد کـــه یـــك روز بعـــد از نکـــول بـــه مقـــصد برسد.

(۲) هرګاه طـرفین منـدرج فقرۀ (۱)

فقره کې درج شوي اړخونه په مختلفو ځایونو کې کار او استوګنه ولري، خبرتیا هغه وخت په ټاکلې موده وړاندې شوې ګڼل کېږي چې د وروستني پُست په واسطه یا له نکول څخه یوه ورځ وروسته مقصد ته ورسېږي.

(۳)هغه شخص چې د معاملې وړسند طرف وي خو لرونکی یې نه وي کولی شي ددې مادې په (۱ او ۲)فقره کې د درج شوو شرایطو له په پام کې نیولو سره د نکول خبرتیا د ټاکل شوې مودې په ترڅ کې مخکښ اړخ ته واستوي.

این ماده در محلات مختلف، کار یا اقامت داشته باشند، اطلاعیه زمانی در موعد معینه، ارایه شده دانسته می شود که توسط پست بعدی و یا یك روز بعد از نکول به مقصد برسد.

(۳) شخصی که طرف سند قابل معامله بوده اما دارندۀ آن نباشد، می تواندبانظرداشت شرایط مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده، اطلاعیه نکول را درخلال موعد معینه به طرف ماقبل ارسال نماید.

یوولسم فصل
د اعتبار د ساتلو لپاره د برات قبلول او ورکړه

فصل یازدهم
قبولی و تأدیۀ برات برای حفظ اعتبار

د اعتبار د ساتلو لپاره قبلول

شپږنوي یمه ماده:

که چېرې د برات په هکله د نه قبلېدو یا ښه تضمین دنه وړاندې کولو له امله یاددانښت یا اعتراض صورت و مومي، هغه شخص چې په برات کې د درج شوي مبلغ د ورکړې په وړاندې ژمن نه وي،

قبولی برای حفظ اعتبار

مادۀ نود وششم :

هرگاه در مورد برات بنابر عدم قبولی یا ارایۀ تضمین بهتر، یادداشت یا اعتراض صورت گیرد، شخصی که متعهد در برابر تأدیۀ مبلغ مندرج برات نباشد، می تواند

کـولی شـي د هغـهٔ د لرونکـي د موافقې په اخیستلو سره، په برات کې په لیکلو سره، هغه لـه دمخه اړخونـو څخـه د یـوهٔ د اعتبـار د ساتلو لپاره، قبول کړي.

د اعتبـار د سـاتلو لپـاره د قبلېدو څرنګوالی

اووه نوي یمه ماده:

(۱) هغـه شـخص چـې د بـرات د اعتبار د ساتلو لپاره د قبولې مینه وال وي، مـکلف دی په هغهٔ برات کې چې په واك کې یې دی، ولیکي چې هغه د اعتراض د حق په ساتلو سـره، اعتـراض شـوی بـرات د صـادروونکي یـا مـشخص ظهـر نـویس چـې ورځخـه نـوم اخلـي د اعتبـار د سـاتلو لپـاره یـا پـه عـام صـورت د اعتبـار د سـاتلو لپـاره قبلوي.

(۲)کـه چېـرې پـه قبـولې کـې د اعتبار د ساتلو لپاره، دکوم شخص نوم یاد شوی وي، پدې صورت کې داسـي ګڼـل کېـږي چـې قبـولې د معـاملې وړ سند د صـادروونکي د اعتبـار د سـاتلو لپـاره صـورت موندلی دی.

بـا اخـذ موافقـهٔ دارنـده آن بـا تحریـر در بـرات، آنـرا بـرای حفـظ اعتبـار یکـی از طـرفین قبلـی، قبـول نماید.

چگـونگی قبـولی بـرای حفـظ اعتبار

مادهٔ نود وهفتم :

(۱) شخـصی کـه علاقمنـد قبـولی بـرای حفـظ اعتبـار بـرات باشـد، مکلـف اسـت در براتـی کـه در اختیار وی قرار دارد، تحریر نماید که وی با حفظ حق اعتراض، برات اعتـراض شـده را جـهت حفـظ اعتبـار صـادر کننـده و یـا ظهرنـویس مـشخص کـه از وی نـام مـی بـرد و یـا بـه صـورت عـام بـرای حفـظ اعتبار، قبول می نماید.

(۲) هرگـاه در قبـولی بـرای حفـظ اعتبار، اسم شخصی ذکر نـه شده باشـد، در ایـن صـورت چنـین پنداشته می شود کـه قبولی برای حفظ اعتبار صادرکنندهٔ سند قابل معاملـه صـورت گرفتـه است.

د اعتبـــار د ســـاتلو لپـــاره د قبلوونکي مسئوليت

اته نوي يمه ماده:

(۱) قبلـوونکی د اعتبـار د سـاتلو لپـاره د هغـهٔ اړخ د ټولـو وروسـتنيو اړخونو په وړاندې چې هغـهٔ د خپـل اعتبار د ساتلو لپاره په برات کې د درج شـوي مبلـغ ورکـړه د مخاطـب لخـوا د نـه ورکـړې پـه صـورت کـې قبلوي، ملزم دی. پدې صورت کې اړخ او ټول دمخـه اړخونـه د واك پـه حدودو کې د هغـهٔ زیان پـه جبرانولـو مکلـف دي چـې قبلـوونکی يـې د اعتبـار د سـاتلو لپـاره ددغـهٔ ډول قبولی په پایله کې زغمي.

(۲) قبلـوونکی د اعتبـار د سـاتلو لپاره د برات د لرونکي په وړاندې ملزم نـدی خودا چې برات هغـهٔ تـه وړاندې شوی وي یا په هغـهٔ صورت کـې چـې د دغـهٔ ډول قبلـوونکي پـه واسـطه پـه بـرات کـې ذکـر شـوی آدرس لـه هغـهٔ ځـای څخـه پرتـه چې بـرات هلتـه د ورکـړې وړ دی ، بـل ځای وي ، لـه سررسید څخـه تر را وروسته ورځې پورې وړاندې شوی وي یا دا چې برات په سررسید کې

مسئولیت قبول کننده برای حفظ اعتبار

مادهٔ نودو هشتم :

(۱) قبول کننده برای حفظ اعتبار، دربرابرتمام طرفین مابعد طرفی که وی بـرای حفـظ اعتبـارش، تأدیـهٔ مبلـغ منـدرج بـرات را در صـورت عـدم تأدیـه توسـط مخاطـب قبـول می نماید، ملزم می باشد. دراین صـــورت طـــرف و تمـــام طـــرفین قبلی در حدود صلاحیت، مکلف به جبران خساره ای می باشند که قبول کننده برای حفظ اعتبار، در نتیجهٔ چنین قبولی آنرا متحمل می گردد.

(۲) قبول کننده برای حفظ اعتبار، دربرابـر دارنـده بـرات ملـزم نمـی باشـد ، مگـر ایـن کـه بـرات بـه وی ارایـه گردیـده یـا درصـورتی کـه آدرس ذکـر شـده در بـرات توسـط چنـــین قبـــول کننـــده محـــل دیگری غیر از محلی باشد که برات در آن قابـــــــل تأدیـــــــه اسـت الـی روز بعـد از سررسـید ارایـه شـده باشـد یـا ایـن کـه بـرات در سررســید جهــت تأدیــه بــه

مخاطب ته د ورکړې لپاره وړاندې او نومورې لـه هغـۀ څخـه نکـول اوبرات د یاددابنت یا اعتراض وړ ګرځېدلی وي.

د اعتبار د ساتلو لپاره ورکړه
نهه نوي یمه ماده:
کـه چېرې د بـرات د نـه ورکړې پـه علـت، یاددابنـت لیکـل شـوی یـا اعتراض صورت موندلی وي ، هر شخص کولی شي په برات کې درج شوی عین مبلغ د دغۀ ډول مبلغ په ورکړه له ملزمو اړخونو څخه د یوۀ داعتبـار د سـاتلو لپـاره، ورکـړې. پـدې شـرط چـې شـخص یـا یـې استازی دمخـه د واکمـن مـامور پـه حضور کې د هغۀ اړخ نوم یـاد کړي چې د هغـۀ د اعتبـار د ساتلو لپـاره ورکړه صورت مومي او اظهاریـه د واکمن مامور په واسطه ثبت شي.

د اعتبـــار دســـاتلو لپـــاره د ورکوونکي حق
سلمه ماده:
هغـه شـخص چې د اعتبـار د سـاتلو لپـاره ورکـړه کـوي ، د هغـو ټولـو حقوقـو مـستحق دی چـې د بـرات مخاطــب ارایـــه و موصـــوف از آن نکـول و بـرات مـورد یادداشـت یـــا اعتـــراض قـــرار گرفتـــه باشد.

تأدیه برای حفظ اعتبار
مادۀ نود ونهم :
هرگـاه بـه علـت عـدم تأدیـه بـرات ، یادداشـت تحریـر یـا اعتـراض صـورت گرفتـه باشـد ، هـر شـخص مـی توانـد ، عـین مبلـغ منـدرج در برات را برای حفظ اعتبـار یکـی از طـرفین ملزم بـه تأدیـه چنـین مبلـغ، تأدیـه نمایـد ، مـشروط بـر ایـن کـه شـخص یـا نماینـدۀ وی قـبلاً در حضور مامور ذیصلاح، اسم طرفی را اظهـار نمایـد کـه بـرای حفـظ اعتبـار وی تأدیـه صـورت مـی گیـرد و اظهاریـه توسـط مامور ذیصلاح ثبت گردد.

حـق تأدیـه کننـده بـرای حفـظ اعتبار
مادۀ صدم :
شخصی که برای حفظ اعتبار تأدیه می نماید ، مستحق تمام حقوقی مـــی باشـــد کـــه دارنـــدۀ

لرونکیو ددغه ډول ورکړې په وخت کې د هغو لرونکی او له هغه اړخ څخه چې د اعتبار د ساتلو لپاره یې ورکړه صورت مومي، کولی شي د تکټانې او هر ډول لګښتونو چې د دغې ورکړې لپاره یې زغمي په شمول ټول ورکړل شوی مبلغ، حصول کړي.

برات در زمان چنین تأدیه آنرا دارا بوده و از طرفی که برای حفظ اعتبارش تأدیه صورت می گیرد، می تواند تمام مبلغ تأدیه شده را بشمول تکتانه و هر نوع مصارفی که برای انجام این تأدیه متحمل می شود، حصول نماید.

دارټیا په صورت کې مخاطب یوسلو یوه یمه ماده:

(۱)که چېرې په برات، یا ظهرنویسی کې د اړټیا په صورت کې د یوه شخص نوم د مخاطب په توګه، یادشي،برات ترهغه وخته پوری نکول شوی نه ګڼل کیږي چې ددغه ډول مخاطب په واسطه نکول شوی نه وي.

(۲)مخاطب د اړټیا په صورت کې کولی شي برات پرته لدې چې د مخنی اعتراض پرې شوی وي، قبول او ور کړي.

مخاطب در صورت ضرورت مادۀ یکصد ویکم :

(۱) هرگاه در برات یا ظهرنویسی اسم شخصی بحیث مخاطب درصورت ضرورت، ذکر گردد، برات تا زمانی نکول شده شمرده نمی شود که توسط چنین مخاطب، نکول نگردیده باشد.

(۲) مخاطب درصورت ضرورت می تواند برات را بدون آنکه اعتراض قبلی بر آن صورت گرفته باشد، قبول و تأدیه نماید.

دوولسم فصل
د معاملې وړ سندونو جبران

جبران
یوسلو دوه یمه ماده:
د معاملې وړ سند له ورکړې یا قبولۍ څخه د نکول په صورت کې، ملزم اړخ د سند د لرونکي یا د ظهر نویسۍ د ذینفع شخص په وړاندې، په لاندې توګه د زیان په جبران مکلف دی:
۱-د معاملې وړ سند لرونکی، په سند کې د درج شوي واجب التأدیه مبلغ دترلاسه کولو اود هغو موجهو لګښتونو د ترلاسه کولو مستحق دی چې هغۀ د سند، یادداښت یا په سند کې د اعتراض وړاندې کولو په وخت کې زغملي دي.
۲-په هغۀ صورت کې چې د ملزم شخص د اوسېدو ځای د ورکړې له ځای پرته په بل ځای کې وي، د معاملې وړ سند لرونکی د دغو دوو ځایونو تر منځ د ورځ د تبادلې په نرخ په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ د ترلاسه کولو مستحق دی.

فصل دوازدهم
جبران اسناد قابل معامله

جبران
مادۀ یکصد و دوم :
در صورت نکول از تأدیه یا قبولی سند قابل معامله ، طرف ملزم در برابر دارندۀ سند و یا شخص ذینفع ظهرنویسی، قرار ذیل مکلف به جبران می باشد:
۱- دارندۀ سند قابل معامله، مستحق دریافت مبلغ واجب التأدیه مندرج سند و دریافت مصارف موجه ای می باشد که وی حین ارایۀ سند، یادداشت یا اعتراض در سند، متحمل شده است.
۲- در صورتی که اقامت گاه شخص ملزم، در محل دیگری غیر از محل تأدیه آن باشد، دارندۀ سند قابل معامله، مستحق دریافت مبلغ مندرج سند به نرخ روز تبادله در میان این دو محل می باشد.

۳- په هغۀ صورت کې چې ملزم شخص او ظهر نویس په مختلفو ځایونو کې استوګنه ولري، ظهرنویس د دووځایونو ترمنځ د تبادلې د ورځې په نرخ په معاملې وړ سند کې د درج شوي مبلغ د ترلاسه کولو مستحق دی.

۴-هغه ظهرنویس چې د معاملې وړ سند په وړاندې ملزم وي او په معاملې وړ سند کې درج شوی مبلغ یې ورکړی وی، اعتبار د ورکړې له نېټې څخه د ترلاسه کولو تر نېټې پورې د افغانستان د قوانینو د حکمونو مطابق د کلنۍ فیصدی په نرخ د هغۀ له نېټې تر سره د ورکول شوي مبلغ د ترلاسه کولو یا له هغو ټولو لګښتونو سره چې هغۀ د نکول یا ورکړې په علت زغملي دي ، یو ځای د دغۀ ډول مبلغ د حصول مستحق دی.

۳- در صورتی که شخص ملزم و ظهرنویس در محلات مختلف اقامت داشته باشند ، ظهر نویس مستحق دریافت مبلغ مندرج سند قابل معامله به نرخ روز تبادله میان این دو محل می باشد .

۴- ظهرنویسی که در برابر سند قابل معامله ملزم بوده و مبلغ مندرج در سند قابل معامله را تأدیه نموده باشد ، مستحق دریافت مبلغ تأدیه شده همراه با تکتانه آن به نرخ فیصدی سالانه، مطابق احکام قوانین افغانستان اعتبار از تاریخ تأدیه الی تاریخ دریافت بدون قید وشرط یا حصول چنین مبلغی، همراه با تمام مصارفی می باشد که وی بعلت نکول و تأدیه، متحمل شده است.

په جبران ملزم اړخ ته د برات صادرول

یوسلو درېیمه ماده:

د جبران د ترلاسه کولو مستحق اړخ کولی شي هغه برات چې عندالرویت یا عندالمطالبه د

صدور برات برای طرف ملزم به جبران

مادۀ یکصدوسوم:

طرف مستحق دریافت جبران، می تواند براتی را که عندالرویت یا عندالمطالبه قابل تأدیه بوده و

ورکړې وړ وي او د هغۀ طلب مبلغ او ټول لګښتونه چې نومورې زغملي دي پکې شامل دي ، پر هغۀ اړخ باندې چې په جبران ملزم دی، صادر کړي، دغه ډول برات له نکول شوي سند او اعتراض (د هغۀ د موجودیت په صورت کې) سره ضمیمه کېږي، که دغه ډول برات نکول شي، نکول کوونکی اړخ په عین تګلارې سره چې د اصلي برات په هکله عملي کېږي د هغۀ په جبران ملزم دی.

شامل مبلغ طلب وی و تمام مصارفی که موصوف متحمل شده است، بالای طرفی که ملزم به جبران است، صادر نماید ، چنین برات با سند نکول شده و اعتراض (درصورت موجودیت آن) ضمیمه می گردد. اگر چنین برات نکول گردد ، طرف نکول کننده ملزم به جبران آن به عین روشی می باشد که در مورد برات اصلی عملی می گردد.

دیارلسم فصل
د اثباتیه مدرکونو په هکله د تطبیق وړ خاص حالات

فصل سیزدهم
احکام خاص قابل تطبیق در مورد مدارك اثباتیه

په معاملې وړ سند کې صحیح حالات

یوسلوځلورمه ماده:

په معاملې وړ سندونو کې لاندې احوال، صحیح ګڼل کېږي، خو دا چې خلاف یې ثابت شي:

۱- د معاملې وړ هر سند د ارزښت په وړاندې صادر شوی دی، ددغۀ شان سند هر ډول قبولي، ظهر نویسي، معامله یا انتقال دعوض

حالات صحیح در سند قابل معامله

مادۀ یکصدوچهارم :

احوال ذیل در اسناد قابل معامله صحیح دانسته می شود ، مگراین که خلاف آن ثابت گردد :

۱- هرسند قابل معامله در مقابل ارزش صادرشده است، هر نوع قبولی، ظهرنویسی، معامله یا انتقال چنین سند در مقابل عوض

په وړاندې صورت موندلی دی.

۲- د معاملې وړ هر سند چې نېټه لري په هماغې نېټه لیکلی یا صادر شوی دی.

۳-هر قبول شوی برات د هغۀ له نېټې وروسته او له سررسید دمخه د مناسبې مودې په ترڅ کې قبول شوی دی.

۴-د معاملې وړ سند هر انتقال د هغۀ له سررسید دمخه صورت موندلی دی.

۵-په معاملې وړ سند کې درج شوې ظهرنویسی، په هغۀ ترتیب چې د سند پر مخ لیدل کېږي، صورت موندلی دی.

۶-د معاملې وړ هر سند چې ورك شوی وي په مقتضي توګه ممهور شوی، تلقي کېږي.

۷- د معاملې وړ سند لرونکی د هغۀ له نېټه نیت سره لرونکی دی، که چېرې سند د هغۀ له قانوني مالك څخه یا له بل شخص څخه چې د هغۀ قانوني اختیار لري ، د تخلف یا تېرایستنې په وسیله تحصیل شوی وي یا د هغۀ له صادروونکي یا قبلوونکي څخه د تخلف یا تېرایستنې په وسیله یا د

صورت گرفته است.

۲- هرسند قابل معاملۀ که حاوی تاریخ است در همان تاریخ تحریر و یا صادر گردیده است.

۳- هر برات قبول شده، در خلا ل موعد مناسب بعد از تاریخ آن و قبل از سررسید آن مورد قبول قرار گرفته است.

۴- هر انتقا ل سند قابل معامله قبل از سررسید آن صورت گرفته است.

۵- ظهرنویسی های مندرج سند قابل معامله به ترتیبی که در روی سند مشاهده می گردد، صورت گرفته است.

۶- هرسند قابل معامله که مفقود شده باشد طور مقتضی ممهور گردیده، تلقی می شود.

۷- دارندۀ سند قابل معامله، دارنده با حسن نیت آن است، هرگاه سند از مالك قانونی آن یا از شخص دیگری که اختیار قانونی آن را دارا است، به وسیلۀ تخلف یا فریب تحصیل شده یا از صادرکننده یا قبول کنندۀ آن به وسیله تخلف یا فریب، یا جهت

غیر قانوني عمل د سرته رسولو لپاره تحصیل شوی وي،پدې احوالو کې له ښه نیت سره د لرونکي د اثبات مسئولیت د سند د لرونکي په غاړه دی.

انجام عمل غیر قانونی تحصیل شده باشد ، در این احوال مسئولیت اثبات دارندۀ با حسن نیت برعهدۀ دارندۀ سند است.

د نکول د اعتراض اعتبار
یوسلو پنځمه ماده:
د معاملې ورې سند د نکول په هکله د دعوي د اقامې لپاره، د نکول په هکله صورت مونډلی اعتراض معتبر ګڼل کېږي، خو دا چې اعتراض د تأیید ورې ونه ګرځي.

اعتباراعتراض نکول
مادۀ یکصدوپنجم :
برای اقامۀ دعوی در مورد نکول سند قابل معامله، اعتراض صورت گرفته درمورد نکول معتبر دانسته می شود ، مگر این که اعتراض مورد تائید قرار نگیرد.

د لومړني سند د اعتبار د انکار منع
یوسلو شپږمه ماده:
د معاملې ورې سند صادروونکی یا قبلوونکی، د برات د صادروونکي د اعتبار د ساتلو لپاره، نشي کولی له ښه نیت سره د لرونکي په واسطه په اقامه شوې دعوي کې د لومړني سند اعتبار، انکارکړی.

منع انکار اعتبار سند اولیه
مادۀ یکصدوششم :
صادرکننده سند قابل معامله یا قبول کننده جهت حفظ اعتبار صادر کنندۀ برات، نمی تواند در دعوی اقامه شده توسط دارندۀ با حسن نیت اعتبار سند اولیه را انکارنماید.

د ورکړې د ترلاسه کوونکي د ظهرنویس د واك د انکار منع

یوسلو اوومه ماده:

د حجت صادروونکی او په دستور د ورکړې وړبرات قبلوونکی،نشي کولی له ښه نیت سره دلرونکي په واسطه د دعوي د اقامې په وخت کې،په عین ظهرنویسی کې دورکړې د ترلاسه کوونکي واك د حجت اوبرات په سررسیدکې انکار کړي.

منع انکار صلاحیت ظهرنویس دریافت کنندۀ تأدیه

مادۀ یکصدوهفتم :

صادرکنندۀ حجت و قبول کنندۀ برات قابل تأدیه به دستور، نمی توانند حین اقامۀ دعوی توسط دارندۀ با حسن نیت صلاحیت دریافت کنندۀ تأدیه در عین ظهرنویسی را در سررسید حجت و برات انکار نمایند.

د معاملې وړ سند دمخکنۍ ارخونو د لاسلیك یا واك د انکار ممنوعیت

یوسلو اتمه ماده:

دوروستني لرونکي په واسطه دمعاملې وړسند په هکله په اقامه شوې دعوي کې ظهر نویس نشي کولی د سند له اسبقو ارخونو څخه د یوۀ د لاسلیك یاد قرارداد د عقد واك انکار کړي.

ممنوعیت انکار امضاء یا صلاحیت طرفین ماقبل سند قابل معامله

مادۀ یکصدوهشتم :

ظهر نویس در دعوی اقامه شده در مورد سند قابل معامله توسط دارندۀ مابعد، نمی تواند از امضأ یا صلاحیت عقد قرارداد یکی ازطرفین اسبق سند، انکار نماید.

څوارلسم فصل
پر چك باندې د تطبيق وړ خاص موارد

د بانکدار د واك او مکلفيت د لغو خاص حالات
يوسلو نهمه ماده:
د بانکدار واك او مکلفيت د هغۀ د مشتري په واسطه د صادر شوي چك د ورکړې لپاره په لاندې خاصو حالاتو کې لغو کېږي:
۱-د ورکړې د دستور د لغو په صورت کې.
۲-د مشتري له وفات څخه د خبرتيا په صورت کې.
۳-د مشتري له ورشکستګۍ څخه د خبرتيا په صورت کې.

کرښې (خطونه) د چك د مهمې برخې په توګه
يوسلو لسمه ماده:
رسم شوې کرښې ددې قانون د حکمونو مطابق، د چك مهمه برخه ګڼل کېږي، د هغو امحا، زياتول يا بدلول پدې قانون کې د درج شوو مواردو په استثني، جايز ندي.

فصل چهاردهم
موارد خاص قابل تطبيق بر چك

حالات خاص لغو صلاحيت و مکلفيت بانکدار
مادۀ يکصدونهم :
صلاحيت و مکلفيت بانکدار جهت تأديۀ چك صادرشده توسط مشتری آن در حالات خاص ذيل لغو می گردد:
۱- در صورت لغو دستور تأديه.
۲- در صورت اطلاع از وفات مشتری.
۳- در صورت اطلاع از ورشکستگی مشتری.

خطوط بحيث بخش مهم چك
مادۀ يکصدودهم :
خطوط رسم شده مطابق احکام اين قانون، بخش مهمی از چك محسوب گرديده، امحأ، ايزاد يا تغيير آن به استثنای موارد مندرج اين قانون ، جايز نمی باشد.

عام مخطط چك
يوسلو يوولسمه ماده:
کـه چېـرې چـك، عـام مخطـط وي، مخاطـب بانکـدار نـشي کـولی پـه هغهٔ کې درج شوی مبلغ له مخاطب بانکدار پرته بل شخص ته ورکړي.
عام مخطط چك هغه چك دی چې پـر خپـل مـخ د کرښـو لرونکـی وي چې د دوو عرضي موازي کرښو تر مـنځ د (او شـرکت) عبـارت يـا ددې عبارت اختصارات زيات شوي وي يـا يـوازې دوه مـوازي کرښـې موجودې وي لـدې سره سره چې د (دنـه ليـږد ورې) عبـارت پکـې درج شـوی وي يـا نـه، دغـه زيـاتونې، مخطـط کېـدل ګڼـل کېـږي او عـام مخطط چك بلل کېږي.

د ترلاسـه کـوونکي پـه حـساب د ورکړې وړ چك
يو سلو دوولسمه ماده:
(۱) کـه چېـرې د عـام مخطـط چـك پـرمخ د دوو عرضـي مـوازي کرښـو تـر مـنځ چـې د هغـهٔ د عمومیـت ښـودونکې دي « د مبلـغ د ترلاسـه کـوونکي پـه حـساب دی ورکـول

چك مخطط عام
مادهٔ يکصدويازدهم :
هرگـاه چـك، مخطـط عـام باشـد ، بانکدار مخاطب نمی تواند مبلغ منـدرج آن را بـه غيـر ازبانکدار بـه شخص ديگری تأديه نمايد.
چـك مخطـط عـام چکـی اسـت کـه حاوی خطوطی بر روی خود باشد کـه در بـين دو خـط مـوازی عرضـی عبـارت (و شـرکت) يـا اختـصارات، ايـن عبـارت، اضـافه گرديـده يـا صرف دو خط موازی موجود باشد ، اعـم از ايـن کـه عبـارت (غيـر قابـل انـتقال) درآن درج شده باشد يا نـه، ايـن اضـافات، مخطـط کـردن محـسوب گرديـده و چـك مخطـط عام پنداشته می شود.

چك قابل تأديه به حساب دريافت کننده
مادهٔ يکصدودوازدهم :
(۱) هرگاه بر روی چك مخطط عـام در بـين دو خـط مـوازی عرضـی کـه مبـين عموميـت آن اسـت، عبـارت «بـــــه حساب دريافت کنندهٔ مبلـغ تأديـه گـردد.» ايـــــزاد

شي» عبارت زيات شي ،پرعام مخطط والی دمخطط چك په توګه « دترلاسه کوونکي په حساب د ورکړی ور» هم یاد ېږي.

(۲)د ترلاسه کوونکي په حساب د ورکړې ور مخطط چك، د لاندې آثارو لرونکی وي:

۱-د چك د انتقال ورځيا تېرېږي.

۲-د چك د مبلغ حاصلوونکی بانکدار، یوازې په چك کې د درج شوي ترلاسه کوونکي په حساب د هغۀ د عوایدو د کرښت کولو مسئول ګرځي.

خاص مخطط چك

یوسلو دیارلسمه ماده:

که چېرې د چك پرمخ، د مشخص بانکدار نوم درج شوی وي لدې سره سره چې (د نه انتقال ور) له عبارت سره یو ځای وي که نه، خاص مخطط چك دی او داسې ګڼل کېږي چې د مشخص بانکدار په نوم، مخطط شوی دی.

که چېرې مخطط چك خاص وي، مخاطب بانکدار نشي کولی په چك کې درج شوی مبلغ له هغۀ بانکدار پرته چې چك یې په نوم شود، علاوه برمخطط بودن عام بحیث چك مخطط «قابل تأدیه به حساب دریافت کنندۀ» نیز یاد می گردد.

(۲) چك مخطط قابل تأدیه به حساب دریافت کننده، دارای آثار ذیل می باشد:

۱- قابلیت انتقال چك منقضی می گردد.

۲- بانکدار حصول کنندۀ مبلغ چك، مسئول کریدت نمودن عواید آن صرف به حساب دریافت کنندۀ مندرج چك می گردد.

چك مخطط خاص

مادۀ یکصدوسیزدهم :

هرگاه بر روی چك، اسم بانکدار مشخص درج شده باشد ، اعم از این که توأم با عبارت (غیر قابل انتقال) باشد یا نه، چك مخطط خاص بوده و چنین پنداشته می شود که به اسم بانکدار مشخص، مخطط شده است.

هرگاه چك مخطط خاص باشد ، بانکدار مخاطب نمی تواند مبلغ مندرج چك را به بانکدار دیگری غیر از بانکداری که چك به اسم

مخطط شوی دی بل بانکدار یا د هغۀ استازي ته د حصول لپاره، ورکړي.

له صادرېدو وروسته مخطط کېدل یو سلو څوارلسمه ماده:

(۱)که چېرې چك مخطط نه وي، لرونکی کولی شي هغه په عام یا خاص ډول مخطط کړي.

(۲)که چېرې چك عام مخطط وي، لرونکی کولی شي هغه په خاص مخطط چك واړوي.

(۳)که چېرې چك په عامه یا خاصه توګه مخطط وي، لرونکی کولی شي (دلیږد نه وړ) عبارت پر هغۀ ورزیات کړي.

(۴) که چېرې چك خاص مخطط وي هغه بانکدار چې چك یې په نوم مخطط شوی دی کولی شي، هغه په خاصه توګه بل بانکدار ته چې د هغۀ استازی وي د حصول لپاره مخطط کړي.

(۵)که چېرې نه مخطط کړی شوی چك یا عام مخطط چك بانکدار ته د حصول لپاره واستول شي، هغه کولی شي چې په خپل نوم ئې په خاصه توګه مخطط کړي.

وی مخطط شده یا نمایندۀ وی برای حصول، تأدیه نماید.

مخطط شدن بعد از صدور مادۀ یکصدوچهاردهم :

(۱) هرگاه چك مخطط نباشد ، دارنده می تواند آنرا به صورت عام یا خاص مخطط نماید.

(۲) هرگاه چك مخطط عام باشد ، دارنده می تواند آنرا به چك مخطط خاص تبدیل نماید.

(۳) هرگاه چك بطور عام یا خاص مخطط باشد ، دارنده می تواند عبارت (غیر قابل انتقال) را به آن اضافه نماید.

(۴) هرگاه چك، مخطط خاص باشد ، بانکداری که چك به اسم وی مخطط شده است می تواند ، آنرا بطور خاص به بانکدار دیگری که نمایندۀ وی باشد ، برای حصول مخطط نماید.

(۵) هرگاه چك مخطط ناشده یا چك مخطط عام به بانکدار برای حصول ارسال گردد ، وی می تواند آنرا به اسم خود بطور خاص مخطط نماید.

له یو ځل څخه زیات د خاص شوي مخطط چك ورکړه

یو سلو پنځلسمه ماده:

که چېرې چك له یوهٔ خاص بانکدار څخه زیاتو ته مخطط شوی وي، مخاطب بانکدار کولی شي د هغهٔ د مبلغ له ورکړې څخه نکول وکړي، د هغهٔ حالت په استثنی چې چك د مبلغ د ترلاسه کولو لپاره، د استازي په واسطه مخطط شوی وي.

تأدیهٔ چك مخطط خاص شده بیش از یك بار

مادهٔ یکصدوپانزدهم :

هرگاه چك به بیش از یك بانکدار خاص، مخطط شده باشد، بانکدار مخاطب می تواند از تأدیهٔ مبلغ آن نکول نماید، به استثناء حالتی که چك برای دریافت مبلغ، توسط نماینده مخطط شده باشد.

په ښه نیت سره د مخطط چك ورکړه

یوسلو شپاړسمه ماده:

که چېرې په ښه نیت سره مخاطب بانکدار او له سهل انګاری پرته، عام مخطط رسېدلی چك په سررسید کې یوهٔ بانکدارته او په هغهٔ صورت کې چې خاص مخطط وي ، هغهٔ بانکدار ته چې چك یې په نوم مخطط شوی دی یا یې استازي ته د هغهٔ مبلغ د حصول لپاره چې خپله یو بانکدار وي ، ورکړي، په هغهٔ صورت کې چې دغه چك د ورکړې د ترلاسه

تأدیهٔ چك مخطط با حسن نیت

مادهٔ یکصدوشانزدهم :

هرگاه بانکدار مخاطب با حسن نیت و بدون سهل انگاری، چك واصله مخطط عام را در سررسید به یك بانکدار و در صورتی که مخطط خاص باشد، به بانکداری که چك به اسم وی مخطط شده یا نمایندهٔ وی برای حصول مبلغ که خود یك بانکدار باشد، تأدیه نماید، در صورتی که این چك بدست دریافت کنندهٔ تأدیه برسد،

کوونکي لاس ته ورسپړي، د چك ورکوونکی او صادر وونکی بانکدار په ټولو مواردو کې د هغو حقوقو او موقف لرونکی ګرځي چې حقیقي لرونکي ته د چك د ورکړې په صورت کې له هغو څخه برخمن دی.

بانکدار تأدیه کننده و صادرکننده چك در تمام موارد دارای عین حقوق و موقفی می گردند که در صورت تأدیه چك به دارندهٔ حقیقی از آن بر خور دار می شدند.

له بدنیت سره د مخطط چك ورکړه یو سلو اوولسمه ماده:

(۱)هغه بانکدار چې عام مخطط چك له بانکدار پرته شخص ته یا خاص مخطط چك له هغهٔ بانکدار څخه چې چك یې په نوم مخطط شوی دی ، پرته شخص ته یا یې استازي ته چې خپله بانکدار دی د تحصیل لپاره، ورکړي، د هغهٔ زیان په علت چې د دغهٔ ډول ورکړې په پایله کې د چك اصلي مالك ته ور اړوي، مسئول دی.

(۲) په هغهٔ صورت کې چې د ورکړې لپاره وړاندې شوی چك مخطط په نظر را نشي یا د داسې کړنو لرونکی وي چې محو شوي وي یا زیات شوی وي یا په بل ډول چې ددې قانون لخوا مجاز ګڼل شوی نه وي ، په هغهٔ کې تحریف

تأدیهٔ چك مخطط باسوءنیت مادهٔ یکصدوهفدهم :

(۱) بانکداری که چك مخطط عام را به شخصی غیر از بانکدار، یا چك مخطط خاص را به شخصی غیر از بانکداری که چك به اسم وی مخطط شده، یا نمایندهٔ وی برای تحصیل که خود بانکدار است، تأدیه نماید ، به علت خساره ای که در نتیجهٔ چنین تأدیه به مالك اصلی چك وارد می شود ، مسئول می باشد.

(۲) درصورتی که چك ارایه شده جهت تأدیه، مخطط به نظر نرسد یا دارای خطوطی بوده که محو گردیده، یا ایزاد شده است یا به شکل دیگری که توسط این قانون مجاز دانسته نشده، در آن تحریف بعمل آمده باشد ، بانکداری که

راغلی وي، هغه بانکدار چې چك په ښه نیت سره او له سهل انګاری پرته‌ور کوي، مسئول نه ګڼل کېږي.

چك را با حسن نیت و بدون سهل انگاری تأدیه می نماید، مسئول دانسته نمی شود.

د (نه لیږد وړ) عبارت لرونکی چك

یوسلو اتلسمه ماده:

هغه شخص چې عام یا خاص مخطط چك اخلي، په هغۀ صورت کې چې په هغۀ کې (د نه لیږد وړ) عبارت درج شوی وي د انتقال په اړه د هغۀ حق محدود ېږي.

چك حاوی عبارت (غیر قابل انتقال)

مادۀ یکصدوهجدهم:

شخصی که چك مخطط عام یا خاص را اخذ می نماید، در صورتی که در آن عبارت (غیر قابل انتقال) درج شده باشد، حق وی مبنی بر انتقال محدود می گردد.

په چك کې د درج شوي مبلغ د ترلاسه کوونکي بانکدارنه مکلفیت

یوسلو نولسمه ماده:

ددې قانون د حکمونو مطابق د مخططو چکونو په هکله چې د «د مبلغ د ترلاسه کوونکي په حساب د ورکړې وړ» عبارت لرونکي وي که په ښه نیت سره او له سهل انګاری پرته یو مبلغ له مشتریانو څخه د یوۀ په نوم د هغۀ چك له مدرك څخه چې په عام یا خاص ډول مخطط شوی وي، ترلاسه کړي چې مشتري د هغۀ په نسبت د مالکیت نه

عدم مکلفیت بانکدار دریافت کنندۀ مبلغ مندرج چك

مادۀ یکصدونزدهم:

با درنظرداشت احکام این قانون در مورد چك های مخطط که حاوی عبارت «قابل تأدیه به حساب دریافت کنندۀ مبلغ» باشند، اگر بانکدار با حسن نیت و بدون سهل انگاری مبلغی را به اسم یکی از مشتریان از مدرك چکی که به صورت عام یا خاص برای وی مخطط شده باشد، دریافت نماید که مشتری نسبت به آن فاقد

لرونکی یا د نیمګړي مالکیت لرونکی وي بل بانکدار یوازې ددغې ورکړې پرموجب د حقیقي مالک په وړاندې مسئول ندی. بانکدار کولی شي په چك کې درج شوی مبلغ له ترلاسه کولو دمخه د مشتري په حساب کړېدت (اضافه) کړي.

مالکیت یا دارای مالکیت ناقص باشد، بانکدار صرف به موجب این تأدیه در مقابل مالك حقیقی مسئول نمی باشد. بانکدار می تواند مبلغ مندرج چك را قبل از دریافت به حساب مشتری کریدت (اضافه) نماید.

د «دمبلغ د ترلاسه کوونکی په حساب د ورکړې وړ» عبارت لرونکي مخطط چك کړېدت

یوسلو شلمه ماده:

که چېرې چك د حصول لپاره داسې بانکدار ته تسلیم کړل شي چې د تسلیمی په وخت کې "حساب ته دلیږد وړ" په عبارت مخطط شوی نه وي یا په پورتني عبارت مخطط له هغه څخه زایل یا تحریف شوی وي او بانکدار په ښه نیت سره او له سهل انګاری پرته بانکداردچك مبلغ حصول او هغه له مشتریانو څخه دیوه په حساب کړېدت کړي، نوموړی بانکدار پدې دلایلو سره چې(حساب ته دلیږد وړ) په عبارت مخطط دی یارسم شوې کرښې محو یا تحریف شوي دي او مبلغ

کریدت چك مخطط حاوی عبارت «قابل تأدیه به حساب دریافت کنندۀ مبلغ»

مادۀ یکصدوبیستم:

هرگاه چك جهت حصول به بانکداری تسلیم گردد که در زمان تسلیمی با عبارت «قابل انتقال به حساب» مخطط نشده باشد یا مخطط با عبارت فوق از آن زایل یا تحریف شده باشد و بانکدار با حسن نیت و بدون سهل انگاری مبلغ چك را حصول و آنرا به حساب یکی از مشتریان کریدت نماید، بانکدار موصوف به این دلایل که عبارت «قابل انتقال به حساب» مخطط بوده یا خطوط مرسم محو یا تحریف شده و مبلغ آن به شخصی که

يې هغه شخص ته چې د هغه د ورکړې ترلاسه کوونکی ندی کړېدت شوی دی، مسئول نه ګڼل کېږي.

دریافت کنندۀ تأدیۀ آن نبوده، کریدت شده است، مسئول پنداشته نمی شود.

پنځلسم فصل
پر برات باندې د تطبیق وړ خاص موارد

فصل پانزدهم
موارد خاص قابل تطبیق بالای برات

متعدد مخاطبین
یوسلویوویشتمه ماده:
برات دوو یا زیاتو مخاطبینو ته چې یو د بل شریکان وي که نه. صادرېدی شي، خو هغه دستور چې لرونکي ته، د غوره کېدو وړ دوه مخاطبین وټاکي یا دوه یا زیات متوالي مخاطبین وي، برات نه ګڼل کېږي.

مخاطبین متعدد
مادۀ یکصدوبیست ویکم :
برات برای دو یا بیشتر مخاطبین که شرکای یکدیگر باشند یا نه، صادر شده می‌تواند، اما دستوری که برای دارندۀ دو مخاطب قابل انتخاب، تعیین نماید یا دارای دو یا بیشتر مخاطب متوالی باشد، برات محسوب نمی گردد.

د صادرووونکي یا مخاطب په وجه کې د برات صادرېدل
یوسلو دوه ویشتمه ماده:
صادر شوی برات کېدلی شي د صادرووونکي یا مخاطب په وجه یا حواله کرد کې د ورکړې وړ وي.

صدور برات در وجه صادر کننده یا مخاطب
مادۀ یکصدوبیست ودوم :
برات صادر شده می تواند قابل تأدیه در وجه یا به حواله کرد صادر کننده یا مخاطب باشد.

د قبلېدو لپاره د برات د وړاندی کولواړتیا

یوسلودرویشتمه ماده:

برات د ورکړې لپاره له وړاندې کېدو دمخه، د ملزم قبلوونکي د تثبیت په منظور، وړاندې کېږي.

ضرورت ارایهٔ برات برای قبولی

مادهٔ یکصدو بیست وسوم :

برات قبل از ارایه برای تأدیه، جهت قبولی به منظور تثبیت قبول کنندهٔ ملزم، ارایه می گردد.

له وړاندې کولو څخه انصراف حالات

یوسلوڅلېریشتمه ماده:

په لاندې احوالو کې د قبلېدو لپاره د برات له وړاندې کولو څخه ډډه کېږي:

۱-په هغه صورت کې چې مخاطب وفات شي یا مفلس شي یا د برات د مقاولې د عقدولو لپاره تخیلی یا د اهلیت او واك نه لرونکی شخص وی.

۲-په هغهٔ صورت کې چې مخاطب په ټاکلې وخت او له مقتضي لټولو وروسته په ټاکلې ځای کې د برات د وړاندې کولو لپاره پیدا نشي.

۳-د متقضي هڅې له سرته رسولو وروسته دغه ډول وړاندې کول معتبر نه وي.

حالات انصراف از ارایه

مادهٔ یکصدوبیست وچهارم :

دراحوال ذیل از ارایهٔ برات برای قبولی صرف نظر می گردد :

۱- درصورتی که مخاطب وفات نماید یا مفلس گردد و یا شخص تخیلی یا فاقد اهلیت و صلاحیت برای عقد مقاولهٔ برات باشد.

۲- درصورتی که مخاطب در موعد معینه و بعد از جستجوی مقتضی درمحل تعیین شده برای ارایهٔ برات، دریافت نگردد.

۳- بعد از انجام مساعی مقتضی چنین ارایه معتبر نباشد.

صادروونکو او ظهرنویسانو ته د لرونکي رجوع

یوسلو پنځه ویشتمه ماده :

کـه چېـرې ددې قـانون د حکمونـو مطابق برات، د نه قبلېدو به علت نکول شي، د صادروونکي او ظهر نـویس پـر علیـه د دعـوي د اقـامې حق، د برات په لرونکي پوري اړه پیدا کوي .

رجوع دارنده بـه صـادر کننـده و ظهرنویسان

مادۀ یکصدوبیست وپنجم :

هرگـاه بـرات مطـابق احکـام ایـن قـانون بنابرعـدم قبـولی نکـول گـردد ، حـق اقامـۀ دعـوی علیـه صـادرکننده و ظهرنـویس بـه دارنـدۀ بـرات تعلـق می گیرد.

له مشروطې قبولۍ څخه د لرونکي ډډه کول

یوسلو شپږویشتمه ماده:

د بـرات لرونکـی کـولی شـي لـه مشروطې قبلونې څخه ډډه وکړي. که چېرې هغه غیر مشروطه قبولي لاسـته را نـه وړي، کیـدای شـي چې بـرات د نـه قبلېـدو لـه املـه، نکـول شوی وګڼل شي.

امتنـاع دارنـده از قبـولی مشروط

مادۀ یکصدوبیست وششم :

دارنـدۀ بـرات مـی توانـد از قبـولی مـشروط امتنـاع نمایـد. هرگـاه وی قبـولی غیرمـشروط را بدسـت نیاورد ، می توانـد بـرات بنـابر عـدم قبـولی، نکـول شـده محـسوب نماید.

د برات ډیرشمیرنسخې

یوسلو اووه ویشتمه ماده:

(۱)بـرات پـه څـو نـسخو کـې صادرېدی شي . پدې صورت کې پـه هـرې نـسخې بانـدې د هغـې شمېره لیکل کېږي او پکې قید ېږي چې (د بـرات دغـه برخـه تـر هغـۀ

نسخ متعدد برات

مادۀ یکصدوبیست وهفتم :

(۱) برات در چند نسخه صادر شده مـی توانـد. دراین صـورت بـر هـر نسخه شمارۀ آن تحریر و در آن قید می گردد کـه (این بخش برات الی موعدی واجب التأدیه می باشد کـه

مودې پورې واجب التأدیه دی چې پاتې برخې ورکړل شوې نه وي) ټولې برخې یوه ټولګه جوړوي او یوه ټولګه یو برات ګڼل کېږي.

د هغۀ له برخو څخه د یوې د نه ورکړې په صورت کې، د برات ټوله ټولګه ساقطېږي.

(۲)که چېرې یو شخص د برات مختلفې برخې د مختلفو اشخاصو په ګټه قبولې یا ظهرنویسي کړي، هغه اوله برخو څخه د هرې یوې را وروسته (مابعد) ظهرنویس، د هرې برخې په وړاندې، داسې مسئول دی لکه داچې د هغو هر یو، یو مجزاء برات وي.

۳-که چېرې یو شخص چې د برات د یوې ټولګې له ښه نیت سره د لرونکو تر منځ لومړنی فرد وي چې د خپلې برخې مالکیت یې لاسته راوړی دی، دغه ډول شخص د پاتې برخو او له برات څخه دلاسته راغلې مبلغ په نسبت د لومړیتوب د حق لرونکی دی.

بخش های متباقی تأدیه نگردیده باشد) کلیه بخش ها یك مجموعه را تشکیل و مجموعۀ یك برات محسوب می گردد.

درصورت عدم تادیۀ یکی از بخش های آن، تمام مجموعۀ برات ساقط می گردد.

(۲) هرگاه شخصی، بخش های مختلف برات را به نفع اشخاص مختلف قبول یا ظهرنویسی نماید، وی وظهرنویس مابعد هر یك از بخش ها، در مقابل هر بخش، طوری مسئول می باشند مانند این که هرکدام از آنها یك برات مجزاء باشد.

(۳) هرگاه شخصی که درمیان دارندگان با حسن نیت یك مجموعۀ برات، نخستین فردی باشد که مالکیت بخش خود را بدست آورده است، چنین شخص نسبت به متباقی بخش ها و مبلغ حاصله از برات دارای حق تقدم می باشد.

شپاړسم فصل
متفرقه حکمونه

په بهرنۍ معاملې وړ سند کې د درج شوو اړخونو پر مسئولیتونو باندې د تطبیق وړ قانون
یوسلواته ویشتمه ماده:
د بهرنۍ معاملې وړ سند په هکله لاندې مراتب د اعتبار وړ دي، خو دا چې پدې قانون یا ترتیب شوې مقاولې کې بل ډول تصریح شوې وي.
۱- هغه سیمه ییز قانون چې سند په هغۀ کې صادر، قبول یا معامله شوی وي په هغۀ کې د درج شوو حکمونو مطابق، د اړخونو واك، د سند اعتبار، د هغۀ قبلول یا انتقال ټاکي، پدې شرط چې سند د هغۀ د صادرېدو د سیمې د قوانینو مطابق، د کافی مهرونو د نشتوالی په علت، غیر مجاز ګرځول شوی نه وي.
۲-هغه سیمه ییز قانون چې د معاملې وړ سند په هغۀ ځای کې د ورکړې وړ دی، لاندې مراتب وټاکي:
-د ټولو اړخونو مسئولیت

فصل شانزدهم
احکام متفرقه

قانون قابل تطبیق بر مسئولیت های طرفین مندرج سند قابل معاملۀ خارجی
مادۀ یکصدو بیست وهشتم :
در مورد سند قابل معاملۀ خارجی مراتب ذیل مدار اعتبار می باشد ، مگر این که در این قانون یا مقاولۀ مرتبه، طور دیگری تصریح شده باشد:
۱- قانون محلی که سند در آن صادر، قبول یا معامله شده باشد ، مطابق احکام مندرج آن صلاحیت طرفین، اعتبار سند ، قبولی و یا انتقال آن را تعیین می نماید ، مشروط بر این که سند مطابق قوانین محل صدورآن ، به علت فقدان مهرهای کافی غیر مجاز نگردیده باشد.
۲- قانون محلی که سند قابل معامله در آن جا قابل تأدیه می باشد ، مراتب ذیل را معین نماید:
- مسئولیت کلیه طرفین.

-د قبولې یا ورکړې لپاره د وړاندې کولو په هکله د لرونکي مکلفیت.
-د معاملې وړ سند سررسید.
-د نکول موجبات.
-پرهغۀ د اعتراض او کفایت اړتیا یا د نکول د خبرتیا اړتیا.
-د ورکړې یا د ژمنې د ترسره کولو په اړه د اسعارو د ډول او د تبادلې د نرخ چې په سند کې درج شوی مبلغ باید د هغو له په پام کې نیولو سره ورکړل شي په شمول نورې پوښتنې.

- مکلفیت دارنده در مورد ارایه جهت قبولی یا تأدیه.
- سررسید سند قابل معامله.
- موجبات نکول.
- ضرورت به اعتراض و کفایت آن یا ضرورت اطلاعیۀ نکول.
- سایرسوالات در ارتباط با تأدیه و انجام تعهد، بشمول نوع اسعار و نرخ تبادلۀ که مبلغ مندرج سند باید با رعایت آن ها تأدیه گردد.

له افغانستان څخه بهر د معاملې وړ سند په هکله خاصه کړنلاره یوسلونهه ویشتمه ماده:

که چېرې د معاملې وړ سند چې له افغانستان څخه بهرصادر،قبول یا ظهرنویسي شوی، خوپکې (دافغانستان دقوانینو مطابق) عبارت تصریح شوی وي،پدې صورت کې هغه مقاوله چې دیاد شوي سند پربنسټ عقد،خود مقاولې دعقد دسیمې د هېواد د قوانینو له مخې له اعتباره ولېږي، په افغانستان کې دراوروسته هرې قبولې یا ظهر

طرزالعمل خاص در مورد سند قابل معاملۀ خارج از افغانستان مادۀ یکصدوبیست ونهم :

هرگاه سند قابل معامله درخارج از افغانستان صادر، قبول یا ظهرنویسی گردیده ولی در آن عبارت (مطابق قوانین افغانستان) تصریح شده باشد، در این صورت مقاوله ایکه به اساس آن سند متذکره عقد، اما به تأسی از قوانین کشورمحل عقد مقاوله فاقد اعتبار گردد، موجب بطلان هر قبولی یا ظهرنویسی بعدی در

نویسی دبطلان موجب نه ګرځي.

افغانستان نمی گردد.

مالي فیسونه او جریمې

یوسلو دېرشمه ماده:

(۱)د دافغانستان بانك کولی شي د دې قانون په درج شووحکمونوکې د بانکی فیسونو مالي جریمو او د مشتریانواوبانکونو په واسطه د نکول شوو چکونو په هکله، مقررې او کړنلارې وضع کړي.

(۲) دافغانستان بانك کولی شي ددې قانون د حکمونو د ښه تطبیق لپاره مقررې له پراوونو څخه تېرې او جلا لایحې او کړنلارې چې ددې قانون د حکمونومغایرې نه وي،وضع او تطبیق کړي.

فیس ها و جریمه های مالی

مادۀ یکصدوسی ام :

(۱) دافغانستان بانك می تواند در مورد فیس های بانکی و جرایم مالی، چك های نکول شدۀ مندرج احکام این قانون توسط مشتریان بانك ها، مقررات و طرزالعمل ها را وضع نماید.

(۲) دافغانستان بانك می تواندجهت تطبیق بهتر احکام این قانون مقرره ها را طی مراحل و لوایح وطرزالعمل های جداگانه ایرا که مغایر احکام این قانون نباشد، وضع وتطبیق نماید.

موجود سندونه

یوسلو یودېرشمه ماده:

دمعاملې وړ هغه موجود سندونه چې ددې قانون له نافذېدو دمخه صادر شوي دي، د هغو په هکله ددې قانون حکمونه د تطبیق وړ دي.

اسناد موجود

مادۀ یکصدوسی ویکم :

اسناد قابل معاملۀ که قبل ازانفاذ این قانون صادر و موجود اند، احکام این قانون در مورد آن ها قابل تطبیق می باشد .

د حکمونو ارجحیت

یوسلو دوه دېرشمه ماده:

له نورو قوانینو سره ددې قانون د

ارجحیت احکام

مادۀ یکصدوسی و دوم:

در صورت مغایرت احکام این

حکمونو د مغایرت په صورت کې ددغۀ قانون حکمونه مرجح ګڼل کېږي.

قانون با سایر قوانین، احکام این قانون مرجح دانسته می شود.

د انفاذ نېټه

یو سلو دري دېرشمه ماده :

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي، په نافذېدو سره يې د ۱۳۳۶ کال د تلې د میاشتې په (۸۹) ګڼه رسمي جریده کې خپور شوي د افغانستان د سوداګرۍ د قانون د درېیم باب لومړی، دوه یم او درېیم فصل ملغي ګڼل کېږي.

تاریخ انفاذ

مادۀ یکصدوسی و سوم :

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد. با انفاذ آن احکام فصل های اول، دوم و سوم باب سوم قانون تجارت افغانستان منتشرۀ جریدۀ رسمی شماره (۸۹) میزان سال ۱۳۳۶ملغی شناخته می شود.

قانون رهن اموال منقول
در معاملات بانکی

په بانکي معاملوکې د منقول مالونو درهن دقانون دتوشیح په هکله دافغانستان اسلامي جمهوریت د رئیس فرمان

ګڼه : (۵۰)
نېټه : ۱۳۸۸/۳/۱۰

لومړۍ ماده :
د افغانستان داساسي قانون د څلور شپیتمی مادې د(۱۶) فقرې دحکم پربنسټ په بانکي معاملوکې د منقول مالونو درهن قانون چې د (۷) فصلونو او (۵۰) مادو په دننه کې دملي شوري دولسي جرګې د ۱۳۸۸/۱/۱۸ نېټې د (۱۲۶) ګڼې مصوبې او دمشرانو جرګې د ۱۳۸۸/۱/۳۰ نېټې د (۱۰۹) ګڼې مصوبو پربنسټ ، تصویب شوی دی، توشیح کوم.

دوه یمه ماده :
دغه فرمان دتوشیح له نېټې څخه نافذ اوله قانون او دملي شوري دمجلسینو له مصوبو سره یوځای

فرمان
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در مورد توشیح قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی

شماره : (۵۰)
تاریخ : ۱۳۸۸/۳/۱۰

مادۀ اول :
به تأسی ازحکم فقرۀ (۱۶) مادۀ شصت وچهارم قانون اساسی افغانستان ، قانون رهن اموال منقول درمعاملات بانکی را که به داخل (۷) فصل و(۵۰) ماده بر اساس مصوبات شماره (۱۲۶) مؤرخ ۱۳۸۸/۱/۱۸ ولسی جرگه و (۱۰۹) مؤرخ ۱۳۸۸/۱/۳۰ مشرانو جرگۀ شورای ملی تصویب گردیده است، توشیح می‌دارم.

مادۀ دوم :
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون و مصوبات مجلسین شورای ملی

دې په رسمي جريده کې خپورشي. در جریـدهٔ رسـمی نـشر گـردد.

حامد کرزی
دافغانستان داسلامي جمهوريت
رئيس

حامد کرزی
رئیس جمهوری اسلامی
افغانستان

دافغانستان اسلامي جمهوريت
ملي شوري
مشرانو جرګه
دارالانشاء
د مشرانو جرګه مصوبه
د بانکي معاملوکې دمنقول مالونو درهن قانون په هکله
ګڼه : (۱۰۹)
نېټه : ۱۳۸۸/۱/۳۰

مشرانو جرګې دافغانستان د اساسی قانون د اوونوي يمې مادې دحکم سره سم، د ۱۳۸۸ لمريزکال وري د دېرشمې نېټې په عمومی غونډه کې د بانکي معاملوکې دمنقولو مالونو درهن قانون په (۷) فصلونو او (۵۰) مادوکې تصويب کړ.

په درنښت
سیدحامد ګیلانی
دمشرانوجرګې لمړی نایب

شورای ملی جمهوری اسلامی
افغانستان
مشرانو جرگه
دارالانشاء
مصوبهٔ مشرانو جرگه
درمورد قانون رهن اموال منقول درمعاملات بانکی
شمارهٔ : (۱۰۹)
تاریخ : ۱۳۸۷/۱/۳۰

به تأسی از حکم مادهٔ نود و هفتم قانون اساسی افغانستان ، قانون رهن اموال منقول درمعاملات بانکی درجلسهٔ عمومی مؤرخ ۱۳۸۸/۱/۳۰ مشرانوجرگه در (۷) فصل و (۵۰) ماده به تصویب رسید.

با احترام
سید حامد گیلانی
نایب اول مشرانو جرگه

د ولسي جرګه
مصوبه
په بانکي معاملوکې دمنقول
مالونو درهن قانون

پرله پسې ګڼه : (۱۲۶)
دتصویب نېټه : ۱۳۸۸/۱/۱۸
ولسي جرګې دافغانستان داساسی قانون د اوونوي یمې مادې دحکم پربنسټ، دشنبې ورځې په عمومی غونډه کې په بانکي معاملوکې دمنقولو مالونو درهن قانون په اووه فصلونو او (۵۰) مادوکې د۱۳۸۸ کال دوري دمیاشتې په ۱۸ نېټې تصویب کړ.

په درنښت
عبدالستار خواصی
دولسي جرګې منشي

ولسی جرگه
مصوبهٔ
قانون رهن اموال منقول
درمعاملات بانکی

شماره مسلسل : (۱۲۶)
تاریخ تصویب : ۱۳۸۷/۱/۱۸
به تأسی از حکم مادهٔ نودوهفتم قانون اساسی افغانستان ، ولسی جرگه درجلسهٔ عمومی روز شنبه مؤرخ ۱۳۸۸/۱/۱۸ قانون رهن اموا ل منقول در معاملات بانکی را به داخل هفت فصل و (۵۰) ماده به تصویب رسانید.

با احترام
عبدالستار خواصی
منشی ولسی جرگه

په بانکي معاملوکې د منقولو مالونو د رهن قانون لومړی فصل عمومي حکمونه

د وضع اړتيا

لومړۍ ماده:

دغه قانون په بانکي معاملو کې د منقولومالونو په رهن پورې داړوندو چارو د تنظيم او د معاملې داړخونو د حقوقو او وجيبو د ټاکلو په منظور، وضع شوی دی.

موخه

دوه يمه ماده:

ددغه قانون موخې عبارت دي له :

۱- د منقولو مالونو د رهن له لارې د دين‌او قرار دادونو تضمين.

۲- د منقولو مالونو د رهن له لارې د بانکي معاملو وړ اعتباراتوته د لاس رسۍ د زمينې برابرول.

۳-د بانکي‌معاملې د ذيدخلو اشخاصو ترمنځ د متقابل باور تأمينول.

قانون رهن اموال منقول درمعاملات بانکی فصل اول احکام عمومی

ضرورت وضع

مادۀ اول:

این قانون به منظورتنظیم امور مربوط به رهن اموال منقول در معاملات بانکی و تعیین حقوق و وجایب طرفین معامله، وضع گردیده است.

هدف

مادۀ دوم:

اهداف این قانون عبارتند از :

۱- تضمین دین و قراردادها از طریق رهن اموال منقول.

۲- مساعد ساختن زمینه دسترسی به اعتبارات قابل معاملۀ بانکی از طریق رهن اموال منقول.

۳- تأمین اعتماد متقابل میان اشخاص ذیدخل معاملۀ بانکی.

۴- د سوداګرۍ او اعتباراتو پراختیا، د پانګونې جلبول او د ملي اقتصاد وده.

اصطلاحګانې

درېیمه ماده:

لاندې اصطلاحګانې پدې قانون کې دغه مفاهیم افاده کوي:

۱- دین: د پیسوهغه مبلغ دی چې د نسیه حساب یا د وجوهو د تمویل له امله درهني توافقلیك سره سم د مدیون پرغاړه (ذمه) اېښودل کېږي. په دې کې تمویل، جریمه، د زیان جبران او نورې اړوندې ورکړې (بدهۍ) هم شاملېږي.

۲- مدیون: هغه شخص دی چې دین یې پر ذمه وي.

۳- داین: هغه شخص دی چې د دافغانستان بانک د قانون یا د بانکدارۍ د قانون دحکمونو مطابق، د هېواد په دننه یا بهر کې د بانکدارۍ په چاروبوخت او د بل شخص پر ذمه مالي حقوق یا د پرځای کولو وړ وجیبه ولري.

۴- محکوم له داین: هغه شخص دی چې د مرهونې د تر تأمین لاندې راوستلو یا حبس لپاره یې د محکمې حکم ترلاسه کړی وي.

۴- توسعهٔ تجارت و اعتبارات، جلب سرمایه گذاری و رشد اقتصاد ملی.

اصطلاحات

مادهٔ سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید :

۱- دین: مبلغ پولی است که بنابر حساب نسیه یا تمویل وجوه بر طبق توافقنامه رهنی بر ذمه مدیون (رهن دهنده) قرار می گیرد. دین شامل تمویل، جریمه، جبران خساره و سایر بدهی های مربوط نیز بوده می تواند.

۲- مدیون: شخصی است که دین بر ذمه او باشد.

۳- داین : شخصی است که مطابق احکام قانون دافغانستان بانك یا قانون بانکداری در داخل یا خارج کشور به امور بانکداری اشتغال و حقوق مالی یا وجیبهٔ قابل ایفا بر ذمه شخص دیگری داشته باشد.

۴- داین محکوم له: شخصی است که حکم محکمه را در رابطه به حقوق رهنی به نفع خود حاصل نموده باشد .

۵- رهني توافقليک: هغه مقاوله ده چې د يوې يا څو معاملو په هکله د رهن ورکوونکي او رهن اخيستونکي ترمنځ عقد کېږي.

۶- رهن ورکوونکی : هغه شخص دی چې د مرهونې مالک وي او معمولاً د رهن تابع دين، د هغه پر ذمه وي، که چېرې د مرهونې مالک او مديون مختلف اشخاص وي، پدې صورت کې رهن ورکوونکی هغه شخص دی چې د مرهونې مالک وي او مديون هغه شخص دی چې دين يې پر ذمه وي.

۷- رهن اخيستونکی: هغه داين دی چې د دين د تضمين په منظور د رهن عقد، د هغه په ګټه ليکل (انشأ) کېږي.

۸- د رهن حق: په حال يا راتلونکي کې په منقولو مالونو کې عين حق دی چې د هغه په واسطه يو يا زيات ديون چې د رهني توافقليك له عقد د مخه يا وروسته منځته راشي،تضمينېږي.

۹- مرهونه: هغه منقول مال دی د دين د تضمين په منظور، رهن ته اېښودل کېږي او کيدلی شي د

۵- توافقنامۀ رهنی: مقاوله ای است که میان رهن دهنده و رهن گیرنده در مورد یك یا چند معامله،منعقد می شود.

۶- رهن دهنده : شخصی است که مالك مرهونه بوده ومعمولاً دین تابع رهن بر ذمت وی می باشد. هرگاه مالك مرهونه و مدیون اشخاص مختلف باشند ، دراین صورت رهن دهنده شخصی است که مالك مرهونه بوده ومدیون شخصی است که دین برذمه وی باشد.

۷- رهن گیرنده : شخصی است که عقد رهن به منظور تضمین دین به نفع وی، انشأ می گردد .

۸- حق رهن : حق عینی در اموال منقول در حال یا آینده می باشد که ذریعۀ آن یك یا بیشتر دیونی که قبل یا بعد ازعقد توافقنامۀ رهنی به میان آید ، تضمین می شود.

۹- مرهونه: مال منقولی است که به منظور تضمین دین به رهن گذاشته شده و می تواند در داخل

هېواد په دننه یا بهر کې موقعیت ولري یا د منقول مال ماحصل وي.

۱۰- د مرهونې ماحصل : پیسې یا د منقول مال خاص ډول دی چې په مستقیمه یا غیر مستقیمه توګه د منقول مال له رهن نه لاسته راځي او د ماحصل وروستي تولید او د مرهونې د زیان یا ضایع کېدو په وړاندې د بیمې د بدل ورکړه هم پکې شامله ده.

۱۱- مالونه: هغه متصرفات یا شیان دي چې د تملک وړ دي او منقول او غیر منقول مال پکې شامل دی.

۱۲- منقول مال: هغه مال دی چې لېږد بدل یې له تجزیې او د ماهیت او د شکل له بدلون پرته شونی وي او عیني (جنسونه) اوغیرعیني (دملکیت سندونه، بهالرونکي سندونه، د پور (نسیه)حسابونه، د چاپ اوخپرولوحق،سوداګریزې نښې، حق الاختراع) پکې شامل دي.

۱۳- غیر منقول مال: هغه مال دی چې لېږد بدل یې له تجزیې او د شکل له بدلون پرته شونی نه وي او استوګنځی، ودانۍ، ځمکه او

یا خارج کشور موقعیت داشته یا ماحصل مال منقول باشد.

۱۰- ماحصل مرهونه : پول یا نوع خاص مال منقول است که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از واگذاری مرهونه بدست آمده وشامل تولید بعدی، ماحصل وپرداخت بدل بیمه در مقابل خساره یا ضیاع مرهونه نیز می باشد.

۱۱- اموال: متصرفات یا اشیائی است که قابل تملك بوده ومشتمل بر مال منقول وغیرمنقول می باشد.

۱۲- مال منقول : مالی است که انتقال آن بدون تجزیه وتغییر ماهیت و شکل ، ممکن بوده وشامل عینی (اجناس) وغیرعینی (اسناد ملکیت، اسناد بهادار، حسابات نسیه، حق طبع ونشر، علامات تجارتی، حق الاختراع) می باشد.

۱۳- مال غیر منقول : مالی است که انتقال آن بدون تجزیه و تغییرشکل ممکن نبوده وشامل مسکن، تعمیر، زمین و

ثابته اثاثیه پکې شامل دي.

۱۴- جنس: عیني منقول مال دی چې په بل منقول یا غیر منقول مال پورې ملحق شوي مالونه پکې شامل دي.

۱۵-لګښتي (مصرفی)توکي: هغه مال دی چې د شخصي، کورنۍ یا کورد استفادې لپاره کارول کېږي.

۱۶- موجودی جنس: هغه مال دی چې د پلورنې یا اجارې په منظور د شخص لخوا ساتل کېږي او هم هغه مال پکې شامل دی چې د خدمتونو د قرار داد سره سم، برابرېږي.

۱۷- تجهیزاتي جنس: هغه مال دی چې د چارو د پرمخ بیولو لپاره د آسانتیاوو د برابرولو په منظور، له هغو څخه استفاده کېږي.

۱۸- ګډ (مختلط) جنس: هغه مال دی چې له نورو مالونو سره په فزیکي ډول پداسې توګه ګډوي چې پېژندل (هویت) یې په محصول کې د تفکیک وړ نه وي.

۱۹- د نسیه (پور) حساب: د هغو پیسو دین دی چې د معاملې وړسند پر بنسټ لیکل شوی نه وي خو مدیون د هغو په ورکړه مکلف

اثاثیهٔ ثابت می باشد.

۱۴- جنس: مال منقول عینی است که شامل اموال ملحق شده به مال منقول یا غیرمنقول دیگرمی باشد .

۱۵- مواد مصرفی: مالی است که جهت استفاده شخصی، خانواده یا منزل به کار می رود.

۱۶- جنس موجودی: مالی است که به منظور فروش یا اجاره توسط شخص نگهداری شده ونیز شامل مالی می‌باشد که طبق قرارداد خدمات ، تهیه می گردد .

۱۷- جنس تجهیزاتی: مالی است که به منظور فراهم آوری تسهیلات جهت پیشبرد امور از آن استفاده می شود .

۱۸- جنس مختلط: مالی است که با سایر اموال به صورت فزیکی طوری مخلوط بوده که هویت آن در محصول غیر قابل تفکیك باشد .

۱۹- حساب نسیه: دین پولی است که به اساس سند قابل معامله انشأ نگردیده اما مدیون مکلف

وي.
۲۰- د نسیه حساب مدیون: هغه شخص دی چې د پولي دین له املـه، د بل شخص مدیون وي یا په راتلونکي کې مدیون ګرځي.
۲۱- منتقل الیه : هغه شخص دی چې د مدیون د غاړې (ذمې) نسیه یا رهني توافقلیك د لېږدوونکي په واسطه هغه ته احاله کېږي.
۲۲- لېږدوونکی: هغه شخص دی چې د رهني توافقلیك یا نسیه حساب پربنسټ پیسې دبل په ذمه ولري او هغه منتقل الیه احاله کوي.
۲۳- خبرتیا: د هغې موضوع لرونکي لیکلي معلومات دي چې د نظر وړ شخص د مرکزي دفتر او د اوسېدنې یا د فعالیت د ځای په آدرس استول شوي او له رسېدو څخه یې ډاډ ترلاسه شوی وي.
۲۴- دثبت دفتر: هغه اداره ده چې پر منقولو مالونو باندې رهني حقوق او د هغې پورې اړونـد سندونه ثبت اوساتي.
۲۵- د ثبت خبرتیا: هغه پاڼه (فورم) دی چې د رهني حقوقو د ثبت د کړنلارې مطابق برابره او

به تأدیه آن می باشد .
۲۰- مدیون حساب نسیه: شخصی است که از اثر دین پولی، مدیون شخص دیگری بوده یا درآینده مدیون قرار می گیرد.
۲۱- منتقل الیه : شخصی است که حساب نسیه یا توافقنامهٔ رهنی توسط انتقال دهنده به وی احاله می گردد.
۲۲-انتقال دهنده : شخصی است که پولی را بر اساس توافقنامهٔ رهنی یا حساب‌نسیه‌برذمهٔ دیگری داشته و آنرا به منتقل الیه احاله می نماید .
۲۳- اطلاعیه : معلومات کتبی حاوی موضوع است که به آدرس دفتر مرکزی ، محل اقامت یا فعالیت شخص مورد نظر ارسال و از وصول آن اطمینان حاصل شده باشد.
۲۴- دفتر ثبت: اداره ای است که حقوق رهنی بر اموا ل منقول و اسناد مربوط به آن را ثبت و حفظ می نماید.
۲۵- اطلاعیهٔ ثبت: ورقه ای (فورم) است که مطابق طرزالعمل ثبت حقوق‌رهنی‌تهیه و

ترتیببړي.

۲۶- د پیرودنې دپیسو رهن : رهن پر هغو جنسونو دی چې د پېرودنې د ټولې یا یوې برخې د بیې د تضمین په منظور، د پلورونکي په واسطه، تصرف یا ساتل کېږي او مشتمل دی پر :

- د هغه شخص د رهن حق (له بایع پرته) چې د وجوهو د تمویل په واسطه یو ارزښت برابروي، څو رهن ورکوونکی وکولی شي د مرهونې ملکیت لاسته راوړي.

- پدې قانون کې په درج شوو معاملو کې د بایع، مؤجر یا د مالونو د تسلیموونکي حق.

- رهن اخیستونکي ته په ورکړې وړ تمویلي وجوهو پورې اړوند ، لګښتونه.

۲۷- نه ورکړه: په رهني توافقلیك کې په درج شوي ټاکلي وخت (موعد)، د دین یا یې د قسطونو نه ورکول دي .

۲۸- نه اجرا : په رهني توافقلیك کې په درج شوي ټاکلي وخت د التزاماتو نه ترسره کول دي .

۲۹- د مالکیت سند: هغه لیکلی سند دی چې د قانون د حکمونو مطابق ترتیب می گردد.

۲۶- رهن پول خرید : رهن بر اجناسی است که توسط فروشنده به منظور تضمین تمام یا قسمتی از قیمت خرید ، تصرف یا نگهداری می گردد و مشتمل است بر :

- حق رهن شخص (به غیر از بایع) که ارزشی را توسط تمویل وجوه فراهم نموده تا رهن دهنده بتواند ملکیت مرهونه را بدست آورد.

- حق بایع ، مؤجر یا تسلیم دهندۀ اموال در معاملات مندرج این قانون .

- مصارف مربوط به وجوه تمویلی قابل پرداخت به رهن گیرنده.

۲۷- عدم تأدیه : عدم پرداخت دین یا اقساط آن درموعد معینۀ مندرج توافقنامۀ رهنی می باشد.

۲۸- عدم اجرا : عدم ایفای التزامات در موعد معینۀ مندرج توافقنامۀ رهنی می باشد.

۲۹- سند مالکیت : سند کتبی است که طبق احکام قانون ترتیب

ترتیب‌اوپر منقولو مالونوباندې مالکیت یا دهغو د تصرف حق ثابت کړي.

۳۰- بهالرونکی سند : د معاملې وړ مالي سند دی .

۳۱- شخص : حقیقي یا حکمي شخص دی .

۳۲- تمویلي وجوه: عبارت دی له:

- هغه مرسته یا آسانتیا چې په ګټه او تاوان کې د ګډون، په بیه کې د زیاتوالي یا کموالي استخدام ، د پانګه ییزې مرستې په پېرودنې، اجارې، په ګډه توګه د بها د اجارې په ورکړې، جواز ورکونې، غوښتنو یا فیسونو، د اجناسو، حق‌الاختراع، ډیزاین، سوداګریزو نښو، د چاپ او خپرولو د حق، برات، حجت یا نورو سندونو په شمول د منقولو مالونو په پېرودنه کې د پلورونکي په واسطه د بیا پېرودنې له حق سره یا د بیا پېرودنې له حق پرته دپلورونکي په واسطه او په مرابحه، مساومه، استثنا یا مضاربت کې د ګډون پر بنسټ برابره شوې وي.

- د اعتباري کارت یا د نسیې کارت پر بنسټ د داین او مدیون

گردیده و مالکیت بر اموال منقول یا حق تصرف آنرا ثابت نماید.

۳۰- سند بهادار : سند مالی قابل معامله می باشد.

۳۱- شخص : شخص حقیقی یا حکمی می‌باشد.

۳۲- وجوه‌تمویلی: عبارت‌است‌از :

- مساعدت یا سهولتی که بر اساس اشتراك درنفع و ضرر، افزایش یا کاهش در قیمت، استخدام، خریداری، کمك سرمایه وی، اجاره، پرداخت اجاره بها به صورت مشترك، جوازدهی، مطالبات یا فیس ها، خرید و فروش اموا ل منقول بشمول اجناس،حق الاختراع، دیزاین، علایم تجارتی، حق طبع و نشر، برات، حجت، یا سایر اسناد باحق بازخرید یا بدون حق بازخرید توسط فروشنده و اشتراك در مرابحه ، مساومه ، استثناء ، یا مضاربت فراهم شده باشد.

- توافق بین داین و مدیون براساس کارت اعتباری یا کارت

تر منځ موافقه .

- ضمانت، لېتراف کړېدت يانورې هغه مالي ژمنې چې داين يې رهن ورکوونکي يا مديون ته برابروي.

- قرضه، وام (پور) اضافه برداشت، هغه برات چې تنزل او پېرودل شوی وي، يا نورې هغه مالي ژمنې چې د داين په واسطه رهن ورکوونکي يا مديون ته برابرپرې.

۳۳- د رهن ورکوونکي موقعيت :

ـ د رهن ورکوونکی د سوداګرۍ اصلي مرکز دی، د هغه د نه موجوديت په صورت کې، د رهن ورکوونکي د مېشتېدو يا استوګنې ځای د اعتبار وړ دی.

ـدشرکت موقعيت دهغهٔ دتأسيس ځای دی.

۳۴-د رهن تکميل: د افلاس په صورت کې د درېيمو اشخاصو لکه مشتري، نور رهن اخيستونکي او ممثل د حقوقو په پرتله، په مرهونه باندې د رهن اخيستونکي د حقوقو دلوړوالي موندنه.

۳۵- دحبس حق : د مديون نسيه.

- ضمانت، ليتراف کريدت يا سایر تعهدات مالی که داين برای رهن دهنده يا مديون فراهم می نمايد.

- قرضه، وام، اضافه برداشت، برات ايکه تنزيل و خريداری شده باشد يا سایر انواع تعهدات مالی که توسط داين برای رهن دهنده يا مديون فراهم می‌گردد .

۳۳- موقعيت رهن دهنده :

ـ مرکز اصلی تجارت رهن دهنده می باشد. درصورت عدم موجوديت آن، محل اقامت يا سکونت رهن دهنده مدار اعتبار می باشد.

ـموقعيت شرکت محل تأسيس آن است.

۳۴- تکميل رهن : برتری يافتن حقوق رهن گيرنده برمرهونه، نسبت به حقوق اشخاص ثالث از قبيل مشتری، رهن گيرندگان ديگر وممثل قانونی درصورت افلاس.

۳۵- حق حبس : حق غيرعمدی

پرمنقولو مالونو باندې غیرعمدي حق دی، چې د التزاماتو د تضمین د اجرا په موخه ورکړل شوی وي.

۳۶- د حبس حق درلودونکی: هغه حقیقي یا حکمي شخص دی، چې پر منقولو مالونو باندې دحبس حق ولري.

۳۷- سند : د ملکیت سند یا د بار لیك رسید یا د ګدام رسید دي، چې د ملکیت دتثبیت یا د اجناسو د لېږدولو یا ذخیرې لپاره صادر شوی وي.

پر معاملو باندې دقانون د تطبیق ساحه

څلورمه ماده :

(۱) دغه قانون پر هغو معاملو باندې د تطبیق وړ دی چې پرمنقولو مالونوباندې درهن دانشأ سبب کېږي.

(۲) د دې قانون حکمونه د لاندې رهني معاملو او موافقو په هکله هم تطبیقېږي:

۱- د تمویلي وجوهو د تدارک په اړه قرارداد.

۲- د مالونو د پلورنې په اړه قرارداد چې له مخې یې د پلورونکي د مبیعې د حبس حق، د بر اموال منقول مدیون است که به منظور تضمین اجرای التزامات، داده شده باشد.

۳۶- دارندۀ حق حبس : شخص حقیقی یا حکمی است که حق حبس بر اموا ل منقول را داشته باشد.

۳۷- سند : سند ملکیت یا رسید بارنامه یا رسید گدام می باشد، که جهت تثبیت ملکیت یا انتقا ل یا ذخیره اجناس صادر شده باشد.

ساحۀ تطبیق قانون بر معاملات

مادۀ چهارم :

(۱) این قانون بر معاملاتی قابل تطبیق می باشد که سبب انشأ رهن بر اموال منقول می شود.

(۲) احکام این قانون در مورد معاملات وتوافقات رهنی ذیل نیز تطبیق می گردد:

۱- قرارداد مبنی بر تدارك وجوه تمویلی .

۲- قرارداد مبنی بر فروش اموا ل که به تأسی از آن حق حبس مبیعۀ فروشنده تا زمان

پلورني د بيې د ورکړې او نورو ژمنو د ترسره کېدو تر وخته پورې خوندي وي.

۳- د نسیه حساب د بیعې معاملې.

۴- د پلورنې په منظور د مالك (تحویلوونکی) لخوا بل شخص (تحویل اخیستونکي) ته د ملکیت د لېږدونې یا منقولو مالونو د سپارلو معاملې.

۵- د هغو مالونو اجاره چې موده (میعاد) یې له یوه کاله څخه زیاته وي.

(۳) که چیرې لګښتي توکي په رهني توافقلیك یا اړوندو توافقاتو کې درج وي، حقیقي شخص نه شي کولای په دې قانون کې د درج شوو حقوقو اوزیانونو له جبران، څخه تیر (منصرف) شي یا هغه محدود کړي. دغه تېرېدنه (انصراف) یا محدودیت پرمعامله باندې اغېزه نه شي اچولی یا یې له اعتبار څخه نه کموي.

پر اشخاصو باندې د قانون دتطبیق ساحه

ساحهٔ تطبیق قانون بر اشخاص

پنځمه ماده :

(۱) هغه حکمونه چې پدې

مادهٔ پنجم :

(۱) احکامی که راجع به تادیهٔ قیمت خرید و انجام سایر تعهدات محفوظ می باشد.

۳- معاملات بیع حساب نسیه.

۴- معاملات انتقال ملکیت یا تحویل اموال منقول از طرف مالك (تحویل دهنده) به شخص دیگر (تحویل گیرنده) به منظور فروش.

۵- اجارهٔ اموال که میعادآن بیش از یکسال باشد.

(۳) هرگاه مواد مصرفی در توافقنامهٔ رهنی یا توافقات مربوط درج باشد، شخص حقیقی نمی تواند از حقوق و جبران خسارات مندرج این قانون منصرف شده یا آنرا محدود سازد. این انصراف یا محدودیت ، اثری برمعامله مرتب نه نموده یا ازاعتبار آن نمی کاهد .

قانون کې د رهن اخیستونکي په باب اټکل شویدي، د لاندې اشخاصوپه هکله هم دتطبیق وړدي:

۱- هغه دا ین چې مدیون ته تمویلي وجوه برابروي او یاد شوی دین دمنقولو مالونو په وسیله تضمین شوی وي.

۲- د مالونو د بیعې په قرارداد کې درج شوی بایع چې له مخې یې پلورونکي ته د مبیعې د حبس حق خوندي وي.

۳- د نسیه‌حساب‌پیرودونکی(مشتری).

۴- په توافقلیك کې د درج شوو مالونو تحویلوونکی.

۵- هغه مؤجر چې د اړوندو مالونو د اجاري د قرارداد موده ئې له یوه کاله څخه زیاته وي.

(۲) هغه حکمونه چې پدې قانون کې د رهن ورکوونکي په باب اټکل شویدي د لاندې اشخاصو په هکله هم د تطبیق وړ دي:

۱- د مرهوني مالک چې له هغې څخه یې د تمویلي وجوهو د تضمین لپاره استفاده کړې وي.

۲- د مالونو د پلورلو په قرارداد کې درج شوی پیرودونکی چې له

رهن گیرنده در این قانون پیش بینی گردیده است، در مورد اشخاص ذیل نیز قابل تطبیق می‌باشد:

۱- داینی که وجوه تمویلی را به مدیون فراهم می کند و دین مذکور ذریعهٔ اموال منقول تضمین شده باشد.

۲- بایع مندرج قرارداد بیع اموالی که به تأسی از آن حق حبس مبیعه به فروشنده محفوظ باشد.

۳- مشتری حساب نسیه.

۴- تحویل دهندهٔ اموال مندرج توافقنامه.

۵- مؤجر که میعاد قرارداد اجارهٔ اموال مربوط بیشتر از یك سال باشد.

(۲) احکامی که راجع به رهن دهنده در این قانون پیش بینی گردیده است درمورد اشخاص ذیل نیز قابل تطبیق می باشد:

۱- مالك مرهونه ای که از آن برای تضمین وجوه تمویلی استفاده نموده باشد.

۲- مشتری مندرج قرارداد فروش اموال که طبق آن حق

هغه سره سم يې بايع ته د مبيعې د حبس حق خوندي وي.
۳- د نسيه حساب بايع.
۴- په موافقه ليک کې د درج شوو مالونو تحويل اخيستونکی.
۵- هغه مستأجر چې د اړوندو مالونو د اجارې د قرارداد موده ئې له يوه کاله څخه زياته وي.

حبس مبيعه به بايع محفوظ باشد.
۳- بايع حساب نسيه.
۴- تحويل گيرندۀ اموال مندرج توافقنامه.
۵- مستأجری که ميعاد قرارداد اجارۀ اموال مربوط، بيشتر از يك سال باشد.

د رهن موارد
شپږمه ماده :
هغه التزامات، چې په رهن کې شاملېدای شي، عبارت دي له :
۱- د پيسو يا په پيسو باندې د ارزښت د تاکلو وړ التزامات.
۲- دين کولای شي دمالك په مرهونه يا نورو اشخاصو پورې اړوند وي.

موارد رهن
مادۀ ششم :
التزاماتی که شامل رهن شده می‌توانند عبارتند از :
۱- التزامات پولی يا قابل تعيين ارزش به پول.
۲- دين می تواند مربوط به مالك مرهونه يا ساير اشخاص باشد.

دوه يم فصل
د رهن د حق ليکل (انشأ) او اثرات يې

فصل دوم
انشای حق رهن و اثرات آن

د رهن د حق انشأ
اوومه ماده :
د رهن حق د لاندې شرايطو د موجوديت په صورت کې انشأ او د رهن ورکوونکي پر عليه د تنفيذ وړ دی:

انشای حق رهن
مادۀ هفتم :
حق رهن درصورت موجوديت شرايط آتی انشأ وبرعليه رهن دهنده قابل تنفيذ می باشد :

۱- په هغه صورت کې چې اړخونه، رهني توافقليك چې د دين او مرهونې د توضيح لرونکی وي، لاسليک کړي.

۲- په هغه صورت کې چې رهن ورکوونکی يو له لاندې اشخاصو څخه وي:

- د مرهونې مالک يا واکمن شخص.
- د بيعې په قرارداد کې درج شوی پېرودونکی چې د مرهونې د ملکيت حق ولري.
- د نسيه حساب بايع.
- تحويل اخيستونکی.
- د مالونو په قرارداد کې درج شوی مستأجر چې موده (ميعاد) يې له يوه کاله څخه زيات وي.

۳- په هغه صورت کې چې رهن اخيستونکی د عقد شوي قرارداد مطابق مکلف شوی وي چې تمويلي وجوه رهن ورکوونکي يا بل شخص ته برابرکړي يا د رهن اخيستونکي په ګټه يا د هغه د غوښتنې پر بنسټ نور اقدامات سرته ورسوي يا دا چې رهن اخيستونکی د رهني توافقليك له عقد دمخه، تمويلي وجوه رهن

۱- درصورتی‌که طرفین، توافقنامهٔ رهنی را که حاوی توضیح دین ومرهونه باشد، امضأ نمایند.

۲- درصورتی‌که رهن دهنده یکی از اشخاص ذیل باشد:

- مالك مرهونه یا شخص ذیصلاح.
- مشتری مندرج قرارداد بیع که حق ملکیت مرهونه را داشته باشد.
- بایع حساب نسیه.
- تحویل گیرنده.
- مستأجر مندرج در قرارداد اجارهٔ اموال که میعاد آن بیشتر از یکسال باشد.

۳- در صورتی که رهن گیرنده طبق قرارداد منعقده مکلف گردیده باشد که وجوه تمویلی را به رهن دهنده یا شخص دیگری فراهم سازد، یا اقدامات دیگری را به نفع رهن دهنده یا به اساس درخواست او انجام دهد یا اینکه رهن گیرنده قبل از عقد توافقنامه رهنی، وجوه تمویلی را به رهن دهنده یا به

ورکوونکي ته يا دهغه د غوښتنې له مخې برابر کړي.

اســـاس درخواســـت او فـــراهم نماید.

رهني توافقليك

اتمه ماده :

(۱) په رهني توافقليك کې يو رهن يا زيـــات شامل وي او په يوه يا څو اثبـــاتيه سندونـــو ترتيبېدی شي.

(۲) مرهونه په رهني توافقليك کې په مشخصه توګه توضيح کړي او کيـدی شـي هغـه ډول ډول منقـول مالونه چې په راتلونکي کې د رهن ورکوونکي په واسطه تحصيلېږي يکې شامل شي.

(۳) د دين اندازه او د ورکړې نېټه يـې پـه رهنـي توافقليـك کـې پـه څرګنده توګه مشخصېږي .

توافقنامۀ رهنی

مادۀ هشتم :

(۱) توافقنامـۀ رهنـی شـامل يـك رهن يا بيشتر از آن بوده و با يك يا چند سند اثبـاتيه ترتيب شده می تواند.

(۲) مرهونـه درتوافقنامـۀ رهنـی بـه صـورت مـشخص توضـيح مـی گـردد و مـی توانـد شـامل انـواع امـوا ل منقـول ايکـه در آينـده توسـط رهـن دهنـده تحصيل می شود ، گردد.

(۳) اندازۀ دين و تاريخ پرداخت آن در توافقنامـۀ رهنـی بـه صـورت واضح مشخص می شود.

د رهن د حق زماني ترتيب

نهمه ماده :

(۱) پر مرهونه باندې درهن حق هغه وخت مرتبېږي، چې رهني توافقليك لاســـليک او مرهونـــه د رهـــن ورکوونکې لخوا تملک شوی وي.

(۲) پـر منقولـه مرهونـه بانـدې د رهـن حکمونـه هغـه وخت مرتبېږي

ترتيب زمانی حق رهن

مادۀ نهم :

(۱) حـق رهـن برمرهونـه زمـانی مرتـب مـی گـردد کـه توافقنامـه رهنـی امـضأ و مرهونـه از طـرف رهن دهنده تملك گرديده باشد.

(۲) احکـــام رهـــن برمرهونـــۀ منقـول زمـانی مرتـب مـی گـردد

چې رهن ورکوونکی حیازت (مالکیت) لاسته راوړي او د لاندې اشخاصو له جملې څخه وي:
۱- پېرودونکی، پدې شرط چې د بایع د ملکیت حق خوندي وي.
۲- تحویل اخیستونکی.
۳- هغه مستأجر چې د اجارې موده یې له یوه کاله څخه زیاته وي.
(۳) که چېرې رهن ورکوونکی ، د نسیه حساب لپرډوونکی وي ، پدې صورت کې د رهن حق هغه وخت مرتبېږي چې نسیه حساب منځته راشي.

د مرهونې لرونکي رهن اخیستونکي حقوق او وجیبې

لسمه ماده:
(۱) رهن اخیستونکی مکلف دی، ترحیازت لاندې مرهونه په لازم احتیاط وساتي.
(۲) که چېرې رهن اخیستونکي د مرهونې د حفاظت او ساتنې لپاره په رهن ورکوونکي پورې اړوند لازم لګښتونه او قانوني التزامات سرته رسولي وي، دغه لګښتونه او التزامات پر دغه ډول مالونو د مرتب شوي رهن یو جز وي.

که رهن دهنده حیازت را بدست آورده وازجملهٔ اشخاص ذیل باشد :
۱- مشتری ، مشروط براینکه حق ملکیت بایع محفوظ باشد .
۲- تحویل گیرنده.
۳- مستأجر ایکه میعاد اجارهٔ آن بیشتر از یکسال باشد.
(۳) هرگاه رهن دهنده، انتقال دهندهٔ حساب نسیه باشد ، در این صورت حق رهن زمانی مرتب می گردد که حساب نسیه ایجاد شود.

حقوق و وجایب رهن گیرندهٔ حایز مرهونه

مادهٔ دهم :
(۱) رهن گیرنده مکلف است، مرهونهٔ تحت حیازت را با احتیاط لازم حفاظت نماید.
(۲) هرگاه رهن گیرنده مصارف لازم والتزامات قانونی مربوط رهن دهنده راجهت حفاظت ونگهداری مرهونه انجام داده باشد ، این مصارف و التزامات جزء از رهن مرتب شده بر چنین اموال می‌باشد.

(۳) رهن اخیستونکی کولی شي د مرهوني په ارزښت کې زیاتوالی یا ورځخه تر لاسه شوې ګټه د اضافي مرهوني په ټوګه له ځان سره وساتي، خو داچې ارخونو بل ډول موافقه کړې وي.

(۳) رهن گیرنده می تواند افزایش در ارزش یا مفاد حاصله از مرهونه را منحیث مرهونهٔ اضافی نزد خود نگهدارد، مگر اینکه طرفین طور دیگری موافقه نموده باشند.

د معلوماتو د غوښتنې حق

یوولسمه ماده :

(۱) رهن اخیستونکی، محکوم له داین یا بل رهن اخیستونکی چې پر مرهونه باندې یې د رهن حق ترلاسه کړی وي، کولی شي لاندې معلومات له رهن اخیستونکی څخه وغواړي :

۱- دمرهونې د فهرست تائید یا تصحیح.

۲- د هغه صورت حساب تائید یا تصحیح چې د هغه په عقیده تر ټاکلې نېټې پورې د نه ورکړل شوي دین د ټول مبلغ، لرونکی وي.

۳- د رهنې توافقلیك د نقل تسلیمول.

(۲) رهن اخیستونکی مکلف دی، ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي ټکي، د غوښتنلیک له تر لاسه کولو (۱۴) ورځې وروسته،

حق درخواست معلومات

مادهٔ یازدهم :

(۱) رهن دهنده ، داین محکوم له یا رهن گیرندهٔ دیگرایکه حق رهن بر مرهونه را حایز گردیده باشند می توانند معلومات ذیل را از رهن گیرنده درخواست نمایند :

۱- تائید یا تصحیح فهرست مرهونه .

۲- تائید یا تصحیح صورت حسابی را که به عقیده وی حاوی مبلغ مجموعی دین پرداخت ناشده الی تاریخ مشخص باشد.

۳- تسلیمی نقل توافقنامهٔ رهنی .

(۲) رهن گیرنده مکلف است ، نکات مندرج فقرهٔ (۱) این ماده را درخلال (۱۴) روز بعد از دریافت درخواست، عملی نماید ،

عملي کړي، پرته لدي دارونديې کړنلارې مطابق له هغه سره چلند کېږي.

در غیر آن مطابق طرزالعمل مربوط با وی برخورد صورت می گیرد.

درېيم فصل
پر ثالثو اشخاصو باندې د رهن اغېزې

فصل سوم
اثرات رهن بر اشخاص ثالث

د رهن بشپړول

تکمیل رهن

دوولسمه ماده :

(۱) رهن هغه وخت بشپړېږي چې ددې قانون په (۷) ماده کې د درج شوي حکم مطابق، پر مرهونه باندې د رهن حق انشأ او یوله لاندې واردو څخه په هغې کې پلی شوی وي:

۱- د دې قانون د حکمونو مطابق د رهن د حق ثبتېدل.

۲- له توافق لیك سره سم د رهن اخیستونکي یا د هغه د استازي په واسطه (له رهن اخیستونکي پرته) د مرهونې حیازت .

۳- ددې قانون د حکمونو له صراحت سره سم، د رهن د حق بشپړېدل.

(۲) که چېرې د دغې مادې د (۱) فقرې د مندرجو مواردو سره سم ترتیب شوی وي اوله مقتضي

مادۀ دوازدهم :

(۱) رهن زمانی تکمیل می گردد که طبق حکم مندرج مادۀ (هفتم) این قانون حق رهن بر مرهونه انشأ و یکی از موارد ذیل در آن تحقق یافته باشد :

۱- ثبت حق رهن طبق احکام این قانون.

۲- حیازت مرهونه توسط رهن گیرنده یا نمایندۀ وی (به غیر از رهن دهنده) طبق توافقنامۀ رهنی.

۳- تکمیل حق رهن طبق صراحت احکام این قانون .

(۲) هرگاه رهن طبق یکی از موارد مندرج فقره (۱) این ماده تکمیل شده و بدون منقضی شدن تکمیل آن توسط یکی از

کېدوپرته يې تکميل ددغې مادې د(۱) فقرې دنورو لازو په واسطه مجدداً تکميل شي، نوموړی رهن په دايمي توګه بشپړ ګڼل کېږي.

(۳) که چېرې رهن د داسې مال په هکله انشأ شي چې د مستودع په واک کې وي، پدې صورت کې مستودع مکلف دی، د مالکيت سند د رهن اخيستونکي په نوم صادر ياله رهن اخيستونکي څخه په استازيتوب د مال په ساتلو موافقه وکړي.

(۴) پرمرهونه مال باندې دحبس حق هغه وخت تکميلېږي، چې په دغه قانون کې له درج شووحکمونو سره سم ثبت شي.

لنډ مهالي(موقته) بشپړتيا يا رهن ورکوونکي ته دمرهونې مستردېدل

ديارلسمه ماده :

(۱) د سوداګريز يا بهالرونکي سند رهن چې د رهن اخيستونکي يا يې د استازي په حيازت بشپړ شوی وي، له دې وروسته چې نوموړی سند د پلورنې، تبادلې، وړاندې کولو، تحصيل، ثبت يا لېږد لپاره د رهن ورکوونکي په واک کې شيوه های ديگر مندرج فقره (۱) اين ماده مجدداً تکميل گردد، رهن متذکره به طور دايمی تکميل پنداشته می شود.

(۳) هر گاه رهن در مورد مالی انشأ گردد که در حيازت مستودع باشد ، دراين صورت مستودع مکلف است، سند مالکيت را بنام رهن گيرنده صادر يا به نگهداری اموا ل به نمايندگی از رهن گيرنده موافقه نمايد.

(۴) حق حبس برما ل مرهونه زمانی تکميل می شود که طبق احکام مندرج اين قانون به ثبت برسد.

تکميل مؤقت و استرداد مرهونه به رهن دهنده

مادۀ سيزدهم :

(۱) رهن سند تجارتی يا سند بهاداری که با حيازت رهن گيرنده يا نماينده او تکميل شده باشد ، بعد از اينکه سند متذکره به منظور فروش، تبادله، ارائه، تحصيل، ثبت يا انتقا ل در اختيار رهن دهنده قرار می

ورکول کېږي، پرته له دي چې ثبت شـي، د (۲۰) ورځـو لپـاره بـشپړ ګڼل کېږي.

(۲) د هغـو مـالو رهـن چې يـوه لـه لاسـدې لارو سـره بـشپړ شـوی وي، وروسـته لـه دې چـې د پلـورنې، تبـادلې، معـاملې يـا د پلـورنې يـا تبـادلې د نـورو مقـدماتي اقـداماتو پـه منظـور د رهـن ورکوونکي پـه واک کې ورکول کېږي، د (۲۰) ورځو لپاره پرتـه لـه دي چې ثبت شـي، بـشپړ ګڼل کېږي:

۱- پرمـــالونو بانـــدې درهـــن اخيستونکي حيازت.

۲- د رهـن اخيـستونکي پـه نـوم د مالکيت د سند صادرېدل .

۳- د هغـه شـخص لاسـته راوسـتل چې له رهـن اخيـستونکي څخـه پـه استازيتوب يې د مالونو پـه ساتلو موافقه کړې وي .

(۳) ددغې مادې په (۲) فقره کې د درج شـــوې مـــودې لـــه تېرېدووروسـته، درهـن حـق لـه بـشپړيدو پـاتې کېږي، خـودا چـې درهـن اخيـستونکی د رهـن حق پـه دې قانون کې د درج شوو تګلارو بيا تثبيت کړي.

گیرد ، برای مدت (۲۰) روز بدون اینکه ثبت گردد ، تکمیل پنداشته می‌شود.

(۲) رهـن اموال ایکـه بـه یکـی از روشهای ذیـل تکمیـل شده باشـد ، بعـد ازآنکـه بـه منظـور فـروش، تبادلـه، معامله یـا سایر اقدامات مقـــدماتی فـــروش یـــا تبادلـــه دراختیـار رهـن دهنـده قـرار مـی گیرد ، برای مدت (۲۰) روز بدون آنکـــه ثبـــت گـــــردد ،تکمیل پنـــداشته می‌شود :

۱- حیـــازت رهـــن گیرنـــده بر اموال.

۲- صدور سند مالکیت بنـام رهـن گیرنده.

۳- حایزشـدن شخـصی کـه بـه حفاظـت امـوا ل بـه نماینـدگی از رهـــن گیرنـــده موافقـــه نموده باشد .

(۳) بعـد از سـپری شـدن میعـاد منـدرج فقـرۀ (۲) ایـن مـاده ، حـق رهن از تکمیل باز می ماند ، مگر اینکه رهـــن گیرنده حق رهـن را بـــــــه یکـــــــی از روش هـای منـدرج ایـن قـانون، مجدداً تثبیت نماید .

(۴) پېرودونکی یا هغه مستأجر چې مرهونه پدې ماده کې درج د(۲۰) ورځو مودې په ترڅ کې پېرې یا یې په اجاره نیسي، له رهن څخه بري الذمه ګڼل کیږي، پدې شرط چې د پیرودنې یا اجاري په وخت کې د رهن له حق څخه خبر نه وي .

دمرهونې د دوام او ماحصل اغېزې

څوارلسمه ماده :

(۱) که چېرې د نسیې حساب د رهن د حق تابع وي، پدې صورت کې د نومورې رهن ارخونه دنسیه حساب د ضامن پرعلیه، د یو شان حقوقو لرونکي دي .

(۲) پر مرهونه باندې د رهن حق له پرېښودو (واګذاری) وروسته هم دوام مومي خو دا چې پدې قانون کې بل ډول اتکل شوي وي. پلورنه، اجاره، جواز او تبادله په پرېښودنه کې شامل دي، خو داچې رهن اخیستونکی هغه له رهن څخه خلاص (مبري) کړي.

(۳) دمرهونې له پرېښودو وروسته، رهن دهغې پرماحصل (ترلاسه شوو عوایدو) باندې

(۴) مشتری یا مستأجری که مرهونه را در خلال مدت (۲۰) روز مندرج این ماده خریداری یا به اجاره می‌گیرد ، از رهن بری الذمه شناخته می شود ، مشروط بر اینکه در زمان خریداری یا اجاره ازحق رهن آگاهی نداشته باشد.

اثرات ادامه وماحصل مرهونه

مادۀ چهاردهم :

(۱) هرگاه حساب نسیه تابع حق رهن باشد ، دراین صورت طرفین رهن مذکور برعلیه ضامن حساب نسیه، دارای حقوق یکسان می باشند .

(۲) حق رهن بالای مرهونه بعد از واگذاری نیز ادامه می یابد ، مگر این که دراین قانون طور دیگری پیشبینی شده باشد. واگذاری، شامل فروش، اجاره، جواز و تبادله می باشد ، مگر اینکه رهن گیرنده آن را مبری از رهن نماید.

(۳) بعد از واگذاری مرهونه ، رهن بر ماحصل آن (عواید حاصله)، مرتب می گردد. ماحصل

مرتبېږي. دمرهونې په‌ماحصل کې، د پیسو، تثبیت‌ورنورو مالونو او د هغې بیمې بدل شامل دي چې د مرهونې د زیان یا ضایع کیدو له امله ورکول کېږي.

(۴) د مرهونې پر ماحصل باندې د رهن د حق بشپړېدل او مرتبه (مرتب کېدل)، پرنومورې اصل مال باندې د رهن د حق په بشپړېدو او مرتبې سره، یو شان دي، پدې شرط چې:

۱-د مرهونې پر اصل باندې د رهني حق‌د ثبت‌په‌متن‌کې، د هغې د ماحصل شرحه لیکل (ځای) شوې وي.

۲- د مرهونې ماحصل د مرهونې له اصل سره همنوع وي.

۳- دمرهونې ماحصل په مالي مؤسسو کې د پیسو، چك او سپارنې په ډول وي.

مرهونه شامل دریافت پول، سایر اموال قابل تثبیت و بدل بیمه ای می باشد که به اثر خساره یا ضیاع مرهونه، پرداخته می شود.

(۴) تکمیل ومرتبهٔ حق رهن بر ماحصل مرهونه با تکمیل و مرتبه حق رهن بر اصل مال مذکور یکسان می باشد، مشروط بر اینکه:

۱- در متن ثبت حق رهنی بر اصل مرهونه، شرح ماحصل آن گنجانیده شده باشد.

۲- ماحصل مرهونه، همنوع با اصل مرهونه باشد.

۳- ماحصل مرهونه به شکل پول، چك و سپرده در مؤسسات مالی باشد.

درهني حقوقو ترمنځ دلومړیتوب تاکل

تعیین تقدم میان حقوق رهنی

پنځلسمه ماده :

(۱) رهن ورکوونکی کولی شي په عین مرهونه کې له یوه رهني حق څخه زیاتوته قایل شي.

(۲) د لومړیتوب حق په لاندې

مادهٔ پانزدهم :

(۱) رهن دهنده می تواند بیش ازیك حق رهنی را درعین مرهونه قایل گردد.

(۲) حق تقدم به ترتیب ذیل تعیین

ترتیب سره ټاکل کېږي، خو دا چې نورو قوانینو بل ډول اټکل کړي وي:

۱- بشپړ شوی رهن یا د حبس حق نسبت نه بشپړشوي رهن یا د حبس حق ته د لومړیتوب حق لري.

د نه بشپړو شوو رهني حقوقو لومړیتوب، پر مرهونه باندې دهغو د مرتب کېدو د لومړیتوب پربنسټ ټاکل کېږي.

۲- د دوو یا له دوو څخه د زیاتو رهنونو یا د حبس تکمیل شوی حق لومړیتوب، د لاندې مواردو پربنسټ تعیین کېږي:

- دثبت ترتیب.
- د رهن اخیستونکو حیازت.
- د رهن د بشپړېدا ټولې لارې، چې په دې قانون کې تصریح شوي دي .

۳- ددې فقرې په (۲) جز کې درج شوی لومړیتوب په هغهٔ صورت کې د اعتبار وړدی چې له ثبت څخه وروسته هغه موده چې په تېرېدویې د ثبت اطلاعیه بې اعتباره یا د رهن حق له بشپړوالي څخه ساقط شوی وي.

۴- د پلورنې د هغو پیسو رهن می گردد ، مگر اینکه سایر قوانین طور دیگری پیشبینی نموده باشند:

۱- رهن یاحق حبس تکمیل شده نسبت به رهن یا حق حبس تکمیل ناشده دارای حق تقدم میباشد.

تقدم حقوق رهنی تکمیل ناشده بر اساس اولویت مرتب شدن آن بر مرهونه تعیین می گردد.

۲- تقدم دو یا بیش ازدو رهن یا حق حبس تکمیل شده بر اساس موارد ذیل تعیین می شود:

- ترتیب ثبت.
- حیازت رهن گیرندگان.
- سایر شیوه های تکمیل رهن که دراین قانون تصریح شده است.

۳- تقدم مندرج جز (۲) این فقره درصورتی معتبر می باشد که بعد از ثبت مدتی که در طی آن اطلاعیه ثبت بی اعتبار ویا حق رهن از تکمیل ساقط گردیده باشد، وجود نداشته باشد.

۴- رهن پول خرید که درمورد

چې د موجودې د جنسونو یا یې د ماحصل په هکله مرتبه (انشأ) اخستی وي، پر هماغوجنسونو باندې پرنورورهني ژمنو د لومړیتوب حق لري ، پدې شرط چې رهن بشپړشوی وي او د نومورې رهن رهن اخیستونکی، پخوانی (د دمخه) رهن اخیستونکی، دموجودې پرجنسونو باندې د رهن ورکوونکي حیازت څخه خبرکړي. پدې خبر تیاکې څرګندیږي چې خبرورکوونکی د موجودې پرجنسونو باندې د رهن د حق خاوند ګرځېدلی یا د دغه شان حق د ترلاسه کولوغوښتنه لري. پدې صورت کې لازمه ده چې د موجودې د جنسونو څرګندول (توضیح) په هغو کې د اقلامواو انواعو په تفکیك سره درج شي .

۵- د پلورنې د پیسو رهن، پر هغو نورو رهني حقوقو باندې چې د رهن ورکوونکي په واسطه د هماغې مرهونې په هکله مرتب (انشأ) شوي وي، دلاندې مالونو په هکله، د لومړیتوب حق لري:

- مرهونه یا یې ماحصل، دغیرعینې مالونو یا د موجودې د اجناس موجودی یا ماحصل آن مرتب (انشأ) گردیده باشد ، بر سایر تعهدات رهنی بر همان اجناس دارای حق تقدم می باشد ، مشروط بر این که رهن تکمیل گردیده و رهن گیرندۀ رهن متذکره، رهن گیرندۀ قبلی را از حیازت رهن دهنده بر اجناس موجودی مطلع سازد. در این اطلاعیه توضیح می گردد که اطلاع دهنده، حق رهن بر اجناس موجودی را صاحب گردیده یا توقع تصاحب چنین حق را دارد ، دراین صورت لازم است تا توضیح اجناس موجودی به تفکیك اقلام یا انواع در آن درج گردد.

۵- رهن پول خرید درمورد اموال ذیل بر سایر حقوق رهنی که توسط رهن دهنده در مورد همان مرهونه مرتب (انشأ) شده باشد ، دارای حق تقدم است:

- مرهونه یا ماحصل آن به استثنای اموال غیرعینی یا

اجناسو په استثني پدې شرط چې نومورې رهن، د رهن ورکوونکي له حیازت یا د رهن ورکوونکي په امر د بل شخص له حیازت وروسته، د (۲۰) ورځو په ترڅ کې بشپړشوی وي.

- غیر عیني مرهونه یا یې ماحصل ، پدې شرط چې په غیرعیني مالونو باندې له مرتب کېدو وروسته د (۲۰) ورځو په ترڅ کې دهغې رهن بشپړ شوی وي.

دنه بشپړشوي رهن پرحقوقو باندې لومړیتوب

شپاړسمه ماده :

(۱) دنه بشپړشوي رهن په نسبت دمحکوم له دایې طلب، د لومړیتوب دحق لرونکی دی، پدې شرط چې:

۱- رهن اخیستونکي، مخکې لدې چې د محکمې حکم د دایې په ګټه صادرشي د ثبت خبرتیا ، ثبت کړې نه وي .

۲- رهن اخیستونکی، د رهن له بشپړېدو د مخه د محکوم له دایې له موجودیت څخه خبرتیا ولري .

(۲) هغه پیرودونکی چې له خبرتیا د نابشپړشوي رهن له اجناس موجودی، مشروط بر اینکه رهن متذکره در خلال (۲۰) روز بعد از حیازت رهن دهنده یا حیازت شخص دیګری به امر رهن دهنده، تکمیل شده باشد.

- مرهونۀ غیرعینی یا ماحصل آن، مشروط بر اینکه رهن آن در خلال (۲۰) روز بعد از مرتب شدن به اموال غیرعینی، تکمیل شده باشد.

تقدم برحقوق رهن تکمیل ناشده

مادۀ شانزدهم :

(۱) طلب دایې محکوم له نسبت به رهن تکمیل ناشده، دارای حق تقدم می‌باشد ، مشروط بر اینکه :

۱- رهن گیرنده، اطلاعیۀ ثبت را قبل از اینکه ، حکم محکمه به نفع دایې صادر گردد ، ثبت ننموده باشد.

۲- رهن گیرنده، از موجودیت دایې محکوم له قبل از تکمیل رهن اطلاع داشته باشد.

(۲) مشتری که بدون اطلاع از رهن تکمیل ناشده و قبل

بشپړ پدوځخه مخکې يې مرهونه پېرلی وي ، نسبت يـاد شوي رهن ته د لومړيتوب حق لري.

(۳) د مرهونې مستأجر چې د رهن له خبرتيا پرته يې په هغې کې تصرف کړی وي، پر نومورې رهـن بانـدې د هغـه تـر بشپړ پدو پـورې د لومړيتوب حق لري .

پر راتلونکو پورونو باندې د رهن د حق لومړيتوب

اوولسمه ماده :

(۱) دهغـو ديونوپـه هکلـه چـې د وجوهو د تمويل (څه په اوس يا په راتلونکې کې) په منظور، د رهني توافقليـك يـا اړونـدو موافقـو مطابق، ورکړل شوي وي، د رهن د حـق لومړيتـوب پـه پـام کـې نيـول کيږي.

(۲) که چيرې رهن اخيستونکی د محکوم لـه دايـن پـه هکلـه خبرتيـا ترلاسـه کـړي، د هغـه بشپړشوی رهـن، د محکوم له داين د حقوقو په نسبت د لومړيتوب حق نلري، خو داچې :

۱- پيسې لـه رهـن ورکـوونکي پرتـه بـل شـخص تـه پـه پـور ورکړل شوې وي .

۲- رهـن اخيـستونکي د خـد متونو از تکميل آن، مرهـونه را خريداری نمـوده، بـر رهـن متـذکره دارای حـق تقـدم می باشد.

(۳) حق مستأجر مرهونه که بدون اطـلاع از تکميـل رهـن، در آن تـصرف نمـوده، بـر رهـن متـذکره الـی تکميـل آن دارای حق تقدم می باشد .

تقـدم حـق رهـن بـر قـروض آينده

مادۀ هفدهم :

(۱) تقـدم حـق رهـن درمـورد ديـونی کـه بـه منظـور تمويـل وجـوه (چـه درحـال يـا در آينـده) طبـق توافقنامـۀ رهنـی يـا تـوافقات مربـوط پرداختـه شـده باشـد ، رعايت می گردد .

(۲) هرگاه رهـن گيرنـده در مـورد دايـن محکـوم لـه اطـلاع حاصـل نمايـد ، رهـن تکميـل شـده وی نـسبت بـه حقوق دايـن محکوم لـه دارای حق تقدم نمی باشد ، مگر اينکه :

۱- پـول بـه شـخص ديگـری بـه غيـر از رهـن دهنـده بـه قـرض داده شده باشد.

۲- رهـن گيرنـده مـصارف مناسـب

(ساتنې، حفاظت اوڅارنې یا ترمیم) له بابته مناسب لګښتونه زغملي وي.

(۳) که چېرې مرهونه دمحکمې په حکم ضبط یا مصادره شي، رهن اخیستونکی رهن ورکوونکي ته د تمویلي وجوهو دتدارك لپاره د پور په ورکولو مکلف ندی .

د مرهونې د پېرودونکي او مستأجر حقوق

اتلسمه ماده :

(۱) که چېرې پېرودونکي د مرهونې مناسبه بیه ورکړې وي، پدې صورت کې پېرودونکی په دغه ډول مالونو کې د بشپړشوي یا نه بشپړ شوي رهن له حق څخه بري الذمه دی. په دغه حکم کې هغه حالات هم شاملېږي چې پېرودونکی د رهن د حق له شتون (وجود) څخه خبر وي.

(۲)که چېرې مستأجر د تر اجارې لاندې مرهونې مناسبه بیه ورکړې وي، پدې صورت کې مستأجر پر دغه ډول مالونو باندې د بشپړ شوي یا نه بشپړشوي رهن له حق څخه بري الذمه دي .

دغه حکم په هغو حالاتو کې هم رااز بابت خدمات (نگهداری، حفظ و مراقبت یا ترمیم) مرهونه متحمل شده باشد.

(۳) هرگاه مرهونه به حکم محکمه ضبط یا مصادره گردد ، رهن گیرنده مکلف به دادن قرض برای تدارك وجوه تمویلی به رهن دهنده نمی باشد.

حقوق مشتری و مستأجر مرهونه

مادۀ هجدهم :

(۱) هرگاه مشتری قیمت مناسب مرهونه راپرداخته باشد ، در این صورت مشتری ازحق رهن تکمیل شده یا تکمیل ناشده در چنین اموا ل بری الذمه می باشد. این حکم شامل حالاتی نیز می گردد که مشتری از وجود حق رهن آگاه باشد.

(۲) هرگاه مستأجر قیمت مناسب مرهونۀ تحت اجاره را پرداخته باشد ، در این صورت مستأجر از حق رهن تکمیل شده یا تکمیل ناشده بر چنین اموا ل بری الذمه می باشد.

این حکم شامل حالاتی نیز

شامل دی چې مستأجر د رهن د حق له شتون څخه خبروي.

(۳)که چېرې د مرهونې بیه له پنځو زرو(۵۰۰۰) افغانیو څخه په لږه (کمه) د پلورنې یا اجارې تابع وي ، پېرودونکی یا مستأجر په نومورې مرهونه کې درهن له حق څخه بری الذمه دی.

(۴) هغه پېرودونکی مستأجر چې د فارمداری لپاره د ګټې اخیستنې وړ مالونه، د رهن له حق څخه له خبرتیا پرته پېرې یا یې اجاره کوي، د رهن له بشپړشوی یا نه بشپړشوي حق څخه بری الذمه دی، پدې شرط چې د نومورو مالونو د پېرودنې بیه یا د اجارې په صورت کې په مارکیټ کې د اجارې د مالونو بیه له پنځو سو زرو (۵۰۰۰۰) افغانیو څخه زیاته نه وي.

(۵) هغه کس چې پیسې د ارزښت په بدل کې لاسته راوړي د تکمیل شوي رهن حق څخه په نومورې پیسو بری الذمه وي.

(۶) هغه کس چې دموتوري نقلیه وسیله پیرې اویایی

می گردد که مستأجر از وجود حق رهن آگاه باشد.

(۳) هرگاه قیمت مرهونه، تابع فروش یا اجارۀ کمتر از پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی باشد ، مشتری و مستأجر از حق رهن در مرهونۀ مذکور بری الذمه می باشند.

(۴) مشتری یا مستأجری که اموال قابل استفاده برای فارمداری را بدون اطلاع از حق رهن، خریداری یا اجاره می نمایند، از حق رهن تکمیل شده یا تکمیل ناشده بری الذمه می باشند، مشروط بر اینکه قیمت خرید اموال متذکره یا درصورت اجاره، قیمت اجاره اموال درمارکیت ازپنجاه هزار (۵۰۰۰۰) افغانی بیشتر نباشد.

(۵) شخصی که پولی را در عوض ارزش بدست می آورد از حق رهن تکمیل شده بر روی پول متذکره بری الذمه می باشد.

(۶) شخصی که وسیله نقلیه موتوری را خریداری یا

اجاره کوي په هغه صورت کی چې درهن له د رهن له حق څخه په نوموړي نقلیی وسیلی خبرنه وی او د نوموړی وسیلی سریال لمبر د رهنی حقونو د ثبت په خبرتیا کی درج نه وي نو د رهن له حق څخه په نوموړي نقلی وسیلی بری الذمه دی.

(۷) دحبس د حق لرونکی چی مرهونه یی مخکی د رهن د تکمیل کېدو څخه په اختیاری کی نیولی وی او یا هم ددی باعث شی چی مرهونه دده په نفع مصادره شی د رهن له حق نه بری الذمه دی.

اجاره می نماید درصورتی که ازحق رهن بالای آن وسیله مطلع نباشد ونمبر سریال وسیله متذکره دراطلاعیه ثبت شده حق رهنی درج نشده باشد از حق رهن متذکره بر آن وسیله نقلیه بری الذمه می باشد.

(۷) دارندۀ حق حبس که قبل از تکمیل حق رهن، مرهونه را در اختیار خود گرفته باشد یا باعث شود که مرهونه به نفع وی مصادره گردد، از حق رهن متذکره بری الذمه می باشد.

دتدارك کوونکي د طلباتو د لومړیتوب حق

حق تقدم طلبات تدارك کننده

نولسمه ماده :

هغه شخص چې دمعمولې سوداګرۍ په بهیرکې له مرهونې سره په ارتباط کې خدمتونو یا مواد تدارك کړي، د موادو او خدمتونو د ارزښت په تناسب به مرهونه کې ذیحق دی او پربشپړشوي یانه بشپړشوي رهن باندې د لومړیتوب حق لري

مادۀ نزدهم :

شخصی که در جریان تجارت معمول، خدمات یا مواد را در ارتباط با مرهونه تدارك نماید، به تناسب ارزش مواد و خدمات درمرهونه ذیحق بوده و بر رهن تکمیل شده یا تکمیل ناشده دارای حق تقدم می باشد.

.په غيرمنقولومالونو کې درهني حقوقو ترمنځ دلومړيتوب حق

شلمه ماده :

(۱) پرکرنيزو محصولاتو يا منقولو مالونو باندې رهن چې له غير منقولو مالونوسره يوځای (ملحق) شوي وي يا يې د الحاق نيت (قصد) موجودوي، عقد کېدی شي، پدې صورت کې نومورې رهن، ددې قانون د حکمونو مطابق د لومړيتوب د حق لرونکی دی ،پدې شرط چې په بانکي معاملوکې د غير منقولومالونو درهن د قانون له حکمونو سره په تضادکې نه وي.

(۲) د رهن پر کرنيزو محصولاتو يا هغو منقولو مالونو باندې چې له غير منقولو مالونو سره ملحق دي ، د کرنې په وخت کې د غير منقولو مالونود مالکد حقوقوپه نسبت يا کله چې منقول مالونه له غير منقولو مالونوسره ملحق شي ،دلومړيتوب حق لری.که چېری رهن بشپړشوی وي، پدی صورت کې د محکوم له داين د حقوقو په نسبت، د غيرمنقولو مالونو وروستی تملك کوونکی او رهن

حق تقدم میان حقوق رهنی در اموال غیر منقول

مادۀ بیستم:

(۱) رهن بر حاصلات زراعتی یا اموال منقول که با اموال غیر منقول ملحق گردیده یا قصد الحاق آن وجود داشته باشد، عقد شده می تواند، در این صورت رهن مذکور مطابق احکام این قانون دارای حق تقدم می باشد ، مشروط بر اینکه با احکام قانون رهن اموال غیرمنقول درمعلاملات بانکی در تضاد نباشد .

(۲) رهن برحاصلات زراعتی یا اموال منقول ایکه با اموا ل غیرمنقول ملحق می باشد، نسبت به حقوق مالك اموا ل غیرمنقول در زمان زرع یا حینیکه اموال منقول به اموا ل غیرمنقول ملحق گردد، دارای حق تقدم می باشد. هرگاه رهن تکمیل شده باشد، در این صورت نسبت به حقوق داین محکوم له، تملك کننده و رهن گیرنده بعدی اموا ل غیرمنقول،

اخیستونکی هم د لومړیتوب د حق لرونکي دي.

(۳) د دین د نه ورکړې یا د التزاماتو د نه اجرا په صورت کې، هغه رهن اخیستونکی چې پدې ماده کې ددرج شوو حکمونو مطابق، د لومړیتوب له حق څخه برخمن وي، کولی شي حاصلات یا منقول مالونه له غیرمنقولو مالونو څخه جلا کړي.

له منقولومالونو سره د الحاق شوو مالونو ترمنځ د رهنې حق لومړیتوب

یوویشتمه ماده :

(۱) که چېرې مالونه داسې سره ملحق شي چې خپل هویت له لاسه ورنکړي او له لګښتونو او ویجاړېدو پرته سره جلا کیدی شي، نومورې مالونه ملحق ګڼل کېږي، پدې صورت کې پر نومورو مالونو باندې درهن حق ،له الحاق وروسته هم دوام مومي.

(۲) که چېرې رهن له الحاق وروسته بشپړشي، پدې صورت کې نومورې رهن بشپړشوی پاتې کېږي، د لاندې اشخاصو پر حقوقو باندې د لومړیتوب حق لري :

نیز دارای حق تقدم می باشد .

(۳) در صورت عدم تأدیه دین یاعدم اجرای التزامات، رهن گیرنده ای که طبق احکام مندرج این ماده از حق تقدم برخوردار باشد ، می تواند حاصلات یا اموال منقول را از اموال غیرمنقول جدا سازد.

حق تقدم رهنی میان اموال الحاق شده با اموال منقول

مادۀ بیست و یکم :

(۱) هرگاه اموال با هم طوری ملحق گردند که هویت خود را از دست نداده و بدون مصارف یا تخریب از هم جدا شده بتوانند ، اموال متذکره ملحق دانسته می شود ، در این صورت حق رهن بر اموال متذکره، بعد از الحاق نیز ادامه می یابد.

(۲) هرگاه رهن بعد از الحاق اموال تکمیل گردد ، دراین صورت رهن متذکره تکمیل شده باقی مانده، بر حقوق اشخاص ذیل دارای حق تقدم می باشد:

۱- د هغو مالونو مالك چې تر رهن لاندی مالونه ورسره ملحق شوي وي .
۲- محکوم له داین .
۳- هغه شخص چې وروسته د مالونو مالك یا رهن اخیستونکی ګرځي.
(۳) دنه ورکړې یا د التزاماتو د نه اجراپه صورت کې، ددې قانون په پنځم فصل کې د درج شووحکمونو له په پام کې نیولوسره، هغه رهن اخیستونکی چې پدې ماده کې د درج شوي حکم مطابق، د لومړیتوب د حق لرونکي وي، کولی شي خپله مرهونه په منقولو مالونو کې له الحاق وروسته، جلا کړي.

۱- مالك اموالی که اموا ل تحت رهن به آن ملحق گردیده است .
۲- داین محکوم له .
۳- شخصی که بعداً مالك یا رهن گیرنده اموال می گردد .
(۳) در صورت عدم تأدیه یا عدم اجرای التزامات، بانظرداشت احکام مندرج فصل پنجم این قانون رهن گیرنده ایکه طبق حکم مندرج این ماده دارای حق تقدم باشد ، می تواند مرهونه خود را بعد از الحاق در اموا ل منقول، جدا سازد .

په ګډو مختلطو جنسونوکې د رهني حق لومړیتوب

دوه ویشتمه ماده :
(۱) پرګډو جنسونو باندې د رهن حق انشأ کېدلی نشي، خو داچې مرهونه په ګډو جنسونو کې شامله شي، پدې صورت کې پر محصول باندې درهن حق هم مرتب کېږي . رهن اخیستونکی کولی شي، د نومورې محصول په هکله درهن حق، د اصلي مرهونې د ارزښت په

حق تقدم رهنی در اجناس مختلط

مادۀ بیست ودوم :
(۱) حق رهن براجناس مختلط انشاء شده نمی تواند ، مگراینکه مرهونه در اجناس مختلط شامل گردد ، دراین صورت حق رهن بر محصول نیزمرتب می گردد . رهن گیرنده می تواند ، حق رهن را درمورد محصول متذکره به تناسب ارزش مرهونه اصلی

پرتله، په ګډو جنسونو کې د هغو له شاملېدو د مخه، تطبیق ګړي.

(۲) که چېرې درهن له یوه حق څخه زیات، له محصول سره الحاق شي، بشپړشوی رهن نسبت هغه رهن ته چې په ګډو جنسونوکې د مرهونې د شاملېدو په وخت کې، نا بشپړو، د لومړیتوب حق لري.

(۳) که چېرې د محصول په هکله له یوهٔ بشپړشوي رهن څخه زیات موجود وي، پدې صورت کې نومورې حقوق د جنسونو د ګډېدو په وخت کې د اړوندې مرهونې، دارزښت د تناسب له په پام کې نیولو سره، په برابره (مساوي) مرتبه کې ځای مومي.

قبل از شمولیت آن در اجناس مختلط تطبیق نماید.

(۲) هرگاه بیش از یك حق رهن به محصول الحاق گردد، رهن تکمیل شده نسبت به رهنی که در زمان شمولیت مرهونه دراجناس مختلط، نا تکمیل بوده، دارای حق تقدم می‌باشد.

(۳) هرگاه بیش از یك رهن تکمیل شده درمورد محصول موجود باشد، در این صورت حقوق متذکره با نظرداشت تناسبارزش مرهونهٔ مربوط در زمان اختلاط اجناس، در مرتبهٔ مساوی قرار می گیرند.

په بهالرونکو سندونو او نورو اقلامو کې د رهني لومړیتوب حق

حق تقدم رهنی در اسناد بهادار و سایراقلام

درویشتمه ماده:

(۱) په هغه بهالرونکي سند چې د بانکداری د قانون د حکمونو مطابق ترتیب او ترلاسه شوی وي، د رهن حق، د بشپړشوي رهن په نسبت، د لومړیتوب د حق لرونکی دی پدي شرط چې درهن حق مخکې له مخکې په سند کې نه

مادهٔ بیست و سوم:

(۱) حق رهن در سند بهاداری که طبق احکام قانون بانکداری ترتیب وکسب شده باشد، نسبت به رهن تکمیل شده دارای حق تقدم می باشد، مشروط بر این که حق رهن قبلاً در سند ذکر نشده

وی ذکرشوی.

(۲) هغه شخص چې بهالرونکی سندیې وپېري یا په هغه کې د رهن حق ترلاسه کړی وي، د بشپړشوی رهن په پرتله د لومړیتوب حق لرونکی دی پدې شرط چې بهالرونکی سند یا درهن حق یې د ارزښت د ورکړې په بدل کې لاس ته راوړي وي، د رهن حق مخکی له مخکی په قیمت لرونکي سندکې نه وي ذکر شوي.

(۳) منتقل الیه شخص چې د مالکیت سند لاسته راوړي، په نومورې سند کې درج پر مرهونې باندې د نورو د رهن دحق په پرتله، د لومړیتوب حق لري، پدی شرط چې :

۱- منتقل الیه د مالکیت د سند په بدل کې د رهن د حق په هکله له خبرتیا پرته بیه د (ارزښت) ورکړی وي او هغه یې لاسته راوړی وي.

۲- لېږ د (انتقال) دمالکیت په سند کی د درج شوو شرایطو سره سم، صورت موندلی وي .

(۴) که چېرې د رهن ،نغدې پیسې وي، لرونکی یې د لومړیتوب حق لري، پدې شرط چې لرونکی، باشد.

(۲) شخصی که سند بهادار را خریداری یا حق رهن آن سند را به دست آورده باشد ، نسبت به رهن تکمیل شده دارای حق تقدم می‌باشد ، مشروط بر اینکه وی سند بهادار یا حق رهن را در مقابل تأدیهٔ ارزش بدست آورده و حق رهن قبلاً درسند بهادار ذکر نشده باشد.

(۳) شخص منتقل الیه که سند مالکیت را بدست می‌آورد ، نسبت به حق رهن سایرین بر مرهونه مندرج سند مذکور دارای حق تقدم می باشد ، مشروط بر اینکه:

۱- منتقل الیه ، بدون اطلاع در مورد حق رهن در بدل سند مالکیت، ارزش پرداخت نموده و آنرا بدست آورده باشد.

۲- انتقال طبق شرایط مندرج در سند مالکیت صورت گرفته باشد.

(۴) هرگاه رهن، پول نقد بوده، دارندهٔ آن دارای حق تقدم میباشد ، مشروط بر اینکه

پیسې پر هغو باندې د رهن له حق څخه د خبرتیا له لرلوپرته لاسته راوړې وي.

که چېرې د رهن د حق لرونکی د نغدوپیسو په عوض ارزښت لرونکي مالونه ورکړي وي یا یې یوالتزام په غاړه اخستی وي، پدې صورت کې درهن د حق په هکله دخبرتیا یانه خبرتیا له په پام کې نیولو پرته، د لومړیتوب حق لري.

(۵) هغه داین چې پیسې د دین د ورکړې له بابته ترلاسه کوي، پر نومورو پیسو باندې د رهن د حق په نسبت د رهن د شتون یا د بهالرونکو سندونو له لارې، د وجوهو برېښنایي اوغیر برېښنایي لېږد، دېبت او د هغو په څېر د داین دخبرتیا له په پام کې نیولوپرته د لومړیتوب حق لري.

دارنده، پول را بدون داشتن اطلاع ازحق رهن بر آن، بدست آورده باشد.

هرگاه دارنده حق رهن به عوض پول نقد، اموال با ارزشی را پرداخته یا التزامی را به عهده گرفته باشد، در این صورت بدون نظرداشت اطلاع یا عدم اطلاع در مورد حق رهن، دارای حق تقدم می باشد.

(۵) داینی که پول را از بابت تأدیهٔ دین دریافت می نماید، نسبت به حق رهن بر پول متذکره، بدون درنظرداشت اطلاع داین در مورد وجود رهن یا تأدیه دین از طریق اسناد بهادار، انتقال الکترونیکوغیرالکترونیک وجوه، دیبت وامثال آن، دارای حق تقدم می باشد.

دتبعیت توافقلیک

توافقنامهٔ تبعیت

ځلېریشتمه ماده :

د لومړیتوب د حق لرونکی رهن اخیستونکی کولای شي، د بل رهن اخیستونکي په ګټه د مرتبې له تعدیل یا د خپل لومړیتوب له حق څخه له تېرېدو (انصراف) سره موافقه وکړي. دغه اقدام د تبعیت

مادهٔ بیست و چهارم :

رهن گیرندهٔ دارای حق تقدم می تواند، به تعدیل مرتبه یا انصراف از حق تقدم خود به نفع رهن گیرنده دیگر موافقه نماید. این اقدام بنام توافقنامه تبعیت

د توافقليك په نوم ياد ېږي.
دتبعيت توافقليك په ليکلي ډول دي او پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق دثبت په دفتر کې ثبتېږي.

یاد می شود.
توافقنامۀ تبعیت طور کتبی بوده و طبق احکام مندرج این قانون در دفتر ثبت، ثبت می شود.

څلورم فصل
لېږدېدنې

فصل چهارم
انتقالات

د رهن ورکوونکي او مديون د مسئوليت لېږدېدل

انتقال مسئولیت رهن دهنده و مدیون

پنځه ويشتمه ماده :
(۱) د رهن ورکوونکي او مديون حقوق او وجيبې، په دين پورې د اړوند رهني توافقليك مطابق، د رهن اخيستونکي د رضا په صورت کې بل شخص ته لېږدېدی شي، خو داچې پدې قانون کې بل ډول څرګندونه (تصريح) شوې وي.
(۲) يوازې د مرهونې د پرېښودو (واګذاری) ګټې اخيستنې يا لېږد په اړه د رهن د حق موجوديت يا رهن ورکوونکي ته د اجازې ورکول، ددې سبب نشي کيدی څو د رهن ورکوونکي داقداماتو او تقصيراتو مسئوليت د رهن اخيستونکی پرغاړه ولوېږي.

مادۀ بیست و پنجم :
(۱) حقوق و وجایب رهن دهنده ومدیون برطبق توافقنامه رهنی مرتبط به دین درصورت رضایت رهن گیرنده به شخص دیگر انتقال شده می تواند ، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد.
(۲) موجودیت حق رهن یا اعطای اجازه به رهن دهنده مبنی بر واگذاری، استفاده یا انتقا ل مرهونه به تنهائی سبب آن شده نمی تواند تا مسئولیت اقدامات و تقصیرات رهن دهنده به عهدۀ رهن گیرنده قرار گیرد.

د رهن اخیستونکي دحق لېږدېدل

شپږویشتمه ماده :

(۱)رهن اخیستونکی کولای شي د نسیه حساب د مدیون د اجازې له اخستلوپرته، له مرهونې سره له دین څخه د راپیدا شوو ورکړو (تادیاتو) د ترلاسه کولو په اړه، خپل حق، منتقل الیه ته ولېږدوي.

(۲)د نسیه حساب مدیون ته دلیکلي خبرتیا له ورکولو وروسته د انفاذ وړدی. د نسیه حساب درهن انشأ، الحاق یا بشپړتوب په هکله د خبر ورکول لازم نه دی.

د منتقل الیه حقوق

اووه ویشتمه ماده :

(۱) دنسیه حساب پر مدیون باندې د منتقل الیه حقوق د لاندې شرطونو تابع دي، خو دا چې په رهني توافقلیك کې بل ډول تصریح شوې وي:

۱- په رهني توافقلیك یا هربل موافقه لیك کې درج شوي شرطونه چې د لېږدوونکي او نسیه حساب د مدیون ترمنځ یې صورت مونډلی وی.

۲- د لېږدوونکي پرعلیه د نسیه

انتقال حق رهن گیرنده

مادۀ بیست وششم :

(۱) رهن گیرنده می تواند بدون کسب اجازۀ مدیون حساب نسیه ، حق خود مبنی بر دریافت تأدیات ناشی از دین را با مرهونه به منتقل الیه انتقال دهد .

(۲) انتقال بعد از ارایۀ اطلاعیه کتبی به مدیون حساب نسیه، قابل انفاذ می باشد. اطلاع دهی درمورد انشأ، الحاق یا تکمیل رهن حساب نسیه لازم نمی باشد.

حقوق منتقل الیه

مادۀ بیست وهفتم :

(۱) حقوق منتقل الیه بالای مدیون حساب نسیه تابع شرایط ذیل می باشد ، مگر اینکه در توافقنامۀ رهنی طور دیگری تصریح شده باشد:

۱- شروط مندرج توافقنامۀ رهنی یا هرموافقتنامه دیگری که میان انتقال دهنده و مدیون حساب نسیه صورت گرفته باشد.

۲- اقامۀ دعاوی مدیون حساب

حساب د مدیون د دعوی او اقامه کول او د هغو دفاعیه چې د نسیه حساب مدیون ته د لیکلې خبرتیا له رسېدو د مخه یې صورت موندلی وي.

(۲) دنسیه حساب مدیون کولی شي، پدې مادوکې د درج شوو حکمونو سره سم، یوازې په نسیه حساب کې د درج شوو مبالغو دکمولو په منظور، د منتقل الیه پرخلاف دعوي اقامه کړي.

(۳) د لېږدوونکي او د نسیه حساب دمدیون ترمنځ د قرارداد تعدیل یا تعویض په هغه صورت کې دمنتقل الیه پرعلیه د اجراء وړ دی چې په ښه نیت سره یې صورت موندلی وي او له معمولو سوداګریزو معیارونو سره سمون ولري.

دنسیه حساب دمدیون وجیبې

اته ویشتمه ماده :

(۱) دنسیه حساب مدیون کولی شي منتقل الیه ته د ورکړې وړ مبلغ د اجراء په اړه د خبرتیا له ترلاسه کولو د مخه لېږدوونکي ته خپل دین اداءکړي.

د خبرتیا د ترلاسه کولو په صورت نسیه ، علیه انتقال دهنده و دفاعیهٔ آن که قبل از مواصلت اطلاعیهٔ کتبی درخصوص انتقال به مدیون حساب نسیه صورت گرفته باشد.

(۲) مدیون حساب نسیه می تواند برطبق احکام مندرج این ماده ، صرف به منظورکاهش مبالغ مندرج در حساب نسیه، بر علیه منتقل الیه اقامهٔ دعوی نماید.

(۳) تعدیل یا تعویض قرارداد میان انتقا ل دهنده و مدیون حساب نسیه، درصورتی علیه منتقل الیه قابل اجرا می باشد که با حسن نیت صورت گرفته و با معیارهای معمول تجارتی مطابقت داشته باشد.

وجایب مدیون حساب نسیه

مادهٔ بیست وهشتم :

(۱) مدیون حساب نسیه می تواند ، قبل از حصول اطلاعیهٔ مبنی بر انتقال مبلغ قابل پرداخت به منتقل الیه، دین خود را به انتقال دهنده تأدیه نماید .

درصورت دریافت اطلاعیه،

کې، دنسیه حساب مدیون منتقل الیه ته یوازې د ورکړې په اجراء سره، کولی شي خپل دین اداءکړي.

خبرتیا به هغه صورت کې معتبره ګڼل کېږي چې لېږدول شوي نسیه حسابونه په هغې کې مشخص شوي وي.

(۲) دنسیه حساب دمدیون د غوښتنې په صورت کې، منتقل الیه مکلف دی، د لېږد داجراء په اړه اثباتیه مدارك د مناسبې زمانې مودې په ترڅ کې وړاندې کړي،د مدرکونوله وړاندې کولو څخه د منتقل الیه د ډډې کولو په صورت کې، د نسیه حساب مدیون د خبرتیا د ترلاسه کولو با وجود ،منتقل الیه ته د ورکړې د اجراء مسئول ندي .

(۳) د نسیه حساب هغه مدیون چې دلېږد په اړه خبرتیایې ترلاسه کړې وي، د لېږدوونکي په وړاندې له وروستیو هر ډول التزاماتو څخه د برائت دسند دترلاسه کولو مستحق دي. پدې شرط چې پاتې(نه ورکړل شوي) حسابونه موجود نه

مدیون حساب نسیه، صرف با اجرای پرداخت به منتقل الیه می تواند ، دین خود را ادا نماید .

اطلاعیه در صورتی معتبر دانسته می شود که حسابات نسیهٔ انتقا ل شده در آن مشخص شده باشد .

(۲) در صورت درخواست مدیون حساب نسیه، منتقل الیه مکلف است مدرك اثباتیه مبنی بر اجرای انتقال را در خلال میعاد زمانی مناسب ارائه کند ، در صورت امتناع منتقل الیه از ارایهٔ مدارك، مدیون حساب نسیه با وجود دریافت اطلاعیه، مسئول اجرای پرداخت به منتقل الیه نمی باشد .

(۳) مدیون حساب نسیه ایکه اطلاعیهٔ مبنی بر انتقا ل را دریافت نموده باشد ، مستحق دریافت سند برائت از هرگونه التزامات بعدی در برابر انتقا ل دهنده می باشد . مشروط بر اینکه حسابات باقیمانده (پرداخت نشده) موجود

وي او ليږدوونکی د زياتو وجوهود تمويل يا د التزاماتو د منلو په اړه ژمنه ونلري.

د برائت نومورې سند، د دريوکاري ورځو په ترڅ کې، وروسته تردې چې ليږدوونکی د نسيه حساب د مديون غوښتنليك ترلاسه کړي، استول کيږي.

نبوده و انتقال دهنده تعهدی مبنی بر تمویل وجوه بیشتر یا تقبل التزامات را نداشته باشد.

سند برائت متذکره درخلال سه روز کاری بعد از آنکه انتقال دهنده درخواست مدیون حساب نسیه را دریافت نماید، ارسال می گردد.

پنځم فصل
دنه ورکړې يا د نه اجراء آثار

فصل پنجم
آثار عدم تأدیه یا عدم اجراء

د دين د نه ورکړې يا د التزاماتو د نه اجراء اجراآت

نهه ويشتمه ماده :

(۱) ددين د نه ورکولو يا د التزاماتود نه اجراکولو په صورت کې رهن اخيستونکی کولای شي، خپل حقونه په مستقيمه توګه پر مرهونې باندې د رهني له توافق ليك سره سم نافذ کړي.

(۲) رهن اخيستونکی کولی شي د مديون په واسطه د دين د نه ورکولو په صورت کې په خپل انتخاب او ددې قانون د دوه څلوېښتمې مادې له حکم سره سم

اجراآت عدم تأدیهٔ دین یا عدم اجرای التزامات

مادهٔ بیست ونهم:

(۱) درصورت عدم تأدیهٔ دین یا عدم اجرای التزامات، رهن گیرنده می تواند، مستقیماً حقوق خود را طبق توافقنامه رهنی بر مرهونه نافذ نماید.

(۲) رهن گيرنده مي تواند در صورت عدم تأديهٔ دين توسط مديون به انتخاب خود ومطابق حکم ماده چهل ودوم اين قانون، به منظورتنفيذ

د جبري تنفيذ لپاره محکمې ته مراجعه وکړي .
(۳) له رهنې توافقليك څخه را پيدا شوی حقوق او وجيبې پداسی توګه اعمالېږي چې د سوداګريز عرف له نظره مناسب وي.

جبري به محکمه مراجعه نماید .
(۳)حقوق و وجایب ناشی از توافقنامۀ رهنی به نحوی اعمال می گردد که از نظر عرف تجارتی مناسب باشد .

دنسیه حسابونو او بهالرونکو سندونو تحصیلول

تحصیل حسابات نسیه و اسناد بهادار

دېرشمه ماده :
(۱) د دين له نه ورکړې يا دالتزاماتو له نه اجرا کولو وروسته رهن اخيستونکی کولای شي، هغه شخص ته چې د نسيه حساب، يا د بهالرونکو سندونو پر موجب درهن ورکوونکي مديون وي، لاربسوونه وکړي، ترڅو دين يا التزامات په مستقيمه توګه هغۀ ته (رهن اخيستونکي) ته ورکړي يا اجرا کړي.
(۲) که چېرې ددې مادې په(۱) فقره کې د درج شوي دين تحصيلول دلګښت ايجاب وکړي، دغه مبالغ د دين د تحصيل شويو مبالغو له مجموعې څخه د رهن اخيستونکي له خوا ورکول کېږي.

مادۀ سی ام :
(۱) بعد از عدم تأديۀ دين يا عدم اجرای التزامات، رهن گيرنده می تواند به شخصی که به موجب حساب نسيه، يا اسناد بهادار، مديون رهن دهنده می باشد ، هدايت دهد تا دين يا التزامات را مستقيماً به وی(رهن گيرنده) تأديه يا اجرا نمايد.
(۲) هرگاه تحصيل دين مندرج فقرۀ(۱) اين ماده ايجاب مصارف را نمايد ، اين مبالغ از مجموعۀ مبالغ تحصيل شده توسط رهن گيرنده پرداخت می گردد .

ددین دنه ورکړې یا د التزاماتو د نه اجراء په صورت کې تنفیذ

یودېرشمه ماده:

(۱) کـه چېرې رهـن ورکـوونکی د دیـن لـه ورکولـو یـا د التزامـاتو لـه اجـراء څخـه ډډه وکـړي د رهـن اخیـستونکی کـولی شـي رهنـي توافقلیـك پـه لاندې توګـه تنفیـذ کړي، خـو دا چې بـل ډول مـوافقې صورت مونـدلی وي :

۱- دقـانون دحکمونـو سره سـم د مرهونې تصرف کول .

۲- پـه مناسبه توګـه د مرهونې لـه تجهیزاتوڅخـه دګټـې اخـستنې منـع کـول، د هغـه لـه لیږدونـې پرته لـه کومـه ځایـه چې هلتـه رهـن اخیـستونکی، د نومـورو مـالونو متصرف ګڼل ګېږي .

۳- ددې قانون د حکمونو مطابق، د مـدیون یـا رهـن ورکـوونکي پـه جایداد کې د مرهونې پرېښودل.

(۲) هغـه حقیقـي شـخص چې دیـن یـې د مـصرفي مـوادو د اخیـستلو په موخه د پیرودنې د پیسې درهـن پربنسټ، لاسـته راوړي او لـږ ترلـږه د هغـه دوه ثلثـه یـې بېرتـه ورکړي وي له ځانګړي ملاتړ څخه برخمن

تنفیذ در صورت عدم تأدیه دین یا عدم اجرای التزامات

مادۀ سی ویکم :

(۱) هرگـاه رهـن دهنـده از تأدیـۀ دیـن یـا اجـرای التزامـات امتنـاع ورزد ، رهـن گیرنـده مـی توانـد توافقنامۀ رهنی را طور ذیل تنفیذ نمایـــــد ، مگـــــر ایـــــن کـه طـور دیگـری موافقـه صـورت گرفته باشد :

۱- تـصرف مرهونـه طبـق احکـام قانون .

۲- منـع اسـتفاده از تجهیـزات مرهونـه بـه صـورت مناسـب ، بـدون انتقـا ل آن از محلـی کـه در آن رهـن گیرنـده ، متـصرف امـــوا ل مـــذکور پنداشـــته می شود.

۳- واگـذاری مرهونـه در جایـداد مـدیون یـا رهـن دهنـده مطـابق بـه احکام این قانون .

(۲) شـخص حقیقـی کـه دیـن را بـه منظورخریـداری مـواد مـصرفی بـه اساس رهن پول خرید بدست آورده وحداقل دو ثلث آنـرا بـاز پرداخت نمـوده ، از حمایـت خـاص بـر خـوردار مـی شـود ، دراین حالـت

کېږي، پدې حالت کې په رهني توافقليك يا نورو اړوندو توافقاتو کې چې له مخې يې رهن اخيستونکی ددين د نه ورکړې يا د التزاماتو د نه اجراء په صورت کې، دلګښتي اجناسو په حيازت يا پلورلو قادرېږي، ددې قانون له حکمونو سره سم، د تنفيذ وړندي، لاندې حالات لدې حکم څخه مستثنی دي :

۱-په هغه صورت کې چې رهن ورکوونکی په داوطلبانه توګه رهن اخيستونکي ته د حيازت اجازه ورکړي.

۲- په هغه صورت کې چې دحيازت په اړه دمحکمې حکم ترلاسه شوی وي .

احکام مندرج در توافقنامهٔ رهنی یا سایر توافقات مربوط که به تأسی از آن رهن گیرنده در صورت عدم تأدیهٔ دین یا عدم اجرای التزامات، قادر به حیازت یا فروش اجناس مصرفی می گردد ، طبق احکام این قانون قابل تنفیذ نمی باشد. حالات ذیل از این حکم مستثنی است :

۱- درصورتی که رهن دهنده طور داوطلبانه به رهن گیرنده اجازهٔ حیازت بدهد.

۲- در صورتی که اجازهٔ محکمه مبنی بر حیازت حاصل شده باشد.

دمرهونې پرېښودل

واگذاری مرهونه

دوه دېرشمه ماده :

په رهني توافقليك کې د درج شوي دين د نه ورکړې يا د التزاماتو دنه اجراء په صورت کې رهن اخيستونکی کولی شي د مرهونې ټوله يا يوه برخه له ترميم، پروسس يا سوداګريزې مناسبې چمتوکونې د مخه يا وروسته پرېږدي. د پرېښودنې ماحصل د لومړيتوب دحق په ترتيب په لاندې توګه ورکول کېږي:

مادهٔ سی ودوم :

درصورت عدم تأدیهٔ دین یا عدم اجرای التزامات مندرج توافقنامهٔ رهنی، رهن گیرنده می تواند تمام یا قسمتی ازمرهونه را قبل یا بعد ازترمیم، پروسس یا آماده سازی مناسب تجارتی ، واگذار نماید. ماحصل واگذاری به ترتیب حق تقدم قرار ذیل پرداخت می شود :

۱- د بیمې د حق د لګښتونو، د مالیاتو د ورکړې اوله تصرف، ساتنې، ترمیم، پروسس یا د پربښودنې لپاره دمرهونې له چمتوکولوڅخه د راپیدا شوو لګښتونو او په رهنې توافقلیك کې د نورو لګښتونو په شمول، درهن اخیستونکي مناسبو لګښتونو ورکړه.

۲- په رهنې توافقلیك کې ددرج شوی دین ورکړه .

۳- د لومړیتوب حق پربنسټ نورو رهن اخیستونکو یا پر مرهونې د حبس د حق لرونکو ته د پاتې وجوهو ورکړه .

۴- رهن‌ورکوونکي‌ته‌ددې‌مادې په (۳) جزءکې د پاتې وجوهو ورکړه.

۱- تأدیهٔ مصارف مناسب رهن گیرنده به شمول مصارف حق بیمه، پرداخت مالیات و سایر مصارف نباشی از تصرف ، نگهداشت، ترمیم، پروسس یا آماده سازی مرهونه برای واگذاری و سایر مصارف مندرج در توافقنامهٔ رهنی.

۲- تأدیهٔ دین مندرج توافقنامهٔ رهنی.

۳- پرداخت وجوه باقیمانده به سایر رهن گیرندگان ودارندگان حق حبس برمرهونه به اساس حق تقدم.

۴- پرداخت وجوه باقی مانده از جزء (۳) این ماده به رهن دهنده.

د پربښودنې ډول او اغیزې

طرز واگذاری واثرات آن

دري دېرشمه ماده :

(۱) ټوله مرهونه یا د هغې یوه برخه په لاندې طریقې سره پربښودل کیدای شي :

۱- پدې قانون کې ددرج شوو حکمونو له په پام کې نیولوسره څرګنده بیعه، خصوصي بیعه او اجاره یا نورې لارې (پربښودنه په

مادهٔ سی و سوم :

(۱) تمام مرهونه یا بخشی از آن به طرق ذیل واگذار شده می تواند:

۱- بیع علنی، بیع خصوصی و اجاره یا سایرطرق بانظرداشت احکام مندرج این قانون.

(واگذاری در هر زمان یا

هرزمان یا مکان کې او تر هر ډول شرطونو لاندې چې له سوداګریز نظره مناسب وګڼل شي، صورت مومي.

۲-په هغه نرخ چې د مرهونې دسوداګریز ارزښت معادل یا ورته نېږدې وي، په علني بیعه کې د رهن اخیستونکي په واسطه پېرودل.

(۲) د مرهونې پرېښودل ددې قانون د حکمونو سره سم په مرهونه کې د رهن اخیستونکي درهني حق او د رهن ورکوونکي د هرډول تبعي حقوقو او ګټو د انقضاء سبب کېږي.

(۳) هغه شخص چې د ضمانت خط، ظهر نویسۍ یا ورته مقاولې پربنسټ، درهن اخیستونکي په وړاندې مسئول وي او د دین په ورکړې سره مرهونه له رهن اخیستونکي څخه هغه ته ولېږدیږي، نوموړی شخص درهن اخیستونکي دحقوقو او وجیبو قایم مقام ګرځي.

دغه لېږدېدنه د مرهونې د پرېښودو په توګه نه ګڼل کېږي.

مکان و تحت هر شرایطی که از نظر تجارتی مناسب دانسته شود، صورت می گیرد).

۲- خریداری توسط رهن گیرنده دربیع علنی به نرخی که معادل یا قریب به ارزش تجارتی مرهونه باشد.

(۲) واگذاری مرهونه طبق احکام این قانون، سبب انقضای حق رهنی رهن گیرنده و هرگونه حقوق رهنی تبعی و منافع رهن دهنده در مرهونه می گردد.

(۳) شخصی که به اساس ضمانت خط، ظهر نویسی یا مقاولهٔ مشابه در برابر رهن گیرنده مسئول باشد و با تأدیه دین، مرهونه از رهن گیرنده به وی منتقل گردد، شخص مذکور قائم مقام حقوق و وجایب رهن گیرنده می گردد.

این انتقال بحیث واگذاری مرهونه پنداشته نمی شود.

د مرهونې ترتأمین لاندې ورکول او پرېښودل د هغې په ځای کې

څلورد پرشمه ماده :

(۱) کـه چیـرې مرهونـه هغـه شـی (څیـز) وي چې د مـدیون یـا رهـن ورکوونکي له ځایه څخه په آسانۍ سره د لېږد وړ نه وي یا یې کافي زېرمـه ییـزې آسـانتیاوې شـوني نـه وي،پـدې صـورت کـې نومـوړې مرهونه،د هغې له ځایه له لېږدولـو پرتـه، ترتـأمین لاندې راځـي او یـا پرېښودل کېدی شي.

(۲) کـه چېـرې د مرهـوني پلـورل د هغـې پـه ځـای کـې مـدیون یـا رهـن ورکـوونکي تـه د زیـاتو سـتونزو باعث شي او یا دپرېښودولپاره لـه لازمـه حـد څخـه دزیـاتو لګښتونو مستلزم وي ،پدې صورت کې رهن اخیستونکی نشي کولی نومـوړې مرهونه وپلوري.

(۳)رهـن اخیـستونکی کـولی شـي مرهونـه پـه موجـوده شـکل یـا لـه ترمیم وروسته وپلوري، ددغـه ډول پرېښودنې ماحصل پـه لاندې توګـه وېشل کېږی :

۱- د مرهـونې دبیمـې د حـق د لګښتونو، د مالیاتو د ورکړې، او

تحت تـأمین قراردادن و واگذاری مرهونه در محل آن

مادۀ سی و چهارم :

(۱) هر گاه مرهونه ، شی باشد که از محـل مـدیون یـا رهـن دهنـده بـه آسـانی قابـل انتقـا ل نبـوده یـا تسهیلات کافی ذخیروی آن میسر نباشـد ، در ایـن صـورت مرهونـه متـذکره بـدون انتقـا ل از محـل آن ، تحـت تـأمین قـرار گرفتـه ویـــــا واگـــــذار شـــــده می تواند.

(۲) هـر گـاه فـروش مرهونـه در محل آن موجب مشکلات عمده به مـدیون یـا رهـن دهنـده گردد و یـا مـستلزم مـصارف بیـشتر از حـد لازم بـــرای واگـــذاری باشـــد ، در ایـن صـورت رهـن گیرنـده نمـی توانـد مرهونـۀ متـذکره را بـه فروش رساند.

(۳) رهن گیرنده می تواند مرهونه را بـه شـکل موجـوده یـا بعـد از تـرمیم بـه فـروش رسـاند. ماحـصل چنـین واگـذاری بـه ترتیـب ذیـل توزیع می گردد :

۱- تأدیـــۀ مـــصارف مناســـب رهن گیرنده به شمول مصارف حق

لـه اخـستنې، سـاتنې، تـرمیم، پروسس،او د پرېښودنې لپـاره لـه چمتوکولـو څخـه د راپیـدا شـوو لګښتونو اوپه رهني توافقليك کې ددرج شـوو نـورو لګـښتونو پـه شـمول، د رهـن اخیـستونکي د مناسبو لګښتونو ورکړه.

۲- پـه رهنـي توافقلیـك کـې ددرج شوي دین ورکړه .

۳- د لومړیتـوب د حق پربنسټ د نـورو رهـن اخیـستونکو ددیونـو او پـر مرهونـه د حـبس د حق لرونکـو تـه ورکـړه چـې پـه مناسـبه توګـه د پرېښودنې پـه اړه بـا خبـره او هغـې ته يې ځواب ورکړی وي.

۴- رهـن ورکـوونکي تـه د پـاتې برخې ورکړه .

د پرېښودنې خبرتیا

پنځه دېرشمه ماده :

رهـن اخیـستونکی مکلـف دی، د پرېښودنې خبرتیـا لږ ترلږه د (۱۵) ورځو مخکې په مـوده کـې، د ثبت شـویو رهـن ورکـوونکي او نـورو رهـن اخیـستونکو او د حـبس حـق لرونکوتـه، وسپاري. د پرېښودنې خبرتیـا لاتـدې مطلبونـه پـه برکـې نیسي:

بیمـه، پرداخـت مالیـات و سـایر مصارف ناشی ازاخذ ، نگهداری، تـــــرمیم، پروســس و آمـــــاده سـازی مـرهونـــــه وســـایر مـــــصـارف منـــــدرج تـــــوافقنامۀ رهنـی جهـت واگذاری.

۲- پرداخت دین مندرج توافقنامۀ رهنی.

۳- پرداخـت دیـون سـایر رهـن گیرندگان ودارندگان حق حبس بر مرهونـه بـه اسـاس حق تقدم کـه بـه صورت مناسب در مـورد واگذاری مطلـــع و بـــه آن پاســـخ داده باشند .

۴- پرداخت قسمت باقی مانده به رهن دهنده.

اطلاعیۀ واگذاری

مادۀ سی و پنجم :

رهن گیرنده مکلف است اطلاعیۀ واگذاری را درخلال حداقل (۱۵) روز قبل به رهن دهنده و سایر رهن گیرنـدگان ودارنـدگان حـق حـبس ثبـت شـــــده در ادارۀ ثبـت، تـــسلیم نمایـــد. اطلاعیـــه واگـــذاری حـاوی مطالـب ذیـل می باشد:

۱- د مرهونې څرګندونه (توضیح).
۲- درهنې توافقلیك له مخې، د رهن تابع دین د نه ورکړل شوي مبلغ ټاکل .
۳-د ټاکلو شوو لګښتونو د اندازې ټاکل او د نه ټاکنې په صورت کې دهغې تخمین.
۴- ددې موضوع یادول چې ددې فقرې په (۲ او ۳) جزء کې درج دټول نه ورکړل شوی دین دمبلغ د ورکړې په صورت کې، د لیکلې خبرتیا د ترلاسه کولو مستحق شخص کولی شي مرهونه بیا لاسته راوړي.
۵- ددې مطلب یادول چې مرهونه ددې مادې په (۴) جزء کې د درج شوي شخص په واسطه له رهن څخه آزاده نشي، پدې صورت کې نومورې مرهونه پرېښودنې ته موکولېږي او مدیون یا رهن ورکوونکی (یا هغوی دواړه) د پاتې ټول دین په اندازه چې د مرهونې د پرېښودو له درکه تحصیل نشي، مسئول ګڼل ګڼږي.
۶- دپلورنې د ورځې، وخت او ځای ټاکل، څرګندې مزایدې یا د سرټرلو آفرونو دپاکټ دوړاندې کولو د

۱- توضیح مرهونه.
۲- تعیین مبلغ تأدیه ناشدهٔ دین تابع رهن بتأسی از توافقنامهٔ رهنی.
۳- تعیین اندازهٔ مصارف معینه و در صورت عدم تعیین تخمین مناسب آن .
۴- ذکر این موضوع که درصورت تأدیه مبلغ مجموعی تأدیه ناشدهٔ مندرج اجزای (۲و۳) این فقره ، شخص مستحق دریافت اطلاعیهٔ کتبی می تواند مرهونه را مجدداً بدست آورد.
۵- ذکر این مطلب که هرگاه مرهونه توسط شخص مستحق دریافت اطلاعیهٔ کتبی، جزء (۴) این ماده از رهن آزاد نشود ، در این صورت مرهونهٔ متذکره موکول به واگذاری گردیده و مدیون یا رهن دهنده (یا هردو آنها) به اندازهٔ مجموع دین باقیمانده که ازدرك واگذاری مرهونه تحصیل نگردد ، مسئول شمرده می شود.
۶- تعیین روز، زمان و محل فروش از طریق مزایدهٔ علنی یا محل ارایهٔ پاکت آفرهای

ځای لهلارنې او د هغو دمنلو وروستۍ نېټې اود مرهونې د پرېښودنې نورې چارې.

دخبرتیا نه لزوم

شپږ دېرشمه ماده :

د پرېښودنې د خبرتیا وړاندې کول، په لاندې حالاتو کې اړین نه برېښي :

۱- په هغه صورت کې چې له رهن اخیستونکي سره داسې دلیلونه موجود وي چې مرهونه سریع الفساد ده او د چټکۍ نه پرېښودنې په صورت کې به یې ارزښت ،په کتنې وړ اندازه راټیټ شي.

۲- په هغه صورت کې چې د مرهونې د ساتنې او زیرمه کولو لګښتونه د هغې د ارزښت په نسبت په کتنې وړ توګه غیر متناسب زیات وي.

۳- په هغه صورت کې چې د دین له نه ورکړې یا د التزاماتو له نه اجراء څخه وروسته، د خبرتیا د ترلاسه کولو مستحق اشخاص، د مرهونې د پرېښودو په اړه خپل رضائیت په لیکلې توګه څرګند کړي.

سر بسته و تاریخ های نهائی قبولی آنها و سایر امور واگذاری مرهونه.

عدم لزوم اطلاعیه

مادۀ سی و ششم :

ارایۀ اطلاعیۀ واگذاری در حالات ذیل ضرور دانسته نمی شود :

۱- درصورتی که نزد رهن گیرنده دلایلی موجود باشد که مرهونه سریع الفساد بوده و در صورت عدم واگذاری سریع، ارزش آن طور قابل ملاحظه کاهش خواهد یافت .

۲- در صورتیکه مصارف نگهداری و ذخیرۀ مرهونه نسبت به ارزش آن طور غیر متناسب زیاد باشد .

۳- در صورتی که بعد ازعدم تأدیه دین یا عدم اجرای التزامات، اشخاص مستحق دریافت اطلاعیه، رضایت خود را طور کتبی مبنی بر واگذاری مرهونه ابراز نمایند.

له پرېښودنې وروسته رپوټ

اووه دېرشمه ماده :

رهن اخیستونکی مکلف دی، چې د لاندې مبالغو په اړه، رهن ورکوونکي او نورو رهن اخیستونکو او د حبس دحق لرونکو ته د رهن ورکوونکي لیکلي غوښتنلیك له نېټې څخه د (۷) کاري ورځو په ترڅ کې وړاندې کړي:

۱- دمرهونې له پرېښودوڅخه تراسه شوی مبلغ .

۲- په لګښتونو پورې اړوند مبلغ.

۳- ددین د ورکړې مبلغ.

۴- مازاد مبلغ او د هغه د وېش څرنګوالی .

گزارش بعد از واگذاری

مادۀ سی وهفتم :

رهن گیرنده مکلف است، گزارش کتبی در رابطه به مبالغ ذیل، به رهن دهنده وسایر رهن گیرندگان و دارندگان حق حبس در خلال (۷) روزکاری از تاریخ درخواست کتبی ارایه نماید:

۱- مبلغ حاصله از واگذاری مرهونه.

۲- مبلغ مربوط به مصارف .

۳- مبلغ تأدیۀ دین .

۴- مبلغ مازاد و چگونگی توزیع آن.

دمرهونې دتصرف خبرتیا

اته دېرشمه ماده :

(۱) رهن اخیستونکی کولی شي د دین د نه ورکړې یا د التزاماتو د نه اجراء په صورت کې، د رهن تابع دین د تول یا یوې برخې دتلافی په منظور، د مرهونې د تولې یا د یوې برخې تصرف لاندې اشخاصو ته خبرورکړي:

۱- رهن ورکوونکي ته .

۲- نورو رهن اخیستونکو او دحبس دحق لرونکو ته چې رهن ورکوونکي ته دنومورې خبرتیا له

اطلاعیه تصرف مرهونه

مادۀ سی وهشتم :

(۱) رهن گیرنده می تواند در صورت عدم تأدیۀ دین یا عدم اجرای التزامات، تصرف تمام یا قسمتی از مرهونه را به منظور تلافی تمام یا قسمتی از دین تابع رهن به اشخاص ذیل اطلاع دهد :

۱- به رهن دهنده .

۲- به سایررهن گیرندگان و دارندگان حق حبس که قبل از صدور اطلاعیه متذکره به رهن

صادرېدو د مخه، په اړونده اداره کې ثبت شوي وي .
(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي اشخاص کولی شي، د خبرتیا له ترلاسه کولو څخه د (۱۵) ورځو په ترڅ کې، پرهغې باندې اعتراض وکړي.
(۳) که چېرې د اعتراض په اړه خبرتیا، ددې مادې په (۲) فقره کې ددرج شوې مودې په ترڅ کې وانه استول شي، د نومورې مودې له تېرېدو وروسته داسې ګڼل ګېرې چې رهن اخیستونکی په قطعي توګه غواړي څومرهونه د دین دورکړې په منظور واخلي، پدې صورت کې رهن اخیستونکي او نورو خبرو شوو رهن اخیستونکو له حقوقو څخه خلاصه وساتی یا یې پرېږدي.

د رهن ورکوونکي په واسطه د مرهونې بیا ترلاسه کول

نهه دېرشمه ماده :

(۱)مخکې تردې چې رهن اخیستونکی، مرهونه پرېږدي او یا د هغه د پرېښودلو قرارداد عقدکړي یا د مرهونې د ساتلو غوښتونکی شي، رهن ورکوونکی دهنده، در ادارۀ مربوط ثبت شده باشند.
(۲) اشخاص مندرج فقرۀ (۱) این ماده می توانند در خلال (۱۵) روز از دریافت اطلاعیه بر آن اعتراض نمایند.
(۳) هرگاه اطلاعیه مبنی بر اعتراض درخلال مدت مندرج فقرۀ (۲) این ماده ارسال نشود، بعد از انقضای مدت متذکره طوری پنداشته می شود که رهن گیرنده به‌صورت قطعی می خواهد تا مرهونه را به منظور تأدیۀ دین اخذ نماید ، دراین صورت رهن گیرنده حق دارد که مرهونه را عاری از حقوق رهن دهنده و سایر رهن گیرنده گان مطلع شده نگهداری یا واگذار نماید.

حصول مجدد مرهونه توسط رهن دهنده

مادۀ سی ونهم :

(۱) قبل از اینکه رهن گیرنده ، مرهونه را واگذار یا قرار داد واگذاری آنرا عقد نماید یاخواهان حفظ مرهونه گردد، رهن دهنده یا هریك از

یا له نورو رهن اخیستونکو څخه هر یو یا پر مرهونه دحبس د حق لرونکی کولی شي، رهن اخیستونکو ته د نه ورکړل شوي دین په ورکړې سره، مرهونه لاسته راوړي. پدې صورت کې رهن‌ورکوونکی او نور رهن‌اخیستونکي یا دحبس دحق لرونکي مکلف دي، د مرهونې تر تأمین لاندې راوستلو، ساتنې، ترمیم یا پرېښودنې ته له چمتوکولو څخه راپیدا شوي ورځ لګښتونه، رهن اخیستونکي ته ورکړي.

(۲) رهن ورکوونکی کولی شي ددین د نه ورکړې او د التزاماتو د نه اجراء په صورت کې، د مرهونې د ترلاسه کولو په اړه له خپل حق څخه انصراف، په لیکلې توګه وړاندې کړي.

رهن گیرندگان دیگر یا دارندگان حق حبس برمرهونه، می تواند با تأدیه دین پرداخت ناشده به رهن گیرنده، مرهونه را بدست آورند. دراین صورت رهن دهنده و سایررهن گیرندگان یا دارندگان حق حبس مکلف اند، مصارف مناسب ناشی از تحت تأمین قراردادن، نگهداری، ترمیم و یا آماده سازی مرهونه برای واگذاری را به رهن گیرنده تأدیه نمایند.

(۲) رهن دهنده می تواند در صورت عدم تأدیهٔ دین وعدم اجرای التزامات، انصراف از حق خود مبنی بر حصول مرهونه را طور کتبی ارایه نماید.

د مرهونې د پېرودونکی ملاتړ څلوېښتمه ماده :

که چېرې رهن اخیستونکی د بیې په بدل کې مرهونه پېرودنکي ته پرېږدي، پېرودونکی حق لري، هغه د رهن ورکوونکي له هر ډول حقوقو او د فرعي رهن اخیستونکي یا د حبس د حق

حمایت مشتری مرهونه

مادهٔ چهلم :

هرگاه رهن گیرنده ، مرهونه را به مشتری دربدل قیمت واگذار نماید ، مشتری حق دارد آن را عاری از هر گونه حقوق رهن دهنده و دعاوی رهن گیرنده فرعی

لرونکو له دعاوي څخه خلاصه واخلي.

ددې فصل د حکمونو د نه تطبیق موارد

یوځلوېښتمه ماده :

ددې فصل حکمونه د لېږداو اجارې د معاملو په هکله د تطبیق وړندي.

یا دارندگان حق حبس، اخذ نماید.

موارد عدم تطبیق احکام این فصل

مادهٔ چهل ویکم:

احکام این فصل در مورد معاملات انتقال واجاره قابل تطبیق نمی باشد.

شپږم فصل
د محکمې نقش او د ملاتړحق

فصل ششم
نقش محکمه و حق حمایت

تصرف یا محکمې ته پرېښودنې

دوه څلوېښتمه ماده :

(۱) که چېرې رهن اخیستونکی ونه شي کړای یا ونه غواړی چې د یو دېرشمې مادې له حکم سره سم د مرهونې حیازت ترلاسه کړی او پرېکره وکړي چې د نهه وېشتمې مادې د (۲) فقرې له حکم سره سم دمرهونې دتصرف کولو، پرېښودنې یا تر تامین لاندې د ورکولو په منظور اقدام وکړي، هغه کولای شي، په لیکلي ډول له محکمې څخه د جبري تنفیذ غوښتنه وکړي. محکمه کولای شي، د (۱۵)ورځو په اوږدو کې په دې اړه په لاندې توګه

تصرف یا واگذاری به محکمه

مادهٔ چهل ودوم :

(۱) درصورتی که رهن گیرنده نتواند یا نخواهد حیازت مرهونه را طبق حکم مادهٔ سی ویکم به دست آورد و تصمیم بگیرد تا برطبق حکم فقرهٔ (۲) مادهٔ بیست ونهم اقدام به تصرف، واگذاری یا تحت تأمین قرار دادن مرهونه نماید، وی می تواند کتباً از محکمه درخواست تنفیذ جبری نماید. محکمه می تواند درخلال مدت (۱۵) روز در مورد طور ذیل تصمیم

تصمیم ونیسي:
۱- د پربښودنې په منظور، رهن اخیستونکی یا د هغه استازي ته د مرهونې سپارل.
۲- دمرهونې پربښودل.
۳- په اړونده کړنلاره کې د درج شوي فیس او لګښتونو په ورکړه باندې د اشخاصو مکلفول.
۴- د مرهونې تر تأمین لاندې راوستل.
(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې په درج شویو حالاتو کې محکمه او پولیس، د دمخه خبرتیا په وړاندې کولو مکلف نه دي.
دمرهونې له پربښودلو څخه مخکی محکمه باید هماغه په پنځه دېرشمه ماده کې درج شوې خبرتیا چې د رهن اخیستونکي په وسیله ورکول کېږي، صادره کړي.
(۳) که چېرې د مرهونې د تصرف، پربښودنې یا تر تأمین لاندې د ورکولو له امله په هغې کې د حقوقو درلودونکي ثالث اشخاص، زیانمن شي، کولای شي د لاندې اقداماتو لپاره محکمې ته غوښتنلیك وړاندې کړي:
۱- پدې نسبت چې د دین نه

اتخاذ نماید:
۱- تسلیمی مرهونه به رهن گیرنده یا نمایندۀ وی به منظور واگذاری.
۲- واگذاری مرهونه.
۳- مکلف ساختن اشخاص به تأدیۀ فیس ومصارف مندرج طرزالعمل مربوط.
۴- تحت تأمین قرار دادن مرهونه.
(۲) در حالات مندرج فقره (۱) این ماده محکمه و پولیس مکلف به ارایۀ اطلاعیۀ قبلی نمی باشند.
قبل از واگذاری مرهونه محکمه باید عین اطلاعیه مندرج مادۀ سی وپنجم را که توسط رهن گیرنده داده می شود، صادر نماید.
(۳) هرگاه به اثر تصرف، واگذاری یا تحت تأمین قراردادن مرهونه، اشخاص ثالث دارندۀ حقوق در آن متضرر گردند، می توانند جهت اقدامات ذیلبه محکمه درخواست ارایه نمایند:
۱- توقف اجراآت محکمه به

ورکړې صورت ندی مونډلی د محکمې د اجراآتو درول(توقف).
۲- پدې نسبت چې رهن اخیستونکي ددي قانون حکمونه په پام کې ندي نیولی، دمحکمې د حکم مؤقت یا دایمی ځنډول .
۳-لهوښلو وروستهد (۳۰)ورځوپه ترڅ کې د مرهونې له پرېښودنې څخهد تر لاستهشووپیسود وېش تعدیل.
(۴) محکمه ددې مادې په (۳) فقره کې ددرج شوي غوښتنلیك د وړاندې کولو نېټې څخه د (۱۵) ورځو په ترڅ کې تصمیم نیسي.

نسبت اینکه عدم تأدیه دین صورت نگرفته است.
۲- تعلیق مؤقتی یا دایمی حکم محکمه به نسبت اینکه رهن گیرندۀ احکام این قانون را رعایت ننموده است .
۳- تعدیل توزیع پول حاصله از واگذاری مرهونه ، در خلال (۳۰) روز بعد از توزیع .
(۴) محکمه در خلال (۱۵) روز از تاریخ ارایه درخواست مندرج فقرۀ (۳) این ماده تصمیم اتخاذ می نماید.

اووم فصل
متفرقه حکمونه

دقانون دتطبیق محدودیت دري څلوېښتمه ماده :
ددې قانون حکمونه په لاندې مواردو کې د تطبیق وړندي:
۱- د کارکوونکو په معاش او حقوقو پورې د اړوند طلب لېږدول.
۲- دنسیه حسابونو بیع، د هغه سوداګریز خرڅلاو د یوې برخې په توګه دی، چې دغه حسابونه تری

فصل هفتم
احکام متفرقه

محدودیت تطبیق قانون مادۀ چهل وسوم :
احکام این قانون درموارد ذیل قابل تطبیق نمی باشد :
۱- انتقال طلب مربوط به معاش و حقوق کارکنان.
۲- بیع حسابات نسیه به عنوان قسمتی از فروش تجارتی که این حسابات از آن ناشی شده

پیدا شوي دي.

۳- منتقل الیه ته له قرارداد څخه راپیدا شوي د ورکړې وړ مبلغ د تر لاسه کولو د حق لېږدول چې هغه هم په نومورې قرارداد کې یو التزام په غاړه ولري.

۴- د غیرمنقولو مالونو د رهن یا هغو ورکړو د عقد مطابق چې د نومورو مالونو د اجارې له موافقت لیك سره سم صورت مومي، د ورکړې وړ مبلغ د تراسه کولو د حق لېږدول.

۵- د نسیه‌حساب لېږدول‌چې یوازې د لېږدوونکي لپاره د تحصیل د اسانتیا په منظور، صورت مومي.

۶- د محکمې په حکم کې ددرج شووحقوقو لېږدول، خو دا چې د دین د ورکړې په هکله دمحکمې حکم، پدې قانون کې د درج شوي رهن پربنسټ صادرشوی وي.

۷- دنورو‌تقنیني سندونو، کنوانسیونونو یا نړیوالو میثاقونو چې افغانستان ورسره الحاق کړی وي ، تابع معاملې .

درهني حقوقو ثبتول

څلورڅلوېښتمه ماده:

(۱) د ثبت دفتر د دافغانستان

است.

۳- انتقال حق دریافت مبلغ قابل پرداخت ناشی از قرارداد به منتقل الیه که او نیز در قرارداد متذکره التزامی را به عهده داشته باشد.

۴- انتقال حق دریافت مبلغ قابل پرداخت مطابق عقد رهن اموا ل غیر منقول یا پرداخت های که طبق موافقتنامۀ اجارۀ اموا ل مذکور صورت می گیرد .

۵- انتقال حساب نسیه که صرف به منظور سهولت تحصیل آن برای انتقال دهنده صورت می گیرد.

۶- انتقال حقوق مندرج حکم محکمه، مگر اینکه حکم محکمه درمورد تأدیۀ دین به اساس رهن مندرج این قانون صادر شده باشد.

۷- معاملات تابع سایر اسناد تقنینی، کنوانسیونها یا میثاق های بین المللی که افغانستان به آن الحاق نموده باشد.

ثبت حقوق رهنی

مادۀ چهل وچهارم :

(۱) دفتر ثبت توسط دافغانستان

بانك له خوا تأسيس کېږي.
(۲) د ثبت دفتر د الکترونيکی ثبت د رهنې حق د خبرتياوو، د حبس حق او د خبرتياوو د پلټنې امکان برابر وي. الکترونيکي ثبتونې، چې د ثبت په دفتر کې شتون ولري معتبرې ګڼل کېږي.

د شخړو حل او فصل
پنځه څلوېښتمه ماده :
د رهن د حق د لومړيتوب د ټاکلو او د زيان د جبران د ورکړې په اړه ادعا، د واکمنې محکمې لخوا حل او فصل کېږي.

د قانون تطبيق
شپږ څلوېښتمه ماده :
(۱) په لاندې مواردو کې درهن اعتبار، بشپړېدل او مرتبه د هغه سيمه ييز قانون تابع دي چې رهن ورکوونکی، درهني حق دبشپړېدو په وخت کې، هلته مېشت وي:
۱- نسيه حساب، بهالرونکی سند يا هغه پيسې چې په هغو پورې اړوند رهن، د ثبت په ذريعه بشپړ شوی وي.
۲- موتور لرونکی نقليه واسطې چې په مصرفي وسايلو کې شامل

بانك تأسيس می شود.
(۲)دفتر ثبت امکان ثبت الکترونيکی، اطلاعيه های حق رهنی، حق حبس وجستجوی اطلاعيه ها را فراهم می نمايد. ثبت های الکترونيکی موجود در دفتر ثبت معتبر می باشند.

حل و فصل منازعات
مادۀ چهل وپنجم :
ادعای مبنی بر تعيين حق تقدم عقد رهن و پرداخت جبران خساره از طريق محکمۀ ذيصلاح حل و فصل می گردد.

تطبيق قانون
مادۀ چهل وششم :
(۱) اعتبار، تکميل و مرتبۀ رهن در موارد ذيل تابع قانون محلی می باشد که رهن دهنده در آن حين تکميل حق رهنی، اقامت داشته باشد :
۱- حساب نسيه، سند بهادار يا پولی که رهن مربوط آن ذريعۀ ثبت تکميل شده باشد.
۲- وسايط نقليه موتور دار که شامل اجناس مصرفی نبوده

نه وي او الوتکې او ریلونه چې د موجودی په جنسونوکې شامل نه وي.

(۲) د رهن اعتبار، بشپړېدل او د لومړیتوب حق، په لاندې مواردوکې د هغه سیمه ییز قانون تابع دي چې مرهونه، درهني حق د بشپړېدو په وخت کې هلته قرار ولري:

۱- موتور لرونکې نقلیه واسطه چې په مصرفي جنسونو کې شامله وي.

۲- بهـا لرونکی سند یا پیسې، کله چې د رهن اخیستونکي په حیازت کې وي.

۳- هغه مالونه چې ددې مادې په (۱) فقره کې په درج شوي حکم کې، یاد شوي نه وي.

(۳) ددې قانون حکمونه، په هغو معاملوکې چې ددې قانون له انفاذ د مخه یې صورت مونـدلی، د تطبیق وړ ندي.

و طیارات یا ریل هائیکه شامل اجناس موجودی نباشند.

(۲) اعتبار، تکمیل و تقدم حق رهن در موارد ذیل تابع قانون محلی می باشد که مرهونه حین تکمیل حق رهنی در آن قرار داشته باشد:

۱- واسطهٔ نقلیه موتور دار که شامل اجناس مصرفی باشد.

۲- سند بهادار یا پول، هنگامی که در حیازت رهن گیرنده باشد.

۳- اموالی که درحکم مندرج فقرهٔ (۱) این ماده ذکر نشده باشد.

(۳) احکام این قانون درمورد معاملاتی که قبل از انفاذ این قانون، صورت گرفته، قابل تطبیق نمی باشد.

د وارداتي مالونو رهن

اووه څلوېښتمه ماده:

که چېرې مرهونه د هغو مالونو له جملې څخه وي چې له بهر څخه وارد شوي او رهن یې

رهن اموال وارداتی

مادهٔ چهل وهفتم:

هرگاه مرهونه ازجملهٔ اموالی باشد که از خارج وارد شده و رهن آن درخلال (۳۰) روز

افغانستان ته د واردېدو له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې بشپړ شي، پدې صورت کې نومورې رهن په افغانستان کې بشپړ شوی ګڼل کېږي. که چېرې د نومورې مرهونې پلورنه یا اجاره، په هېواد کې د رهن له بشپړېدو د مخه صورت ومومي پدې صورت کې پېرودونکی یا مستأجر، درهني حق مسئول ندی.

د کړنلارو وضع کول

اته څلوېښتمه ماده :

دافغانستان بانک کولی شي، ددې قانون د نېه تطبیق په منظور ، مقررات او کړنلارې وضع کړي.

دحکمونوارجحیت

نهه څلوېښتمه ماده :

که چېرې ددې قانون حکمونه له نوروقوانینو سره په مغایرت کې واقع وي، ددې قانون حکمونه مرجح ګڼل کېږي.

انفاذ

پنځوسمه ماده :

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپورشي.

از تاریخ ورود آن به افغانستان تکمیل گردد ، در این صورت رهن متذکره در افغانستان، تکمیل شده پنداشته می شود. هرگاه فروش یا اجاره مرهونه مذکور قبل از تکمیل رهن در کشور صورت گیرد ، در این صورت مشتری و یا مستأجر مسئول حق رهنی نمی باشد .

وضع طرزالعمل ها

مادۀ چهل وهشتم :

دافغانستان بانک می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقررات وطرزالعمل ها را وضع نماید.

ارجحیت احکام

مادۀ چهل ونهم :

هرگاه احکام این قانون با سایر قوانین در مغایرت قرار داشته باشد ، احکام این قانون مرجح دانسته می شود .

انفاذ

مادۀ پنجاهم :

این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدۀ رسمی نشر گردد.

قانون رهن اموال غیر منقول
در معاملات بانکی

په بانکی معاملوکې دغیر منقول مالونو درهن دقانون دتوشیح په هکله دافغانستان اسلامي جمهوریت درئیس فرمان

ګڼه : (۵۷)
نېټه : ۱۳۸۸/۳/۱۸

لومړۍ ماده :
دافغانستان داساسي قانون دځلور شپیتمی مادې د(۱۶) فقرې او سلمې مادې دحکم پربنسټ ، په بانکي معاملو کې د غیرمنقول مالونو د رهن قانون چې دملي شوري دمجلسینو دګډ هیئت د ۱۳۸۸/۲/۱ نیټې د (۱۲۷) ګڼې فیصلې پربنسټ، تصویب شوی دی، توشیح کوم.

دوه یمه ماده :
دغه فرمان دتوشیح له نېټې څخه نافذ اوله قانون او دګډ هیئت له فیصلیې سره یوځای دې ، په رسمي جریده کې خپورشي.

حامد کرزی
دافغانستان داسلامي جمهوریت رئیس

فرمان
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در مورد توشیح قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی

شماره : (۵۷)
تاریخ : ۱۳۸۸/۳/۱۸

مادۀ اول :
به تأسی ازحکم فقرۀ (۱۶) مادۀ شصت وچهارم ومادۀ صدم قانون اساسی افغانستان ، قانون رهن اموا ل غیرمنقول درمعاملات بانکی را که براساس فیصلۀ شماره (۱۲۷) مؤرخ ۱۳۸۸/۲/۱ هئیت مختلط مجلسین شورای ملی به داخل (۶) فصل و (۴۳) ماده تصویب گردیده، توشیح می‌دارم.

مادۀ دوم :
این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با قانون و فیصلۀ هیئت مختلط درجریدۀ رسمی نشر گردد.

حامد کرزی
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

دافغانستان ملي شوری
مصوبه
په بانکي معاملوکې دغیر منقول مالونو درهن قانون

پرله پسې ګڼه : (۱۲۷)
دتصویب نېټه: ۱۳۸۸/۲/۱
دافغانستان داساسي قانون د سلمې مادې دحکم پربنسټ، دملي شوری ګډ هیئت(هرې جرګې له درې غړو جوړ) فیصله په بانکي معاملوکې دغیرمنقولومالونودرهن قانون د۱۳۸۸ کال دغویي میاشتې په لمړۍ نېټه په شپږو فصلونو او (۴۳) مادوکې تصویب شو.

دګډ هیئت رئیس
عزیز احمد نادم

دګډ هیئت مرستیال
محمد اکبر وحدت

شورای ملی افغانستان
مصوبهٔ
قانون رهن اموال غیر منقول درمعاملات بانکی

شمارهٔ مسلسل : (۱۲۷)
تاریخ تصویب : ۱۳۸۸/۲/۱
مطابق حکم مادهٔ صدم قانون اساسی افغانستان ، فیصله هیئت مختلط مجلسین شورای ملی مرکب از (سه سه عضو از هرجرگه) قانون رهن اموال غیرمنقول در معاملات بانکی به تاریخ اول ماده ثور سال ۱۳۸۸ در شش فصل و (۴۳) ماده تصویب گردید.

رئیس هیئت مختلط
عزیزاحمد نادم

معاون هیئت مختلط
محمد اکبر وحدت

په بانکي معاملو کې د غير منقولو مالونو د رهن قانون

لومړی فصل
عمومي حکمونه

د وضع اړتيا
لومړی ماده:
دغه قانون په بانکي معاملو کې د غير منقولو مالونو په رهن پورې د اړوندو چارو د تنظيم او د معاملې د اړخونو د حقوقو او وجايبو د ټاکلو په منظور وضع شوی دی.

موخه
دوه يمه ماده:
د دغه قانون موخې عبارت دي له :
۱- د غير منقولو مالونو د رهن له لارې د دين او قراردادونو تضمين.
۲- د غير منقولو مالونو د رهن له لارې دبانکي معاملې وړ اعتباراتو ته دلاس رسی د زمينې برابرول.
۳- د بانکي معاملې د ذيدخلو اشخاصو تر منځ د متقابل باور تأمينول.
۴- د سوداګری او اعتباراتو پراختيا ، د پانګونې جلبول او دملي اقتصاد وده.

قانون رهن اموال غيرمنقول درمعاملات بانکی

فصل اول
احکام عمومی

ضرورت وضع
مادۀ اول :
این قانون به منظور تنظیم امور مربوط به رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی و تعیین حقوق و وجایب طرفین معامله وضع گردیده است.

هدف
مادۀ دوم :
اهداف این قانون عبارت اند از:
۱- تضمین دین وقرارداد ها از طریق رهن اموال غیرمنقول .
۲- مساعد ساختن زمینه دسترسی به اعتبارات قابل معامله بانکی ازطریق رهن اموال غیر منقول .
۳- تأمین اعتماد متقابل میان اشخاص ذیدخل معامله بانکی.
۴- توسعۀ تجارت و اعتبارات ، جلب سرمایه گذاری و رشد اقتصاد ملی.

اصطلاحګاني

درېيمه ماده:

لاندې اصطلاحګاني پدې قانون کې لاندې مفاهيم افاده کوي:

۱-دين: د رهن د عقد د تابع پيسو مبلغ دی چې د وجوهودتمويل له امله د مديون (رهن ورکوونکي) پر غاړه (ذمه) اېښودل کېږي. په دين کې تمويل، جريمه، د زيان جبران او نورې اړوندې ورکړې (بديهي) هم شاملېږي.

۲- مديون: هغه شخص دی چې دين يې پر ذمه وي.

۳- داين: هغه شخص دی چې د د افغانستان بانک د قانون اود بانکداری د قانون دحکمونومطابق، د هېواد په دننه يا بهر کې د بانکداری په چارو بوخت او د بل شخص پر ذمه مالي حقوق يا د پرځای کولو وړ وجيبه ولري.

۴- محکوم له داين: هغه شخص دی چې د مرهونې د تر تأمين لاندې راوستلو يا حبس لپاره يې د محکمې حکم تر لاسه کړی وي.

۵-د دين مقاوله: هغه عقد (تړون) دی چې د يوې يا څو معاملو د تضمين په هکله د رهن ورکوونکي او رهن

اصطلاحات

مادۀ سوم :

اصطلاحات آتی در این قانون معانی ذیل را افاده می‌نماید :

۱- دین : مبلغ پول تابع عقد رهن است که بر اثر تمویل وجوه بر ذمه مدیون (رهن دهنده) قرار می گیرد. دین، شامل تمویل، جریمه، جبران خساره و سایر بدهی های مربوط نیز شده می تواند.

۲- مدیون : شخصی است که دین بر ذمه او باشد .

۳- داین: شخصی است که مطابق احکام قانون دافغانستان بانک وقانون بانکداری در داخل یا خارج کشور به اموربانکداری اشتغال وحقوق مالی یا وجیبۀ قابل ایفا برذمۀ شخص دیگری داشته باشد.

۴- داین محکوم له : شخصی است که حکم محکمه را جهت تحت تأمین قرار دادن یا حبس مرهونه، حاصل نموده باشد.

۵- مقاولۀ دین : عقدی است که میان رهن دهنده ورهن گیرنده درمورد تضمین یک یا چند

اخیستونکي ترمنځ منعقد شوی وي.

۶- د غیر منقولو مالونو رهن: پر غیر منقولو مالونو باندې ثبت شوی حقوق دی چې مالک یې د دین د تضمین په منظور، لدې حق څخه رهن اخیستونکي ته داستفادې اجازه ورکړې وي.

۷- رهن ورکوونکی: هغه شخص دی چې د مرهونې مالک وي او معمولاً د رهن تابع دین د هغه پر ذمه وي. که چېرې د مرهونې مالک او مدیون مختلف اشخاص وي، پدې صورت کې رهن ورکوونکی هغه شخص دی چې د مرهونې مالک وي او مدیون هغه شخص دی چې دین یې پر ذمه وي.

۸- رهن اخیستونکی: هغه دا ین دی چې ددین دتضمین په منظور، د رهن عقد دهغه په ګټه لیکل (انشأ) کېږي.

۹- بل رهن اخیستونکی: هغه شخص دی چې په مرهونه کې هم د رهن حق تر لاسه کوي.

۱۰- د راتېټې (موخرې) مرتبې رهن اخیستونکی: هغه شخص دی چې د هغه رهن د لومړې (مقدمې) مرتبې رهن اخیستونکی درهن د معامله منعقد شده باشد.

۶- رهن اموال غیر منقول: حق ثبت شده بر اموال غیرمنقول است که مالك آن به منظور تضمین دین، اجازهٔ استفاده از این حق را به رهن گیرنده داده باشد.

۷- رهن دهنده: شخصی است که مالك مرهونه بوده و معمولاً دین تابع رهن برذمه وی می‌باشد. هر گاه مالك مرهونه ومدیون اشخاص مختلف باشند، دراین صورت رهن دهنده شخصی است که مالك مرهونه بوده و مدیون شخصی است که دین به ذمه وی با شد.

۸- رهن گیرنده: داینی است که عقد رهن به منظور تضمین دین به نفع وی، انشأ شده باشد.

۹- رهن گیرندهٔ دیگر: شخصی است که در مرهونه نیز حق رهن را اکتساب می نماید.

۱۰- رهن گیرندهٔ مرتبهٔ پائینتر (مؤخر): شخصی است که رهن او نسبت به حق رهن، رهن گیرندهٔ مرتبهٔ بلند تر (مقدم) در درجهٔ

حق په نسبت په راتپیتـه درجه کې ځای ولري.

۱۱- مرهونه : هغه غیر منقول مال دی چې د دین د تضمین په منظور، په رهن ورکول کېږي.

۱۲- غیرحیازي رهن: درهن ورکوونکي یا مدیون په واسطه د دین له ورکولو وروسته له دین څخه د مرهونې د آزادولو په اړه دارخونو موافقت ده.

۱۳- درهن سند (تضمین خط): هغه لیکلی سند دی چې د مرهونې مشخصات، د رهن شرایط او د رهن د عقد د ارخونو وجایب توضیح کوي او د رهن ورکوونکي او رهن اخیستونکي لخوا لاسلیک کېږي.

۱۴- مالونه : هغه شیان دي، چې د تملک وړ وي او پر منقول او غیر منقول مال باندې مشتمل دي.

۱۵- منقول مال: هغه مال دی چې لېږدېدل یې له تجزیې، د ماهیت له بدلون اود شکل له بدلون پرته شوني وي، عیني (اجناس) او غیر عیني(د ملکیت‌سندونه، بها لرونکي سندونه، نسیه حسابونه، د چاپ اوخپرولوحق،سوداګریزې نښې اود پائین تر قرار داشته باشد.

۱۱- مرهونه : مال غیر منقولی است که به منظور تضمین دین به رهن داده می‌شود.

۱۲-رهن غیرحیازی: موافقت طرفین است مبنی بر آزاد ساختن مرهونه ازدین توسطرهن دهنده یا مدیون بعد از تأدیهٔ دین.

۱۳- سند رهن (تضمین خط) : سند کتبی است که مشخصات مرهونه ، شرایط رهن و وجایب طرفین عقد رهن را توضیح نموده ، توسط رهن دهنده و رهن گیرنده امضأ می گردد.

۱۴- اموال : اشیائی است، که قابل تملك بوده و مشتمل بر منقول وغیر منقول می باشد.

۱۵- مال منقول : مالی است که انتقال آن بدون تجزیه، تغییر ماهیت و تغییرشکل ممکن بوده شامل عینی (اجناس) وغیر عینی (اسناد ملکیت، اسناد بهادار، حسابات نسیه، حق طبع ونشر، علامات تجارتی و

اختراع حق) پکې شامل وي.
۱۶- غیر منقول مال: هغه ما ل دی چې لېږد بدل یې له تجزیې او د شکل له بدلون پرته شوني نه وي اومسکن، ودانی، ځمکه او ثابته اثاثیه پکې شامل وي.
۱۷- د ثبت اداره : هغه اداره ده، چې د مالکیت سندونه ، پر غیر منقول مالونو باندې رهني معاملې او په هغې پورې اړوند سندونه‌پکې ثبت اوساتي‌ئې.
۱۸- د ثبت خبرتیا: هغه پاڼه (فورم) چې د رهني حقوقو د ثبت د کړنلارې مطابق، برابره او ترتیبېږي.
۱۹- د مالکیت سند: لیکلی سند دی چې د قانون د حکمونو مطابق ترتیب او پر غیر منقولو مالونو باندې مالکیت ثابتوي.
۲۰- تمویلي وجوه : د لګښتونو مبالغ را پیدا شوي له :
- هغه مرسته یا آسانتیا چې د رهن اخیستونکي یا یې د شریک په واسطه په ګټه او ضرر، د بیې په زیاتوالي یا کموالي، استخدام، پېرودنه، پانګه ییزه مرسته، اجاري، په ګډه توګه د اجاره بها په ورکړه، جواز ورکونه، غوښتنو یا

حق الاختراع)می باشد.
۱۶- مال غیر منقول : مالی است که انتقا ل آن بدون تجزیه وتغییرشکل ممکن نبوده و شامل مسکن، تعمیر، زمین و اثاثیه‌ثابت می‌باشد.
۱۷- ادارۀ ثبت : اداره ای است که اسناد مالکیت، معاملات رهنی برامول غیرمنقول و اسناد مربوط به آن را ثبت و حفظ نماید.
۱۸- اطلاعیۀ ثبت : ورقۀ (فورم) که مطابق طرزالعمل ثبت حقوق رهنی تهیه و ترتیب می‌گردد .
۱۹- سند مالکیت : سند کتبی است که طبق احکام قانون ترتیب و مالکیت بر اموال غیر منقول را ثابت می نماید.
۲۰- وجوه تمویلی: مبالغ مصارف ناشی از :
- مساعدت یا سهولتی است که توسط رهن گیرنده یا شریك وی بر اساس اشتراك در نفع و ضرر، افزایش یا کاهش در قیمت ، استخدام، خریداری، کمك سرمایه وی، اجاره، پرداخت اجاره بها به صورت مشترك، جوازدهی،

فیسونو او د غیر منقولو مالونو په پلورنه او پېرودنه کې د ګډون پر بنسټ، برابره شوې وي. په تمویلي عقودو، مرابحې، مساومې، استثناء یا مضاربت کې پر ګډون مشتمله مرستې یا آسانتیاوی هم کېدلی شي.

- ضمانت ، لیټراف کړېدت یا نورې مالي ژمنې چې داین یې د رهن ورکوونکي یا مدیون لخوا برابروي.

- پور (قرضه)، وام، اضافه برداشت، هغه برات چې تنزیل او پېرودل شوی دی یا نورې مالي ژمنې چې د رهن اخیستونکي په واسطه د رهن ورکوونکي یا مدیون لپاره برابر شوي وي.

۲۱- نه ورکړه : د رهن په سند کې درج په ټاکلي وخت د دین یا یې د اقساطو نه ورکړه ده.

۲۲- نه اجراء: د رهن په سند کې درج په ټاکلي وخت د التزاماتو نه تر سره کول دي .

۲۳- منتقل الیه : هغه شخص چې رهن ورته لېږدول یا احاله کېږي.

۲۴- لېږدوونکی: هغه شخص چې پیسې یې د نورو په ذمت وي او له مطالبات یا فیس ها و خرید و فروشاموال غیر منقول فراهم گردیده باشد. مساعدت یا سهولت مشتمل براشتراك در عقود تمویلی، مرابحه، مساومه، استثناء یا مضاربت نیز بوده می تواند.

- ضمانت، لیتراف کریدت یا سایر تعهدات مالی که داین از طرف رهن دهنده یا مدیون فراهم می نماید.

- قرضه، وام، اضافه برداشت، برات ایکه تنزیل و خریداری گردیده یا سایرتعهدات مالی که توسط رهن گیرنده برای رهن دهنده یا مدیون فراهم شده باشد.

۲۱- عدم تأدیه: عدم پرداخت دین یا اقساط آن در موعد معینهٔ مندرج مقاولهٔ دین میباشد.

۲۲- عدم اجرا : عدم ایفای التزامات درموعد معینهٔ مندرج مقاولهٔ دین می باشد.

۲۳- منتقل الیه : شخصی که رهن به وی انتقال یا احاله می شود.

۲۴- انتقال دهنده : شخصی‌که پول وی به ذمت دیگران

رهن او د هغه له اړوندو سندونو څخه را پیدا شوي حقوق پر منتقل الیه باندې حواله کوي.

۲۵ - د مال د حبس حق : د مرهونې تر تأمین لاندې راوستل دي چې په واسطه یې د التزاماتو اجراء تضمینېږي.

۲۶- د پلورنې واک :د مرهونې له ثمن څخه د مالي طلباتود ترلاسه کولو په اړه د رهن اخیستونکي حق دی.

۲۷- خبرتیا: د مشخصې موضوع لرونکي لیکلي معلومات دي چې د نظر وړ شخص د مرکزي دفتر او د اوسېدو او فعالیت د ځای په آدرس استول شوي او له رسېدو څخه یې ډاډ ترلاسه شوی وي.

۲۸- ثابته اثاثیه : هغه منقول مالونه چې په ودانیز یا دایمي ډول پر غیر منقولو مالونو نصب شوي وي

۲۹- شخص : حقیقي یا حکمي شخص دی .

۳۰- پلورنه یا بیع:دټاکلي قیمت په وړاندې د غیر منقولو مالونو د ملکیت لېږد بدل دي، چې د رهن ورکوونکي او رهن اخیستونکي ترمنځ د عقد پربنسټ صورت

بوده و حقوق ناشی از رهن و اسناد مربوط آن را بالای منتقل الیه حواله می نماید.

۲۵- حق حبس مال : تحت تأمین قراردادن مرهونه است که توسط آن اجرای التزامات تضمین می گردد.

۲۶- صلاحیت فروش : حق رهن گیرنده مبنی بر حصول طلبات مالی از ثمن مرهونه می باشد.

۲۷- اطلاعیه : معلومات کتبی حاوی موضوع مشخص است که به آدرس دفتر مرکزی و محل اقامت یا فعالیت شخص مورد نظر ارسال واز وصول آن اطمینان حاصل شده باشد.

۲۸- اثاثیهٔ ثابت : اموال منقولی که بشکل ساختمانی یا دایمی به اموال غیرمنقول نصب شده باشد.

۲۹- شخص : شخص حقیقی یا حکمی می باشد .

۳۰- فروش یا بیع : انتقال ملکیت اموا ل غیرمنقول درمقابل قیمت معین است که بر اساس عقد میان رهن دهنده ورهن گیرنده صورت می

مومي.
۳۱- د رهـــن انـــشأ: د قـــانون د حکمونـو مطـابق، د رهـن رامنځتـه کول او د هغهٔ ثبتېدل دي .
۳۲- د رهن ورکوونکي موقعیت :
ـ د رهن ورکوونکي د سوداګرۍ اصلي مرکـز دی. د هغـه دنـه موجودیـت پـه صورت کې، د رهن ورکوونکي د اوسېدو یا سکونت ځای د اعتبار وړ دی.
ـ د شرکت موقعیت دهغه دتأسیس ځای دی.
۳۳- ګټـه : هغـه ګټـې چـې پـه ملکیت پورې اړه مومي.

دوه یم فصل
د رهن انشأ او اثرات یې

د رهن د حق انشأ
څلورمه ماده :
(۱) د رهـن حـق پـر غیـر منقولـو مالونو باندې د دین د ټول یا یوې برخـې د تـضمین لپـاره انـشأ او ورځخه ګټه اخیستل کېدی شي.
(۲) پـــر هغـــو غیـــر منقولـــو مالونوباندې چې رهن ورکوونکی یې واحد شخص وي، د هغو مالي ارزښت ته په کتنې سره یو یا له یوهٔ څخـه د رهـن زیـات حقونه،انـشأ ګیرد.

۳۱- انشأ رهن : ایجاد رهن و ثبت آن مطـــابق احکـــام قـــانون می باشد.
۳۲- موقعیت رهن دهنده :
ـ مرکز اصلی تجارت رهـن دهنـده است. در صـورت عـدم موجودیـت آن، محـل اقامـت یـا سـکونت رهـن دهنده مدار اعتبارمی باشد.
ـ موقعیت شرکت، محل تأسیس آن است.
۳۳- مفاد : منافعی که بـه ملکیت ارتباط می گیرد.

فصل دوم
انشای رهن و اثرات آن

انشای حق رهن
مادهٔ چهارم :
(۱) حق رهن جهت تضمین تمـام یـا قـسمتی از دیـن بـالای امـوا ل غیرمنقـول انـشأ و از آن اسـتفاده شده می تواند .
(۲) بـالای امـــوال غیـــرمنقـــول کـه رهـــن دهنـــدهٔ آن شـخص واحـــــد باشـــــد ، بـــه ملاحظـــهٔ ارزش مـــالی آن یـك یـــا بـیش ازیـك حـق رهـن

کېدی شي.
(۳) د غیر منقولو مالونو رهن لاندې مشخصات لري:
۱- په یوؤ یا له یوؤ څخه په زیاتو مالونو پورې ارتباط ولري.
۲- د یوؤ یا له یوؤ څخه د زیات رهن د عقد په واسطه ثابت شوی وي.
۳- اخیستونکي په واسطه د حیازت له لاسته راوړلو پرته، انشأ شوی وي.
(۴) پرمشاع مالونو باندې رهن هم، د دې قانون دحکمونو مطابق، انشأ کېږي.
(۵) که چېرې د رهن د عقد له انشأ وروسته، د نوموړي رهن تابع دین، د مدیون له خوا په تاکلي موده کې ورنکړل شي، مرهونه د دین دورکړې په منظور، ددې قانون دحکمونو مطابق د داوطلبی اومزایدې په صورت کې دورځې په نرخ پلورل کېدی شي.

د رهن د سند د انشأ شرطونه

پنځمه ماده :

(۱) د رهن سند تر دغو شرایطو لاندې انشأ کېږي:
۱- د اړخونو په واسطه د مرهونې په هکله د لازمو څرګندونولرونکي، د رهن د حق د لیکلي سندلاسلیک انشأ شده می تواند.
(۳) رهن اموال غیرمنقول دارای مشخصات ذیل می‌باشد :
۱- به یك یا بیش از یك مال ارتباط داشته باشد.
۲- توسط یك یا بیش از یك عقد رهن ثابت شده باشد.
۳- بدون کسب حیازت توسط رهن گیرنده، انشأ شده باشد.
(۴) رهن بر اموال مشاع نیز طبق احکام این قانون انشأ می گردد.
(۵) هرگاه بعد از انشای عقدرهن، دین تابع رهن مذکور از طرف مدیون در میعاد معینه تأدیه نگردد، مرهونه به منظور تادیهٔ دین، طبق احکام این قانون به قیمت روز به صورت داوطلبی ومزایده به فروش رسیده می تواند.

شرایط انشای سند رهن

مادهٔ پنجم :

(۱) سند رهن تحت شرایط ذیل انشأ می گردد :
۱- امضای سند کتبی عقد رهن حاوی توضیحات لازم در مورد مرهونه توسط

کول.

۲- رهـن اخیـستونکي تـه د رهـن ورکوونکي په واسطه، د مرهونې د مالکیـــت د منلـــو وړ ســـندونو وړاندې کول.

۳- د دیـن پـه مقاولـه کـې د درج شـــوو حکمونـــود اجـــراء پـــه اړه د اړخونو ژمنه .

۴- پـــه اړونـــده اداره کـــې د رهـــن ثبتېدل.

(۲) د رهـــن اخیـــستونکي، رهـــن ورکـــوونکي او مـــدیون هویـــت، د رهن په سند کې مشخصېږي.

د حقیقي شخص هویت پر نوم، د پلار او نیکه پرنوم ، آدرس، د زېږېدو نېټې او د تذکرې پر نومره مشتمل دی او د حکمي شخص هویت د فعالیت د جواز او د مالیې ورکونې د تشخیصیه نومرې پربنسټ، ټاکل کېږي.

(۳) د رهن سند هغه وخت د اعتبار وړ ګڼل کېږي چې د اړخونو یا یې د واکمنو استازو او شاهدانو په واسطه د نېټې او د هغوی د نومونو له یادولو سره یو ځای لاسلیک شوی وي.

(۴) اړخونه کولی شي پدې ماده کې پر درج شوو شرایطو برسېره طرفین .

۲- ارایـــۀ اســـناد قابـــل قبـــول مالکیـــت مرهونـــه توســـط رهـــــن دهنـــــده بـــــه رهن گیرنده .

۳- تعهـد طـرفین مبنـی بـر اجـرای احکـــام منـــدرج مقاولـــۀ دین.

۴- ثبـــــت رهـــــن در ادارۀ مربوطه .

(۲) هویـت رهـن گیرنـده ، رهـن دهنـده ومـدیون درسـند رهـن مشخص می گردد.

هویت شخص حقیقی مشتمل بر اسم، اسم پدر وپدر کلان، آدرس، تـاریخ تولـد ونمبـر تـذکره بـوده و هویـت شـخص حکمـی بـه اسـاس جـواز فعالیـت ونمبـر تشخیـصیۀ مالیه دهی، تعیین می شود.

(۳) سند رهـن زمـانی مـدار اعتبـار دانسته میشود که توسط طرفین یا نمایندگان ذیصلاح آنها و شاهدان تـــوأم بـــا ذکـــر تـــاریخ واسـمای شـــان امـضأ گردیـده باشد.

(۴) طـرفین مـی‌تواننـد عـلاوه بـر شـرایط منـدرج ایـن مـاده شـرایط

نور شرایط هم د رهن په سند کې ذکر کړي، پدې شرط چې ددې قانون د حکمونو مغایر نه وي.

(۵) کـه چېـرې رهـن ورکـوونکی د رهـــن د ســـند د منـــدرجاتو پـــه لوستلواو پوهېدوقادرنـه وي، رهـن اخیـستونکی مکلـف‌دی، د سـند لـه لاسلیک‌د مخـه د هغـه‌د ژمنـواووجیبـود څرګندولو(توضیح) لپاره یـو حقـوق پـوه وګماري.

د دین د مقاولې شرطونه

شپږمه ماده :

(۱) د دیـن مقاولـه پـه لیکلـي ډول وي، د اړخونـو لخـوا لاسـلیک او د لاندې مطالبو لرونکې وي:

۱- د مدیون نوم (په هغـه صورت کـې چـې مـدیون غیـر لـه رهـن ورکوونکي څخه وي).

۲- د رهـن د تـابع دیـن د بـشپړې بېرتـــه ورکـــړې پـــه اړه د رهـــن ورکوونکي ژمنه.

۳- د دیـن یـا د اړوندو قسطونو د ورکړې یـا بېرتـه ورکړې د وخت او ځای تاکل او څرنګوالی.

۴- د دین د ورکړل شوو قسطونو د محاســبې‌اووضــع کولــوڅرنګــوالی.

کـه چېـرې رهـن ورکـوونکی پـه دیګـری را نیـز درسـند رهـن ذکـر نماینـد ، مـشروط بـراین کـه مغـایر احکام این قانون نباشد.

(۵) هـر گـاه رهـن دهنـده قـادر بـه مطالعه وفهـم مندرجات سند رهن نباشد ، رهن گیرنده مکلف است ، قبـل‌ازامـضأ سـند توسـط‌رهـن‌دهنـده، حقوقـــدانی را جهـــت توضـــیح تعهـــدات و وجایـــب وی توظیـــف نماید .

شرایط مقاولۀ دین

مادۀ ششم :

(۱) مقاولۀ دین طور کتبی بوده ، توســط طــرفین امــضأ و حــاوی مطالب ذیل می باشد:

۱- اســم مــدیون (درصــورتی‌کــه مـــدیون غیـــر از رهـــن دهنـــده باشد).

۲- تعهـــد رهـــن دهنـــده مبنـــی بربازپرداخـــت کامـــل دیـــن تابع رهن .

۳- تعیـــین زمـــان، مکـــان وچگـــونگی تأدیـــه یـــا بازپرداخـــت دین یا اقساط مربوط.

۴- چگـــونگی محاســـبه و وضـــع اقـــساط تأدیـــه شـــدۀ دیـــن.

هرگـاه رهـن دهنـده مکلـف بـه

راتلونکې کې په مشخصو وختونو کې د قسطونو په ډول په ورکړه مکلف وي، پدې صورت کې رهن اخیستونکی مکلف دی د قسطونو د ورکړې، زماني جدول (مهالوېش) هم له مقاولې سره ضمیمه کړي.

(۲) د دین په مقاوله کې د هویت د ټاکلو، لاسلیک او د نېټې د درجولو په هکله، ددې قانون د پنځمې مادې په (۲) فقره کې درج شوي شرطونه د تطبیق وړ دي.

د رهن د سند او د دین د مقاولې توحید

اوومه ماده :

درهن سند او ددین مقاوله په یوه سند کې توحید کېدلی شي، پدې شرط چې پدې قانون کې درج شوي شرایط ولري.

پرارخونوباندې درهن اغېزه

اتمه ماده :

(۱) د رهن تابع دین کېدلی شي د رهن ورکوونکي یا بل شخص پر ذمه وي.

(۲) که چېرې د رهن سند یا د دین مقاوله، د استوګنځي په ارتباط لاسلیک شي، پدې صورت کې په هغه کې اوسېدونکی شخص نشي تأدیه دین طوراقساط در مواعید مشخص درآینده باشد، در این صورت رهن گیرنده مکلف است، جدول زمانی (تقسیم اوقات) تأدیهٔ اقساط را نیز ضمم مقاولهٔ دین نماید.

(۲) در مورد تعیین هویت، امضأ ودرج تاریخ درمقاولهٔ دین، شرایط مندرج فقرهٔ (۲) مادهٔ پنجم این قانون قابل تطبیق می باشد.

توحید سند رهن و مقاولهٔ دین

مادهٔ هفتم :

سند رهن و مقاولهٔ دین دریك سند توحید شده می‌تواند، مشروط بر اینکه شرایط مندرج این قانون را دارا باشد.

اثر رهن بر طرفین

مادهٔ هشتم :

(۱) دین تابع رهن بر ذمهٔ رهن دهنده یا شخص دیگری بوده می تواند.

(۲) هرگاه سند رهن یا مقاولهٔ دین به ارتباط مسکن امضأ گردد، در این صورت شخص ساکن در آن نمی تواند از حقوق

کولی پدې قانون کې له درج شوو حقوقو او د زیان له جبران څخه په هغوکې انصراف وکړي یا هغه محدود کړي یا درهن دسند یا د دین د مقاولې د باطلېدو باعث شي .

وجبران خسارات مندرج این قانون انصراف ورزیده یا آن را محدود سازد یا با عث ابطال سند رهن یا مقاولهٔ دین گردد.

د رهن ورکوونکي وجیبې او مکلفیتونه

نهمه ماده :

(۱) رهن ورکوونکی مکلف دی، ددې قانون په پنځمه ماده کې د درج شوو شرایطوله په پام کې نیولوبرسېره، د لاندې مواردو ژمنه هم وکړي:

۱- په پیسو باندې درهن تابع دین د اعظمي مبلغ په هکله موافقه.

۲- د غیر له حق څخه د مرهونې خلاصوالی.

۳- د اړخونو له حقوقو او وجیبو څخه د اړخونو خبرتیا او د دین له نه ورکړې یا د التزاماتو له نه تر سره کولو څخه د رامنځته شوي زیان جبران .

۴- د دین د نه ورکړې یا د التزاماتو دنه ترسره کولو په صورت کې د تضمین شوي دین په معادل حدودو کې د ملکیت د حق او پر

وجایب ومکلفیت های رهن دهنده

مادهٔ نهم :

(۱) رهن دهنده مکلف است، علاوه بر رعایت شرایط مندرج مادهٔ پنجم این قانون ، بر موارد ذیل نیز تعهد نماید:

۱- توافق درمورد مبلغ اعظمی دین تابع رهن به پول.

۲- عاری بودن مرهونه از حق غیر.

۳- آگاهی کامل از حقوق و وجایب طرفین و جبران خسارهٔ ناشی از عدم تأدیهٔ دین یا عدم اجرای التزامات.

۴- آگاهی کامل مبنی بر ازدست دادن حق ملکیت وکلیه حقوق مرتبه برمرهونه درحدود معادل تضمین

مرهونې باندې د ټولو مرتبو حقوقو د لـه لاسـه ورکولـو پـه اړه بـشپړه خبرتیا.

۵- د مرهـونې بیمـه (د ځمکـې پـه اسـتثنی) د ځـایي منـل شـوو معیارونو مطابق.

۶- د مرهونې د مناسبو ترمیمونو سرته رسول.

۷- د رهن د سند د کتنې او د هغه د محتویاتو، شرایطو او حدودو د بشپړ درک په اړه تصدیق، په هغه صورت کې چې مرهونه استوګنځی وي.

۸- د توافق شوو شرایطو مطابق، په ټاکلي وخت د دین بېرته ورکړه.

(۲) رهـن ورکـوونکی د لاندې مواردو په پام کې نیولو هم مکلف دی، خو دا چې په لیکلي توګه بل ډول موافقه شوې وي یا ټول دین ورکړل شوی وي:

۱- درهن اخیستونکي له موافقې پرته د مرهونې نه پلورل.

۲- د محدودیت له وضع کېدو یا د مرهونې له حبس څخه مخنیوی.

۳- په معمولو کاري ساعتونو کې د مرهونې د پلټنې (تفتیش) لپاره، رهن اخیستونکي ته د اجازې ورکول.

۴- د قـانون د حکمونـو مطـابق، د شـــــــده درصـــورت عـــدم تأدیـۀ دیـن یـا عـــدم اجـرای التزامات.

۵- بیمـۀ مرهونـه (بـه اسـتثنای زمـین) طبق معیارهـای قبـول شـدۀ محل.

۶- انجـــام ترمیمـــات مناســـب مرهونه.

۷- تـــصدیق مبنـــی بـــر مطالعـــۀ سند رهـن ودرك کامل محتویـات، شـرایط وحـدود آن، درصـورتی کـه مرهونه، مسکن باشد.

۸- بازپرداخت دین درموعد معینه طبق شرایط توافق شده.

(۲) رهـن دهنـده مکلـف بـه رعایـت مـوارد ذیـل نیزمی‌باشـد، مگـر ایـن که طوردیگری کتباً موافقـه صـورت گرفتـــه یـــا تمـــام دیـــن تأدیـــه شده باشد:

۱- عـــدم فـــروش مرهونـــه بـــدون رضایت رهن گیرنده.

۲- ممانعت ازوضـع محـدودیت یـا حبس مرهونه.

۳- اعطـای اجـازه بـه رهـن گیرنـده درســاعات کــاری معمــول جهــت تفتیش مرهونه.

۴- پرداخـــــت مالیـــــات و

مالياتو او محصول ورکول او پر مرهونه بانـــدې د نـــورو التزامـــاتو اجراء.

د رهــن اخيــستونکي وجيبــې او مکلفيتونه

لسمه ماده :

(۱) رهن اخيستونکی مکلف دی، د دې قانون په پنځمه ماده کې د درج شووشرايطوله په پام کې نيولو برسېره، د لاندې مواردو ژمنه هم وکړي:

۱- مديون يا رهن ورکوونکی يا مديون ته د تمويلي وجوهو برابرول يـــا د توافـــق شـــوونورو مـــالي التزامـاتو، د رهـن ورکـوونکي لـه ليکلـــې غوښـــتنې (غوښـــتنليک) وروسته .

۲- د رهـن ورکـوونکي د غوښـتنې مطابق، د وجوهو د تمويل لپاره په نغده توګه يـا يـې معـادل د توافـق شوي پور برابرول، خو دا چې رهن ورکـــوونکی پـــه ليکلـــې توګـــه د وجوهو د تمويل په بل ډول غوښتنه وکړي.

۳- په معمولو کاري ساعتونو کې د حکمي شخص فعاليت او د دين د بېرته ورکړې د ترلاسه کولو لپاره محـصول و اجـرای سـاير التزامـات بـــر مرهونـــه مطـــابق احکـــام قانون.

وجايـــب ومکلفيـــت هـــای رهن گيرنده

مادۀ دهم :

(۱) رهـن گيرنـده مکلـف اسـت ، عـلاوه بـر رعايـت شـرايط منـدرج مـــادۀ پـــنجم ايـــن قـــانون بـــر مـــوارد ذيـــل نيـــز تعهـــد نمايد :

۱- فـــراهم آوری وجـــوه تمـــويلی بـرای رهـن دهنـده يـا مـديون يـا اجـــرای سـاير التزامـات مـالی مـــــورد تـــــوافق بعـــد از درخواســـــت کتبـــــی رهن دهنده.

۲- فراهم آوری قرضۀ مورد توافق طـور نقـد يـا معـادل آن ، جهـت تمويـل وجـوه طبـق درخواست رهـن دهنـده، مگـر ايـن کـه رهـن دهنـده طـــــور کتبی تمويـل وجـوه را بـــه نـــــحو ديگـری درخواسـت نمايد.

۳- فعاليـت شـخص حکمـی در ساعات کاری معمول وموجوديت مـنظم اشـخاص حقيقـی جهـت

د حقیقي اشخاصو منظم شتون.
۴- د دین په مقاوله کې د درج شوو شرایطو مطابق د دین د بېرته ورکړې په هکله اجراآت .
(۲) که چېرې رهن ورکوونکی د دې قانون د نهمې مادې په (۱)فقره کې درج شوي شرایط په پام کې ونه نیسي یا د دین له بېرته ورکړې څخه ډډه وکړي ،رهن اخیستونکی د قرضې د تمویلي وجوهو په تامینولو مکلف ندی.
(۳) رهن اخیستونکی نشي کولی د رهن ورکوونکي ، مدیون یا بل شخص چې مرهونه په خپل حیازت کې لري، ګډه اخستنه اخلال (ګډه وډه) کړي ، پدې شرط چې رهن ورکوونکی د رهن په سند او د دین په مقاوله کې درج شوي حکمونه، په پام کې ونیسي .
(۴) رهن اخیستونکی مکلف دی، د دین له مجموع څخه د ورکړو د وضع کولو په هکله په ربعواره توګه رپوټ ورکړي، خو دا چې د دین په مقاوله کې بل ډول موافقت شوي وي.
(۵) رهن اخیستونکی مکلف دی، د رهن د سند او د دین د مقاولې

دریافت باز پرداخت دین.
۴-اجراآت درمورد بازپرداخت دین طبق شرایط مندرج مقاولۀ دین.
(۲) هرگاه رهن دهنده شرایط مندرج فقرۀ (۱) ماده نهم این قانون را رعایت نه نماید یا از باز پرداخت دین امتناع ورزد ، رهن گیرنده مکلف به تأمین وجوه تمویلی قرضه نمی باشد.
(۳) رهن گیرنده نمی تواند ، استفادۀ رهن دهنده، مدیون یا شخص دیگری را که مرهونه را در حیازت خویش دارند ، اخلال نماید ، مشروط بر اینکه رهن دهنده، احکام مندرج سند رهن و مقاولۀ دین را رعایت نماید.
(۴) رهن گیرنده مکلف است در مورد وضع تأدیات ازمجموع دین به صورت ربعوار گزارش دهد ، مگر اینکه درمقاولۀ دین طور دیگری موافقت صورت گرفته باشد .
(۵) رهن گیرنده مکلف است نسخۀ سند رهن و مقاولۀ دین

لاسلیک شوې نسخه رهن ورکوونکي ته ورتسلیم کړي.

امضأ شده را به رهن دهنده تسلیم نماید.

درېیم فصل
پر ثالثو اشخاصو باندې د رهن اغېزې

فصل سوم
اثرات رهن بر اشخاص ثالث

د رهن د اغېزو لېږد بدل یوولسمه ماده :

(۱) که چېرې بل شخص د رهن د عقد تابع ټول دین ورکړي، پدې صورت کې رهن اخیستونکی کولی شي، رهني حقوق د هغو له ګټو سره یوځای، اعتبار د رهن د ثبت له نېټې څخه، نومورې شخص ته ولېږدوي.

(۲) که چېرې مرهونه د رهن ورکوونکي لخوا د رهن اخیستونکي له لیکلي رضائیت پرته وپلورل شي، د رهن اخیستونکي پر حقوقو یا د زیان پر جبران یې اغېزه نه کوي.

انتقال اثرات رهن
مادۀ یازدهم :

(۱) هر گاه شخص دیگری تمام دین تابع عقد رهن را تأدیه نماید، در این صورت رهن گیرنده می تواند، حقوق رهنی را توأم با منافع آن اعتبار از تاریخ ثبت رهن به شخص مذکور انتقال دهد.

(۲) هرگاه مرهونه توسط رهن دهنده بدون رضایت کتبی رهن گیرنده به فروش رسانیده شود، بر حقوق یا جبران خساره رهن گیرنده، اثری وارد نمی کند.

د رهن د حق لومړیتوب دوولسمه ماده :

(۱) که چېرې د رهن عقد دمرهونې پر عین باندې انشأ شوی وي، د رهني حقوقو لومړیتوب، د دې قانون د حکمونو مطابق ټاکل

تقدم حق رهن
مادۀ دوازدهم :

(۱) هرگاه بیش ازیک عقد رهن برعین مرهونه انشأ شده باشد، تقدم حقوق رهنی طبق احکام این قانون تعیین می

کېږي.

(۲) د رهن په دوو یا له دوو څخه په زیاتو عقدونو کې لومړیتوب، د هغه د ثبت د نېټې پر بنسټ ټاکل کېږي، خو دا چې د دین په مقاوله کې بل ډول تصریح شوي وي.

(۳) که چېرې د رهن د ثبت موده تېره شي یا په تېروتنې سره یا د رهن اخیستونکي له اجازې پرته یاده شوې موده فسخ شي، پدې صورت کې رهن اخیستونکی مکلف دی، د هغې د اعادې په اړه خبرتیا له تېرېدو (انقضاء) یا فسخې وروسته د (۳۰) ورځو په ترڅ کې، د ثبت اداري ته ورکړي. دغه اجراآت د لومړیتوب د حق او نورو رهني حقوقو د مرتبې د راتېټېدو سبب کېدی شي.

(۴) که چېرې د رهن د عقد د مودې له تېرېدو یا فسخ وروسته او دهغه له اعادې د مخه، د قرضې یا تمویلي وجوهو برابرول د قانوني ژمنې له امله، د بلې تېټې مرتبې د رهن د عقد په واسطه تضمینشي، پدې صورت کې د دې مادې په (۳) فقره کې درج شوی حکم د تطبیق ور نه دی.

گردد.

(۲) تقدم در دو یا بیش از دو عقد رهن به اساس تاریخ ثبت آن تعیین می گردد، مگر اینکه در مقاولهٔ دین طور دیگری تصریح شده باشد.

(۳) هرگاه میعاد ثبت رهن منقضی گردیده یا به صورت اشتباهی یا بدون اجازهٔ رهن گیرنده میعاد متذکره فسخ گردد، در این صورت رهن گیرنده مکلف است، اطلاعیهٔ مبنی بر اعادهٔ آن را در خلال (۳۰) روز بعد از انقضاء یا فسخ به ادارهٔ ثبت، ارائه نماید. این اجراآت سبب پائین آمدن مرتبهٔ حق تقدم و سایر حقوق رهنی شده نمی تواند.

(۴) هرگاه بعد ازانقضای میعاد یا فسخ عقد رهن وقبل از اعادهٔ آن، فراهم آوری قرضه یاوجوه تمویلی بالاثر تعهد قانونی، توسط عقد رهن دیگر دارای مرتبهٔ پائین تر تضمین شود، در این صورت حکم مندرج فقرهٔ (۳) این ماده، قابل تطبیق نمی باشد.

د رهـــن، نـــورو طلبـــاتو اوراتلونکـــو پورونو لومړيتوب

د يارلسمه ماده :

د رهـــن لومړيتـــوب دهغـــو پولـــو پيسوپه بـاب چې په اوس (حال) يا راتلونکې کې د وجوهو د تمويل په منظور برابرېږي، شامل دی، پدې شـرط چې د راتلونکـو پورونـو پـه هکله، د رهن په سندکې درج شوی وي.

(۲) که چېرې رهن اخيستونکی، د محکوم لـه دايـن لـه شـتون څخـه د مخـه خبرتيـا ولـري، د هغـه رهـن د نومـوړي دايـن د طلب په نسبت د تمـويلي قرضـې د پيسو پـه بـاب د لومړيتـوب لـه حق څخـه نـه بـرخمن کېږي.

لاتـدې حـالات لـدې امـر څخـه مستثني دي:

۱- پـه هغـه صـورت کې چې د پـور پيسې، له رهن ورکوونکي پرته بل شـخص تـه ورکـړل شـوې وي.

۲- پـه هغـه صـورت کې چې د قرضـې پيسې د قانون يا د محکمې د حکم پـر بنـسټ ورکـړل شـوې وي.

۳- پـه هغـه صـورت کې چې رهـن

تقدم رهن، ساير طلبات و قروض آينده

مادۀ سيزدهم :

(۱) تقـدم رهـن در خـصوص تمـام پـولی کـه بـه منظـور تمويـل وجـوه در حـا ل يـا آينـده فـراهم مـی گـردد ، شـامل مـی‌باشـد ، مـشروط براينکه تقدم رهن درمورد قروض آينـده در سـند رهـن درج شـده باشد.

(۲) هرگـاه رهـن گيرنـده از موجوديـت دايـن محکـوم لـه قـبلاً اطـلاع داشـته باشـد ، رهـن او نـسبت بـه طلـب دايـن مـذکور در خـصوص پـول قرضـه تمـويلی از حـق تقـدم برخـوردار نمـی باشد.

حـالات ذيـل ازايـن امـر مـستثنی است:

1- در صـورتی‌کـه پـول قرضـه بـه شخص ديگر بـه غيـر از رهـن دهنده تأديـه شـده باشـد.

۲- درصـورتی‌کـه پـول قرضـه بـه اسـاس حکـم قـانون يـا محکمـه تأديـه شـده باشد.

۳- در صـورتی کـه رهـن گيرنـده ،

اخیستونکي پر مرهونې باندې د خدمتونو د سرته رسېدو لګښتونه زغملي وي.

(۳) کـه چېرې رهـن اخیـستونکی خبرتیا ولري چې مرهونه د محکوم لـه دایـن د طلـب تـابع ده ، پـدې صـورت کـې د تمـویلي قرضـې پـه ورکړه مکلف ندی.

د مـواد و او خـدمتونو د تـدارک کوونکو طلبات

څوارلسمه ماده :

(۱) کـه چېرې یـو شـخص د خپلې سـوداګرۍ پـه بهیرکـې مـواد یـا خدمتونه له مرهونې سره په ارتباط برابر او تدارک کړي ، په یاده شوې مرهونه کې د نومورې شخص طلب ، د موادو او د خدمتونو د سرته رسېدو د ارزښت په انـدازه پر نورو رهني حقوقـو بانـدې د لومړیتوب حق لري .

(۲) د دې مـادې پـه (۱) فقـره کـې درج شـوي د لومړیتـوب د حـق د ادامې په منظور ، هغه شخص چې طلـب یـې لـه پنځـه ویـشتو زرو افغـانیو څخـه زیـات وي ، مکلـف دی ، د مـوادو لـه تـدارک او د خدمتونو له سرته رسولو وروسته د یوسلو اتیـا (۱۸۰) ورځـو پـه تـرڅ مـصارف انجـام خـدمات را برمرهونـه متحمـل شـده باشد.

(۳) هرګـاه رهـن ګیرنـده اطـلاع داشته باشد که مرهونه تابع طلب دایـن محکـوم لـه مـی باشد دراین صـورت مکلـف بـه تأدیـۀ قرضـۀ تمویلی نمی باشد.

طلبـات تـدارک کننـدګان مـواد و خدمات

مادۀ چهاردهم :

(۱) هرګـاه شخـصی در جریـان تجارت خویش مواد یا خدمات را در ارتبـاط مرهونـه تهیـه و تـدارک نمایـد ، طلـب شـخص مـذکور در مرهونـه متـذکره بـه انـدازۀ ارزش مـواد وانجـام خـدمات بـر سـایر حقوق رهنی، دارای حق تقدم می باشد.

(۲) بـه منظـور ادامـۀ حـق تقـدم منـدرج فقـرۀ (۱) ایـن مـاده، شخـصی کـه طلـب وی بـیش از بیـست وپـنج هـزار (۲۵۰۰۰) افغانی باشد، مکلف است درخلال یکصدوهشتاد (۱۸۰) روز بعد از تهیـه و تـدارک مـواد یاانجـام خـدمات

کې، د ثبت په اړونده اداره کې د یاد شوي طلب د ثبت په منظور اقدام وکړي.

د تبعیت توافقلیك

پنځلسمه ماده :

د لومړیتوب د حق لرونکی رهن اخیستونکی کولی شي ، د مرتبې په تعدیل یا د خپل لومړیتوب له حق څخه په انصراف سره د بل رهن اخیستونکي په ګټه موافقه وکړي . دغه اقدام د تبعیت د توافقلیك په نوم یادېږي.

د تبعیت توافقلیك په لیکلي ډول وي او د دې قانون د حکمونو مطابق ، په اړونده اداره کې ثبتېږي.

توافقنامۀ تبعیت

مادۀ پانزدهم :

رهن گیرندۀ دارای حق تقدم می تواند ، به تعدیل مرتبه یا انصراف از حق تقدم خود به نفع رهن گیرندۀ دیگر موافقه نماید . این اقدام بنام توافقنامۀ تبعیت یاد می شود.

توافقنامۀ تبعیت طورکتبی بوده و طبق احکام این قانون در ادارۀ مربوطه ثبت می‌شود.

د ثالث شخص لخوا د مرهونې تملک

شپاړلسمه ماده :

هغه شخص چې د مرهونې د ملکیت د حق لرونکی وي یا یې ترلاسه کړي، دغه تملک په نومړو غیر منقولو مالونو کې د رهن د موجود حق تابع دی، خودا چې پدې قانون کې بل ډول تصریح شوی وي.

تملك مرهونه ازطرف شخص ثالث

مادۀ شانزدهم :

شخصی که حق ملکیت مرهونه را دارا بوده یا کسب نماید ، این تملك تابع حق رهن موجود در اموال غیر منقول مذکور می باشد ، مگر اینکه دراین قانون طور دیگری تصریح شده باشد .

څلورم فصل
د وجیبو او التزاماتو لېږدېدل

د رهن ورکوونکي او مدیون د وجیبو لېږدېدل

اوولسمه ماده :

د مرهونې او دین په باب د رهن ورکوونکي او مدیون وجیبې، د رهن اخیستونکي د لیکلي رضائیت له ترلاسه کېدو وروسته، بل شخص ته لېږدېدی شي، خو داچې پدې قانون کې بل ډول تصریح شوي وي.

د رهن اخیستونکي التزامات

اتلسمه ماده :

هغه اقدامات یا تقصیرات چې رهن ورکوونکی د هغو مسئول دی، په یوازیتوب سره د رهن اخیستونکي د پلورنې د واک پر اعمالو اغېزه نلري او کوم التزام هغه ته نه وردغاړې کوي.

غیر ته د رهن اخیستونکي د حقوقو لېږدېدل

نولسمه ماده :

رهن اخیستونکی کولی شي، د لېږدوونکي په توګه عمل وکړي او د رهن په عقد پورې اړوند حقوق د

فصل چهارم
انتقال وجایب و التزامات

انتقال وجایب رهن دهنده و مدیون

مادۀ هفدهم :

وجایب رهن دهنده و مدیون در خصوص مرهونه و دین، بعد از حصول رضایت کتبی رهن گیرنده به شخص دیگری انتقال شده می تواند، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد.

التزامات رهن گیرنده

مادۀ هجدهم :

اقدامات یا تقصیراتی را که رهن دهنده مسئول آن می باشد ، به تنهایی بر اعمال صلاحیت فروش رهن گیرنده تاثیری نداشته و التزامی را برای وی بوجود نمی آورد.

انتقال حقوق رهن گیرنده به غیر

مادۀ نزدهم :

رهن گیرنده می تواند ، بحیث انتقال دهنده عمل نموده وحقوق مربوط به عقد رهن را بدون

رهن ورکوونکي له رضائیت پرته غیر ته ولېږدوي، خو دا چې پدې قانون کې بل ډول تصریح شوي وي.

رضایت رهن دهنده به غیر، منتقل نماید، مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد.

د رهن د حق نه لېږد بدل

شلمه ماده :

د رهن حق په لاندې حالاتو کې نشي لېږد بدلی:

۱- د دین او د رهن د سند په مقاوله کې د درج شوو شرایطو مطابق، له لېږدولو څخه په انصراف سره د رهن اخیستونکي لیکلې موافقه.

۲- د قانون د حکمونو مطابق، د لېږد بدو منع.

۳- د رهن ورکوونکي له وفات وروسته د نوي (۹۰) ورځو په ترڅ کې.

۴- د منتقل الیه تر حیازت لاندې له نورو دیونو څخه د دین د تفکیک نه ورتیا.

عدم انتقال حق رهن

مادۀ بیستم :

حق رهن درحالات ذیل انتقال یافته نمی تواند :

۱- موافقۀ کتبی رهن گیرنده به انصراف از انتقال طبق شرایط مندرج مقاولۀ دین و سند رهن.

۲- منع انتقال برطبق احکام قانون.

۳- بعد از وفات رهن دهنده در خلال نود (۹۰) روز.

۴- عدم قابلیت تفکیك دین از سایر دیون تحت حیازت منتقل الیه.

د منتقل الیه حقوق

یوویشتمه ماده :

(۱) پر رهن ورکوونکي باندې د منتقل الیه حقوق د لاندې مواردو تابع دي، خو دا چې په لیکلي توګه په بل ډول موافقه شوې وي:

۱- د لېږدوونکي او رهن ورکوونکي تر منځ د رهن د عقد

حقوق منتقل الیه

مادۀ بیست ویکم :

(۱) حقوق منتقل الیه بالای رهن دهنده تابع موارد ذیل می‌باشد، مگر اینکه طور کتبی به نحو دیگری موافقه شده باشد :

۱- کلیه شروط عقد رهن یا توافقنامۀ مربوط میان انتقال

ټول شرطونه یا اړونده توافقلیک .

۲- د لېږدوونکي پر خلاف د رهن اخیستونکي نورې دعواوې او دفاعیې چې رهن ورکوونکي ته د لېږد ېدنې د لیکلي خبرتیا له رسېدو د مخه یې صورت موندلی وي.

رهن ورکوونکی کولی شي یوازې د دین د مبلغ د راکمولو په منظور، د منتقل الیه پر خلاف دعویٰ اقامه کړي.

(۲) د لېږد ېدنې له اجراء د مخه د منتقل الیه وړاندې د لېږدوونکي او رهن ورکوونکي تر منځ د قرارداد تعدیل یا تعویض ، د سوداګریزو مناسبو معیارونو مطابق، صورت موندلی شي.

د دین راکمول

دوه ویشتمه ماده :

(۱) رهن ورکوونکی تر هغه وخته کولی شي، دین لېږدوونکي ته په ورکړو سره را کم کړي چې منتقل الیه ته یې د واجب الاداء مبلغ او د ورکړو(تأدیاتو) داجراء په اړه خبرتیا تر لاسه کړې نه وي.د دغه ډول خبرتیا له ترلاسه کولو وروسته، رهن ورکوونکی کولی شي، یوازې منتقل الیه ته په دهنده ورهن دهنده .

۲- سایر دعاوی و دفاعیه های رهن دهنده علیه انتقال دهنده که قبل از مواصلت اطلاعیهٔ کتبی انتقال به رهن دهنده صورت گرفته باشد.

رهن دهنده می تواند ، صرف به منظور کاهش مبلغ دین علیه منتقل الیه اقامهٔ دعوی نماید.

(۲) تعدیل یا تعویض قرارداد میان انتقال دهنده و رهن دهنده در برابر منتقل الیه قبل ازاجرای انتقال و اجراآت بر طبق معیارهای مناسب تجارتی صورت گرفته می تواند.

کاهش دین

مادهٔ بیست ودوم :

(۱) رهن دهنده تا زمانی می تواند ، دین را با پرداخت ها به انتقا ل دهنده کاهش دهد که اطلاعیهٔ مبنی بر انتقا ل مبلغ واجب الادا و اجرای تأدیات به منتقل الیه را دریافت ننموده باشد. بعد از دریافت چنین اطلاعیه ، رهن دهنده می تواند ،

ورکړې سره دین راکم کړي ، هر ډول ورکړه چې تر دې وروسته لېږدوونکي ته صورت ومومي ، وروستۍ پایلې (عواقب) یې رهن ورکوونکي ته متوجه دي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوې خبرتیا په هغه صورت کې د اعتبار وړ ده چې د رهن ورکوونکي په آدرس استول شوې او په هغې کې لېږدول شوی رهن توضیح او د هغه ځای آدرس چې د دین راتلونکي ورکړې هلته صورت مومي، مشخص شوی وي.

(۳) رهن اخیستونکی مکلف دی، د رهن ورکوونکي د غوښتنې (غوښتنلیک) په صورت کې، د لېږد ېدنې د اجراء په اړه اثباتیه مدارک د مناسبې مودې په ترڅ کې وړاندې کړي، پدې صورت کې منتقل الیه د نومورې غوښتنلیک په اجراء مکلف دی ، لدې پرته رهن ورکوونکی منتقل الیه ته د دین په ورکړه مکلف ندی ،حتیٰ که یې د لېږد ېدنې خبرتیا هم ترلاسه کړې

صرف با پرداخت به منتقل الیه ، دین را کاهش دهد و هرگونه پرداختی که منبعد به انتقال دهنده صورت گیرد ، عواقب بعدی آن متوجه رهن دهنده می باشد.

(۲) اطلاعیۀ مندرج فقرۀ (۱) این ماده درصورتی قابل اعتبار می باشد که به آدرس رهن دهنده ارسال و در آن، رهن انتقال شده توضیح و آدرس محلی را که تأدیات آیندۀ دین به آن صورت می گیرد ، مشخص شده باشد.

(۳) رهن گیرنده مکلف است، در صورت درخواست رهن دهنده، مدارك اثباتیه مبنی بر اجرای انتقال را در خلال زمان مناسب ارائه نماید ، در این صورت منتقل الیه مکلف به اجرای درخواست مذکور بوده، در غیر آن رهن دهنده به تأدیۀ دین به منتقل الیه مکلف نمی باشد ،حتی اگر اطلاعیه انتقال را نیز دریافت نموده

وي.

(۴) که چېرې پدې قانون کې ټول درج شوي لګښتونه ورکړل شوي وي او لېږدوونکی د زیاتو تمویلي وجوهو د برابرولو یا د التزام د منلو په اړه ژمنه په غاړه ونلري، پدې صورت کې رهن ورکوونکی چې د لېږدونې په اړه خبرتیا یې ترلاسه کړېده د لېږدوونکي په وړاندې دوجیبو له سرته رسولو څخه د برائت(دنه مسئولیت) د لیکلي سند د ترلاسه کولو مستحق دی.

رهن ورکوونکي ته د زیان جبران درویشتمه ماده :

درهن اخیستونکي ، لېږدوونکي یا منتقل الیه په واسطه د دې قانون د حکمونو د نه په پام کې نیولو په صورت کې، د زیانونو جبران د دې قانون په شلمه ، یوویشتمه او دوه ویشتمه ماده کې د درج شوو حکمونو مطابق، صورت مومي .

باشد.

(۴) هرگاه تمامی مصارف مندرج این قانون پرداخت شده باشد و انتقال دهنده تعهد مبنی بر فراهم آوری وجوه تمویلی بیشتر یا تقبل التزامی را بعهده نداشته باشد ، دراین صورت رهن دهنده ای که اطلاعیهٔ مبنی بر انتقال را دریافت نموده ، مستحق دریافت سند کتبی برائت (عدم مسئولیت) از ایفای وجایب در مقابل انتقال دهنده می باشد.

جبران خساره برای رهن دهنده مادهٔ بیست وسوم :

در صورت عدم رعایت احکام این قانون توسط رهن گیرنده ، انتقال دهنده یا منتقل الیه ، جبران خسارات رهن دهنده مطابق احکام مندرج این قانون صورت می گیرد.

پنځم فصل
د نه ورکړې او د نه اجراء اغېزې

د دين د نه ورکړې او د التزاماتو د نه اجراء په صورت کې د حقوقو تاکل او د زيان جبران

څلېريشتمه ماده :

(۱) د دين د نه ورکړې يا د التزاماتو د نه اجراء په صورت کې رهن ورکوونکی او رهن اخيستونکی کولی شي، د رهن په سند او نورو اړوندو موافقو يا د تطبيق وړ په نورو سندونو کې درج شوي ټول حقوق او د زيانونو جبران، د دې قانون د حکمونو مطابق ترلاسه کړي، پدې شرط چې له سوداګريز نظره په مناسب ډول استعمال او اجراء شوي وي.

(۲) هېڅ شخص نشي کولی ، د رهن له سند څخه راپيدا شوي حقوق او د زيانونو جبران چې د دې قانون د حکمونو مطابق منځته راغلي وي ، د نورو قوانينو دحکمونو مطابق ورکړي يا يې اجراء کړي.

فصل پنجم
اثرات عدم تأديه وعدم اجراء

تعيين حقوق وجبران خساره درصورت عدم تأدية دين وعدم اجرای التزامات

مادۀ بيست وچهارم :

(۱) درصورت عدم تأدية دين يا عدم اجرای التزامات ، رهن دهنده و رهن گيرنده می توانند ، کليه حقوق وجبران خسارات مندرج سند رهن وساير توافقات مربوط يا اسناد قابل تطبيق ديگر را طبق احکام اين قانون حاصل نمايند ، مشروط بر اينکه از نظر تجارتی به شکل مناسب استعمال واجرا شده باشد .

(۲) هيچ شخص نمی تواند ، حقوق وجبران خسارات ناشی از سند رهن را که مطابق احکام اين قانون بوجود آمده باشد ،طبق احکام ساير قوانين تأديه يا اجرانمايد.

د نه ورکړې، نه اجراء کولوخبرتیا او تنفیذي اقدامات

پنځه ویشتمه ماده :

(۱) د دیـــن د نـــه ورکـــړې یـــا د التزاماتو د نه اجراء په صورت کې، رهـن اخیـستونکی کـولی شـي ، د دین د نه ورکړې یا د التزاماتو د نـه اجراء او د هغـو د اجراء د غوښتنې په اړه لیکلې خبرتیا زیات نه زیات د (**۳۵**) ورځـو پـه تـرځ کـې رهـن ورکـوونکي تـه ورواسـتوي ، خـو دا چې د رهـن پـه سـند یـا د دیـن پـه مقاوله کې له هغې څخه زیاته موده تصریح شوې وي.

(۲) د دې مـادې په (۱) فقره کـې د درج شوی وخت موده د اوسېدنې د هغـو کورونـو پـه هکلـه چـې رهـن ورکـوونکی یـې حقیقـي یـا حکمـي شخص وي، له (۶۰) ورځو څخه لږ یا د رهن په سند یا د دین په مقاوله کـې لـه درج شـوې مـودې څخـه نشي زیاتېدی.

(۳) پـه هغـه صـورت کـې چـې رهـن ورکـــوونکی ، د دې مـــادې پـــه (۱ یا ۲) فقره کې د درج شوې مودې پـه تـرځ کـې د دیـن پـه ورکـړه یـا دالتزامـاتو پـه اجـراء لاس پـوري

اطلاعیهٔ عدم تأدیه، عدم اجراء و اقدامات تنفیذی

مادهٔ بیست وپنجم :

(۱) درصـورت عـدم تأدیـهٔ دیـن یـا عـدم اجـرای التزامـات ، رهـن گیرنده می تواند ، اطلاعیهٔ کتبی مبنـــی برعـــدم تأدیـــهٔ دیـــن یـــا عـــدم اجـــرای التزامـــات و مطالبـه اجـرای آنـرا حـد اکثـر در خلال (**۳۵**) روز به رهن دهنده، ارسال نماید.مگر اینکـه در سند رهن یا مقاولهٔ دین مـدت بیشتر از آن تـــصریح شـــــــــــده باشد.

(۲) مـدت زمـان منـدرج فقـرهٔ (۱) ایـن مـاده در مـورد رهـن منـازل مـسکونی کـه رهـن دهنـدهٔ آن شـخص حقیقـی یـا حکمـی باشـد ، کمتـــر از(۶۰) روز یـــا مـــدت بیـشتر از میعـاد منـدرج در سـند رهـــن یـــا مقاولـــهٔ دیـــن بـــوده نمی تواند.

(۳) درصـــورتی‌کـــه رهـــن دهنـــده درخـــلا ل میعـــاد منـــدرج فقـره هـای (۱یـا۲)ایـن مـاده بـه تأدیـــهٔ دیـــن یـــا اجـــرای التزامـات عمـل نـه نمایـد ، رهـن

نکړي، رهن اخیستونکی کولی شي لاندې اقداماتو ته لاس کړي:
۱- د دې قانون د درج شوو حکمونو مطابق ، د مرهونې د پلورنې د واک اعمالول.
۲- د کرایې ، ګټې او په مرهونې پورې د نورو اړوندو ورکړو د ټولو مبالغو ترلاسه کول . پدې صورت کې مدیون یا رهن ورکوونکی رهن اخیستونکي ته د نومورو ورکړود تسلیمی مسئول دی.
۳- د کرایې ، ګټې او نورو ورکړو په منظور د مستأجر یا هغه شخص خبرول چې مرهونه په واک کې لري.
(۴) د رهن په سند یا د دین په مقاوله کې درج شوې کرایه ، ګټه یا نورې ورکړې چې د رهن اخیستونکي په واسطه د دې مادې د (۳) فقرې د (۲ او ۳) جز له په پام کې نیولو سره تحصیلېږي په دین کې محاسبه کېږي. رهن اخیستونکی مکلف دی، د دغه ډول مبالغو محاسبه رهن ورکوونکي ته وړاندې کړي.

گیرنده می تواند ، به اقدامات ذیل متوسل شود:
۱- اعمال صلاحیت فروش مرهونه طبق احکام مندرج این قانون .
۲- حصول تمام مبالغ کرایه ، مفاد وسایر تأدیات مربوط به مرهونه. در این صورت مدیون یا رهن دهنده مسئول تسلیمی تأدیات متذکره به رهن گیرنده می‌باشد.
۳- مطلع ساختن مستأجر یا شخصی که مرهونه را در اختیار دارد به منظور تأدیهٔ کرایه ، مفاد و سایر تأدیات.
(۴) کرایه، مفاد یا سایر تادیات مندرج سند رهن یا مقاولهٔ دین که توسط رهن گیرنده با رعایت اجزای (۲و۳) فقرهٔ (۳) این ماده تحصیل می گردد ، در دین محاسبه می شود. رهن گیرنده مکلف است، سند محاسبه چنین مبالغ را به رهن دهنده ارایه نماید.

له رهن څخه د مرهونې د آزادېدل حق

شپږویشتمه ماده :

(۱) مخکې تر دې چې رهن اخیستونکی د مرهونې د پلورنې واک اعمال کړي یا یې د حیازت غوښتونکی شي، رهن ورکوونکی او نور رهن اخیستونکي کولی شي، رهن اخیستونکي ته د بېرته ورکړې وړ ټول مبلغ په ورکړې سره، مرهونه له رهن څخه آزاده کړي.

پدې صورت کې آزادوونکی شخص مکلف دی له خدمتونو څخه را پیدا شوي مناسب لګښتونه، (د حبس حق، ساتنه، ترمیم او د پرېښودو له پاره د مرهونې د چمتو کول) رهن اخیستونکي ته ورکړي .

(۲) که چېرې بل رهن اخیستونکی وغواړي مرهونه له رهن څخه آزاده کړي، پدې صورت کې مکلف دی، رهن ورکوونکي او نورو رهن اخیستونکو ته (د موجودیت په صورت کې) لیکلې خبرتیا ورتسلیم کړي.

(۳) رهن ورکوونکی یوازې د دین د نه ورکړې یا د التزاماتو د نه اجراء په صورت کې کولی شي ، له رهن

حق آزاد ساختن مرهونه از رهن

مادۀ بیست وششم :

(۱) قبل از اینکه رهن گیرنده صلاحیت فروش مرهونه را اعمال یا خواهان حیازت آن گردد ، رهن دهنده و سایر رهن گیرنده گان می توانند ، با تأدیۀ تمام مبلغ دین قابل بازپرداخت به رهن گیرنده، مرهونه را از رهن آزاد سازند .

دراین صورت شخص آزاد کننده مکلف است ، مصارف مناسب ناشی ازخدمات(حق حبس، نگهداری، ترمیم وآماده سازی مرهونه برای واگذاری) را به رهن گیرنده تأدیه نماید .

(۲) هرگاه رهن گیرندۀ دیگر بخواهد مرهونه را از رهن آزاد نماید ، دراین صورت مکلف است، اطلاعیۀ کتبی را به رهن دهنده و رهن گیرنده گان دیگر (در صورت موجودیت) تسلیم نماید .

(۳) رهن دهنده صرف در صورت عدم تأدیۀ دین یا عدم اجرای التزامات می تواند ،سند کتبی

د هغې خپرول دنورو ممکنه وسایلو له لارې هم مجاز دي.
(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې یاده شوې خبرتیا دلاندې مطالبو لرونکې ده:
۱- د مرهونې (څرګندونه) توضیح.
۲- د نه ورکړل شوي دین مبلغ .
۳- د اړوندو لګښتونو مبلغ .
۴- د دې مطلب، څرګندول چې اختصاصي یا عمومي خبرتیا ته ځواب ورکوونکی شخص ، ددې مادې د (۲) فقرې په (۲ او ۳) جز کې د درج شوو مبالغو له ورکړې وروسته کولی شي ، مرهونه وپېرې یا یې له رهن څخه آزاده کړي.
۵- د علني مزایدې ورځ، وخت او ځای.
(۳) په اختصاصي خبرتیا کې د دې مطلب څرګندول چې که چېرې د هغې د ترلاسه کولو مستحق شخص، مرهونه له رهن څخه آزاده نکړي، نومورې مالونه دپلورنې واک ته موکول کېږي او له پلورنې وروسته یې د نه ورکړل شوي دین مسئولیت د رهن ورکوونکي یا مدیون په غاړه دی .

امکان، نشر آن از طریق سایر وسایل ممکنه نیز مجاز می باشد.
(۲) اطلاعیهٔ مندرج فقرهٔ (۱) این ماده حاوی مطالب ذیل می باشد:
۱- توضیح مرهونه.
۲- مبلغ دین تأدیه ناشده.
۳- مبلغ مصارف مربوط .
۴- توضیح این مطلب که شخص پاسخ دهنده به اطلاعیهٔ اختصاصی یا عمومی بعد ازتأدیه مبالغ مندرج اجزای(۲و۳) فقرهٔ (۲)این ماده می تواند مرهونه را خریداری یا از رهن آزاد سازد.
۵- روز، زمان و محل مزایدهٔ علنی.
(۳) توضیح این مطلب در اطلاعیهٔ اختصاصی که هرگاه شخص مستحق دریافت آن، مرهونه را از رهن آزاد نسازد ، اموال متذکره موکول به صلاحیت فروش گردیده و بعد از فروش آن مسئولیت دین تأدیه ناشده به عهده رهن دهنده یا مدیون می باشد.

د اړخونو لـه قـانوني حقوقـو څخـه ملاتړ

نهه ویشتمه ماده :

(۱) رهـن ورکـوونکی یـا پـه مرهونـه کـې ذیحـق شـخص کـولی شـي دلاندې تـدبیرونو پـه نیولـو سـره، صـلاحیت لرونکـی محکمـې تـه مراجعه وکړي:

۱- د پلـورنې د واک د اعمـالو درول (توقف) پدې دلیل چې :

- نه ورکړه واقع شوې نده .

- د نه ورکړې په اړه خبرتیا ورکړل شوې نده.

- پـدې قـانون کـې د درج شـوو حکمونـو مطـابق، رهـن ورکـوونکي تـه د نـه ورکـړې د رفـع کولـو لپـاره کافي وخت ورکړل شوی ندی.

۲- د دې قانون د حکمونـو د نـه پـه پـام کې نیولـو پـه دلیـل د پلـورنې د واک مؤقت یا دایمي تعلیق .

۳- د رهن اخیستونکي د حقوقو او د زیـان دجبـران پـر ابطـال او فـسخ باندې حکم، پدې دلیل چې:

- دین ورکړل شوی.

- رهن موجود ندی.

۴- پـه دې قـانون کـې د درج شـوو شرایطو د په پام کې نیولـو پـه اړه د

حمایـــت ازحقـــوق قـــانونی طرفین

مادۀ بیست ونهم :

(۱) رهـــن دهنـــده یـــا شـــخص ذیحـــق درمرهونـــه مـــی تواننـــد جهـــت اتخـــاذ تـــدابیر ذیـــل بـــه محـــکمۀ ذیـــصلاح مـــراجعه نمایند:

۱- متوقـــف ســـاختن اعمـــا ل صلاحیت فروش بدلیل اینکه :

- عدم تأدیه واقع نگردیده است.

- اطلاعیـۀ مبنـی بـر عـدم تأدیـه ارایه نشده است.

- مهلـــت کـــافی بـــرای رفـــع عـــدم تأدیـــه مطـــابق احکـــام منـدرج ایـن قـانون بـه رهـن دهنـده داده نشده است.

۲- تعلیـــق مؤقـــت یـــا دایمـــی صـــلاحیت فـــروش بـــدلیل عـــدم رعایت احکام این قانون.

۳- حکم بـه ابطـال و فسخ حقوق و جبـــران خـــساره رهـــن گیرنـــده به دلیل اینکه :

- دین تأدیه شده .

- رهن موجود نمی باشد.

۴- مکلف ساختن رهـن گیرنـده و سـایر اشـخاص ذیحـق، مبنـی بـر

رهن اخیستونکي او نورو ذیحقو اشخاصو مکلفول .

(۲) محکمه د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوي مطالب،د رهن اخیستونکي خبرتیا ته رسوي. رهن اخیستونکی مکلف دی دخبرتیا له نېټې څخه د (۱۰) ورځو په ترڅ کې نومورو مطالبو ته ځواب ورکړي او په هکله یې اقدام وکړي .

(۳) د رهن اخیستونکي د نه ځواب یا اقدام په صورت کې، محکمه مکلفه ده ، د (۷) ورځو مودې په ترڅ کې د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو مطالبو په هکله قرار صادر کړي.

(۴) د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو مطالبو په اړه د محکمې د قرار له صادرېدو وروسته، غوښتنلیک ورکوونکی نشي کولی د دوه سوه پنځوسو زرو (۲۵۰۰۰۰) افغانیو یا د رهنې عقد تابع نه ورکړل شوي دین نیمائي (هر یو چې زیات وي)، د تودیع تروخته وروستې محکمې ته غوښتنلیک وړاندې کړي.

رعایت شرایط مندرج این قانون.

(۲) محکمه مطالب مندرج فقرۀ (۱) این ماده را به اطلاع رهن گیرنده می رساند. رهن گیرنده مکلف است در خلال (۱۰) روز از تاریخ اطلاع به مطالب متذکره پاسخ داده و درمورد اقدام نماید.

(۳) درصورت عدم ارایۀ پاسخ یا اقدام رهن گیرنده، محکمه مکلف است درخلال مدت(۷) روزدرمورد مطالب مندرج فقرۀ (۱) این ماده قرار صادر نماید.

(۴) بعد از اصدار قرارمحکمه در رابطه به مطالب مندرج فقرۀ (۱) این ماده، درخواست دهنده نمی تواند ، درخواست به محکمۀ بعدی را الی زمان تودیع مبلغ دوصدوپنجاه هزار (۲۵۰۰۰۰) افغانی یا نصف دین تأدیه ناشده تابع عقد رهنی (هر کدام که بیشتر باشد)، ارائه نماید.

د مزایدې له لارې پلورنه

دېرشمه ماده :

د مرهونې د پلورنې واک ، د دې قانون له شپږ ویشتمې څخه تر دوه دېرشمې مادې پورې ددرج شوو حکمونوله په پام کې نیولو سره تر مناسبو سوداګریزو شرایطو لاندې د علني مزایدې یا خصوصي پلورنې له لارې په هر وخت او ځای کې اعمالېږي او رهن اخیستونکی کولی شي ، مرهونه ثالث شخص ته په اجاره ورکړي یا د علني مزایدې له لارې هغه وپېري.

فروش ازطریق مزایده

مادۀ سی ام :

صلاحیت فروش مرهونه با درنظرداشت احکام مندرج مواد بیست و ششم الی سی و دوم این قانون تحت شرایط مناسب تجارتی از طریق مزایدۀ علنی یا فروش خصوصی در هر زمان و مکان اعمال شده و رهن گیرنده می تواند ، مرهونه را به شخص ثالث به اجاره داده یا از طریق مزایدۀ علنی آنرا خریداری نماید.

د مرهونې نرخ او اېښودنه د پلورنې د واک تابع

یودېرشمه ماده :

(۱) رهن اخیستونکی نشي کولی هغه بیه د مرهونې لپاره ومني چې له هغې سره د مقایسې وړ غیر منقولو مالونو د ارزښت په سلو کې له (۷۵) څخه لږ وي.

(۲) که چېرې رهن اخیستونکی ونشي کولی ، مرهونه د دې مادې په (۱) فقره کې په درج شوې بیه ، وپلوري ، په لږ بیه د نومورې مرهونې پلورل د لاندې شرایطو په موجودیت سره جواز لري:

نرخ گذاری مرهونه تابع صلاحیت فروش

مادۀ سی و یکم :

(۱) رهن گیرنده نمی تواند قیمتی را برای مرهونه قبول نماید که کمتر از (۷۵) فیصد ارزش اموال غیر منقول قابل مقایسه با آن باشد.

(۲) هرگاه رهن گیرنده نتواند مرهونه را به قیمت مندرج فقرۀ (۱) این ماده به فروش رساند ، فروش مرهونه مذکور به قیمت کمتر درصورت موجودیت شرایط ذیل جواز دارد :

۱- رهن اخیستونکی، د قانون د حکمونو مطابق، د مزایدې لړ تر لړه دوه علني غونډې دایرې کړي.
۲- رهن اخیستونکی دې د سندونو له مخې، ثابته کړي چې په هېڅ یوه مزایده کې، د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوې بیه ترلاسه نشوه.

د پلورنې د واک له اعمال څخه د ترلاسه شوو وجوهو وېشل دوه دېرشمه ماده:

د مرهونې د پلورنې یا اجارې د واک د اعمال له درکه ترلاسه شوي وجوه په لاندې توګه وېشل کېږي:
۱- رهن اخیستونکي ته د مالیاتو، د بیمې د لګښتونو، قبض، تصرف، ترمیم یا پلورنې یا اجارې ته د مرهونې د چمتو کولو یا د رهن په سند یا د دین په مقاوله کې د درج شوو نورو لګښتونو په شمول، د مناسبو لګښتونو ورکول.
۲- رهن اخیستونکي ته د ټول واجب الادا دین ورکړه.
۳- هغو رهن اخیستونکو ته چې په ټیټه (لاندې) درجه کې قرار لري، د دیونو ورکړه او د هغو اشخاصو په وړاندې د ژمنو سرته رسول چې د

۱- رهن گیرنده، حد اقل دو جلسهٔ مزایدهٔ علنی را طبق احکام قانون دایر نماید.
۲- رهن گیرنده برویت اسناد، ثابت نماید که در هیچ یک ازمزایده ها، قیمت مندرج فقرهٔ(۱) این ماده حاصل شده نتوانست.

توزیع وجوه حاصلهٔ ناشی ازاعمال صلاحیت فروش

مادهٔ سی و دوم:

وجوه حاصله از درك اعمال صلاحیت فروش یا اجارهٔ مرهونه به ترتیب ذیل توزیع می گردد:
۱- پرداخت مصارف مناسب به رهن گیرنده به شمول مالیات، مصارف بیمه، قبض، تصرف، ترمیم یا آماده سازی مرهونه به فروش یا اجاره و یا سایر مصارف مندرج سند رهن یا مقاولهٔ دین.
۲- تأدیهٔ تمام دین واجب الاداء به رهن گیرنده.
۳- تأدیه دیون به رهن گیرندگانی که درمرتبهٔ پائین تر قرار دارند و ایفای تعهدات بر اشخاصی که حق تأمین

مرهونې پر ملکیت باندې د تأمین یا حبس حق لري.
د لومړیتوب حق د ثبت د نېټې پر بنسټ ټاکل کېږي .
۴- رهن ورکوونکي ته د پاتو وجوهو ورکول.

پر مرهونې باندې د پلورنې د واک د اعمال آثار

دري دېرشمه ماده :

(۱) د مرهونې د پلورنې د واک اعمالول ، د دې قانون د حکمونو مطابق ، د رهن ، نورو رهنې حقوقو یا د نېټې مرتبې لرونکي د حبس حق او په مرهونه کې د رهن ورکوونکي د حقوقو د انقضاء سبب کېږي .

(۲) هغه شخص چې مرهونه یا د هغې یوه برخه یې اجاره کړېده، د اجارې د مودې د تېرېدو تر وخته پورې ،مرهونه د هغه له حیازت څخه وتلی نشي.

رهن اخیستونکی یا د مرهونې مشتري کولی شي د نومورې اجارې د بدل یا د فسخ د جبران په هکله له مستأجر سره مفاهمه وکړي.

(۳) رهن اخیستونکی مکلف دی د پلورنې د واک له اعمالو وروسته د یا حبس بر ملکیت مرهونه را دارند .

حق تقدم بر اساس تاریخ ثبت تعیین می گردد .

۴- پرداخت وجوه باقی مانده به رهن دهنده .

آثار اعمال صلاحیت فروش بر مرهونه

مادۀ سی و سوم :

(۱) اعما ل صلاحیت فروش مرهونه طبق احکام این قانون سبب انقضای رهن، سایر حقوق رهنی یا حق حبس حایز مرتبۀ پائین تر و حقوق رهن دهنده در مرهونه می گردد.

(۲) شخصی که مرهونه یا بخشی از آن را اجاره نموده است، الی زمان انقضای مدت اجاره، مرهونه از حیازت وی خارج نمی گردد.

رهن گیرنده یا مشتری مرهونه می توانند درمورد بدل وجبران فسخ اجارۀ متذکره، با مستأجر مفاهمه نمایند.

(۳) رهن گیرنده مکلف است ، درخلال مدت هفت روز بعد

اوو ورځو مودې په ترڅ کې، ددې قانون د حکمونو مطابق، لیکلی رپوټ چې د لاندې معلوماتو لرونکی وي، رهن ورکوونکي او د غوښتنې په صورت کې نورو رهن اخیستونکو او د حبس د حق لرونکو اشخاصو ته چې په اړونده اداره کې ثبت دی، ورکړي:

۱- ترلاسه شوي وجوه.

۲- د لګښتونو د جبران لپاره ورکړل شوي وجوه .

۳- د دین د ورکړې لپاره ورکړل شوي وجوه .

۴- هغه وجوه چې رهن ورکوونکو یا پر مرهونې باندې د حبس د حق لرونکو اشخاصو ته ورکړل شویدي.

۵- رهن ورکوونکي ته ورکړل شوي وجوه .

از اعمال صلاحیت فروش طبق احکام این قانون گزارش کتبی را که حاوی معلومات ذیل باشد به رهن دهنده و در صورت درخواست به سایر رهن گیرنده گان واشخاص دارندۀ حق حبس که در ادارۀ مربوط ثبت می باشند ، ارائه نماید :

۱- وجوه دریافت شده.

۲- وجوه پرداخت شده جهت جبران مصارف .

۳- وجوه پرداخت شده جهت تادیۀ دین.

۴- وجوهی که به رهن گیرنده- گان یا دارندگان حق حبس بر مرهونه پرداخته شده است.

۵- وجوه پرداخت شده به رهن دهنده .

د رهن اخیستونکي په واسطه د مرهونې د حیازت دوام څلورد پرشمه ماده :

(۱) که چېرې رهن ورکوونکی د تاکلې مودې په ترڅ کې، د دین په ورکړې او د التزاماتو په سرته رسولو اقدام ونکړي، رهن اخیستونکی کولی شي د دین د تولې یا یوې برخې ورکړې په

ادامۀ حیازت مرهونه توسط رهن گیرنده مادۀ سی وچهارم :

(۱) هرگاه رهن دهنده در خلال میعاد معین به تأدیه دین یا اجرای التزامات اقدام نه نماید ، رهن گیرنده می تواند ، پیشنهاد مبنی بر حیازت تمام یا قسمتی از

منظور، پر مرهونې یا یې پر یوې برخې باندې د حیازت په اړه وړاندیز وړاندې کړي. پدې صورت کې رهن اخیستونکی مکلف دی لاندې اشخاص د نوموړي وړاندیز په هکله په لیکلي توګه خبر کړي:

۱- رهن ورکوونکی.

۲- هغه رهن اخیستونکی چې د رهن ورکوونکي په واسطه د خبرتیا د ترلاسه کولو له ورځې د مخه په اړونده اداره کې ثبت شوی وي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوي اشخاص کولی شي د یاد شوي وړاندیز پر خلاف د خبرتیاد ترلاسه کولو له نېټې څخه د (۱۵)ورځو په ترڅ کې په لیکلي توګه په رهن اخیستونکي اعتراض وکړي او رسید ترلاسه کړي .

(۳) که چېرې د دې مادې په (۲) فقره کې د درج شوي موعد په ترڅ کې، اعتراض وړاندې نشي، رهن اخیستونکی کولی شي، په وړاندیز کې د درج شوي دین د ورکړې په منظور، مرهونه قبض کړي، پدې صورت کې رهن اخیستونکی حق

مرهونه رابه منظور تادیهٔ تمام یا قسمتی از دین ارایه نماید.

در این صورت رهن گیرنده مکلف است، اشخاص ذیل را در مورد پیشنهاد متذکره کتباً مطلع سازد:

۱- رهن دهنده.

۲- رهن گیرنده ای که قبل از روز دریافت اطلاعیه توسط رهن دهنده، در ادارهٔ مربوط ثبت شده باشد.

(۲) اشخاص مندرج فقرهٔ (۱) این ماده می توانند علیه پیشنهاد متذکره در خلال (۱۵) روز از تاریخ دریافت اطلاعیه، به صورت کتبی به رهن گیرنده اعتراض نموده ورسید دریافت نمایند.

(۳) هرگاه درخلال موعد مندرج فقره (۲) این ماده ، اعتراض ارایه نشود، رهن گیرنده می تواند، به منظور تأدیه دین مندرج پیشنهاد، مرهونه را قبض نماید، در این صورت رهن گیرنده حق دارد، مرهونه را به صورت

لري، مرهونه د رهن ورکوونکي او له ټیټې مرتبې سره د نورورهن اخیستونکو (چې د پلورنې په اړه خبرتیا هغوته ورکړل شوېده) له حقوقوڅخه په خلاص (عاري) صورت، تر خپل حیازت لاندې راولي یا هغه وپلوري.

رهن اخیستونکی دواکمن استازي په توګه

پنځه دېرشمه ماده :

(۱) په هغه صورت کې چې رهن اخیستونکی پر مرهونې باندې خپل حیازت ته دوام ورکړي یا ددې فصل د حکمونو مطابق د پلورنې واک اعمال کړي ، د مرهونې د ملکیت د سندونو اجراء یا ثبتول ، له لاندې اشخاصو څخه د یوۀ په واسطه صورت مونډلی شي:

۱- رهن ورکوونکی .

۲- هغه رهن اخیستونکی چې د رهن ورکوونکي واکمن استازی وي.

(۲) د ثبت اداره مکلفه ده د پلورنې او مالکیت سندونه چې د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو اشخاصو عاری ازحقوق رهن دهنده ورهن گیرنده گان دیگر با مرتبۀ پائینتر(که اطلاعیه مبنی بر فروش به آنها داده شده است) تحت حیازت خویش قرار داده یا آنرا به فروش برساند.

رهن گیرنده بحیث نمایندۀ ذیصلاح

مادۀ سی وپنجم :

(۱) در صورتی که رهن گیرنده حیازت خود را بر مرهونه ادامه دهد ویا مطابق احکام این فصل صلاحیت فروش را اعمال نماید ، اجرأ یا ثبت اسناد ملکیت مرهونه توسط یکی از اشخاص ذیل صورت گرفته می تواند :

۱- رهن دهنده .

۲- رهن گیرنده ای که نمایندۀ ذیصلاح رهن دهنده باشد .

(۲) ادارۀ ثبت مکلف است ، اسناد فروش و مالکیت را که توسط اشخاص مندرج فقرۀ (۱) این ماده تکمیل

بشپړ شوي وي ، ومني او ثبت يې کړي .

له پلورنې وروسته د مرهونې له مشتريانو څخه ملاتړ

شپږمه برشمه ماده :

د مرهونې د پلورنې په صورت کې، مشتري کولی شي، پدې فصل کې د درج شوو حکمونو مطابق، لاندې اقدامات وکړي:

۱- مرهونه د رهن ورکوونکي له هر ډول حقوقو او د ټيټې مرتبې رهن اخيستونکو يا هغو اشخاصو چې پر مرهونې باندې د حبس يا تأمين حق لري، له دعواوو څخه خلاصه ، تر لاسه کړي .

۲- پر مرهونې باندې د اجارې د فسخ لپاره دې محکمې ته مراجعه وکړي ، پدې شرط چې اجاره د رهنې عقد د توافق ليک د انشأ له نېټې څخه وروسته عقد شوې وي او نومورې اجاره د محکمې په تشخيص ، د مرهونې پر ارزښت باندې د ناوړې اغېزې د غورځولو يا د رهن اخيستونکي حقوق او د زيان جبران ته د تاوان رسولو په منظور، د محکمې په تجويز صورت موندلی وي.

شده باشد ، قبول و ثبت نماید .

حمایت از مشتریان مرهونه بعد از فروش

مادۀ سی وششم :

درصورت فروش مرهونه، مشتری می تواند طبق احکام مندرج این فصل به اقدامات ذیل متوسل گردد :

۱- مرهونه را عاری از هرگونه حقوق رهن دهنده و دعاوی رهن گیرندگان مرتبه پائینتر یا اشخاصی که حق حبس یا تأمین برمرهونه را دارند ، حاصل نماید .

۲-جهت فسخ اجاره برمرهونه به محکمه مراجعه نماید ، مشروط براینکه اجاره بعد ازتاریخ انشای توافقنامه رهنی عقد گردیده واجاره متذکره به تشخیص محکمه به منظور وارد نمودن اثر ناگوار بر ارزش مرهونه یا لطمه وارد کردن بر حقوق باشد .

شپږم فصل
متفرقه حکمونه

د قانون د تطبیق محدودیت

اووه دېرشمه ماده :

د دې قانون حکمونه په لاندې مواردو کې د تطبیق وړ ندي:

۱- د منقولي مرهونې پر مال باندې د رهن د عقد یا په هغې کې دورته حقوقو مطابق یا دغیر منقولو مالونو د اجارې له موافقت لیک سره سم د ورکړې وړ مبلغ د ترلاسه کولو د حق مطابق ، د ورکړې وړ مبلغ د ترلاسه کولو د حق لېږدول .

۲- د محکمې په حکم کې د درج شوو حقوقو لېږدول، خو دا چې حکم د غیر منقولې مرهونې د مال د رهن د حق پر بنسټ، صادر شوی وي .

۳- د رهن د حق د انشأ، بشپړتیا، لومړیتوب یا تنفیذ په اړه معاملې، د نورو نافذو تقنینې سندونو او نړیوالو کنوانسیونونو یا میثاقونو چې افغانستان ورسره الحاق کړی وي، تابع دي.

فصل ششم
احکام متفرقه

محدودیت تطبیق قانون

مادۀ سی وهفتم :

احکام این قانون درموارد ذیل قابل تطبیق نمی باشد :

۱- انتقال حق دریافت مبلغ قابل پرداخت طبق عقد رهن بر مال مرهونه منقول یا حقوق مشابه در آن یا حق دریافت مبلغ قابل پرداخت طبق موافقتنامه اجارۀ اموال غیرمنقول.

۲- انتقال حقوق مندرج حکم محکمه، مگر اینکه حکم در مورد تأدیۀ دین به اساس حق رهن مال مرهونۀ غیر منقول صادر شده باشد.

۳- معاملات مبنی بر انشأ، تکمیل، تقدم یا تنفیذ حق رهن تابع سایر اسناد تقنینی نافذه وکنوانسیون ها یا میثاقهای بین المللی که افغانستان به آنها الحاق نموده باشد.

د ثبت اداره

اته دېرشمه ماده :

(۱) رهنـي حقـوق هغـه وخـت د انفـاذ وړ ګڼـل کېـږي چـې ددې قـانون د حکمونـو مطـابق انـشاء شـوي وي او پـه اړونـده اداره کـې ثبـت شوي وي.

(۲) رهـن اخيـستونکی مکلـف دی پـه رهـن کـې هـر ډول تعـديل، رفـع او وارد شـوی لېـږد، پـه اړونـده اداره کـې ثبـت کړي .

د شخړو حل او فصل

نهه دېرشمه ماده :

د رهـن د عقـد د لومړيتـوب د حـق د ټـاکلو پـه اړه ادعـا او د زيـان دجبران ورکړه د واکمنې محکمـې لـه لارې حـل او فصل کېږي .

پر ما قبل باندې د قانون اغېزې څلوېنتمه ماده :

(۱) د دغـه قـانون حکمونـه د هغـو معـاملو پـه برخـه کـې چې د دې قانون له انفاذ دمخه يې صـورت مونـدلی، د تطبيـق

ادارۀ ثبت

مادۀ سی وهشتم :

(۱) حقـوق رهنـی زمـانی قابـل انفـاذ دانـسته مـی شـود کـه مطـابق احکـام ايـن قـانون انـشأ گرديـده و در ادارۀ مربوطـه ثبـت شده باشد.

(۲) رهن گيرنده مکلف است هرنوع تـعديل، رفـع و انتـقال وارده در رهـن را در ادارۀ مربـوط ثبـت نمايد .

حل و فصل منازعات

مادۀ سی ونهم :

ادعـای مبنـی بـر تعيـين حـق تقدم عقد رهـن و پرداخت جبران خـسارە از طريـق محکمـۀ ذيـصلاح حـل و فصل می گردد.

اثرات قانون به ماقبل

مادۀ چهلم :

(۱) احکـام ايـن قـانون در خـصوص معـاملاتی کـه قبـل از انفـاذ ايـن قـانون صـورت گرفتـه انـد ، قابـل تطبيـق

ورنديِ.
(۲) د موجودو غير حيازي رهني عقودو اړخونه کولی شي هغه نوي سندونه چې د دې قانون له حکمونو سره مغايرت ونلري، لاسليک او په اړونده اداره کې يې ثبت کړي .

نمی باشد .
(۲) طرفين عقود رهنی غير حيازی موجود می توانند اسناد جديد را که با احکام اين قانون مغايرت نداشته باشد ، امضأ و در ادارۀ مربوطه ثبت نمايند.

د لايحو اوکړنلارو وضع کول
يوڅلوېښتمه ماده :
د د افغانستان بانک کولی شي ددې قانون د حکمونو د ښه تطبيق په منظور لايحې او کړنلارې وضع کړي.

وضع لوايح وطرزالعمل ها
مادۀ چهل ويکم :
دافغانستان بانک می‌تواند به منظور تطبيق بهتر احکام اين قانون لوايح و طرزالعمل ها را وضع نمايد.

د احکامو ارجحيت
دوه څلوېښتمه ماده :
که چېرې د دې قانون حکمونه له نورو قوانينو سره مغايرت ولري،د دغه قانون حکمونه مرجح ګڼل کېږي .

ارجحيت احکام
مادۀ چهل ودوم :
هرگاه احکام اين قانون با ساير قوانين در مغايرت قرار داشته باشد ،احکام اين قانون مرجح دانسته می شود.

انفاذ
دري څلوېښتمه ماده :
دغه قانون له توشيح وروسته نافذ او په رسمي جريده کې خپرېږي.

انفاذ
مادۀ چهل وسوم :
اين قانون بعد از توشيح نافذ و در جريدۀ رسمی نشر می گردد.